



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

۲

علم مفاهیم شناسی
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصغرنانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد سوم - حرف پ
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۲۴	پا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۳	پاداش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۰۱	پادشاه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۱۴	پاسخ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۴۴	پاکان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۱۱۴	پدر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۱۴۷	پرسش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۹۶	پرندگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۱۸	پسر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۴۷	پشیمانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۰۸	پلیدان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۵۲	پناهندگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۵۴	پنار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۶۵	پوچ گرایان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۶۷	پوست از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۷۷	پوشاک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۸۸	پوشش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۹۶	پول از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۹۸	پیران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۵۰۰	پیروان ادیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

۱۵۰۸	پیروان ادیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۵۶۶	پیروان انبیا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۵۸۲	پیروان شعیب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۵۸۶	پیروان شیطان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۶۰۳	پیروزی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۸۳۴	پیری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۸۶۳	پرسی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۸۶۵	پیشرفت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۸۶۷	پیشگامان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۹۲۵	پیشگویی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۹۶۲	پیشنهاد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۹۸۶	پیشنهاد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۰۰۹	پیشینه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۰۲۲	پیشینیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۰۳۶	پیمانہ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۰۴۲	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد سوم - حرف پ / رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف: ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره: ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی: ۳۷۲/۲۱ د ۵۷۷۴ د ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است. که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف، هدف، فایده،

پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: (۱) مبانی تفسیر؛ (۲) قواعد تفسیر؛ (۳) منابع تفسیر؛ (۴) شرایط مفسر؛ (۵) سنجه‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ (۶) روش‌های تفسیری؛ (۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می‌باشد. زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبان‌شناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک و متودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن براساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متأسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این زمینه مراکز

قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصور است اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن را در منظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مینا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه در حیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن و صداها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانی که خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است

و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر موج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبانی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآوردند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلامی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فرو بسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) - وجود لفظی

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مباحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر خواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانی که

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند و یا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

پا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پا

آثار گواهی اخروی پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۴

۴ - کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره آنان، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح (زبان، دست و پای) خود آنها خواهد بود.

یوم تشهد علیهم ألسنتهم... یومئذ یوفّیهم الله دینهم الحقّ

جمله <یومئذ یوفّیهم الله> استثناف بیانی است و پاسخ به این سؤال است که گواهی زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، برای چه منظوری است؟ پاسخ آیه شریفه این است که این گواهی، به منظور اعطای جزای کامل و عادلانه می باشد و این جزا بر پایه همین گواهی استوار است.

پا زدن ایوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - توصیه خداوند به ایوب (ع)، مبنی بر کوبیدن پای خود بر زمین برای جوشیدن آب از آن

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

<ارکض> در اصل به معنای زدن با پا است و هرگاه به راکب نسبت داده شود، به معنای راندن مرکوب و هرگاه به رونده نسبت داده شود، به معنای گام نهادن بر زمین خواهد بود (مفردات راغب). در آیه شریفه به قرینه <هذا مغتسل...>، به دست می آید که مقصود پای کوبیدن بر زمین برای جوشیدن چشمه و آب سرد از آن است.

، بلافاصله پس از این بود که ایوب (ع) پای خود را بر زمین کوبید .

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

پوشش پا در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۹

۲۹ - بر زنان مؤمن ، پوشاندن پا تا میچ و زینت های آن (مانند خلخال) واجب است .

و لا یضر بن بأرجلهن لیعلم ما یخفین من زیتتهن

تهدید به قطع پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۹

۹ - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مورد تهدید فرعون به قطع دست و پا و کشیده شدن بر صلیب

لأقطعن أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأصلبنکم أجمعین

جانداران دو پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۶

۶ - بعضی از جانداران ، بر روی دو پا راه می روند .

و منهم من یمشی علی رجليه

قطع پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۷، ۲۴، ۵، ۳، ۲، ۱

۱ محاربین و ستیزه جویان با خدا و رسول یا باید کشته شوند و یا به دار آویخته گردند و یا دست و پایشان از جهت مخالف بریده شود و یا تبعید گردند .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّٰه و رسوله .. او ینفوا فی الارض

۲ محاربین در صورت فسادانگیزی در جامعه ایمانی ، محکوم به یکی از حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید)

انما

جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله .. او ینفوا فی الارض

برداشت فوق بر این مبناست که واو عاطفه در <و یسعون> واو جمع باشد. یعنی حد ذکر شده از آن محاربی است که فسادگر باشد. تکرار نشدن <الذین> در <یسعون> مؤید این معناست.

۳ حدود چهارگانه (قتل، به دار آویختن، قطع دست و پا و تبعید)، کیفری مناسب برای محاربان فسادگر

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

<جزاء> در لغت به معنای کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

۵ تبهاران و فسادانگیزان جامعه ایمانی، محکوم به یکی از حدود چهارگانه (قتل، به دار آویختن، قطع دست و پا و تبعید)

*

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی .. او ینفوا من الارض

کلمه <فی الارض> بیانگر این است که مراد از <فساد>، فساد در جامعه است، نه فسادهای فردی. گفتنی است که در برداشت فوق <فسادگری> عنوانی مستقل از محارب گرفته شده است.

۲۴ قطع یک دست و یک پا از جهت مخالف، مجازات محارب فسادگر در زمین، در صورت غارت نمودن اموال بدون ارتکاب قتل

انما جزؤا الذین یحاربون الله .. او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلف

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب الله و رسوله و سعی فی الارض فساداً .. و ان اخذ المال و لم یقتل قطعت یده و رجله من خلاف ...

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۷ بریدن یک دست و یک پا از

جهت مخالف و سپس به دار آویختن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها به همراه قتل و غارت اموال

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله . . . و ارجلهم من خلف

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . . . و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس و اخذوا المال امر بقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف و صلبهم بعد ذلک . . .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۲

۲ قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر ، از کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأقطعن أیدیکم و أرجلکم من خلف

قطع پا در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - قطع یک دست و یک پا بر عکس یکدیگر ، از شکنجه های سخت نظام فرعونی برای مخالفان

لأقطعن أیدیکم و أرجلکم من خلف

گواهی اخروی پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۱،۲

۱ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم

۲- اعضا و جوارح (زبان ، دست و پای) گنه کاران ، تمامی گفته ها و کرده های آنان را باز گفته و از هیچ

عمل خلافی ، فروگذار نخواهند کرد .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۳

۳ - دست ها و پا های کافران ، در قیامت علیه آنان به سخن آمده و بر دستاوردهایشان ، گواهی خواهند داد .

تکلمنا أیدیههم و تشهد أرجلهم بما كانوا یکسبون

محدوده مسح پا در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۴۱، ۴۰

۴۰ کفایت مسح قسمتی از پا و سر در وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: .. ان المسح ببعض الرأس لمكان الباء ثم وصل الرجلین بالرأس كما وصل الیدین بالوجه ... فعرفنا حین وصلها بالرأس ان المسح علی بعضها ...

کافی، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۶، ح ۷۰.

۴۱ حد مسح پا در وضو ، مفصل آن است .

إلی الکعبین

امام باقر(ع) در بیان معنای <کعبین> در آیه فوق فرمود: ... ههنا یعنی المفصل دون عظم الساق ...

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۸، ح ۷۳.

مسح پا در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۴، ۵، ۶، ۱

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم و ايديكم . . . و امسحوا برءوسكم و ارجلكم

۴ مسح پا تا برآمدگی روی آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسكم

و ارجلکم إلی الکعبین

۵ مسح پا تا قوزک های دو طرف آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلی الکعبین

در برداشت فوق <کعب> به معنای قوزک پا گرفته شده است و تشبیه آمدن <کعبین> مؤید این معناست. زیرا هر پا دو قوزک دارد.

۶ در مسح پا باید همه آن مسح شود . *

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلی الکعبین

منصوب بودن <ارجلکم> حکایت از آن دارد که باء تبعیض بر آن داخل نشده است، بلکه <ارجلکم> عطف بر محل <برءوسکم> شده و در حقیقت مفعول بدون واسطه برای <امسحوا> است.

پاداش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۴، ۱۶

۱۳ پاداش و جزای کردار آدمی در قیامت بر اساس عدل

ثم توفی کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

۱۴ ضرورت برپایی قیامت و معاد برای دریافت تمامی جزاها و پاداش های اعمال *

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثم توفی کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

جمله <و هم لا یظلمون> (عدالت الهی)، پس از جمله <توفی کل نفس ما کسبت>، بیانگر این است که ستم نشدن بر انسانها در گرو دریافت کامل جزا و پاداش اعمال آنان می باشد و این معنا تنها در قیامت تحقق می یابد.

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول كلّ شيء غلّ عن الامام.

تفسير عياشي، ج ١، ص ٢٠٥، ح ١٤٨؛ تفسير برهان، ج ١، ص ٣٢٤، ح ٢.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۴،۵،۷

۴ تضمین پاداش عملکرد مؤمنان ، از سوی خداوند

انّ الله لا يضيع اجر المؤمنين

۵ ایمان ، شرط ضایع نشدن پاداش عمل

انّ الله لا يضيع اجر المؤمنين

آوردن اسم ظاهر <المؤمنين> به جای ضمیر، بیانگر این است که پاداش عملکرد مجاهدان مشروط به ایمان آنان است.

۷ شادمانی شهیدان از اینکه خداوند اجر مؤمنان را تباه نمی سازد .

یستبشرون بنعمه . .. انّ الله لا يضيع اجر المؤمنين

جمله <ان الله>، عطف بر کلمه <نعمه> است ؛ یعنی <یستبشرون بان الله لا يضيع>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۹،۱۰،۲۱

۹ تفاوت مؤمنان مجاهد ، از نظر عملکرد و پاداش

لا يضيع اجر المؤمنين. اللّٰذین استجابوا لله ... للّٰذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر ع

اگر <الذین> صفت برای <المؤمنین> باشد، مؤمنان به دو گروه تقسیم شده اند: آنان که دعوت پیامبر (ص) را برای جهاد پذیرفتند، ولی از تقوا و احسان لازم برخوردار نبودند؛ و آنان که دعوت را پذیرفتند و دارای احسان و تقوا نیز بوده اند. <اجر عظیم>، مخصوص گروه دوم است و به دلیل <انّ الله لا- یضیع اجر المؤمنین>، گروه اول نیز دارای پاداش هستند؛ امّا نه پاداش عظیم.

۱۰ تقوا و نیکوکاری ، مایه ازدیاد پاداش مجاهدان مؤمن

للّٰذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

۲۱ پاداش بزرگ امیرالمؤمنین (ع) به خاطر احسان و تقوا و اجابت خدا و پیامبر (ص) پس از مجروح شدن در جنگ احد

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لَّهِ وَالرَّسُولِ .. اجر عظيم

امام صادق

(ع): انّ رسول الله بعث عليّاً في عشره <استجابوا لله و الرّسول من بعد ما اصابهم القرع> الى <اجر عظيم>. انّما نزلت في امير المؤمنين (ع).

تفسير عياشي، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۵۳؛ تفسير برهان، ج ۱، ص ۳۲۶، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۶

۲۶ استحقاق اجر عظيم الهی، در گرو ايمان به خدا و رسول و پرهيز از مخالفت با آنان

و ان تؤمنوا و تتقوا فلکم اجر عظيم

چون کلمه <اجر>، ظهور در پاداش استحقاقی دارد، در برداشت فوق، کلمه استحقاق آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۳، ۴، ۵، ۷، ۲۱

۳ دریافت سزای کامل اعمال، تنها در روز قیامت است.

و انّما توفون اجورکم يوم القيمه

۴ محاسبه دقيق اعمال انسان و جزای عادلانه آن در قیامت

و انّما توفون اجورکم يوم القيمه

<توفون> (اعطای پاداش کامل و تمام در مقابل عمل)، حکایت از محاسبه دقيق اعمال دارد و نیز حاکی از عدالت در پرداخت پاداش است.

۵ دریافت برخی از پاداش ها و جزای اعمال در غير قیامت (دنيا و برزخ) *

و انّما توفون اجورکم يوم القيمه

کلمه <انّما>، دریافت کامل پاداش و جزا را منحصر به روز قیامت می کند، لذا مفهوم آن، دریافت برخی از جزا و پاداش در غير روز قیامت است و مراد از غير قیامت، می تواند دنيا و یا برزخ و یا هر دو باشد.

۷. برخورداری از بهره های اخروی ، نتیجه اعمال دنیوی انسان

و انما توفون اجورکم یوم

۲۱ بهره های دنیا در برابر پاداش های کامل اخروی اعمال ، فریبی بیش نیست .

وَأَمَّا تَوْفُونِ اجوركم يوم القيّمه . . . و ما الحيوه الدّنياً الاّ متاع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱۰، ۳، ۵، ۲

۲ خداوند ، نویددهنده پاداش به خردمندان مؤمن

رَبَّنَا و اتنا ما وعدتنا على رسلك

۳ پیامبران ، واسطه خداوند در نوید پاداش به خردمندان

اتنا ما وعدتنا على رسلك

۵ نوید پاداش به خردمندان مؤمن از سوی خداوند ، پرتوی از ربوبیت او

رَبَّنَا و اتنا ما وعدتنا على رسلك

۱۰ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به دعا و درخواست پاداش های موعود وی

رَبَّنَا و اتنا ما وعدتنا على رسلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۰، ۲۱، ۳۴، ۳۵ - ۱۸، ۱۹، ۱۴، ۸، ۷

۷ خداوند ، هرگز عمل مؤمن را ضایع نکرده و وی را از پاداش اعمالش بهره مند خواهد کرد .

أَنِّي لَا أُضِيعُ عمل عامل منكم

خطاب <منکم> می رساند که اگر انجام دهنده اعمال نیک مؤمن باشد، عمل او ضایع نخواهد شد و در دنیا و آخرت به ثمر خواهد نشست.

۸ برقراری نظام پاداش عمل و تباه نشدن اعمال خیر ، پرتوی از ربوبیت خداوند

فاستجاب لهم ربهم انّی لا اضیع عمل عامل منکم

۱۴ در پیشگاه خداوند ، بین زن و مرد در برخورداری از نتایج اعمال ، تفاوتی نیست .

انّی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی

۱۸ یکسانی زن و مرد در ماهیّت و حقیقت انسانی ، فلسفه تساوی آنان در برخورداری از اجر و پاداش

أَنْتِي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتِي بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَا كُفْرَانَ عَنْهُ

۲۰ آمرزش گناهان و بهشت ، پاداش خداوند به هجرت کنندگان از شرک و کفر *

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ .. لَا كُفْرَانَ عَنْهُمْ سَيَاتِهِمْ وَ لَا دَخَلَتْهُمْ جَنَاتٌ

می توان گفت مراد از هجرت به قرینه ادامه آیه (اخراجوا من دیارهم)، هجرتی است که رانده شدن از خانه و کاشانه را در پی داشته باشد. و این هجرت همان ترک شرک و کفر است.

۲۱ پاداش مهاجران ، آوارگان ، آزاردیدگان در راه خدا ، مجاهدان و شهیدان ، تضمین شده از سوی خداوند

أَنْتِي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ .. فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أُوذُوا فِي سَبِيلِي

لام قسم و نون تأکید در <لَا كُفْرَانَ> و در <لَا دَخَلَتْ> دلالت بر تأکید و تضمین پاداش دارد.

۳۴ ضایع نشدن اعمال مؤمنان و ثمردهی آن ، به بهره مندی از پاداش های الهی (مغفرت و بهشت) است .

أَنْتِي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ .. ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

۳۵ بهشت و آمرزش گناهان ، پاداش نیک خداوند

لَا كُفْرَانَ .. وَ لَا دَخَلَتْهُمْ ... ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱۴، ۱۵، ۱۶

۱۴ بهترین پاداش الهی ، از آن ابرار و

نیکان است .

و ما عند الله خیر للابرار

برداشت فوق بر این منبست که <للابرار>، خبر دوّم برای <ما>ی موصوله باشد، نه متعلّق به <خیر>.

۱۵ پاداش ابرار ، پاداشی عظیم ، توصیف ناپذیر و برتر از بهشت و مواهب آن می باشد .

و ما عند الله خیر للابرار

مراد از <ما عند الله>، می تواند پاداشی غیر از بهشت و مواهب آن باشد و بیان آن به صورت مبهم، حاکی از عظمت و وصف ناپذیری آن است.

۱۶ پاداش اصلی و برتر نیکان و ابرار ، در پیشگاه خداوند است .

و نزلا من عند الله و ما عند الله خیر للابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۵، ۲۰

۲۰ آن گروه از اهل کتاب که به خدا، قرآن و کتب آسمانی خویش ایمان آورند ؛ از پاداشی ویژه و والا بهره مند خواهند شد .

اولئک لهم اجرهم عند ربهم

کلمه <عند ربهم>، توصیف <اجرهم> است و می رساند که آن پاداش، پاداشی ویژه و ارزشمند است.

۲۵ خداوند پاداش مؤمنان را بدون تأخیر ، به آنان عطا خواهد کرد .

لهم اجرهم عند ربهم ان الله سریع الحساب

یادآوری سرعت حسابرسی پس از بیان پاداش دهی، بیانگر آن است که اعطای اجر از سوی خداوند، با تأخیر در حسابرسی مواجه نخواهد شد.

۲۷ پاداش مؤمنان از سوی خداوند ، بر اساس درجه ایمان و عملکرد آنان است .

اولئک لهم اجرهم .. ان الله سریع الحساب

اگر پاداش بر اساس عملکردها نبود، حسابرسی معنا نداشت؛ و با توجه به مشارالیه <اولئك> معلوم می شود که هم ایمان

و هم عملکرد مؤمنان، موجب استحقاق پاداش برای آنان شده است.

آثار ایمان به پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۸

۸ - ایمان به قیامت و پاداش و کیفر آن روز، عامل رهایی انسان از دلبستگی به متاع های مادی و دنیوی و سبب رویکرد او به

آرمان های بلند معنوی و اخروی

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

آثار پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۶

۶ - کیفر و پاداش و تشویق و تهدید، دو عامل بهم پیوسته و ضروری، برای هدایت و تربیت انسان

ذوقوا فتنتکم . . . إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ

خداوند، در کنار تهدید و کیفر کافران، به تشویق و پاداش مؤمنان تقوایبشه پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۴ - ۶

۶ - مقرر کردن < کیفر و پاداش > و < تنبیه و تشویق >، دو روش هدایتی و تربیتی قرآن

كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرُ أَكْبَرُ . . . إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ

آثار پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۸

١٨ - قال أبو عبد الله (ع) الله راض عن المؤمن في الدنيا والآخرة و المؤمن و إن كان راضياً عن الله فإنّ في قلبه ما فيه لما يرى في هذه الدنيا من التمحيص فإذا عاين الثواب يوم القيامة رضى عن الله الحقّ حقّ الرضا و هو

قوله < و رضوا عنه > و قوله < ذلک لمن خشی ربّه > ای اطاع ربّه ؛

امام صادق(ع) فرمود: خداوند از مؤمن در دنیا و آخرت راضی است و مؤمن، گرچه از خدا راضی است ؛ ولی در قلب او چیزهایی است به جهت آنچه به عنوان تمحیص (به سختی ها گرفتار ساختن برای امتحان و پاکی از گناه) در دنیا می بیند. پس چون پاداش اخروی را در قیامت مشاهده کند، از خداوند که حق است به طور کامل خشنود خواهد شد و این [معنای] سخن خداوند است < و رضوا عنه > و [اما این] گفته خداوند < ذلک لمن خشی ربّه > ؛ یعنی، [این برای کسی است که] پروردگارش را اطاعت کند.

آثار پاداش انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - پاداش انفاق گرانِ باتقوا، مایه رشد و کمال آنان و برخاسته از ربوبیت و مقام والای خداوند است .

ربّه الأعلى

آثار پاداش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - پاداش انفاق گرانِ باتقوا، مایه رشد و کمال آنان و برخاسته از ربوبیت و مقام والای خداوند است .

ربّه الأعلى

آثار توقع پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۹ - ۴

۴ - چشمداشت مادی و معنوی از مردم در برابر انفاق و ایثار، ناسازگار با اخلاص

إنّما نطعمکم لوجه اللّٰه لانرید منکم جزاءً و لا شکورًا

آثار ذکر پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - توجه به پاداش های مهم اخروی خداوند ، برای بیم دارندگان مقام پروردگار ، زمینه پرهیز از کفر و تکذیب است .

و لمن خاف مقام ربّه جنتان . فبأی ءالاء ربکمما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۹

۹ - اعتقاد به قیامت و توجه داشتن به کیفر و پاداش الهی در آن ، موجب تقویت روح تقوای پیشگی در انسان

و اتقوا الله الذی إلیه تحشرون

یادآوری حشر انسان ها در قیامت پس از توصیه به تقوا می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

آثار ذکر تضمین پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - توجه مؤمنان به ضایع نشدن مجاهدت ها و اعمالشان نزد خداوند ، مایه استواری آنان بر طریق جهاد

فلاتهنوا .. و الله معکم و لن یترکم أعملکم

از تذکر خداوند، به مؤمنان (لن یترکم أعملکم) پس از نهی <لا-تهنوا و ..>، دانسته می شود که توجه به ضایع نشدن اعمال، پشتوانه جهاد و استقامت در راه خدا است.

آثار غفلت از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۵

۵ - غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فی غمره من هذا .. هم لها عملون

آثار یأس از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره -

۹ - معتقدان به آخرت اما مایوس از ثواب اخروی مانند کافران ، بی اعتقاد به رستاخیزاند .

قد یسوا من الآخره كما یئس الکفار من أصحاب القبور

در صورتی که مقدر آیه چنین باشد: <قد یسوا من ثواب الآخره.. > استفاده می شود که معتقدان به معاد ولی ناامید از ثواب اخروی همچون کافرانی اند که اصولاً از زنده شدن دوباره مایوس اند.

آخرت محل پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ دنیا ، سرای تلاش است و جهان پس از مرگ ، برای کیفر و پاداش می باشد .

إذا هم یبغون .. متع الحیوه الدنیا ثم إلینا مرجعکم فننبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۱

۱ دنیا سرای تلاش و آخرت سرای کیفر و پاداش است .

للذین أحسنوا الحسنی .. و الذین کسبوا السیئات جزاء سیئه بمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰- دنیا ، میدان عمل و آخرت صحنه دریافت پاداش و کیفر است .

یوم تأتي .. و توفی کل نفس ما عملت

آرزوی پاداش عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۴

۴ - کافران ، در آرزو و انتظار نتیجه اعمال نیک خویش اند .

و الذين كفروا أعمالهم كسراب بقيعة يحسبه الظمآن ماء حتى إذا جاءه لم يجده

این برداشت، از تشبیه سراب به دست می آید؛ زیرا همان گونه که فرد تشنه در انتظار آب به سر می برد و هر چه تلاش می کند، جز شبه آب (سراب) چیزی نمی بیند؛ کافران نیز در انتظار نتیجه اعمال خود به سر می برند؛ هر چند به آن نخواهند رسید.

آگاهی از پاداش اخروی هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۵، ۱۴

۱۴- آگاه شدن از فواید دنیوی هجرت در راه خدا و پاداش اخروی آن ، مورد تمنی خداوند

و الذین هاجروا .. لو کانوا یعلمون

از جمله معناها و استعمالهای <لو> تمنی است و برداشت فوق بر این اساس است.

۱۵- آگاهی از ثمرات دنیوی هجرت در راه خدا و پاداش اخروی آن ، امری در حد ناممکن است .

و الذین هاجروا فی الله .. ولأجر الآخره أكبر لو کانوا یعلمون

برداشت فوق، بنابر امتناعی بودن <لو> و یا تمنی بودن آن است و <لو تمنی> در جایی استعمال می شود که مورد، محال و یا در حکم محال باشد.

اجتناب از پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۶

۶ - ندادن جزای کامل عمل ، ظلم است .

و هم لایظلمون . و وقیت کلّ نفس

اختصاصی بودن پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای

نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاوردهای پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

۵ - هر فرد و امتی از پاداش اعمال نیک خویش بهره مند خواهند شد .

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳،۵،۶

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

۵ - هر فرد و امتی از پاداش اعمال نیک خویش بهره مند خواهد شد .

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

۶ - نتیجه عمل هر کس و هر جامعه ای از آن خود اوست و باید به او بازگردانده شود .

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱

۱ - خداوند

، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوئنهم فی الدنیا حسنه و لأجر الآخره أ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

ارزش پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۶

۶ ارزش والای پاداش های خداوند در آخرت نسبت به ارزش های او در دنیا

فاتیهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخره

در مورد ثواب آخرت، کلمه <حسن> اضافه شده است تا بیان کند که پاداش اخروی نسبت به پاداش دنیوی، دارای مزیت و برتری خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۵

۱۵ ناچیزی بهرهوری ها و لذایند زندگی دنیوی ، در مقایسه با ثواب ها و ارزش های اخروی

فاستمعتوا بخلقهم . .. أولئک حبطت أعمالهم ... و أولئک هم الخسرون

با اینکه کافران و منافقان در دنیا بهره مند بوده اند، خداوند ایشان را زیانکار واقعی معرفی می کند؛ زیرا لذایند دنیویشان محدود بوده و از ثوابهای اخروی بی بهره اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱،۵

۱ پاداش های اخروی ، برتر و بهتر از پاداش های دنیوی است .

لانضیع أجر المحسنین. ولأجر الآخره خیر

۵ دستیابی به اقتدار و سلطنت در زمین ، در

قیاس با پاداش های اخروی ناچیز است .

كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ . . . و لأجر الأخره خير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۲

۱۲- پاداش های اخروی ، بهتر از پاداش های دنیوی است .

للذين أحسنوا في هذه الدنيا حسنه و لدار الأخره خير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۶

۶- متاع دنیوی ، متاعی ناچیز در قیاس با پاداش های اخروی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا .. كمن متّعنه متع الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۵

۵- ارزش برتر پاداش های اخروی نسبت به امکانات دنیوی

ثواب الله خير

ارزش پاداش اخروی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱- پاداش اخروی محسنان ، بسی بهتر از پاداش دنیوی آنان است .

للذين أحسنوا في هذه الدنيا حسنه و لدار الأخره خير

اگر چه در آیه سخنی از پاداش اخروی به میان نیامده است، اما جمله <و لدار الأخره خير> که برتری سرای اخروی را می

رساند به قرینه <فی هذه الدنيا حسنه> (برای محسنان در دنیا حسنه ای است) می تواند مشعر به این نکته باشد که: پاداش حیات اخروی برتر است.

ارزش پاداش دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۶

۶ ارزش والای پاداش های خداوند در آخرت نسبت به ارزش های او در دنیا

فاتیهم الله ثواب

الدنيا و حسن ثواب الاخره

در مورد ثواب آخرت، کلمه <حسن> اضافه شده است تا بیان کند که پاداش اخروی نسبت به پاداش دنیوی، دارای مزیت و برتری خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱

۱ پاداش های اخروی ، برتر و بهتر از پاداش های دنیوی است .

لانضیع أجر المحسنين. و لأجر الأخره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۲

۱۲- پاداش های اخروی ، بهتر از پاداش های دنیوی است .

للذين أحسنوا في هذه الدنيا حسنه و لدار الأخره خیر

ارزش پاداش دنیوی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱- پاداش اخروی محسنان ، بسی بهتر از پاداش دنیوی آنان است .

للذين أحسنوا في هذه الدنيا حسنه و لدار الأخره خیر

اگر چه در آیه سخنی از پاداش اخروی به میان نیامده است، اما جمله <و لدار الأخره خیر> که برتری سرای اخروی را می رساند به قرینه <فی هذه الدنيا حسنه> (برای محسنان در دنیا حسنه ای است) می تواند مشعر به این نکته باشد که: پاداش حیات اخروی برتر است.

ارزش پاداش مضاعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۴

۴ پرداخت پاداش افزون بر استحقاق ، کاری است شایسته و ارزشمند .

لذین أحسنوا الحسنی و زیاده

ازدیاد پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۳ - ۱۱

۱۱ هر کس

دارای اعمال صالح بیشتری باشد ، از ناحیه خداوند پاداش افزون تری دریافت خواهد کرد .

و یؤت کل ذی فضل فضله

مقصود از <فضل> عمل خیر افزون بر دیگران است و ضمیر در <فضله> به <کل> باز می گردد.

ازدیاد پاداش عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۰ - ۸

۸- زیبا و بهینه انجام دادن عمل صالح ، ملاکی برای کسب و دریافت پاداش بیشتر از جانب خداوند است .

إِنَّا لَنُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا

ممکن است که <أحسن عملاً> وصفی زاید بر عمل صالح باشد، بدان معنا که ممکن است کسی، عمل صالح انجام دهد، ولی نه بر وجه شایسته و بهینه، و در مقابل، ممکن است علاوه بر شایستگی عمل، آن را بر وجه بهینه انجام دهد خداوند، در این آیه، علاوه بر تضمین اجر اعمال صالح، مرتبه برتر آن را نیز متذکر شده و اجر آن را تضمین کرده است. در صورتی که جمله <إِنَّا لَنُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا> معترضه باشد و خبر <إِنَّ الَّذِينَ...>، جمله <أُولَئِكَ...> در آیه بعد باشد، این معنا، روشن تر به نظر می آید.

ازدیاد پاداش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۲

۲ - پاداش پیامبر (ص) در پیشگاه خداوند ، بی پایان و روزافزون

و إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

<غیر ممنون>، اگر از <مَنْ> (قطع) مشتق باشد، به معنای بی انقطاع و روزافزون و اگر از <مَنْت> گرفته شده باشد، به معنای بی منت و بدون به رخ کشیدن خواهد بود. گفتنی است که برداشت بالا

مبتنی بر معنای نخست است.

استفاده از پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۲

۲- تساوی زن و مرد در برخورداری از پاداش های الهی و بهره مندی از حیات پاکیزه و دلپذیر

من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

استمرار پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۱

۱ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از پاداش بی حساب و همیشگی خداوند

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

برداشت یاد شده بر این اساس است که <غیر ممنون> به معنای غیر منقطع و یا غیر قابل محاسبه باشد.

استمرار پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۱

۱ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از پاداش بی حساب و همیشگی خداوند

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

برداشت یاد شده بر این اساس است که <غیر ممنون> به معنای غیر منقطع و یا غیر قابل محاسبه باشد.

امیدواری به پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ مؤمنان، باید همواره نسبت به ثمردهی ایمان و عمل خویش در مرز بیم و امید باشند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ .. جَهْدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ

کلمه <لعل> رسای به این حقیقت است که مؤمنان، هر چند مراحل تقوا و تقرب به خدا و جهاد را گذرانده باشند، نباید رستگاری و فلاح را برای خویش

حتمی بشمارند و در نتیجه به عمل خویش مغرور شوند.

امیدواری به پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۱۰

۱۰ - ترس از عذاب های اخروی و امید به پاداش های جهان آخرت ، از انگیزه های آدمی برای عبادت خدا

ملک یوم الدین. اءیاک نعبد

انتفاع از پاداش دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳،۴

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمة قد خلت لها ما كسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت> یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلک أمة قد خلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاوردهای پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

انفاق برای پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - انفاق نمودن به منظور دستیابی به پاداش الهی ، امری جایز و قابل جمع با نیت خالص و انگیزه الهی است .

أنفقوا .. إن تفرضوا الله ... يضعفه لكم و يغفر لكم

توصیه به انفاق، همراه با

مقرر داشتن پاداش مضاعف که موجب ایجاد انگیزه در انسان برای انفاق می شود بیانگر مطلب یاد شده است.

اهمیت پاداش احسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۰ - ۲

۲ - بی تفاوت بودن در برابر احسان دیگران ، امری نکوهیده در پیشگاه خداوند و عقل

هل جزاء الإحسن إلا الإحسن

پرسش در آیه شریفه در حقیقت به داوری کشاندن عقل است و نیز مهر تأییدی از جانب خداوند بر داوری های عقل سلیم می باشد.

اهمیت پاداش اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۱ - ۱

۱ - پاداش الهی به اصحاب الیمین در جهان آخرت ، چنان چشمگیر است که هر شنونده ای را سخت شادمان می کند .

فسلم لک من أصحاب الیمین

در عبارت <سلام لک> چند احتمال وجود دارد: یکی از آنها این است که <سلام> معادل سلامت و تنکیر آن برای تفخیم باشد. <لام> در <لک> نیز برای اختصاص و خطاب <لک> به فرد معینی نباشد.

اهمیت پاداش اخروی هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۱، ۱۰

۱۰- پاداش اخروی هجرت در راه خدا ، بسی برتر از پاداش دنیوی آن است .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبؤننهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

۱۱- پاداش اخروی هجرت در راه خدا ، قابل توصیف نیست .

و الذين هاجروا في الله .. لنبؤنَّهم في الدنيا حسنه و لأجر الأخره أكبر

مفضل عليه افعل تفضيل (أكبر) حذف شده است و حذف آن به

منظور عمومیت دادن است. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: پاداش اخروی هجرت بزرگ تر از آن است که کسی بتواند آن را درک کند.

اهمیت عقیده به پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۲

۲ - اصل اعتقاد به قیامت و جزای عمل دارای اهمیت است؛ نه شناخت زمان آن .

یسئلون أیّان یوم الدّین . یوم هم علی النار یفتنون

کافران از زمان وقوع قیامت سؤال کرده اند؛ ولی خداوند پاسخ آنان را با یادآوری اصل وقوع قیامت داده و زمانی را معین نکرده است.

ایمان به پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰ توجه به قضاوت و داوری خداوند در قیامت و باور به پاداش و مجازات در آن سرا، آدمی را به استقامت در راه دین وامی دارد .

لقضی بینهم .. . إنّ کلاًّ لما لیوفیّتهم أعملهم ... فاستقم كما أمرت

ایمان به پاداش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۸

۸ باور به پاداش های عظیم الهی ، زمینه پابندی به ارزش ها و گذشت از منافع مادی برای دین و دینداری

لاتخونوا الله .. . و اعلموا ... و أنّ الله عنده أجر عظیم

هدف از بیان پاداش دهی خداوند پس از تکالیف یاد شده، ایجاد زمینه پابندی به آن تکالیف است.

بشارت به پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹ - ۶

۶ نوید به پاداش نیک

، از روش های قرآن برای تربیت انسان ها و ترغیب آنان به اعمال صالح

وعد الله .. اجر عظیم

بشارت پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۸

۸- نوید اعطای پاداش برای عمل پسندیده و تهدید به کیفر برای اعمال ناپسند ، از شیوه های تربیتی قرآن

لئن شكرتم لأزيدنكم و لئن كفرتم إن عذابی لشديد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲ - ۵

۵- قرآن ، بشارت دهنده مؤمنان نيك كردار ، به پاداشی شایسته و عظیم

و يبشّر المؤمنین الذین يعملون الصلحت أنّ لهم أجراً حسناً

نکره آوردن <أجراً> برای بیان عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - پیامبر (ص) مأمور بشارت دادن پیروان قرآن و خداترسان به مغفرت و اجر ارزشمند و پر ب های الهی

من اتبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشّره بمغفره و أجر کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۱۷

۱۷ - تشویق انسان ها ، به انجام کار های شایسته و نوید پاداش به آنان از سوی خداوند

و الله بما تعملون بصیر

بشارت پاداش نیکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - نوید الهی به اعطای پاداشی نیک به اعراب متخلف از حدیبیه ، در صورت نبرد صادقانه با دشمنان نیرومند اسلام

فإن تطيعوا يؤتكم الله أجراً حسناً

بهترین پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۶،۷

۶- خداوند ، عطاکننده بهترین پاداش ها و برترین فرجام ها است .

هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

<ثواب> به معنای <اجر و پاداش> است و <عقب> به معنای <عاقبت و فرجام>.

۷- ولایت خداوند و حَقَّائِیت او ، ضامن اعطای بهترین پاداش ها و فرجام ها است .

هنالك الوليه لله الحق هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - پاداش های خداوند ، بهترین و پاینده ترین پاداش ها است .

والله خیر و أبقى

خیربودن خداوند برای انسان بنابراین که <خیر> اسم تفضیل باشد ناظر به بهتر بودن پاداش های او نیز می باشد و اطلاق <أبقى> شامل هر چیزی است که به خداوند ارتباط یابد یعنی، او و پاداش ها و عذابش، باقی تر و پاینده تر است. این سخن پاسخی است از ساحران به فرعون که گفته بود: <أینا أشدّ عذاباً و أبقى>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۰،۲

۲ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، از بهترین و بالاترین پاداش های الهی برخوردار خواهند بود .

رجال لاتلهیهم تجره و لایبع عن ذکر الله .. لیجزیهم الله أحسن ما عملوا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که کلمه <جزاء> پیش از <أحسن>، در تقدیر و مفعول دوم برای <لیجزی> باشد.

۱۰ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، به بهترین پاداش و فضل او امیدواراند .

رجال لاتلهيهم تجره ولا بيع عن ذكر

اللّٰه .. ليجزئهم الله أحسن ما عملوا و يزيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۷ - ۶،۷

۶ - خداوند ، در قبال هر يك از اعمال مؤمنان ، بهترين پاداش را مي دهد .

و الذين ءامنوا .. و لنجزئهم أحسن الذي كانوا يعملون

<أحسن> جانشين <مفعول مطلق محذوف> است. تقدير آيه، چنين است: <و لنجزئهم جزاءً أحسن الذي...> (ما، پاداش آنان را، بهترين جزايشان، قرار خواهيم داد).

۷ - وعده خداوند درباره اعطای پاداش بهترين عمل به اعمال مؤمنان ، وعده ای قطعی و تخلف ناپذير است .

و الذين ءامنوا .. و لنجزئهم أحسن الذي كانوا يعملون

<لام> و <نون تأكيد> در <لنجزئهم> دلالت بر حتميت دارند.

بهترين پاداش انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ليل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - برخورداري از لطف و توجه خداوند ، شايسته ترين پاداش برای انفاق گرانِ باتقوا است .

الأتقى . الذي يؤتى ماله ... إلا ابتغاء وجه ربّه الأعلى

بهترين پاداش متقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ليل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - برخورداري از لطف و توجه خداوند ، شايسته ترين پاداش برای انفاق گرانِ باتقوا است .

الأتقى . الذي يؤتى ماله ... إلا ابتغاء وجه ربّه الأعلى

پاداش آخرت طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۱

۱- آخرت طلبان مؤمنی که تلاشی جدی در راه اهداف اخروی خویش بکنند به نتایج ارزشمند تلاشهایشان دست خواهند یافت .

و من أراد الآخره .. کان

سعیهم مشکورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱

۱ - آخرت جویان ، بهره مند از ثواب و پاداشی افزون تر از عملکرد خویش

من کان یرید حرث الآخره نزد له فی حرثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۳

۳ - تقرّب افزون تر به خداوند ، پاداش کسانی است که برای آخرت خود پیشاپیش زاد و توشه ذخیره کرده اند .

یلیتنی قدّمت لحياتی .. ارجعی إلی ربّک

پاداش آمادگی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۹

۹ آمادگی رزمی و انجام کارهای مقدماتی جهاد ، دارای اجر و پاداش الهی

و لا ینفقون .. و لا یقطعون وادياً إلا کتب لهم

با توجه به اینکه آیات در زمینه جنگ تبوک است و در <تبوک> جنگی صورت نگرفت و نیز چون انفاق و پیمودن دره ها از مقدمات جنگ است، برداشت فوق استفاده می شود.

پاداش آمادگی نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۹

۹ آمادگی رزمی و انجام کارهای مقدماتی جهاد ، دارای اجر و پاداش الهی

و لا ينفقون... ولا يقطعون وادياً إلا كتب لهم

با توجه به اینکه آیات در زمینه جنگ تبوک است و در <تبوک> جنگی صورت نگرفت و نیز چون انفاق و پیمودن دره ها از مقدمات جنگ است، برداشت فوق استفاده می شود.

پاداش ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام -

۱۰ کثرت پیامبران و هدایت یافتگان در ذریه ابراهیم(ع)، پاداش نیکوکار بودن آن حضرت است.

و من ذریته . . . و كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۳

۳- اعطای اسحاق و یعقوب به حضرت ابراهیم (ع) ، موهبتی الهی و پاداش هجرت او بود .

فلما أعتزلهم و مايعبدون من دون الله و هبنا له إسحق و يعقوب

حرف <لَمَّا> بیانگر ترتب جزا(وهبنا ..) بر شرط (اعتزلهم ...) می باشد و دلالت می کند که وجود جزا، به خاطر وجود شرط بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۵

۵ - توفیق انجام مأموریت ذبح فرزند با زنده ماندن وی ، پاداش خداوند به ابراهیم (ع)

قد صدقت الرؤيا إنا كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۶ - ۴

۴ - برخورداری ابراهیم (ع) از پاداش محسنان ، پس از سربلند بیرون آمدن آن حضرت از آزمایش قربانی فرزندش

قد صدقت الرؤيا إنا كذلك نجزي المحسنين . إن هذا لهو البلاء المبين

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إن هذا لهو البلاء المبين> در مقام تعلیل برای جمله پیشین (إنا كذلك نجزي المحسنين) است ، یعنی، ابراهیم(ع) از پاداش محسنان برخوردار شد زیرا به آزمایش الهی گرفتار شد و پیروز گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۰ - ۳

و برجای ماندن نام و آوازه نیک آن حضرت ، از پاداش های خداوند به ایشان

فَبَشِّرْهُ بِعَلَمِ حَلِيمٍ .. سلم علی ابرهیم . كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۱،۵

۱ - بقای آیین توحید در نسل ابراهیم (ع) ، ره آورد تلاش آن حضرت برای استمرار بخشیدن به آن

و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

آیات قبل، می تواند قرینه باشد که فاعل <جعل> ابراهیم(ع) است.

۵ - استمرار دین توحیدی در نسل ابراهیم (ع) ، پاداش الهی به آن حضرت در قبال تلاش های او در مسیر اعتلای کلمه توحید

و إذ قال ابرهیم .. و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <جعلها> در مقام بیان لطف خداوند در برابر مجاهدت ها و تلاش های حضرت ابراهیم(ع) باشد.

پاداش اجتناب از اسراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخوردارگی از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

پاداش اجتناب از خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۶

و پرهیز از خیانت به دین ، دارای پاداشی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا الله .. انما أموالکم و اولدکم فتنه و ان الله عنده اجر عظیم

پاداش اجتناب از زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخوردارگی از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

پاداش اجتناب از سختگیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخوردارگی از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

پاداش اجتناب از سخن باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا

، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

پاداش اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۶

۶ - خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جنت عدن .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

پاداش اجتناب از قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

پاداش

اجتناب از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۶

۶ - خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جَنَّتْ عَدْنُ .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکی

پاداش اجتناب از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۱۴، ۱۱

۱۱ سرای اخروی پرهیزکنندگان از گناهان کبیره ، جایگاهی گرانمایه و با شرافت

و ندخلکم مدخلا کریماً

۱۴ بهشت ، پیامد پاکی و پیراستگی از گناهان صغیره و کبیره

ان تجتنبوا .. و ندخلکم مدخلا کریماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۶

۶ - خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جَنَّتْ عَدْنُ .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکی

پاداش احترام محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۳ - ۶

۶ غفران الهی و پاداش عظیم او ، در انتظار رعایت کنندگان ادب و احترام محضر پیامبر (ص)

لهم مغفره و أجر عظيم

پاداش احسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۹

۹ آموزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش احسان و نیکوکاری

و الله يحب المحسنين . . . اولئك جزاؤهم مغفره من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۴

خداوند محسنان بنی اسرائیل را در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس ، به پاداشی افزونتر از احسانشان نوید داد .

سنزید المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقوایبشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۹

۱۹- تقوا و احسان ، دو امر ارزشمند و دارای پاداش

للذين أحسنوا في هذه الدنيا حسنة . . . و لنعم دار المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۷

۷- اعطای حکمت و علم به محسنان از سوی خداوند ، پاداشی در برابر نیکوکاری آنان است .

ءاتينه حكماً و علماً و كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۱،۶

۱ - خداوند ، بدترین عمل محسنان را ، به پاس احسان آنان ، نادیده گرفته و می پوشاند .

ذلك جزاء المحسنين . ليكفر الله عنهم أسوأ الذي عملوا

<تکفیر> (مصدر <ليکفر>) به معنای ستر و پوشاندن است و مقصود از آن چشم پوشی از گناه و زدودن آن از پرونده اعمال است.

۶ - خداوند به محسنان به پاس احسان آنان مطابق با بهترین عملشان ، پاداش خواهد داد .

و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا

يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۰ - ۶۱

۱ - نعمت های شگرف بهشت ، پاداش و احسان خداوند به اعمال نیک و شایسته خلق

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ ... هل جزاء الإحسن إلا الإحسن

واژه <إحسان> در لغت عرب بر دو معنا اطلاق می شود: الف) کار نیک، ب) نیکی به غیر. در آیه شریفه <احسان> اول به معنای اول و احسان دوم به معنای دوم به کار رفته است.

۶ - لزوم پاداش دادن به احسان و نیکی دیگران ، با احسان و نیکی به ایشان

هل جزاء الإحسن إلا الإحسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۴

۴ - احسان و رفتار خوب انسان ، دارای جزا و پاداش در پیشگاه خداوند

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

پاداش احسان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۵

۵ - بهره مند شدن موسی (ع) از حکمت و دانش ، پاداش الهی در برابر احسان و نیکوکاری وی

ءَاتَيْنَهُ حِكْمًا وَّ عَلَمًا وَّ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

پاداش احسان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ بهره مندی یوسف (ع) از حکمت و علم ، پاداشی الهی بر نیکوکاری او بود .

ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزی المحسنين

<جزاء> (مصدر نجزی) به معنای سزا و پاداش است.

پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۵

۵ قیامت ، روز دریافت کامل نتیجه

اعمال (کيفر و پاداش)

ثم توفى كل نفس ما كسبت

<توفى> به معنای دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۹

۹ پایبندی به عهد الهی و پیمان های خود ، عامل بهره مندی از مواهب اخروی

انّ الذين يشترون بعهد الله و ايمانهم .. لا خلاق لهم فى الاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۲ ، ۱۱ ، ۸

۸ تلاشگران برای پاداش های اخروی ، از مواهب آخرت بهره مند خواهند شد .

و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

۱۱ خداوند ، پاداش دهنده اعمال در دنیا و آخرت

و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

مراد از اراده پاداش ، انجام عمل خیر ، برای نیل به پاداش است.

۱۲ جهاد و مقاومت در جنگ ، موجب برخورداری از پاداش دنیوی و اخروی

و لما یعلم الله الذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرين .. و من یرد ثواب الدنیا

با توجه به آیات قبل ، از مصادیق مورد نظر برای اعمال خیر ، جهاد و مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۷

۷ پاداش های اخروی خداوند ، نیکو و عاری از هر گونه نقصان است و پاداش های دنیوی ، همراه با مشکلات

فاتیهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الاخره

از اینکه پادشاهای اخروی را نیکو شمرده (حسن ثواب الآخره)، معلوم می شود پادشاهای اخروی به تمام جهات، نیکوست و در مقابل، ثواب دنیوی را به نیکو بودن

توصیف نکرده تا به این نکته اشاره کند که پادشاهای خداوند در دنیا، همواره ملازم با مشکلات و نقصانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۰

۱۰ رستاخیز برای انسان ، عرصه دریافت کامل سزای کردار خویش

ثُمَّ تَوَفَّى كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ

۱ <توفی> از مصدر <توفیه> به معنای پرداخت و دریافت کامل است. ۲ در برداشت بالا، بنا بر گفته برخی از مفسران، کلمه <جزاء> قبل از <ما کسبت> مقدر گرفته شده است ؛ یعنی <توفی جزاء ما کسبت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۵، ۱۰، ۹

۹ اراده الهی مبنی بر محرومیت حتمی شتابگران در کفر از بهره های اخروی

یرید الله الا يجعل لهم حظا في الآخرة

۱۰ محرومیت و یا برخورداری از بهره های اخروی ، نتیجه عملکرد انسان

و لا يحزنك الذين يسارعون الكفر .. یرید الله الا يجعل لهم حظا في الآخرة

گر چه خداوند محروم کردن کفرپیشگان را از بهره اخروی به خود نسبت داده است: یرید الله .. ولی این محرومیت به دلیل <یسارعون ...> ، نتیجه عملکرد خود آنان بوده است.

۱۵ مهلت دادن خداوند به شتابگران در کفر ، برای محروم ساختن آنان از بهره های اخروی است (سنت استدراج) .

یرید الله الا يجعل لهم حظا في الآخرة و لهم عذاب عظیم

جمله <یرید الله ..> ، می تواند جواب این سؤال باشد که چرا با تلاش برخی از مردم در گسترش کفر، خداوند به آنان مهلت می دهد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۲،۹،۱۶

۲ وعده خداوند به دریافت کامل سزای اعمال در روز قیامت

و اِنَّمَا تَوْفُونِ اجورکم یوم القیمه

<توفون>، از مصدر <توفیه>، به معنای دریافت کامل و تمام است.

۹ <یوم القیمه> ، از اسامی روز جزای اعمال

و اِنَّمَا تَوْفُونِ اجورکم یوم القیمه

۱۶ توجه دادن به مرگ و کیفر و پاداش اعمال در قیامت و فریبنده بودن دنیا از روش های قرآن برای هدایت انسانها

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ .. و ما الحیوه الدنیا الا متاع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۷

۷ توجه به مرگ و اجر اخروی و نیز فریبندگی دنیا، زمینه ساز پیروزی انسان در آزمایش الهی

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ .. لتبلون فی اموالکم و انفسکم

ظاهراً آیه قبل (كُلُّ نَفْسٍ ..) رهنمودی برای پیروز شدن مؤمنان در امتحانهای جانی و مالی است. چون بهترین راه برای از جان گذشتگی و جهاد این است که آدمی بداند چه جهاد کند و یا سستی نماید، طعم مرگ را خواهد چشید. و راه معقول برای صرف نظر کردن از اموال این است که آدمی بداند دنیا و آنچه در آن است، فریبنده و پوچ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۹

۲۹ اعتقاد به قیامت و کیفر و پاداش در آن، پیامد اعتقاد به باطل نبودن و هدفدار بودن آفرینش

ربَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

کلمه <فا> در <فقنا> ..

<، بیانگر این معناست که خردمندان با نفی بطلان در آفرینش و اعتقاد به هدفداری جهان به این نتیجه رسیده اند که باید قیامت و روز جزا و پاداشی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۸

۸ دستیابی به مواهب آخرت ، پیامد جهاد و مبارزه در راه خدا

فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوه الدنیا بالآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ دستیابی به پاداش بزرگ الهی (بهشت) در گرو بخشوده شدن گناهان است .

أولئک لهم مغفره و أجر کبیر

تقدیم ذکری <مغفرت> بر <اجر کبیر> می تواند اشاره به این باشد که: رسیدن به پاداش بزرگ الهی و ورود به بهشت ، در گرو آمرزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۴

۴ پاداش های اخروی ، نمودی از رحمت الهی است .

نصیب برحمتنا من نشاء .. و لأجر الآخره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۷

۷ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

أنهم إلی ربهم رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۷

۷ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش است .

یومئذ یوفّیهم الله دینهم الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۱

۱ - جهان آخرت ، سرای کیفر و پاداش است .

من جاء

بالحسنة فله خير منها و من جاء بالسئته فلايجزى .. إلا ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

یوم الدین

<دین> در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش الهی

و فی الآخره عذاب شدید و مغفره من الله و رضون

پاداش اخروی ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۱

۱ - بوستانی بزرگ و پرنعمت و لباسی فاخر از حریر ، پاداش ابرار در قیامت

إِنَّ الْأَبْرَارَ ... و جزیهم بما صبروا جَنَّةً و حریرًا

<جَنَّةً> به معنای بوستان است و تنکیر آن بر تعظیم و تفخیم دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۱

۱ - نعمت های الهی در بهشت ، پاداش فراهم آمده برای ابرار

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزَاءً

<هذا> به مجموع نعمت هایی اشاره دارد که در آیات گذشته یاد شده است.

پاداش اخروی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳،۴

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای

حصر است. بنابراین <لها ما کسبت> یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاوردهای پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت> یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی احسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۹

۹ - احسان در دنیا ، در پی دارنده پاداش نیک و بزرگ الهی در جهان آخرت

لذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنة

برداشت بالا بر این اساس مبتنی است که <فی هذه الدنيا> متعلق به <أحسنوا> و ظرف برای آن باشد.

پاداش اخروی اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳،۴

۳- پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از

آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاوردهای پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به

سود خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی امام حسن(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ ... وَ سَقِيهِمْ رَبَّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا . إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزْ

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰؛ الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی امام حسین(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ ... وَ سَقِيهِمْ رَبَّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا . إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزْ

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از

آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰؛ الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ ... وَ سَقِيهِمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا . إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزْ

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰؛ الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۱۰

۱۰ - تکامل و تعالی و داشتن دستاوردی بهتر ، فلسفه و هدف آغازین خلقت بشر و برخوردار شدن از جزا و پاداش اخروی (بهشت برین) ، فلسفه و هدف نهایی آفرینش او است .

لِيَلْوَكُم أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

به مقتضای جمله <لِيَلْوَكُم أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا>، هدف از خلقت انسان و تقدیر مرگ و حیات برای وی، تکامل و داشتن دستاوردی بهتر در دنیا است؛ ولی چون پاداش و جایزه اصلی آن را در جهان آخرت دریافت می کند، بنابراین می توان گفت: تکامل، هدف مرحله اولی خلقت بشر و بهشت برین، هدف مرحله نهایی آفرینش او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

پاداش اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱

۱- تغییر و تبدیل نظام کنونی آسمان ها و زمین به نظام دیگر در آستانه برپایی قیامت ، به منظور کیفر و پاداش انسانهاست .

يَوْمَ تَبْدَلُ الْأَرْضَ غَيْرِ الْأَرْضِ . . . و برزوا لله ... ليجزى الله كلَّ نفس ما كسبت

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیجزی> متعلق به <برزوا> در آیه ۴۸ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۳ ، ۱۰

۱۰ - دنیا ، محل تلاش و آخرت جای کیفر و پاداش و مواجه شدن با نتیجه تلاش است .

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ .. لتجزى كلَّ نفس بما تسعى

۱۳ - حضور در صحنه قیامت و برخورد با سزای اعمال دنیایی خود ، فرجام همه انسان ها است .

إِنَّ السَّاعَةَ .. لتجزى كلَّ نفس بما تسعى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱

۱ - هدفمند بودن آفرینش جهان ، مقتضی برپایی قیامت به منظور کیفر بندگان و یا پاداش به آنان

و ما خلقنا السماء .. بطلاً... أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

مؤمنان با مفسدان، پس از طرح مسأله بی هدف نبودن آفرینش جهان، می رساند که اگر مؤمنان و مفسدان یکسان باشند، لازم می آید که جهان آفرینش بی هدف باشد و چون جهان آفرینش هدفمند است، پس باید سرنوشت این دو گروه یکسان نباشد. و از آن جایی که در دنیا یکسان زندگی می کنند، پس باید جهان دیگری (رستاخیز) باشد که با آنان برخورد متفاوت و متناسب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لكم أیه الثقلان . فبأی ءالاء ربكما تکذبان

پاداش اخروی انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت؛ بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش اخروی انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱

۱ - قیامت ، روز پاداش دهی خداوند به وام دهندگان خود (کسانی که با انفاق در راه خدا به او قرض الحسنه دادند) .

من ذا الذی یقرض الله .. و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین

<یوم> در <یوم تری>، مربوط به <له أجر کریم> در آیه پیش است؛ یعنی، خداوند، پاداش نفیس خود را به وام دهندگان خویش در روزی می دهد که... گفتنی است که مراد از <یوم تری>

روز قیامت است.

پاداش اخروی اهل بیت (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ... وَ سَقِيهِمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا . إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزْ

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰، الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۳

۳ ایمان و عمل صالح ، موجب استحقاق پاداش اخروی

فَمَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ

واژه اجر (مزد و پاداش) دلالت می کند که مؤمنان نسبت به پاداش استحقاق دارند.

پاداش اخروی بَرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۹

۹ قصد و نیت عمل کننده کردار های نیک ، تعیین کننده برخورداری وی از نعمت های دنیا یا مواهب آخرت

و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

پاداش اخروی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱

۱ بنا های برافراشته و درجات عالی در بهشت ، پاداش بندگان خدا (عباد الرحمان

(است .

و عباد الرحمن .. أولئك يجزون الغرفة

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: ۱ <أولئك> اشاره به <عبادالرحمان> است. ۲ <غرفه> به معنای بنای مرتفع و برافراشته است. در آیه شریفه نیز می تواند هم در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و هم می تواند منزلت و مقام رفیع مقصود باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۱

۱ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش بندگان خالص خدا

و عبادالرحمن .. أولئك يجزون الغرفة ... خلدین فیها حسنت مستقرًا و مقامًا

<مستقرًا> تمیز برای ضمیر در <حسنت> و به معنای محل استقرار است و <مقام> اسم مکان و به معنای اقامت گاه می باشد.

پاداش اخروی پیشگامان در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی الله عنهم .. لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

پاداش اخروی تابعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی اللہ عنہم .. . لهم جنت تجری

رضایت الہی، لطفی معنوی و بہشت جاودان، نعمتی مادی است.

پاداش اخروی تائبان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ -

۹- توبه کنندگانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند ، در قیامت پاداشی بدون کمترین نقص دریافت خواهند کرد .

من تاب و ءامن و عمل صلحاً فأولئك يدخلون الجنة و لا يظلمون شيئاً

<ظلم> یعنی، مقرر ساختن چیزی در غیر جایگاه و درجه مخصوص آن؛ چه به گونه ای کمتر و چه به شکلی برتر (مفردات راغب). <لا-یظلمون> نیز به معنای <لاینقصون> می باشد و مراد این است که: از اجر و مزد عمل آنان به واسطه گذشته بد آنها، چیزی کاسته نشده و به آنان ظمی روا نمی شود.

پاداش اخروی توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۵

۵ - توحید و شرک (خدا پرستی و بت پرستی) ، مبنای داوری خدا و تعیین کیفر و پاداش در روز رستاخیز

الله یحکم .. فیما کنتم فیه تختلفون

با توجه به عبارت پیشین <ما> در <فیما کنتم> به معنای <الذی> است که به مسأله توحید و شرک که محور اختلاف میان موحدان و مشرکان تاریخ بوده است اشاره دارد.

پاداش اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم آیه الثقلان . فبأی ءالاء ربکم تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فيومئذ لا يسأل عن ذنبه إنس ولا جانّ

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

پاداش اخروی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و كَاتِبِينَ مِنَ نَبِيِّ .. فَاتِيهِمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَ حَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ

پاداش اخروی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أَمْ أَمْثَلُكُمْ .. ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

پاداش اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۲

۲ - خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ .. وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَىٰ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ

پاداش اخروی راستگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۱

۱ - انسان های درست کار ، راست گفتار و مطیع خداوند ، به پاداش

کردار خویش ، در میان انبوه نعمت های آخرت جای خواهند گرفت .

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

از جمله معانی ذکر شده برای <بَرٌّ>، صلاح و درست کاری، اطاعت و صداقت است (لسان العرب). <نعیم> یعنی، نعمت فراوان (مفردات راغب) نکره بودن <نعیم>، گویای عظمت آن است.

پاداش اخروی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد الله المؤمنين و المؤمنات جنت تجري من تحتها الأنهر

پاداش اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۵

۵ - پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت ، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است .

و من عمل صلحاً .. یرزقون فیها بغير حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد گویای حقیقت یاد شده است.

پاداش اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۸

۸ - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغي

پاداش اخروی سعادت‌مندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۴

۱۴- کمترین ظلم و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادت‌مندان وجود

ندارد .

فمن أوتى كتبه بيمينه .. و لا يظلمون فتيلاً

پاداش اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أولئك لهم مغفرة و أجر كبير

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجر كبير> بهشت و موهبتهای اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان شکیبا ، برخوردار از پاداش حتمی خداوند در قیامت

إني جزيتهم اليوم بما صبروا

<جزاء> (مصدر <جزیت>) به معنای پاداش دادن است. <باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> موصول حرفی است؛ یعنی، <بسبب صبرهم>. <فوز> (مصدر <فائزون>) دستیابی به مقصود را می گویند. فعل <جزیت> دو مفعول بر می دارد. بنابراین <هم>، مفعول اول آن و <أنهم هم الفائزون> به تأویل <فوزهم> مفعول دوم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۵

۵ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش صابران است .

يجزون الغرفه بما صبروا .. خلدین فیها حسنت مستقرًا و مقامًا

پاداش اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در < جنات عدن >

و مسکن طیبه فی جنت عدن

< جنات عدن > می تواند نامی خاص باشد و غیر از < جنات تجری .. > به شمار آید. برداشت

فوق برگرفته از این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أَجْرٌ كَبِيرٌ> بهشت و موهبت‌های اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۱ - ۱

۱- استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ

جمله <أُولَئِكَ..> یا خبر یکم برای <إِنَّ> در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارالیه <أُولَئِكَ> <الَّذِينَ آمَنُوا...> در آیه قبل است. <عَدْنٌ> به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۱

۱ - مغفرت الهی و رزق گوارا ، پاداش مؤمنان نیک کردار در جهان آخرت

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

<رزق کریم> یعنی روزی طیب و گوارا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۸

۸ - پاداش های اخروی خداوند ، ویژه مؤمنان شایسته کردار

ثواب اللّٰه خير لمن ءامن و عمل صلّٰحًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جايه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از

حسابرسی بدکرداران *

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان دارای عمل صالح ، برخوردار از بوستان هایی متعدد ، در آخرت

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ

پاداش اخروی صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۴

۴ قیامت ، عرصه بهره برداری آدمی ، از نتایج گفتار و کردار خویش

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمَ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صَدَقُهُمْ

پاداش اخروی صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۷

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَعُ لَهُمْ أَجْرَ كَرِيمٍ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فِيضَاعِفْ لَهُمْ> ، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <وَأَجْرَ كَرِيمٍ> ناظر به پاداش اخروی باشد.

پاداش اخروی صدیقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۹

۹ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت برخوردار از پاداشی ویژه و مخصوص به خود

لهم أجرهم

تقدیم <لهم> بر <أجرهم> افاده حصر می کند؛ یعنی، پاداش آنان (صدیقان و شهدا)، تنها از آن ایشان است و به کسی دیگر داده

نمی شود.

پاداش اخروی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ - قیامت زمان برداشت و پاداش اعمال نیک است .

فاستبقوا الخیرت این ما تکنونوا یأت بکم الله جميعاً

جمله <این ما تکنونوا ..> تعلیل جمله قبل است، یعنی، چون قیامتی بر شما هست باید در دنیا به انجام کارهای نیک پردازید. این تعلیل بیانگر آن است که: سعادت انسان در آخرت، به اعمال نیک او در دنیا بستگی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۳،۷،۲۱

۳ دریافت سزای کامل اعمال، تنها در روز قیامت است .

وَأَمَّا تَوْفُونِ اجورکم یوم القیمه

۷ برخورداری از بهره های اخروی، نتیجه اعمال دنیوی انسان

وَأَمَّا تَوْفُونِ اجورکم یوم القیمه

۲۱ بهره های دنیا در برابر پاداش های کامل اخروی اعمال، فریبی بیش نیست .

وَأَمَّا تَوْفُونِ اجورکم یوم القیمه .. و ما الحیوه الدنیا الا متاع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۹

۹ اعمال نیک آدمی در پی دارنده پاداشی الهی در دنیا و آخرت *

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

بدان احتمال که مراد از <یضاعفها> پاداش دنیوی و <یؤت من لدنه .. > ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۲۰

۲۰ قیامت روز پاداش و کیفر اعمال است.

و كذلك زینا لكل أمه عملهم .. فینبئهم

بما كانوا يعملون

مطلع ساختن آدمیان بر اعمالشان در قیامت، کنایه از مجازات و یا پاداش آنان می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ حضور در صحنه قیامت و برخورد با سزای اعمال دنیوی، فرجام همه انسانهاست.

لقاء الآخره

کلمه <لقاء> (رسیدن و برخورد کردن) مصدری است که به مفعولش اضافه شده و فاعل آن محذوف است / یعنی: <و لقاءهم الآخره>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۴

۴- کیفر و پاداش الهی به انسان ها در قیامت، کاملاً مطابق و متناسب با کم و کیف رفتار آدمی است.

ليجزى الله كل نفس ما كسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۱۰، ۷

۷- همه انسان ها، سزای اعمال خویش را در قیامت، به طور کامل دریافت خواهند کرد.

يوم... و توفى كل نفس ما عملت

<توفى> (از ماده توفیه) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

۱۰- دنیا، میدان عمل و آخرت صحنه دریافت پاداش و کیفر است.

يوم تأتى... و توفى كل نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - پاداش اعمال در قیامت ، عادلانه و به دور از هرگونه نقص و کاستی است .

و من يعمل .. فلا يخاف ظلماً ولا هضمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - کیفیت

برانگیختن انسان و جزای اعمال او در قیامت ، متناسب با عملکرد دنیایی او است .

فنیستها .. تنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۴ - ۵

۵ - تجسم اعمال آدمیان ، به صورت کیفر و پاداش در آخرت

فالیوم لاتظلم نفس شیئاً و لاتجزون إلا ما کنتم تعملون

آمدن تعبیر <لا-تجزون إلا- ما> به جای <لا-تجزون إلا- بما کنتم تعملون> (با ذکر <باء> مقابله)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که خودِ اعمال آدمی در روز رستاخیز، به صورت کیفر و پاداش به او برگردانده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۵ - ۳

۳ - بهشت و نعمت ها و خوشی های آن ، نتیجه و پاداش کردار انسان ها در دنیا است .

و لاتجزون إلا ما کنتم تعملون . إنَّ أصحاب الجنة الیوم فی شغل فکھون

از ارتباط میان این آیه که سخن از بهشت و نعمت های آن است و آیه پیش که درباره پاداش مطابق رفتار و کردار بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال و پاداش و جزا

هذا ما توعدون ليوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ - علم گسترده الهی به عملکرد انسان ها ، پشتوانه کیفر و پاداش اخروی آنان

اعملوا ما شئتم إنه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، روز انسان و محصول تلاش و عملکرد او است .

حتی یلقوا یومهم الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۵ - ۷

۷ - اعمال نیک و بد آدمی ، دارای بازتاب در دنیا و در پی دارنده کیفر و پاداش در حیات اخروی

من عمل صالحًا .. ثمّ إلى ربّکم ترجعون

تعبیر <ثمّ إلى ربّکم> در پی <من عمل صالحًا..> می رساند که آنچه در صدر آیه شریفه نسبت به بازتاب عمل گفته شده، مربوط به دنیا است و اعمال آدمی پس از آن نیز کیفر و پاداشی در نزد پروردگار خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۲ - ۹

۹ - بازگشت نتیجه کردار و اندوخته های انسان ، به خود وی در دنیا و آخرت

محياهم و مماتهم .. و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

آیه شریفه پاسخ وردی است بر کسانی که صالح و ناصالح را در زندگی و مرگ مساوی می پنداشتند از این مطلب، استفاده می شود که دنیا و آخرت هر دو میدان جزا و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ - زندگى دنيا ، صحنه عمل

و آخرت میدان دریافت اعمال و نتایج آن *

و لكلّ درجت مّمّا عملوا و لیوفّیهم أعمالهم

بنابراین که <حقّ علیهم القول> در آیه قبل، عذاب اخروی باشد؛ از این آیه استفاده می شود که مراد از <درجات> درجه های اخروی است و در آن جایگاه، نتایج اعمال استیفا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۳

۳ - قیامت ، روز حاکمیت قانون و جزای اعمال

ایّان یوم الدّین

<دین> به معنای جزا و <یوم الدّین> به معنای روز جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۱،۳

۱ - جزای کامل اعمال ، نصیب انسان در آخرت ، در پی دیدن و مشاهده عمل

و أنّ سعیه سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

۳ - تجسم اعمال انسان ، مجازات و پاداش الهی در آخرت برای او

و أنّ سعیه سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

برداشت یاد شده با توجه به تعبیر <یجزاه> به جای <یجزی به> استفاده می شود؛ زیرا مفاد آن چنین است: <خداوند انسان را به همان عملش جزا می دهد [و نه در برابر عملش]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۹ - ۲،۳

۲ - نعمت های آخرت ، پاداش کار و تلاش در دنیا است .

ناعمه . لسعیها راضیه

۳- افرادی که در قیامت ، در رفاه و خوش گذرانی به سر می برند ، دستیابی به آن را مرهون تلاش های دنیایی خود می بینند

ناعمه . لسعیها راضیه

جلد - نام سوره -

۵ - مشاهده کردار و مواجه شدن با پاداش و کیفر آن، از اهداف حشر انسان ها در قیامت

يُصَدِّرُ النَّاسَ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ

حرف <لام> در <ليروا>، بیانگر برداشت یاد شده است. مشاهده اعمال، یا به معنای مشاهده پاداش و کیفر آنها است و یا ناظر به تجسم اعمال و مشهود بودن آن در قیامت است.

۷ - مواجه شدن انسان ها با کردار خود و پاداش یا کیفر آن، پس از بازگشت آنان از حسابرسی است.

يُصَدِّرُ النَّاسَ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ

پاداش اخروی عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - انجام دهندگان کار خیر، در قیامت پاداش دیده، با کردار خویش مواجه خواهند شد.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

پاداش اخروی عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ انجام عمل نیک به شرط حبط نشدن تا حضور در صحنه قیامت دارای پاداشی ده چندان است.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرَ مِثَالِهَا

حرف <باء> در <بالحسنه> هم می تواند برای تعدیه باشد، که در این صورت <مجیء> به معنای انجام دادن است، و هم می تواند برای مصاحبت باشد، که در این صورت <مجیء> به معنای حاضر شدن است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. بر این مبنا جمله <مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ> (کسی که با عمل نیکی در قیامت حاضر شود)، اشاره به این معنا دارد که پاداش

از آن کسی است که عمل نیکش

تا قیامت باقی باشد و با گناه حیط نشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۵

۵ - هر عمل نیک در جهان آخرت ، دارای پاداش افزون و هر عمل بد دارای کیفر متناسب با آن خواهد بود .

من جاء بالحسنة ... و من جاء بالسئته

<ال> در <الحسنة> و <السئته> برای جنس و مفید استغراق است. بنابراین <من جاء بالحسنة> یعنی، <هر کس هر عمل نیک بیاورد> و <من جاء بالسئته> یعنی، هر کس هر عمل بد بیاورد.

پاداش اخروی فاطمه(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ ... وَ سَقِيهِمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا . إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزْ

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰، الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت؛ بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش اخروی قرض به خدا

سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۵،۱۰

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت .

من ذا الذی یقرض الله .. فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۰ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه ای که مؤمنان به او می دهند ، علاوه بر بازپس دادن چند برابر آن در دنیا ، پاداشی نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان خواهد داد .

من ذا الذی یقرض الله .. فیضعفه له و له أجر کریم

واژه <کریم> در هر مقامی، معنایی متناسب با همان مقام دارد. در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱

۱ - قیامت ، روز پاداش دهی خداوند به وام دهندگان خود (کسانی که با انفاق در راه خدا به او قرض الحسنه دادند) .

من ذا الذی یقرض الله .. و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین

<یوم> در <یوم تری>، مربوط به <له أجر کریم> در آیه پیش است؛ یعنی، خداوند، پاداش نفیس خود را به وام دهندگان خویش در روزی می دهد که... گفتنی است که مراد از <یوم تری> روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۷،۱۱

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعف لهم و لهم أجر كريم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر كريم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۱ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه که مؤمنان به او می دهند علاوه بر باز پس دادن چند برابر آن در دنیا پاداش نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان عطا خواهد کرد .

إِنَّ الْمَصْدَقِينَ ... و أقرضوا الله ... و لهم أجر كريم

واژه <كريم>، در هر مورد معنایی متناسب با همان جا دارد و در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

پاداش اخروی گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۹

۹ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت برخوردار از پاداشی ویژه و مخصوص به خود

لهم أجرهم

تقدیم <لهم> بر <أجرهم> افاده حصر می کند؛ یعنی، پاداش آنان (صدیقان و شهدا)، تنها از آن ایشان است و به کسی دیگر داده نمی شود.

پاداش اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۷،۹

۷- ورود به بهشت جاودان و رسیدن به تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقواییشان است .

دار المتّقین

. جنت عدن ... لهم فيها ما يشاءون

۹- نیل به سعادت اخروی ، جای گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقوایندگان

و لنعم دار المتقين . جنت عدن ... لهم فيها ما يشاءون كذلك يجزي الله المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۲

۲ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش تقوایندگان است .

جنت .. هذا ما توعدون ليوم الحساب

<ليوم الحساب> به تقدیر <لأجل جزاء يوم الحساب> است، یعنی، این نعمت ها همان چیزی است که به خاطر روز حساب به شما وعده داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۴۸، ۲

۲ - بناهای مرتفع و چند طبقه (کاخ ها) در بهشت، پاداش اختصاصی تقوایندگان

لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف مبيتة

"غرفه" (مفرد "غرف") به معنای بناهای مرتفع و خانه ای بالای خانه ای دیگر (چند طبقه چون کاخ) است. گفتنی است لام در "لهم" برای اختصاص است.

۴ - تقوایندگان ، از منظره های چشم نواز و لذت بخش بهشت بهره مند خواهند شد .

لهم غرف من فوقها غرف مبيتة

مرتفع و چند طبقه بودن بناهای بهشت به همراه جریان نهرها در پایین آنها، می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

۸ - کاخ ها و بنا های تقوایندگان در بهشت ، دارای نهرهایی است جاری در پایین آنها .

غرف مبيتة تجري من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ - نبأ - ٧٨ - ٣٦ - ٢٤

خداوند ، به اقتضای ربوبیت خویش ، تقوای پیشگان را از پاداش های اخروی بهره مند می سازد .

جزاء من ربك

۴ - بهره مند ساختن تقوای پیشگان از پاداش های آخرت ، جلوه تدبیر خداوند در ترفیع بخشیدن به مقام پیامبر (ص) است .

ربك

<ربب> مصدر و به معنای تربیت است و مجازاً در معنای <تربیت کننده> استعمال می شود (مفردات راغب). تأکید بر واژه <ربك>، گویای آن است که اعطای پاداش به متقین، در راستای تربیت پیامبر(ص) و افزودن رشد آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۷ - ۶۸

۶ - پاداش رسانی به اهل تقوا در قیامت ، اقتضای تدبیر نظام هستی و لازمه ربوبیت خداوند بر جهان است .

جزاء من ربك .. رب السموت و الأرض و ما بینهما

۸ - نعمت های بهشت و پاداش تقوای پیشگان در آن ، جلوه رحمت گسترده خداوند است .

جزاء من ربك .. الرحمن

پاداش اخروی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ حوران بهشتی ، از آن مؤمنان مجاهد و ایثارگر است .

و أولئک لهم الخیرت

منظور از <الخیرات> به قرینه آیه ۷۰ سوره الرحمن (فیهن خیرات حسان) می تواند حوران بهشت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۴

۴- باغ های بهشت ، با نهر های همیشه جاری ، پاداش الهی به شرکت کنندگان در جهاد و نبرد با دشمنان دین

و من یطع الله و رسوله یدخله جنّت تجری

با توجه به این

که سیاق آیات، در رابطه با جنگ و جهاد می باشد؛ مراد از <من یطع..> کسی است که فرمان جهاد را اطاعت کرده است.

پاداش اخروی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۳، ۲، ۱

۱ پاداش های اخروی ، تنها از آن نیکوکاران است .

لذین أحسنوا الحسنی

تقدیم خبر (لذین ..) بر مبتدا (الحسنی) مفید حصر است.

۲ پاداش نیکوکاران در سرای آخرت از نوع بهترین پاداشهاست .

لذین أحسنوا الحسنی

۳ نیکوکاران در سرای آخرت ، افزون بر بهترین پاداش ها ، از نعمتهایی بی شمار و غیر قابل توصیف برخوردار خواهند بود .

لذین أحسنوا الحسنی و زیاده

تکیردر <زیاده> که برای تفخیم است بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۲

۲ نیکوکاران علاوه بر بهره مند شدن از پاداش در حیات دنیا ، از پاداش های برتر اخروی نیز برخوردار خواهند شد .

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الآخره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۱۳، ۷

۷ - پاداش احسان کنندگان در قیامت ، پاداشی بزرگ و با عظمت است .

ذلک جزاء المحسنین

برداشت یاد شده از کاربرد <ذلك> (برای اشاره به شیء بعید)، استفاده شده است.

۱۳ - بهشت و تأمین تمامی خواسته ها ، پاداش استحقاقی و حق محسنان است .

ذلك جزاء المحسنين

تعبیر <جزاء> می رساند که محسنان در برابر احسان های خود، حقی بر خدا پیدامی کنند؛ هر چند این حق را خود او مقرر فرموده است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - فراهم شدن تمامی خواسته های محسنان در قیامت ، پاداشی است بر مبنای بهترین عمل آنان .

لهم ما يشاءون عند ربهم .. و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <يجزيهم..> می تواند توضیح و بیان برای جمله <لهم ما يشاءون...> باشد؛ یعنی، برآورده شدن خواسته های محسنان در قیامت، همان پاداش مطابق با بهترین عمل ها است که خداوند برای آنان مقرر داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۲

۲ - بهره مندی از موهبت های بهشت ، جزا و پاداش الهی به نیکوکاران

فی ظلل و عیون .. إنا كذلك نجزي المحسنين

پاداش اخروی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۶

۶ وعده پاداش کامل اخروی به پیامبر (ص) ، در برابر ابلاغ رسالت و تحمّل رنج های آن

فان كذبوك .. و انما توفون اجوركم يوم القيمة

از مصادیق مورد نظر برای <و انما توفون اجوركم>، به قرینه آیه قبل، که در مقام تسلی و دلداری پیامبر (ص) بود، پاداش کامل پیامبر (ص) در برابر ابلاغ رسالت است.

پاداش اخروی مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد الله المؤمنين و المؤمنات جنت تجري من تحتها الأنهار

پاداش اخروی مردان صالح

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۵

۵ - پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت ، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است .

و من عمل صلحًا . . . یرزقون فیها بغير حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد گویای حقیقت یاد شده است.

پاداش اخروی مردان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۸

۸ - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة یرزقون فیها بغير

پاداش اخروی مطیعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۱

۱ - انسان های درست کار ، راست گفتار و مطیع خداوند ، به پاداش کردار خویش ، در میان انبوه نعمت های آخرت جای خواهند گرفت .

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

از جمله معانی ذکر شده برای <بَرٌّ>، صلاح و درست کاری، اطاعت و صداقت است (لسان العرب). <نعیم>؛ یعنی، نعمت فراوان (مفردات راغب) نکره بودن <نعیم>، گویای عظمت آن است.

پاداش اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۵

۵ پاداش اخروی مؤمنان صالح بیش از استحقاق آنان است .

فاما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت . . و يزيدهم من فضله

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۶

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در < جنات عدن >

و مسکن طیبه فی جنت عدن

<جنات عدن> می تواند نامی خاص باشد و غیر از <جنات تجری...> به شمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ حوران بهشتی ، از آن مؤمنان مجاهد و ایثارگر است .

و أولئک لهم الخیرت

منظور از <الخیرات> به قرینه آیه ۷۰ سوره الرحمن (فیهن خیرات حسان) می تواند حوران بهشت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۱

۱۱ عمل صالح ، شرط بهره مندی اهل ایمان از پاداش های اخروی

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۲

۲ مؤمنان به کتاب های آسمانی ، در قیامت به پاداش کامل کردار خویش دست خواهند یافت .

و إن کلاً لما لیوفینهم ربک أعملهم

مراد از <أعملهم> کیفر و پاداش اعمال می باشد. بنابراین <إن کلاً...> یعنی ، همانا پروردگارت پاداش و کیفر اعمال همگان را به طور کامل پرداخت خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۳۱ - ۱،۹

۱- استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنِ

جمله >أُولَئِكَ.

.. < یا خبر یکم برای > **إِنَّ** در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارالیه < **أُولَئِكَ** > **الَّذِينَ آمَنُوا...** > در آیه قبل است. < **عَدْنُ** > به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

۹- بهشت ، مکانی بس آسایش آفرین ، و نعمت های آن ، پاداشی بس نیک برای مؤمنان است .

نعم الثَّوَابِ وَ حَسَنَتٍ مَّرْتَفَعًا

<مرتفع> اسم مکان به معنای <متکا> (تکیگاه) است و چون هنگام استراحت، نوعاً، مرفق خود را روی زمین می گذارند، به محل استراحت و لمیدن <مرتفع> گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۲

۱۲- ورود مؤمنان به بهشت عدن ، به خاطر ایمان آنان به غیب و تصدیق آن است .

جَنَّتْ عَدْنُ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ

<باء> در <بالغیب> می تواند سببیه و متعلق به <وعد> باشد، یعنی، وعده خداوند به مؤمنان، به جهت ایمان آنان به غیب بوده است. روشن است که بنابراین وجه، تقدیر کلام <بتصدیق الغیب> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۱

۱ - مغفرت الهی و رزق گوارا ، پاداش مؤمنان نیک کردار در جهان آخرت

فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا... وَ رِزْقٍ كَرِيمٍ

<رزق کریم> یعنی روزی طیب و گوارا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان شکیبا ، برخوردار از پاداش حتمی خداوند در قیامت

إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا

<جزاء> (مصدر <جزیت>) به معنای پاداش دادن است. <باء> در

<بما صبروا> سببیه و <ما> موصول حرفی است، یعنی، <بسبب صبرهم>. <فوز> (مصدر <فائزون>) دستیابی به مقصود را می‌گویند. فعل <جزیت> دو مفعول بر می‌دارد. بنابراین <هم>، مفعول اول آن و <أنهم هم الفائزون> به تأویل <فوزهم> مفعول دوم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۸

۸ - پاداش های اخروی خداوند ، ویژه مؤمنان شایسته کردار

ثواب الله خير لمن ءامن و عمل صلحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۵

۵ - پاداش های اخروی خداوند به مؤمنان (بهشت و نعمت های آن) ، تفضل او است .

ليجزى الذين . . . من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۱

۱ - فلسفه برپایی قیامت ، پاداش دادن به مؤمنان دارای عمل صالح است .

لتأتينكم . . . ليجزى الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

<ل> در <ليجزى>، تعلیل برای فعل <تأتی> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - خداوند با کافران بد کردار در قیامت ، بر مبنای عدل و با مؤمنان نیک کردار براساس فضل و لطف خویش برخورد خواهد کرد .

من عمل سيئه فلايجزى إلا مثلها و من عمل صلحًا . . . و هو مؤمن ... يرزقون فيها ب

برداشت یاد شده از آن جا است که مجازات گناه کاران، تنها به میزان گناه آنان است و ولی پاداش مؤمنان نیک کردار، بی
شمار و افزون بر

استحقاق آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۶، ۲۷

۲۶ - احاطه علمی خداوند ، به تمامی اعمال مؤمنان ، تضمین کننده پاداش های اخروی آنها

و كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنَىٰ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

یادآوری احاطه علمی خداوند به همه اعمال پس از وعده پاداش برتر به همه مؤمنان می تواند برای ایجاد و اطمینان در مؤمنان باشد و نیز آنان به این یقین داشته باشند که خداوند به هر عمل نیک آنان، آگاه است. همچنین اعمال نیک آنان هر چند کوچک باشد ضایع نخواهد شد.

۲۷ - دستیابی مؤمنان به پاداش های موعود الهی در آخرت ، در گرو پایدار ماندن آنان بر ایمان و انجام اعمال نیک است .

و كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنَىٰ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

جمله <وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ> می تواند دربردارنده هشدار باشد. بر این اساس، هشدار الهی به مؤمنان مجاهد و انفاق گر پس از این که به آنان وعده پاداش برتر اخروی داده است می تواند بیانگر این حقیقت باشد که مؤمنان مواظب باشند و بدانند که دستیابی آنان به آن وعده های الهی، در صورتی قطعی است که آنها همچنان بر ایمان و صراط مستقیمی که

در آن قرار دارند، باقی بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۱ - ۵

۵ - خداوند ، در قبال عمل کردن مؤمنان به توصیه او (جا باز کردن برای دیگران در مجالس) جایگاه اخروی آنان را وسیع خواهد کرد .

فافسحوا یفسح الله لکم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <یفسح الله لکم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۵

۵ - پاداش مؤمنان ، عادلانه و بی کم و کاست داده می شود .

فمن یؤمن برّبه فلا یخاف بخسًا و لا رهقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۳ - ۲

۲ - مؤمنان در روز قیامت ، تنها به لطف و ثواب الهی چشم دوخته اند .

إلی ربّها ناظره

برداشت یاده شده، مبتنی بر حذف مضاف است و تقدیر آن چنین می باشد: <إلی ثواب ربّها ناظره>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۸

۸ - خداوند در قیامت ، مؤمنان را با یادآوری مکرر پاداش های خویش ، آزار نداده و بر آنان منت نخواهد گذاشت .

لهم أجر غیر ممنون

در معانی <مَنْ> آورده اند که: منت گذاشتن بر کسی، به این است که احسان به او را بزرگ شمرده و به آن فخر کنند و درباره اش سخن را آغاز و تکرار کنند تا آن جا که شخص را متنفر سازند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج

۱ - مؤمنان دارای عمل صالح ، برخوردار از بوستان هایی متعدد ، در آخرت

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ

پاداش اخروی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱،۱۲

۱- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

۱۲- مهاجران ، از فواید دنیوی و پاداش اخروی هجرت در راه خدا بی خبرند .

و الَّذِينَ هَاجَرُوا .. لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۵

۵ - رزق نیکو ، پاداش اخروی خدا به مؤمنان مهاجر

و الَّذِينَ هَاجَرُوا .. لَيَرْزُقْنَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۹ - ۱

۱ - خدا ، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر در جهان آخرت

و الَّذِينَ هَاجَرُوا .. لَيَدْخُلْنَهُمْ مَدْخَلًا يُرْضَوْنَ

پاداش اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۳

۳ - پاداش های اخروی ، وعده نیکوی خداوند به هدایت یافتگان

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا

پاداش اخروی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلك أمه قد خلت لها ما كسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلك أمه قد خلت لها ما كسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱۰،۱۱

۱۰ یوسف (ع) در آخرت از پاداشی برتر و بهتر از آنچه در دنیا بدان دست یافت ، بهره مند خواهد شد .

و كذلك مکنا لیوسف فی الأرض . . . و لانضع أجر المحسنین . و لأجر الآخره خیر ... و

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف (ع) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و كذلك مکنا لیوسف . . . و لأجر الآخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

پاداش اذیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَاخْرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَاوْذُوا فِي سَبِيلِي وَاَقَاتَلُوا وَاُقْتَلُوا لَا كُفْرًا عَنْهُ

۲۱ پاداش مهاجران ، آوارگان ، آزاردیدگان در راه خدا ، مجاهدان و شهیدان ، تضمین شده از سوی خداوند

أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ .. فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَاخْرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَاوْذُوا فِي سَبِيلِي

لام قسم و نون تأکید در <لَا كُفْرًا> و در <لَا دَخَلَ> دلالت بر تأکید و تضمین پاداش دارد.

پاداش ارزشمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۹

۹ - پاداش خدا ، بهترین و ارزشمندترین پاداش ها برای مبلغان الهی

فَخَرَجَ رِبِّكَ خَيْرًا

پاداش استقامت ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۴

۴ - خداوند ، خوش نامی و بلند آوازی را ، به پاس پایداری ابراهیم (ع) در توحید ، به او و فرزندانش عنایت کرد .

فَلَمَّا أَعْتَزَلَهُمْ .. وَاَجْعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا

پاداش استقامت بر توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۵

۱۵ استقامت در دین و پایداری بر توحید ، در پی دارنده پاداش الهی است .

فاستقم .. إنه بما تعملون بصیر

یادآوری علم و آگاهی خداوند به اعمال بندگان پس از امرها و نهی ها ، اشاره به پاداش دهی و کیفر رساندن است.

پاداش استقامت در تکلیف

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۳

۳ بهشت عدن ، پاداش صبر و استقامت بر فرمان های الهی ، برپا داشتن نماز و انفاق کردن

والذین صبروا .. أولئک لهم عقبی الدار. جنت عدن

پاداش استقامت در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۵

۱۵ استقامت در دین و پایداری بر توحید ، در پی دارنده پاداش الهی است .

فاستقم .. إنه بما تعملون بصیر

یادآوری علم و آگاهی خداوند به اعمال بندگان پس از امرها و نهی ها ، اشاره به پاداش دهی و کیفر رساندن است.

پاداش اسکان به واردین به مجلس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۱ - ۱۰، ۸، ۵، ۴

۴ - پاداش مؤمنان عمل کننده به توصیه الهی (توصیه به جا باز کردن برای دیگران در مجالس) ، حل مشکلات و گشایش در امور زندگی آنان از سوی خداوند است .

فافسحوا یفسح الله لکم

در صورتی که مراد از <یفسح الله> ، پاداش دنیوی باشد برداشت بالا استفاده می شود.

۵ - خداوند ، در قبال عمل کردن مؤمنان به توصیه او (جا باز کردن برای دیگران در مجالس) جایگاه اخروی آنان را وسیع خواهد کرد .

فافسحوا یفسح الله لکم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <یفسح الله لکم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۸- برخاستن از جای خود و قرار دادن آن در اختیار دیگران ، دارای پاداشی متناسب در پیشگاه خداوند

و إذا قيل انشزوا فانشزوا يرفع الله الذين ءامنوا منكم

برداشت یاد شده بدان سبب است که خداوند،

برخاستن از جای خود را مایه بالا رفتن درجه و منزلت فرد قرار داده است.

۱۰ - خداوند ، درجات اخروی مؤمنان ، به خصوص اهل علم را ، که در مجالس در صورت ازدحام جمعیت از جای خود برمی خیزند و آن را در اختیار دیگران قرار می دهند ، بالا خواهد برد .

فانشزوا یرفع الله الذین ءامنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات

پاداش اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۸ - ۲

۲ - حوریان بهشت ، پاداش الهی به اصحاب الیمین

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ .. لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ

پاداش اصلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۶

۶ - عفو و اغماض از خطای دیگران و اصلاح بدی آنان با نیکی و گذشت ، موجب اجر و پاداش ویژه خداوند است .

و جزؤا سیئه سیئه مثلها فمن عفا و أصلح فأجره علی الله

پاداش اطاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۶

۲۶ استحقاق اجر عظیم الهی ، در گرو ایمان به خدا و رسول و پرهیز از مخالفت با آنان

و ان تؤمنوا و تتقوا فلکم اجر عظیم

چون کلمه <اجر>، ظهور در پاداش استحقاقی دارد، در برداشت فوق، کلمه استحقاق آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۲۹

۲۹ سعادت دنیا و آخرت ، در گرو اطاعت از خدا و رسول و مراجعه به آنها در حل کشمکشها *

اطيعوا الله .

.. ذلک خیر و احسن تاویلا

بدان احتمال که جمله <ذلک خیر> مربوط به دنیا و جمله <احسن تاویلا> مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱

۱ مصاحبت با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و گواهان اعمال و صالحان ، پاداش اطاعت از خدا و رسول (ص)

و من یطع الله و الرسول .. و الصالحین

<صدیق>، یعنی بسیار راستگو و شاید مبالغه بودن آن اشاره به صداقت آنان در گفتار و عمل باشد. برخی برآنند که مقصود از صدیقین، اولین کسانی هستند که پیامبران را تصدیق کردند و شاهدان، یا به معنای کشته شدگان در راه خدا و یا گواهان بر اعمال انسانها و یا عالمان واقعی دین است.

پاداش اطاعت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنات .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۸

۲۸ عمل کنندگان به میثاق و فرمان های الهی ، هر یک بهره مند از بهشتی خاص هستند .

لقد اخذ الله میثق .. لئن اقمتم الصلوه ... لادخلنکم جنت

بهره گیری عمل

کنندگان به فرمانهای الهی از بهشتهای متعدد (جنت)، می تواند به این صورت باشد که هر کس به بهشت مخصوص خویش راه می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۷

۱۷ اطاعت کنندگان از دستورهای خدا در صورت نیکوکار بودن از پاداشی بیش از دیگر مطیعان بهره مند خواهند شد .

سنزید المحسنین

پاداش اطاعت از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... وعد الل

پاداش اطعام به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۱۶

۱۶ - روزه گرفتن و فدیة دادن به مسکین ، چنانچه با میل و رغبت باشد ، ثوابی افزونتر دارد .

کتب علیکم الصیام .. و علی الذین یطیقونه فدیة ... فمن تطوع خیراً فهو خیر له

مصدق مورد نظر برای <خیراً> به دلیل فرازهای قبل، روزه گرفتن و در صورت مشقت بار بودن روزه، فدیة دادن است.

پاداش اعتصام به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۳

۳ نیل به مقام قرب الهی ، بهره مندی کامل از

بهشت و نعمت های آن و برخورداری از فضل الهی ، پاداش مؤمنان متمسک به خداوند

فاما الذین ءامنوا .. فسیدخلهم فی رحمہ منہ و فضل و یهدیهم إلیہ

پاداش اعراض از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۳

۳- اعطای اسحاق و یعقوب به حضرت ابراهیم (ع) ، موهبتی الهی و پاداش هجرت او بود .

فلما أعتزلهم و ما یعبدون من دون اللّٰه و هبنا له إسحق و یعقوب

حرف <لَمَّا> بیانگر ترتب جزا(وهبنا ..) بر شرط (اعتزلهم ...) می باشد و دلالت می کند که وجود جزا، به خاطر وجود شرط بوده است.

پاداش الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۶، ۱۱

۱۱ خداوند ، پاداش دهنده اعمال در دنیا و آخرت

و من یرد ثواب الدّٰنیا نؤتہ منها و من یرد ثواب الاخرہ نؤتہ منها

مراد از اراده پاداش، انجام عمل خیر، برای نیل به پاداش است.

۱۶ سپاسگزاران نعمت های خداوند ، بهره مند از پاداش های مخصوص او

و من یرد ثواب الدّٰنیا .. و من یرد ثواب الاخرہ ... و سنجزی الشّاکرین

پاداش الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۱ - ۳

۳- باقی ماندن نام و آوازه نیک الیاس پیامبر (ع) ، از پاداش های خداوند به ایشان

و ترکنا علیه فی آخرین .. إنا كذلك نجزي المحسنين

پاداش امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۵

- هر فرد و امتی از پاداش اعمال نیک خویش بهره مند خواهند شد .

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۵

۵ - هر فرد و امتی از پاداش اعمال نیک خویش بهره مند خواهد شد .

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

پاداش امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنات ... یأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... وعد الل

پاداش انس با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۲

۲ - تلاوت قرآن و انس با آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، دارای اجر و پاداش الهی

یتلون کتب الله .. لیوفیهم أجورهم

پاداش انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ - همه انسان ها ، برای کیفر و پاداش به سوی خدا بازمی گردند .

فَالِیْنَا یَرْجِعُونَ

پاداش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۸

۱۸ - پاداش برتر و مازاد بر استحقاق بندگان ، پرتوی

از مشیت خدا بر اعطای روزی بی شمار او

لیجزیهم الله أحسن ما عملوا و یزیدهم من فضله و الله یرزق من یشاء بغير حساب

جمله <و الله یرزق من یشاء بغير حساب> در مقام تعلیل برای جمله <لیجزیهم الله..> و <یزیدهم...> است؛ چون خداوند به هر کس که بخواهد روزی بی حساب و فراون می دهد. از این رو به مردان الهی پاداش افزون بر استحقاقشان، عنایت می فرماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۵ - ۴

۴ - رسیدگی نهایی به کار مردمان و تعیین کیفر و پاداش برای آنان ، از شؤون خداوند

و إلى الله ترجع الأمور

در صورتی که مراد از <الأمر> کارهای مربوط به انسان ها باشد؛ آیه شریفه به فلسفه قیامت و حضور مردم در پیشگاه خداوند، جهت محاسبه اعمال و مشخص شدن فرجام نهایی شان اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۳

۳ - حساب رسی و کیفر و پاداش بندگان ، مهم ترین خصوصیت معاد و فلسفه برپایی قیامت

و الذین یصدقون بیوم الدین

مطلب یاد شده، از تعبیر <بیوم الدین> درباره قیامت، به دست می آید.

پاداش انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۸، ۱۳

۱۳ بقای آنچه به خداوند قرض داده می شود و بازگشت چندین برابر آن به آدمی

من ذا الذی یقرض الله .. فیضاعفه له اضعافاً کثیره

مُرَاد از ضمیر مفعولی در <یضاعفه> قرض است؛ یعنی آن مالی که قرض داده شود، چندین برابر شده و به او باز

پس داده می شود؛ بنابراین باید آن مال باقی باشد.

۱۸ پاداش انفاق در راه خداوند ، غیر قابل شمارش است .

فیضاعفه له اضعافاً کثیرهً

امام صادق (ع): .. ان الكثير من الله عزّ و جل لا یحصی و لیس له منتهی

معانی الاخبار، ص ۳۹۷، ح ۵۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۳، ح ۹۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۹، ۸، ۶، ۱

۱ مالی که در راه خدا انفاق می شود ، همچون بذری است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد .

مثل الذین ینفقون .. مائه حبه

از مُشبهه به (دانه) به دست می آید که مُشبهه، مالی است که شخص در راه خدا انفاق می کند؛ نه اینکه مشبهه، خود انفاق کننده باشد؛ چنانچه ظاهر تشبیه افاده می کند.

۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در راه خدا ، دست کم به هفتصد برابر

مثل الذین ینفقون .. مائه حبه

۸ خداوند بر اساس مشیت خود ، به هر کس که بخواهد ثمره انفاق را که هفتصد برابر است به چند برابر افزایش می دهد .

و الله یضاعف لمن یشاء

۹ پاداش های فراوان الهی به انفاق کننده ، منوط به انفاق مستمر

مثل الذین ینفقون اموالهم

فعل مضارع <ینفقون> حکایت از استمرار انفاق دارد؛ یعنی پاداشهای مذکور در آیه در صورتی است که شخص به صورت مستمر انفاق کند؛ نه مثلاً یکی دو مرتبه.

۱۱ پاداش وسیع (نامحدود) خداوند به انفاق کننده *

مثل الذّين ينفقون .. و الله واسع عليم

۱۲ پاداش خداوند به

انفاق کنندگان به چندین برابر، برخاسته از سعه وجودی و گستردگی رحمت اوست.

و الله يضاعف لمن يشاء والله واسع عليم

۱۳ خداوند، به انفاق کنندگان در راه او و مستحقین پاداش های چند برابر، داناست.

و الله يضاعف لمن يشاء والله واسع عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۲ - ۲،۵،۶

۲ عاری بودن انفاق از هر گونه منت و آزار چه هنگام پرداخت و چه پس از آن، از شرایط ارزشمندی، قبولی و پاداش در مقابل آن

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ .. ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنْأً وَلَا اِذًى

۵ انفاق کنندگان بدون منت و آزار، بهره مند از پاداش های والا و ویژه الهی

لهم اجرهم عند ربهم

کلمه <عند ربهم>، دلالت بر ویژگی پاداش دارد.

۶ توجه به پاداش های الهی برای انفاق در راه خدا، برانگیزنده آدمی به انفاق

لهم اجرهم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۳ - ۱۱

۱۱ بهره و آثار ارزشمند انفاق، برای شخص انفاقگر است؛ نه خداوند.

و الله غنیّ حلیم

بکارگیری صفت <غنی> پس از مسأله <انفاق>، برای نفی تصور بهره جستن خداوند از انفاق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ مثل انفاق کنندگان اموال برای خشنودی خدا و ثبات نفس خویش ، همچون بوستانی است بر تپه ای بلند که یا رگباری تند بر آن بارد و دو چندان میوه دهد و

یا باران ملایمی بر آن بارد و آن را به ثمر بنشانند .

و مثل الذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات اللّٰه .. کمثل جنّه ... اُکُلْهَا ضِعْفٍ

۶ وعده الهی به پاداش انفاق کنندگان برای کسب رضایت خداوند

مثل الذین ینفقون .. فاتت اُکُلْهَا

۹ انفاق کنندگان ، دارای زمینه و قابلیت والای بهره مندی از فیوضات الهی

اصابها وابل .. فان لم یصبها وابل فطلّ

۱۳ پاداش انفاق کنندگان ، یکسان نیست .

و مثل الذین .. کمثل جنّه بر بوه ... فان لم یصبها وابل فطلّ

از تشبیه انفاق به بوستانی که بر اثر باران به ثمر نشستگی باشد و در صورت بارش بارانی تند، ثمر آن دو چندان شود، یکسان نبودن پاداش استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۴

۴ انفاق برای جلب رضایت الهی و ثبات نفس و به دور از منت و آزار و ریا ، دارای نتایج و بهره های فراوان

ایوّد احدکم ان تکون له جنّه .. فیها من کلّ الثمرات

انفاق، تشبیه به بوستان شده که هر گاه ریا و آزاری در پی داشته باشد، بسوزد و چنانچه برای رضای الهی و خالی از ریا و آزار باشد، دربردارنده نتایج و بهره های فراوان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۸ - ۱۱، ۱۳، ۱۰، ۷۸

۷ خداوند ترغیب کننده آدمی به انفاق ، با وعده آمرزش گناهان و فزونی رزق

و اللّٰه یعدکم مغفره منه و فضلا

کلمه <فضلا> به قرینه مقابله آن با وسوسه شیطان بر تهیدستی، به معنای فزونی

در رزق است.

۸ انفاق ، موجب توسعه رزق و آمرزش گناهان

یا ایها الذین امنوا انفقوا .. و الله یعدکم مغفره منه و فضلا

۱۰ آمرزش گناهان و افزونی مال از جانب خداوند ، پاداشی برای انفاق کنندگان

یا ایها الذین امنوا انفقوا .. و الله یعدکم مغفره منه و فضلا

۱۱ افزونی پاداش الهی ، نسبت به مال انفاق شده

و الله یعدکم مغفره منه و فضلا

<فضل> (به معنای افزونی)، پاداشی از سوی خداوند به انفاق کننده است. این افزونی در پاداش می تواند در مقایسه با مال انفاق شده مطرح باشد؛ یعنی خداوند بیش از آنچه انفاق می کنید به شما پاداش می دهد.

۱۳ خداوند ، آگاه به انفاق کنندگان در راه او و گشایش دهنده روزی آنان است .

و الله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۲،۷

۲ پاداش الهی به انفاق ها و نذر های بندگان ، هر چند اندک باشد .

و ما انفقتم من نفقه .. فان الله یعلمه

توجه دادن به علم خداوند بر اعمال بندگان کنایه از پاداش الهی در برابر آن اعمال است.

۷ خداوند ، مددکار و یاور اهل انفاق و وفاکنندگان به نذر است .

و ما للظالمین من انصار

از مفهوم <و ما للظالمین من انصار> که تنها ترک کنندگان انفاق محروم از حمایت خداوند می باشند، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ صدقه پنهانی به فقرا ، كفاره برخی گناهان

و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء

... و يكفر عنكم من سيئاتكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۱۶، ۱۷، ۱۴، ۶

۶ انفاق از هر چیز خیر ، به سود خود انفاق کننده

و ما تنفقوا من خیر فلانفسکم

<من> در برداشت فوق، ابتدائیه معنی شده است.

۱۴ مقبولیت انفاق در پیشگاه خداوند و ثمردهی آن ، در گرو نیت و قصد قربت انفاق کننده

و ما تنفقوا من خیر فلانفسکم و ما تنفقون الا ابتغاء وجه الله

بنابراینکه جمله <و ما تنفقون> حال برای <و ما تنفقوا فلانفسکم> باشد؛ یعنی آنگاه انفاق به سود شماست که برای <ابتغاء وجه الله> باشد.

۱۶ انفاق کننده در راه خدا ، بهره مند از پاداش کامل انفاق ، بی هیچ ستمی در حق وی

و ما تنفقوا من خیر یوفّ الیکم و انتم لا تظلمون

۱۷ کم و کاست نشدن پاداش انفاق برای رضای خدا ، هر چند به بینوایان غیر مسلمان باشد .

و ما تنفقوا من خیر یوفّ الیکم و انتم لا تظلمون

با توجه به شأن نزول که در مورد انفاق به غیر مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۴ - ۳، ۴، ۱

۱ انفاق کنندگان پنهان و آشکار در شب و روز (همه حال و همه وقت) بهره مندان از پاداش های ویژه الهی

الذین ینفقون اموالهم .. فلهم اجرهم عند ربهم

۳ پاداش الهی اهل انفاق ، نتیجه عمل خیر آنها

فلهم اجرهم عند ربهم

۴ وعده الهی بر پاداش اهل انفاق ، بر انگیزنده آدمی به آن

فلهم اجرهم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۸

۸ آمرزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش انفاق در توانگری و تنگدستی و فرو خوردن خشم و گذشت از خطای دیگران

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ .. اولئك جز آؤهم مغفره من ربهم و جنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۹

۹ خداوند ، کیفر دهنده بخیلان و ریاکاران و پاداش دهنده انفاق کنندگان مخلص

الذين يبخلون .. و انفقوا ... و كان الله بهم عليماً

هدف از بیان علم و آگاهی خداوند پس از بیان ایمان و بخل، تهدید بخیلان و ریاکاران به کیفر، و پاداش دهی به مؤمنان انفاق کننده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۱۰، ۱۲، ۱۳

۱۰ ایمان و انفاق ، حسنه ای است که ، هر چند اندک باشد ، پاداش عظیم الهی را در پی خواهد داشت .

ماذا عليهم لو امنوا بالله و اليوم الاخر و انفقوا .. و ان تك حسنه يضاعفها و يؤ

از مصادیق مورد نظر برای حسنه، به دلیل آیه قبل، ایمان و انفاق است.

۱۲ توجه به آگاهی خداوند بر کوچکترین انفاق ، و پاداش عظیم خداوند به انفاقگران ، درمان بخل و ترک احسان

و انفقوا .. و كان الله بهم عليماً. ان الله لا يظلم مثقال ذره و ان تك حسنه

۱۳ پاداش عظیم خداوند ، جبران کننده خسارت های انفاق کنندگان

و ماذا عليهم لو .. انفقوا ... و ان تك حسنه يضاعفها و يؤت من لدنه اجراً

جمله <يضاعفها و يؤت من لدنه اجراً عظيماً> می تواند پاسخی باشد به این توهم که انفاق، موجب خسارت مالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۸، ۱۳

۱۳ انفاق در راه خدا، دارای پاداشی کامل و تضمین شده از جانب خدا

و ما تنفقوا من شيء... يوف إليكم

۱۸ کاستی در پاداش انفاق ها و نادیده گرفتن انفاق های ناچیز، ستمکاری است.

و ما تنفقوا من شيء في سبيل الله يوف إليكم و أنتم لا تظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۱

۱ ثبت همه انفاق های کوچک و بزرگ مؤمنان، به منظور اعطای پاداش به آنان

و لا ينفقون نفقه صغيرة و كبيرة... إلا كتب لهم ليجزيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۳

۳ بهشت عدن، پاداش صبر و استقامت بر فرمان های الهی، برپا داشتن نماز و انفاق کردن

والذين صبروا... أولئك لهم عقبى الدار. جنت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۵

۵ - پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان، فوق حد شمارش است.

إنما يؤمن... سجداً و سبحوا بحمد ربهم... تتجافى جنوبهم... و مما رزقنهم

<فاء> در <فلا-تعلم نفس> تفریح بر آیات پیش است که در آنها صفات نیکوی مؤمنان شمرده شده است. بنابراین، معنا، چنین می شود: <مؤمنانی

که دارای صفات یاد شده اند، پاداشی مخفی دارند. با توجه به تفریع احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

پاداش انفاق آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۲

۲ - تلاوت قرآن و انس با آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، دارای اجر و پاداش الهی

یتلون کتب الله .. لیوفیهم أجورهم

پاداش انفاق پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۲

۲ - تلاوت قرآن و انس با آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، دارای اجر و پاداش الهی

یتلون کتب الله .. لیوفیهم أجورهم

پاداش انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۷

۷ جلوه فضل الهی ، در پاداش به مؤمنان مجاهد و انفاقگر

لیجزیهم الله أحسن ما كانوا يعملون

<جزای أحسن> که به معنای پاداش دادن به بیش از حد استحقاق است بیانگر تجلی فضل خدا در پاداش دهی به مؤمنان است. قابل ذکر است در برداشت فوق مفروض این است که <أحسن> مفعول دوم برای <یجزی> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۱۳

۱۳ - وعده پاداش بزرگ از سوی خداوند به مؤمنان انفاقگر

فالذین ءامنوا منکم و أنفقوا لهم أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۳

۲۳ - پاداش الهی به مجاهدان و انفاق گران

در راه خدا، بهترین و نیکوترین پاداش است.

و كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنِي

<حسنى> (مؤنث <أحسن>)، به معنای نیکوتر است. گفتنی است که <الحسنى>، صفت برای موصوف محذوف است؛
یعنی، <و كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْمُتَوَبَةَ الْحَسَنِي>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۴ - ۷

۷ - ثمره و منفعت انفاق به خود انفاقگران برمی گردد.

و من يتولّ فإنّ الله هو الغنى الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۹،۱۲

۹ - پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان، جلوه قدرشناسی، سپاسداری و حلم خداوند است.

إن تقرضوا الله... يضعفه لكم و يغفر لكم و الله شكور حلیم

۱۲ - پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان، جلوه تفضل و لطف ویژه خداوند به آنان است.

إن تقرضوا الله... يضعفه... و الله شكور حلیم

سپاس و تقدیر خداوند از انفاق گران با آن که سود انفاق به خود آنان باز می گردد نشانه تفضل و لطف ویژه الهی به انفاق
گران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۴

۴ - خداوند، بر وعده خود درباره رساندن انفاق گرانِ باتقوا به فرجامی رضایت بخش، سوگند یاد کرده است.*

و لسوف يرضى

<لام> در <لسوف>، لام قسم و یا لام ابتدا است؛ برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

پاداش اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ -

۱۲ - آمرزش و اجر ارزشمند و پرب ها ، پاداش پیروان قرآن و خداترسان

من أتبع الذكر و خشى الرحمن بالغيب فبشّره بمغفره و أجر كريم

پاداش ايثار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۷ - ۶

۶ جان آدمی ، وسیله ای برای کسب رضایت الهی

و من الناس من یشرى نفسه ابتغاء مرضات الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۳

۳ جانبازی و هجرت (تحمل مشکلات و فداکاری در راه خدا) ، موجب اجر بزرگ الهی *

و لو أنّهم فعلوا ما یوعظون به .. و اذا لآتیناهم من لدنا اجرا عظیماً

بنابر اینکه مراد از <ما یوعظون>، همان جهاد و هجرت باشد که در آیه قبل مطرح شد.

پاداش ايثار با جان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۴

۲۴ ايثار جان و مال در راه خدا و دریافت پاداش بهشت ، شایسته سرور و شادمانی ، در بینش الهی

إن الله اشترى من المؤمنین .. فاستبشروا بیعکم الذی بايعتم به

پاداش ايثار با مال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۴ ایثار جان و مال در راه خدا و دریافت پاداش بهشت ، شایسته سرور و شادمانی ، در بینش الهی

إن الله اشترى من المؤمنين .. فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به

پاداش ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۲

ضرورت همراهی ایمان با عمل صالح در بهره‌وری از پاداش های ویژه الهی

انّ الذین امنوا و عملوا الصالحات . . . لهم اجرهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱،۵

۱ مؤمنانِ دارای اعمال صالح ، بهره مند از پاداش کامل خداوند

و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجرهم

۵ مؤمنانِ دارای اعمال صالح از پیروان عیسی (ع) ، مشمول پاداش کامل الهی هستند .

جاعل الذین اتبعوک . . . و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجرهم

مصدق مورد نظر از جمله <فاما الذین امنوا>، به قرینه آیات قبل، مؤمنان به حضرت مسیح (ع) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۶

۲۶ استحقاق اجر عظیم الهی ، در گرو ایمان به خدا و رسول و پرهیز از مخالفت با آنان

و ان تؤمنوا و تتقوا فلکم اجر عظیم

چون کلمه <اجر>، ظهور در پاداش استحقاقی دارد، در برداشت فوق، کلمه استحقاق آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۰

۲۰ آن گروه از اهل کتاب که به خدا، قرآن و کتب آسمانی خویش ایمان آورند / از پاداشی ویژه و والا بهره مند خواهند شد .

اولئک لهم اجرهم عند ربّهم

کلمه <عند ربّهم>، توصیف <اجرهم> است و می رساند که آن پاداش، پاداشی ویژه و ارزشمند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ ایمان

و انفاق ، حسنه ای است که ، هر چند اندک باشد ، پاداش عظیم الهی را در پی خواهد داشت .

ماذا عليهم لو امنوا باللّٰه و اليوم الاخر و انفقوا .. و ان تك حسنه يضاعفها و يؤ

از مصادیق مورد نظر برای حسنه، به دلیل آیه قبل، ایمان و انفاق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ پاداش نیکوی الهی ، ثمره ایمان

لايستوى القاعدون من المؤمنين .. كلاً وعد الله الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۳

۳ زنان و مردان ، همسان در بهره مندی از پاداش ایمان و عمل صالح خویش

و من يعمل من الصلحت من ذكر او انثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۵

۱۵ بهره مندی عالمان از پاداش های بزرگ الهی در گرو ایمان و انجام اعمال صالح

لكن الرسخون .. و المؤمنون باللّٰه و اليوم الاخر أولئك سنؤتيهم أجراً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۱ - ۵

۵ برخورداری از باغ ها و بوستان های متعدد بهشت ، از ثمرات ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا

الذين ءامنوا و هاجروا و جهدوا فى سبيل الله .. يشرهم ربهم ... و جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۵

۵ خداوند ، کفر و ایمان و

اعمال نیک و بد انسان ها را به صورت پاداش و کیفر متبلور خواهد ساخت .

وَ إِنَّ كَلَّامًا لِيُوفِّيَنَّهُمْ رَبِّكَ أَعْمَلَهُمْ

گفتن <اعمال> و اراده کردن پاداش و کیفر آنها ، گویای این نکته است که: پاداش و کیفر ، بازتاب اعمال و تبلور یافته آن است؛ به گونه ای که گویا پاداش و کیفر اعمال ، همان اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۳

۳ - همراهی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری از پاداش و فضل الهی ، در آخرت است .

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۲

۲ - توأم بودن ایمان با اعمال صالح ، دارای ارزش و پاداش است .

ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۷ - ۲

۲ - پاداش ایمان مؤمنان ، از فضل خداوندی است .

و بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۳

۱۳ - رضایت خداوند ، از مؤمنان صالح و رضایت آنان از او ، پاداش ایمان و عمل نیک ایشان است .

جَزَاؤُهُمْ .. رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ

پاداش ایمان به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۰ - ۸

۸ - > عن علی بن أیطالب (ع) فی قول الله عزوجل >

هل جزاء الإحسان إلا الإحسان < فقال رسول الله (ص) هل جزاء من أنعمت عليه بالتوحيد إلا الجنة؟

از امام علی بن ابی طالب (ع) درباره سخن خداوند <هل جزاء الإحسان إلا الإحسان> روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود:
[خداوند می فرماید] آیا پاداش کسی که به او نعمت توحید داده ام، غیر از بهشت است؟<

پاداش ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۳

۳ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (ص) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذين ءامنوا .. أن لهم جنت تجري من تحت الأنهر

متعلق <آمنوا> به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر (ص) است.

پاداش ایمان به محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۳

۳ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (ص) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذين ءامنوا .. أن لهم جنت تجري من تحت الأنهر

متعلق <آمنوا> به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر (ص) است.

پاداش برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۲

۲ خداوند پاداش یهودیان تمسک کننده به تورات و برپا دارنده نماز را تباه نخواهد کرد .

و الذين يمسكون بالكتب .. إننا لانضع أجر المصلحين

چون آیه مورد بحث در سیاق آیات مربوط به یهود واقع شده، می توان گفت مراد از

<الذین ... > یهودیان متعهد هستند، و یا اینکه آنان از مصادیق مورد نظر برای <الذین ... > می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنات ... یأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۳

۳ بهشت عدن ، پاداش صبر و استقامت بر فرمان های الهی ، برپا داشتن نماز و انفاق کردن

والذین صبروا .. أولئک لهم عقبی الدار. جنّت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۲

۲ - تلاوت قرآن و انس با آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، دارای اجر و پاداش الهی

یتلون کتب الله .. لیوفّیهم أجورهم

پاداش بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۴،۵،۶

۴ پاداش خداوند به مؤمنان مهاجر و مجاهد ، پاداشی بزرگ است .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. إن الله عنده أجر عظیم

۵ اجر و پاداش بزرگ ، تنها در نزد خداست .

إن الله عنده أجر عظيم

تقديم <عنده> بر <أجر عظیم> می تواند برای افاده

حصر باشد.

۶ مؤمنان مهاجر و مجاهد، علاوه بر بهره مندی از رحمت و رضوان الهی و بهشت، از پاداشی ویژه و بزرگ در پیشگاه خداوند برخوردارند.

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. و جنت ... إن الله عنده أجر عظیم

قرار گرفتن جمله <إن الله عنده أجر عظیم> که دارای معنایی عام و کلی است پس از ذکر پاداشهای گوناگون مؤمنان مهاجر و مجاهد، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - مردان و زنان شکیبا، از پاداشی با عظمت برخوردارند.

و الصبرین و الصبرت .. أعد الله لهم ... أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - صلح حدیبیه و فتح مکه، پاداش بزرگ الهی به ثابت قدمان بر پیمان با پیامبر (ص) *

و من أوفی .. فسیؤتیه أجرًا عظیمًا

با توجه به این که پیمان یاد شده، قبل از انعقاد صلح حدیبیه صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نوید <فسیؤتیه..> بر صلح حدیبیه و فتح مکه منطبق شود که پس از این پیمان رخ داده است؛ زیرا اگر آن بیعت و پایداری نبود، نوبت به چنان پیروزی هایی نمی رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳، ۴۴

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنان نیک کردار، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد الله الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

آمیختگی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری مؤمنان از مغفرت و پاداش عظیم الهی

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۵،۶،۷

۵ - اجر بزرگ ، در پیشگاه خداوند است .

و الله عنده أجر عظیم

۶ - رهایی از دلبستگی به اموال و اولاد و ترجیح دین داری بر وابستگی به آنها ، دارای پاداش بزرگ الهی است .

و الله عنده أجر عظیم

یادآوری پاداش بزرگ الهی، پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

۷ - توجه و ایمان به پاداش بزرگ الهی برای مؤمنان ، بازدارنده انسان از وابستگی به اموال و اولاد و گناه به خاطر آنها

و الله عنده أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۸

۸ - کسانی که تقوا پیشه کنند ، از اجر بزرگ الهی بهره مند خواهند شد .

و من یتق الله .. یعظم له أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۲ - ۱،۲،۳

۱ - خداترسان ، مشمول غفران عظیم خداوند و بهره مند از پاداش بزرگ او

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفرة و أجر کبیر

تنکیر <مغفرة> دلالت بر تعظیم دارد.

۲ - ترس از خدا در عین پنهان بودن او از انظار عامل جلب غفران و پاداش بزرگ الهی

إِنَّ الدِّينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

<با> در <بالغیب> یا به معنای ملابست است و یا به معنای <فی>. در صورت اول <بالغیب> حال برای

<رَبِّهِمْ> و در صورت دوم متعلق به <یخشون> خواهد بود. گفتنی است برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست می باشد.

۳- ترس از خدا به دور از انظار مردمان و پیراسته از ریا، موجب جلب غفران و پاداش بزرگ او است.

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۵

۵- هدایت و تبلیغ دین و تحمّل سختی ها و ناگواری های برخاسته از آن، دارای پاداشی بزرگ، روز افزون و بی منت

و إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

برداشت یاد شده، به سبب این نکته تردیدناپذیر است که اجر بزرگ پیامبر(ص)، به جهت رسالت او و تحمّل سختی های آن (از جمله تحمّل تهمت های ناروا همچون تهمت جنون و ..) می باشد.

پاداش بزرگ صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۶

۶- خداوند، برای مؤمنانی که عمل صالح دارند، پاداش بزرگی قرار داده است.

لَهُمْ أَجْرٌ

نکره آوردن <أجر>، بیانگر عظمت آن است.

پاداش بزرگ مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۶

۶- خداوند، برای مؤمنانی که عمل صالح دارند، پاداش بزرگی قرار داده است.

لَهُمْ أَجْرٌ

نکره آوردن <أجر>، بیانگر عظمت آن است.

پاداش بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۰ - ۲

۲ - بندگان مخلص خدا، برخوردار از پاداشی فراتر از مقدار اعمال و رفتار خویش

و

ما تجزون إلا ما كنتم تعملون . إلا عباد الله المخلصين

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <إلا..> استثنای منقطع از ضمیر <تجزون> باشد. بر این اساس، پیام آیه شریفه چنین می شود: همگان مطابق کردار خود، جزا و پاداش دارند؛ جز بندگان خالص خدا که فراتر و برتر از اعمال خود، پاداش دریافت خواهند داشت.

پاداش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ - نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان از اندوهی بزرگ، اعطای کتاب آسمانی و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان، از پاداش های خداوند به ایشان

و نجینهما و قومهما من الكرب العظيم . .. إنا كذلك نجزي المحسنين

پاداش به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۲

۲ فرعون به ساحران بشارت داد که در صورت پیروزی علاوه بر دریافت پاداشی گران، از مقربان درگاهش خواهند شد .

قال نعم و إنکم لمن المقربین

پاداش به صدقه دهندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۷

۱۷ خداوند، به اعطا کنندگان صدقه پاداش خواهد داد .

إن الله یجزی المتصدقین

پاداش بهترین عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۷۸،۹

۷ - احسان ، موجب بهره مندی از پاداش بهترین عمل ها

ذلك جزاء المحسنين . . . و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

۸ - برخوردار شدن از پاداش بهترین عمل

ها ، انگیزه محسنان از احسانشان

ذلك جزاء المحسنين . . . و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

۹ - برآورده شدن تمامی خواسته های محسنان از سوی خداوند ، به خاطر اعطای پاداش بهترین عمل ها به آنان

لهم ما يشاءون عند ربهم . . . و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

پاداش بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۳۴،۳۵

۳۴ ضایع نشدن اعمال مؤمنان و ثمردهی آن ، به بهره مندی از پاداش های الهی (مغفرت و بهشت) است .

انّی لا اضيع عمل عامل . . . ثواباً من عند الله

۳۵ بهشت و آمرزش گناهان ، پاداش نیک خداوند

لاکفرن . . . و لادخلنهم ... ثواباً من عند الله و الله عنده حسن الثواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۵

۵ بهشت پاداش راستگویان و راست کرداران است .

هذا يوم ينفع الصدقين صدقهم لهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱،۲۴

۱ خداوند ، خریدار جان و مال مؤمنان به بهای بهشت

إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنة

۲۴ ایثار جان و مال در راه خدا و دریافت پاداش بهشت ، شایسته سرور و شادمانی ، در بینش الهی

إن الله اشترى من المؤمنين .. فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی)

بهشت) برخوردار خواهند شد.

أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

بنا به گفته گروهی از مفسران، مراد از <أجر کبیر> بهشت و موهبت‌های اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱۰

۱۰- بهشت، پاداش کامل مؤمنانی که کردار نیک داشته و از کارهای بد توبه کنند.

فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يظْلَمُونَ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۴

۴- بهشت، پاداشی فراتر از اجر کردار متقیان، است نه هم پایه آن.

نورث من عبادنا من كان تقياً

به مالی که بدون رنج و سختی به کسی برسد <ارث> اطلاق می‌گردد (مفردات راغب). این تعبیر برای بهشت در کنار تخصیص آن به <من كان تقياً> اشاره به این دارد که تا تقوا نباشد، ورود به بهشت ممکن نیست. از طرفی بهشت را سرمایه ای که بدون تلاش به دست آمده معرفی کرده است تا بفهماند که این پاداش، با آن کردار، قابل قیاس نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۱

۱ - بهشت، پاداش خدا به مؤمنان نیک کردار

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۲

۲ - بهشت، پاداش خداوند به مؤمنان نیک کردار

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۴

۴ - بہشت ،

پاداشت مؤمنان نیک کردار

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۳،۶

۳ - بهشت ، پاداش و جایگاه مؤمن انطاکیه

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ

در این که مقصود از <الجنة> چیست؟ میان مفسران دو نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را بهشت اخروی دانسته اند؛ ۲ برخی دیگر آن را بهشت برزخی گرفته اند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۶ - بهشت برزخی پاداش و جایگاه مؤمن انطاکیه

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۲

۲ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش تقوایندگان است .

جَنَّتْ .. هَذَا مَا تَوَعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ

<ليوم الحساب> به تقدیر <لأجل جزاء يوم الحساب> است؛ یعنی، این نعمت ها همان چیزی است که به خاطر روز حساب به شما وعده داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۲

۲ - بناهای مرتفع و چند طبقه (کاخ ها) در بهشت، پاداش اختصاصی تقوایندگان

لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف مبنية

"غرفه" (مفرد "غرف") به معنای بناهای مرتفع و خانه ای بالای خانه ای دیگر (چند طبقه چون کاخ) است. گفتنی است لام

در "لهم" برای اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، پاداش و بهای عمل و تلاش تقوایندگان است که آن را به بهانه نمی دهند .

تَبَوُّوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۲ - ۱

۱ - بهشت با نعمت های فراوان و پایان ناپذیر آن ، پاداش عملکرد پرهیزگاران

و تلك الجنة التي أورثتموها بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۴ - ۴

۴ - بهشت جاودان ، پاداش اعمال نیک و مستمر موحدان

أولئك أصحاب الجنة . . . جزاء بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۴

۴ - باغ های بهشت ، با نهر های همیشه جاری ، پاداش الهی به شرکت کنندگان در جهاد و نبرد با دشمنان دین

و من يطع الله و رسوله يدخله جنت تجري

با توجه به این که سیاق آیات، در رابطه با جنگ و جهاد می باشد؛ مراد از <من يطع..> کسی است که فرمان جهاد را اطاعت کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۱۰

۱۰ - تکامل و تعالی و داشتن دستاوردی بهتر ، فلسفه و هدف آغازین خلقت بشر و برخوردار شدن از جزا و پاداش اخروی (بهشت برین) ، فلسفه و هدف نهایی آفرینش او است .

ليلوكم أيكم أحسن عملاً

به مقتضای جمله <ليلوكم أيكم أحسن عملاً>، هدف از خلقت انسان و تقدیر مرگ و حیات برای وی، تکامل و داشتن دستاوردی بهتر در دنیا است؛ ولی چون پاداش و جایزه اصلی آن را در جهان آخرت دریافت می کند، بنابراین می توان

گفت: تکامل، هدف مرحله اولی خلقت بشر و بهشت برین،

هدف مرحله نهایی آفرینش او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ ... وَ سَقِيهِمْ رَبَّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا . إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزْءًا

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این است که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰، الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش و مزد تقوایبشگی است .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ ... جِزْءًا

<جزء> مفعول مطلق و تأکید کننده مفاد <إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - <قال الرضا (ع) و لقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبد الله الصادق (ع) ... قال: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يَسْئَلُ عِبَادَهُ عَمَّا تَفَضَّلَ عَلَيْهِمْ وَلَا يَمُنُّ بِذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَالْإِمْتِنَانُ بِالْإِنْعَامِ مُسْتَقْبِحٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ فَكَيْفَ يُضَافُ إِلَى الْخَالِقِ عَزَّوَجَلَّ مَا لَا يَرْضَى الْمَخْلُوقُ بِهِ وَ لَكِنَّ النِّعِمَ حَبْنًا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَوَالَاتِنَا يَسْئَلُ اللَّهُ عِبَادَهُ عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِيدِ وَ التَّبَوُّهِ لِأَنَّ الْعَبْدَ إِذَا وَفَى بِذَلِكَ آدَاهُ إِلَى نِعِيمِ الْجَنَّةِ الَّذِي لَا يَزُولُ ;

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام

صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منت نمی گذارد. منت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است؛ پس چگونه به خالق عزوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَزَّوَجَلَّ>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و نبوت، از آن بازخواست خواهد کرد؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند.

پاداش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۳

۳ - شادمانی و عیشِ بهشتیان ، فضل الهی در قبال تعهد و تقوای ایشان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ... فَكِهِينَ بِمَا ءَاتِيَهُمْ رَبَّهُم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۴ - ۴

۴ - خوردنی ها و نوشیدنی های گوارای بهشت ، پاداش اعمال گذشته اهل بهشت است .

بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ

پاداش بی حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۱،۲،۴

۱ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از پاداش بی حساب و همیشگی خداوند

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

برداشت یاد شده بر این اساس است که <غیر ممنون> به معنای غیر منقطع و یا غیر قابل محاسبه باشد.

خداوند در پاداش دادن به مؤمنان نیک کردار، هیچ گونه منّتی بر آنان نخواهد گذاشت.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <ممنون> از ماده <منت> اشتقاق یافته باشد.

۴ - همراه بودن ایمان و عمل صالح، شرط بهره‌وری از اجر بی حساب و بی منت الهی

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

پاداش بی شمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۶

۱۶ - صابران، برخوردار از اجر و پاداش کامل و بی شمار

إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

<توفیه> (مصدر <یوفی>) به معنای پرداخت کامل است.

پاداش بی شمار صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۷

۱۷ - دریافت اجر و پاداش بی شمار الهی، تنها از آن صابران است.

إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

برداشت بالا از کلمه <إِنَّمَا> که دلالت بر حصر می کند قابل استفاده است.

پاداش بی منت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۲،۴

۲ - خداوند در پاداش دادن به مؤمنان نیک کردار، هیچ گونه مَنّی بر آنان نخواهد گذاشت .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <ممنون> از ماده <منت> اشتقاق یافته باشد.

۴ - همراه بودن ایمان و عمل صالح، شرط بهره‌وری از اجر بی حساب و بی منت الهی

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۳،۵

۳ - پاداش خداوند به پیامبر (ص) پاداشی است بی منت .

و إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

۵ - هدایت و تبلیغ دین و تحمّل سختی ها و ناگواری های برخاسته از آن ، دارای پاداشی بزرگ ، روز افزون و بی منت

و إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

برداشت یاد شده، به سبب این نکته تردیدناپذیر است که اجر بزرگ پیامبر(ص)، به جهت رسالت او و تحمل سختی های آن (از جمله تحمل تهمت های ناروا همچون تهمت جنون و ..) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۸

۸ - خداوند در قیامت ، مؤمنان را با یادآوری مکرر پاداش های خویش ، آزار نداده و بر آنان منت نخواهد گذاشت .

لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

در معانی <مَنَّ> آورده اند که: منت گذاشتن بر کسی، به این است که احسان به او را بزرگ شمرده و به آن فخر کنند و درباره اش سخن را آغاز و تکرار کنند تا آن جا که شخص را متنفّر سازند. (لسان العرب)

پاداش بی منت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۶ - ۸

۸ - پاداش مؤمنان دارای عمل صالح ، پاداشی بی منت و به دور از محاسبه و محدودیت

فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

در <قاموس> آمده است که <غیر ممنون>؛ یعنی، بدون محاسبه و صاحب <مصباح> می گوید: <مَنَّتَ عَلَيْهِ مَنَّاً>; یعنی، آنچه از نیکی ها برای کسی انجام داده ای، بر او

شماره کردی. <راغب> در <مفردات>، این کار را مَنّت زبانی و امری نکوهیده خوانده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۵

۵ - دستیابی مؤمنان دارای عمل صالح به پاداش بی مَنّت و پایان ناپذیر، حقیقتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب است.

فما یکذّبک بعد بالدین

چنانچه <دین> به معنای جزا باشد (مفردات)، از مصادیق بارز آن اجری خواهد بود که در آیه قبل، به مؤمنان بشارت داده شد.

پاداش بیعت کنندگان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک .. و أثبهم فتحاً قریباً

بنابراین که مراد از <فتحاً قریباً> به قرینه سیاق آیات صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

پاداش پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۶

۶ - خلود در بهشت های عدن، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است.

جنت عدن .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکی

پاداش پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ دنیا و آخرت ، عرصه بهره مندی دست پروردگان انبیا از پادش های الهی
و کاین من نبی قاتل معه ربیون .. فاتیهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخر

پاداش پیروان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۸

۸ ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (ص) و قرآن

فاما الذين ءامنوا بالله و اعتصموا .. يهديهم إليه صراطاً مستقيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - آمرزش و اجر ارزشمند و پرب ها ، پاداش پیروان قرآن و خدا ترسان

من أتبع الذكر و خشى الرحمن بالغيب فبشره بمغفرة و أجر كريم

پاداش پیروان محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۸

۸ ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (ص) و قرآن

فاما الذين ءامنوا بالله و اعتصموا .. يهديهم إليه صراطاً مستقيماً

پاداش پیروزی در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۴

۲۴ کسب پیروزی در راه خدا ، همانند تحمل مشکلات ، عمل صالح و دارای اجر است .

ذلك بأنهم لا يصيبهم .. و لا ينالون من عدو نيلا إلا كتب لهم به عمل صلح إن الله

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از جمله <لا ينالون من عدو نيلا> می تواند دستیابی به پیروزی بر دشمن باشد.

پاداش پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ -

۲- برخورداری پیشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهی در جهان آخرت و دستیابی آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السابقون السابقون . أولئك المقربون . فی جنّ النعیم ... جزاء بما كانوا یعم

پاداش پیشگامان عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۳

۳- پیشگامان در انجام کار های خیر و وارثان قرآن کریم ، بهره مند از بهشت پاینده

جنّ عدن یدخلونها

پاداش تأمین نیازهای جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۴

۱۴ تأمین کمترین هزینه جهاد ، در پی دارنده پاداش عادلانه الهی

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّٰه یوفّٰ لیکم و انتم لا تظلمون

پاداش تائبان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱۰

۱۰- بهشت ، پاداش کامل مؤمنانی که کردار نیک داشته و از کار های بد توبه کنند .

فأولئك یدخلون الجنّٰه و لا یظلمون شیئاً

پاداش تبعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۹،۲۱

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَاخْرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَاُوذُوا فِي سَبِيلِي وَاَقَاتَلُوا وَاُقْتَلُوا لَا كُفْرَانَ عَنَّهُ

۲۱ پاداش مهاجران ، آوارگان ، آزاردیدگان در راه خدا ، مجاهدان و شهیدان ، تضمین شده از

اَنِّي لَا اَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ .. فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَاخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَاوْذَوْا فِي سَبِي
لَامِ قَسَمٌ وَّ نُونٌ تَأْكِيدٌ فِي <لَا كُفْرَانَ> وَّ فِي <لَا دُخْلَانَ> دَلَالَةٌ بِرِ تَأْكِيدٍ وَّ تَضْمِينٍ بِأَدَاشٍ دَارِدٌ.

پاداش تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۵

۵ - هدایت و تبلیغ دین و تحمل سختی ها و ناگواری های برخاسته از آن ، دارای پاداشی بزرگ ، روز افزون و بی منت

و إِنَّ لَكَ لِأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

برداشت یاد شده، به سبب این نکته تردیدناپذیر است که اجر بزرگ پیامبر(ص)، به جهت رسالت او و تحمل سختی های آن
(از جمله تحمل تهمت های ناروا همچون تهمت جنون و ..) می باشد.

پاداش تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۴

۴ مزد و پاداش دعوت به حق و تبلیغ دین ، بر عهده خداست .

إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۷

۷ ابلاغ پیام های الهی به مردم و تبلیغ معارف دین ، در پی دارنده پاداش از ناحیه خداوند

إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي

پاداش تحمل سختی در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۴، ۲۰، ۱۱، ۱۰

۱۰ تحمل هر سختی (تشنگی ، رنج ، گرسنگی و تعرض و ضربه زدن به دشمن) در راه خدا ، عمل صالح و دارای اجر است .

ذلك بأنهم لا يصيبهم .. في سيل

اللّٰه ... إلا كتب لهم به عمل صلح

۱۱ تحمل کمترین دشواری در راه خدا، دارای پاداشی نزد او

ذلك بأنهم لا يصيبهم ظمأ و... في سبيل الله... إلا كتب لهم به عمل صلح

از تنکیر <ظماً>، <نصب> و... تقلیل استفاده می شود.

۲۰ جهاد و تحمل رنج و سختی در راه خدا، احسان و دارای پاداش از سوی خداست.

لا يصيبهم ظمأ و لا نصب و لا مخصصه في سبيل الله... إن الله لا يضيع أجر المحسن

۲۴ کسب پیروزی در راه خدا، همانند تحمل مشکلات، عمل صالح و دارای اجر است.

ذلك بأنهم لا يصيبهم... و لا ينالون من عدو نيلا إلا كتب لهم به عمل صلح إن الله

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از جمله <لا ينالون من عدو نيلا> می تواند دستیابی به پیروزی بر دشمن باشد.

پاداش تحمل سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۰

۱۰- رنج های تکوینی نیز همانند تحمل سختی در راه دین، زمینه برخورداری از اجر و پاداش الهی است.

إن الذين قالوا ربنا الله ثم استقموا... أولئك أصحاب الجنة... و وصينا

از ارتباط و پیوستگی این آیه با آیات پیشین، می توان استفاده کرد که خداوند هیچ نوعی از سختی ها را نادیده نگرفته و در قبال هر رنجی، پاداشی در خور توجه قرار داده است. پاداش موحدانی را که در طریق ایمان استقامت کنند و دشواری ها را پشت سر بگذارند، بهشت قرار داده و مادران را

نیز که به حکم تکوین، ناگزیرند رنج بارداری و زایمان را تحمل کنند با توصیه به فرزندان، از خدمت های آنان بهره مند ساخته است.

پاداش تحمل مشکلات دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۰

۱۰- رنج های تکوینی نیز همانند تحمل سختی در راه دین ، زمینه برخورداری از اجر و پاداش الهی است .

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا .. أولئك أصحاب الجنة ... و وصينا

از ارتباط و پیوستگی این آیه با آیات پیشین، می توان استفاده کرد که خداوند هیچ نوعی از سختی ها را نادیده نگرفته و در قبال هر رنجی، پاداشی در خور توجه قرار داده است. پاداش موحدانی را که در طریق ایمان استقامت کنند و دشواری ها را پشت سر بگذارند، بهشت قرار داده و مادران را نیز که به حکم تکوین، ناگزیرند رنج بارداری و زایمان را تحمل کنند با توصیه به فرزندان، از خدمت های آنان بهره مند ساخته است.

پاداش تداوم عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۶

۶- مداومت بر اعمال شایسته در دنیا ، دارای ارج و پاداشی چشمگیر در پیشگاه الهی است .

قَرّه أعین جزاء بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۷

۷- عمل صالح و مداومت بر آن ، دارای پاداشی چشمگیر در بهشت است .

ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم .. بما كانوا يعملون

پاداش ترس از قیامت

- آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

پاداش ترک مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۶

۶ - رهایی از دلبستگی به اموال و اولاد و ترجیح دین داری بر وابستگی به آنها ، دارای پاداش بزرگ الهی است .

و الله عنده اجر عظیم

یادآوری پاداش بزرگ الهی، پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

پاداش تسبیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۵

۵ - پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان ، فوق حد شمارش است .

إِنَّمَا يُؤْمِنُ .. سَجَّدًا و سَبَّحًا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ... تَتَجَافَى جُنُوبَهُمْ ... و مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

<فاء> در <فلا-تعلم نفس> تفریع بر آیات پیش است که در آنها صفات نیکوی مؤمنان شمرده شده است. بنابراین، معنا، چنین می شود: <مؤمنانی که دارای صفات یاد شده اند، پاداشی مخفی دارند>. با توجه به تفریع احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

پاداش تسلیم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۲

۲ پاداش بزرگ الهی ، پیامد تسلیم همه جانبه در برابر احکام خداوند و عمل به مواعظ او

و یسلموا تسلیمًا . .. و لو انهم فعلوا ما یوعظون به ... و اذا لآتیناهم من لدنا

پاداش تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۹

۱۹ بهره مندی مؤمنان باتقوا از رزق بی پایان خداوند در قیامت

و الذین اتقوا . .. و الله یرزق من یشاء بغير حساب

کلمه <بغير حساب>، می تواند کنایه از فراوانی و بی پایانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۸

۸ تقوای پیشگان بهره مند از پاداش الهی ، در برابر اعمال نیکی که انجام می دهند .

و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه و الله علیم بالمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۲۱

۲۱ پاداش بزرگ امیرالمؤمنین (ع) به خاطر احسان و تقوا و اجابت خدا و پیامبر (ص) پس از مجروح شدن در جنگ احد

الذین استجابوا لله و الرسول . . . اجر عظیم

امام صادق (ع): ان رسول الله بعث علیاً فی عشره <استجابوا لله و الرسول من بعد ما اصابهم القرع> الی <اجر عظیم>. انما نزلت فی امیرالمؤمنین (ع).

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۵۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۶، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ -

۲۶ استحقاق اجر عظیم الهی ، در گرو ایمان به خدا و رسول و پرهیز از مخالفت با آنان

و ان تؤمنوا و تتقوا فلکم اجر عظیم

چون کلمه <اجر>، ظهور در پاداش استحقاقی دارد، در برداشت فوق، کلمه استحقاق آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱۱

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف (ع) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و كذلك مکنا لیوسف .. و لأجر الآخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقوای پیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۹

۱۹- تقوا و احسان ، دو امر ارزشمند و دارای پاداش

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه .. و لنعم دار المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۳

۳- شادمانی و عیشِ بهشتیان ، فضل الهی در قبال تعهد و تقوای ایشان

إنّ المتّقین .. فکھین بما ءاتیهم ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش و مزد

تقوایشگی است .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ .. جزاء

<جزاء> مفعول مطلق و تأکید کننده مفاد <إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا> است.

پاداش تلاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۳

۳- ثمربخشی تلاش برای آخرت ، در گرو ایمان است .

و من أراد الأخره و سعی لها سعیها و هو مؤمن فأولئك كان سعیهم مشكوراً

جمله <و هو مؤمن> حال برای ضمیر <و سعی> است و در واقع بیانگر شرط برای آخرت خواهی و سعی و تلاش است.

پاداش تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۲

۲ - تلاوت قرآن و انس با آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، دارای اجر و پاداش الهی

یتلون كتب الله .. لیوفیهم أجورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۶

۶ - قرائت قرآن ، دارای منافع بسیار و تضمین شده از سوی خداوند

اقرأ وربك الأكرم

توصیف خداوند به <کریم ترین> پس از امر به قرائت بیانگر تأثیر آن در فراهم آمدن زمینه کرامت و احسان خداوند است.

پاداش توابین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۱۰

۱۰ منافقان تائب ، بهره مند از پاداش بزرگ خدا خواهند بود .

فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

پاداش تواضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ،

ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

پاداش توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

پاداش توحید ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۴

۴- خداوند ، خوش نامی و بلندآوازی را ، به پاس پایداری ابراهیم (ع) در توحید ، به او و فرزندانش عنایت کرد .

فلما أعتزلهم .. و جعلنا لهم لسان صدق علیاً

پاداش تهجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ،

موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئکک یجزون الغرفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۳،۵

۳ - عبادات نهانی و در دل شب مؤمنان ، دارای پاداش عظیم و نهفته است .

تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم .. فلاتعلم نفس ما أخفی لهم

۵ - پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان ، فوق حد شمارش است .

إنما یؤمن .. سجداً و سبحوا بحمد ربهم ... تتجافی جنوبهم ... و ممّا رزقنهم

<فاء> در <فلا-تعلم نفس> تفریع بر آیات پیش است که در آنها صفات نیکوی مؤمنان شمرده شده است. بنابراین، معنا، چنین می شود: <مؤمنانی که دارای صفات یاد شده اند، پاداشی مخفی دارند>. با توجه به تفریع احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

پاداش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۱

۱ فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی) ، پاسخ مثبت داد .

ان لنا لأجراً .. قال نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۱،۳

۱ - پرسش ساحران ، از فرعون نسبت به پاداش خود در صورت غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجراً إن کنا نحن الغلبین

۳ - اهتمام ساحران به دریافت پاداش و نه پیروزی فکری و عقیدتی

لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۱۰۳

۱ - پاسخ مثبت فرعون ، به امتیازطلبی ساحران برای غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئن لنا لأجراً .. قال نعم

۳ - فرعون ، برای جلب حمایت ساحران ، بیش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد .

قالوا لفرعون أئن لنا لأجراً .. وإئکم إذا لمن المقربین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران تنها درخواست مزد داشته اند؛ ولی فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرب به درگاه خود را نیز به آنان داد.

پاداش جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳ - ۵

۵ - پاداش جاودانه ، اجری نیکو است .

أجراً حسناً . مکثین فیہ أبداً

پاداش جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۹

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ اَخْرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَ اُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَآ كُفْرًا عَنْهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ دستیابی به مواهب آخرت ، پیامد جهاد و مبارزه در راه خدا

فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحيوه الدنيا بالآخره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۲۱ - ۵

برخورداری از باغ ها و بوستان های متعدد بهشت ، از ثمرات ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّٰه . . . یبشرهم ربهم ... و جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۲

۲ بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد اللّٰه لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲،۲۵

۲ نقش و کاربرد جهاد مالی همانند جهاد با جان ، در دستیابی به بهشت

إن اللّٰه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنة

۲۵ دستیابی به بهشت در پرتو جهاد و شهادت ، تنها رستگاری و پیروزی بزرگ

إن اللّٰه اشتری . . . بأن لهم الجنة ... ذلك هو الفوز العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۰

۲۰ جهاد و تحمل رنج و سختی در راه خدا ، احسان و دارای پاداش از سوی خداست .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصه فی سبیل اللّٰه . . . إن اللّٰه لا یضیع أجر المحسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۵

۵ جهاد و تحمل هزینه های جنگ ، دارای بهترین پاداش در پیشگاه خداوند

لیجزیهم اللّٰه أحسن ما كانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که <أحسن> مفعول دوم برای <یجزی> باشد، یعنی، خداوند نیکوترین پاداش عمل را به مجاهدان

خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۴

۴ - بهشت ، پاداش جهاد و دفاع از دین تا مرز شهادت

قال يقوم أتبعوا المرسلين .. إني ءأمنت بربكم فاسمعون . قيل ادخل الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۰، ۱۲

۱۰ - نوید الهی به اعطای پاداشی نیک به اعراب متخلف از حدیبیه ، در صورت نبرد صادقانه با دشمنان نیرومند اسلام

فإن تطيعوا يؤتكم الله أجراً حسناً

۱۲ - جهاد در راه خدا ، دارای اجری بزرگ و ارجمند

ستدعون إلى قوم أولى بأس شديد .. فإن تطيعوا يؤتكم الله أجراً حسناً

پاداش جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۲

۲ بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد الله لهم جنت تجري من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲

۲ نقش و کاربرد جهاد مالی همانند جهاد با جان ، در دستیابی به بهشت

إن الله اشترى من المؤمنین أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۵

۵ جهاد و تحمل هزینه های جنگ ، دارای بهترین پاداش در پیشگاه خداوند

ليجزيهٔ الله احسن ما كانوا يعملون

برداشت فوق بر این اساس است که <أحسن> مفعول دوم برای <يجزى> باشد؛ یعنی، خداوند نیکوترین پاداش عمل را به مجاهدان خواهد داد.

پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۳،۶

۳ - بهشت ، پاداش و جایگاه مؤمن انطاکیه

قیل ادخل الجنه

در این که مقصود از <الجنه> چیست؟ میان مفسران دو نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را بهشت اخروی دانسته اند؛ ۲ برخی دیگر آن را بهشت برزخی گرفته اند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۶ - بهشت برزخی پاداش و جایگاه مؤمن انطاکیه

قیل ادخل الجنه

پاداش حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش و مجازات آنهاست.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى یبعثهم الله ثم إلیه یرجعون

جمله <ثم إلیه یرجعون> ظاهراً تذلیلی برای تمامی آیه است. یعنی هم پاسخ دهندگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

پاداش حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذين يمشون على الأرض هوناً.. و الذين لا يشهدون الزور... أولئك يجزون الغرفة

پاداش حکمت به موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ -

۵- بهره مند شدن موسی (ع) از حکمت و دانش ، پاداش الهی در برابر احسان و نیکوکاری وی

ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزی المحسنين

پاداش حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

پاداش حمایت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۴

۴ - بهشت ، پاداش جهاد و دفاع از دین تا مرز شهادت

قال یقوم اتبعوا المرسلین .. انی ءامنتم بریکم فاسمعون . قیل ادخل الجنه

پاداش حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۵

۵ - پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان ، فوق حد شمارش است .

إنما یؤمن .. سجداً و سبحوا بحمد ربهم ... تتجافی جنوبهم ... و ممّا رزقنهم

<فاء> در <فلا تعلم نفس> تفریح بر آیات پیش است که در آنها صفات نیکوی مؤمنان شمرده شده است. بنابراین، معنا، چنین می شود: <مؤمنانی که دارای صفات یاد شده اند، پاداشی مخفی دارند>. با توجه به تفریح

احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

پاداش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۱۴

۱۴ تشویق اصلاحگران امور ایتام و تضمین اجر آنان ، از جانب خداوند

قل اصلاح لهم خیر .. و اللّٰه يعلم المفسد من المصلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۶۸،۹،۱۱

۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در راه خدا ، دست کم به هفتصد برابر

مثل الذّٰین ینفقون .. مائه حبه

۸ خداوند بر اساس مشیت خود ، به هر کس که بخواهد ثمره انفاق را که هفتصد برابر است به چند برابر افزایش می دهد .

و اللّٰه یضاعف لمن یشاء

۹ پاداش های فراوان الهی به انفاق کننده ، منوط به انفاق مستمر

مثل الذّٰین ینفقون اموالهم

فعل مضارع <ینفقون> حکایت از استمرار انفاق دارد؛ یعنی پاداشهای مذکور در آیه در صورتی است که شخص به صورت مستمر انفاق کند؛ نه مثلاً یکی دو مرتبه.

۱۱ پاداش وسیع (نامحدود) خداوند به انفاق کننده *

مثل الذّٰین ینفقون .. و اللّٰه واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۲ - ۵،۶

۵ انفاق کنندگانِ بدونِ منت و آزار، بهره‌مند از پاداش‌های والا و ویژه الهی

لهم اجرهم عند ربهم

کلمه <عند ربهم>، دلالت بر ویژگی پاداش دارد.

۶ توجه به پاداش‌های الهی برای انفاق در راه خدا، برانگیزنده آدمی به انفاق

لهم اجرهم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۲

۲ پاداش الهی به انفاق ها و نذر های بندگان ، هر چند اندک باشد .

و ما انفقتم من نفقه .. فان الله يعلمه

توجه دادن به علم خداوند بر اعمال بندگان کنایه از پاداش الهی در برابر آن اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۴ - ۱،۳

۱ انفاق کنندگان پنهان و آشکار در شب و روز (همه حال و همه وقت) بهره مندان از پاداش های ویژه الهی

الذین ینفقون اموالهم .. فلهم اجرهم عند ربهم

۳ پاداش الهی اهل انفاق ، نتیجه عمل خیر آنها

فلهم اجرهم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۴

۴ بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی ، پاداش تضمین شده از جانب خداوند ، برای تقوای پیشگان

للذین اتقوا .. جنات ... خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۱۴

۱۴ رسیدن به پاداش نیک خدا در گرو انفاق از مال با وجود علاقه به آن و ترس از فقر

لن تنالوا البر حتی تنفقوا ممّا تحبون

از رسول الله (ص) درباره آیه فوق سؤال شد آن حضرت فرمود: هو ان ینفق العبد المال و هو شحیح یأمل الدنیا و یخاف الفقر.

مجمع البيان، ج ٢، ص ٧٩٣؛ تفسير برهان، ج ١، ص ٢٩٨، ح ٧.

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۸ - ۲

۲ خداوند ، مرجع و فرجام انسان ها ، برای جزا و پاداش

و لئن مُتّم او قُتلتم لالی الله تحشرون

<لالی الله تحشرون>، می تواند کنایه از جزا و پاداش الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱،۱۴

۱ پاداش بزرگ الهی برای آنان که علی رغم تحمیل جراحات های نبرد پیشین ، دعوت خدا و رسولش را برای نبردی دیگر اجابت کردند .

الَّذین استجابوا لِلّهِ و الرسول من بعد ما اصابهم القرح . . . اجر عظیم

چون آیات پیشین و نیز آیات بعد درباره نبرد و جهاد است، معلوم می شود که فرمان اجابت شده (استجابوا)، فرمان جنگ و مبارزه بوده است.

۱۴ خوب عمل کردن در جنگ (احسان) و تخلف نکردن از مقررات جنگی (تقوا) ، شرط پاداش بزرگ خداوند برای مجاهدان

الَّذین استجابوا لِلّهِ . . . للَّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

در برداشت فوق، متعلق <احسان>، جنگ گرفته شده است ؛ یعنی در جنگ خوب عمل کنند. همچنین متعلق <اتّقوا>، مقررات جنگی (مانند پیروی از فرماندهی) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۹

۹ اعمال نیک آدمی در پی دارنده پاداشی الهی در دنیا و آخرت *

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

بدان احتمال که مراد از <یضعفها> پاداش دنیوی و <یؤت من لدنه .. > ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۰ ایمان و انفاق ، حسنه ای است

که ، هر چند اندک باشد ، پاداش عظیم الهی را در پی خواهد داشت .

ماذا عليهم لو امنوا بالله و اليوم الاخر و انفقوا .. و ان تك حسنه يضاعفها و يؤ

از مصادیق مورد نظر برای حسنه، به دلیل آیه قبل، ایمان و انفاق است.

۱۲ توجه به آگاهی خداوند بر کوچکترین انفاق ، و پاداش عظیم خداوند به انفاقگران ، درمان بخل و ترک احسان

و انفقوا .. و كان الله بهم عليماً. ان الله لا يظلم مثقال ذره و ان تك حسنه

۱۳ پاداش عظیم خداوند ، جبران کننده خسارت های انفاق کنندگان

و ماذا عليهم لو .. انفقوا ... و ان تك حسنه يضاعفها و يؤت من لدنه اجراً عظيماً

جمله <يضاعفها و يؤت من لدنه اجراً عظيماً> می تواند پاسخی باشد به این توهم که انفاق، موجب خسارت مالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۳

۳ سبقت پاداش های الهی بر کیفر او

ان الذين كفروا باياتنا سوف نصليهم .. و الذين امنوا و عملوا الصالحات سندخله

زیرا نسبت به وعید و کیفر، حرف <سوف> و در مورد پاداش، حرف <س> به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۱،۳،۴

۱ ارجاع داوری به پیامبر (ص) و دلتنگ نشدن از حکم و قضاوت وی ، در پی دارنده پاداش بزرگ خداوند

فلا و ربك .. اذا لاآتيناهم من لدنا اجراً عظيماً

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <ما يوعظون> همان مسائلی باشد که در

آیه ۶۵ مطرح شده است.

۳ جانبازی و هجرت (تحمل مشکلات و فداکاری در راه خدا) ، موجب اجر بزرگ الهی *

و لو أنّهم فعلوا ما یوعظون به .. و اذا لآتیناهم من لدنا اجراً عظیماً

بنابر اینکه مراد از <ما یوعظون>، همان جهاد و هجرت باشد که در آیه قبل مطرح شد.

۴ ثابت قدمان در ایمان ، بهره مند از پاداش بزرگ و ویژه خداوند

اشدّ تثبیتاً. و اذا لآتیناهم من لدنا اجراً عظیماً

در برداشت فوق، <اذا لآتیناهم .. >، نتیجه <اشدّ تثبیتاً> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ مجاهدان در راه خدا ، بهره مند از پاداش بزرگ الهی ، چه کشته شوند و چه پیروز .

و من یقاتل فی سبیل اللّٰه فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۳۵

۳۵ نظام جزا و پاداش الهی ، به دور از هر گونه ستم

فلما کتب علیهم القتال .. و لا تظلمون فتیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱۶

۱۶ برتری و فزونی غنائم و اجر و پاداش الهی ، بر بهر های دنیوی و غنائم جنگی

تبتغون عرض الحیوه الدنیا فعند اللّٰه مغنم کثیره

کلمه <عند اللّٰه> اشاره به برتری پاداشهای الهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۱، ۱۰، ۷

۷ اعطای درجه و اجر و پاداش از سوی خداوند

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدُونَ بِمَوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكَلًّا .. أَجْرًا عَظِيمًا

۱۰ پاداش نیکوی الهی ، ثمره ایمان

لايستوى القاعدون من المؤمنين .. كلاً وعد الله الحسنی

۱۱ بازنشستگان از جهاد ، هنگامی از پاداش الهی برخوردارند که از روی بی ایمانی ، ترک جهاد نکرده باشند .

لايستوى القاعدون من المؤمنين .. كلاً وعد الله الحسنی

چون <من المؤمنين> حال برای <القاعدون> است، می رساند که بازنشستگان از جنگ در صورتی قابل مقایسه با مجاهدان هستند که ایمانشان محفوظ باشد. یعنی بازماندگان از جنگ در شرایطی نباشد که موجب سلب ایمان آنان گردد و یا ترک جهاد از روی بی ایمانی به فرامین خدا و رسول نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۶ - ۱

۱ پاداش های الهی ، دارای مراتب و درجات

فَضَّلَ اللَّهُ .. أَجْرًا عَظِيمًا. درجات منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۱۹، ۱۴، ۱۲، ۱۰

۱۰ خداوند ، تضمین کننده پاداش کسانی که در مسیر هجرت با مرگ مواجه شوند .

و من يخرج من بيته مهاجراً الى الله ورسوله ثم يدركه الموت فقد وقع أجره على الله

۱۲ هجرت به سوی خدا و رسول (ص) ، موجب برخورداری از اجر و پاداش الهی

و من يخرج من بيته مهاجراً الى الله ورسوله .. فقد وقع أجره على الله

۱۴ اقدام به عمل نیک ، هر چند به انجام نرسد ، موجب برخورداری از پاداش های الهی است . *

و من يخرج من بيته

مهاجرأ الى الله و رسوله ثم يدركه الموت فقد وقع اجره على اللّ

۱۹ سفر برای شناخت رهبر ، هجرت در راه خدا و مرگ در آن سفر ، در پی دارنده پاداش الهی است .

و من یرج من بیته مهاجرأ الى الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره على اللّ

امام صادق (ع) درباره کسی که در سفر برای شناخت رهبر از دنیا برود فرمود: انّ الله عزّ و جلّ یقول: و من یرج من بیته مهاجرأ الى الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره على الله. ...

اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۰، ح ۵۲۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۸،۱۰

۸ امید مجاهدان به پاداش و نصرت الهی ، زمینه تقویت روحیه و سستی نکردن آنان در رویارویی با دشمنان دین

و لاتهنوا .. و ترجون من الله ما لایرجون

۱۰ امید به پاداش و نصرت الهی ، پشتوانه و امتیازی برای مجاهدان ، در برابر دشمنان

و ترجون من الله ما لایرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۵۸،۹،۱۰

۵ بهره مندی از پاداش بزرگ الهی در گرو انجام اعمال نیک به انگیزه جلب رضایت خداست .

و من یفعل ذلك ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

۸ دعوت کنندگان مردم به دستگیری از مستمندان ، بهره مند از پاداش عظیم الهی

الا من امر بصدقه .. فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

۹ فراخوانی مردم به همزیستی مسالمت آمیز ، دارای

الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس . . . نؤتیه أجراً عظيماً

۱۰ پاداش های الهی دارای درجات متفاوت و متناسب با انگیزه ها و رفتار آدمیان

و من يفعل ذلك ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتیه أجراً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۲،۵،۶

۲ آرزو های پوچ انسان ها چه مسلمان و چه اهل کتاب نقشی در پاداش و کیفر های الهی نخواهد داشت .

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من يعمل سوءاً یجز به

<امانی>، جمع <امنیه>، به معنای آرزو و خیالهای موهوم است.

۵ عملکرد مردم، تعیین کننده کیفر و جزای الهی است، نه صرف انتساب به مکتب و یا دینی خاص!

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من يعمل سوءاً یجز به

۶ نظام کیفر و جزای الهی، دور از هرگونه تبعیض و بی عدالتی است .

من يعمل سوءاً یجز به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۵،۸

۵ بهره مندی مردم از پاداش های الهی و ورودشان به بهشت، در گرو ایمان و عمل صالح است، نه جنسیت و انتساب به مذهب یا فرقه ای خاص .

و من يعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة

۸ در نظام جزا و پاداش الهی کمترین ستمی راه ندارد .

من يعمل سوءاً یجز به . . . فأولئك یدخلون الجنة و لا یظلمون نقیراً

<نقیر> به فرو رفته گی در هسته خرما گفته می شود و کنایه

از چیز اندک و حقیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ رعایت کنندگان تقوا و احسان در محیط خانواده ، از پاداش الهی برخوردار خواهند شد .

و إن تحسنوا و تتقوا فإنَّ اللهَ كانَ بما تعملونَ خبيراً

جمله <فان الله ..> در مقام تشویق به احسان و تقواست. و چون علم خدا به احسان و تقوا، معمولاً تأثیری برای انجام آن ندارد؛ بنابراین باید کنایه از پاداش دهی الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۱۱

۱۱ نظام پاداش دهی خداوند ، بر اساس علم و آگاهی اوست .

فَعَنَدَ اللهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ .. وَ كَانَ اللهُ سَمِيعاً بَصِيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۱۰، ۱۱

۱۰ منافقان تائب ، بهره مند از پاداش بزرگ خدا خواهند بود .

فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَوْفَ يُؤْتِي اللهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْراً عَظِماً

۱۱ پاداش الهی ، دارای مراتبی مختلف است .

وَ سَوْفَ يُؤْتِي اللهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْراً عَظِماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ پاداش الهی ، دارای تناسب و همگونی با اعمال انسانهاست .

إِنْ شَكَرْتُمْ وَءَامَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا

توصیف خداوند به <شاکرا> که حکایت از پاداش دهی او در مقابل شکرگزاری بندگان است، می‌رساند که پاداشهای الهی مناسب با رفتار و کردار نیک انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء -

۱۲ تناسب و همگونی پاداش الهی با عمل انسان

أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءِ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوًا قَدِيرًا

خداوند، گذشت و بخشش خویش را پاداش کسانی قرار داده که اهل عفو و گذشت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۲ - ۵۸

۵ ایمان دارندگان به خدا و تمامی انبیا ، مورد وعده الهی به برخورداری از پاداش های فراوان

و الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ .. أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُم

۸ پاداش دهی خداوند به بندگان خویش ، پرتویی از غفران و رحمت اوست .

أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُم وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۲،۱۴،۱۵،۱۸

۱۲ مؤمنان به خدا ، قیامت و قرآن ، بر پا دارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، از پاداش بزرگ الهی ، برخوردار خواهند شد .

أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا

۱۴ ایمان ، آنگاه در بهره مندی از پاداش بزرگ الهی کارساز است که توأم با عمل باشد .

وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ .. وَالْمُؤْمِنِينَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا

۱۵ بهره مندی عالمان از پاداش های بزرگ الهی در گرو ایمان و انجام اعمال صالح

لَكِنَّ الرِّسْخُونَ .. وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا

۱۸ پاداش های الهی دارای درجات و مراتب

أولئك سنؤتيهم أجراً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۲،۴

۲ خداوند خود پاداش دهنده به مؤمنان دارای عمل صالح

فیوفیهم أجورهم

همراهی ایمان با عمل صالح ، موجب برخورداری از پاداش و فضل الهی

فاما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیوفیهم أجورهم و یزیدهم من فضلہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۱

۱ خداوند ، مؤمنان متمسک به وی را از رحمت ویژه و فضل و هدایت خاص خویش ، بهره مند خواهد کرد .

فاما الذین ءامنوا باللّٰه و اعتصموا به .. و یهدیهم إلیه صراطاً مستقیماً

هدایت، فضل و رحمت خداوند، شامل همه بندگان می شود. بنابراین ذکر آنها به عنوان پاداش بیانگر رحمت، فضل و هدایت خاص است ؛ گفتنی است در برداشت فوق ضمیر <به> به <اللّٰه> برگردانده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹ - ۲،۵،۱

۱ وعده الهی به مؤمنان دارای عمل صالح ، به آمرزش و پاداش بزرگ

وعد اللّٰه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و اجر عظیم

۲ همراهی ایمان و عمل صالح ، زمینه جلب مغفرت و دستیابی به پاداش بزرگ الهی

وعد اللّٰه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و اجر عظیم

۵ پاداش های الهی ، دارای مراتب است . *

و اجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ هابیل سزاوار و شایسته بهره مندی از پاداش های الهی با پذیرفته شدن قربانی وی

فتقبل من احدهما

>تقبل < به پذیرفته شدنی اطلاق می گردد که مقتضی پاداش باشد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵

۳ خداوند ، پاداش بخش مؤمنان و محسنان

فأثبهم الله بما قالوا .. ذلك جزاء المحسنين

پاداش خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶ - ۵

۵ - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی در قبال عمل و بهشتی دیگر از فضل الهی *

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

طبق نظر برخی از مفسران، تشبیه آمدن <جنتان> نظر به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۱

۱ - پاداش بهشت به بیمناکان مقام پروردگار ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

و لمن ... جنتان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۲ - ۱

۱ - خداترسان ، مشمول غفران عظیم خداوند و بهره مند از پاداش بزرگ او

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أجر کبیر

تنکیر <مغفره>؛ دلالت بر تعظیم دارد.

پاداش خشیت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - بهشت پاداش آنان که با وجود محسوس نبودن خداوند ، همه جا وی را در نظر داشته و از او بیم دارند .

من خشى الرحمن بالغیب

بنابر این که <بالغیب> وصف برای <رحمان> باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

پاداش در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - دنیا ، عرصه تلاش و کوشش و جهان آخرت ، عرصه اجر و پاداش

للذین أحسنوا فی هذه

الدنيا حسنه

پاداش در تربیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۸

۸ لزوم بهره گیری از ابزار های تشویق (پاداش و ...) در گرایش دادن انسان ها به اطاعت خدا و هر کار نیک

إن الله اشترى .. بأن لهم الجنة

اینکه خداوند مؤمنان را با نوید بهشت، به جهاد تشویق کرده است، برداشت فوق به دست می آید.

پاداش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۵

۵ - روز قیامت ، روز کیفر و پاداش است .

ملك يوم الدين

<دین> در اینجا به معنای جزا (کیفر و پاداش) و یا حساب است، و هر دو بازگشت به یک معنا دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۹،۱۲

۹ دنیا ، محل اندوختن و کسب سرمایه ، و آخرت روز دریافت اندوخته هاست .

و وُفِّت كل نفس ما كسبت

۱۲ پندار غلط برخی از اهل کتاب ، نسبت به محو اعمال ناشایست آنان در قیامت

لن تمسنا النار .. و وُفِّت كل نفس ما كسبت

به نظر می رسد جمله <وُفِّت كل ..> ، اشاره به علت پنداری است که اهل کتاب داشتند: لن تمسنا النار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۵

۵- قیامت ، روز کیفر و جزا و < یوم الدین > از نام های آن است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - جزا دیدن یکایک آدمیان ، فلسفه برپایی قیامت

ءآتیه .. لتجزی کلّ نفس

<لتجزی> یا تعلیل است برای <آتیه> و جمله <أكاد أخفيها> معترضه است و یا تعلیل است برای هر دو موضوع مطرح شده در آیه که آمدن قیامت و وجود زمینه برای مخفی ماندن اخبار آن از سوی خداوند است و یا تنها بیانگر علت <أخفيها> است، برداشت مذکور، مبتنی بر دو احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنه يحمل يوم القيمة وزرًا

<وزر>، به معنای بار سنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گناه کار است، <وزر> اطلاق می گردد (مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۸

۸ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

الملك يومئذ لله يحكم بينهم .. في جنت النعيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۴

۴ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

الله يحكم بينكم يوم القيمة

جمله <الله يحكم بينكم يوم القيامة>، متضمن نوید پاداش به مؤمنان و وعده مجازات و کیفر به مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان

و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفر لی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، صحنه پاداش و کیفر

من جاء بالحسنه فله خیر منها.. و من جاء بالسیئه فکبت وجوههم فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۱،۲

۱ - خداوند پاداش دهنده مؤمنانِ دارای عمل صالح در قیامت

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

۲ - اعمالِ صالحِ مؤمنانِ فراهم آورنده زمینه ، برای دریافت پاداش از خداوند ، در قیامت است .

فلأنفسهم یمهدون . لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

<لام> در <لیجزی> تعلیل برای <یمهدون> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۸

۸ - قیامت ، عرصه مجازات و کیفر و پاداش

و لو یؤاخذ الله الناس . . . و لكن یؤخرهم إلى أجل مسمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۳

۳ - قیامت ، روز مجازات و کیفر و پاداش

هذا يوم الدين

<دين> در آیه شریفه، به معنای <جزا> و <حساب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۴

۴ - جزا و کیفر و پاداش، فلسفه برپا شدن قیامت و رستخیز انسان ها است .

أءنَّا لمدینون

آمدن عبارت <مدینون> (جزا داده شدگان) به جای <مبعثون> (مبعوث شدگان) و <محيون> (زنده شدگان)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که اساس رستخیز انسان ها، مسأله جزا است نه

صرف زنده شدن دوباره انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز روبه رو شدن بندگان با کیفر و پاداش الهی

یوم التلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۱،۵

۱ - نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

اليوم تجزی کل نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت> / یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

۵ - در نظام کیفر و پاداش الهی در قیامت ، به کسی کمترین ستمی نخواهد شد .

لا ظلم الیوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۲

۲ - <قیامت> روز کیفر و پاداش

یوم الدین

<دین> به معنای جزا است و <جزا> معادل سزا می باشد که هم شامل کیفر می شود و هم پاداش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم الله جمیعاً فیئبئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۳

۳ - پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

پاداش دعا

جلد - نام سوره - سوره -

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخوردارگی از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

پاداش دعا برای مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله تبارك و تعالی < و يستحيب الذین آمنوا و عملوا الصالحات و یزیدهم من فضله > قال : هو المؤمن یدعوا لأخیه بظهر الغیب فیقول له الملك : آمین . و یقول الله العزیز الجبار و لك مثلاً ما سألت و قد أعطیت ما سألت بحبک إیاه ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند تعالی: <و يستحيب الذین آمنوا و عملوا الصالحات و یزیدهم من فضله > روایت شده که فرمود: مراد مؤمنی است که پشت سر برادر دینی خود دعا می کند و فرشته برای او آمین می گوید و خدای عزیز جبار می فرماید (ای مؤمن) و برای تو است دو برابر آنچه برای برادرت خواستی و به خاطر این که برادرت را دوست داشتی آنچه را درخواست کردی به تو عطا کردم.>

پاداش دعوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۴

۴ مزد و

پاداش دعوت به حق و تبلیغ دین ، بر عهده خداست .

إِنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ

پاداش دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۸،۹

۸ دعوت کنندگان مردم به دستگیری از مستمندان ، بهره مند از پاداش عظیم الهی

إِلَّا مِنْ أَمْرِ بِصَدَقَةٍ .. فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

۹ فراخوانی مردم به همزیستی مسالمت آمیز ، دارای پاداشی عظیم الهی

إِلَّا مِنْ أَمْرِ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ .. نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

پاداش دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۷،۱۱،۱۲

۷ تلاشگران برای پاداش های دنیوی ، از نعمت دنیا بهره مند خواهند شد .

و مِنْ يَرِدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا

۱۱ خداوند ، پاداش دهنده اعمال در دنیا و آخرت

و مِنْ يَرِدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مِنْ يَرِدُ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا

مراد از اراده پاداش، انجام عمل خیر، برای نیل به پاداش است.

۱۲ جهاد و مقاومت در جنگ ، موجب برخورداری از پاداش دنیوی و اخروی

و لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمُ الصَّابِرِينَ .. وَ مَنْ يَرِدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا

با توجه به آیات قبل، از مصادیق مورد نظر برای اعمال خیر، جهاد و مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۷

۷ پاداش های اخروی خداوند ، نیکو و عاری از هر گونه نقصان است و پاداش های دنیوی ، همراه با مشکلات

فاتیهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخره

از اینکه

پادشاهای اخروی را نیکو شمرده (حسن ثواب الآخره)، معلوم می شود پادشاهای اخروی به تمام جهات، نیکوست و در مقابل، ثواب دنیوی را به نیکو بودن توصیف نکرده تا به این نکته اشاره کند که پادشاهای خداوند در دنیا، همواره ملازم با مشکلات و نقصانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۴

۱۴ اراده الهی بر محروم سازی کفرپیشگان از بهره های دنیوی نیست . *

یرید الله الا يجعل لهم حظا في الآخرة

مفهوم کلمه <فی الآخره>، گویای آن است که اراده الهی بر محروم ساختن کافران از مواهب آخرت است، نه بهره های دنیوی.

پاداش دنیوی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۴،۵،۶

۴ - خداوند ، پاداش ابراهیم (ع) را در همین دنیا ، به او عطا کرد .

و ءاتينه أجره في الدنيا

۵ - ابراهیم (ع) ، مستحق و سزاوار دریافت پاداش دنیوی بوده است .

و ءاتينه أجره في الدنيا

اضافه شدن <أجر> به ضمیری که مرجع آن، ابراهیم(ع) است گویای این نکته است که او، پاداشی داشته و سزاوار آن بوده است. گفتنی است که <فی الدنيا> احتمال دارد که متعلق به <آئیناه> باشد و احتمال دارد که متعلق به <أجره> باشد. برداشت بالا بنا بر احتمال دوم است.

۶ - اعطای اسحاق و یعقوب (ع) به ابراهیم (ع) و نیز قرار دادن مقام نبوت در نسل آن حضرت ، پاداش دنیوی ابراهیم (ع) از سوی خداوند بود .

و وهبنا له إسحق . . .

و جعلنا فی ذرّیّته النّبوه... و ءاتینه أجره فی الدنیا

پاداش دنیوی انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضعفه له اضعافاً .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت؛ بنابراین <فیضعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیا است.

پاداش دنیوی انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۷

۷ - خداوند، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی را که مؤمنان به او می دهند (در راه او انفاق می کنند)، به آنان باز می گرداند.

من ذا الذی یقرض الله .. فیضعفه له

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن گفته می شود (مفردات راغب).

پاداش دنیوی برّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۹

۹ قصد و نیت عمل کننده کردار های نیک، تعیین کننده برخورداری وی از نعمت های دنیا یا مواهب آخرت

و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

پاداش دنیوی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و کاین من نبی . . فاتیهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخره

پاداش دنیوی صدقه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۷،۹

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعف لهم و لهم أجر كريم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر كريم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۹ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می پردازند) ، به آنان باز می گرداند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعف لهم

<مضاعفه> (مصدر <یضعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن (چند و چندین برابر نمودن) اطلاق می شود (مفردات راغب).

پاداش دنیوی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۵

۵ دریافت برخی از پاداش ها و جزای اعمال در غیر قیامت (دنیا و برزخ) *

و انما توفون اجورکم يوم القيمة

کلمه <انما>، دریافت کامل پاداش و جزا را منحصر به روز قیامت می کند، لذا مفهوم آن، دریافت برخی از جزا و پاداش در غیر روز قیامت است و مراد از غیر قیامت، می تواند دنیا و یا برزخ و یا هر دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۹

۹ اعمال نیک آدمی در پی دارنده

پاداشی الهی در دنیا و آخرت *

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

بدان احتمال که مراد از <یضاعفها> پاداش دنیوی و <یؤت من لدنه .. > ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۱۰

۱۰- > عن ابن عباس أن النبی (ص) قال : معنی الآية من كان یرید ثواب الدنیا بعمله الذی افترضه الله علیه لایرید به وجه الله و الدار الآخره عجل له فیها ما یشاء الله من عرض الدنیا و لیس له ثواب فی الآخره و ذلک ان الله سبحانه و تعالی یؤتیه ذلک لیستعین به علی الطاعه فیستعمله فی معصیه الله فیعاقبه الله علیه ;

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمود: معنای آیه <من كان یرید العاجله عجلنا له فیها ما یشاء> این است که با انجام اعمالی که خداوند بر او واجب گردانیده، تقرب به سوی خدا و روز آخرت را اراده نمی کند؛ بلکه پاداش دنیوی را اراده می کند، در دنیا آنچه را که خداوند بخواهد از نعمتهای دنیوی به او داده می شود و برای او در آخرت پاداشی نیست؛ چون خداوند سبحانه و تعالی آن را به او داده است تا در طریق طاعت کمکش کند؛ ولی او در معصیت خداوند آن را به کار می بندد. پس خداوند او را به خاطر این کار عذاب می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۲ - ۹

۹ - بازگشت نتیجه کردار و اندوخته

های انسان ، به خود وی در دنیا و آخرت

محتاجم و ممتهم ... و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

آیه شریفه پاسخ و ردی است بر کسانی که صالح و ناصالح را در زندگی و مرگ مساوی می پنداشتند از این مطلب، استفاده می شود که دنیا و آخرت هر دو میدان جزا و پاداش است.

پاداش دنیوی عمل پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ اعمال نیک ، اگر به قصد دستیابی به بهره های دنیوی انجام گیرد ، نتایج آن تنها در دنیا عاید انسان می شود .

من کان یرید الحیوه الدنیا و زینتها نوّفّ إلیهم أعمالهم فیها

پاداش دنیوی قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضعفه له اضعافاً .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت؛ بنابراین <فیضعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش دنیوی قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۱۰، ۵

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت .

من ذا الذی یقرض الله .. فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۰ - خداوند

، در برابر قرض الحسنه ای که مؤمنان به او می دهند ، علاوه بر بازپس دادن چند برابر آن در دنیا ، پاداشی نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان خواهد داد .

من ذا الذی یقرض الله .. فیضعفه له و له أجر کریم

واژه <کریم> در هر مقامی، معنایی متناسب با همان مقام دارد. در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۱۱، ۹، ۷

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا یضعف لهم و لهم أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۹ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می پردازند) ، به آنان باز می گرداند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا یضعف لهم

<مضاعفه> (مصدر <یضعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن (چند و چندین برابر نمودن) اطلاق می شود (مفردات راغب).

۱۱ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه که مؤمنان به او می دهند علاوه بر باز پس دادن چند برابر آن در دنیا پاداش نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان عطا خواهد کرد .

إِنَّ الْمَصْدَقِينَ ... و

أقرضوا الله... و لهم أجر كريم

واژه <کريم>، در هر مورد معنایی متناسب با همان جا دارد و در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

پاداش دنیوی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۲

۲ ثبات قدم (پایمردی) و پیروزی بر دشمنان ، پاداش دنیوی خداوند به مجاهدان صابر و نیایشگر

رَبَّنَا .. و ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا و انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. فَاتِيهِمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا

پاداش دنیوی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ برخورداری نیکوکاران از پاداش های الهی در دنیا

ءَاتِيَنَهُ حَكْمًا و عِلْمًا و كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۴

۱۴ خداوند ، نیکوکاران را در دنیا از پاداش های خویش بهره مند می سازد .

و لَانْضِيعَ اَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

به قرینه آیه بعد ، مراد از <أجر> پاداشهای دنیوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۲

۲ نیکوکاران علاوه بر بهره مند شدن از پاداش در حیات دنیا ، از پاداش های برتر اخروی نیز برخوردار خواهند شد .

لانضيع أجر المحسنين. ولأجر الآخره خير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - نحل - ١٦ - ٣٠ - ٨

٨- احسان کنندگان ، در همین دنیا بهره خوبی خواهند داشت .

للذين أحسنوا في هذه الدنيا حسنه

برداشت فوق بر این اساس است که <فی هذه> متعلق به <حسنة> باشد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۶،۷

۶ - اعطای پاداش نیک در دنیا ، وعده خداوند به احسان کنندگان

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که <فی هذه الدنيا> ظرف برای <حسنة> باشد، نه برای <أحسنوا>؛ چنان که در جای دیگر قرآن، به این حقیقت تصریح شده است: <لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لِدَارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ..>، (سوره نحل ۱۶) آیه ۳۰.

۷ - پاداش احسان کنندگان در دنیا ، بسیار بزرگ و توصیف ناپذیر است .

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ

برداشت بالا از تنوین <حسنة> که برای تعظیم و تفخیم است استفاده می شود.

پاداش دنیوی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱،۱۲

۱- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لِنَبُوَّتِهِمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلِأَجْرِ الْآخِرَةِ أُولَئِكَ يُخْرَجُونَ مِنَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

۱۲- مهاجران ، از فواید دنیوی و پاداش اخروی هجرت در راه خدا بی خبرند .

و الَّذِينَ هَاجَرُوا .. لِأَجْرِ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

پاداش دنیوی هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- پاداش اخروی هجرت در راه خدا ، بسی برتر از پاداش

دنیوی آن است .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوئنهم فی الدنیا حسنه و لأجر الآخره أ

پاداش دنیوی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱۱، ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در آخرت از پاداشی برتر و بهتر از آنچه در دنیا بدان دست یافت ، بهره مند خواهد شد .

و كذلك مکنا لیوسف فی الأرض .. و لانضیع أجر المحسنین . و لأجر الآخره خیر ... و

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف (ع) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و كذلك مکنا لیوسف .. و لأجر الآخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

پاداش دینداری متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - تقوایبندگان ، مورد حفاظت خداوند از گرفتاری به جهنم ، در قبال تلاش آنان برای حفظ ارزش های الهی در دنیا

إن المتقین .. و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

با توجه به این که ریشه <متقین> و <وقاهم> از یک ماده می باشد، ممکن است تعبیر <وقاهم> اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

پاداش ذاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۵۸، ۴، ۲، ۱

۱ - اعمال خوب مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، در پی دارنده پاداشی از نوع پاداش بهترین عمل ها از سوی خداوند

رجال .. لیجزیهم الله أحسن ما عملوا

۲- مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، از بهترین و بالاترین پاداش های الهی

برخوردار خواهند بود .

رجال لاتلهيهم تجره ولاييع عن ذكر الله .. ليجزيهم الله أحسن ما عملوا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که کلمه <جزاء> پیش از <أحسن>، در تقدیر و مفعول دوم برای <ليجزى> باشد.

۴ - چشم پوشی خداوند در مقام پاداش دهی ، از کم و کاستی های اعمال نیک مردمانی که دایم به یاد خدا هستند .

رجال لاتلهيهم تجره ولاييع عن ذكر الله .. ليجزيهم الله أحسن ما عملوا

اعطای پاداش بهترین و کامل ترین اعمال به مردمان الهی، ممکن است به این معنا باشد که خداوند، کم و کاستی های اعمال آنان را نادیده می گیرد و پاداش عمل کامل را به آنان عنایت می کند.

۵ - جلوه فضل الهی ، در پاداش دادن به مردمانی که پیوسته به یاد خدا هستند .

رجال لاتلهيهم تجره ولاييع عن ذكر الله .. ليجزيهم الله أحسن ما عملوا

<جزای أحسن> که به معنای پاداش دادن به بیش از حد استحقاق است بیانگر تجلی فضل خدا، در پاداش دهی به مردمان الهی است.

۸ - مردانی که همواره در یاد خدا هستند ، علاوه بر دریافت بهترین پاداش اعمال خود ، از فضل مخصوص الهی نیز برخوردارند .

رجال لاتلهيهم تجره ولاييع عن ذكر الله .. و يزيدهم من فضله

پاداش راهبان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۷ - ۲۱

۲۱ - راهبان حقیقی در پیشگاه خدا مأجوراند .

فاتینا الذین ءامنوا منهم أجرهم

پاداش رسالت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱

۶ خداوند ، اعطا کننده پاداش رسالت به پیامبران خویش

إن أجرى إلا على الذى فطرني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۹ - ۹

۹ - خداوند ، به پیامبران ، در مقابل تبلیغ رسالت های الهی ، پاداش می دهد .

الذین يبلغون رسالت الله .. و كفى بالله حسيبًا

پاداش رسالت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۷

۷ - جایگاه رفیع پیامبر (ص) در سرای آخرت ، پاداش رسالت او از جانب خداوند

إن الذى فرض عليك القرآن لرادك إلى معاد

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <معاد> جایگاه اخروی پیامبر(ص) باشد. بنابراین مفاد آیه چنین می شود: آن کسی که این بار سنگین رسالت را بر دوش تو نهاد، قطعاً پاداشی به تو در قبال آن خواهد داد که در وصف نگنجد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، هیچ اجر و پاداشی از کافران در قبال رسالت خویش درخواست نکرد .

أم تسألهم أجرًا

پاداش رفع کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - تلاش در راه رفع کدورت های پیشین ، به دنبال عفو و گذشت از خطای دیگران ، دارای ارزشی والا و پاداش فراوان الهی است .

فمن عفا و أصلح فأجره على الله

ذکر <أصلح> پس از عفو، نشان می دهد که صرف عفو و اغماض در دستیابی به

پاداش والای الهی کفایت نمی کند، بلکه می بایست پس از گذشت، در راه رفع اختلافات گام برداشت و طرح صمیمیت و آشتی افکند.

پاداش روابط واجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۲

۲ بهشت عدن، پاداش وفا کردن به پیمان های الهی، نشکستن عهد ها و برقرار کردن پیوندهایی که خدا به برقراری آن امر کرده است.

الذین یوفون بعهد الله .. أولئک لهم عقبی الدار. جنت عدن

پاداش روزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۱۶

۱۶ - روزه گرفتن و فدیة دادن به مسکین، چنانچه با میل و رغبت باشد، ثوابی افزونتر دارد.

کتب علیکم الصیام .. و علی الذین یطیقونه فدیة ... فمن تطوع خیراً فهو خیر له

مصدق مورد نظر برای <خیراً> به دلیل فرازهای قبل، روزه گرفتن و در صورت مشقت بار بودن روزه، فدیة دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۴ - ۷

۷ - <عن الصادق (ع) قال: > الأیام الخالیة < أیام الصوم فی الدنیا ;

از امام صادق (ع) درباره <الأیام الخالیة> روایت شده که فرمود: [مراد] روزهای روزه داری در دنیا است.

پاداش زحمات مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۷،۸،۱۲

۷- مادر، دارای حقی فزون تر از پدر، در برخورداری از احسان و خدمات فرزند

و وصینا الإنسن بولدیه إحسنًا حملته أُمّه کرهًا و وضعتہ کرهًا و

خداوند، در آغاز احسان به پدر و مادر را توصیه کرده است؛ ولی در بیان فلسفه آن صرفاً از زحمات مادر یاد نموده است. این در حقیقت تأکید بر حق مادر و توصیه فزون تر در مورد او است.

۸- دشواری های دوران بارداری و زایمان ، دلیل لزوم احسان فرزند به مادر

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا

برداشت بالا- با توجه به دو نکته زیر است: الف) <کره> به معنای مشقت و دشواری است. ب) تعبیر <حملته أمه> در واقع، بیانگر فلسفه <وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ...> است.

۱۲- احسان به مادر ، پاسخی بایسته به سی ماه رنج و تلاش وی در رشد و تربیت فرزند

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا .. و حمله و فصله ثلثون شهرًا

تذکر خداوند، به سی ماه رنج مادر به پای فرزند، از مراحل نخستین تکوّن و شکل گیری و رشد او در پی سفارش به احسان نسبت به والدین مطلب بالا را می رساند.

پاداش زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ ... يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ ... وَ يَطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ ... وَعَدَّ اللَّهُ

پاداش زنان انفاقگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۰

- مردان و زنان صدقه پرداز ، از پاداش عظیم الهی برخوردارند .

و المتصدّقين و المتصدّقت أعدّ الله لهم ... أجرًا عظيمًا

پاداش زنان اهل تسلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲

۲ - مردان و زنانی که در برابر فرمان خدا تسلیم اند ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

إنّ المسلمين و المسلمت أعدّ الله لهم مغفره و أجرًا عظيمًا

پاداش زنان خاشع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۷

۱۷ - مردان و زنان فروتن ، از پاداشی عظیم برخوردارند .

و الخشعين و الخشعت أعدّ الله لهم ... أجرًا عظيمًا

پاداش زنان خاضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - مردان و زنان مطیع و خاضع ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

و القنتين و القنتت أعدّ الله لهم ... أجرًا عظيمًا

پاداش زنان ذاکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۸

۲۸ - مردان و زنانی که زیاد از خداوند یاد می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین اللّٰه کثیرًا و الذکرت أعدّ اللّٰه لهنّ .. أجرًا عظیمًا

پاداش زنان روزه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۲

۲۲ - مردان و زنان روزه گیر ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصّٰمّین و الصّٰمّت .. أعدّ اللّٰه لهنّ ...

أَجْرًا عَظِيمًا

پاداش زنان صابر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - مردان و زنان شکييا ، از پاداشي با عظمت برخوردارند .

و الصبرين و الصبرت . . . أعدّ الله لهم ... أجراً عظيماً

پاداش زنان صادق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - مردان و زنان صداقت پيشه ، از پاداش عظيم خداوند برخوردارند .

و الصدقين و الصدقت . . . أعدّ الله لهم ... أجراً عظيماً

پاداش زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۳

۳ - زنان و مردان مؤمن نيك كردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحاً من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

پاداش زنان عفيف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۵

۲۵ - مردان و زنان عفيف ، از پاداش عظيم خداوند برخوردارند .

و الحفظین فروجهم و الحفظت .. . أعدّ الله لهم... أجرًا عظیمًا

پاداش زنان متذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۳۰

۳۰ - مردان و زنانی که یاد خداوند را در دل ها زنده می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین الله کثیرًا و الذکرت أعدّ الله لهم .. . أجرًا عظیمًا

پاداش زنان مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۴

۴ - مردان و زنان مسلمان ،

از پاداش بزرگ الهی برخوردارند .

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

پاداش زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۶

۶ - مردان و زنان با ایمان ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

إِنَّ ... وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۳

۳ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۵

۵ - همسانی زنان و مردان مؤمن ، در بهره‌وری از ثمرات ایمان خود و پاداش های الهی

لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ

قرار گرفتن وصف <المؤمنات> در کنار <المؤمنين>، می رساند که زنان و مردان در ره یابی به بهشت جاودان همسان اند.

پاداش سبقت در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ - ربوبیت خداوند ، مقتضی پاداش به دارندگان نیت خیر و سبقت گیرندگان در کار نیک

و عجلت إليك رب لترضى

پاداش سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۵

۵ - پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان ، فوق حد شمارش است .

إِنَّمَا يُؤْمِنُ . . . سَجَّدًا و سَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ...

تتجافی جنوبهم ... و ممّا رزقنهم

<فاء> در <فلا-تعلم نفس> تفریع بر آیات پیش است که در آنها صفات نیکوی مؤمنان شمرده شده است. بنابراین، معنا، چنین می شود: <مؤمنانی که دارای صفات یاد شده اند، پاداشی مخفی دارند>. با توجه به تفریع احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

پاداش سخاوتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۴

۴ - وجود زمینه بهره مندی از پاداش های نیکوی الهی ، برای سخاوتمندان و تقواییشان

من أعطی و اتقی . و صدق بالحسنى

پاداش سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۹

۹ تحیت ها و درود های اهل ایمان به یکدیگر ، مورد محاسبه خداوند و در پی دارنده اجر و پاداش الهی

و اذا حیّتم .. انّ الله کان علی کل شیء حسیبا

محاسبه اعمال نیک کنایه از پاداش دهی خداوند بر آن اعمال می باشد.

پاداش شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۸

۱۸ وعده خداوند به اعطای پاداش به سپاسگزاران نعمت های الهی

و سیجزی الله الشاکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ علم و آگاهی گسترده خداوند ، تضمین کننده پاداش دهی او به بندگان مؤمن و شاکر خویش

إن شکرتم وءامنتم و کان اللہ شاکراً علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۴

۴ - سنت الہی

بر اعطای پاداش عالی ، به شکر گزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

كذلك نجزي من شكر

پاداش شکرگزاری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۹

۹- نجات نوح (ع) و همراهان او ، پاداش عبودیت و شکرگزاری مداوم وی بود .

ذرية من حملنا مع نوح إنه كان عبداً شكوراً

<ذرية .. > اشاره به نجات همراهان نوح(ع) از غرق شدن دارد و جمله <إنه كان عبداً شكوراً> می تواند تعلیل برای آن نجات باشد ، یعنی ، چون حضرت نوح(ع) عبدی شاکر بود، او و همراهانش را نجات بخشیدیم.

پاداش شهادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۹

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فألذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اودوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لا کفرنّ عنه

پاداش شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۱

۲۱ پاداش مهاجران ، آوارگان ، آزاردیدگان در راه خدا ، مجاهدان و شهیدان ، تضمین شده از سوی خداوند

انّی لا اضع عمل عامل منکم ... فألذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اودوا فی سبیلی

لام قسم و نون تأکید در <لاکفرنّ> و در <لادخلنّ> دلالت بر تأکید و تضمین پاداش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۱۱

۱۱ یکسانی پاداش رزمندگان شهید

و مجاهدان پیروز

فیقتل او یغلب فسوف نوتیه اجرأ عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۶

۱۶ تضمین قطعی بهشت از سوی خداوند ، برای مجاهدان رزمنده ای که سرانجام به شهادت می رسند . *

فیقتلون و یقتلون

برداشت فوق بدین احتمال است که <و یقتلون> قید باشد ؛ یعنی ، صرفاً کشتن دشمنان خدا تضمین کننده بهشت نیست و به حساب معامله با خدا گذاشته نمی شود ؛ بلکه کشتن و نهایتاً کشته شدن ، معامله با خداست .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۶ - ۱

۱- بهشت موعود ، پاداش شهیدان راه خدا

و یدخلهم الجنّه عزّفها لهم

پاداش صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۳

۱۳ محبت خدا ، پاداش پایمردی شکیبایان در رویارویی و نبرد با دشمنان دین خدا

فما وهنوا لما اصابهم .. و الله یحبّ الصّابرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۲

۲ ثبات قدم (پایمردی) و پیروزی بر دشمنان ، پاداش دنیوی خداوند به مجاهدان صابر و نیایشگر

رَبَّنَا .. وَ ثَبَّتْ أقدامنا و انصرنا على القوم الكافرين. فاتيهم الله ثواب الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۴

۴ ثابت قدمان در ايمان ، بهره مند از پاداش بزرگ و ویژه خداوند

اشد تثبيتاً. و اذاً لأتيناهم من لدنا اجراً عظيماً

در برداشت فوق، <اذاً لأتيناهم .. >

نتیجه <اشدّ تثبتاً> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۳

۳- خداوند ، به هر یک از اعمال نیک صابران ، مطابق بهترین نوع آنها پاداش می دهد .

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۹ - ۱

۱ - پاداش صبرپیشگان متوکل بر خدا ، بسی ستوده و نیکو است .

نعم أجر العملین . الذین صبروا و علی ربّهم یتوکلون

<الذین> بدل برای <العملین> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۲۲، ۲۳ - ۱۶

۱۶ - صابران ، برخوردار از اجر و پاداش کامل و بی شمار

إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغير حساب

<توفیه> (مصدر <یوفّی>) به معنای پرداخت کامل است.

۲۲ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : قال رسول الله (ص) إذا نشرت الدواوين و نصبت الموازين لم ينصب لأهل البلاء میزان و

لم ينشر لهم ديوان ثم تلا هذه الآية > إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغير حساب < ;

از امام صادق(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که نامه های اعمال گشوده می شود و میزان ها [برای

سنجش اعمال] برپا می گردد، برای اهل مصیبت و بلا [که صابر بوده اند] میزانی برپا نشده و نامه عملی گشوده نخواهد شد.

آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغير حساب.<

۲۳ - > عن أمير المؤمنين (ع) : . . . قال الله عزّوجلّ . . . إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغير حساب

، فما أعطاهم الله في الدنيا لم يحاسبهم به في الآخرة ... ;

از امام علی(ع) روایت شده: ..خدای عزوجل فرمود: <إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ> آنچه را خدا در دنیا به صابران داده است، در قیامت حساب آن را از آنان نمی خواهد.

پاداش صابثان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان به خدا و قیامت و دارندگان عمل صالح ، در قیامت هیچ ترس و اندوهی نخواهند داشت .

من آمن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحاً .. و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون

به قرینه <فلهم أجرهم عند ربهم> می توان گفت: ظرف <لاخوف عليهم ..> قیامت است.

پاداش صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۵

۵ بهشت پاداش راستگویان و راست کرداران است .

هذا يوم ينفع الصدقين صدقهم لهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۴ - ۱،۱۳

۱ - خداوند ، به راستگویان ، به خاطر صداقت شان ، پاداش می دهد .

ليجزى الله الصادقين بصدقهم

لام در <ليجزى> لام عاقبت است.

۱۳ - اعطای پاداش از ناحیه خداوند به راستگویان ، از آمرزگاری و رحمت او است .

ليجزي الله الصديقين .. إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

پاداش صادقانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۱۱

۱۱ - قال الصادق (ع) : إذا سأل عن صدقه على أي وجه قاله ، فيجزي

بحسبه فكيف يكون حال الكاذب ... ;

امام صادق(ع) فرمود: در صورتی که راستگو، از راستگویی اش سؤال شود که به چه انگیزه ای بوده است؟ و بر حسب آن جزا داده شود، حال دروغگو چگونه خواهد بود..؟!<

پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۱،۲،۳

۱ قطعی بودن پاداش اعمال خیر صالحان ، از سوی خداوند

و اولئك من الصالحين. و ما يفعلوا من خير فلن يكفروه

۲ قطعی بودن پاداش اعمال خیر صالحان اهل کتاب ، از سوی خداوند

من اهل الكتب .. و اولئك من الصالحين. و ما يفعلوا من خير فلن يكفروه

۳ اعمال خیر صالحان هرگز از جانب خداوند ، کفران نخواهد شد و مورد ناسپاسی قرار نخواهد گرفت .

و اولئك من الصالحين. و ما يفعلوا من خير فلن يكفروه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۵

۵ بهشت پاداش راستگویان و راست کرداران است .

هذا يوم ينفع الصدقين صدقهم لهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۶

۶ هدایت ویژه، پاداش خداوند به صالحان است.

كلا هدينا .. كل من الصالحين

در آیه پیشین سخن از هدایت ویژه برای پیامبران بود و این آیه آنان را از زمره صالحان می شمارد. بنابراین وصف مذکور باید در حصول هدایت ویژه دارای نقش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ،

به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحاً فله جزاء الحسنی

<جزاء> حال است و بیان این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۶ - ۴

۴- عمل صالح باقی می ماند و نیکوکاران ، از پاداش آن در پیشگاه خداوند برخوردار می گردند .

والبقیة الصلحة خیر عند ربّك ثواباً

<خیر> گرچه اسم تفضیل است؛ ولی همواره این مفهوم را ندارد که نقطه مقابل هم، اصل وصف را داراست؛ بلکه در نظایر این آیه تفضیل به معنای حقیقی آن وجود ندارد و گفتن <خیر ثواباً> در مقابل پندار دنیامداران است که به نتیجه کارهایشان دل بسته اند و مراد این است که تنها به ثواب عمل صالح می توان دل بست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۲

۲- محبوبیت در دل های مردم ، از جمله پاداش های خداوند به مؤمنان دارای کردار نیک .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۱

۱ - بهشت ، پاداش خدا به مؤمنان نیک کردار

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا و عملوا الصلحة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۴

۴ - بهشت ، پاداشت مؤمنان نیک کردار

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۸ -

۱ - خداوند ، بهشت را ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، تضمین کرده است .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوئنهم من الجنة غرفاً

لام تأکید و نون ثقیله در <لنبوئن> دلالت بر ضمانت می کند.

۱۰ - بهشت جاودان ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، پاداشی نیکو است .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوئنهم من الجنة .. خلدین فیها نعم أجرال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۵ - ۱

۱ - بوستان عظیم بهشتی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

فأما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فهم فی روضه

نکره آورده شدن <روضه> دلالت بر عظمت آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۱،۴

۱ - خداوند پاداش دهنده مؤمنان دارای عمل صالح در قیامت

لیجزی الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

۴ - پاداش دهی خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح ، فراتر از استحقاق عمل آنها است .

لیجزی الذين ءامنوا .. من فضله

ذکر <من فضله> برای بیان این نکته است که پاداش در نظر گرفته شده برای مؤمنان، براساس استحقاق نیست، بلکه فزون تر از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنانِ دارای اعمال صالح است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ

۲ - مؤمنان به آیات خدا و انجام دهندگان عمل صالح ، جایگاه شان بهشت است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ

به قرینه مقابله با

آیه قبل، متعلق <آمنوا> در این آیه کسانی اند که به آیات الهی ایمان آورده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۱

۱ - جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. جَنَّتِ النَّعِيمِ خُلْدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۱

۱ - باغ های بهشتی مهیا برای پذیرایی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نَزْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۲

۲ - مؤمنان دارای عمل صالح ، شایسته غفران و پاداش الهی اند .

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۲

۲ - خداوند در پاداش دادن به مؤمنان نیک کردار ، هیچ گونه منتی بر آنان نخواهد گذاشت .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <ممنون> از ماده <منت> اشتقاق یافته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۳

۱۳- آمرزش گناهان و سامان یافتن شئون حیات ، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم و أصلح بالهم

<أصلح بالهم> یا به معنای اصلاح مطلق شئون زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان است، برداشت یاد شده براساس معنای

اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱،۲

۱ - استقرار در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکو کردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. جزاؤهم عند ربهم جنّ عدن تجري من تحتها الأن

۲ - پاداش مؤمنان شایسته کردار ، جلوه ربوبیت خداوند بر آنان است .

عند ربهم

پاداش صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱،۲

۱ بهشت ، از آن کسانی است که در مقابل آزمایش های الهی شکیبیا باشند .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة

۲ ورود به بهشت ، بدون تحمل سختی ها و مصائب ، پنداری بیش نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقوای پیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علينا إنه من يتقّ و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۳

۳ بهشت عدن ، پاداش صبر و استقامت بر فرمان های الهی ، برپا داشتن نماز و انفاق کردن

والذین صبروا .. أولئک لهم عقبی الدار. جَنَّتْ عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۷

۷ - > عن أبي جعفر (ع) فی قوله : > و

جزاهم بما صبروا جنة و حريراً > قال : بما صبروا على الفقر و مصائب الدنيا ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و جزاهم بما صبروا جنة و حريراً> روایت شده که فرمود: [این پاداش] برای این است که بر فقر و مصیبت های دنیا صبر کرده اند.

پاداش صبر بر ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگنا ها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب الله على النبي و .. الذين اتبعوه في ساعه العسره

پاداش صبر بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگنا ها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب الله على النبي و .. الذين اتبعوه في ساعه العسره

پاداش صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۵

۱۵ - از امام صادق (ع) روایت شده است : <... من صبر کرهأً... نصیبه ما قال الله عز و جل : > و بشر الصابرين < ای بالجنه و المغفره... >

... کسی که در مشکلات صبر کند پاداش وی همان بهشت و مغفرت الهی است که در سخن خدای عز و جل <و بشر الصابرين> به آن بشارت داده شده است ...

<

پاداش صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۴ - ۴

۴ - صداقت و راستی ، پاداش الهی را به دنبال دارد .

ليجزي الله ... بصدقهم

<باء> در <بصدقهم> سببی است.

پاداش صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۵

۵ - صدقه دادن ، بهترین عمل است و نفع آن به خود صدقه دهنده بازمی گردد .

ذلك خير لكم

کلمه <ذلك> اشاره به اعطای صدقه دارد. واژه <خير> می تواند به معنای خوب (در مقابل) بد و یا اسم تفضیل و به معنای بهتر باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

پاداش عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۲،۳

۲ خداوند ، نویددهنده پاداش به خردمندان مؤمن

ربنا و اتنا ما وعدتنا على رسلك

۳ پیامبران ، واسطه خداوند در نوید پاداش به خردمندان

اتنا ما وعدتنا علی رسلک

پاداش عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۳

۳ - عبادت و انجام اعمال صالح به منظور دریافت اجر و پاداش از خداوند ، صحیح و مقبول در گاه الهی بوده و با الهی بودن آنها منافات ندارد .

یتلون کتب اللّٰه و أقاموا الصلوه و أنفقوا .. لیوفّیهم أجورهم

پاداش عبادت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۳

۳ - عبادات نهانی و در دل شب مؤمنان ، دارای پاداش عظیم و نهفته است .

تتجافی جنوبهم

عن المضاجع يدعون ربهم .. فلا تعلم نفس ما أخفى لهم

پاداش عبادت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۱۲

۱۲ خداوند ، پرستشگران و بندگان خویش را از پاداش ها بهره مند می سازد .

فاعبده .. و ما ربك بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان آگاهی خدا به اعمال انسانها ، پس از فرمان به عبادت و پرستش (اعبده) ، تضمین پاداش است.

پاداش عبودیت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۹

۹- نجات نوح (ع) و همراهان او ، پاداش عبودیت و شکرگزاری مداوم وی بود .

ذریه من حملنا مع نوح إنه كان عبداً شكوراً

<ذریه .. > اشاره به نجات همراهان نوح(ع) از غرق شدن دارد و جمله <إنه كان عبداً شكوراً> می تواند تعلیل برای آن

نجات باشد؛ یعنی، چون حضرت نوح(ع) عبودی شاکر بود، او و همراهانش را نجات بخشیدیم.

پاداش عتق برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۳ - ۸

۸ - > إِنَّ أَعْرَابِيًّا قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) عَلَّمَنِي عَمَلًا يَدْخُلُنِي الْجَنَّةَ؟ قَالَ: أَعْتَقِ النَّسِيمَةَ وَفُكِّ الرَّقِبَةَ. قَالَ: أَوْ لَيْسَتْ بَوَاحِدَةٍ؟

قال له: إِنَّ عَتَقَ الرَّقِبَةَ أَنْ تَفْرَدَ بَعْتَقَهَا وَفُكِّ الرَّقِبَةَ أَنْ تُعِينَ فِي عَتَقِهَا ...

مردی بادیه نشین به رسول خدا(ص) عرض کرد: عملی را به من تعلیم ده که مرا به بهشت ببرد. رسول خدا(ص) فرمود:

<أَعْتَقِ النَّسِيمَةَ وَفُكِّ الرَّقِبَةَ> آن مرد گفت: آیا

<عتق نسمة و فك رقبه> هر دو، به یک معنا (آزاد کردن برده) نیست؟ فرمود: نه؛ <عتق رقبه> آن است که به تنهایی برده را آزاد کنی و <فك رقبه> آن است که در آزادی برده ای کمک کنی.

پاداش عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخوردار از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۶۸

۶ - عفو و اغماض از خطای دیگران و اصلاح بدی آنان با نیکی و گذشت ، موجب اجر و پاداش ویژه خداوند است .

و جزؤا سیئه سیئه مثلها فمن عفا و أصلح فأجره علی الله

۸ - تلاش در راه رفع کدورت های پیشین ، به دنبال عفو و گذشت از خطای دیگران ، دارای ارزشی والا و پاداش فراوان الهی است .

فمن عفا و أصلح فأجره علی الله

ذکر <أصلح> پس از عفو، نشان می دهد که صرف عفو و اغماض در دستیابی به پاداش والای الهی کفایت نمی کند، بلکه می بایست پس از گذشت، در راه رفع اختلافات گام برداشت و طرح صمیمیت و آشتی افکند.

پاداش عقیده

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۹

۹ - اعتقاد شیطان به جزا و کیفر خلق ، در برابر اعتقاد و عمل *

کمثل الشیطن إذ قال .. إني أخاف الله رب العلمين

در صورتی که <إني أخاف .. > سخنی از روی واقعیت باشد و نه توجیه و استهزا تعبیر <أخاف ... > نشانگر بیم شیطان از بازتاب کفر و اعتقاد او به کیفر و مجازات است.

پاداش علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۵

۱۵ بهره مندی عالمان از پاداش های بزرگ الهی در گرو ایمان و انجام اعمال صالح

لكن الرسخون .. و المؤمنون بالله و اليوم الآخر أولئك سنؤتيهم أجراً عظيماً

پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۵

۵ - هر فرد و امتی از پاداش اعمال نیک خویش بهره مند خواهند شد .

لها ما كسبت و لكم ما كسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۶

۶ - نتیجه عمل هر کس و هر جامعه ای از آن خود اوست و باید به او بازگردانده شود .

لها ما كسبت و لكم ما كسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۷

۷ ضمانت پاداش نیکوکاران از سوی خداوند

و ما تفعّلوا من خیر یعلّمه الله

جمله <یعلّمه الله>، علاوه بر بیان احاطه علمی خداوند به کارهای نیک بندگان، کنایه از ضمانت پاداش در قبال نیکوکاری آنان است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۱،۵

۱ آنان که خواهان حَسَنه دنیوی و اُخرویَند ، از آنچه انجام داده اند ، بهره خواهند برد .

و منهم من يقول ربّنا اتنا .. اولئک لهم نصیب مما کسبوا

۵ تنها آنان که پس از انجام حج ، خواهان حسنه دنیوی و اُخروی هستند ، از حج خود بهره خواهند برد .

فاذا قضیتم مناسککم .. اولئک لهم نصیب مما کسبوا

بنابراینکه مراد از <مما کسبوا> انجام فریضه حج باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۲۳

۲۳ عمل به تکالیف الهی ، وسیله رسیدن به بهشت و آمرزش است .

و لا تنکحوا المشرکات .. و الله یدعوا الی الجنّه و المغفره باذنه

بنابراینکه مراد از دعوت الهی به بهشت و مغفرت، بیان احکام شرعی باشد (مانند حرمت ازدواج با مشرکان و ..) که عمل به

آن احکام، موجب آمرزش و درآمدن به بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱۴

۱۴ خداوند ، محاسبه کننده و جزادهنده اعمال

و اعلموا انکم ملاقوه

با توجّه به هشدار در آیه، ملاقات خداوند، کنایه از محاسبه و جزا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۶

٦ نیت ، ملاک ثواب و عقاب عمل

لا یؤخذکم اللہ باللغو فی ایمانکم و لکن یؤخذکم بما کسبت قلوبکم

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

٢ - بقرہ - ٢ -

۱۳ بقای آنچه به خداوند قرض داده می شود و بازگشت چندین برابر آن به آدمی

من ذا الذي يقرض الله .. فيضاعفه له اضعافاً كثيرة

مُرَاد از ضمیر مفعولی در <يضاعفه> قرض است؛ یعنی آن مالی که قرض داده شود، چندین برابر شده و به او باز پس داده می شود؛ بنابراین باید آن مال باقی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۱۳

۱۳ خداوند ، به انفاق کنندگان در راه او و مستحقین پاداش های چند برابر ، داناست .

و الله يضاعف لمن يشاء و الله واسع عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۱۵، ۱۹

۱۵ دستیابی به <وجه الله> (خشنودی خدا) ، در گرو تلاش و اجتهاد جوینده آن

و ما تنفقون الا ابتغاء وجه الله

با توجه به واژه <ابتغاء> که در آن اجتهاد و تلاش ملحوظ است.

۱۹ بازگشت نتایج اعمال خیر ، به خود عمل کننده

و ما تنفقوا من خير فلانفسكم .. يوف اليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۶ - ۱

۱ خداوند ، سوق دهنده دائمی سرمایه های ربوی ، به نقصان و نابودی

يُمحِقُ اللهُ الرِّبَا

رو به کاستی رفتن را <مَحَق> گویند. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱،۳

۱ مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، بهره مندان از پاداش ویژه الهی

ان الذین امنوا

و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوه و اتوا الزكوه لهم اجرهم عند ربّه

کلمه <عند ربهم> اشاره به پاداشی ویژه دارد.

۳ پاداش الهی برای مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، نتیجه عمل خیر آنها

لهم اجرهم عند ربهم

<اجر> به معنای مزد، در برابر عملکرد شخص به کار برده می شود؛ بنابراین پاداش آنان مزد و اجر عملشان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۵،۷

۵ قیامت ، روز دریافت کامل نتیجه اعمال (کیفر و پاداش)

ثم توفى كل نفس ما كسبت

<توفى> به معنای دریافت کامل است.

۷ پاداش و کیفر کامل اعمال انسان ها ، پس از بازگشت به سوی خداوند در قیامت

و اتقوا يوماً ترجعون فيه الى الله ثم توفى كل نفس ما كسبت

برخی مفسّرین برآنند که مضاف از کلمه <ما کسبت> حذف شده است؛ یعنی پاداش و کیفر اعمال خویش را دریافت می کنند، نه خود اعمال و کردار را.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۳

۳ ایمان ، ملاکی برای ارزش اعمال نیک ، و شرط پاداش خداوند بر انجام آن

ان الذين يكفرون .. اولئك الذين حبطت اعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۹،۱۲

۹ دنیا، محل اندوختن و کسب سرمایه و آخرت روز دریافت اندوخته هاست .

و وقت کل نفس ما کسبت

۱۲ پندار غلط برخی از اهل کتاب، نسبت به محو اعمال ناشایست آنان

لن تمسنا النار... و وقیت کل نفس ما کسبت

به نظر می رسد جمله <وقیت کل...>، اشاره به علت پنداری است که اهل کتاب داشتند: لن تمسنا النار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۶

۶ قیامت، روز دریافتِ کیفر و پاداشِ اعمال نیک و بد *

یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر... من سوء

بنابراینکه <ما عملت>، به معنای <جزاء ما عملت> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۴

۴ پاداش ها در قیامت نتیجه عمل خود انسان است . *

فیوفیهم اجورهم

استعمال اجر و اجرت، معمولاً در قبال عمل انسان به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۱،۲

۱ قطعی بودن پاداش اعمال خیر صالحان، از سوی خداوند

و اولئک من الصالحین. و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه

۲ قطعی بودن پاداش اعمال خیر صالحانِ اهل کتاب، از سوی خداوند

من اهل الکتب... و اولئک من الصالحین. و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ آمرزش الهی و بهشت را به بهای عمل به اوامر خداوند دهند ، نه به صرف شعار و ادعا

اولئک جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات .. و نعم اجر العاملین

۱۲ آمرزش گناهان و بهشت های دارای نهر های جاری ، پاداش

خوبی برای عمل کنندگان به دستورات الهی

اولئك جزاؤهم مغفرة من ربهم و جنّات تجري من تحتها الانهار خالدین فیها و نعم اجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۹،۱۱

۹ قصد و نیت عمل کننده کردار های نیک ، تعیین کننده برخورداری وی از نعمت های دنیا یا مواهب آخرت

و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

۱۱ خداوند ، پاداش دهنده اعمال در دنیا و آخرت

و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

مراد از اراده پاداش، انجام عمل خیر، برای نیل به پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۳،۱۴،۱۶

۱۳ پاداش و جزای کردار آدمی در قیامت بر اساس عدل

ثم توفی کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

۱۴ ضرورت برپایی قیامت و معاد برای دریافت تمامی جزا ها و پاداش های اعمال *

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثم توفی کل نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

جمله <و هم لا یظلمون> (عدالت الهی)، پس از جمله <توفی کل نفس ما کسبت>، بیانگر این است که ستم نشدن بر انسانها در گرو دریافت کامل جزا و پاداش اعمال آنان می باشد؛ و این معنا تنها در قیامت تحقق می یابد.

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کل شیء غلّ عن الامام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸؛ تفسیر برهان،

ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۱۴

۱۴ تفاوت فرجام آدمیان بر مبنای عملکرد آنان ، نمودی از عدل خداوند

تَوْفَى كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ. اَفْمَنْ اَتَّبَعَ رِضْوَانَ اللّٰهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللّٰهِ

در برداشت فوق جمله < اَفْمَنْ اَتَّبَعَ .. > دلیل و تعلیل عدل الهی در پاداش و جزا گرفته شده است ؛ یعنی باید هر نفسی پاداش و جزای کامل خویش را ببیند ؛ چرا که هیچ وجدانی نمی تواند بپذیرد که انسانهای نیکوکار همسنگ بزهکاران باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۴،۵

۴ تضمین پاداش عملکرد مؤمنان ، از سوی خداوند

اِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ اَجْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ

۵ ایمان ، شرط ضایع نشدن پاداش عمل

اِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ اَجْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ

آوردن اسم ظاهر <المؤمنين> به جای ضمیر، بیانگر این است که پاداش عملکرد مجاهدان مشروط به ایمان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۲۰

۲۰ دشواری عمل ، موجب ازدیاد ارزش و پاداش آن در پیشگاه خداوند

الَّذِيْنَ اسْتَجَابُوا لِلّٰهِ وَ الرَّسُوْلِ مِنْ بَعْدِ مَا اَصَابَهُمُ الْقَرْحُ

چنانچه <الَّذِيْنَ اسْتَجَابُوا> مبتدا باشد، جمله <مِنْ بَعْدِ مَا اَصَابَهُمُ الْقَرْحُ>، که مستلزم دشواری حرکت برای جهاد است ، از شرایط وعده به اجر عظیم خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۰

۱۰ محرومیت و یا برخورداری از

بهره های اخروی ، نتیجه عملکرد انسان

و لا یحزنک الذین یسارعون الیکفر .. یرید الله الا یرجعل لهم حظا فی الاخره

گر چه خداوند محروم کردن کفرپیشگان را از بهره اخروی به خود نسبت داده است: یرید الله .. ولی این محرومیت به دلیل <یسارعون ... >، نتیجه عملکرد خود آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۲،۴

۲ وعده خداوند به دریافت کامل سزای اعمال در روز قیامت

و انما توفون اجورکم یوم القیمه

<توفون>، از مصدر <توفیه>، به معنای دریافت کامل و تمام است.

۴ محاسبه دقیق اعمال انسان و جزای عادلانه آن در قیامت

و انما توفون اجورکم یوم القیمه

<توفون> (اعطای پاداش کامل و تمام در مقابل عمل)، حکایت از محاسبه دقیق اعمال دارد و نیز حاکی از عدالت در پرداخت پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۷،۸،۱۴،۱۸،۳۴

۷ خداوند ، هرگز عمل مؤمن را ضایع نکرده و وی را از پاداش اعمالش بهره مند خواهد کرد .

انّی لا اضع عمل منکم

خطاب <منکم> می رساند که اگر انجام دهنده اعمال نیک مؤمن باشد، عمل او ضایع نخواهد شد و در دنیا و آخرت به ثمر خواهد نشست.

۸ برقراری نظام پاداش عمل و تباه نشدن اعمال خیر ، پرتوی از ربوبیت خداوند

فاستجاب لهم ربهم انّی لا اضع عمل منکم

۱۴ در پیشگاه خداوند ، بین زن و مرد در برخورداری از نتایج اعمال ، تفاوتی نیست .

اَنّی لا اَضیعُ عملَ عاملٍ مِنْکُمْ مِنْ ذَکَرٍ اَوْ اُنْثٰی

یکسانی زن و مرد در ماهیت و حقیقت انسانی، فلسفه تساوی آنان در برخورداری از اجر و پاداش اعمال نیک

اَنّی لا اَضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

۳۴ ضایع نشدن اعمال مؤمنان و ثمردهی آن، به بهره مندی از پاداش های الهی (مغفرت و بهشت) است .

اَنّی لا اَضیع عمل عامل .. ثواباً من عند اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ هر زن و مردی به پاداش اعمال خویش خواهد رسید .

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُواْ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ

جمله <لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ .. >، می تواند به این معنی باشد که هر انسانی، چه زن و چه مرد، بر اساس تکالیفی که خدا بر عهده او گذاشته، بهره مند از ثواب و پاداش خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۳

۳ آگاهی کامل خداوند به ناچیزترین اعمال، تضمین کننده عدالت در مجازات ها و پاداش های الهی

كَانَ اللّٰهُ بِهِمْ عَلِيْمًا. اِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلَمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

ظاهراً جمله <ان اللّٰه .. >، نتیجه ای است مترتب بر آگاهی خداوند. یعنی چون خداوند آگاه به تمامی جهات است، ظلم نمی کند. زیرا از ریشه های ظلم، جهل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۳

۳ ارزشمندی تشویق مردم به جهاد در راه خدا

و حَرَّضَ الْمُؤْمِنِيْنَ .. مِنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَّكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا

چون تحریک مردم

به جهاد، <شفاعه حسنه> نامیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۶ - ۴

۴ مالکیت و احاطه خداوند بر هستی، ضامن کیفر و پاداش دهی عادلانه و دقیق وی به اعمال مردم

من يعمل سوءاً یجز به... و لله ما فی السموت و ما فی الأرض... محیطاً

برخی بر آنند که جمله <و لله ما فی السموت>، به منزله تعلیل برای جمله های <من یعمل سوءاً یجز به> و <فأولئک...> است، یعنی چون خداوند مالک تمام هستی است، قادر بر کیفر و پاداش بدون کم و کاست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ پاداش الهی، دارای تناسب و همگونی با اعمال انسانهاست.

إن شکرتم و ءامتم و کان الله شاکراً علیماً

توصیف خداوند به <شاکراً> که حکایت از پاداش دهی او در مقابل شکرگزاری بندگان است، می رساند که پاداشهای الهی مناسب با رفتار و کردار نیک انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۹ - ۱۲

۱۲ تناسب و همگونی پاداش الهی با عمل انسان

أو تعفوا عن سوء فإن الله کان عفواً قديراً

خداوند، گذشت و بخشش خویش را پاداش کسانی قرار داده که اهل عفو و گذشت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۴

۲۴ توجه به پاداش عمل، محرک آدمی بر انجام آن

لئن اقمتم الصلوه .. لا كفرون عنكم سيئاتكم و لا دخلنكم جنت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ هابیل ، معتقد به معاد و معارف دین و دارای یقین به بهشت و دوزخ و آگاه به کیفر و پاداش اعمال

انی اخاف الله رب العلمین .. تبوأ باثمی و اثمک فتکون من اصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۴

۴ اعمال و نیت پنهان و آشکار آدمی مورد محاسبه و جزاء و پاداش الهی

و الله يعلم ما تبدون و ما تکتومون

بیان آگاهی خداوند بر آشکار و پنهان انسان هشدار می‌دهد که اعمال و رفتار و نیز نیت و حالات آنان محاسبه خواهد شد. و به مقتضای آن به پاداش و یا سزای لازم خواهند رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۳

۳ نعمت های جاودان اخروی ، اجرت و مزدی است در برابر عملکرد مؤمنان مهاجر و مجاهد .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. جنت لهم ... خلدين فيها أبداً إن الله عنده أج

>أجر< اجرت و مزد در برابر عمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۰

۱۰ دستیابی مؤمنان به پاداش و ایمان و اعمال شایسته خویش و گرفتاری کافران به کیفر کفر و بزهکاری خود ، فلسفه اساسی معاد و برپایی رستاخیز است .

ثم یعیده لیجزی الذین ءامنوا .. و الذین کفروا لهم شراب من حمیم و عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۶

۶ - جزای اعمال ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ - تمامی اعمال آدمیان حتی خردترین و سبک ترین آنها مورد حسابرسی ، بازخواست و جزای الهی قرار خواهد گرفت .

و إن كان مثقال حبة من خردل أتينا بها و كفى بنا حسيين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - گواهی اعضا و جوارح بر گفتار و رفتار انسان ها و جزای کامل و عادلانه خدا به آنان ، موجب آگاهی آنان به حقانیت خداوند است .

يوم تشهد عليهم ألسنتهم .. يومئذ يوفيهم الله دينهم الحق و يعلمون أن الله ه

جمله <و يعلمون..> عطف بر <یوفیهم> است و مقصود از <یومئذ> به قرینه آیه قبل (یوم تشهد...) - همان روزی است که اعضای بدن علیه انسان گواهی می دهند. بنابراین معنای آیه چنین می شود: روزی که اعضای بدن انسان، بر رفتار وی گواهی می دهند و مردم به جزای کامل و عادلانه خود می رسند، در چنین روزی است که مردم خواهند فهمید که خدا حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۷ - ۹

۹ - عمل انسان ها ، مبنای پاداش دهی خدا است .

و لنجزینهم أحسن الذی كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ -

۱۱ - عمل ، اساس دستیابی به پاداش نیکو است .

نعم أجر العملین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۴

۴ - نعمت های عظیم اخروی ، پاداش عمل مستمر خود مؤمنان است که در دنیا انجام می دهند .

فلا تعلم نفس ما أخفی لهم من قرّه أعین جزاء بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - موقعیت انسان ها ، در کیفیت پاداش عمل خیرشان ، نقش دارد .

إن كنتن تردن الله ورسوله .. فإن الله أعدّ للمحسن منكن أجراً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - انسان در برابر رفتار و آثار برجای مانده از خود ، مسؤول بوده و با کیفر و پاداش دقیق آن ، رو به رو خواهد شد .

و نکتب ما قدموا .. أحصينه فی إمام مبین

برداشت یاد شده به سبب این حقیقت است که ذکر إحيای مردگان و شمارش و ثبت تمامی اعمال و آثار انسان، از مسؤولیت او در برابر رفتار و کردارش حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۴

۴ - تمامی رفتار و کردار انسان ، دارای کیفر و پاداش بوده و او در برابر آن مسؤول است .

و وقیت کلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۹

۹ - بهشت ، اجری نیکو

و پسندیده برای اهل عمل و تلاش

تَبَوُّوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ - تمامی اعمال نیک آدمی حتی کوچک ترین آنها ، برخوردار از پاداش افزون الهی

و من یقترب حسنه نزد له فیها حسناً

تنکیر <حسنة> برای تنويع است و شامل تمامی اعمال مؤمنان از کوچک ترین تا بزرگ ترین آنها می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - < عن زیدبن وهب إنَّ علیاً (ع) قال : ... و لکنه جعل الدنیا دار الأعمال و جعل الآخره دار الجزاء و القرار > لیجزی
الذین أسأوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى > ... ;

زیدبنوهب گوید: امام علی(ع) فرمود: .. خداوند دنیا را خانه عمل و آخرت را منزل جزا و آرامش قرار داده است تا بدکاران
را به کیفر بدی هایشان برساند و نیکوکاران را پاداش نیک دهد >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۹

۹ - اعتقاد شیطان به جزا و کیفر خلق ، در برابر اعتقاد و عمل *

کمثل الشیطن إذ قال .. إني أخاف الله رب العلمین

در صورتی که <إني أخاف ..> سخنی از روی واقعیت باشد و نه توجیه و استهزا تعبیر <أخاف ...> نشانگر بیم شیطان از
بازتاب کفر و اعتقاد او به کیفر و مجازات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - خوردنی ها و نوشیدنی های گوارای بهشت ، پاداش اعمال گذشته اهل بهشت است .

بما أسلفتم فی الأيام الخالیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۶

۶ - پاداش اعمال بندگان ، بر خداوند الزامی نیست .

جزاء .. عطاء

توصیف نعمت های اخروی به دو وصف <جزاء> که در مقابل عمل است و <عطاء> که بدون توجه به عمل داده می شود حاکی از آن است که خداوند آنچه را در آخرت، برابر اعمال انسان به او می دهد، از روی تفضّل و احسان است نه این که انسان استحقاق آن را داشته باشد.

پاداش عمل اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۴

۴ قیامت ، عرصه بهره برداری آدمی ، از نتایج گفتار و کردار خویش

قال الله هذا يوم ينفع الصدقین صدقهم

پاداش عمل به تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۲

۲ پاداش بزرگ الهی ، پیامد تسلیم همه جانبه در برابر احکام خداوند و عمل به مواعظ او

و یسلموا تسلیمًا .. و لو أنّهم فعلوا ما یوعظون به ... و اذًا لآتیناهم من لدنا

پاداش عمل به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۲

۲ خداوند پاداش یهودیان تمسک کننده به تورات و برپا دارنده نماز را تباه نخواهد کرد .

و الذین یمسکون بالکتب .. . إنا

چون آیه مورد بحث در سیاق آیات مربوط به یهود واقع شده، می توان گفت مراد از <الذین .. > یهودیان متعهد هستند، و یا اینکه آنان از مصادیق مورد نظر برای <الذین ... > می باشند.

پاداش عمل به توصیه های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۱ - ۴،۵

۴ - پاداش مؤمنان عمل کننده به توصیه الهی (توصیه به جا باز کردن برای دیگران در مجالس) ، حل مشکلات و گشایش در امور زندگی آنان از سوی خداوند است .

فافسحوا یفسح الله لکم

در صورتی که مراد از <یفسح الله>، پاداش دنیوی باشد برداشت بالا استفاده می شود.

۵ - خداوند ، در قبال عمل کردن مؤمنان به توصیه او (جا باز کردن برای دیگران در مجالس) جایگاه اخروی آنان را وسیع خواهد کرد .

فافسحوا یفسح الله لکم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <یفسح الله لکم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

پاداش عمل به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۳

۳ چنگ زدن به کتاب های آسمانی و برپا داشتن نماز ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

و الذین یمسکون بالکتب .. إنا لانضیع أجر المصلحین

پاداش عمل پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - قیامت زمان برداشت و پاداش اعمال نیک است .

فاستبقوا الخیرت این ما تكونوا یأت بکم الله جميعاً

جمله <این ما تكونوا ..> تعلیل جمله قبل است ;

یعنی، چون قیامتی بر شما هست باید در دنیا به انجام کارهای نیک پردازید. این تعلیل بیانگر آن است که: سعادت انسان در آخرت، به اعمال نیک او در دنیا بستگی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۸،۹

۸ - کسانی که اعمال نیک (سعی میان صفا و مروه) انجام دهند ، از پاداش های الهی برخوردار خواهند شد .

و من تطوع خیراً فإن الله شاكر عليم

سپاسگزاری خداوند از بندگان، کنایه از پاداش دهی به آنان می باشد.

۹ - علم و آگاهی خداوند به اعمال خیر بندگان ، ضامن نشدن پاداش آنهاست .

و من تطوع خیراً فإن الله شاكر عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۵

۵ خداوند ، کفر و ایمان و اعمال نیک و بد انسان ها را به صورت پاداش و کیفر متبلور خواهد ساخت .

و إن کلاً لما لیوفیتهم ربک أعملهم

گفتن <اعمال> و اراده کردن پاداش و کیفر آنها ، گویای این نکته است که: پاداش و کیفر ، بازتاب اعمال و تبلور یافته آن است؛ به گونه ای که گویا پاداش و کیفر اعمال ، همان اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۸

۸- نوید اعطای پاداش برای عمل پسندیده و تهدید به کیفر برای اعمال ناپسند ، از شیوه های تربیتی قرآن

لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶

۴- هر عمل نیک ، دارای مراتب مختلف در نیکی و پاداش های گوناگون و متناسب است .

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

اینکه خداوند اعمال صابران را به بهترین نوع عمل پاداش می دهد، نشانگر آن است که هر عمل نیک دارای انواع و مراتب مختلفی است که خداوند در مقام جزا، بهترین نوع آنها را ملاک قرار داده و به صابران عطا می فرماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۱۷

۱۷ - تشویق انسان ها ، به انجام کار های شایسته و نوید پاداش به آنان از سوی خداوند

و الله بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۴

۴ - احسان و رفتار خوب انسان ، دارای جزا و پاداش در پیشگاه خداوند

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

پاداش عمل خیر وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۴

۳۴ - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه <ما تقدّموا..>، جمله ای مانند <من الذی تأخّرونه إلى الوصیه عند الموت> در تقدیر است.

پاداش عمل زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش

اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنات .. أولئك سيرحهم الله

پاداش عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۶

۶ وعده پاداش به اهل ایمان دارای عمل صالح از روش های قرآن برای ایجاد انگیزه به ایمان و عمل صالح

لهم اجرهم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱،۵

۱ مؤمنان دارای اعمال صالح ، بهره مند از پاداش کامل خداوند

و اما الذين امنوا و عملوا الصالحات فيوفيهم اجرهم

۵ مؤمنان دارای اعمال صالح از پیروان عیسی (ع) ، مشمول پاداش کامل الهی هستند .

جاعل الذين اتبعوك .. و اما الذين امنوا و عملوا الصالحات فيوفيهم اجرهم

مصدق مورد نظر از جمله <فاما الذين امنوا> ، به قرینه آیات قبل ، مؤمنان به حضرت مسیح (ع) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۱

۱۱ بهشت ، پاداش کامل برای اعمال نیک انسانها

و انما توفون اجرکم يوم القيمة فمن زحزح عن النار و ادخل الجنة فقد فاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۶،۷،۸،۹

۶ خداوند، اعمال نیک را هر چند اندک باشد به چندین برابر پاداش می دهد .

و ان تک حسنه یضاعفها

ضمیر <هی> در <تک> به <مثقال> برمی گردد و چون خبر <تک>، یعنی <حسنه>، مؤنث است، فعل آن به صورت مؤنث آورده شده است.

نادیده گرفتن اعمال نیک دیگران هر چند اندک باشد سزاوار نیست .

و ان تک حسنه یضاعفها

۸ خداوند با لطف و تفضل خویش ، هر عمل نیکی را پاداشی عظیم عطا خواهد کرد .

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

لطف و تفضل از کلمه <من لدنه> استفاده شده است.

۹ اعمال نیک آدمی در پی دارنده پاداشی الهی در دنیا و آخرت *

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

بدان احتمال که مراد از <یضاعفها> پاداش دنیوی و <یؤت من لدنه .. > ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۱

۱ بهشت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح

و الذین امنوا و عملوا الصّالحات سندخلهم جنّات تجری من تحتها الانهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ اقدام به عمل نیک ، هر چند به انجام نرسد ، موجب برخورداری از پاداش های الهی است . *

و من یخرج من بیته مهاجراً الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۱،۵

۱ بهشت ، پاداش مؤمنان دارای اعمال صالح

و الذین ءامنوا و عملوا الصّالحات سندخلهم جنت

۵ مؤمنان دارای اعمال صالح ، در بهشت ، جاودان و پاینده اند .

و الذين ءامنوا .. سندخلهم جنت تجري من تحتها الأنهر خلدین فیها ابدأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۲،۳

۲ راهیابی مؤمنان به بهشت ، منوط به انجام بخشی از اعمال صالح ؛ و نه مشروط به انجام تمامی کار های نیک

و من يعمل من الصلحت . .. و هو مؤمن

بنابر اینکه <من> برای تبعیض باشد.

۳ زنان و مردان ، همسان در بهره مندی از پاداش ایمان و عمل صالح خویش

و من يعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۵

۱۵ بهره مندی عالمان از پاداش های بزرگ الهی در گرو ایمان و انجام اعمال صالح

لكن الرسخون . .. و المؤمنون بالله و الیوم الاخر اولئك سنؤتیهم أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۳

۳ ایمان و عمل صالح ، موجب استحقاق پاداش اخروی

فاما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیوفیهم أجورهم و یزیدهم من فضله

واژه اجر (مزد و پاداش) دلالت می کند که مؤمنان نسبت به پاداش استحقاق دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۳

۳ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (ص) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذین ءامنوا . .. أن لهم جنت تجری من تحت الأنهر

متعلق <آمنوا> به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ -

۱۲ - پاداش کارهای نیک، تضمین شده از سوی خداوند، بدون کمترین کاستی

و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عندالله

در برداشت فوق <تجدوه> - چنانچه بسیاری از مفسران گفته اند - به یافتن پاداش عمل تفسیر شده است. تعبیر کردن از <یافتن پاداش عمل> به <یافتن خود عمل> حاوی این نکته است که: پاداش اعمال نیک بدون کمترین کاستی، به انسانها اعطا می شود؛ به گونه ای که گویا همان عمل را می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳،۵

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد.

تلک أمة قد خلت لها ما كسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت> یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

۵ - هر فرد و امتی از پاداش اعمال نیک خویش بهره مند خواهد شد.

لها ما كسبت و لكم ما كسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۱۵

۱۵ تضمین پاداش اعمال نیک انسان از سوی خداوند

و ما تفاعلوا من خير فان الله به علیم

علم خداوند به اعمال خیر (فان الله به علیم)، کنایه از پاداش الهی به نیکوکاران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ تقوایندگان بهره مند از پاداش الهی ، در برابر اعمال نیکی که انجام می دهند

و ما يفعلوا من خير فلن يكفروه و الله عليم بالمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۱

۱ هر کار نیک دارای پاداش ده چندان است.

من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها

<فلا يجزى .. > دلیل بر این است که مراد از <عشر أمثالها> پاداش کار نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۸

۱۸ برخورداری مؤمنان از نعمت های الهی در بهشت ، نتیجه کردار نیک و مستمر آنان است .

و نودوا أن .. بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۷

۷ انجام دهندگان اعمال صالح از پاداش های الهی بهره مند خواهند شد .

إنا لانضع أجر المصلحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۰، ۱۳، ۲۴

۱۰ تحمل هر سختی (تشنگی ، رنج ، گرسنگی و تعرض و ضربه زدن به دشمن) در راه خدا ، عمل صالح و دارای اجر است .

ذلك بأنهم لا يصيبهم .. في سبيل الله ... إلا كتب لهم به عمل صالح

۱۳ گام نهادن مؤمنان در هر میدان و زمینه ای که خشم کافران را به دنبال داشته باشد ، عمل صالح و دارای اجر است .

و لا يظنون موطناً يغيب الكفار .. إلا كتب لهم به عمل صالح

۲۴ کسب پیروزی در راه خدا ، همانند تحمل مشکلات ، عمل صالح و دارای اجراست .

ذلك بأنهم لا

يُصِيبُهُمْ . . . و لا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از جمله <لا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا> می تواند دستیابی به پیروزی بر دشمن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۶۸

۶- پاداش عمل صالح ، از طرف خداوند ، تضمین شده است .

و البقيت الصلحت خير عند ربك

۸- پاداش خداوند به کردار نیک ، جلوه ای از ربوبیت او است .

و البقيت الصلحت خير عند ربك ثوابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۹

۹- توبه کنندگانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند ، در قیامت پاداشی بدون کمترین نقص دریافت خواهند کرد .

من تاب و ءامن و عمل صلحًا فأولئك يدخلون الجنة و لا يظلمون شيئًا

<ظلم> ؛ یعنی، مقرر ساختن چیزی در غیر جایگاه و درجه مخصوص آن؛ چه به گونه ای کمتر و چه به شکلی برتر (مفردات راغب). <لا يظلمون> نیز به معنای <لاینقصون> می باشد و مراد این است که: از اجر و مزد عمل آنان به واسطه گذشته بد آنها، چیزی کاسته نشده و به آنان ظمی روا نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۶ - ۱۱

۱۱- ربوبیت خداوند ، مقتضی اعطای پاداش به اعمال صالح

والبقيت الصلحت خير عند ربك ثوابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۲ - ۶

۶- ایمان ، شرط ثمربخشی اعمال صالح و بهره

بردن از جزای کامل آن در قیامت

و من يعمل .. و هو مؤمن فلا يخاف ظلماً ولا هضماً

نفی نقصان از پاداش عمل مؤمن در آخرت، اشاره به آن دارد که در صورت نبود ایمان، عمل صالح انجام شده، دچار کاستی و اضمحلال خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱

۱ - اعمال خوب مردمانی که همواره به یاد خدا هستند، در پی دارنده پاداشی از نوع پاداش بهترین عمل ها از سوی خداوند

رجال .. لیجزیهم الله أحسن ما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۲

۲ - نگه داشتن اعمال نیک تا صحنه قیامت و از دست ندادن آنها در نتیجه گناه، شرط بهره‌وری انسان از ثمرات آن

من جاء بالحسنة فله خير منها

واژه <جاء> می تواند اشاره به این داشته باشد که اعمال نیک، در صورتی ثمربخش است که انسان بتواند تا پایان عمر آن را حفظ کرده و با گناهان خود موجبات حبط آن را فراهم نکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۹

۹ - پاداش انجام دهندگان عمل صالح، بس ستایش برانگیز و نیکو است.

نعم أجر العاملين

<ال> در <العاملین> می تواند عهد بوده و اشاره به <الذین آمنوا و عملوا الصالحات> داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۲،۳

۲- اعمالِ صالحِ مؤمنان فراهم آورنده زمینه ، برای دریافت پاداش از خداوند ، در قیامت

است .

فلاأنفسهم يمهدون . ليجزى الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

<لام> در <ليجزى> تعليل براى <يمهدون> است.

۳- همراهى ايمان و عمل صالح ، شرط برخوردارى از پاداش و فضل الهى ، در آخرت است .

ليجزى الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۲

۲- توأم بودن ايمان با اعمال صالح ، داراى ارزش و پاداش است .

ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم جنّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۱ - ۴،۷

۴- موقعيت افراد در برخوردارى شان از پاداش مضاعف خداوند در مقابل عمل صالح شان نقش دارد .

و من يقنت منكنّ لله و رسوله و تعمل صلحاً نؤتها أجرها مرّتين

۷- اعطای پاداش مضاعف به همسران پیامبر در قبال عمل صالح شان ، نمودى از رحمت خداوند است .

و من يقنت منكنّ ... نؤتها ... و أعتدنا لها رزقاً كريماً

اين كه خداوند، به هنگام هشدار به همسران پیامبر در آيه پيش، براى عذاب، عذاب كننده اى را نياورده و تنها فرمود: <بر خداوند، چنين امرى آسان است> و در اين آيه، با فعل هاى <نؤتها> و <أعتدنا> دخالت مستقيم خود را بيان کرده، مى توان نکته بالا- را به دست آورد لانزم به ذكر است كه التفات از غيبت (يضاعف لها العذاب و كان ذلك على الله يسيراً) به خطاب (<نؤتها> و <أعتدنا>) مى تواند مؤيد نکته ياد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۹

خداوند به داوود (ع) و قومش، مبنی بر اعطای پاداش عمل صالح به آنان

اعملوا صلحاً إني بما تعملون بصير

یادآوری آگاه بودن خدا از عمل داوود(ع) و قومش، پس از سفارش آنان به انجام عمل صالح، می تواند به منظور این حقیقت باشد که عمل صالح آنان نادیده گرفته نشده و پاداش خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۳

۳ - عبادت و انجام اعمال صالح به منظور دریافت اجر و پاداش از خداوند، صحیح و مقبول درگاه الهی بوده و با الهی بودن آنها منافات ندارد.

یتلون كتب الله و أقاموا الصلوة و أنفقوا .. لیوفیهم أجورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۲ - ۱

۱ - بهشت با نعمت های فراوان و پایان ناپذیر آن، پاداش عملکرد پرهیزگاران

و تلك الجنة التي أورثتموها بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۴ - ۴

۴- بهشت جاودان، پاداش اعمال نیک و مستمر موحدان

أولئك أصحاب الجنة .. جزاء بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۸ - ۹

۹- ثمربخشی اعمال نیک، منوط به حفظ آن تا پایان عمر و نابود نکردن آن با گناه و نفاق

ذلك بأنهم اتبعوا ما أسخط الله و كرهوا رضونه فأحبط أعمالهم

<فأحبط أعمالهم>، در حقیقت پاسخ به این سؤال مقدر است که: مرتدان و اهل نفاق، گرچه سرانجام به انحراف گراییدند؛
اما در آغاز، اعمال نیک نیز

داشته اند و با وجود آن اعمال، چرا عذاب شوند؟ آیه شریفه پاسخ می دهد که نفس انجام نیکی ها، کافی نیست؛ بلکه باید آن را از حبط و سقوط مصون داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۹ - ۵

۵ - بهره‌وری متقین از نعمت های گوارای بهشت ، پاداش عملکرد نیک و مداوم خود آنان

کلوا و اشربوا هیئا بما کنتم تعملون

تعبیر <کنتم تعملون>، ماضی استمراری و دلالت بر مداومت پارسایان بر اعمال نیک دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۲

۲ - برخورداری پیشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهی در جهان آخرت و دستیابی آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السابقون السابقون . أولئك المقربون . فی جنت النعیم ... جزاء بما كانوا یعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۶

۶ - خداوند ، برای مؤمنانی که عمل صالح دارند ، پاداش بزرگی قرار داده است .

لهم أجر

نکره آوردن <أجر>، بیانگر عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۳

۱۳ - رضایت خداوند ، از مؤمنان صالح و رضایت آنان از او ، پاداش ایمان و عمل نیک ایشان است .

جزاؤهم .. رضی الله عنهم و رضوا عنه

پاداش عمل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۷ - ۶

۶ - خداوند

، در قبال هر یک از اعمال مؤمنان ، بهترین پاداش را می دهد .

و الذین ءامنوا .. و لنجزینهم أحسن الذی کانوا یعملون

<أحسن> جانشین <مفعول مطلق محذوف> است. تقدیر آیه، چنین است: <و لنجزینهم جزاءً أحسن الذی...> (ما، پاداش آنان را، بهترین جزایشان، قرار خواهیم داد).

پاداش غیر مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱

۱ - مسلمانان ، یهودیان ، نصرانی ها و صابئان ، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح ، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد .

إن الذین ءامنوا .. فلهم أجرهم عند ربهم

مراد از <الذین ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبایی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرائیه بوده است.

پاداش قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۵

۵ قرض دهندگان به خداوند با جان و مال ، از پاداش مُضاعف الهی بهره مندند .

من ذا الذی یقرض الله .. فیضاعفه له اضعافاً کثیرهً

پاداش قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۵،۷

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در

آخرت .

من ذا الذى يقرض الله . . . فيضعفه له و له أجر

کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۷ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی را که مؤمنان به او می دهند (در راه او انفاق می کنند) ، به آنان باز می گرداند .

من ذا الذی یقرض الله . . . فیضعفه له

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن گفته می شود (مفردات راغب).

پاداش کامل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۶

۱۶ - صابران ، برخوردار از اجر و پاداش کامل و بی شمار

إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

<توفیه> (مصدر <یوفی>) به معنای پرداخت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ - پاداش کامل اعمال مؤمنان ، جلوه رحمت خاص الهی به اهل ایمان

لَا يَلْتَكُمُ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ ... رَحِيمٌ

پاداش کامل صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۷

۷ - پاداش مؤمنانی که عمل صالح دارند ، هرگز کاسته یا قطع نخواهد شد .

لهم أجر غير ممنون

از معانی <منّ > قطع است و معنای <نقص > نیز برای آن گفته شده است. (لسان العرب)

پاداش کامل مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۱۰، ۹

۹- نظارت دقیق خداوند بر تلاش مجاهدان ، تضمین کننده پاداش کامل آنان

و الله معكم و لن يترككم أعملكم

از ارتباط >والله

معکم < با > لن یتراکم < استفاده می شود: چون خداوند همه جا با شما است و تلاش مجددانه شما را می بیند، هرگز در پاداشتان کاستی رخ نخواهد داد.

۱۰- اعطای پاداش کامل به مؤمنان جهادگر ، نمودی از امداد و عدل الهی درباره ایشان

و لن یتراکم أعملکم

پاداش کامل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، پاداش نیکوکاران را به طور کامل عطا می کند و چیزی از آن نمی کاهد .

فإن الله لا یضیع أجر المحسنین

پاداش کامل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۷

۷- پاداش مؤمنانی که عمل صالح دارند ، هرگز کاسته یا قطع نخواهد شد .

لهم أجر غیر ممنون

از معانی <منّ > قطع است و معنای <نقص > نیز برای آن گفته شده است. (لسان العرب)

پاداش کریمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۴ - ۵،۶

۵ - خداوند ، برای مؤمنان ، پیشاپیش ، پاداشی بزرگوارانه تدارک دیده است .

و أعدّ لهم أجراً کریمًا

۶ - تدارک پاداش کریمانه برای مؤمنان از سوی خداوند ، ناشی از رحمت او به آنها است .

و كان بالمؤمنين رحيماً .. و أعدّ لهم أجراً كريماً

پاداش گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۳

۳ تعلق مشیت خداوند به کیفر و یا بخشودن خطاکاران ، بر اساس علم و حکمت گسترده او و دارای فلسفه ای عالمانه و حکیمانه است .

إما يعذبهم و إما

یتوب علیهم و الله علیم حکیم

پاداش مبارزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۸

۸ دستیابی به مواهب آخرت ، پیامد جهاد و مبارزه در راه خدا

فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوه الدنیا بالآخره

پاداش مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۷

۷ مبلغان معارف دین ، مستحق پاداشند و پاداش دهنده ایشان ، خداوند است .

إن أجرى إلا علی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۹ - ۳

۳ - خداوند ، ضامن پاداش تبلیغ کنندگان مخلص دین

إن أجرى إلا علی رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۳

۳ - خدا ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین

و ما أسئلكم .. إن أجرى إلا علی رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۳

۳ - خدا ، ضامن پاداش هدایتگران و مبلغان مخلص دین

إن أجرى إلا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۳

۳ - خداوند ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین

إن أجرى إلا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۳

۳ - خدا ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین است .

إن أجرى إلا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۴

۴ - رسالت مداران و مبلغان دینی ، از زمره محسنان و برخورداران از پاداش های الهی

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون . .. إنا كذلك نجزي المحسنين

از این که خداوند نوح(ع) را از محسنان برشمرده و برای او پاداش مقرر فرموده است، می توان استفاده کرد که هر کس همچون آن حضرت در پی رسالت الهی باشد و به تبلیغ دین پردازد، از محسنان شمرده شده و از پاداش های الهی بهره مند خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۰ - ۴

۴ - رسالت مداران و مبلغان دینی ، از زمره محسنان و برخورداران از پاداش های الهی

سلم علی ابرهیم . كذلك نجزي المحسنين

از این که خداوند، ابراهیم(ع) را از محسنان برشمرده و برای آن حضرت پاداش مقرر فرموده است، می توان استفاده کرد که هر کس چونان ابراهیم(ع) در پی رسالت الهی باشد و به تبلیغ دین پردازد، از محسنان شمرده شده و از پاداش های الهی بهره مند خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۴

۴ - رسالت مداران و مبلغان دینی ، از زمره محسنان و برخورداران از پاداش های الهی

و لقد منّا علی موسی و هرون . .. إنا كذلك نجزي المحسنين

از این که خداوند موسی و هارون(علیهماالسلام) را از محسنان بر شمرده و برای آنان پاداش مقرر فرموده است، می توان استفاده کرد که هر کس چونان موسی و هارون(علیهماالسلام) در پی رسالت الهی باشد

و تبلیغ دین بپردازد، از محسنان شمرده شده و از پاداش های الهی بهره مند خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۳۱ - ۴

۴ - رسالت مداران و مبلغان دینی ، از زمره محسنان و برخورداران از پاداش های الهی اند .

سلم علی ال یاسین . إنا كذلك نجزي المحسنين

از این که خداوند، الیاس پیامبر را از محسنان برشمرده و برای او پاداش مقرر فرموده است، می توان استفاده کرد که هر کس مانند الیاس(ع) در پی رسالت الهی باشد و به تبلیغ دین بپردازد، از محسنان شمرده شده و از پاداش های الهی بهره مند خواهد شد.

پاداش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۹، ۱۱، ۶، ۵، ۴

۴ بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی ، پاداش تضمین شده از جانب خداوند ، برای تقوایندگان

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. جنات ... خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من اللّٰه

۵ پاداش متقین ، در پرتو ربوبیت حق

لَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ

۶ نعمت های ویژه اخروی ، مخصوص متقین است .

الَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ .. و رضوان من اللّٰه

اختصاص به متقین، مستفاد از تقدیم خبر بر مبتدأ و ویژگی نعمتها از <عند ربهم> استفاده شده است.

۱۱ وجود باغ های متعدّد در آخرت ، برای متقین

لَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

۱۹ بصیرت خداوند به بندگان ، تضمین کننده پاداش متقین و کیفر کافران

قل للذین کفروا .. للذین اتقوا عند ربهم ... و اللہ بصیر بالعباد

اگر آگاہی همه جانبه

خداوند نباشد، کیفرها و پاداشها، تضمین نمی شود. از این رو خداوند پس از بیان کیفر و پاداش، آگاهی خود را به احوال بندگان، متذکر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۸

۸ تقوای پیشگان بهره مند از پاداش الهی ، در برابر اعمال نیکی که انجام می دهند .

و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه و الله علیم بالمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۹

۹ آموزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش احسان و نیکوکاری

و الله یحب المحسنین .. اولئک جزآؤهم مغفره من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۴

۲۴ پاداش بزرگ از آن مؤمنان تقوای پیشه

و ان تؤمنوا و تتقوا فلکم اجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ سرای اخروی پرهیزکنندگان از گناهان کبیره ، جایگاهی گرانمایه و با شرافت

و ندخلکم مدخلا کریماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ رعایت کنندگان تقوا و احسان در محیط خانواده ، از پاداش الهی برخوردار خواهند شد .

و إن تحسنوا و تتقوا فإنَّ اللهَ كانَ بما تعملونَ خبيراً

جمله <فان الله ..> در مقام تشویق به احسان و تقواست. و چون علم خدا به احسان و تقوا، معمولاً تأثیری برای انجام آن ندارد؛ بنابراین باید کنایه از پاداش دهی الهی باشد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۱۱، ۱۰

۱۰ اعطای بصیرت ویژه به تقوایندگان و بخشش گناه آنان ، تفضلی از جانب خداست ، نه پاداش استحقاقی آنان .

يجعل لكم فرقانا .. و الله ذوالفضل العظيم

۱۱ خداوند ، مؤمنان تقوایگانه را علاوه بر اعطای بصیرت و بخشش گناهان ، از موهبت های دیگر نیز بهره مند خواهد کرد .

يجعل لكم فرقانا .. و الله ذوالفضل العظيم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که جمله < و الله .. > مستانفه باشد نه بیانگر تعلیل .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- بهشت ، پاداش کردار و اعمال متقین

ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۴

۴- بهشت ، پاداشی فراتر از اجر کردار متقین ، است ؛ نه هم پایه آن .

نورث من عبادنا من كان تقياً

به مالی که بدون رنج و سختی به کسی برسد < ارث > اطلاق می گردد (مفردات راغب). این تعبیر برای بهشت در کنار تخصیص آن به < من كان تقياً > اشاره به این دارد که تا تقوا نباشد، ورود به بهشت ممکن نیست. از طرفی بهشت را سرمایه ای که بدون تلاش به دست آمده معرفی کرده است تا بفهماند که این پاداش، با آن کردار، قابل قیاس نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۵

۵ بهشت جاودان ، پاداش و سرانجام تقوایندگان

وعد المتقون كانت لهم جزاء و مصيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۶

۶ - اعطای پاداش به تقوایندگان ، جلوه ای از ربوبیت الهی

لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - بهشت ، پاداشی نیکو و شایسته برای تقوایندگان

و سيق الذين اتقوا ربهم إلى الجنة زمراً . . . فنعم أجر العاملين

۱۲ - بهشت ، پاداش و بهای عمل و تلاش تقوایندگان است که آن را به بهانه نمی دهند .

نتبوا من الجنة حيث نشاء فنعم أجر العاملين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۴

۴ - همراهی اهل تقوا در بهشت با همسران دنیوی خویش ، پاداش الهی برای آنان

ادخلوا الجنة أنتم و أزواجكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۲ - ۱

۱ - بهشت با نعمت های فراوان و پایان ناپذیر آن ، پاداش عملکرد پرهیزگاران

و تلك الجنة التي أورثتموها بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱

۱- بهشت و نعمت های آن ، پاداش موعود الهی برای تقوایندگان

الجَنَّةُ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۱۰

۱۰- پاداش الهی به مؤمنان متقی ، به گونه ای رایگان و نه در قبال درخواست مال از ایشان

يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْئَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ

<لایسئلكم أموالکم> در رابطه با

جمله <يؤتكم أجوركم> است و دفع دخل مقدر می کند، یعنی، خداوند در قبال پاداش های خود، چیزی جز ایمان و تقوا از شما انتظار ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۹ - ۵

۵ - بهره‌وری متقین از نعمت های گوارای بهشت ، پاداش عملکرد نیک و مداوم خود آنان

كلوا و اشربوا هيّا بما كنتم تعملون

تعبیر <كنتم تعملون>، ماضی استمراری و دلالت بر مداومت پارسایان بر اعمال نیک دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۴ - ۳

۳ - باغ ها و نهر های بهشتی ، پاداش عملکرد خود متقین

و كلّ شيء فعلوه .. إنّ للمتّقين في جنّ و نهر

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که در زمینه نقش مؤثر عمل در پاداش و کیفر انسان بود، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۸

۸ - کسانی که تقوا پیشه کنند ، از اجر بزرگ الهی بهره مند خواهند شد .

و من يتّق الله .. يعظم له أجرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۸

۸ - پاداش و عطا های خداوند به بهشتیان ، دارای نظم و حسابی خاص و مناسب با درجات تقوای آنان است .

إنّ للمتّقين .. عطاء حساباً

چنانچه <حساب> به معنای اسم مفعول (محاسبه شده) باشد، مراد از جزء حساب شده، جزائی است که با میزان اعمال تقوایشگان مناسب باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۴

۴ - وجود زمینه بهره مندی از پاداش های نیکوی الهی ، برای سخاوتمندان و تقوایندگان

من أعطی و اتقی . و صدق بالحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۴

۴ - خداوند ، بر وعده خود درباره رساندن انفاق گران با تقوا به فرجامی رضایت بخش ، سوگند یاد کرده است . *

و لسوف یرضی

<لام> در <لسوف> ، لام قسم و یا لام ابتدا است ؛ برداشت یاد شده ، براساس احتمال اول است.

پاداش متوکلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۹ - ۱

۱ - پاداش صبرپیشگان متوکل بر خدا ، بسی ستوده و نیکو است .

نعم أجر العملین . الذین صبروا و علی ربهم یتوکلون

<الذین> بدل برای <العملین> است.

پاداش مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۳

۳ نبرد مجاهدان بدر در راه خدا و مورد ستایش او

فته . . . تقاتل فی سبیل الله

از تأیید خداوند به اینکه جنگشان فی سبیل الله بوده، ستایش خداوند استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۵

۵ بخشایش گناهان و گذشت از اسراف ها و زیاده روی ها و ثبات قدم ، پاداش الهی به مجاهدان صابر و نیایشگر

ربنا اغفر .. فاتیهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ -

۴ پاداش بزرگ الهی برای اجابت کنندگان دعوت خدا و رسول (ص) به نبردی دیگر در عین تحمّل جراحت نبرد احد، مشروط به احسان و تقوای آنان است.

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا .. لِلَّذِينَ احْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقُوا اجر عظيم

مفسران برآنند که نبرد پیشین که مسلمانان در آن جراحتها دیدند، همان نبرد احد است. به دلیل وقوع این آیه پس از بیان نبرد احد و اینکه سخن از قرح به میان آورده است، چنانچه درباره نبرد احد نیز فرموده بود: <ان یمسسکم قرح>.

۹ تفاوت مؤمنان مجاهد، از نظر عملکرد و پاداش

لا یضیع اجر المؤمنین. الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ ... لِلَّذِينَ احْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقُوا اجر ع

اگر <الذین> صفت برای <المؤمنین> باشد، مؤمنان به دو گروه تقسیم شده اند: آنان که دعوت پیامبر (ص) را برای جهاد پذیرفتند، ولی از تقوا و احسان لازم برخوردار نبودند و آنان که دعوت را پذیرفتند و دارای احسان و تقوا نیز بوده اند. <اجر عظیم>، مخصوص گروه دوم است و به دلیل <انّ الله لا یضیع اجر المؤمنین>، گروه اول نیز دارای پاداش هستند اما نه پاداش عظیم.

۱۰ تقوا و نیکوکاری، مایه ازدیاد پاداش مجاهدان مؤمن

لِلَّذِينَ احْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقُوا اجر عظیم

۱۴ خوب عمل کردن در جنگ (احسان) و تخلف نکردن از مقررات جنگی (تقوا)، شرط پاداش بزرگ خداوند برای مجاهدان

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ .. لِلَّذِينَ احْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقُوا اجر عظیم

در برداشت فوق، متعلق <احسان>، جنگ گرفته شده است، یعنی در جنگ خوب عمل کنند. همچنین متعلق <اتَّقوا>، مقررات جنگی (مانند پیروی از فرماندهی)

گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۱

۲۱ پاداش مهاجران ، آوارگان ، آزاردیدگان در راه خدا ، مجاهدان و شهیدان ، تضمین شده از سوی خداوند

اَنّی لا اُضیع عمل عامل منکم .. فالذین هاجروا و اخرجوا من ديارهم و اوذوا فی سبی

لام قسم و نون تأکید در <لاکفرن> و در <لادخلن> دلالت بر تأکید و تضمین پاداش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۱۱، ۱۰

۱۰ مجاهدان در راه خدا ، بهره مند از پاداش بزرگ الهی ، چه کشته شوند و چه پیروز .

و من یقاتل فی سبیل اللّٰه فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً

۱۱ یکسانی پاداش رزمندگان شهید و مجاهدان پیروز

فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۳۴

۳۴ خداوند ، پاداش مجاهدان را به طور کامل و بدون هیچ کاستی عطا می کند .

فلما کتب علیهم القتال ... و لا تظلمون فتیلاً

جمله <لا- تظلمون فتیلاً> به این معناست که در اعطای پاداش به آنان، ظمی نمی شود. یعنی پاداش خود را به طور کامل

دریافت می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۲

۲ بهره مندی تشویق کنندگان به جهاد ، از نتایج اعمال مجاهدان

و حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ .. مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةَ حَسَنَةٍ يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا

به مقتضای ارتباط بین این آیه و آیه قبل، تشویق

مسلمانان به جهاد، می تواند مصداق مورد نظر از وساطت و شفاعت حسنه باشد. چون تحریض و تشویق برای جهاد در راه خدا، نوعی وساطت و سببیت برای انجام آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۹،۱۵

۹ نوید الهی به پاداش نیک برای مجاهدان و نیز مؤمنان بازنشسته از جنگ

فَضَّلَ اللَّهُ .. عَلَى الْقَاعِدِينَ درجه و كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنِي

۱۵ خداوند ، مجاهدان را با اعطای مقامی بلند و پاداش بزرگ ، بر بازنشستگان از جهاد برتری داده است .

فَضَّلَ اللَّهُ الْمَجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ درجه .. و فَضَّلَ اللَّهُ الْمَجَاهِدِينَ

<اجراً عظيماً>، مفعولاً به برای <فَضَّلَ> است و در <فَضَّلَ>، معنای عطا کردن تضمین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۶ - ۲،۳

۲ درجه ها و منزلت های اعطایی خداوند ، اجر بزرگ مجاهدان در راه او

فَضَّلَ اللَّهُ الْمَجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ اجراً عظيماً. درجات منه

۳ آمرزش و رحمت خاص خداوند نسبت به مجاهدان ، اجر بزرگ آنان

فَضَّلَ اللَّهُ الْمَجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ اجراً عظيماً. درجات منه و مغفره و رحمه

<مغفره> و <رحمه>، عطف بیان برای <اجراً عظيماً> است. و نکره آوردن کلمه <مغفره> و <رحمه> دلالت بر مغفرت و رحمتی خاص دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰ امید به پاداش و نصرت الهی ، پشتوانه و امتیازی برای مجاهدان ، در برابر دشمنان

و تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ

۱۰ دستیابی مجاهدان به مواهب اخروی و منافع معنوی ، هدفی اساسی در تشریح جهاد

و الله یرید الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۳،۴،۶

۳ نعمت های جاودان اخروی ، اجرت و مزدی است در برابر عملکرد مؤمنان مهاجر و مجاهد .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. جنت لهم ... خلدين فيها أبداً إن الله عنده أج

>أجر< اجرت و مزد در برابر عمل است.

۴ پاداش خداوند به مؤمنان مهاجر و مجاهد ، پاداشی بزرگ است .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. إن الله عنده أجر عظیم

۶ مؤمنان مهاجر و مجاهد ، علاوه بر بهره مندی از رحمت و رضوان الهی و بهشت ، از پاداشی ویژه و بزرگ در پیشگاه خداوند برخوردارند .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. و جنت ... إن الله عنده أجر عظیم

قرار گرفتن جمله >إن الله عنده أجر عظیم< که دارای معنایی عام و کلی است پس از ذکر پاداشهای گوناگون مؤمنان مهاجر و مجاهد، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱،۱۸

۱ خداوند ، خریدار جان و مال مؤمنان به بهای بهشت

إن الله اشتری من المؤمنین أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنة

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً عليه حقاً في التوريه و الإنجيل و القرآن

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۷

۷ جلوه فضل الهی ، در پاداش به مؤمنان مجاهد و انفاقگر

ليجزيهٔ الله أحسن ما كانوا يعملون

<جزای أحسن> که به معنای پاداش دادن به بیش از حد استحقاق است بیانگر تجلی فضل خدا در پاداش دهی به مؤمنان است. قابل ذکر است در برداشت فوق مفروض این است که <أحسن> مفعول دوم برای <يجزی> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۲

۲- شرافت ایمانی و پاداش الهی به مجاهدان ، شایان دلبستگی و نه سرگرمی های بی فرجام دنیا

أنتم الأعلى و الله معكم و لن يتركم أعملكم . إنما الحيوه الدنيا لعب و لهو

از ارتباط این آیه با آیه قبل که درباره تشویق مؤمنان به جهاد و از یاد نبردن ارجمندی خویش و پاداش الهی بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۳

۲۳ - پاداش الهی به مجاهدان و انفاق گران در راه خدا ، بهترین و نیکوترین پاداش است .

و كلاً وعد الله الحسنی

<حسنى> (مؤنث <أحسن>)، به معنای نیکوتر است. گفتنی است که <الحسنی>، صفت برای موصوف محذوف است؛ یعنی، <و كلاً وعد الله المثوبه الحسنی>.

پاداش محبت اهل بیت(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

١٠ - قال الرضا (ع) ولقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبدالله الصادق (ع) . . . قال : إن الله عز وجل لا يسئل

عباده عمّا تفضّل عليهم و لا يمتنّ بذلك عليهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقين فكيف يضاف إلى الخالق عزّوجلّ ما لا يرضى المخلوق به و لكنّ النعيم حبّنا أهل البيت و موالاتنا يسئل الله عباده عنه بعد التوحيد و التّبوه لأنّ العبد إذا وفى بذلك آذاه إلى نعيم الجنّه الذى لا يزول ؛

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزّوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان ممتّ نمی گذارد. ممتّ نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است ؛ پس چگونه به خالق عزّوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعيم [در آیه <ثمّ لتسئلنّ يومئذ عن النعيم>] محبت ما اهل بيت و [پذيرش] ولايت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحيد و تبوت، از آن بازخواست خواهد کرد ؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند.

پاداش محبت به اهل بيت(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۷ - ۹

۹ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله < قل ما سألتكم من أجر فهو لكم > و ذلك أنّ رسول الله سأل قومه أن يؤدّوا أقاربه و لا يؤذوهم و أمّا قوله < فهو لكم > يقول ثوابه لكم ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <قل ما سألتكم من أجر فهو لكم> روایت شده که: رسول

خدا(ص) از قومش خواست [به جای پاداش او]، خویشاوندان وی را دوست داشته باشند و آنان را اذیت نکنند و اما معنای <فهلکم> این است که ثواب آن برای خودتان می باشد.<

پاداش محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، محسنان و پاکدامنان بنی اسرائیل را - در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس - به پاداشی افزونتر از دیگران نوید داد .

قولوا حطه نغفر لکم خطیکم و سنزید المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۹

۹ آمرزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش احسان و نیکوکاری

و الله یحب المحسنین . . . اولئک جزآؤهم مغفره من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۱۳

۱۳ محبت الهی به بندگان نیکوکار خویش ، پاداشی والا به ایشان

و الله یحب المحسنین

چون محبوبیت مجاهدان در نزد خداوند، خارج از ثواب دنیا و آخرت نیست، تخصیص به ذکر آن، حاکی از ارزش برتر آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ رعایت کنندگان تقوا و احسان در محیط خانواده ، از پاداش الهی برخوردار خواهند شد .

و إن تحسنوا و تتقوا فإنَّ الله كان بما تعملون خبيراً

جمله <فان الله ..> در مقام تشویق به احسان و تقواست. و چون علم خدا به احسان و تقوا، معمولاً تأثیری برای انجام آن ندارد / بنابراین باید

کنایه از پاداش دهی الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۳،۹

۳ خداوند ، پاداش بخش مؤمنان و محسنان

فأثبهم الله بما قالوا .. ذلك جزاء المحسنين

۹ بهشت جاودانه ، پاداش محسنان

جنت تجرى من تحتها الأنهر خالدين فيها و ذلك جزاء المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹

۹ خداوند به نیکوکاران با کثرت ذریه صالح و هدایت یافته پاداش می دهد.

و وهبنا له إسحق و يعقوب .. و من ذريته داود و سليمان ... و كذلك نجزي المحسنين

۱۰ کثرت پیامبران و هدایت یافتگان در ذریه ابراهیم(ع)، پاداش نیکوکار بودن آن حضرت است.

و من ذريته .. و كذلك نجزي المحسنين

۱۱ کثرت انبیا(ع) از نسل نوح، پاداش نیل او به مقام نیکوکاران است.

و نوحا هدينا من قبل و من ذريته .. و كذلك نجزي المحسنين

۱۲ هدایت ویژه، پاداش خداوند به نیکوکاران است.

كلا هدينا .. و من ذريته ... و كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۷

۷ ذریه صالح پاداش خداوند به نیکوکاران است.

و كذلك نجزي المحسنين .. كل من الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - اعراف - ٧ - ١٦١ - ١٧

١٧ اطاعت کنندگان از دستورهای خدا در صورت نیکوکار بودن از پاداشی بیش از دیگر مطیعان بهره مند خواهند شد .

سنزید المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- ٧

۹ > عن ابی جعفر (ع) فی قوله > للذین احسنوا الحسنی و زیاده < فاما الحسنی ، الجنه و اما الزیاده فالدنیا ، ما اعطاهم اللّٰه فی الدنیا لم یحاسبهم به فی الآخره ... >

از امام باقر (ع) روایت شده که درباره سخن خدا که می فرماید: > برای کسانی که نیکی کرده اند، پاداشی نیکوتر و خیری زیاده بر آن هست < فرمود: اما پاداش نیکوتر، بهشت است و اما زیاده بر آن، عطای خدا در دنیا است. آنچه خدا در دنیا به آنان داده، در آخرت حساب آن را از ایشان نمی خواهد ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۹،۱۲

۹ بهره مندی یوسف (ع) از حکمت و علم ، پاداشی الهی بر نیکوکاری او بود .

ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزی المحسنین

>جزاء<(مصدر نجزی) به معنای سزا و پاداش است.

۱۲ اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و كذلك نجزی المحسنین

فعل مضارع >نجزی< در عبارت >کذلك نجزی المحسنین< حاکی از استمرار است ، و در برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۵

۱۵ خداوند در اعطای پاداش به نیکوکاران ، ذره ای از پاداش آنان نمی کاهد .

و لانضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۳

آن ، نمی تواند ظرفی مناسب برای تأمین پاداش نیکوکاران باشد .

و لانضیع أجر المحسنين. و لأجر الأخره خير للذين ... و كانوا يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۱

۱ - پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان نوح (ع) ، موجب دستیابی او به پاداش هایی همانند پاداش های محسنان از سوی خداوند

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا..> تعلیل برای جمله <إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ> است؛ یعنی، چون نوح(ع) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او همانند پاداش محسنان، پاداش دادیم. گفتنی است که مقصود از آن، اجابتِ دعا، نجاتِ از مشکلاتِ اندوه بار و باقی ماندن نسل و نام نیک آن حضرت در تاریخ می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۶

۶ - توفیق انجام وظیفه با کمترین صدمه و زیان ، از پاداش های الهی به محسنان

قَدْ صَدَّقْتَ الرَّءْيَا إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

کلمه <كَذَلِكْ> متشکل از دو کلمه حرف تشبیه (کاف) و اسم اشاره (ذَلِكْ) است و مشارالیه مصدری است که از <صَدَّقْتَ> گرفته شده است؛ یعنی، <کما جزیناه بالعفو عن ذبح إبنه نجزی المحسنین؛ همان گونه که به ابراهیم با گذشت کردن از قربانی کردن فرزندش، پاداش دادیم، به محسنان نیز

چنین پاداش خواهیم داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۶ - ۴

۴ - برخورداری ابراهیم (ع) از پاداش محسنان ، پس از سربلند بیرون آمدن آن حضرت از آزمایش قربانی فرزندش

قد صدقت الرؤيا إنا كذلك نجزي المحسنين . إن هذا لهو البلاء المبين

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إِنَّ هَذَا لَهُو الْبَلَاءُ الْمَبِينُ> در مقام تعلیل برای جمله پیشین (إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ) است یعنی، ابراهیم(ع) از پاداش محسنان برخوردار شد زیرا به آزمایش الهی گرفتار شد و پیروز گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۰ - ۱

۱ - پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۱ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان ابراهیم (ع) ، موجب دستیابی آن حضرت به پاداش هایی چونان پاداش های محسنان از سوی خداوند

كذلك نجزي المحسنين . إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ> تعلیل برای جمله <كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ> است یعنی، چون ابراهیم(ع) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او چونان پاداش محسنان، پاداش دادیم (مقصود فرزنددار شدن و برجا ماندن نام نیک آن حضرت می باشد.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۱

۱ - پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۲ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان موسی و هارون (علیهما السلام) موجب دستیابی آنان به پاداش هایی همچون پاداش های محسنان از سوی خداوند

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا..> تعلیل برای جمله <إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ> است؛ یعنی، چون موسی و هارون (علیهما السلام) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بودند، به آنان چونان پاداش محسنان، پاداش دادیم. مقصود نجات از اندوه بزرگ و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان در تاریخ می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۱ - ۱

۱ - پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خدا است .

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۲ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان الیاس پیامبر (ع) ، موجب دستیابی او به پاداش هایی همچون پاداش های محسنان از سوی خداوند

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ> تعلیل برای <إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ> است؛ یعنی، چون الیاس پیامبر از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او همانند پاداش محسنان، پاداش دادیم . مقصود از آن باقی ماندن نام و آوازه نیک او می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۹،۱۱ - ۶

۶ - خداوند

به محسنان به پاس احسان آنان مطابق با بهترین عملشان ، پاداش خواهد داد .

و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

۹ - برآورده شدن تمامی خواسته های محسنان از سوی خداوند ، به خاطر اعطای پاداش بهترین عمل ها به آنان

لهم ما یشاءون عند ربهم . . . و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

۱۱ - جلوه فضل و لطف الهی در پاداش دادن به محسنان

لیکفر الله عنهم أسوأ الذی عملوا و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

ملاک قرار گرفتن پاداش بهترین اعمال در وقت جزا و پاداش، و بدترین اعمال در وقت عفو و چشم پوشی، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۷،۹

۷ - تفضل الهی ، نمایان و متبلور در پاداش به نیک کرداران

و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی

صیغه تفضیلی <الحسنی>، نشانگر آن است که نیک کرداران، بیشتر از شایستگی و استحقاق خویش، از پاداش های الهی بهره مند خواهند شد.

۹ - جزای عادلانه به بدکرداران و پاداش برتر و افزون بر استحقاق به نیکوکاران ، عملی ارزشمند و خداپسندانه

لیجزی الذین أسوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی

پاداش محسنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۶

۱۶ خداوند نیکوکاران بنی اسرائیل را در صورت اطاعت از فرمان های الهی ، علاوه بر بخشایش گناهان ، به پاداش افزونتر نوید داد .

در برداشت فوق محسنان مقابل گناهکاران قرار داده نشده، بلکه به معنای لغوی آن (نیکوکاران) گرفته شده است. بر این مبنا

آیه شریفه ناظر به تقسیم بنی اسرائیل به دو گروه گنهکار و پاکدامن نیست، بلکه آنان را به دو گروه محسنان و غیر محسنان تقسیم کرده است. جمله <نغفر لکم ... > می رساند که خدا گناه همگان چه محسن و چه غیر محسن را خواهد بخشید، ولی به نیکوکاران پاداشی افزونتر عنایت خواهد کرد.

پاداش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - محبت مؤمنان نسبت به اهل بیت ، پاداشی تعیین شده از جانب خداوند برای پیامبر (ص)

قل لا أسئلكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از پاداش الهی

و إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا

پاداش مخلصان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۹

۹ خداوند ، کیفردهنده بخیلان و ریاکاران و پاداش دهنده انفاق کنندگان مخلص

الذین یبخلون .. و انفقوا ... و کان الله بهم علیماً

هدف از بیان علم و آگاهی خداوند پس از بیان ایمان و بخل، تهدید بخیلان و ریاکاران به کیفر، و پاداش دهی به مؤمنان انفاق کننده است.

پاداش مخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بندگان مخلص خدا، برخوردار از پاداشی فراتر از مقدار اعمال و رفتار خویش

و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون . إلا عباد الله المخلصين

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <إلا..> استثنای منقطع از ضمیر

<تجزون> باشد. بر این اساس، پیام آیه شریفه چنین می شود: همگان مطابق کردار خود، جزا و پاداش دارند؛ جز بندگان خالص خدا که فراتر و برتر از اعمال خود، پاداش دریافت خواهند داشت.

پاداش مردان انفاقگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۰

۲۰ - مردان و زنان صدقه پرداز ، از پاداش عظیم الهی برخوردارند .

و المتصدِّقین و المتصدِّقت .. أعدّ الله لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش مردان اهل تسلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲

۲ - مردان و زنانی که در برابر فرمان خدا تسلیم اند ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

إنّ المسلمین و المسلمت .. أعدّ الله لهم مغفرة و أجرًا عظیمًا

پاداش مردان خاشع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۷

۱۷ - مردان و زنان فروتن ، از پاداشی عظیم برخوردارند .

و الخشعین و الخشعت .. أعدّ الله لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش مردان خاضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - مردان و زنان مطیع و خاضع ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

و القنتین و القنتت .. أعدّ الله لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش مردان ذاکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۸

۲۸ - مردان و زنانی که زیاد از خداوند یاد می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین

اللّٰهُ كَثِيْرًا وَّ الذِّكْرَت اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُم . . . اَجْرًا عَظِيْمًا

پاداش مردان روزه دار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۲

۲۲ - مردان و زنان روزه گیر ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصّٰمِيْنَ و الصّٰمِت . . . اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُم ... اَجْرًا عَظِيْمًا

پاداش مردان صابر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - مردان و زنان شکييا ، از پاداشی با عظمت برخوردارند .

و الصّٰبِرِيْنَ و الصّٰبِرَت . . . اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُم ... اَجْرًا عَظِيْمًا

پاداش مردان صادق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - مردان و زنان صداقت پیشه ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصّٰدِقِيْنَ و الصّٰدِقَت . . . اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُم ... اَجْرًا عَظِيْمًا

پاداش مردان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۳

۳ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

پاداش مردان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۵

۲۵ - مردان و زنان عقیف ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الحفظین فزوجهم و الحفظت . . أعدّ الله لهم... أجرًا عظیمًا

پاداش مردان متذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۳۰

۳۰ - مردان و زنانی که

یاد خداوند را در دل ها زنده می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین اللّٰه کثیرًا و الذکرت أعدّ اللّٰه لهنّ .. أجرًا عظیمًا

پاداش مردان مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۴

۴ - مردان و زنان مسلمان ، از پاداش بزرگ الهی برخوردارند .

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ .. أعدّ اللّٰه لهنّ ... أجرًا عظیمًا

پاداش مردان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۶

۶ - مردان و زنان با ایمان ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

إِنَّ .. و المؤمنین و المؤمنات .. أعدّ اللّٰه لهنّ ... أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۳

۳ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۵

۵ - همسانی زنان و مردان مؤمن ، در بهره‌وری از ثمرات ایمان خود و پاداش های الهی

لیدخل المؤمنین و المؤمنات جنّ

قرار گرفتن وصف <المؤمنات> در کنار <المؤمنين>، می رساند که زنان و مردان در ره یابی به بهشت جاودان همسان اند.

پاداش مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۴

۴ - غنایم خیبر ، ارمغان الهی به مسلمانان ، در پی اقدام به سفر پر خطر حدیبیه *

سیقول

المخلفون إذا انطلقتم إلى مغنم لتأخذوها

سفر حدیبیه، در آغاز چنین می نمود که فرجامی بس مبهم و آمیخته با خطر دارد و مؤمنان واقعی با این همه بدان اقدام کردند و در پی آن خداوند نوید غنایم خیبر را به ایشان داد. با توجه به این مطالب، احتمال می رود که میان تن دادن به آن مشکلات و دست یابی به این غنایم ارتباطی باشد.

پاداش مسلمانان مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱

۱- خداوند، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند.

و الذين هاجروا في الله من بعد ما ظلموا لنبؤتهم في الدنيا حسنة و لأجر الآخرة أ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

پاداش مسیحیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱

۱ - مسلمانان، یهودیان، نصرانی ها و صابئان، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد.

إن الذين ءامنوا .. فلهم أجرهم عند ربهم

مراد از <الذين ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبایی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرائیه بوده است.

پاداش مصلحان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۶،۷

۶ اصلاحگران جوامع ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

إِنَّا لَنُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ

کلمه <مصلح> هم به کسی که عمل صالح انجام می دهد، یعنی در صدد اصلاح خویش است، گفته می شود، و هم به شخصی که در تلاش برای اصلاح دیگران است، اطلاق می گردد. برداشت فوق بر اساس معنای دوم است.

۷ انجام دهندگان اعمال صالح از پاداش های الهی بهره مند خواهند شد .

إِنَّا لَنُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ

پاداش مضاعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۱۶

۱۶ - روزه گرفتن و فدیة دادن به مسکین ، چنانچه با میل و رغبت باشد ، ثوابی افزونتر دارد .

کتب علیکم الصیام .. و علی الذین یطیقونه فدیة ... فمن تطوع خیراً فهو خیر له

مصدق مورد نظر برای <خیراً> به دلیل فرازهای قبل، روزه گرفتن و در صورت مشقت بار بودن روزه، فدیة دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۵،۱۳

۵ قرض دهندگان به خداوند با جان و مال ، از پاداش مُضاعف الهی بهره مندند .

من ذا الذی یقرض الله .. فیضاعفه له اضعافاً کثیرةً

۱۳ بقای آنچه به خداوند قرض داده می شود و بازگشت چندین برابر آن به آدمی

من ذا الذی یقرض الله .. فیضاعفه له اضعافاً کثیرةً

مُرَاد از ضَمِير مفعولِي در <يَضَاعَفَه> قَرَضَ اسْتَر، يَعْنِي أَن مَالِي كِه قَرَضَ دَادَه شُود، چَنَدِين بَرَابَر شُدِه وَ بِه اَو بَاز پَس دَادَه مِي

شود؛ بنابراین باید آن مال باقی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۶

۶ خداوند، اعمال نیک را هر چند اندک باشد به چندین برابر پاداش می دهد.

و ان تک حسنه یضاعفها

ضمیر <هی> در <تک> به <مثقال> برمی گردد و چون خبر <تک>، یعنی <حسنة>، مؤنث است، فعل آن به صورت مؤنث آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۱،۷

۱ هر کار نیک دارای پاداش ده چندان است.

من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها

<فلا یجزی .. > دلیل بر این است که مراد از <عشر أمثالها> پاداش کار نیک است.

۷ انجام عمل نیک به شرط حبط نشدن تا حضور در صحنه قیامت دارای پاداشی ده چندان است.

من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها

حرف <باء> در <بالحسنة> هم می تواند برای تعدیه باشد، که در این صورت <مجیء> به معنای انجام دادن است، و هم می تواند برای مصاحبت باشد، که در این صورت <مجیء> به معنای حاضر شدن است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. بر این مبنا جمله <من جاء بالحسنة> (کسی که با عمل نیکی در قیامت حاضر شود)، اشاره به این معنا دارد که پاداش از آن کسی است که عمل نیکش تا قیامت باقی باشد و با گناه حبط نشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۳

۳ نیکوکاران در سرای آخرت، افزون بر بهترین پاداش ها، از نعمتهایی

بی شمار و غیر قابل توصیف برخوردار خواهند بود .

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحَسَنَىٰ وَ زِيَادَهُ

تنکیدر <زیاده> که برای تفخیم است بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۱،۲

۱ - وعده دوبار اجر (اجر مضاعف) از سوی خداوند ، به ایمان آوردگان از اهل کتاب

الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكُتُبَ .. . أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ

مفسران، تعبیر <مرّتين> را کنایه از اجر مضاعف دانسته اند.

۲ - صبر و بردباری ایمان آوردگان از اهل کتاب ، در برابر فشار های هم کیشان سابق خود و نیز تحمل آزار های مشرکان ، عامل برخوردار شدن آنان از اجر دو برابر الهی

أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا

<باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> مصدریه است؛ یعنی، <بسبب صبرهم>. گفتنی است در این که اشخاص مورد بحث در برابر چه چیزی از خود صبر و تحمل نشان دادند، چند نظر اظهار شده است؛ از جمله آنها صبر آنان در برابر فشار اهل کتاب و مشرکان می باشد. برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۷

۷ - > عن أبي جعفر (ع) قال : أجرها مرّتين و العذاب ضعفين كلّ هذا في الآخره حيث يكون الأجر يكون العذاب . . . ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: پاداش دو برابر برای زنان پیغمبر، و عذاب دو برابر، هر دو در آخرت است. عذاب، در همان جا است که پاداش هست.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۴ - موقعیت افراد در برخورداری شان از پاداش مضاعف خداوند در مقابل عمل صالح شان نقش دارد .

و من یقنت منکّن لله و رسوله و تعمل صلحاً نؤتها أجرها مرتین

۶ - برخورداری همسران پیامبر از پاداش مضاعف الهی ، منوط به تداوم اطاعت و انجام دادن عمل صالح از سوی آنها است .

و من یقنت منکّن ... و تعمل صلحاً نؤتها أجرها مرتین

فعل مضارع <یقنت> و <تعمل> استمرار را می رساند.

۷ - اعطای پاداش مضاعف به همسران پیامبر در قبال عمل صالح شان ، نمودی از رحمت خداوند است .

و من یقنت منکّن ... نؤتها ... و أعتدنا لها رزقاً کریمًا

این که خداوند، به هنگام هشدار به همسران پیامبر در آیه پیش، برای عذاب، عذاب کننده ای را نیاورده و تنها فرمود: <بر خداوند، چنین امری آسان است> و در این آیه، با فعل های <نؤتها> و <أعتدنا> دخالت مستقیم خود را بیان کرده، می توان نکته بالا- را به دست آورد لازم به ذکر است که التفات از غیبت (یضاعف لها العذاب و كان ذلك علی الله یسیراً) به خطاب (<نؤتها> و <أعتدنا>) می تواند مؤید نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بندگان مخلص خدا ، برخوردار از پاداشی فراتر از مقدار اعمال و رفتار خویش

و ما تجزون إلا ما کنتم تعملون . إلا عباد الله المخلصین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <إلا...> استثنای منقطع از ضمیر <تجزون> باشد. بر این اساس،

پیام آیه شریفه چنین می شود: همگان مطابق کردار خود، جزا و پاداش دارند؛ جز بندگان خالص خدا که فراتر و برتر از اعمال خود، پاداش دریافت خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۵

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت .

من ذا الذی یقرض الله . . فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۷،۹

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا یضعف لهم و لهم أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۹ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می پردازند) ، به آنان باز می گرداند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا یضعف لهم

<مضاعفه> (مصدر <یضعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن (چند و چندین برابر نمودن) اطلاق

می شود (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۹،۱۲

۹ - پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه قدرشناسی ، سپاسداری و حلم خداوند است .

إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ ... يَضْعَفَهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ

۱۲ - پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه تفضل و لطف ویژه خداوند به آنان است .

إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ ... يَضْعَفَهُ ... وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ

سپاس و تقدیر خداوند از انفاق گران با آن که سود انفاق به خود آنان باز می گردد نشانه تفضل و لطف ویژه الهی به انفاق گران است.

پاداش مضاعف انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۹ - ۸

۸ - کسانی که به خاطر جلب رضای خدا ، صدقه می دهند ، قطعاً پاداش مضاعف خواهند داشت .

وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ ... فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعَفُونَ

مراد از <زکات> به قرینه مکی بودن سوره و نیز آیه قبل (فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ ..) هر نوع صدقه و انفاق است. و <مضعفون> به معنای <ذوالضعف> بوده و مراد، پاداش مضاعف است.

پاداش مضاعف انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - > عن أبي بصير قال : ذكرنا عند أبي جعفر (ع) من الأغنياء من الشيعة فكأنه كره ما سمع فيهم قال : يا أبا محمد إذا كان المؤمن غنياً و صولاً له معروف إلى أصحابه أعطاه الله أجر ما

ينفق في البرِّ ، أجره مرتين ضعفين لأنَّ الله تعالى يقول في كتابه > و ما أموالكم و لا أولادكم بالتي تقرَّبكم عندنا زلفى إلا من آمن و عمل صالحاً فأولئك لهم جزاء الضعف بما عملوا و هم في الغرفات آمنون < ;

از ابی بصیر روایت شده که نزد امام باقر(ع) صحبت از [بدگویی] اغنیای شیعه شد و گویا امام(ع) از شنیدن سخنان ما ناخشنود گردید و فرمود: ای ابامحمد! (کنیه ابوبصیر) آن گاه که مؤمن ثروتمند و اهل صله رحم باشد و نیکی به یاران کند، خداوند پاداش آنچه را که در نیکی انفاق نموده است، دو برابر عطا نماید؛ چون خداوند تبارک و تعالی در قرآنش می فرماید: (و ما أموالکم و لا اولادکم بالتی... <).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۷

۷ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی را که مؤمنان به او می دهند (در راه او انفاق می کنند) ، به آنان باز می گرداند .

من ذا الذی یقرض الله .. فیضعفه له

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن گفته می شود (مفردات راغب).

پاداش مضاعف صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۷ - ۵

۵ - پاداش مؤمنان دارای عمل صالح ، دوچندان است .

إلا من آمن و عمل صالحاً فأولئك لهم جزاء الضعف

پاداش مضاعف عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۶، ۳۴، ۳۳

۳۳ - انسان

ها ، تمامی کار های خیر خود را در پیشگاه خداوند ، بهتر از آنچه انجام داده اند ، می بینند و بیشتر از پاداشی که انتظارش را داشته و شایسته آن بوده اند ، دریافت می کنند .

و ما تقدّموا لأنفسكم من خیر تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

۳۴ - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسكم من خیر تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه <ما تقدّموا..>، جمله ای مانند <من الذی تأخرونه إلى الوصیه عند الموت> در تقدیر است.

۳۶ - پاداش کار های خیر از سوی خداوند ، افزون تر از استحقاق و بر پایه تفضل و لطف او است .

تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

مطلب یاد شده، از مقرر شدن پاداش بهتر و افزون تر، استفاده می شود.

پاداش مضاعف عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۵

۵ - هر عمل نیک در جهان آخرت ، دارای پاداش افزون و هر عمل بد دارای کیفر متناسب با آن خواهد بود .

من جاء بالحسنه . . و من جاء بالسیئه

<ال> در <الحسنه> و <السیئه> برای جنس و مفید استغراق است. بنابراین <من جاء بالحسنه>؛ یعنی، <هر کس هر عمل نیک بیاورد> و <من جاء بالسیئه>؛ یعنی، هر کس هر عمل بد بیاورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۳ - پاداش مضاعف خداوند به اعمال نیک مؤمنان ، جلوه ای از غفران و سپاسگزاری او است .

و من یقترف ... إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

پاداش مضاعف مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۷ - ۱۳، ۵

۵ - پاداش مؤمنان دارای عمل صالح ، دوچندان است .

إِلَّا مِنْ ءَامِنٍ وَعَمَلٍ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جِزَاءُ الضَّعْفِ

۱۳ - > عن أمير المؤمنين (ع) : إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَعْمَلُ لثَلَاثٍ مِنَ الثَّوَابِ إِمَّا لِخَيْرِ [الدنيا] ... [و إِمَّا لِخَيْرِ الْآخِرَةِ] فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ ... إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَسِبَتْ لَهُمْ حَسَنَاتُهُمْ ثُمَّ أُعْطَاهُمْ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ عَشْرَ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةِ ضِعْفٍ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ : ... > أُولَئِكَ لَهُمْ جِزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا ... < ... ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که مؤمن برای رسیدن به یکی از سه ثواب کار خیر انجام می دهد: یا برای رسیدن به خیر دنیا.. و یا برای رسیدن به خیر آخرت. پس خدای عزوجل... هرگاه قیامت برپا شود، برای مؤمنان حسناتشان را حساب می کند و برای هر یک حسنه، ده برابر تا هفتصد برابر پاداش می دهد. خدا می فرماید: ... (أُولَئِكَ لَهُمْ جِزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا...)...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱۸، ۲۳

۱۸ - دوستی عترت پیامبر (ص) ، موجب بهره مندی مؤمنان از پاداش مضاعف الهی

إِلَّا الْمَوْدَةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حَسَنًا

مراد

از <من> در <من یقترف حسنه> به قرینه ذکر آن پس از <إلا الموده فی القربی> مؤمنان دوستدار عترت هستند. گفتنی است که در برداشت یاد شده مراد از <نزد له فیها حسناً> طبق نظر عده ای از مفسران افزایش پاداش الهی در نظر گرفته شده است.

۲۳ - پاداش مضاعف خداوند به اعمال نیک مؤمنان ، جلوه ای از غفران و سپاسگزاری او است .

و من یقترف . . . إن الله غفور شکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۴

۴ - پاداش افزون و اعطای نعمت ها بیش از انتظار مؤمنان به ایشان ، نمودی از فضل الهی است .

و یزیدهم من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۷

۷ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی را که مؤمنان به او می دهند (در راه او انفاق می کنند) ، به آنان باز می گرداند .

من ذا الذی یقرض الله . . . فیضعفه له

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن گفته می شود (مفردات راغب).

پاداش مطیعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۷

۱۷ - اطاعت کنندگان دستورات خدا - در صورت نیکوکار بودن - از پاداشی افزونتر از دیگران ، بهره مند خواهند شد .

و سنزید المحسنین

پاداش معامله با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۵

۵ - سوداگری با

خداوند ، دارای سود و برکتی بسیار و بالاتر از انتظار

یرجون تجره لن تبور . لیوفیهم أجورهم و یزیدههم من فضله

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه می تواند ناظر به تجارت پرسودی باشد که مورد انتظار تلاوت کنندگان کتاب الهی و .. است و در آیه قبل از آن بحث به میان آمد.

پاداش معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۷

۷- ارزش های معنوی ماندگار و در پی دارنده پاداش الهی ، شایسته دل بستگی و امید انسان است .

خیر عند ربك ثوابًا و خیر أَملاً

پاداش مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۴

۴ - میهمانان قرب خداوند در آخرت ، به همه خواسته های خود دست یافته ، از پاداش خویش خشنود خواهند بود .

راضیه

پاداش موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۴ - ۴

۴- بهشت جاودان ، پاداش اعمال نیک و مستمر موحدان

أولئک أصحاب الجنة .. جزاء بما كانوا یعملون

پاداش موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ - نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان از اندوهی بزرگ، اعطای کتاب آسمانی و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان، از پاداش های خداوند به ایشان

و نَجِّنْهُمَا و قومهما من الكرب العظيم .. . إنا كذلك نجزي المحسنين

پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (ص) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذین ءامنوا .. أن لهم جنت تجرى من تحت الأنهر

متعلق <آمنوا> به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱

۱- مسلمانان ، یهودیان ، نصرانی ها و صابئان ، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح ، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد .

إن الذین ءامنوا .. فلهم أجرهم عند ربهم

مراد از <الذین ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبایی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرائیه بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۲ - ۱

۱- مؤمنان به پیامبر (ص) ، که دارای اعمال صالح باشند ، اهل بهشت بوده و در آن جاودان خواهند بود .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت أولئک أصحاب الجنة هم فیها خالدون

مراد از ایمان در آیه مورد بحث - به قرینه آیه ۷۵ (أفتطمعون أن يؤمنوا لكم) - ایمان به پیامبر(ص) و اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱،۳،۶

۱ مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، بهره

مندان از پاداش ویژه الهی

ان الذین امنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه لهم اجرهم عند ربّه

کلمه <عند ربّهم> اشاره به پاداشی ویژه دارد.

۳ پاداش الهی برای مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، نتیجه عمل خیر آنها

لهم اجرهم عند ربّهم

<اجر> به معنای مزد، در برابر عملکرد شخص به کار برده می شود؛ بنابراین پاداش آنان مزد و اجر عملشان خواهد بود.

۶ وعده پاداش به اهل ایمان دارای عمل صالح از روش های قرآن برای ایجاد انگیزه به ایمان و عمل صالح

لهم اجرهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱۸

۱ مؤمنانِ دارای اعمال صالح ، بهره مند از پاداش کامل خداوند

و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجرهم

۸ اجر کامل خداوند ، از آن مؤمنانی است که عامل به تمامی اعمال صالح باشند .

و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجرهم

کلمه <الصالحات>، جمع و دارای الف و لام است که دلالت بر عموم می کند؛ یعنی تمام اعمال صالح را انجام دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۴،۷

۴ تضمین پاداش عملکرد مؤمنان ، از سوی خداوند

انّ الله لا یضیع اجر المؤمنین

۷ شادمانی شهیدان از اینکه خداوند اجر مؤمنان را تباه نمی سازد .

يستبشرون بنعمه . . انّ الله لا يضيع اجر المؤمنين

جمله <ان الله>، عطف بر كلمه <نعمه> است / يعنى <يستبشرون بان الله لا يضيع>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۴

۲۴ پاداش بزرگ از آن مؤمنان تقوایپیشه

و ان تؤمنوا و تتقوا فلکم اجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱۰

۱۰ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به دعا و درخواست پاداش های موعود وی

ربنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۷،۱۱

۷ خداوند، هرگز عمل مؤمن را ضایع نکرده و وی را از پاداش اعمالش بهره مند خواهد کرد.

انّی لا اضعی عمل منکم

خطاب <منکم> می رساند که اگر انجام دهنده اعمال نیک مؤمن باشد، عمل او ضایع نخواهد شد و در دنیا و آخرت به ثمر خواهد نشست.

۱۱ عمل، شرط برخورداری مؤمن از پاداش های الهی است.

فامنا ربنا و اتنا ما وعدتنا .. فاستجاب لهم ربهم انّی لا اضعی عمل منکم

جمله <انّی لا اضعی عمل منکم>، در حقیقت بیان شرطی است برای ثمردهی ایمان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۲۷

۲۰ آن گروه از اهل کتاب که به خدا، قرآن و کتب آسمانی خویش ایمان آورند، از پاداشی ویژه و والا بهره مند خواهند شد.

اولئك لهم اجرهم عند ربهم

کلمه <عند ربهم>، توصیف <اجرهم> است و می رساند که آن پاداش، پاداشی ویژه و ارزشمند است.

۲۲ نوید پاداش و تضمین آن، پرتوی از ربوبیت الهی نسبت به مؤمنان

لهم اجرهم عند ربهم

خداوند پاداش مؤمنان را بدون تأخیر ، به آنان عطا خواهد کرد .

لهم اجرهم عند ربهم ان الله سريع الحساب

یادآوری سرعت حسابرسی پس از بیان پاداش دهی، بیانگر آن است که اعطای اجر از سوی خداوند، با تأخیر در حسابرسی مواجه نخواهد شد.

۲۷ پاداش مؤمنان از سوی خداوند ، بر اساس درجه ایمان و عملکرد آنان است .

اولئك لهم اجرهم .. ان الله سريع الحساب

اگر پاداش بر اساس عملکردها نبود، حسابرسی معنا نداشت ؛ و با توجه به مشارالیه <اولئك> معلوم می شود که هم ایمان و هم عملکرد مؤمنان، موجب استحقاق پاداش برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۱

۱ بهشت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح

و الذين امنوا و عملوا الصالحات سندخلهم جنّات تجري من تحتها الانهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۹

۹ نوید الهی به پاداش نیک برای مجاهدان و نیز مؤمنان بازنشسته از جنگ

فضّل الله .. على القاعدین درجه و کلاً وعد الله الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۱

۱ بهشت ، پاداش مؤمنان دارای اعمال صالح

و الذين امنوا و عملوا الصلحت سندخلهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ وعده خداوند به برخورداری مؤمنان ، از پاداشی بس بزرگ

و سوف یؤت الله المؤمنین أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ مؤمنانِ سپاسگزار در برابر نعمت های خداوند ، بهره مند از پاداش های اویند .

إِنْ شَكَرْتُمْ وَءَامَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا

شکر خداوند در حقیقت پاداش و ثواب اوست به بندگان. و این پاداش در مقابل همان سپاسگزاری و ایمان بندگان است.

۱۲ علم و آگاهی گسترده خداوند ، تضمین کننده پاداش دهی او به بندگان مؤمن و شاکر خویش

إِنْ شَكَرْتُمْ وَءَامَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۲ - ۵

۵ ایمان دارندگان به خدا و تمامی انبیا ، مورد وعده الهی به برخورداری از پاداش های فراوان

و الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ .. أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۲

۱۲ مؤمنان به خدا ، قیامت و قرآن ، بر پا دارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، از پاداش بزرگ الهی ، برخوردار خواهند شد .

أُولَئِكَ سَتُوْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱،۲،۶

۱ مؤمنان دارای عمل صالح ، برخوردار از اجر کامل و فضل خداوند در قیامت

فَمَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوْفِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ

۲ خداوند خود پاداش دهنده به مؤمنان دارای عمل صالح

فيوفيهم أجورهم

٦ فضل الهى ، منشأ افزایش پاداش اهل ایمان

فاما الذين ءامنوا .. و يزيدهم من فضله

<من> در <من فضله> نشويه است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - نساء -

۲ ایمان به خداوند و تمسک به قرآن و پیامبر (ص) موجب برخوردارى از رحمت و فضل الهى

فاما الذين ءامنوا بالله و اعتصموا به فسيدخلهم فى رحمة منه و فضل

بدان احتمال كه ضمير در <به> به <برهن> (پيامبر(ص)) و <نور> (قرآن) در آيه قبل برگردد.

۳ نيل به مقام قرب الهى ، بهره مندى كامل از بهشت و نعمت هاى آن و برخوردارى از فضل الهى ، پاداش مؤمنان متمسك به خداوند

فاما الذين ءامنوا .. فسيدخلهم فى رحمة منه و فضل و يهديهم إليه

۸ ورود به بهشت و برخوردارى از فضل خدا و رسيدن به مقام قرب الهى ، پاداش مؤمنان به خدا و پروان پيامبر (ص) و قرآن

فاما الذين ءامنوا بالله و اعتصموا .. يهديهم إليه صراطاً مستقيماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۹ - ۱

۱ وعده الهى به مؤمنان داراى عمل صالح ، به آمرزش و پاداش بزرگ

وعد الله الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفرة و اجر عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۳

۳ خداوند ، پاداش بخش مؤمنان و محسنان

فائبهم الله بما قالوا .. ذلك جزاء المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۸،۱۶

۸ نهر هاى جارى بهشت ، پاداش مؤمنان نيك كردار

تجری من تحتهم الأنهر

۱۶ بهشت تفضلی است از جانب خداوند به مؤمنان نیک کردار ، نه پاداشی همپایه عملکرد آنان

تلکم الجنة اورثتموها بما

کنتم تعملون

خداوند از یک سو بهشت را پاداش عملکرد اهل ایمان دانسته (بما کنتم تعملون) و از سوی دیگر آن را میراث (دستیابی به چیزی بدون عوض) خوانده است تا به این حقیقت اشاره کند که اعطای بهشت همپایه اعمال مؤمنان نیست، بلکه تفضلی است از جانب خداوند به ایشان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۶

۶ برخورداری از آموزش خداوند و بهره مندی از روزی های نیکو، پاداش مؤمنان حقیقی

لهم ... مغفره و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۷

۷ پیروزی و موفقیت مؤمنان در آزمونشان به وسیله مال و اولاد، موجب بهره مندی آنان از پاداش بزرگ الهی است.

و اعلموا أنما أموالکم و أولدکم فتنه و أن الله عنده أجر عظیم

بیان پاداش عظیم الهی پس از تأکید بر اینکه ثروتها و فرزندان وسیله آزمون هستند، می تواند بیانگر نکته ای باشد که در برداشت فوق بدان اشاره شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۳،۴،۶

۳ نعمت های جاودان اخروی، اجرت و مزدی است در برابر عملکرد مؤمنان مهاجر و مجاهد.

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا ... جنت لهم ... خلدین فیها أبداً إن الله عنده أج

>أجر< اجرت و مزد در برابر عمل است.

۴ پاداش خداوند به مؤمنان مهاجر و مجاهد، پاداشی بزرگ است.

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا ... إن الله عنده أجر عظیم

مهاجر و مجاهد ، علاوه بر بهره مندی از رحمت و رضوان الهی و بهشت ، از پاداشی ویژه و بزرگ در پیشگاه خداوند برخوردارند .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. و جنت ... إن الله عنده أجر عظیم

قرار گرفتن جمله <إن الله عنده أجر عظیم> که دارای معنای عام و کلی است پس از ذکر پاداشهای گوناگون مؤمنان مهاجر و مجاهد، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنت .. أولئک سیر حمهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱

۱ خداوند ، خریدار جان و مال مؤمنان به بهای بهشت

إن الله اشتری من المؤمنین أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۳،۷

۳ ثبت هر گام مؤمنان در پیمودن مسیر الهی

، به منظور اعطای پاداش به آنان

و لا یقطعون وادياً إلا کتب لهم لیجزیهم

۷ جلوه فضل الهی ، در پاداش به مؤمنان مجاهد و انفاقگر

لیجزیهم الله أحسن ما کانوا یعملون

<جزای أحسن> که به معنای پاداش دادن به بیش از حد استحقاق است بیانگر تجلی فضل خدا در پاداش دهی به مؤمنان است. قابل ذکر است در برداشت فوق مفروض این است که <أحسن> مفعول دوم برای <یجزی> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۰

۱۰ دستیابی مؤمنان به پاداش و ایمان و اعمال شایسته خویش و گرفتاری کافران به کیفر کفر و بزهکاری خود ، فلسفه اساسی معاد و برپایی رستاخیز است .

ثم یعیده لیجزی الذین ءامنوا . . . و الذین کفروا لهم شراب من حمیم و عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۱

۱- آخرت طلبان مؤمنی که تلاشی جدی در راه اهداف اخروی خویش بکنند به نتایج ارزشمند تلاشهایشان دست خواهند یافت .

و من أراد الآخره . . . کان سعیهم مشکوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحاً فله جزاء الحسنی

<جزاء> حال است و بیان این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۲

۲- محبوبیت در دل های

مردم ، از جمله پاداش های خداوند به مؤمنان دارای کردار نیک .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۱

۱- سنت الهی بر ثبت اعمال مؤمنان برای پاداش و محرومیت هلاک شدگان از بازگشت به دنیا ، تا خروج یأجوج و مأجوج (انقراض دنیا) ادامه خواهد داشت .

فَمَنْ يَعْمَلْ ... و حرم علی ... حَتَّى إِذَا فَتَحْتِ يَأْجُوجَ و مأجوج

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حتی> معنای غایت را افاده کند. البته میان اهل ادب در افاده آن برای غایت، اختلاف نظر وجود دارد ولی از سیاق و آهنگ آیه، غایت قابل استفاده است. براین اساس <حَتَّى إِذَا فَتَحْتِ...> غایت برای <فَمَنْ يَعْمَلُ مِنَ الصَّالِحَاتِ... و حرام قریه...> خواهد بود. گفتنی است که نوع مفسران بر آنند که مقصود از یأجوج و مأجوج، دو گروه از مردمی هستند که در آخر الزمان ظاهر می شوند و به تاختوتاز و فتوحات دست می زنند و پس از مرگ آنان، عمر دنیا به پایان می رسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۱

۱ - بهشت ، پاداش خدا به مؤمنان نیک کردار

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۴

۴ - بهشت ، پاداشت مؤمنان نیک کردار

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا و عملوا الصلحت فی جَنَّتِ النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴

۳ - صبر مضاعف اهل ایمان در برابر فشار های زیاد ایمان سوزان ، در پی دارنده پاداش مضاعف از سوی خدای سبحان است

أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳ - ۱۰

۱۰ - فلسفه آزمودن مؤمنان ، مشخص شدن مؤمنان راستین ، جهت پاداش دهی خداوند به آنان است .

و لقد فتنا .. فليعلمن الله الذين صدقوا

برداشت بالا، بنابر این احتمال است که تحقق عینی علم خداوند در آزمودن مؤمنان، به منظور اعطای پاداش به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۷ - ۸

۸ - اعطای پاداش به مؤمنان ، پس از چشم پوشی از لغزش ها و گناهان آنان است .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لنكفرن عنهم .. و لنجزينهم

ذکر جزا پس از ذکر پوشاندن گناهان (تکفیر)، می تواند به جهت نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۱ - ۶

۶ - وعده خداوند ، به برخورداری مؤمنان از پاداش ، و کیفر شدن منافقان

و ليعلمن الله الذين ءامنوا و ليعلمن المنفقين

مراد از علم خداوند به مؤمنان و منافقان، پاداش و کیفر دادن به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، بهشت را ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، تضمین کرده است .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلح لنبؤئنهم من الجنة غرفاً

لام تأکید و نون ثقیله در < لنبؤئن >

دلالت بر ضمانت می کند.

۱۰ - بهشت جاودان ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، پاداشی نیکو است .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لنبؤنَّهم من الجنَّة .. خلدین فیها نعم أجر ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۵ - ۱

۱ - بوستان عظیم بهشتی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

فأما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فهم فی روضه

نکره آورده شدن <روضه> دلالت بر عظمت آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۱،۴

۱ - خداوند پاداش دهنده مؤمنان دارای عمل صالح در قیامت

لیجزی الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

۴ - پاداش دهی خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح ، فراتر از استحقاق عمل آنها است .

لیجزی الذين ءامنوا .. من فضله

ذکر <من فضله> برای بیان این نکته است که پاداش در نظر گرفته شده برای مؤمنان، براساس استحقاق نیست، بلکه فزون تر از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۸ - ۱،۲

۱ - بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنان دارای اعمال صالح است .

إنّ الذين ءامنوا .. لهم جنّٰت النعیم

۲ - مؤمنان به آیات خدا و انجام دهندگان عمل صالح ، جایگاه شان بهشت است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ

به قرینه مقابله با آیه قبل، متعلق <آمنوا> در این آیه کسانی اند که به آیات الهی ایمان آورده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ -

۱ - جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. جَنَّاتٍ النعیم خلدین فیها

۳ - وعده خداوند به پاداش مؤمنان و کیفر معرضان از آیات خدا ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

فبشّره بعذاب ألیم .. لهم جَنَّت النعیم ... وعد الله حقًا

<وعد> مفعول مطلق و <حقًا> تأکید آن است و دلالت بر حقانیت و تخلف ناپذیری آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۱،۴

۱ - هیچ کس ، توان ندارد ارزش و اهمیت پاداش های الهی را برای مؤمنان راستین ، درک کند .

فلا تعلم نفس ما أخفی لهم من قرّه أعین

<نفس> شامل هر صاحب حیاتی از جمله انسان ها و ملائکه می شود. سیاق نفی مفید عموم است.

۴ - نعمت های عظیم اخروی ، پاداش عمل مستمر خود مؤمنان است که در دنیا انجام می دهند .

فلا تعلم نفس ما أخفی لهم من قرّه أعین جزاء بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۸ - ۱

۱ - برابر نبودن مؤمن و فاسق ، در نظام پاداش الهی ، امری بدیهی و خدشه ناپذیر است .

أفمن كان مؤمنًا كمن كان فاسقًا لا یستوون

همزه <أفمن..> استفهام انکاری است و <لا یستوون> نیز بر آن تأکید بیشتری می کند. گفتنی است: <کاف> در

<کمن> تشبیه در جزا است و به قرینه آیات سابق و آیات بعدی (۱۹ و ۲۰)، مراد از نفی تساوی، می تواند عدم تساوی در

پاداش و جزا باشد.

جلد - نام سوره

۱ - باغ های بهشتی مهیا برای پذیرایی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

أما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم جنت المأوى نزلاً

۴ - باغ های بهشت ، تنها به عنوان پیش پذیرایی از مؤمنان نیک کردار است و نه پاداش کامل آنان .

فلهم جنت المأوى نزلاً

<نزل> در لغت به چیزی گفته می شود که برای مهمان تهیه و آماده می شود (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <نزلاً> حال برای <جئات> و مفید معنای یاد شده است.

۵ - پیشکش باغ های بهشت به مؤمنان نیک کردار ، پاداشی فوق تصور و روشنی بخش دیده آنان است .

فلا تعلم نفس ما أخفى لهم من قره أعين .. فلهم جنت المأوى نزلاً

جمله <فلهم جئات المأوى..> می تواند تأکیدی بر <ما أخفى لهم...> و نیز نمادی از آنچه در خفا، برای مؤمنان در نظر گرفته شده، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - فلسفه پیمان گرفتن خداوند از پیامبران ، پاداش دادن به مؤمنان و کیفر دادن به کافران است .

و إذا أخذنا من النبيين ميثقهم .. لیسئل الصادقین عن صدقهم ... و أعدد للكفرین

<لام> در <لیسئل..> لام تعلیل یا لام غایت است. مراد از <الصادقین> به قرینه مقابله با <الکافرین> مؤمنان اند. لازم به ذکر است که برداشت بالا، علاوه بر نکته یاد شده مبتنی بر این است که مرجع ضمیر در <صدقهم> واژه <الصادقین> باشد و علت پرسش از صداقت مؤمنان، پاداش دادن

به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۴ - ۵،۶

۵ - خداوند ، برای مؤمنان ، پیشاپیش ، پاداشی بزرگوارانه تدارک دیده است .

و أعدّ لهم أجرًا كريمًا

۶ - تدارک پاداش کریمانه برای مؤمنان از سوی خداوند ، ناشی از رحمت او به آنها است .

و كان بالمؤمنين رحيماً .. و أعدّ لهم أجرًا كريمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۷ - ۲

۲ - پاداش ایمان مؤمنان ، از فضل خداوندی است .

و بشر المؤمنين بأنّ لهم من الله فضلاً كبيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۲

۲ - مؤمنان دارای عمل صالح ، شایسته غفران و پاداش الهی اند .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفرة و أجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۲

۲ - خداوند در پاداش دادن به مؤمنان نیک کردار ، هیچ گونه منتی بر آنان نخواهد گذاشت .

إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غير ممنون

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <ممنون> از ماده <منت> اشتقاق یافته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۶

۶ - توحید و استقامت در راه ایمان ، در پی دارنده بهشت و نعمت های گسترده برای مؤمنان

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا .. و لکم فیہا ما تشتهی أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۳

۱۳- آمرزش گناهان و سامان یافتن شؤون حیات ، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم و أصلح بالهم

<أصلح بالهم> یا به معنای اصلاح مطلق شؤون زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۱۰

۱۰- پاداش الهی به مؤمنان متقی ، به گونه ای رایگان و نه در قبال درخواست مال از ایشان

یؤتکم أجورکم و لایسئلکم أموالکم

<لایسئلکم أموالکم> در رابطه با جمله <یؤتکم أجورکم> است و دفع دخل مقدر می کند، یعنی، خداوند در قبال پاداش های خود، چیزی جز ایمان و تقوا از شما انتظار ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۳،۴

۳ - علم و حکمت الهی ، پشتوانه پاداش او به اهل ایمان *

و کان الله علیما حکیما . لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت

در صورتی که میان ذیل آیه قبل (کان الله ..) با <لیدخل...> ارتباطی لحاظ شود، مطلب بالا را می توان نتیجه گرفت.

۴ - ایمان ، معیار داوری خداوند درباره انسان و پاداش به مردان و زنان

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت

وصف <المؤمنین و المؤمنات>، مُشعر به علیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - پاداش های مادی و معنوی خداوند ، به مؤمنان وفادار و مورد رضایت خویش

لقد رضى الله .. فأنزل السكينة عليهم ... و مغانم كثيره

<أنزل السكينة> اشاره به پاداش معنوی و <مغانم..> نظر به پاداش های مادی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - امداد های الهی در حق مؤمنان ، پاداشی به عملکرد شایسته آنان در جریان حدیبیه *

و كان الله بما تعملون بصيرًا

ارتباط <كان الله..> با صدر آیه، نتیجه می دهد که الطاف الهی در حق اهل ایمان، از آن جهت صورت گرفته است که خداوند بر اعمال گذشته آنان، نظارت عمیق داشته و ایشان را شایسته آن موهبت ها دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۴

۴۴- آمیختگی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری مؤمنان از مغفرت و پاداش عظیم الهی

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۳ - ۱۰

۱۰ پاداش های الهی به مؤمنان ، دارای مراتب

أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ - پاداش کامل اعمال مؤمنان ، جلوه رحمت خاص الهی به اهل ایمان

لا یتکم من أعملکم شیئاً إنَّ الله .. رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۳

۳ - مؤمنان به تناسب عملکرد خویش ، برخوردار از بهشت های متفاوت *

و لمن خاف مقام ربّه جنتان .. و من دونهما جنتان

در صورتی که <دونهما> به معنای مرتبه پایین تر باشد، احتمال می رود که دو بهشت قبل مخصوص خائفان و

این دو بهشت فروتر، از آن کسانی باشد که در مرتبه پایین تر قرار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۱۳

۱۳ - وعده پاداش بزرگ از سوی خداوند به مؤمنان انفاقگر

فالدین ءامنوا منکم و أنفقوا لهم أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۵

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت .

من ذا الذی یقرض الله . . . فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعفه له> ، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۵

۱۵ - < فی المجمع بعد ذکر هذه الآية > لهم أجرهم و نورهم < أى لهم ثواب طاعتهم و نور إيمانهم الذی یهدون به إلى طریق الجنة . . . رواه البراء بن عازب عن النبى (ص) ؛

در مجمع البیان بعد از ذکر آیه < لهم أجرهم و نورهم > آمده است: مقصود این است که برای آنان است پاداش طاعت و نور ایمانشان که به وسیله آن به راه بهشت هدایت می شوند و این معنا را براء بن عازب از نبی اکرم (ص) روایت نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۱ - ۴

پاداش مؤمنان عمل کننده به توصیه الهی (توصیه به جا باز کردن برای دیگران در مجالس) ، حل مشکلات و گشایش در امور زندگی آنان از سوی خداوند است .

فافسحوا یفسح الله لکم

در صورتی که مراد از <یفسح الله> ، پاداش دنیوی باشد برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۷

۷ - توجه و ایمان به پاداش بزرگ الهی برای مؤمنان ، بازدارنده انسان از وابستگی به اموال و اولاد و گناه به خاطر آنها

و الله عنده أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۴

۴ - در دیدگاه مؤمنان جن ، ایمان آورندگان به ربوبیت خدای یکتا ، از نقصان حق خویش و یا ستم شدن در مجازات ، بیم نداشته و در امان اند .

فمن یؤمن برّیه فلا یخاف بخسًا و لا رهقًا

<رَهَقَ> در معانی <سفاهت> ، <گناه> ، <کذب> و <ظلم> به کار می رود ولی در این آیه معنای اخیر مراد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۴

۴ - مؤمنانی که زیر شکنجه کافران جان دادند و در آتش آنان سوختند ، مالک بوستان های بهشت خواهند شد .

إِنَّ الدِّينَ أَمْنٌ وَاعْمَلُوا الصَّلٰحَتَ لَهُمْ جَنَّةٌ

ارتباط این آیه با آیه قبل ، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۶ - ۶

۶- مؤمنان دارای عمل صالح ، از پاداشی بزرگ برخوردار خواهند شد .

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا و

عملوا الصلحت فلهم أجر غير ممنون

نکره بودن <أجر>، بر عظمت آن دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱،۲

۱ - استقرار در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکو کردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. جزاؤهم عند ربهم جنت عدن تجري من تحتها الأن

۲ - پاداش مؤمنان شایسته کردار ، جلوه ربوبیت خداوند بر آنان است .

عند ربهم

پاداش مؤمنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۱،۲

۱ - وعده دوبار اجر (اجر مضاعف) از سوی خداوند ، به ایمان آوردگان از اهل کتاب

الذین ءاتینهم الکتب .. أولئک يؤتون أجرهم مرتین

مفسران، تعبیر <مرتین> را کنایه از اجر مضاعف دانسته اند.

۲ - صبر و بردباری ایمان آوردگان از اهل کتاب ، در برابر فشار های هم کیشان سابق خود و نیز تحمل آزار های مشرکان ،

عامل برخوردار شدن آنان از اجر دو برابر الهی

أولئک يؤتون أجرهم مرتین بما صبروا

<باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> مصدریه است، یعنی، <بسبب صبرهم>. گفتنی است در این که اشخاص مورد

بحث در برابر چه چیزی از خود صبر و تحمل نشان دادند، چند نظر اظهار شده است، از جمله آنها صبر آنان در برابر فشار اهل

کتاب و مشرکان می باشد. برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است.

پاداش مؤمنان صابر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۲

۱۲ - مؤمنانی که بر دشواری ها

و سختی های راه ایمان صبر کنند ، از پاداشی گرانقدر برخوردار خواهند شد .

و بشر الصبرین

نیابردن متعلق بشارت و مشخص نکردن مژدگانگی صابران، به فخامت و ارجمندی آن اشاره دارد. (اقتباس از المیزان).

پاداش مؤمنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۷

۷- خداوند ، پاداش دهنده مؤمنان نیک کردار بر اساس بهترین عمل آنان

من عمل صلحًا .. و هو مؤمن ... و لنجزینهم أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۵

۵- مؤمنانی که همواره به کردار نیک مشغولند ، از پاداشی بزرگ برخوردارند .

و يبشر المؤمنين الذين يعملون الصلحت أن لهم أجرًا كبيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲ - ۱۰، ۵

۵- قرآن ، بشارت دهنده مؤمنان نیک کردار ، به پاداشی شایسته و عظیم

و يبشر المؤمنين الذين يعملون الصلحت أن لهم أجرًا حسنًا

نکره آوردن <أجرًا> برای بیان عظمت آن است.

۱۰- مؤمنان دارای اعمال صالح ، از پاداشی نیک برخوردار خواهند شد .

و يبشر المؤمنين الذين يعملون الصلحت أن لهم أجرًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱۰

۱۰- بهشت ، پاداش کامل مؤمنانی که کردار نیک داشته و از کار های بد توبه کنند .

فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يظلمون شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۲

۲ - بهشت ، پاداش خداوند به مؤمنان نیک کردار

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ

ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

پاداش مؤمنان مهاجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۷ - ۶

۶ - وعده خداوند ، به مؤمنان مهاجری که درصدد حفظ ارزش های دین خود بودند ، مبنی بر برخوردار کردنشان از پاداش

إِنَّ أَرْضِي وَسَعَةٍ .. كَلَّ نَفْسَ ذَائِقَةِ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تَرْجِعُونَ

برداشت بالا بنابرین است که <ثم إلینا ترجعون> کنایه از اعطای پاداش به مؤمنان و مؤاخذه کافران باشد. در این آیه، به قرینه مقام، پاداش دهی، به مؤمنان مهاجر است.

پاداش مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۱

۲۱ پاداش مهاجران ، آوارگان ، آزاردیدگان در راه خدا ، مجاهدان و شهیدان ، تضمین شده از سوی خداوند

أَنْتِي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ .. فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ اَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ اَوْذَوْا فِي سَبِي

لام قسم و نون تأکید در <لَا كُفْرًا> و در <لَا دَخْلًا> دلالت بر تأکید و تضمین پاداش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۳،۴،۶

۳ نعمت های جاودان اخروی ، اجرت و مزدی است در برابر عملکرد مؤمنان مهاجر و مجاهد .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. جنّت لهم ... خلدین فیها أبداً إن الله عنده أج

<أجر> اجرت و مزد در برابر عمل است.

۴ پاداش خداوند به مؤمنان مهاجر و مجاهد ، پاداشی بزرگ است .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. إن اللّٰه عنده أجر عظیم

۶ مؤمنان مهاجر و مجاهد ، علاوه بر بهره مندی از

رحمت و رضوان الهی و بهشت ، از پاداشی ویژه و بزرگ در پیشگاه خداوند برخوردارند .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. و جنت ... إن الله عنده أجر عظیم

قرار گرفتن جمله <إن الله عنده أجر عظیم> که دارای معنای عام و کلی است پس از ذکر پاداشهای گوناگون مؤمنانِ مهاجر و مجاهد، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

پاداش مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۶،۷،۸

۶ پاداش هدایت یافتگان در نزد پروردگارشان تضمین شده است.

و من یرد الله .. لهم دارالسلام عند ربهم

۷ پاداش دادن به هدایت یافتگان هشیار و متذکر، از شئون ربوبیت خداوند است.

لهم دارالسلام عند ربهم

۸ دارالسلام (بهشت و جایگاه امن الهی) پاداش کردار مستمر هدایت یافتگان است.

لهم دارالسلام .. بما كانوا يعملون

پاداش نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۲

۲ پاداش الهی به انفاق ها و نذر های بندگان ، هر چند اندک باشد .

و ما انفقتم من نفقه .. فان الله یعلمه

توجه دادن به علم خداوند بر اعمال بندگان کنایه از پاداش الهی در برابر آن اعمال است.

پاداش نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۳

۳ چنگ زدن به کتاب های آسمانی و برپا داشتن نماز ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

و الذین یمسکون بالکتب .. إننا لانضیع أجر المصلحین

پاداش نماز به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۵

۲۵ - نمازهایی که پیش از تغییر قبله به سمت بیت المقدس خوانده شده بود ، مورد پذیرش خدا بوده و اجرش ضایع نخواهد شد .

و ما کان الله لیضیع ایمنکم

تغییر قبله یا نوید به تغییر آن، این پرسش را برای مسلمانان در پی داشت که: نمازها و عبادتهای انجام شده به سوی بیت المقدس آیا محکوم به بطلان است. جمله <و ما کان ...> پاسخ به این پرسش می باشد.

پاداش نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۸

۸ - ثواب نماز جمعه ، بسی برتر و بالاتر از درآمد های مادی و لذت های دنیوی است .

قل ما عند الله خیر من اللهو و من التجره

پاداش نمازگزاران جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۹

۹ - ثواب نماز جمعه ، برای برپادارندگان آن ، در نزد خداوند محفوظ است .

قل ما عند الله خیر

پاداش نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۱۱

۱۱ کثرت انبیا(ع) از نسل نوح، پاداش نیل او به مقام نیکوکاران است.

و نوحا هدينا من قبل و من ذريته .. و كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۰ - ۳

۳ - اجابت دعا ، نجات از مشكلاتِ اندوه بار ، باقى ماندن نسل و نام نيك و تحيت الهى ، از پاداش هاى خداوند به

حضرت نوح (ع)

و لقد نادينا نوح فلنعم المجيبون .. سلم على نوح في العلمين . إنا كذلك نجزي ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعيننا جزاء لمن كان كفر

مراد از <لمن كان كفر> نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

پاداش نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... وعد الل

پاداش نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۴

۴ اعمال و نیت پنهان و آشکار آدمی مورد محاسبه و جزاء و پاداش الهی

و الله يعلم ما تبدون و ما تكتمون

بیان آگاهی خداوند بر آشکار و پنهان انسان هشدار می دهد است به بندگان که اعمال و رفتار و نیز نیت و حالات آنان محاسبه خواهد شد. و به مقتضای آن به پاداش و یا سزای لازم خواهند رسید.

پاداش نیکان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۷

۷ ضمانت پاداش نیکوکاران از سوی خداوند

و ما تفعلوا من خیر یعلمه الله

جمله <یعلمه الله>، علاوه بر بیان احاطه علمی خداوند به کارهای نیک بندگان، کنایه از ضمانت پاداش در قبال نیکوکاری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱۴، ۱۵، ۱۶

۱۴ بهترین پاداش الهی، از آن ابرار و نیکان است.

و ما عند الله خیر للابرار

برداشت فوق بر این مبناست که <للابرار>، خبر دوّم برای <ما>ی موصوله باشد، نه متعلّق به <خیر>.

۱۵ پاداش ابرار، پاداشی عظیم، توصیف ناپذیر و برتر از بهشت و مواهب آن می باشد.

و ما عند الله خیر للابرار

مراد از <ما عند الله>، می تواند پاداشی غیر از بهشت و مواهب آن باشد و بیان آن به صورت مبهم، حاکی از عظمت و وصف ناپذیری آن است.

۱۶ پاداش اصلی و برتر نیکان و ابرار، در پیشگاه خداوند است.

و نزلا من عند الله و ما عند الله خیر للابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۶

۲۶ بشارت خداوند به برخورداری نیکوکاران از پاداش

و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

بیان آگاهی خداوند به اعمال نیک، کنایه از پاداش دهی در برابر آنهاست.

پاداش نیکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۲ - ۱۰

۱۰- مؤمنانِ دارای اعمال صالح ، از پاداشی نیک برخوردار خواهند شد .

و یبشّر المؤمنین

الذین يعملون الصلحت أن لهم أجرًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳ - ۵

۵- پاداش جاودانه ، اجری نیکو است .

أجرًا حسنًا . مکثین فیہ أبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۸،۹

۸ - احسان ، مقتضی پاداش نیک است .

للذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه

۹ - احسان در دنیا ، در پی دارنده پاداش نیک و بزرگ الهی در جهان آخرت

للذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه

برداشت بالا بر این اساس مبتنی است که <فی هذه الدنيا> متعلق به <أحسنوا> و ظرف برای آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۳

۲۳ - پاداش الهی به مجاهدان و انفاق گران در راه خدا ، بهترین و نیکوترین پاداش است .

و کلاً وعد الله الحسنی

<حسنى> (مؤنث <أحسن>)، به معنای نیکوتر است. گفتنی است که <الحسنی>، صفت برای موصوف محذوف است؛

یعنی، <و کلاً وعد الله المثوبه الحسنی>.

پاداش نیکوکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۸

۸ نهر های جاری بهشت ، پاداش مؤمنان نیک کردار

تجری من تحتهم الأنهر

پاداش نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۸

۸ آمرزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش انفاق در توانگری و تنگدستی و فرو خوردن خشم و گذشت از خطای دیگران

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ .. اولئك جزأؤهم مغفرة من ربهم و جنّات

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۶

۶ - عفو و اغماض از خطای دیگران و اصلاح بدی آنان با نیکی و گذشت ، موجب اجر و پاداش ویژه خداوند است .

و جزواً سیئه سیئه مثلها فمن عفا و أصلح فأجره علی الله

پاداش وارثان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۳

۳ - پیشگامان در انجام کار های خیر و وارثان قرآن کریم ، بهره مند از بهشت پاینده

جنت عدن یدخلونها

پاداش وصیت به عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۴

۳۴ - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه <ما تقدّموا..>، جمله ای مانند <من الذی تأخرونه إلى الوصیه عند الموت> در تقدیر است.

پاداش وفاداران به عهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۸

۸- وفا کنندگان به عهد الهی ، دارای پاداشی محفوظ نزد خداوند

و لا تشتروا بعهد الله . . . إنما عند الله هو خير لكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٤ - احزاب - ٣٣ - ٢٤ - ٢

٢ - خداوند ، مؤمنان وفادار به عهد خود را پاداش خواهد داد .

رجال صدقوا ما عهدوا الله

عليه... ليجزى الله الصديقين بصدقهم

پاداش وفای به عهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۸

۲۸ عمل کنندگان به میثاق و فرمان های الهی ؛ هر یک بهره مند از بهشتی خاص هستند .

لقد اخذ الله ميثق... لئن اقمتم الصلوه... لادخلنكم جنت

بهره گیری عمل کنندگان به فرمانهای الهی از بهشتهای متعدد (جنت)، می تواند به این صورت باشد که هر کس به بهشت مخصوص خویش راه می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۲

۲ بهشت عدن ، پاداش وفا کردن به پیمان های الهی ، نشکستن عهد ها و برقرار کردن پیوندهایی که خدا به برقراری آن امر کرده است .

الذين يوفون بعهد الله... أولئك لهم عقبى الدار. جنت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - پاداش عظیم الهی ، به وفاکنندگان به پیمان خویش با خداوند و پیامبر (ص)

و من أوفى... فسيؤتیه أجرًا عظيمًا

پاداش ولایت اهل بیت (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - قال الرضا (ع) و لقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبد الله الصادق (ع)... قال : إن الله عزوجل لا يسئل عباده عما

تفضّل عليهم ولا يميننّ بذلك عليهم و الإمتنان بالإنعام مستقبّح من المخلوقين فكيف يضاف إلى الخالق عزّوجلّ ما لا يرضى
المخلوق به ولكنّ النعيم

حَبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَوَالَاتِنَا يَسْتَلُّ اللَّهُ عِبَادَهُ عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِيدِ وَ التَّبَوُّهِ لِأَنَّ الْعَبْدَ إِذَا وَفَى بِذَلِكَ آدَاهُ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ الَّذِي لَا يَزُولُ ;

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان مَنّت نمی گذارد. مَنّت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است؛ پس چگونه به خالق عزوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و تبوت، از آن بازخواست خواهد کرد؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند.

پاداش هاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ هاییل سزاوار و شایسته بهره مندی از پاداش های الهی با پذیرفته شدن قربانی وی

فتقبل من احدهما

<تقبل> به پذیرفته شدنی اطلاق می گردد که مقتضی پاداش باشد. (مفردات راغب)

پاداش هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ - نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان از اندوهی بزرگ، اعطای کتاب آسمانی و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان، از پاداش های خداوند به ایشان

و نَجَّيْنَهُمَا وَ قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ

العظیم . . . إنا كذلك نجزي المحسنين

پاداش هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۹،۲۰

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَاخْرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَاوْذُوا فِي سَبِيلِي وَاَقَاتَلُوا وَاُقْتَلُوا لَا كُفْرَانَ عَنْهُ

۲۰ آمرزش گناهان و بهشت ، پاداش خداوند به هجرت کنندگان از شرک و کفر *

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَاخْرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ . . . لَا كُفْرَانَ عَنْهُمْ سَيَاتِهِمْ وَاَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتٍ

می توان گفت مراد از هجرت به قرینه ادامه آیه (اخراجوا من دیارهم)، هجرتی است که رانده شدن از خانه و کاشانه را در پی داشته باشد. و این هجرت همان ترک شرک و کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۳

۳ جانبازی و هجرت (تحمل مشکلات و فداکاری در راه خدا) ، موجب اجر بزرگ الهی *

و لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ . . . وَاذًا لَأَتَيْنَاهُم مِّن لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا

بنابر اینکه مراد از <ما یوعظون>، همان جهاد و هجرت باشد که در آیه قبل مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۱۰،۱۲،۱۸،۱۹

۱۰ خداوند ، تضمین کننده پاداش کسانی که در مسیر هجرت با مرگ مواجه شوند .

وَمَن يَخْرُجْ مِّن بَيْتِهِ مِهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وِرَسُولِهِ ثُمَّ يَدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ

۱۲ هجرت به سوی خدا و

رسول (ص) ، موجب برخورداری از اجر و پاداش الهی

و من یرج من بیته مهاجراً الی اللّٰه و رسوله .. فقد وقع اجره علی اللّٰه

۱۸ مهاجران به سوی خدا و رسول (ص) ، مشمول غفران و رحمت خاصّ الهی هستند .

و من یرج .. فقد وقع اجره علی اللّٰه و کان اللّٰه غفوراً رحیماً

۱۹ سفر برای شناخت رهبر ، هجرت در راه خدا و مرگ در آن سفر ، در پی دارنده پاداش الهی است .

و من یرج من بیته مهاجراً الی اللّٰه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّٰه

امام صادق (ع) درباره کسی که در سفر برای شناخت رهبر از دنیا برود فرمود: انّ اللّٰه عزّ و جلّ یقول: و من یرج من بیته مهاجراً الی اللّٰه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّٰه. ...

اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۰، ح ۵۲۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۱ - ۵

۵ برخورداری از باغ ها و بوستان های متعدد بهشت ، از ثمرات ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّٰه .. یشرهم ربهم ... و جنت

پاداش هدایتگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۳

۳ - خدا ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین

و ما أسئلكم .. إن أجری إلا علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۳

۳ - خدا، ضامن پاداش هدایتگران و مبلغان مخلص دین

إِن أُجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۳

۳ - خداوند، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین

إِن أُجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۳

۳ - خدا، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین است.

إِن أُجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ

پاداش همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۰ - ۵

۵ - مهریه زنان، به منزله پاداشی برای آنان است.

ءَاتِيَتْ أُجُورَهُنَّ

مراد از <أُجُور> طبق گفته مفسران، مهریه های زنان است. تعبیر از <صداق> به <أُجُور> نکته یاد شده را می رساند.

پاداش همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بود که به همسران خود بگوید در صورتی که آنان ، خداخواهی و آخرت طلبی را پیشه کنند ، خداوند آنان را پاداشی عظیم خواهد داد .

قل لأزوجك . . . و إن كنتن تردن الله ورسوله ودار الآخرة فإن الله أعد للمح

۲ - برخوردارى همسران پیامبر از پاداش عظیم خداوند ، مشروط به خداخواهی و در پی پیامبر (ص) بودن و آخرت طلبی و نیکوکار بودنشان

و إن كنتن تردن الله ورسوله ودار الآخرة فإن الله أعد للمحسنت

منكن أجرًا

۸ - خداوند ، خود برای همسران نیکوکار پیامبر (ص) که آن حضرت را بر دنیا ترجیح بدهند ، پیشاپیش پاداشی عظیم فراهم کرده است .

فإنَّ اللهَ أعدَّ للمحسنِّ منكنَّ أجرًا عظيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۷

۷ - > عن أبي جعفر (ع) قال : أجرها مرتين و العذاب ضعفين كل هذا في الآخره حيث يكون الأجر يكون العذاب . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: پاداش دو برابر برای زنان پیغمبر، و عذاب دو برابر، هر دو در آخرت است. عذاب، در همان جا است که پاداش هست.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۱ - ۶،۷

۱ - خداوند ، به همسران پیامبر ، در صورت اطاعت خاضعانه آنان از خدا و پیامبر (ص) و انجام عمل صالح ، وعده پاداش دوچندان داده است .

و من يقنت منكنَّ لله و رسوله و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرتين

<قنوت> (مصدر <يقنت>) به معنای <اطاعت خاضعانه> است (مفردات راغب).

۶ - برخوردارى همسران پیامبر از پاداش مضاعف الهی ، منوط به تداوم اطاعت و انجام دادن عمل صالح از سوى آنها است .

و من يقنت منكنَّ . . . و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرتين

فعل مضارع <يقنت> و <تعمل> استمرار را می رساند.

۷ - اعطای پاداش مضاعف به همسران پیامبر در قبال عمل صالح شان ، نمودی از رحمت خداوند است .

و من يقنت منكنَّ . . . نؤتها ... و أعتدنا لها رزقًا كريمًا

این که خداوند، به هنگام هشدار

به همسران پیامبر در آیه پیش، برای عذاب، عذاب کننده ای را نیاورده و تنها فرمود: <بر خداوند، چنین امری آسان است> و در این آیه، با فعل های <نوّتها> و <أعتدنا> دخالت مستقیم خود را بیان کرده، می توان نکته بالا را به دست آورد لازم به ذکر است که التفات از غیبت (یضعف لها العذاب و كان ذلك على الله يسيراً) به خطاب (<نوّتها> و <أعتدنا>) می تواند مؤید نکته یاد شده باشد.

پاداش هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۵

۵ هود (ع) ، به قومش اعلام کرد که پاداش رسالتش ، تنها برعهده خداوند است .

قال يقوم .. إن أجرى إلا على الذى فطرني

پاداش یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۷

۱۷ دستیابی یوسف (ع) به قدرت در سرزمین مصر و بهره مندی او از رحمت خاص الهی ، پاداش کار های نیک او بود .

كذلك مَكَّنَّا .. نصيب برحمتنا ... ولا نضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقوایبشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علينا إنه من يتق و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

پاداش یهود مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱

یهودیان ، نصرانی ها و صابئان ، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح ، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ

مراد از <الذین ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبائی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرائیه بوده است.

تأخیر در پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۸

۸ - تأخیر در داوری و کیفر و پاداش ، کاری ظالمانه و به دور از عدالت است .

لا ظلم الیوم إِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ> در مقام تعلیل برای <لاظلم الیوم> می باشد؛ یعنی، در محکمه عدل الهی به کسی ستم نمی شود؛ چون خداوند با سرعت به حساب بندگانش رسیدگی خواهد کرد.

تبدیل کیفر به پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۰ - ۵،۶

۵ کسانی که مرتکب گناه شرک ، آدم کشی و زنا شده اند ، در صورتی که به توبه ، ایمان و عمل صالح روی آورند ، خداوند آثار بدی های آنان (عقاب) را محو و به جای آنها ، آثار خوبی ها (ثواب) قرار می دهد .

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ .. يَضْعَفْ لَهُ الْعَذَابُ ... إِلَّا مَنْ تَابَ ... فَأُولَٰئِكَ يَبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ

۶ توبه ، ایمان و

عمل صالح ، موجب محو شدن گناهان و آثار آنها (عقاب) و جایگزین شدن نیکی ها و آثار آنها (ثواب) به جای آن گناهان

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ

تساوی در پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ... أُولَئِكَ سِيرَ حَمِيمِ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۵ - ۴

۴ - تساوی انسان ها ، در برابر قانون کیفر و پاداش الهی

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا... وَ مِنْ أَسَاءِ

از عموم و شمول واژه <من>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۷

۷ - نبود هیچ گونه استثنا و تبعیض ، در نظام کیفری و پاداش دهی خداوند به خلق

و لتجزى كلّ نفس بما كسبت و هم لا يظلمون

تسريع در پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۴

۴ سنت خدا در رساندن خیر به مردم < تسريع > و در مجازات کردن آنان < امهال > است .

و لو يعجل الله للناس الشر استعجالهم بالخير

برداشت

فوق بر این اساس است که <هم> مفعول استعجال و فاعلش ضمیر عاید به <الله> و به تقدیر <مثل استعجاله لهم بالخير> باشد.

تشویق به پاداش های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۶ - ۴

۴ - خداوند ، انسان ها را به تلاش برای ربودن پاداش های آخرت از یکدیگر ، دعوت و ترغیب کرده است .

و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون

تضمین پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱۲

۱۲ - پاداش کار های نیک ، تضمین شده از سوی خداوند ، بدون کمترین کاستی

و ما تقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه عندالله

در برداشت فوق <تجدوه> - چنانچه بسیاری از مفسران گفته اند - به یافتن پاداش عمل تفسیر شده است. تعبیر کردن از <یافتن پاداش عمل> به <یافتن خود عمل> حاوی این نکته است که: پاداش اعمال نیک بدون کمترین کاستی، به انسانها اعطا می شود؛ به گونه ای که گویا همان عمل را می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۹

۹ - علم و آگاهی خداوند به اعمال خیر بندگان ، ضامن ضایع نشدن پاداش آنهاست .

و من تطوع خیراً فإن الله شاكر عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۱۵

۱۵ تضمین پاداشِ اعمالِ نیکِ انسان از سوی خداوند

و ما تفعّلوا من خیر فانّ اللّٰه به علیم

علم خداوند به اعمال خیر (فانّ اللّٰه به علیم)، کنایه از پاداش الهی به نیکوکاران است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۲، ۲۳

۲۲ نوید پاداش و تضمین آن ، پرتوی از ربوبیت الهی نسبت به مؤمنان

لهم اجرهم عند ربهم

۲۳ وعده و تضمین اجر و پاداش ، از روش های قرآن برای دعوت مردم به اسلام و ایمان به قرآن

اولئك لهم اجرهم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۳

۳ آگاهی کامل خداوند به ناچیزترین اعمال ، تضمین کننده عدالت در مجازات ها و پاداش های الهی

كان الله بهم عليماً. ان الله لا يظلم مثقال ذره

ظاهراً جمله <ان الله...>، نتیجه ای است مترتب بر آگاهی خداوند. یعنی چون خداوند آگاه به تمامی جهات است، ظلم نمی کند. زیرا از ریشه های ظلم، جهل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ خداوند ، تضمین کننده پاداش کسانی که در مسیر هجرت با مرگ مواجه شوند .

و من يخرج من بيته مهاجراً الى الله و رسوله ثم يدرکه الموت فقد وقع اجره على اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۳

۱۳ تضمین پاداش عظیم در برابر حفظ جان هر انسان ، نویدی از جانب خداوند بر بنی اسرائیل

کتبنا على بنی اسرائیل... من احياها فکانما احيا الناس جميعاً

همسنگی حفظ حیات یک انسان با تمامی انسانها، می تواند کنایه از پاداش عظیم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ پاداش هدایت یافتگان در نزد پروردگارشان تضمین شده است.

و من یرد الله .. لهم دارالسلام عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۳

۱۳ انفاق در راه خدا، دارای پاداشی کامل و تضمین شده از جانب خدا

و ما تنفقوا من شیء .. یوف إلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۷

۷- ولایت خداوند و حَقّائیت او، ضامن اعطای بهترین پاداش ها و فرجام ها است.

هنالك الولیه لله الحقّ هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۶

۶- پاداش عمل صالح، از طرف خداوند، تضمین شده است.

و البقیة الصلحة خیر عند ربّک

تضمین پاداش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۴ - ۷

۷- تنظیم نامه عمل برای هر یک از انسان ها از سوی خدا، پشتوانه تضمین پاداش کامل آنان است.

فمن یعمل .. إنا له کتبون

جمله <إِنَّمَا لَهُ كَاتِبُونَ> عطف بر جمله <فَلَافِرَانَ لَسَعِيه> و تأکید کننده مضمون آن است و در حقیقت، بیانگر این نکته است که چون اعمال همه انسان ها را می نویسیم، پس بدون کم و کاست، پاداش آنان را خواهیم داد.

تضمین پاداش انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۱

۳۱ - اموال انفاق شده در راه

خدا و پاداش آن ، تضمین شده از سوی او

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا

مطلب یاد شده، از تشبیه انفاق به قرض دادن استفاده می شود؛ زیرا در قرض، اصل مال محفوظ می ماند. پاداش آن نیز که خداوند وعده داده تضمین شده است.

تضمین پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۴ - ۱

۱- پاداش تلاش های مؤمنان نیک کردار ، از سوی خداوند تضمین شده و بی کم و کاست به آنان داده می شود .

فمن يعمل من الصلحت و هو مؤمن فلا كفران لسعیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۹

۹- قدرت مطلق و نامحدود الهی ، پشتوانه و تضمین کننده پاداش مؤمنان نیک کردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۳

۳- آگاهی عمیق خداوند به اعمال بندگان ، پشتوانه پاداش او به نیک کرداران

إنه خبير بما تفعلون . من جاء بالحسنة فله خير منها

از ارتباط <من جاء..> با بخش پایانی آیه قبل (إنه خبير بما تفعلون) می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

تضمین پاداش عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۶ - ۶

۶- تضمین پاداش عمل صالح ، از جانب خداوند

والبقیة الصلحة خیر عند ربك ثوابًا

تضمین پاداش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۶

۶- پاداش مؤمنان تقوایسته ، تضمین شده از سوی خداوند

وإن تؤمنوا و

تَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ

تضمین پاداش مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۹

۹- نظارت دقیق خداوند بر تلاش مجاهدان ، تضمین کننده پاداش کامل آنان

و الله معكم و لن يترككم أعملكم

از ارتباط <والله معكم> با <لن يترككم> استفاده می شود: چون خداوند همه جا با شما است و تلاش مجدانه شما را می بیند، هرگز در پاداشتان کاستی رخ نخواهد داد.

تضمین پاداش محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۴

۴ - تضمین پاداش محسنان و نیکوکاران ، از سنت های خداوند است .

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

تضمین پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۴ - ۱

۱- پاداش تلاش های مؤمنان نیک کردار ، از سوی خداوند تضمین شده و بی کم و کاست به آنان داده می شود .

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعِيهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۹

۹- قدرت مطلق و نامحدود الهی ، پشتوانه و تضمین کننده پاداش مؤمنان نیک کردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۱

۱ - تضمین بهشت برای اهل ایمان از سوی خداوند

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ

تأکید جمله <اللَّهُ يَدْخُلُ...> به <إِنَّ> بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۶

۶- پاداش مؤمنان تقوایبشه ، تضمین

شده از سوی خداوند

و إن تؤمنوا و تتقوا يؤتكم أجوركم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۶

۲۶ - احاطه علمی خداوند ، به تمامی اعمال مؤمنان ، تضمین کننده پاداش های اخروی آنها

و كلاً وعد الله الحسنى و الله بما تعملون خبير

یادآوری احاطه علمی خداوند به همه اعمال پس از وعده پاداش برتر به همه مؤمنان می تواند برای ایجاد و اطمینان در مؤمنان باشد و نیز آنان به این یقین داشته باشند که خداوند به هر عمل نیک آنان، آگاه است. همچنین اعمال نیک آنان هر چند کوچک باشد ضایع نخواهد شد.

تفضل در پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۹

۹ - جزای عادلانه به بدکرداران و پاداش برتر و افزون بر استحقاق به نیکوکاران ، عملی ارزشمند و خداپسندانه

ليجزى الذين أسوا بما عملوا و يجزى الذين أحسنوا بالحسنى

تکذیب پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۷ - ۳

۳ - ادعای در کار نبودن پاداش و کیفر پس از مرگ ، ادعایی دروغین و بی اساس است .

فلولا إن كنتم غير مدينين . ترجعونها إن كنتم صدقين

خطاب در <إن كنتم صادقین> ، متوجه کسانی است که منکر پاداش و کیفر در سرای دیگر بودند.

تلاش برای پاداش های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲۶ - ۴

۴ - خداوند ، انسان ها را به تلاش برای ربودن پاداش های آخرت از

یکدیگر ، دعوت و ترغیب کرده است .

و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون

تناسب پاداش با عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۴۸

۴ پاداش ها و کیفر های خداوند ، با اعمال و رفتار آدمیان مطابقت داشته و کاستی ندارد .

لیوفینهم ربک أعملهم

<توفیه > (مصدر یوفی) به معنای به طور کامل و تمام پرداختن است.

۸ رساندن انسان ها به سزایی کامل و مطابق با اعمال و رفتار آنان ، تنها درخور کسی است که به تمام اعمال و جزئیات رفتار ایشان آگاه باشد .

لیوفینهم ربک أعملهم إنه بما یعملون خبیر

بیان آگاهی خداوند به تمامی اعمال و جزئیات آن ، پس از مطرح ساختن ادای کامل پاداش و کیفر اعمال ، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۴

۴- کیفر و پاداش الهی به انسان ها در قیامت ، کاملاً مطابق و متناسب با کم و کیف رفتار آدمی است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۹

۹ - کیفیت برانگیختن انسان و جزای اعمال او در قیامت ، متناسب با عملکرد دنیایی او است .

فنسیتها .. تنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۶

۶ - هر عمل نیکی ، دارای مراتب مختلف در نیکی و پاداش های گوناگون متناسب با آن عمل نیک است .

رجال لاتلهيهم تجره ولابيع عن ذكر الله .. ليجزيهم الله أحسن

این که خداوند، اعمال مردمان الهی را به بهترین نوع عمل پاداش می دهد، نشانگر آن است که هر عمل نیکی، دارای انواع و مراتب گوناگون است که خداوند در مقام جزا، بهترین نوع آن را ملاک قرار می دهد و به مردمان الهی عطا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - هر عمل نیکی ، دارای مراتب مختلف در نیکی و پاداش های متناسب با آن است .

و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی كانوا یعملون

این که خداوند به محسنان مطابق بهترین نوع عملشان پاداش می دهد، نشانگر آن است که هر عمل نیکی، دارای انواع و مراتب گوناگون است که خداوند در مقام جزا، بهترین نوع آن را ملاک قرار داده و به آنان عطا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۲،۳

۲ - تناسب و مطابقت کامل کیفر و پاداش الهی ، با رفتار و کردار بندگان

و وقیت کلّ نفس ما عملت

حذف مضاف در <ماعملت> که در اصل <جزاء ماعملت> است می تواند گویای این نکته باشد که جزای الهی، آن چنان با رفتار بندگان تناسب و مطابقت دارد که گویا، آنچه داده می شود خود عمل است نه جزای آن.

۳ - پاداش و کیفر مطابق و متناسب با رفتار ، پاداش و کیفری است عادلانه و به حق .

و هم لایظلمون . و وقیت کلّ نفس ما عملت

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، به منزله بیان برای جمله <و هم لایظلمون> می

باشد؛ یعنی، ظلم نشدن در حق بندگان به این خاطر است که هر کسی مطابق آنچه انجام داده، جزا خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۱ - ۳۸

۳ - عمل به توصیه های الهی ، دارای پاداش متناسب در پیشگاه خداوند

فافسحوا یفسح الله لکم

۸ - برخاستن از جای خود و قرار دادن آن در اختیار دیگران ، دارای پاداشی متناسب در پیشگاه خداوند

و إذا قیل انشزوا فانشزوا یرفع الله الذین ءامنوا منکم

برداشت یاد شده بدان سبب است که خداوند، برخاستن از جای خود را مایه بالا رفتن درجه و منزلت فرد قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۸

۸ - پاداش و عطا های خداوند به بهشتیان ، دارای نظم و حسابی خاص و مناسب با درجات تقوای آنان است .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ .. عطاء حسابًا

چنانچه <حساب> به معنای اسم مفعول (محاسبه شده) باشد، مراد از جزاء حساب شده، جزائی است که با میزان اعمال تقوای پیشگان مناسب باشد.

تناسب عمل و پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۳

۳ - مؤمنان به تناسب عملکرد خویش ، برخوردار از بهشت های متفاوت *

و لمن خاف مقام ربّه جنتان .. و من دونهما جنتان

در صورتی که <دونهما> به معنای مرتبه پایین تر باشد، احتمال می رود که دو بهشت قبل مخصوص خائفان و این دو بهشت فروتر، از آن کسانی باشد که در مرتبه پایین تر قرار دارند.

جاودانگی پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۶ - ۷

۷ - پاداش مؤمنان نیک کردار ، هرگز کاهش نیافته و پایان نمی پذیرد .

فلهم أجر غير ممنون

<مَنَّ> (مصدر <ممنون>)، به معنای <قطع کردن> است و معنای <کاهش دادن> نیز برای آن گفته شده است. (صحاح اللغة)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۵

۵ - دستیابی مؤمنان دارای عمل صالح به پاداش بی منت و پایان ناپذیر ، حقیقتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب است .

فما يكذبك بعد بالدين

چنانچه <دین> به معنای جزا باشد (مفردات)، از مصادیق بارز آن اجری خواهد بود که در آیه قبل، به مؤمنان بشارت داده شد.

جبران پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۸

۸- خداوند ، همراه با مؤمنان و تدارک کننده پاداش اعمال آنان ، بی کموکاست

و الله معكم و لن يترككم أعملكم

<وتر> (مصدر <یتر>) به معنای کاستن و کم کردن است.

حتمیت پاداش آخرت طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۵

۵- منافع اخروی آخرت طلبان ، برخلاف امکان شکست و ناکامی دنیا طلبان در رسیدن به اهدافشان ، قطعی و تضمین شده است .

و من یرید العاجله .. ما نشاء لمن نرید ... و من أراد الآخره ... کان سعیهم مشکور

حتمیت پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۹ - ۷

۷ - بازگشت به خداوند و دریافت کیفر یا پاداش او در

سرای آخرت ، فرجام قطعی انسان ها است .

و ظَنُّوا أَنَّهُمۡ إِلَيْنَا لَا يَرْجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۳

۳ - کیفر و پاداش اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إِن كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ

با این که مسأله کیفر و پاداش اخروی، امری است که در آینده باید تحقق یابد، به کار گیری قالب ماضی (کنتم) برای بیان مطلب یاد شده است.

حتمیت پاداش شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۹

۲۹- تضمین قطعی پاداش شهیدان ، از سوی خداوند

و الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَلَهُمْ

<فلن يضلّ.. > می تواند ناظر به آخرت باشد.

حتمیت پاداش صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۹،۱۰

۹ حفظ عزت بنیامین و درمانده و خوار نگشتن او به مانند دیگر برادرانش ، نشانه ضایع نشدن پاداش تقوایندگان صبور و نیکوکار است .

قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

۱۰ اقتدار و عزت یوسف (ع) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقوایندگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

حتمیت پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۰ - ۱

۱- پاداش مؤمنان دارای عمل صالح ، حتمی بوده و از جانب خداوند ، تضمین شده است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ مَنْ

أحسن عملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۷

۷ - پاداش مؤمنانی که عمل صالح دارند ، هرگز کاسته یا قطع نخواهد شد .

لهم أجر غير ممنون

از معانی <مَنْ> قطع است و معنای <نقص> نیز برای آن گفته شده است. (لسان العرب)

حتمیت پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۲ - ۴

۴ - تمامی آدمیان ، بی کمترین ظلم و کاستی به نتایج اعمال خویش خواهند رسید .

و خلق الله... و لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لایظلمون

مجهول آمدن فعل <تجزی> می نمایاند که هر چند آدمیان رغبت به دریافت جزای اعمال خود نداشته باشند، به ایشان جزا داده خواهد شد.

حتمیت پاداش عمل پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۰ - ۶

۶ - خداوند ، هیچ یک از اعمال نیک را بدون اجر و مزد نخواهد گذاشت .

إنا لانضیع أجر من أحسن عملاً

نکره بودن <عملاً> در این جمله، دال بر اطلاق است، لذا شامل هر گونه عمل کوچک یا بزرگ، کم یا زیاد می شود.

حتمیت پاداش عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۹

۱۹ اجر و پاداش عمل نیک مؤمنان ، در پیشگاه الهی محفوظ بوده و ضایع نخواهد شد .

إن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۶ - ۶

۶ - کوچک ترین عملکرد شایسته و نیک آدمی

، بدون پاداش نخواهد بود .

من عمل صلحاً .. و ما ربك بظلم للعبيد

از تنکیر <صالحاً> که می تواند برای تقلیل برداشت یاد شده به دست می آید.

حتمیت پاداش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۹،۱۰

۹ حفظ عزت بنیامین و درمانده و خوار نگشتن او به مانند دیگر برادرانش ، نشانه ضایع نشدن پاداش تقوایندگان صبور و نیکوکار است .

قد من الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

۱۰ اقتدار و عزت یوسف (ع) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقوایندگان صبور و نیکوکار است .

قد من الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

حتمیت پاداش محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۵

۵ خداوند ، از اجر و پاداش نیکوکاران نمی کاهد و آنان را از پاداش کردارشان محروم نمی سازد .

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۹،۱۰

۹ حفظ عزت بنیامین و درمانده و خوار نگشتن او به مانند دیگر برادرانش ، نشانه ضایع نشدن پاداش تقوایندگان صبور و نیکوکار است .

قد من الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

۱۰ اقتدار و عزت یوسف (ع) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقوایندگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۰ - ۵

۵- خداوند ، پاداش نيكوکاران را ضايع نخواهد کرد .

إِنَّا لَنُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۱۸ - ۶

۶- پاداش نيكوکاران ، حكم تقدير شده و تغييرناپذير خداوند و در مكان هايي ارجمند است . *

إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَّيْنِ

مراد از <كتاب>، ممكن است <مكتوب> (از ماده <كتابت> به معنای قضاء) باشد. در اين صورت <كتاب الأبرار>؛ يعنى، پاداشی كه خداوند برای <ابرار> مكتوب و محتوم ساخته است.

حتميت پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۹

۱۹ اجر و پاداش عمل نيك مؤمنان ، در پيشگاه الهی محفوظ بوده و ضايع نخواهد شد .

إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۰ - ۱

۱- پاداش مؤمنانِ دارای عمل صالح ، حتمی بوده و از جانب خداوند ، تضمين شده است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - وعده خداوند درباره اعطای پاداش بهترین عمل به اعمال مؤمنان ، وعده ای قطعی و تخلف ناپذیر است .

و الذين ءامنوا .. و لنجزينهم أحسن الذي كانوا يعملون

<لام> و <نون تأکید> در <لنجزيتهم> دلالت بر حتمیت دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - حاکمیت خداوند بر قوای هستی ، نشانگر قدرت او بر پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنت .. و يعدب المنافقین ... و المشرکین ... و لله

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - ضایع نشدن کمترین تلاش انسان مؤمن ، در پرتو اطاعت از خدا و رسول

و إن تطیعوا الله و رسوله لایلکم من أعملکم شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۷

۷ - پاداش مؤمنانی که عمل صالح دارند ، هرگز کاسته یا قطع نخواهد شد .

لهم أجر غیر ممنون

از معانی <منّ > قطع است و معنای <نقص > نیز برای آن گفته شده است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۵

۵ - دستیابی مؤمنان دارای عمل صالح به پاداش بی منت و پایان ناپذیر ، حقیقتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب است .

فما یکذبک بعد بالدین

چنانچه <دین > به معنای جزا باشد (مفردات)، از مصادیق بارز آن اجری خواهد بود که در آیه قبل، به مؤمنان بشارت داده شد.

خدا و تزییع پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۵

۲۵ - نمازهایی که پیش از تغییر قبله به سمت بیت المقدس خوانده شده بود ، مورد پذیرش خدا بوده و اجرش ضایع

نخواهد شد .

و ما كان الله ليضيع إيمانكم

تغییر قبله یا نوید به تغییر آن، این پرسش را برای مسلمانان در پی داشت که: نمازها و عبادتهای انجام شده به سوی بیت المقدس آیا محکوم به بطلان است. جمله <و ما كان...> پاسخ به این پرسش می باشد.

دوستی با مایوسان از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۶

۶ - مایوسان از رحمت حق و ثواب اخروی ، غیرقابل اعتماد و ناشایست برای دوستی و موذت

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا .. قَدْ يَسْؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ

جمله <قد يسؤوا> به منزله تعلیل برای <لاتتولوا> می باشد.

زمینه پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۴

۱۴ - الوهیت خداوند مقتضی کیفر و پاداش به بندگان است .

ليجزي الله .. إن الله سريع الحساب

از آمدن لفظ جلاله <الله> و تکرار آن در یک آیه، بدون اینکه نیازی به تصریح آن باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۴

۴ - ربوبیت الهی ، مقتضی بازپرسی و کیفر و پاداش دادن در برابر اعمال و رفتار آدمی است .

فوربك لنسئلنهم أجمعين . عما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۴ - ۷

۷- ربوبیت الهی ، مقتضی دادن پاداش و یا کیفر به انسانهاست .

رَبِّكُمْ .. . إِنَّ يَشَأْ يَرْحَمَكُم أَوْ إِنَّ يَشَأْ يُعَذِّبَكُم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۰

۸- تقوا، زمینه ساز برخورداری انسان از بشارت های قرآن و دستیابی به پاداش های الهی

لتبشّر به المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۸

۸- آگاه نبودن انسان ها به زمان برپایی قیامت، زمینه ساز مداومت آنان بر کار های خویش و به وجود آمدن استحقاق پاداش و کیفر است.

أکاد أخفيها لتجزى كل نفس بما تسعى

لام در <لتجزى> در برداشت فوق تعلیل برای <أکاد أخفيها> گرفته شده است؛ در این معنا، ترکیب جمله در اصل <لتسعى كل نفس فتجزى بما تسعى> خواهد بود و حاصل معنی این که اراده کردم قیامت را مخفی بدارم تا همه به تلاش خود ادامه دهند و نتایج کردار خود را ببینند؛ این سخن ناظر به حالت روانی انسان ها است که اگر زمان مرگ خود و نابودی جهان را بدانند، بسیاری از تلاش های خود را رها خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۲

۲- نگه داشتن اعمال نیک تا صحنه قیامت و از دست ندادن آنها در نتیجه گناه، شرط بهره‌وری انسان از ثمرات آن

من جاء بالحسنة فله خير منها

واژه <جاء> می تواند اشاره به این داشته باشد که اعمال نیک، در صورتی ثمربخش است که انسان بتواند تا پایان عمر آن را حفظ کرده و با گناهان خود موجبات حبط آن را فراهم نکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - نقش

ممتاز صبر و شکیبایی ، در سعادت و بهره مندی انسان از پاداش های الهی و مقامات معنوی

إِنَّمَا يُوفَى الصَّبْرُونَ أَجْرَهُمْ بغير حساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۷۸

۷ - احسان ، موجب بهره مندی از پاداش بهترین عمل ها

ذَلِكَ جِزَاءَ الْمُحْسِنِينَ .. و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

۸ - برخوردار شدن از پاداش بهترین عمل ها ، انگیزه محسنان از احسانشان

ذَلِكَ جِزَاءَ الْمُحْسِنِينَ .. و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۳ - ۶،۹

۶ غفران الهی و پاداش عظیم او ، در انتظار رعایت کنندگان ادب و احترام محضر پیامبر (ص)

لهم مغفرة و أجر عظیم

۹ برخورداری از تقوای الهی ، زمینه ساز غفران و پاداش عظیم خداوند

امتنح الله قلوبهم للتقوى لهم مغفرة و أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶ - ۳

۳ - توجه به نظارت ربوبی و مداوم خداوند بر خلق ، زمینه ساز مراقبت جدی بر عمل و برخورداری از پاداش عظیم الهی

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <مقام ربّه> جایگاه ربوبیت خداوند باشد که همواره بر خلق اشراف دارد و هرگز از آن غفلت نمی کند و سزا است که خلق، از چنین نظارتی بیم داشته باشند.

زمینه پاداش ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۱ - ۳

۳ - عبودیت و

ایمان ابراهیم (ع) ، موجب دستیابی آن حضرت به پاداش هایی چونان پاداش های محسنان از سوی خداوند

كذلك نجزي المحسنين . إِنَّه من عبادنا المؤمنين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله < إِنَّه من عبادنا المؤمنين > تعلیل برای جمله < كذلك نجزي المحسنين > است یعنی، چون ابراهیم(ع) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او چونان پاداش محسنان، پاداش دادیم (مقصود فرزندان شدن و برجا ماندن نام نیک آن حضرت می باشد.)

زمینه پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۱

۱۱ عمل صالح ، شرط بهره مندی اهل ایمان از پاداش های اخروی

ليجزي الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۹ - ۵، ۲

۲ عمل صالح ، شرط بهره مندی اهل ایمان از پاداش های اخروی است .

إن الذين ءامنوا و عملوا الصلحت .. فی جنت النعیم

۵ ایمان توأم با عمل ، شرط بهره مندی از حمایت و هدایت مستمر و دایم الهی و برخوردار شدن از پاداش های اخروی است .

إن الذين ءامنوا و عملوا الصلحت .. فی جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱۴

۱۴ - دستیابی به سعادت و پاداش های اخروی ، در گرو صبر و شکیبایی است .

ویلکم ثواب الله خیر .. و لایلقیها إلا الصبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۳

۳ - دستیابی به پاداش

برتر الهی در جهان آخرت ، در گرو داشتن اعمال نیک است .

من جاء بالحسنة فله خير منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۱

۱ - تقدیر مرگ از سوی خداوند ، به منظور کیفر و پاداش دادن به آدمیان در سرای دیگر (جهان آخرت)

نحن قدرنا بینکم الموت .. فلولا ان کتتم غیر مدینین

برداشت یاد شده با توجه به تفریح <فلولا ان کتتم> بر <نحن قدرنا بینکم الموت> است. کلمه <مدینین> می تواند مشتق از <دین> (جزا) باشد یعنی، <ان کتتم غیر مجزین>. و نیز می تواند مشتق از <دان السلطان الرعیه إذا ساسهم و تعبدهم> باشد چنان که برخی از مفسران این را گفته اند. برداشت بالا با توجه به معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۶ - ۲

۲ - برپا ساختن قیامت برای کیفر و پاداش ، نمودی از کمال خداوند و مبرا بودن ساحت او از هر نقص و کاستی

فسبح باسم ربک العظیم

تفریح <فسبح باسم ربک> بر مطالب پیشین (فأما ان کان من المقربین ..) حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۷

۲۷ - دستیابی مؤمنان به پاداش های موعود الهی در آخرت ، در گرو پایدار ماندن آنان بر ایمان و انجام اعمال نیک است .

و کلاً وعد الله الحسنی و الله بما تعملون خیر

جمله <و الله بما تعملون خیر> می تواند دربردارنده هشدار باشد. بر این اساس، هشدار الهی به مؤمنان مجاهد

و انفاق گر پس از این که به آنان وعده پاداش برتر اخروی داده است می تواند بیانگر این حقیقت باشد که مؤمنان مواظب باشند و بدانند که دستیابی آنان به آن وعده های الهی، در صورتی قطعی است که آنها همچنان بر ایمان و صراط مستقیمی که در آن قرار دارند، باقی بمانند.

زمینه پاداش اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، فراهم آورنده زمینه دستیابی تقوای پیشگان به پاداش های آخرت

رَبِّكَ

خطاب به پیامبر(ص) در <رَبِّكَ>، گویای آن است که آن حضرت در رسیدن متقین به بهشت و نعمت های آن، نقش اساسی داشته است.

زمینه پاداش الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۲ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان الیاس پیامبر (ع) ، موجب دستیابی او به پاداش هایی همچون پاداش های محسنان از سوی خداوند

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ> تعلیل برای <إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ> است؛ یعنی، چون الیاس پیامبر از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او همانند پاداش محسنان، پاداش دادیم . مقصود از آن باقی ماندن نام و آوازه نیک او می باشد.

زمینه پاداش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۱۱

۱۱ - معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای

آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خلق السموت و الأرض . . . و إليه المصیر

ذکر معاد انسان ها پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

زمینه پاداش عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ - ربوبیت خداوند ، مقتضی پاداش به دارندگان نیت خیر و سبقت گیرندگان در کار نیک

و عجلت إلیک ربّ لترضی

زمینه پاداش مضاعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۰ - ۴

۴ - عبودیت خالص برای خدا ، موجب جلب فضل او و بهره مندی از پاداش برتر در برابر اعمال و رفتار خویش

و ما تجزون إلا ما کنتم تعملون . إلا عباد الله المخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۵

۵ - ایمان و عمل نیک ، زمینه بهره‌وری از فضل و عنایات فزون تر خداوند

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و یزیدهم من فضله

زمینه پاداش موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۲ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان موسی و هارون (علیهما السلام) موجب دستیابی آنان به پاداش هایی همچون پاداش های محسنان از سوی خداوند

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا..> تعلیل برای جمله <إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ> است؛ یعنی، چون موسی و هارون (علیهما السلام) از مؤمنان و بندگان خالص

خدا بودند، به آنان چونان پاداش محسنان، پاداش دادیم. مقصود نجات از اندوه بزرگ و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان در تاریخ می باشد.

زمینه پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۸

۸ - غرض از عرضه امانت الهی بر انسان ها ، اعطای پاداش به مؤمنان است .

إِنَّا عرضنا الأمانة .. ليعذب ... و يتوب الله على المؤمنين و المؤمنات

زمینه پاداش نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان نوح (ع) ، موجب دستیابی او به پاداش هایی همانند پاداش های محسنان از سوی خداوند

إِنَّا كذلك نجزي المحسنين . إنه من عبادنا المؤمنين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنه من عبادنا..> تفسیر برای جمله <إنا كذلك نجزي المحسنين > است / یعنی، چون نوح(ع) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او همانند پاداش محسنان، پاداش دادیم. گفتنی است که مقصود از آن، اجابت دعا، نجات از مشکلات اندوه بار و باقی ماندن نسل و نام نیک آن حضرت در تاریخ می باشد.

زمینه پاداش نیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۴

۴ - وجود زمینه بهره مندی از پاداش های نیکوی الهی ، برای سخاوتمندان و تقوایندگان

من أعطی و اتقی . و صدق بالحسنى

زمینه پاداش هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۲۲ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان

موسی و هارون (علیهما السلام) موجب دستیابی آنان به پاداش هایی همچون پاداش های محسنان از سوی خداوند

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا..> تعلیل برای جمله <إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ> است؛ یعنی، چون موسی و هارون (علیهما السلام) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بودند، به آنان چونان پاداش محسنان، پاداش دادیم. مقصود نجات از اندوه بزرگ و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان در تاریخ می باشد.

زمینه عدالت در پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۲ - ۵

۵ - هدفمندی و حقانیت نظام جهان، مستلزم برپایی نظام عادلانه کیفر و پاداش

خلق... بِالْحَقِّ وَ لَتَجْزَى... وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ

در آیه شریفه پس از طرح حقانیت نظام هستی، به عدل الهی در نظام کیفر و پاداش اشاره شده است. از این نکته استفاده می شود که عدل در مجازات، لازمه حقانیت آفرینش است.

سرزنش تضييع پاداش محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۰ - ۹

۹- ضایع ساختن اجر و مزد نیکوکاران، امری نکوهیده و ناپسند است .

إِنَّا لَنَضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا

سنت پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت، سنت الهی است .

و كذلك نجزي المحسنين

فعل مضارع <نجزي> در عبارت <كذلك نجزي المحسنين> حاکی از استمرار است ، و در

برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۰ - ۱

۱ - پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۴

۴ - تضمین پاداش محسنان و نیکوکاران ، از سنت های خداوند است .

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۰ - ۱

۱ - پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۱

۱ - پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۳۱ - ۱

۱ - پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۴

۴ - سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکر گزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

كذالك نجزي من شكر

شخصی بودن پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۵

۵- هر فرد ، دریافت کننده تمامی اعمال خویش و پاداش و کیفر آن به شکلی کامل ، در جهان آخرت

و لِيُوقِيَهُمْ أَعْمَلَهُمْ وَهُمْ لَا يَظْلَمُونَ

شرایط ازدیاد پاداش

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۷، ۱۶

۱۶ - خداوند ، محسنان و پاکدامنان بنی اسرائیل را - در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس - به پاداشی افزونتر از دیگران نوید داد .

قولوا حطه نغفر لكم خطيكم و سنزید المحسنين

۱۷ - اطاعت کنندگان دستورات خدا - در صورت نیکوکار بودن - از پاداشی افزونتر از دیگران ، بهره مند خواهند شد .

و سنزید المحسنين

شرايط پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۱۱

۱۱ - قرین بودن ایمان با عمل نیک ، شرط ثمربخشی آن است .

المؤمنين الذين يعملون الصلح ان لهم اجراً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۵

۵ - همراهی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری از پاداش نیک است .

من ءامن و عمل صلحاً فله جزاء الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۸

۸ - آمیختگی عقیده و عمل (ایمان و تقوا) ، شرط برخورداری از پاداش الهی

و ان تؤمنوا و تتقوا يؤتكم اجرکم

خداوند، ایمان و تقوا را در کنار هم زمینه دریافت پاداش قرار داده است؛ از آن جا که <ایمان>، بیشتر بر عقیده اطلاق می شود و <تقوا> در عمل تجلی می یابد، می توان به مطلب یاد شده پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۴

۴۴- آمیختگی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری مؤمنان از مغفرت

و پاداش عظیم الهی

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۲

۲ - نیک کرداری به همراه اجتناب از گناهان کبیره ، شرط برخورداری از پاداش الهی

و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى . الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

ذکر <الذین یجتنبون..> به دنبال <الذین أحسنوا> می تواند بیانگر شرط دوم برای بهره مندی انسان، از پاداش الهی باشد.

شرایط پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۲

۱۲ برخورداری از پاداش های الهی در آخرت ، منوط به یکتاپرستی ، پرهیز از شرک ، پذیرش رسالت پیامبر (ص) و استغفار از گناهان است .

ألاً تعبدوا إلاّ الله .. یؤت کل ذی فضل فضله

استفاده برداشت فوق از آیه ، بر اساس این احتمال است که: جمله <یؤت ..> بیانگر پاداش اخروی باشد. وجود <إلی أجل > در جمله قبل و نبود آن در این جمله ، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۶

۶ ایمان و ملازمت بر تقوا شرط بهره مندی از پاداش های اخروی است .

و لأجر الآخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

<کان > و مانند آن همراه مضارع حکایت از استمرار در زمان گذشته دارد. ملازمت به تقوا در برداشت فوق ، از نکته یاد شده استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۹

۹ - همراهی ایمان

و عمل صالح ، از شرایط بهره‌وری از ثواب اخروی است .

ثواب الله خير لمن ءامن و عمل صلحًا

شرایط پاداش انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - اخلاص و انگیزه‌ خدایی داشتن ، شرط انفاق مقبول و دارای پاداش

و أنفقوا ممّا رزقنهم سرًّا و علانیه

از این که عالمان خداترس، در همه حال (نهان و آشکار) انفاق می کنند، نشانگر اخلاص آنان است و خداوند از چنین انفاقی ستایش کرده و برای آن پاداش مقرر فرموده است.

شرایط پاداش ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۲

۲ - توأم بودن ایمان و عمل صالح ، شرط پاداش آفرینی آن دو است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا و عملوا الصلحت لهم جنّٰت

شرایط پاداش عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۷

۷- ثمربخشی اعمال نیک ، در پرتو پذیرش پیام وحی و گردن نهادن به آن از روی رغبت و میل

کرهوا ما أنزل الله فأحبط أعمالهم

از مفهوم آیه شریفه، مطلب بالا- استفاده می شود؛ یعنی، اگر عمل همراه با کراهت و ناخشنودی نباشد؛ بلکه از روی طوع و رغبت و برای خداوند صورت گیرد، باقی مانده و ثمر خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۲

۲ - توأم بودن ایمان و عمل صالح ، شرط پاداش آفرینی آن دو است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ

شرايط پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۶

۶- داشتن عمل صالح ، شرط بهره مندی مؤمنان از پاداش بزرگ الهی

و يبشر المؤمنين الذين يعملون الصلحت أن لهم أجرًا كبيرًا

ضامن پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۸

۸- داوری بی نظیر خداوند ، پشتوانه اجر بی پایان مؤمنان شایسته کردار

فلهم أجر غير ممنون .. أليس الله بأحكم الحكمين

ظلم امتناع از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱۳

۱۳- منع از پاداش اخروی ، هرچند اندکی از آن ، ظلم است .

ولا يظلمون شيئًا

عجله در پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱۲

۱۲- تسريع در پاداش و تأخير در مجازات ، امری لازم است . *

من ظلم فسوف نعذبه ... من ءامن ... فله جزاء الحسنی

ذکر <سوف نعذبه> با أدات استقبال، در قبال <فله جزاء الحسنی> به صورت قطعی و بدون أدات استقبال، می تواند اشاره

به برداشت فوق باشد.

عدالت در پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱۱

۱۱ - عدل الهی ، در رسیدگی به اعمال انسان ها و پاداش دهی به ایشان

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱۱

۱۱ - عدل الهی در رسیدگی به اعمال انسان ها و پاداش دهی به آنان

لها ما کسبت

و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۳

۳ آگاهی کامل خداوند به ناچیزترین اعمال، تضمین کننده عدالت در مجازات ها و پاداش های الهی

كان الله بهم عليماً. انّ الله لا يظلم مثقال ذره

ظاهراً جمله <ان الله...>، نتیجه ای است مترتب بر آگاهی خداوند. یعنی چون خداوند آگاه به تمامی جهات است، ظلم نمی کند. زیرا از ریشه های ظلم، جهل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۳۸

۳ زنان و مردان، همسان در بهره مندی از پاداش ایمان و عمل صالح خویش

و من يعمل من الصلحت من ذكر او انثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

۸ در نظام جزا و پاداش الهی کمترین ستمی راه ندارد.

من يعمل سوءاً یجز به .. فأولئك يدخلون الجنة و لا یظلمون نقیراً

<نقیر> به فرو رفته گی در هسته خرما گفته می شود و کنایه از چیز اندک و حقیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۴

۱۴ تأمین کمترین هزینه جهاد، در پی دارنده پاداش عادلانه الهی

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل الله یوف إلیکم و أنتم لا تظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۳

۱۳ عدالت خداوند در پاداش دهی

و یؤت کل ذی فضل فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۴،۱۵

۱۴ - کمترین ظلم

و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادت‌مندان وجود ندارد .

فمن أوتى كتبه بيمينه . . . و لا يظلمون فتيلاً

۱۵- توجه به حاکمیت عدل بر نظام کیفر و پاداش اخروی ، گرایش دهنده انسان ها به انجام اعمال و رفتار خوب و دارای پاداش

فمن أوتى كتبه بيمينه . . . و لا يظلمون فتيلاً

از اینکه خداوند، نظام پاداش دهی خود را در قیامت، برای مردم تشریح می کند، می تواند به منظور تشویق انسانها به انجام اعمالی باشد که پاداش الهی را در پی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۲ - ۵

۵ - پاداش اعمال در قیامت ، عادلانه و به دور از هرگونه نقص و کاستی است .

و من يعمل . . . فلا يخاف ظلماً و لاهضماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۲،۳

۲ - تناسب و مطابقت کامل کیفر و پاداش الهی ، با رفتار و کردار بندگان

و وقیت كل نفس ما عملت

حذف مضاف در <ماعملت> که در اصل <جزاء ماعملت> است می تواند گویای این نکته باشد که جزای الهی، آن چنان با رفتار بندگان تناسب و مطابقت دارد که گویا، آنچه داده می شود خود عمل است نه جزای آن.

۳ - پاداش و کیفر مطابق و متناسب با رفتار ، پاداش و کیفری است عادلانه و به حق .

و هم لا يظلمون . و وقیت كل نفس ما عملت

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، به منزله بیان برای جمله <و هم لا يظلمون> می باشد؛ یعنی، ظلم

نشدن در حق بندگان به این خاطر است که هر کسی مطابق آنچه انجام داده، جزا خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۶ - ۵

۵ - عدالت در نظام مجازات و پاداش ، از شئون ربوبیت الهی است .

و ما رَبِّكَ بِظَلْمٍ لِّلْعَبِيدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۴،۵

۴ - در دیدگاه مؤمنان جن ، ایمان آورندگان به ربوبیت خدای یکتا ، از نقصان حق خویش و یا ستم شدن در مجازات ، بیم نداشته و در امان اند .

فَمَنْ يُؤْمِنْ بَرَّبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا

<رَهَقَ> در معانی <سفاهت> ، <گناه> ، <کذب> و <ظلم> به کار می رود ولی در این آیه معنای اخیر مراد است.

۵ - پاداش مؤمنان ، عادلانه و بی کم و کاست داده می شود .

فَمَنْ يُؤْمِنْ بَرَّبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا

عدالت در پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۲

۱۲ کیفر و پاداش الهی در قیامت ، بر پایه قسط و عدل است

ثم يعيده ليجزي .. بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۱

۱ - هرکس جزای اعمال خویش را در قیامت به طور کامل و بی کم و کاست ، دریافت خواهد کرد .

و وقیت کلّ نفس ما عملت

<توفیه> (مصدر <وقیت>) به معنای دادن کامل و بی کم و کاست چیزی است.

عظمت پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - پاداش الهی به مؤمنان ، بسی بزرگ است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر کبیر

عمومیت پاداش احسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۰ - ۷

۷ - > علی بن سالم ، قال سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : .. قول الله تعالى < هل جزاء الإحسان إلا الإحسان > جرت فی الکافر و المؤمن و البرّ و الفاجر و من صنع إليه معروف فعليه أن یکافیء به ... ;

علی بن سالم گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: .. قول خدای تعالی <هل جزاء الإحسان إلا الإحسان> درباره کافر و مؤمن، نیکوکار و بدکار جاری است. هر کس برای او کار نیکی انجام شود، بر او [لازم] است با نیکی آن را جبران کند.

عمومیت پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۱

۱ - نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

اليوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

>ما< در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت>؛ یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

عوامل ازدیاد پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۴

۴ سختی و دشواری عمل نیک ، معیاری در ارزش گذاری آن بوده و موجب افزونی ثواب و

پاداش است .

لقد تاب الله على النبي .. اتبعوه في ساعه العسره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۶

۶ استمرار و مداومت بر انجام عمل نیک ، افزون کننده پاداش آن عمل است .

ليجزيهن الله أحسن ما كانوا يعملون

به کارگیری فعل مضارع همراه با <کان> (کانوا يعملون) بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۱

۱۱ هر کس دارای اعمال صالح بیشتری باشد ، از ناحیه خداوند پاداش افزون تری دریافت خواهد کرد .

و يؤت كل ذي فضل فضله

مقصود از <فضل> عمل خیر افزون بر دیگران است و ضمیر در <فضله> به <کل> باز می گردد.

عوامل ازدیاد پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۲

۲ - آخرت گرایی ، موجب افزایش آثار و برکات عمل انسان است .

من كان يريد حرث الأخره نزد له فی حرثه

عوامل پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۰

۱۰- کيفر و پاداش الهی تنها در برابر مکتسبات و اعمال ارادی انسان است ، نه در مقابل امور ذاتی و فطری

ليجزي الله كل نفس ما كسبت

تصريح به اینکه کيفر و پاداش الهی در برابر کسب و تلاش خود انسان است (ما کسبت)، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۶

۶- پایبندی به تعهدات و پیمان ها ، موجب برخورداری

از پاداش های برتر الهی است .

و لا تشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً .. و لنجزينّ الذين صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۷

۷- خداوند ، پاداش دهنده مؤمنان نیک کردار بر اساس بهترین عمل آنان

من عمل صلحاً .. و هو مؤمن ... و لنجزينّهم أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - پاداش دیدن و به کیفر رسیدن انسان ها ، محصول کردار و تلاش خود آنها است .

لتجزى كلّ نفس بما تسعى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۹

۹ - حفظ و نکوداشت امانت الهی پاداش دارد و تضييع آن عذاب آور است .

إنّا عرضنا الأمانة .. ليعذب الله المنافقين ... و يتوب الله على المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۵

۵ - انتساب به خوبان (چونان پیامبران) ، هیچ تأثیری در سرنوشت اخروی و کیفر و پاداش الهی ندارد .

إذ نجّينه و أهله أجمعين . إلا عجوزاً فى الغبرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۹ - ۱

۱ - تلاش و سعی انسان ، تنها ضامن دسترسی او به پاداش الهی

و أن ليس للإنسن إلا ما سعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۷

۷ - مبتنی بودن جزای الهی

بر عملکرد خود انسان ، پیام مشترک تمامی پیامبران

أَمْ لَمْ يَتَّبِعُوا بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى . وَإِبْرَاهِيمَ ... وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ... ثُمَّ

از ارتباط آیات شریفه، مطلب بالا استفاده می شود.

عوامل پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۶

۶- رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت است .

ليجزي الله كلّ نفس ما كسبت

از اینکه خداوند در پاداش و کیفر مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخت (ما کسبت)، استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است نه چیز دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۸

۸- نقش اساسی و محوری عمل صالح ، در دستیابی به سعادت و پاداش اخروی

من عمل صالحًا .. و هو مؤمن ... و لنجزينهم أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

برداشت فوق، به خاطر این است که در آغاز آیه اثربخشی عمل، مشروط به ایمان شده است (من عمل صالحاً .. و هو مؤمن) در عین حال در پایان آیه پاداش اخروی تنها منوط به عمل دانسته شده و از ایمان سخن به میان نیامده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ - سعی و تلاش آدمی در عبادت و نماز ، در پی دارنده پاداش حتمی در قیامت است .

فاعبدني و أقم الصلوة .. لتجزي كلّ نفس بما تسعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - پاداش و کیفر انسان در قیامت ، برخاسته از کردار دنیوی او است .

فلسیتها .. الیوم تنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۲،۳

۲ - کیفر و پاداش الهی در قیامت ، معلول چگونگی رفتار خوب و بد انسان ها است .

الیوم تجزی کل نفس بما کسبت

<باء> در <بما کسبت> برای سببیت است؛ یعنی، <تجزی بسبب ما کسبت و جزاء مناسباً لما کسبت> .

۳ - رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت

الیوم تجزی کل نفس بما کسبت

از این که خداوند در پاداش و کیفر، مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخته است (بما کسبت) استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است؛ نه چیز دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۶

۶ - پاداش ها و کیفر های آخرت ، چیزی جز کردار انسان نیست .

یصدر الناس أشتاتاً لیروا أعمالهم

عوامل پاداش مضاعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱۸

۱۸ - دوستی عترت پیامبر (ص) ، موجب بهره مندی مؤمنان از پاداش مضاعف الهی

إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّجِدْ لَهَا فِيهَا حَسَنًا

مراد از <من> در <من يقتترف حسنه> به قرینه ذکر آن پس از <إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ> مؤمنان دوستدار عترت هستند. گفتنی است که در برداشت یاد شده مراد از <نزد له فيها حسناً> طبق

نظر عده ای از مفسران افزایش پاداش الهی در نظر گرفته شده است.

عوامل محرومیت از پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۱۶، ۱۳

۱۳ آدمی با اعمال، خویش خود را محروم از خیر و ثواب می سازد و به ورطه هلاکت و تباهی می اندازد.

آن تبسل نفس بما کسبت

<بسل> به معنی منع و حبس است و نتیجه آن هلاکت و تباهی است. در لسان العرب آمده است: <أبسلت فلانا إذا أسلمته للهلكه>.

۱۶ بازیچه قرار دادن دین موجب تباهی و محرومیت از خیر و ثواب می شود.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا .. و ذکر به آن تبسل نفس

در آیه قبل سخن از بازیگری با دین بود و جمله <ذکر به ..> در مقام هشدار و بیان نتیجه کار آنان است.

غفلت از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم أیه الثقلان . فبأی ءالاء ربکم تکذبان

استفهام در <فبأی ءالاء> توییحی است و تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

فرجام غفلت از پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۹

۹- تباہی و هلاکت ، فرجام بی توجهی به آخرت و بی اعتنائی

به جزای اعمال است .

فلا یصدنک عنها .. فتردی

<تردی> از <ردی> به معنای هلاکت مشتق است و پی آمد شبهه افکنی های منکران معاد را بیان می کند.

فلسفه پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۶

۶ گذر از موقف های قیامت (حسابرسی ، کیفر ، پاداش و ...) غرض از گردآوری همگان در صحنه قیامت است .

ذلک یوم مجموع له الناس

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که <لام> در <له> برای بیان غایت و غرض باشد. بر این اساس مفاد جمله <ذلک یوم...> چنین می شود: روز قیامت روزی است که خداوند ، همگان را برای گذر از موقفهای آن روز گردآوری می کند.

فلسفه پاداش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ جلوگیری از تکرار رخدادی همچون کشته شدن هاییل ، فلسفه تعلق پاداش های عظیم خداوند بر پاسداری از جان انسانها

من اجل ذلک کتبنا .. و من احیایها فکانما احیا الناس جمیعاً

قانونمندی پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - بهره مندی انسان از نتیجه اعمال و تلاش های خویش ، قانون و مشیتی الهی است .

من کان .. نزد له فی حرثه و من کان ... نؤته منها

لحن آیه و انتساب فعل های <نزد> و <نؤته> به خداوند، حکایت از تدبیر، برنامه ریزی و مشیت او دارد که در آیه قبل
تحت عنوان <یرزق من یشاء> آمده

است.

مبنای پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۷ - ۹

۹ - عمل انسان ها ، مبنای پاداش دهی خدا است .

و لنجزینهم أحسن الذی كانوا يعملون

مجریان پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۳

۳ - روح و فرشتگان ، کارگزاران رسیدگی به کیفر و پاداش بندگان در قیامت

یوم یقوم الروح و الملائکه صفاً

صف بستن <روح> و <ملائکه>، حاکی از آمادگی آنان برای اجرای دستورات است. به قرینه آیات پیشین که سخن از کیفر و پاداش بندگان بود محدوده مأموریت آنان، رسیدگی به امور بهشتیان و دوزخیان است.

محدودیت پاداش در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - دنیا ، فاقد گنجایش و امکانات لازم برای جزای اعمال آدمیان است .

الساعة آتیه . .. لتجزی کل نفس بما تسعی

ضرورت برپایی قیامت برای تحقق جزا، اشاره به این نکته دارد که ظرف دنیا گنجایش جزا دادن به تلاش های خوب و بد را ندارد، لذا روز دیگر و شرایط دیگری باید فراهم گردد تا <جزا> بتواند تحقق یابد.

محرومان از پاداش خدا

۱۴ مؤمنانی که بازماندندشان از جهاد موجب خسارتی به جبهه مؤمنان شود ، مشمول پاداش الهی نیستند .

لايستوى القاعدون من المؤمنين غير اولى الضرر . .. كلاً وعد الله الحسنی

برداشت فوق بر این اساس است که <ضرر> به معنای زیان رسانی باشد؛

چنانچه در لسان العرب در معنای <لا- ضرر> آمده است: ای لا- یضر الرجل اخاه. و با توجه به اینکه <غیر> صفت <القاعدون> است، معنای جمله چنین می شود: بازماندگان از جنگ در صورتی که عدم حضورشان موجب ضرر به جبهه مسلمانان نگردد، از اجر و پاداش الهی بهره مند خواهند بود.

محرومیت از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۱۰

۱۰- > عن ابن عباس أن النبي (ص) قال: معنى الآية من كان يريد ثواب الدنيا بعمله الذي افترضه الله عليه لا يريد به وجه الله و الدار الآخرة عجل له فيها ما يشاء الله من عرض الدنيا و ليس له ثواب في الآخرة و ذلك ان الله سبحانه و تعالى يؤتیه ذلك لیستعین به علی الطاعة فیستعمله فی معصیه الله فیعاقبه الله علیه ;

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمود: معنای آیه <من كان يريد العاجله عجلنا له فيها ما يشاء> این است که با انجام اعمالی که خداوند بر او واجب گردانیده، تقرب به سوی خدا و روز آخرت را اراده نمی کند؛ بلکه پاداش دنیوی را اراده می کند، در دنیا آنچه را که خداوند بخواهد از نعمتهای دنیوی به او داده می شود و برای او در آخرت پاداشی نیست؛ چون خداوند سبحانه و تعالی آن را به او داده است تا در طریق طاعت کمکش کند؛ ولی او در معصیت خداوند آن را به کار می بندد. پس خداوند او را به خاطر این کار عذاب می کند.

محسنان و پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۳

۳ تنگنای حیات دنیا و گنجایش محدود آن ، نمی تواند ظرفی مناسب برای تأمین پاداش نیکوکاران باشد .

و لانضیع أجر المحسنین . و لأجر الأخره خیر للذین ... و كانوا یتقون

محل پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۷

۷ - دنیا ، عرصه آزمایش انسان ها و آخرت ، جایگاه پاداش و جایزه است .

لیبلو کم اَیکم أحسن عملاً

روشن است که برای هر آزمایش و مسابقه ای، پاداش و جایزه ای مقرر شده است و چون آزمایش و مسابقه بشر در تمام دوران حیات دنیوی است؛ بنابراین پاداش و جایزه او نیز باید در ظرف حیات دیگری مقرر شده باشد و این حقیقت در بینش الهی، در آخرت محقق خواهد شد. گفتنی است اگر مقصود از <حیات> در این آیه حیات اخروی باشد؛ مؤید دیگری برای اثبات مطلب یاد شده است.

مراتب پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۲

۱۲ - مؤمنانی که بر دشواری ها و سختی های راه ایمان صبر کنند ، از پاداشی گرانقدر برخوردار خواهند شد .

و بشر الصبرین

نیابردن متعلق بشارت و مشخص نکردن مژدگانگی صابران، به فخامت و ارجمندی آن اشاره دارد. (اقتباس از المیزان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ پاداش بزرگ الهی برای اجابت کنندگان دعوت خدا و رسول (ص) به نبردی دیگر در عین تحمّل

جراحات نبرد احد ، مشروط به احسان و تقوای آنان است .

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا .. لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا اجر عظیم

مفسران برآند که نبرد پیشین که مسلمانان در آن جراحتها دیدند، همان نبرد احد است. به دلیل وقوع این آیه پس از بیان نبرد احد و اینکه سخن از قرح به میان آورده است ؛ چنانچه درباره نبرد احد نیز فرموده بود: <ان یمسسکم قرح >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۴

۲۴ پاداش بزرگ از آن مؤمنان تقوای پیشه

و ان تؤمنوا و تتقوا فلکم اجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۸

۸ خداوند با لطف و تفضل خویش ، هر عمل نیکی را پاداشی عظیم عطا خواهد کرد .

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

لطف و تفضل از کلمه <من لدنه > استفاده شده است.

۱۰ ایمان و انفاق ، حسنه ای است که ، هر چند اندک باشد ، پاداش عظیم الهی را در پی خواهد داشت .

ماذا علیهم لو امنوا باللّٰه و الیوم الآخر و انفقوا .. و ان تک حسنه یضاعفها و یؤ

از مصادیق مورد نظر برای حسنه، به دلیل آیه قبل، ایمان و انفاق است.

۱۲ توجه به آگاهی خداوند بر کوچکترین انفاق ، و پاداش عظیم خداوند به انفاقگران ، درمان بخل و ترک احسان

و انفقوا .. و کان اللّٰه بهم علیماً. انّ اللّٰه لا یظلم مثقال ذرّه و ان تک حسنه

۱۳ پاداش عظیم خداوند ، جبران کننده خسارت های

و ماذا عليهم لو... انفقوا... و ان تك حسنه يضاعفها و يؤت من لدنه اجراً عظيماً

جمله <يضاعفها و يؤت من لدنه اجراً عظيماً> می تواند پاسخی باشد به این توهم که انفاق، موجب خسارت مالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ ارجاع داوری به پیامبر (ص) و دلتنگ نشدن از حکم و قضاوت وی، در پی دارنده پاداش بزرگ خداوند

فلا و ربك... اذا لاآتيناهم من لدنا اجراً عظيماً

برداشت فوق بر این منبست که مراد از <ما يوعظون> همان مسائلی باشد که در آیه ۶۵ مطرح شده است.

۲ پاداش بزرگ الهی، پیامد تسلیم همه جانبه در برابر احکام خداوند و عمل به مواعظ او

و يسلموا تسليماً... و لو انهم فعلوا ما يوعظون به... و اذا لاآتيناهم من لدنا

۳ جانبازی و هجرت (تحمل مشکلات و فداکاری در راه خدا)، موجب اجر بزرگ الهی *

و لو انهم فعلوا ما يوعظون به... و اذا لاآتيناهم من لدنا اجراً عظيماً

بنابر اینکه مراد از <ما يوعظون>، همان جهاد و هجرت باشد که در آیه قبل مطرح شد.

۴ ثابت قدمان در ایمان، بهره مند از پاداش بزرگ و ویژه خداوند

اشد تشيئاً. و اذا لاآتيناهم من لدنا اجراً عظيماً

در برداشت فوق، <اذا لاآتيناهم...>، نتیجه <اشد تشيئاً> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ مجاهدان در راه خدا، بهره مند از

پاداش بزرگ الهی ، چه کشته شوند و چه پیروز .

و من یقاتل فی سبیل اللّٰه فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۵

۱۵ خداوند ، مجاهدان را با اعطای مقامی بلند و پاداش بزرگ ، بر بازنشستگان از جهاد برتری داده است .

فَضَّلَ اللّٰهَ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً .. وَ فَضَّلَ اللّٰهَ الْمُجَاهِدِينَ

<اجراً عظیماً>، مفعولٌ به برای <فَضَّلَ> است و در <فَضَّلَ>، معنای عطا کردن تضمین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۶ - ۱،۲،۳

۱ پاداش های الهی ، دارای مراتب و درجات

فَضَّلَ اللّٰهَ .. اجراً عظیماً. درجات منه

۲ درجه ها و منزلت های اعطایی خداوند ، اجر بزرگ مجاهدان در راه او

فَضَّلَ اللّٰهَ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ اجراً عظیماً. درجات منه

۳ آمرزش و رحمت خاص خداوند نسبت به مجاهدان ، اجر بزرگ آنان

فَضَّلَ اللّٰهَ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ اجراً عظیماً. درجات منه و مغفره و رحمه

<مغفره> و <رحمه>، عطف بیان برای <اجراً عظیماً> است. و نکره آوردن کلمه <مغفره> و <رحمه> دلالت بر مغفرت و رحمتی خاص دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۵،۷،۸،۹،۱۰

۵ بهره مندی از پاداش بزرگ الهی در گرو انجام اعمال نیک به انگیزه جلب رضایت خداست .

و من يفعل ذلك ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتيه أجراً عظيماً

۷ نجوا ها و مذاکرات محرمانه برای دعوت مردم به کار های نیک ، موجب پاداش بزرگ

من نجویهم . . . و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات اللّٰه فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

۸ دعوت کنندگان مردم به دستگیری از مستمندان ، بهره مند از پاداش عظیم الهی

الا من امر بصدقه . . . فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

۹ فراخوانی مردم به همزیستی مسالمت آمیز ، دارای پاداشی عظیم الهی

الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس . . . نؤتیه أجراً عظیماً

۱۰ پاداش های الهی دارای درجات متفاوت و متناسب با انگیزه ها و رفتار آدمیان

و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات اللّٰه فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹

۹ وعده خداوند به برخورداری مؤمنان ، از پاداشی بس بزرگ

و سوف یؤت اللّٰه المؤمنین أجراً عظیماً

۱۰ منافقان تائب ، بهره مند از پاداش بزرگ خدا خواهند بود .

فأولئک مع المؤمنین و سوف یؤت اللّٰه المؤمنین أجراً عظیماً

۱۱ پاداش الهی ، دارای مراتبی مختلف است .

و سوف یؤت اللّٰه المؤمنین أجراً عظیماً

۱۲ وعده پاداش بزرگ ، و تهدید به دوزخ ، از روش های قرآن برای ترغیب مردم به ایمان و دوری از کفر و نفاق

إنّ المنفقین فی الدرک . . . و سوف یؤت اللّٰه المؤمنین أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۸، ۱۵، ۱۴، ۱۲

۱۲ مؤمنان به خدا، قیامت و قرآن، بر پا دارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات، از پاداش بزرگ الهی، برخوردار خواهند شد.

أولئك سنؤتيهم أجراً عظيماً

۱۴ ایمان، آنگاه در بهره مندی از پاداش بزرگ

الهی کارساز است که توأم با عمل باشد .

و المقيمين الصلوه .. و المؤمنون بالله و اليوم الاخر أولئك سنؤتيهم أجراً عظيماً

۱۵ بهره مندی عالمان از پاداش های بزرگ الهی در گرو ایمان و انجام اعمال صالح

لكن الرسخون .. و المؤمنون بالله و اليوم الاخر أولئك سنؤتيهم أجراً عظيماً

۱۸ پاداش های الهی دارای درجات و مراتب

أولئك سنؤتيهم أجراً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱

۱ مؤمنان دارای عمل صالح ، برخوردار از اجر کامل و فضل خداوند در قیامت

فاما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فيوفيههم أجورهم و يزيدهم من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹ - ۲،۵

۲ همراهی ایمان و عمل صالح ، زمینه جلب مغفرت و دستیابی به پاداش بزرگ الهی

وعد الله الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و اجر عظيم

۵ پاداش های الهی ، دارای مراتب است . *

و اجر عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۳،۱۶

۱۳ تضمین پاداش عظیم در برابر حفظ جان هر انسان ، نویدی از جانب خداوند بر بنی اسرائیل

كتبنا على بنی اسرائيل .. من احياها فکانما احيا الناس جميعاً

همسنگی حفظ حیات یک انسان با تمامی انسانها، می تواند کنایه از پاداش عظیم باشد.

۱۶ جلوگیری از تکرار رخدادی همچون کشته شدن هایبیل ، فلسفه تعلق پاداش های عظیم خداوند بر پاسداری از جان انسانها

من اجل ذلك كتبنا .. و من احياها فکانما احيا الناس جميعاً

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۴، ۱۶، ۱۷

۱۴ خداوند محسنان بنی اسرائیل را در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس ، به پاداشی افزونتر از احسانشان نوید داد .

سنزید المحسنين

۱۶ خداوند نیکوکاران بنی اسرائیل را در صورت اطاعت از فرمان های الهی ، علاوه بر بخشایش گناهان ، به پاداش افزونتر نوید داد .

سنزید المحسنين

در برداشت فوق محسنان مقابل گناهکاران قرار داده نشده، بلکه به معنای لغوی آن (نیکوکاران) گرفته شده است. بر این مبنا آیه شریفه ناظر به تقسیم بنی اسرائیل به دو گروه گنهکار و پاکدامن نیست، بلکه آنان را به دو گروه محسنان و غیر محسنان تقسیم کرده است. جمله <نغفر لکم ... > می رساند که خدا گناه همگان چه محسن و چه غیر محسن را خواهد بخشید، ولی به نیکوکاران پاداشی افزونتر عنایت خواهد کرد.

۱۷ اطاعت کنندگان از دستور های خدا در صورت نیکوکار بودن از پاداشی بیش از دیگر مطیعان بهره مند خواهند شد .

سنزید المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۴، ۵، ۶

۴ پاداش خداوند به مؤمنان مهاجر و مجاهد ، پاداشی بزرگ است .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. إن الله عنده أجر عظیم

۵ اجر و پاداش بزرگ ، تنها در نزد خداست .

إن الله عنده أجر عظیم

تقدیم <عنده> بر <اجر عظیم> می تواند برای افاده حصر باشد.

۶ مؤمنان مهاجر و مجاهد ، علاوه بر بهره مندی از رحمت و رضوان الهی و بهشت ،

از پاداشی ویژه و بزرگ در پیشگاه خداوند برخوردارند .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. و جنت ... إن الله عنده أجر عظیم

قرار گرفتن جمله <إن الله عنده أجر عظیم> که دارای معنایی عام و کلی است پس از ذکر پاداشهای گوناگون مؤمنانِ مهاجر و مجاهد، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگناها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب الله على النبي و .. الذین اتبعوه فی ساعه العسره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۵

۵ جهاد و تحمل هزینه های جنگ ، دارای بهترین پاداش در پیشگاه خداوند

لیجزیهم الله أحسن ما كانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که <أحسن> مفعول دوم برای <یجزی> باشد، یعنی، خداوند نیکوترین پاداش عمل را به مجاهدان خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰، ۱۱

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أولئک لهم مغفره و أجر کبیر

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجر کبیر> بهشت و موهبتهای اخروی است.

۱۱ دستیابی به پاداش بزرگ الهی (بهشت) در گرو بخشوده شدن گناهان است .

أولئک لهم مغفره و أجر کبیر

تقديم ذكرى <مغفرت> بر <أجر كبير> مي تواند اشاره به اين باشد كه: رسيدن به پاداش بزرگ الهی

و ورود به بهشت ، در گرو آمرزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۰، ۱

۱- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذين هاجروا في الله من بعد ما ظلموا لنبؤئهم في الدنيا حسنة و لأجر الأخره أ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

۱۰- پاداش اخروی هجرت در راه خدا ، بسی برتر از پاداش دنیوی آن است .

و الذين هاجروا في الله من بعد ما ظلموا لنبؤئهم في الدنيا حسنة و لأجر الأخره أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۴

۴- هر عمل نیک ، دارای مراتب مختلف در نیکی و پاداش های گوناگون و متناسب است .

و لنجزینّ الذين صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

اینکه خداوند اعمال صابران را به بهترین نوع عمل پاداش می دهد، نشانگر آن است که هر عمل نیک دارای انواع و مراتب مختلفی است که خداوند در مقام جزا، بهترین نوع آنها را ملاک قرار داده و به صابران عطا می فرماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۵، ۶

۵- مؤمنانی که همواره به کردار نیک مشغولند ، از پاداشی بزرگ برخوردارند .

و يبشر المؤمنين الذين يعملون الصلحت أن لهم أجراً كبيراً

۶- داشتن عمل صالح ، شرط بهره

مندی مؤمنان از پاداش بزرگ الهی

و يبشّر المؤمنین الذین يعملون الصلحت أن لهم أجرًا كبيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۰، ۲، ۱

۱ - اعمال خوب مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، در پی دارنده پاداشی از نوع پاداش بهترین عمل ها از سوی خداوند

رجال .. لیجزیهم الله أحسن ما عملوا

۲ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، از بهترین و بالاترین پاداش های الهی برخوردار خواهند بود .

رجال لاتلهیهم تجره و لایبع عن ذکر الله .. لیجزیهم الله أحسن ما عملوا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که کلمه <جزاء> پیش از <أحسن>، در تقدیر و مفعول دوم برای <لیجزی> باشد.

۱۰ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، به بهترین پاداش و فضل او امیدواراند .

رجال لاتلهیهم تجره و لایبع عن ذکر الله .. لیجزیهم الله أحسن ما عملوا و یزید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۴، ۶، ۳

۳ - پاداش الهی به مؤمنان ، بسی بزرگ است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر کبیر

۴ - سعادت و برخورداری از غفران و اجر بزرگ الهی ، در گرو توأم بودن ایمان و عمل صالح است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر کبیر

۶ - ایمان همراه با عمل صالح ، از موجبات آمرزش الهی و بهره مند شدن از اجر بزرگ خداوند

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر کبیر

۱۱ - پیامبر (ص) مأمور بشارت دادن پیروان قرآن و خداترسان به مغفرت و اجر ارزشمند و پر ب های الهی

من أتبع الذكر و خشى الرحمن بالغيب فبشره بمغفره و أجر كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۱۳، ۱۲، ۷

۷ - احسان ، موجب بهره مندی از پاداش بهترین عمل ها

ذلك جزاء المحسنين .. و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

۱۲ - هر عمل نیکی ، دارای مراتب مختلف در نیکی و پاداش های متناسب با آن است .

و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

این که خداوند به محسنان مطابق بهترین نوع عملشان پاداش می دهد، نشانگر آن است که هر عمل نیکی، دارای انواع و مراتب گوناگون است که خداوند در مقام جزا، بهترین نوع آن را ملاک قرار داده و به آنان عطا می کند.

۱۳ - گذشت و چشم پوشی خداوند از گناهان بزرگ ، بسی با اهمیت تر از پاداش های بزرگ او است .

ليكفر الله عنهم أسوأ الذي عملوا و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

از تقدم ذكرى <ليكفر الله.. > بر <يجزيهم...> می توان برداشت بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۱

۱ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از پاداش بی حساب و همیشگی خداوند

إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غير ممنون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <غیر ممنون> به معنای غیر منقطع و یا غیر قابل محاسبه باشد.

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - صلح حدیبیه و فتح مکه ، پاداش بزرگ الهی به ثابت قدمان بر پیمان با پیامبر (ص) *

و من أوفى . . . فسیؤتیه أجرًا عظیمًا

با توجه به این که پیمان یاد شده، قبل از انعقاد صلح حدیبیه صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نوید <فسیؤتیه..> بر صلح حدیبیه و فتح مکه منطبق شود که پس از این پیمان رخ داده است؛ زیرا اگر آن بیعت و پایداری نبود، نوبت به چنان پیروزی هایی نمی رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - جهاد در راه خدا ، دارای اجری بزرگ و ارجمند

ستدعون إلى قوم أولى بأس شديد . . . فإن تطيعوا يؤتكم الله أجرًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳،۴۴

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنان نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد الله الذين ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

۴۴- آمیختگی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری مؤمنان از مغفرت و پاداش عظیم الهی

الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۳ - ۱۰

۱۰ پاداش های الهی به مؤمنان ، دارای مراتب

أجر عظیم

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ - پاداش کامل اعمال مؤمنان ، جلوه رحمت خاص الہی بہ اہل ایمان

لا یتکم من

أعملكم شيئاً إنَّ الله... رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۳

۳ - مؤمنان به تناسب عملکرد خویش ، برخوردار از بهشت های متفاوت *

و لمن خاف مقام ربّه جنتان .. و من دونهما جنتان

در صورتی که <دوניהما> به معنای مرتبه پایین تر باشد، احتمال می رود که دو بهشت قبل مخصوص خائفان و این دو بهشت فروتر، از آن کسانی باشد که در مرتبه پایین تر قرار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۱۳

۱۳ - وعده پاداش بزرگ از سوی خداوند به مؤمنان انفاقگر

فالدین ءامنوا منکم و أنفقوا لهم أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۳

۲۳ - پاداش الهی به مجاهدان و انفاق گران در راه خدا ، بهترین و نیکوترین پاداش است .

و کلاً وعد الله الحسنی

<حسنى> (مؤنث <أحسن>)، به معنای نیکوتر است. گفتنی است که <الحسنی>، صفت برای موصوف محذوف است؛ یعنی، <و کلاً وعد الله المثوبه الحسنی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه که مؤمنان به او می دهند علاوه بر باز پس دادن چند برابر آن در دنیا پاداش نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان عطا خواهد کرد .

إِنَّ الْمَصْدَقِينَ . . . وَاَقْرَضُوا اللَّهَ ... وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ

واژه <کریم>، در هر مورد معنایی متناسب با همان جا دارد و در این

جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۵،۶،۷

۵ - اجر بزرگ ، در پیشگاه خداوند است .

و الله عنده أجر عظیم

۶ - رهایی از دلبستگی به اموال و اولاد و ترجیح دین داری بر وابستگی به آنها ، دارای پاداش بزرگ الهی است .

و الله عنده أجر عظیم

یادآوری پاداش بزرگ الهی، پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

۷ - توجه و ایمان به پاداش بزرگ الهی برای مؤمنان ، بازدارنده انسان از وابستگی به اموال و اولاد و گناه به خاطر آنها

و الله عنده أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۴،۱۲

۴ - قرض به خدا (انفاق) ، موجب بهره مندی از سود و پاداش مضاعف الهی است .

إن تقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعفه لكم

۱۲ - پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه تفضل و لطف ویژه خداوند به آنان است .

إن تقرضوا الله .. يضعفه ... و الله شكور حلیم

سپاس و تقدیر خداوند از انفاق گران با آن که سود انفاق به خود آنان باز می گردد نشانه تفضل و لطف ویژه الهی به انفاق گران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۸،۹،۱۰

۸- کسانی که تقوا پیشه کنند ، از اجر بزرگ الهی بهره مند خواهند شد .

و من یتق الله .. یعظم له أجراً

خداترسی و تقوایبشگی ، عامل دریافت اجری بزرگ از جانب خداوند

و من یَتَّقِ اللّٰهَ . . . یُعْظَمُ لَهُ أَجْرًا

۱۰ - رعایت تقوا از سوی مردان و زنان مطلقه ، موجب بهره مند شدن آنان از اجر بزرگ الهی

فَطَلَّقُوهُنَّ لَعَدَّتِهِنَّ . . . و من یَتَّقِ اللّٰهَ ... یُعْظَمُ لَهُ أَجْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۲ - ۱،۲،۳

۱ - خداترسان ، مشمول غفران عظیم خداوند و بهره مند از پاداش بزرگ او

إِنَّ الذِّینَ یُخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَیْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ کَبِیرٌ

تنکیر <مغفره> دلالت بر تعظیم دارد.

۲ - ترس از خدا در عین پنهان بودن او از انظار عامل جلب غفران و پاداش بزرگ الهی

إِنَّ الذِّینَ یُخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَیْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ کَبِیرٌ

<با> در <بالغیب> یا به معنای ملابست است و یا به معنای <فی>. در صورت اول <بالغیب> حال برای <ربهم> و در صورت دوم متعلق به <یخشون> خواهد بود. گفتنی است برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست می باشد.

۳ - ترس از خدا به دور از انظار مردمان و پیراسته از ریا ، موجب جلب غفران و پاداش بزرگ او است .

إِنَّ الذِّینَ یُخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَیْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ کَبِیرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۵

۵ - هدایت و تبلیغ دین و تحمّل سختی ها و ناگواری های برخاسته از آن ، دارای پاداشی بزرگ ، روز افزون و بی منت

و إِنَّ لَکَ لِأَجْرًا غَیْرَ مَمْنُونٍ

برداشت یاد شده، به سبب این نکته تردیدناپذیر است که اجر بزرگ پیامبر(ص)، به جهت

رسالت او و تحمل سختی های آن (از جمله تحمل تهمت های ناروا همچون تهمت جنون و ..) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۶

۶ - خداوند ، برای مؤمنانی که عمل صالح دارند ، پاداش بزرگی قرار داده است .

لهم أجر

نکره آوردن <أجر>، بیانگر عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - برخورداری از لطف و توجه خداوند ، شایسته ترین پاداش برای انفاق گرانِ باتقوا است .

الأتقی . الذی یؤتی ماله ... إلا ابتغاء وجه ربّه الأعلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۶ - ۶

۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، از پاداشی بزرگ برخوردار خواهند شد .

إلا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم أجر غیر ممنون

نکره بودن <أجر>، بر عظمت آن دلالت دارد.

مراتب پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۲

۲ پاداش نیکوکاران در سرای آخرت از نوع بهترین پاداشهاست .

للذین أحسنوا الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۹

۹ - احسان در دنیا ، در پی دارنده پاداش نیک و بزرگ الهی در جهان آخرت

لذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه

برداشت بالا بر این اساس مبتنی است که <فی هذه الدنيا> متعلق به <أحسنوا> و ظرف برای آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۷

- پاداش احسان کنندگان در قیامت ، پاداشی بزرگ و با عظمت است .

ذلك جزاء المحسنين

برداشت یاد شده از کاربرد <ذلك> (برای اشاره به شیء بعید)، استفاده شده است.

مراتب پاداش دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۷

۷ - پاداش احسان کنندگان در دنیا ، بسیار بزرگ و توصیف ناپذیر است .

للذين أحسنوا في هذه الدنيا حسنة

برداشت بالا از تنوین <حسنة> که برای تعظیم و تفضیم است استفاده می شود.

مراتب پاداش های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۷

۷ بهشت دارای مراتب ، و پاداش های اخروی ، دارای گونه های متکامل

جنت تجرى .. جنت عدن و رضون من الله أكبر

در برداشت فوق، از تمایز <جنات تجرى> و <جنات عدن> از یکدیگر مراتب بهشت، و از <رضوان من الله أكبر> تفاوت کمالی نعمتهای آن استفاده شده است.

مراد از پاداش مضاعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۱۱، ۱۰، ۹

۹ > عن ابی جعفر (ع) فی قوله > للذين احسنوا الحسنی و زیاده < فاما الحسنی ، الجنة و اما الزیاده فالدنیا ، ما اعطاهم الله فی الدنيا لم يحاسبهم به فی الآخره ... >

از امام باقر (ع) روایت شده که درباره سخن خدا که می فرماید: >برای کسانی که نیکی کرده اند، پاداشی نیکوتر و خیری
زیاده بر آن هست < فرمود: اما پاداش نیکوتر، بهشت است و اما زیاده بر آن، عطای خدا در

دنیاست. آنچه خدا در دنیا به آنان داده، در آخرت حساب آن را از ایشان نمی خواهد ... < .

۱۰ از علی (ع) روایت شده است : < الزیاده غرفه من لؤلؤه واحده لها أربعة أبواب >

مراد از زیاده در آیه شریفه، غرفه ای است از لؤلؤ یکپارچه که چهار در دارد.< .

۱۱ از رسول خدا (ص) روایت شده است : < الذین احسنوا > أهل التوحید و < الحسنی > الجنة و < الزیاده > النظر إلی وجه الله >

مراد از < کسانی که نیکی کرده اند، اهل توحید می باشد و < حسنی > بهشت و < زیاده > نظر به وجه الله است.< .

مستحقان پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۷

۷ مبلغان معارف دین ، مستحق پاداشند و پاداش دهنده ایشان ، خداوند است .

إن أجرى إلا علی الله

مشمولان پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۵

۴۵- از میان اصحاب پیامبر (ص) ، تنها پایداران بر طریق ایمان و عمل نیک ، برخوردار از مغفرت و پاداش عظیم الهی اند .

وعد الله الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

در صورتی که < من > در < منهم > برای تبعیض باشد > از آیه شریفه استفاده می شود که از میان کسانی که همراه پیامبرند، تنها بخشی از آنان که اهل ایمان و عمل صالح بوده و بر این وصف پایدار می باشند از مغفرت و اجر الهی برخوردارند.

مکان پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - دنیا ، محل تلاش و آخرت جای کیفر و پاداش و مواجه شدن با نتیجه تلاش است .

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ... لَتَجْزِي كُلَّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۷

۷ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش است .

يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - > عن زيد بن وهب إنَّ علياً (ع) قال : ... و لكنَّه جعل الدنيا دار الأعمال و جعل الآخره دار الجزاء و القرار > ليجزى الذين أساؤا بما عملوا و يجزى الذين أحسنوا بالحسنى < ... ;

زيد بن وهب گوید: امام علی (ع) فرمود: .. خداوند دنیا را خانه عمل و آخرت را منزل جزا و آرامش قرار داده است تا بدکاران را به کیفر بدی هایشان برساند و نیکوکاران را پاداش نیک دهد <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش الهی

و فى الآخره عذاب شديد و مغفره من الله و رضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۵ - ۳

۳ - دنیا ، محل تلاش و آخرت ، جای بهره مندی از تلاش ها است .

فإذا جاءت الطامة الكبرى . يوم يتذكر الإنسن ما سعى

بیان <یادآوری اعمال در قیامت>، صرفاً به منظور خبر از آینده نیست؛ بلکه بشارت

دادن و انذار انسان ها نسبت به فرجام اعمالشان است.

مکان پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰- دنیا، میدان عمل و آخرت صحنه دریافت پاداش و کیفر است .

یوم تأتی ... و توفی کلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - دنیا، عرصه تلاش و کوشش و جهان آخرت، عرصه اجر و پاداش

لذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه

مکذبان پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۷

۷ مشرکان، هیچ اعتقادی به روز رستاخیز و انتظار کیفر و پاداش الهی در آن روز را نداشته اند .

بل کانوا لایرجون نشورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۲

۲ - شرک پیشگان صدراسلام، منکر هر گونه کیفر و پاداش پس از مرگ

فلولا إن کنتم غیر مدینین

خطاب در آیه شریفه متوجه کسانی است که مرگ را پایان زندگی دانسته و درباره کیفر و پاداش پس از مرگ، موضع

انکار آمیز داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۱

۱ - گروهی از مدعیان اسلام در عصر بعثت ، جزای اخروی را دروغ دانسته ، آن را تکذیب می کردند .

الذی یکذب بالدين

<دين>، به معنای جزا است و در معانی <عادت>، <عبادت>، <حساب>، <طاعت>، <سیرت> و <ملت> نیز به کار می رود (قاموس). آیات بعد که

درباره نمازگزاران و ریاکاران سخن می گوید قرینه بر اراده معنای <جزا> و <حساب> است. از کلمات <مصلین> و نظایر آن که جمع آمده است استفاده می شود که مراد از <الذی> در این آیه، جنس است؛ هرچند در شأن نزول ها بر افرادی نظیر ولید و ابوسفیان، تطبیق داده شده است.

ملاک پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۶

۶ نیت ، ملاک ثواب و عقاب عمل

لا يؤاخذكم الله باللغو في ايمانكم و لكن يؤاخذكم بما كسبت قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۵

۵ عملکرد مردم ، تعیین کننده کیفر و جزای الهی است ، نه صرف انتساب به مکتب و یا دینی خاص !

ليس بامانيكم و لا امانى أهل الكتب من يعمل سوءاً يجز به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۸ - ۳

۳ - ایمان و فسق دنیوی ، ملاک پاداش و کیفر اخروی است .

أفمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا يستون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۲۰

۲۰ - تأثیر انگیزه ها و نیت های انسان ها در اعمالشان و نیز در چگونگی و میزان کیفر و پاداش آنان

فیتبتکم بما کنتم تعملون إنّه علیم بذات الصدور

خداوند به جای آن که بفرماید: من به اعمال پنهانی آنان آگاهم، فرمود: به باطن و ضمیر آنان آگاه هستم. این تعبیر می تواند

اشاره به حقيقت ياد شده باشد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۴

۴ - پاداش و کیفر الهی ، بر محور عملکرد نیک و بد آدمی قرار دارد .

ليجزي الذين أسوا بما عملوا ويجزي الذين أحسنوا بالحسنى

ملاک پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۴

۴ - کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره آنان ، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح (زبان ، دست و پای) خود آنها خواهد بود .

يوم تشهد عليهم ألسنتهم .. يومئذ يوفيهم الله دينهم الحق

جمله <يومئذ يوفيهم الله> استئناف بیانی است و پاسخ به این سؤال است که گواهی زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، برای چه منظوری است؟ پاسخ آیه شریفه این است که این گواهی، به منظور اعطای جزای کامل و عادلانه می باشد و این جزا بر پایه همین گواهی استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۵

۵ - عمل و رفتار انسان ، مبنای داوری خداوند و ملاک جزای او در قیامت است .

و وقيت كل نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۲

۲ - عمل و نوع رفتار آدمی ، معیار کیفر و جزای اخروی او است .

من عمل سيئه فلا يجزي إلا مثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - کیفر و پاداش انسان ها در قیامت

، مستند به گواهی شاهدان است .

یوم یقوم الأشهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - جزای انسان ها در قیامت ، براساس عملکرد دنیوی آنان است .

الیوم تجزون ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۲

۲ - مجازات و پاداش اخروی ، بر محور عملکرد خود انسان است .

و أن سعيه سوف یری . ثم ینجزیه الجزاء الأوفی

ضمیر <ه> در <ینجزاه> به <سعی> بازمی گردد.

ملاکک پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۳

۳ - پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

منشأ پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۶

۶ فضل الهی ، منشأ افزایش پاداش اهل ایمان

فاما الذين ءامنوا .. ويزيدهم من فضله

<من> در <من فضله> نشويه است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۷

۷ مبلغان معارف دين ، مستحق پاداشند و پاداش دهنده ايشان ، خداوند است .

إن أجرى إلا على الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۷،۱۰

۷- جزا دادن به بندگان (كيفر و پاداش) ، حق اختصاصی و دائمی خداوند است .

و له الدين واصبًا

<دين> دارای چند معناست و از جمله آنها جزاست. برداشت فوق بر اساس این

معنا می باشد.

۱۰- در انحصار خداوند بودن جزا (کیفر و پاداش) ، مقتضی اختصاص دادن ترس ، به ترس از او

و له الدین واصباً أفعیر الله تتقون

به تناسب موضوع (توبیخ ترس از غیر خدا)، احتمال دارد مراد از <الدین> جزا باشد. اینکه ترس از غیر خدا مورد سرزنش قرار گرفته ممکن است به خاطر این باشد که جزا منحصرأ در اختیار خداوند است و در این صورت، جایی برای ترس از غیر خدا نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۶

۶- خداوند ، عطاکننده بهترین پاداش ها و برترین فرجام ها است .

هو خیر ثواباً و خیر عقباً

<ثواب> به معنای <اجر و پاداش> است و <عقب> به معنای <عاقبت و فرجام>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۹ - ۵

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است ، نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

و ما أسئلكم .. إن أجرى إلا علی ربّ العلمین

آوردن <ربّ العالمین> به جای <الله> می تواند اشاره به مطلب یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۵

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است ، نه خلق سراپا نیاز و ضعیف .

و ما أسئلكم .. إن أجرى إلا علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۵

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او

است، نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

و ما أسئلكم عليه من أجر إن أجرى إلا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۵

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

و ما أسئلكم عليه من أجر إن أجرى إلا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۵

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است، نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

إن أجرى إلا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۶

۶ - پاداش اعمال بندگان ، بر خداوند الزامی نیست .

جزاء ... عطاء

توصیف نعمت های اخروی به دو وصف <جزاء> که در مقابل عمل است و <عطاء> که بدون توجه به عمل داده می شود حاکی از آن است که خداوند آنچه را در آخرت، برابر اعمال انسان به او می دهد، از روی تفضّل و احسان است، نه این که انسان استحقاق آن را داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، تنها تصمیم گیرنده صحنه های آخرت و کیفر و پاداش مردم

لا یملکون منه خطاباً

منشأ پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۸

۸ - کیفر و پاداش در سرای آخرت در اختیار

خداوند است .

يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۲

۲ - پاداش الهی در جهان آخرت ، براساس فضل و احسان و کيفر او ، برپایه عدل و انصاف خواهد بود .

من جاء بالحسنة فله خير منها و من جاء بالسيئة فلا يجزي . . . إلا ما كانوا يعملون

منشأ پاداش انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - پاداش انفاق گرانِ باتقوا ، مایه رشد و کمال آنان و برخاسته از ربوبیت و مقام والای خداوند است .

رَبِّهِ الْأَعْلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۳

۳ - خداوند ، تضمین کننده پاداش انفاق گرانِ باتقوا و برآورنده آرزوی آنان در رسیدن به مقام قرب الهی است .

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى . و لسوف يرضى

منشأ پاداش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۵

۵ - پاداش های بهشتیان ، عطا و تفضّل خداوند است .

عطاء

<عطاء> اسم مصدر و به معنای پرداختن و نیز به معنای چیزی است که به دیگری پرداخته می شود. راغب در <مفردات> می گوید: <این کلمه به جایزه و بخشش اختصاص یافته است.>

منشأ پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - مشیت خداوند ، برخورداری انسان ها از دستاورد تلاش و انگیزه خود آنان است .

یرزق من یشاء .. من کان

یرید ... و من کان یرید

منشأ پاداش مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۷،۹،۱۰

۷ - خداوند ، ضامن پاداش تلاشگران در راه دین و هدایت مردم

فخراج ربّك خیر

۹ - پاداش خدا ، بهترین و ارزشمندترین پاداش ها برای مبلغان الهی

فخراج ربّك خیر

۱۰ - ربوبیت الهی ، مقتضی پاداش به مبلغان دینی

فخراج ربّك خیر

منشأ پاداش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۷ - ۶،۸

۶ - پاداش رسانی به اهل تقوا در قیامت ، اقتضای تدبیر نظام هستی و لازمه ربوبیت خداوند بر جهان است .

جزاء من ربّك .. ربّ السموت و الأرض و ما بینهما

۸ - نعمت های بهشت و پاداش تقوای پیشگان در آن ، جلوه رحمت گسترده خداوند است .

جزاء من ربّك .. الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۳

۳ - خداوند ، تضمین کننده پاداش انفاق گرانِ با تقوا و برآورنده آرزوی آنان در رسیدن به مقام قرب الهی است .

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى . و لسوف يرضى

منشأ پاداش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۸

۸ - خدا ، عهده دار پاداش پیامبر (ص) در برابر ادای رسالت

فخراج ربك خير

منشأ پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۲

۲ - خدا ، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر

و الذين هاجروا في سبيل الله ..

لیرزقنهم الله رزقاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۸

۱۸ - خداوند ، پاداش عمل مؤمنان را بر اساس تفضل خویش و کیفر کافران را بر پایه عدل می دهد .

رجال .. لیجزیهم الله أحسن ما عملوا و یزیدهم من فضله ... و الذین کفروا ... فوف

برداشت یاد شده، از مقایسه میان دو گونه برخورد خداوند با مؤمنان و کافران به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۷

۷ - عزت و حکمت الهی ، مقتضی کیفر کافران و پاداش مؤمنان است .

فبشره بعذاب أليم .. لهم جنّٰت النعیم ... و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح را خواهد داد .

لیجزی الذین ءامنوا

ضمیر فاعلی <لیجزی> به <عالم الغیب> بازمی گردد.

منشأ پاداش مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۲

۲ - خدا ، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر

و الذین هاجروا فی سبیل الله .. لیرزقنهم الله رزقاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۹ - ۱

۱ - خدا ، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر در جهان آخرت

و الذین هاجروا .. لیدخلنهم مدخلاً یرضونه

منشأ پاداش های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۱ - ۲

۲ - بهشت و

پاداش های اخروی ، برخاسته از مقام ربوبیت خداوند است .

من خاف مقام ربّه .. . فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى

موانع پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۴

۴ رفتار و کردار بازدارنده از خیر و ثواب، از محرمات الهی است.

إنما حرم ربی .. . الإثم

کلمه <الإثم> به معنای افعالی است که مایه تأخیر در رسیدن به ثواب می شود. (مفردات راغب).

موجبات ازدیاد پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۳

۳ - موقعیت افراد ، در برخورداری شان از پاداش و کیفر الهی ، نقش دارد .

و إن کتبتَ تردن الله .. . فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ... أَجْرًا عَظِيمًا... من یأت منکن بفحشه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۱ - ۱،۴،۶

۱ - خداوند ، به همسران پیامبر ، در صورت اطاعت خاضعانه آنان از خدا و پیامبر (ص) و انجام عمل صالح ، وعده پاداش دوچندان داده است .

و من یقنت منکن لله و رسوله و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرتین

<قنوت> (مصدر <یقنت>) به معنای <اطاعت خاضعانه> است (مفردات راغب).

۴ - موقعیت افراد در برخورداری شان از پاداش مضاعف خداوند در مقابل عمل صالح شان نقش دارد .

و من یقنت منکّن لله و رسوله و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرتین

۶- برخوردارى همسران پیامبر از پاداش مضاعف الهی ، منوط به تداوم اطاعت و انجام دادن عمل صالح از سوى آنها است .

و من یقنت منکّن .. و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرتین

فعل

مضارع <یقنت> و <تعمل> استمرار را می رساند.

موجبات پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۹، ۱

۱ - مسلمانان ، یهودیان ، نصرانی ها و صابئان ، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح ، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد .

إن الذین ءامنوا .. فلهم أجرهم عند ربهم

مراد از <الذین ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبایی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرائثه بوده است.

۹ - رسیدن به پاداش های گران قدر الهی در گرو ایمان به خدا ، باور به قیامت و انجام اعمال صالح است .

من ءامن بالله .. فلهم أجرهم عند ربهم

مقید کردن اجر و پاداش به اینکه نزد خداوند است، اشاره به گران سنگی پاداش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۷، ۴، ۳، ۲

۲ - پاداش های الهی در گرو ایمان و رعایت تقوا (پرهیز از گناهان) است .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه من عندالله خیر

۳ - ایمان بدون پرهیز از گناهان و پرهیز از گناه بدون ایمان ، موجب بهره مندی از پاداش های الهی نخواهد شد .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه

۴ - یهودیان در صورت ایمان به پیامبر (ص) و قرآن و پرهیز از گناهان (سحر ، بی اعتنایی به کتاب های آسمانی و ...) از

پاداش

های الهی بهره مند می شدند .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه من عندالله خیر

مراد از ضمیر در <أنهم> به قرینه آیه ۹۹ و ۱۰۱ یهودیان کافر به پیامبر و قرآن است. قابل ذکر است که جمله <لمتوبه...> جانشین جواب شرط است و آن جواب جمله ای همانند <لأٹیوا> (همانا پاداش داده می شدند) است.

۷- خداوند ، خواهان آگاهی یافتن مردم به وابستگی پاداش های الهی به ایمان و تقوا

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه .. لو كانوا یعلمون

در برداشت فوق مفعول <یعلمون> حقیقتی گرفته شده که جمله شرطیه <لو أنهم...> آن را بیان می دارد/ یعنی: لیت یعلمون أن متوبه الله مشروط بالایمان و التقوی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۲،۹

۲ - پاداش های الهی (بهشت) از آن کسانی است که با تمام وجود تسلیم خدا شده و از سر اخلاص کار های نیک انجام دهند .

من أسلم وجهه لله و هو محسن فله أجره عند ربه

از مصادیق <أجر> - به دلیل آیه قبل - <بهشت> است. <وجه> به معنای صورت است و مراد از آن در آیه شریفه، وجود و ذات آدمی است. <محسن> به کسی گفته می شود که کار نیک انجام دهد.

۹ - تسلیم خدا بودن بدون انجام اعمال نیک و انجام نیکی ها بدون تسلیم خدا بودن ، تضمین کننده پاداش الهی نبوده و مانع از روی آوردن ترس و اندوه نخواهد شد .

من أسلم .. ولا خوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره -

۸ - کسانی که اعمال نیک (سعی میان صفا و مروه) انجام دهند ، از پاداش های الهی برخوردار خواهند شد .

و من تطوع خيراً فإن الله شاكر عليم

سپاسگزاری خداوند از بندگان، کنایه از پاداش دهی به آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - روزه گرفتن و فدیة دادن به مسکین ، چنانچه با میل و رغبت باشد ، ثوابی افزونتر دارد .

کتب علیکم الصیام ... و علی الذین یطیقونه فدیة ... فمن تطوع خيراً فهو خیر له

مصدق مورد نظر برای <خیراً> به دلیل فرازهای قبل، روزه گرفتن و در صورت مشقت بار بودن روزه، فدیة دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ انفاق به پدر و مادر پیش از درخواست ایشان ، راه دستیابی به پاداش نیک خداوند

لن تنالوا البر حتی تنفقوا ممّا تحبون

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از معنای احسان در آیه <و بالوالدین احسانا> فرمود: و ان لا تکلفهما ان یسئلاک شیئاً ممّا یحتاجان الیه و ان کانا مستغنین الیس یقول الله عزّ و جل <لن تنالوا البر حتی تنفقوا ممّا تحبون ... > .

کافی، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۱ / بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۹، ح ۷۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ پاداش الهی به اعمال نیک در گروه انجام آن از سوی

افراد صالح است .

و اولئك من الصالحين. و ما يفعلوا من خير فلن يكفروه

فاعل در <ما يفعلوا>، ضمیری است که به <الصالحین> برمی گردد؛ یعنی اگر صالحان عمل خیر انجام دهند پاداش می گیرند.

۸ تقوای پیشگان بهره مند از پاداش الهی ، در برابر اعمال نیکی که انجام می دهند .

و ما يفعلوا من خير فلن يكفروه و الله عليم بالمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۴، ۱۴، ۲۰

۱ پاداش بزرگ الهی برای آنان که علی رغم تحمیل جراحات های نبرد پیشین ، دعوت خدا و رسولش را برای نبردی دیگر اجابت کردند .

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ .. اجر عظيم

چون آیات پیشین و نیز آیات بعد درباره نبرد و جهاد است، معلوم می شود که فرمان اجابت شده (استجابوا)، فرمان جنگ و مبارزه بوده است.

۴ پاداش بزرگ الهی برای اجابت کنندگان دعوت خدا و رسول (ص) به نبردی دیگر در عین تحمیل جراحات نبرد احد ، مشروط به احسان و تقوای آنان است .

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا .. لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا اجر عظيم

مفسران برآنند که نبرد پیشین که مسلمانان در آن جراحاتها دیدند، همان نبرد احد است. به دلیل وقوع این آیه پس از بیان نبرد احد و اینکه سخن از قرح به میان آورده است ؛ چنانچه درباره نبرد احد نیز فرموده بود: <ان یمسسکم قرح>.

۱۴ خوب عمل کردن در جنگ (احسان) و تخلف نکردن از مقررات جنگی (تقوا) ، شرط پاداش بزرگ خداوند برای مجاهدان

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا

لله... للذين احسنوا منهم و اتقوا اجر عظيم

در برداشت فوق، متعلق <احسان>، جنگ گرفته شده است؛ یعنی در جنگ خوب عمل کنند. همچنین متعلق <اتقوا>، مقررات جنگی (مانند پیروی از فرماندهی) گرفته شده است.

۲۰ دشواری عمل، موجب ازدیاد ارزش و پاداش آن در پیشگاه خداوند

الذین استجابوا لله و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

چنانچه <الذین استجابوا> مبتدا باشد، جمله <من بعد ما اصابهم القرح>، که مستلزم دشواری حرکت برای جهاد است، از شرایط وعده به اجر عظیم خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۶،۱۱

۶ وعده پاداش کامل اخروی به پیامبر (ص)، در برابر ابلاغ رسالت و تحمّل رنج های آن

فان کذبوک .. و انما توفون اجورکم يوم القیمه

از مصادیق مورد نظر برای <و انما توفون اجورکم>، به قرینه آیه قبل، که در مقام تسلی و دلداری پیامبر (ص) بود، پاداش کامل پیامبر (ص) در برابر ابلاغ رسالت است.

۱۱ بهشت، پاداش کامل برای اعمال نیک انسانها

و انما توفون اجورکم يوم القیمه فمن زحزح عن النار و ادخل الجنة فقد فاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۱

۱۱ عمل، شرط برخورداری مؤمن از پاداش های الهی است.

فانما ربنا و اتنا ما وعدتنا .. فاستجاب لهم ربهم انی لا اضیع عمل عامل منکم

جمله <انی لا اضیع عمل عامل>، در حقیقت بیان شرطی است برای ثمردهی ایمان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ ارجاع داوری به پیامبر (ص) و دلتنگ نشدن از حکم و قضاوت وی، در پی دارنده پاداش بزرگ خداوند

فلا وربك .. اذا لأتيناهم من لدنا اجرا عظيماً

برداشت فوق بر این مناست که مراد از <ما یوعظون> همان مسائلی باشد که در آیه ۶۵ مطرح شده است.

۳ جانبازی و هجرت (تحمل مشکلات و فداکاری در راه خدا)، موجب اجر بزرگ الهی *

و لو أنهم فعلوا ما یوعظون به .. و اذا لأتيناهم من لدنا اجرا عظيماً

بنابر اینکه مراد از <ما یوعظون>، همان جهاد و هجرت باشد که در آیه قبل مطرح شد.

۴ ثابت قدمان در ایمان، بهره مند از پاداش بزرگ و ویژه خداوند

اشد تثبتاً. و اذا لأتيناهم من لدنا اجرا عظيماً

در برداشت فوق، <اذا لأتيناهم ..>، نتیجه <اشد تثبتاً> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۱

۱ وساطت در انجام کار خیر، موجب سهم شدن در نتیجه و پاداش آن

من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۱

۱۱ بازنشستگان از جهاد، هنگامی از پاداش الهی برخوردارند که از روی بی ایمانی، ترک جهاد نکرده باشند.

لا یستوی القاعدون من المؤمنین .. کلاً وعد الله الحسنی

چون <من المؤمنین> حال برای <القاعدون> است، می رساند که بازنشستگان از جنگ در صورتی قابل مقایسه با مجاهدان هستند که ایمانشان محفوظ باشد. یعنی

بازماند نشان از جنگ در شرایطی نباشد که موجب سلب ایمان آنان گردد و یا ترک جهاد از روی بی‌ایمانی به فرامین خدا و رسول نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۱۲، ۱۴، ۱۹

۱۲ هجرت به سوی خدا و رسول (ص)، موجب برخورداری از اجر و پاداش الهی

و من یرج من بیته مهاجراً الی الله و رسوله .. فقد وقع اجره علی الله

۱۴ اقدام به عمل نیک، هر چند به انجام نرسد، موجب برخورداری از پاداش های الهی است. *

و من یرج من بیته مهاجراً الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّ

۱۹ سفر برای شناخت رهبر، هجرت در راه خدا و مرگ در آن سفر، در پی دارنده پاداش الهی است.

و من یرج من بیته مهاجراً الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّ

امام صادق (ع) درباره کسی که در سفر برای شناخت رهبر از دنیا برود فرمود: انّ الله عزّ و جلّ یقول: و من یرج من بیته مهاجراً الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله. ...

اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۰، ح ۵۲۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۷، ۸

۷ نجواها و مذاکرات محرمانه برای دعوت مردم به کارهای نیک، موجب پاداش بزرگ الهی

من نجویهم .. و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله

فسوف نؤتیه أجرأ عظیماً

۸ دعوت کنندگان مردم به دستگیری از مستمندان ، بهره مند از پاداش عظیم الهی

الا من امر بصدقه .. فسوف نؤتیه أجرأ عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۵،۶

۵ بهره مندی مردم از پاداش های الهی و ورودشان به بهشت ، در گرو ایمان و عمل صالح است ، نه جنسیت و انتساب به مذهب یا فرقه ای خاص .

و من يعمل من الصلحت من ذکر او انشی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة

۶ ایمان ، شرط باروری اعمال صالح آدمی و ورود وی به بهشت

و من يعمل من الصلحت .. و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۵

۱۵ بهره مندی عالمان از پاداش های بزرگ الهی در گرو ایمان و انجام اعمال صالح

لکن الرسخون .. و المؤمنون بالله و الیوم الاخر اولئك سنؤتیهم أجرأ عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۳،۴

۳ ایمان و عمل صالح ، موجب استحقاق پاداش اخروی

فاما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیوفیهم أجورهم و یزیدهم من فضله

واژه اجر (مزد و پاداش) دلالت می کند که مؤمنان نسبت به پاداش استحقاق دارند.

۴ همراهی ایمان با عمل صالح ، موجب برخورداری از پاداش و فضل الهی

فاما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فيوفيهم أجورهم و يزيدهم من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - مائده - ٥ - ٩ -

۲ همراهی ایمان و عمل صالح ، زمینه جلب مغفرت و دستیابی به پاداش بزرگ الهی

وعد الله الذين آمنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و اجر عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۵

۵ ایمان و عمل در رساندن آدمی به پاداش های والای الهی مکمل یکدیگرند .

لهم درجت عند ربهم و مغفره و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ دستیابی به پاداش بزرگ الهی (بهشت) در گرو بخشوده شدن گناهان است .

أولئك لهم مغفره و أجر كبير

تقدیم ذکری < مغفرت > بر < اجر کبیر > می تواند اشاره به این باشد که: رسیدن به پاداش بزرگ الهی و ورود به بهشت ، در گرو آمرزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۷

۷ ابلاغ پیام های الهی به مردم و تبلیغ معارف دین ، در پی دارنده پاداش از ناحیه خداوند

إن أجرى إلا على الذی فطرنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۵

۱۵ استقامت در دین و پایداری بر توحید ، در پی دارنده پاداش الهی است .

فاستقم .. إنه بما تعملون بصير

یادآوری علم و آگاهی خداوند به اعمال بندگان پس از امرها و نهی ها ، اشاره به پاداش دهی و کیفر رساندن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۷

۷ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری

، تکیه نکردن بر ستمگران و اقامه نماز ، نیکوکاری و در پی دارنده اجر و پاداش الهی است .

فاستقم .. و لاترکونوا ... أقم الصلوه ... فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ تقوایبشگی و صبوری موجب بهره مند شدن از پاداش های الهی است .

إنه من یتق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جواب شرط (من یتق ..) محذوف است و جمله <فإن الله...> جانشین و گویای آن محذوف است ؛ یعنی: من یتق و یصبر فهو من المحسنین و لایضیع الله أجره لأن الله لایضیع أجر المحسنین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱

۱- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوئنهم فی الدنیا حسنه و لأجر الآخره أ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۷

۷- ارزش های معنوی ماندگار و در پی دارنده پاداش الهی ، شایسته دل بستگی و امید انسان است .

خیر عند ربك ثواباً و خیر أملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۱۲

رضایت خداوند و پاداش های او ، انجام دادن اعمال صالح و پرستش خالصانه او است .

فمن كان يرجوا لقاء ربّه فليعمل عملاً صالحاً و لا يشرك بعباده ربّه أحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۶ - ۱۱

۱۱- ربوبیت خداوند ، مقتضی اعطای پاداش به اعمال صالح

والبقیة الصلحة خیر عند ربّك ثواباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۶

۶ - خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جنّت عدن .. . خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۲

۲ - صبر و شکیبایی در راه دین ، در پی دارنده پاداش حتمی خداوند

إنّی جزیتهم الیوم بما صبروا أنّهم هم الفائزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۱۱

۱۱ - عمل ، اساس دستیابی به پاداش نیکو است .

نعم أجر العملین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۸،۹

۸- احسان ، مقتضی پاداش نیک است .

لذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

۹- احسان در دنیا ، در پی دارنده پاداش نیک و بزرگ الهی در جهان آخرت

لذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا بر این اساس مبتنی است که <فی هذه الدنیا> متعلق به <أحسنوا> و ظرف برای آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱

۳ - ایمان و عمل صالح ، موجب استحقاق ثواب الهی

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

واژه <أجر> به معنای مزد عمل و مفید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۶۸

۶ - عفو و اغماض از خطای دیگران و اصلاح بدی آنان با نیکی و گذشت ، موجب اجر و پاداش ویژه خداوند است .

و جزؤا سیئه سیئه مثلها فمن عفا و أصلح فأجره علی الله

۸ - تلاش در راه رفع کدورت های پیشین ، به دنبال عفو و گذشت از خطای دیگران ، دارای ارزشی والا و پاداش فراوان الهی است .

فمن عفا و أصلح فأجره علی الله

ذکر <أصلح> پس از عفو، نشان می دهد که صرف عفو و اغماض در دستیابی به پاداش والای الهی کفایت نمی کند، بلکه می بایست پس از گذشت، در راه رفع اختلافات گام برداشت و طرح صمیمیت و آشتی افکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - تضمین قطعی پاداش اعمال ، در صورت سر نهادن به اطاعت خدا و رسول

و إن تطيعوا الله و رسوله لایلتنكم من أعمالكم شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۵

۵ - هدایت و تبلیغ دین و تحمّل سختی ها و ناگواری های برخاسته از آن ، دارای پاداشی بزرگ ، روز افزون و بی منت

و إن لك لأجرًا غیر ممنون

برداشت یاد شده، به سبب این نکته تردیدناپذیر است که اجر

بزرگ پیامبر(ص)، به جهت رسالت او و تحمل سختی های آن (از جمله تحمل تهمت های ناروا همچون تهمت جنون و ..) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۴ - ۳

۳ - تقوای پیشگی ، موجب استحقاق پاداش الهی و برخورداری از نعمت های سرشار بهشتی

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۴

۴ - احسان و رفتار خوب انسان ، دارای جزا و پاداش در پیشگاه خداوند

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

موجبات پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۳

۳ - همراهی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری از پاداش و فضل الهی ، در آخرت است .

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۲

۲ - توأم بودن ایمان و عمل صالح ، در پی دارنده پاداش در قیامت

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - اعمال نیک انسان ، در پی دارنده پاداش الهی در قیامت

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزَاءً

۷ - وفای به نذر ، خوف از قیامت و دستگیری خالصانه از بینوایان ، یتیمان و اسیران ، موجب بهره مندی از پاداش های بهشتی و مورد ستایش و قدردانی خداوند

یوفون بالنذر و یخافون یومًا . . . إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزَاءً وَ كَان سَعِیْكُمْ مَشْكُورًا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۹ - ۴

۴ - اهتمام ورزیدن به کارهایی که پاداش اخروی دارد ، مطلوب و مایه خرسندی در قیامت است .

لسعیها راضیه

<سعی> به معنای راه رفتن سریع است که در مورد <جدیت در هر کار> نیز استعمال می شود. (مفردات راغب)

موجبات پاداش بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۹،۱۰

۹ - خداترسی و تقوایبشگی ، عامل دریافت اجری بزرگ از جانب خداوند

و من یتق الله .. یعظم له أجرًا

۱۰ - رعایت تقوا از سوی مردان و زنان مطلقه ، موجب بهره مند شدن آنان از اجر بزرگ الهی

فطلقوهن لعدتهن .. و من یتق الله ... یعظم له أجرًا

موجبات پاداش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۱۲

۱۲ علم و آگاهی گسترده خداوند ، تضمین کننده پاداش دهی او به بندگان مؤمن و شاکر خویش

إن شکرتم و ءامنتم و کان الله شاکراً علیماً

موجبات پاداش مضاعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۳

۳ - صبر مضاعف اهل ایمان در برابر فشار های زیاد ایمان سوزان ، در پی دارنده پاداش مضاعف از سوی خدای سبحان است

أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۴

۴ - قرض به خدا (انفاق) ، موجب بهره مندی از سود و پاداش مضاعف الهی است .

إن

تقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعفه لكم

مهمترین پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۶

۶ - ایمنی از وحشت روز جزا ، مهم ترین پاداش الهی به نیک کرداران

من جاء بالحسنة فله خير منها و هم من فزع يومئذ آمنون

اختصاص به ذکر یافتن <و هم من فزع يومئذ آمنون> با این که <له خير منها> دربرگیرنده آن نیز هست نشان می دهد که ایمنی از وحشت روز رستاخیز، مهم ترین لطف و عنایت الهی در حق نیک کرداران است.

نظام آفرینش و پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۲

۲- جهان (آسمان و زمین) با نظم کنونیش ، برای کیفر و پاداش کامل انسان ، ممکن و مناسب نیست .

يوم تبدل الأرض غير الأرض .. و برزوا لله ... ليجزي الله كل نفس ما كسبت

از اینکه خداوند پیش از طرح مسأله کیفر و پاداش انسانها در قیامت موضوع دگرگونی نظام کنونی جهان (دنیا) را مطرح فرمود، برداشت فوق به دست می آید.

وعده پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۴ - ۵

۵ نقش وعده به پاداش و تضمین آن ، در ترغیب به عمل خیر

فلهم اجرهم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ وعده پاداش و تضمین آن ، از روش های قرآن برای ترغیب مردم به ایمان و عمل

انّ الله لا يضيع اجر المؤمنین

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۷

۲۷ وعده و تضمین پاداش ، از روش های قرآن برای تشویق به ایمان و تقوا

و ان تؤمنوا و تتقوا فلکم اجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۲،۲۳

۲۲ نوید پاداش و تضمین آن ، پرتوی از ربوبیت الهی نسبت به مؤمنان

لهم اجرهم عند ربهم

۲۳ وعده و تضمین اجر و پاداش ، از روش های قرآن برای دعوت مردم به اسلام و ایمان به قرآن

اولئک لهم اجرهم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ وعده پاداش ، از روش های قرآن برای برانگیختن مردم به نیکو کاری

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۱۲

۱۲ وعده پاداش بزرگ ، و تهدید به دوزخ ، از روش های قرآن برای ترغیب مردم به ایمان و دوری از کفر و نفاق

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ .. و سوف یؤت الله المؤمنین أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحاً فله جزاء الحسنی

<جزاء> حال است و بیانِ این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنانِ نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد الله الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۱۳

۱۳ - وعده پاداش بزرگ از سوی خداوند به مؤمنان انفاقگر

فالذین ءامنوا منکم و أنفقوا لهم أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۲

۲۲ - وعده پاداش از سوی خداوند ، به همه مجاهدان و انفاق گران صدراسلام

و کلاً وعد الله الحسنی

وعده پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

وعده پاداش عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۶

۶- ترغیب به کار خیر و وعده پاداش به آن ، مقدّم بر تهدید در امر تربیت

فمن يعمل مثقال ذرّة خیرًا یره . و من یعمل مثقال ذرّة شرًّا یره

وعده پاداش مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۱۶

۱۶- تشویق مردم با وعده به پاداش مادی و معنوی ، از روش های انبیا در هدایت

یدعوکم لیغفر لکم . . . و یؤخرکم إلی أجل مسئمی

پاداش مادی از طول عمر و پاداش معنوی از آمرزش، قابل استفاده است.

وعده

پاداش معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۱۶

۱۶- تشویق مردم با وعده به پاداش مادی و معنوی، از روش های انبیا در هدایت

یدعوکم لیغفر لکم... و یؤخرکم إلی أجل مسمی

پاداش مادی از طول عمر و پاداش معنوی از آمرزش، قابل استفاده است.

وعده پاداش نیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۲

۲ - پاداش های موعود خداوند، نیکو و تصدیق آن بر همگان لازم است.

و صدق بالحسنى

کلمه <حسنى> یا مصدر است (مانند <رجعى>) و یا مؤنث <أحسن> است. در صورت اول معنای تفضیلی نخواهد داشت؛ بلکه با تأویل به مشتق، معنای <حَسَن> دارد. وصف <الحسنى> خود نشانگر مطلوب بودن تصدیق آن است و وعده به فرجام راحت (در آیه بعد) نیز بر سزاوار بودن تصدیق، تأکید کرده است.

وعده پاداش نیکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۶

۶ - اعطای پاداش نیک در دنیا، وعده خداوند به احسان کنندگان

للدین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که <فی هذه الدنيا> ظرف برای <حسنة> باشد، نه برای <أحسنوا>؛ چنان که در جای دیگر قرآن، به این حقیقت تصریح شده است: <للدین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه و لدار الآخرة خیر..>، (سوره نحل

(۱۶) آیه ۳۰).

وفور پاداش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ - پاداش الهی به بهشتیان ، فراوان و توصیف

ناپذیر است .

و الذین ءامنوا .. ذلک هو الفضل الکبیر

بنابراین که <ذلک> اشاره به مجموعه های نعمت های بهشتیان داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

وقت پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

یوم الدین

<دین> در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۵

۵ - آخرت ، تنها زمان کیفر کامل و مجازات مناسب

ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

به کار رفتن عبارت <الجزاء الأوفی> برای جزای اخروی، نشانگر آن است که گرچه در دنیا امکان مجازات وجود دارد؛ اما جزای کامل تنها در آخرت تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸ - قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتّقوا الله الذی إلیه تحشرون

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

وقت پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

وقت پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره -

۹- برخورداری هر فرد، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لکلّ درجت مّمّا عملوا و لیوفّیهم أعملهم و هم لایظلمون

لام در <لیوفّیهم>، بیانگر غایت و هدف است و این که با <واو> آمده است (و لیوفّیهم) نشان می دهد که اهداف چندی برای وجود معاد در کار است که به ذکر یکی از آنها اکتفا شده است و آن نفی ظلم در نظام پاداش و کیفر و برخورداری انسان ها از نتایج اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ - قیامت زمان برداشت و پاداش اعمال نیک است .

فاستبقوا الخیرت این ما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً

جمله <این ما تکنونوا ..> تعلیل جمله قبل است؛ یعنی، چون قیامتی بر شما هست باید در دنیا به انجام کارهای نیک پردازید. این تعلیل بیانگر آن است که: سعادت انسان در آخرت، به اعمال نیک او در دنیا بستگی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱ - قیامت، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم الله جمیعاً فیبتئهم بما عملوا

وقت پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است

که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

ویژگیهای پاداش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۲،۳

۲ - پاداش پیامبر (ص) در پیشگاه خداوند، بی پایان و روزافزون

و إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

<غیر ممنون>، اگر از <مَنْ> (قطع) مشتق باشد، به معنای بی انقطاع و روزافزون و اگر از <مَنْت> گرفته شده باشد، به معنای بی منت و بدون به رخ کشیدن خواهد بود. گفتنی است که برداشت بالا مبتنی بر معنای نخست است.

۳ - پاداش خداوند به پیامبر (ص) پاداشی است بی منت .

و إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

ویژگیهای پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۶ - ۷،۸

۷ - پاداش مؤمنان نیک کردار، هرگز کاهش نیافته و پایان نمی پذیرد .

فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

<مَنْ> (مصدر <ممنون>)، به معنای <قطع کردن> است و معنای <کاهش دادن> نیز برای آن گفته شده است. (صحاح اللغه)

۸ - پاداش مؤمنان دارای عمل صالح، پاداشی بی منت و به دور از محاسبه و محدودیت

فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

در <قاموس> آمده است که <غیر ممنون>؛ یعنی، بدون محاسبه و صاحب <مصباح> می گوید: <مَنْتَ عَلَيْهِ مَنَّأ>; یعنی، آنچه از نیکی ها برای کسی انجام داده ای، بر او شماره کردی. <راغب> در <مفردات>، این کار را مَنَّت زبانی و

امری نکوهیده خوانده است.

هماهنگی پاداش با عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۹

۹ - خداوند ، پاداش دهنده و

مجازات کننده ملت ها ، براساس عملکرد خود آنان

لیجزی قومًا بما كانوا یکسبون

<قومًا> ممکن است به تمامی ملت ها (اعم از مؤمن و کافر) نظر داشته باشد.

یأس از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۵،۷

۵ - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی ، نشانه انسان های مورد غضب خداوند (یهودیان)

قومًا غضب الله علیهم قد یسوا من الآخره

شاید منظور از <یأس از آخرت> ایمان نداشتن به قیامت نباشد؛ بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق <مغضوب علیهم> اصل قیامت را قبول داشتند؛ ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

۷ - یأس از رحمت خدا و ثواب اخروی ، گناهی است بزرگ .

قومًا غضب الله علیهم قد یسوا من الآخره

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <قد یسوا..>، به عنوان بارزترین ویژگی مغضوبین یاد شده است.

پاداش اخروی

آثار ایمان به پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۸

۸ - ایمان به قیامت و پاداش و کیفر آن روز ، عامل رهایی انسان از دلبستگی به متاع های مادی و دنیوی و سبب رویکرد او به آرمان های بلند معنوی و اخروی

إنما أموالکم و أولدکم فتنه و الله عنده أجر عظیم

آثار پاداش اخروی

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۲۰ - بینہ - ۹۸ - ۸ - ۱۸

۱۸ - > قال أبو عبد الله (ع) الله راض عن المؤمن في الدنيا والآخرة و المؤمن

و إن كان راضياً عن الله فإنَّ في قلبه ما فيه لما يرى في هذه الدنيا من التمحيص فإذا عاين الثواب يوم القيامة رضى عن الله الحقَّ
حقَّ الرضا و هو قوله < و رضوا عنه > و قوله < ذلك لمن خشى ربَّه > أى أطاع ربَّه ؛

امام صادق(ع) فرمود: خداوند از مؤمن در دنیا و آخرت راضی است و مؤمن، گرچه از خدا راضی است ؛ ولی در قلب او چیزهایی است به جهت آنچه به عنوان تمحیص (به سختی ها گرفتار ساختن برای امتحان و پاکی از گناه) در دنیا می بیند. پس چون پاداش اخروی را در قیامت مشاهده کند، از خداوند که حق است به طور کامل خشنود خواهد شد و این [معنای] سخن خداوند است < و رضوا عنه > و [اما این] گفته خداوند < ذلك لمن خشى ربَّه > ؛ یعنی، [این برای کسی است که] پروردگارش را اطاعت کند.

آثار ذکر پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۴

۴ - توجه به پاداش های مهم اخروی خداوند ، برای بیم دارندگان مقام پروردگار ، زمینه پرهیز از کفر و تکذیب است .

و لمن خاف مقام ربَّه جنتان . فبأىء آلاء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۹

۹ - اعتقاد به قیامت و توجه داشتن به کيفر و پاداش الهی در آن ، موجب تقویت روح تقوای پیشگی در انسان

و اتقوا الله الذى إليه تحشرون

یادآوری حشر انسان ها در قیامت پس از توصیه به تقوا می تواند

بیانگر مطلب یاد شده باشد.

آثار غفلت از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۵

۵ - غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فی غمره من هذا .. هم لها عملون

آثار یأس از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۹

۹ - معتقدان به آخرت اما مأیوس از ثواب اخروی مانند کافران ، بی اعتقاد به رستخیزانند .

قد یسوا من الآخره كما یئس الکفار من أصحاب القبور

در صورتی که مقدر آیه چنین باشد: <قد یسوا من ثواب الآخره ..> استفاده می شود که معتقدان به معاد ولی ناامید از ثواب اخروی همچون کافرانی اند که اصولاً از زنده شدن دوباره مأیوس اند.

آگاهی از پاداش اخروی هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۵، ۱۴

۱۴- آگاه شدن از فواید دنیوی هجرت در راه خدا و پاداش اخروی آن ، مورد تمنی خداوند

و الذین هاجروا .. لو كانوا یعلمون

از جمله معناها و استعمالهای <لو> تمنی است و برداشت فوق بر این اساس است.

۱۵- آگاهی از ثمرات دنیوی هجرت در راه خدا و پاداش اخروی آن ، امری در حد ناممکن است .

و الذين هاجروا فى الله .. و لأجر الأخره أكبر لو كانوا يعلمون

برداشت فوق، بنابر امتناعى بودن <لو> و يا تمنى بودن

آن است و <لو تمنی> در جایی استعمال می شود که مورد، محال و یا در حکم محال باشد.

ارزش پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۶

۶ ارزش والای پاداش های خداوند در آخرت نسبت به ارزش های او در دنیا

فاتیهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الاخره

در مورد ثواب آخرت، کلمه <حسن> اضافه شده است تا بیان کند که پاداش اخروی نسبت به پاداش دنیوی، دارای مزیت و برتری خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۵

۱۵ ناچیزی بهره‌وری‌ها و لذایذ زندگی دنیوی، در مقایسه با ثواب‌ها و ارزش‌های اخروی

فاستمعتوا بخلقهم... أولئك حبطت أعمالهم... و أولئك هم الخسرون

با اینکه کافران و منافقان در دنیا بهره‌مند بوده‌اند، خداوند ایشان را زیانکار واقعی معرفی می‌کند؛ زیرا لذایذ دنیویشان محدود بوده و از ثوابهای اخروی بی‌بهره‌اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱،۵

۱ پاداش های اخروی، برتر و بهتر از پاداش های دنیوی است.

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر

۵ دستیابی به اقتدار و سلطنت در زمین، در قیاس با پاداش های اخروی ناچیز است.

كذلك مكنا ليوسف في الأرض... ولأجر الأخره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲- پاداش های اخروی ، بهتر از پاداش های دنیوی است .

لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي

هذه الدنيا حسنه و لدار الآخره خير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۶

۶ - متاع دنيوى ، متاعى ناچيز در قياس با پاداش هاى اخروى

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا .. كمن متّعنه متع الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۵

۵ - ارزش برتر پاداش هاى اخروى نسبت به امكانات دنيوى

ثواب الله خير

ارزش پاداش اخروى محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - پاداش اخروى محسنان ، بسى بهتر از پاداش دنيوى آنان است .

لذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه و لدار الآخره خير

اگر چه در آيه سخنى از پاداش اخروى به ميان نيامده است، اما جمله <و لدار الآخره خير> که برترى سراى اخروى را مى رساند به قرينه <فی هذه الدنيا حسنه> (برای محسنان در دنيا حسنه اى است) مى تواند مشعر به اين نکته باشد که: پاداش حیات اخروى برتر است.

اميدوارى به پاداش اخروى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۱۰

۱۰ - ترس از عذاب هاى اخروى و اميد به پاداش هاى جهان آخرت ، از انگيزه هاى آدمى برای عبادت خدا

ملک یوم الدین. ائیٹاک نعبد

اهمیت پاداش اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۱ - ۱

۱ - پاداش الهی به اصحاب الیمین در جهان آخرت ، چنان چشمگیر است که هر شنونده ای را

سخت شادمان می کند .

فسلم لك من أصحاب اليمين

در عبارت <سلام لك> چند احتمال وجود دارد: یکی از آنها این است که <سلام> معادل سلامت و تنکیر آن برای تفخیم باشد. <لام> در <لك> نیز برای اختصاص و خطاب <لك> به فرد معینی نباشد.

اهمیت پاداش اخروی هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۱، ۱۰

۱۰- پاداش اخروی هجرت در راه خدا ، بسی برتر از پاداش دنیوی آن است .

و الذين هاجروا في الله من بعد ما ظلموا لنبؤئتهم في الدنيا حسنة و لأجر الآخرة أ

۱۱- پاداش اخروی هجرت در راه خدا ، قابل توصیف نیست .

و الذين هاجروا في الله .. لنبؤئتهم في الدنيا حسنة و لأجر الآخرة أكبر

مفضل عليه افعال تفضیل (أكبر) حذف شده است و حذف آن به منظور عمومیت دادن است. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: پاداش اخروی هجرت بزرگ تر از آن است که کسی بتواند آن را درک کند.

ایمان به پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰ توجه به قضاوت و داوری خداوند در قیامت و باور به پاداش و مجازات در آن سرا ، آدمی را به استقامت در راه دین وامی دارد .

لقضى بينهم .. إن كلاً لما ليوفيهم أعملهم ... فاستقم كما أمرت

پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ قیامت ، روز دریافت کامل نتیجه اعمال (کیفر و پاداش)

ثُمَّ تَوَفَّى كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ

<توفی> به

معنای دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۹

۹ پایبندی به عهد الهی و پیمان های خود ، عامل بهره مندی از مواهب اُخروی

انّ الذّین یشترون بعهد اللّهِ و ایمانهم .. لا ُخلاق لهم فی الاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۲، ۱۱، ۸

۸ تلاشگران برای پاداش های اخروی ، از مواهب آخرت بهره مند خواهند شد .

و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

۱۱ خداوند ، پاداش دهنده اعمال در دنیا و آخرت

و من یرد ثواب الدّنیاء نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

مراد از اراده پاداش، انجام عمل خیر، برای نیل به پاداش است.

۱۲ جهاد و مقاومت در جنگ ، موجب برخورداری از پاداش دنیوی و اخروی

و لما یعلم اللّهُ الذّین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرين .. و من یرد ثواب الدّنیاء

با توجّه به آیات قبل، از مصادیق مورد نظر برای اعمال خیر، جهاد و مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۷

۷ پاداش های اخروی خداوند ، نیکو و عاری از هر گونه نقصان است و پاداش های دنیوی ، همراه با مشکلات

فاتیهم اللّهُ ثواب الدّنیاء و حسن ثواب الاخره

از اینکه پاداشهای اخروی را نیکو شمرده (حسن ثواب الآخرة)، معلوم می شود پاداشهای اخروی به تمام جهات، نیکوست و

در مقابل، ثواب دنیوی را به نیکو بودن توصیف نکرده تا به این نکته اشاره کند که پادشاهای خداوند در

دنیا، همواره ملازم با مشکلات و نقصانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۰

۱۰ رستاخیز برای انسان ، عرصه دریافت کامل سزای کردار خویش

ثُمَّ تَوْفَى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ

۱ <توفی> از مصدر <توفیه> به معنای پرداخت و دریافت کامل است. ۲ در برداشت بالا، بنا بر گفته برخی از مفسران، کلمه <جزاء> قبل از <ما کسبت> مقدر گرفته شده است ؛ یعنی <توفی جزاء ما کسبت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۵، ۱۰، ۹

۹ اراده الهی مبنی بر محرومیت حتمی شتابگران در کفر از بهره های اخروی

یرید الله الا يجعل لهم حظا في الآخرة

۱۰ محرومیت و یا برخورداری از بهره های اخروی ، نتیجه عملکرد انسان

و لا يحزنك الذين يسارعون الكفر .. یرید الله الا يجعل لهم حظا في الآخرة

گر چه خداوند محروم کردن کفرپیشگان را از بهره اخروی به خود نسبت داده است: یرید الله .. ولی این محرومیت به دلیل <یسارعون ...> ، نتیجه عملکرد خود آنان بوده است.

۱۵ مهلت دادن خداوند به شتابگران در کفر ، برای محروم ساختن آنان از بهره های اخروی است (سنت استدراج) .

یرید الله الا يجعل لهم حظا في الآخرة و لهم عذاب عظیم

جمله <یرید الله ..> ، می تواند جواب این سؤال باشد که چرا با تلاش برخی از مردم در گسترش کفر، خداوند به آنان مهلت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵

۲ وعده خداوند به دریافت کامل سزای اعمال در روز قیامت

و اَنَّمَا تَوْفُونُ اجورکم یوم القیمه

<توفون>، از مصدر <توفیه>، به معنای دریافت کامل و تمام است.

۹ <یوم القیمه>، از اسامی روز جزای اعمال

و اَنَّمَا تَوْفُونُ اجورکم یوم القیمه

۱۶ توجّه دادن به مرگ و کيفر و پاداش اعمال در قیامت و فریبنده بودن دنیا از روش های قرآن برای هدایت انسانها

كُلَّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ .. و ما الحیوه الدّنيا الاّ متاع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۷

۷ توجّه به مرگ و اجر اخروی و نیز فریبندگی دنیا، زمینه ساز پیروزی انسان در آزمایش الهی

كُلَّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ .. لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم

ظاهراً آیه قبل (كُلَّ نَفْسٍ ..) رهنمودی برای پیروز شدن مؤمنان در امتحانهای جانی و مالی است. چون بهترین راه برای از جان گذشتگی و جهاد این است که آدمی بداند چه جهاد کند و یا سستی نماید، طعم مرگ را خواهد چشید. و راه معقول برای صرفنظر کردن از اموال این است که آدمی بداند دنیا و آنچه در آن است، فریبنده و پوچ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۹

۲۹ اعتقاد به قیامت و کيفر و پاداش در آن، پیامد اعتقاد به باطل نبودن و هدفدار بودن آفرینش

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

کلمه <فا> در <فقنا ..>، بیانگر این معناست که خردمندان با نفی بطلان در آفرینش و

اعتقاد به هدفداری جهان به این نتیجه رسیده اند که باید قیامت و روز جزا و پاداشی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۸

۸ دستیابی به مواهب آخرت ، پیامد جهاد و مبارزه در راه خدا

فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوه الدنیا بالآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ دستیابی به پاداش بزرگ الهی (بهشت) در گرو بخشوده شدن گناهان است .

أولئک لهم مغفره و أجر کبیر

تقدیم ذکری <مغفرت> بر <اجر کبیر> می تواند اشاره به این باشد که: رسیدن به پاداش بزرگ الهی و ورود به بهشت ، در گرو آمرزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۴

۴ پاداش های اخروی ، نمودی از رحمت الهی است .

نصیب برحمتنا من نشاء .. و لأجر الآخره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۷

۷ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

أنهم إلی ربهم رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۷

۷ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش است .

یومئذ یوفّیهم الله دینهم الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۱

۱ - جهان آخرت ، سرای کیفر و پاداش است .

من جاء بالحسنه فله خیر منها و من جاء بالسیئه فلا یجزی . . . إلاّ

ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

یوم الدین

<دین> در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش الهی

و فی الآخره عذاب شدید و مغفره من الله و رضون

پاداش اخروی ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۱

۱ - بوستانی بزرگ و پرنعمت و لباسی فاخر از حریر ، پاداش ابرار در قیامت

إِنَّ الْأَبْرَارَ... و جزیهم بما صبروا جَنَّةً و حریرًا

<جَنَّةً> به معنای بوستان است و تنکیر آن بر تعظیم و تفخیم دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۱

۱ - نعمت های الهی در بهشت ، پاداش فراهم آمده برای ابرار

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزَاءً

<هذا> به مجموع نعمت هایی اشاره دارد که در آیات گذشته یاد شده است.

پاداش اخروی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳،۴

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت> یعنی، دستاورد آنان تنها از آن

ایشان و به سود خودشان است.

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاوردهای پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت> یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی احسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۹

۹ - احسان در دنیا ، در پی دارنده پاداش نیک و بزرگ الهی در جهان آخرت

لذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنة

برداشت بالا بر این اساس مبتنی است که <فی هذه الدنيا> متعلق به <أحسنوا> و ظرف برای آن باشد.

پاداش اخروی اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳،۴

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم

<لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاوردهای پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمة قد خلت لها ما كسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی امام حسن(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ .. و سَقِيهِمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا . إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزْءًا

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰؛ الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی امام حسین(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ .. و سَقِيهِمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا . إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزْءًا

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل

شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰؛ الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ... وَ سَقِيهِمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا . إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزْ

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰؛ الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۱۰

۱۰ - تکامل و تعالی و داشتن دستاوردی بهتر ، فلسفه و هدف آغازین خلقت بشر و برخوردار شدن از جزا و پاداش اخروی (بهشت برین) ، فلسفه و هدف نهایی آفرینش او است .

لِيلُوكُمْ أَتَيْكُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا

به مقتضای جمله <لِيلُوكُمْ أَتَيْكُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا>، هدف از خلقت انسان و تقدیر مرگ و حیات برای وی، تکامل و داشتن دستاوردی بهتر در دنیا است؛ ولی چون پاداش و جایزه اصلی آن را در جهان آخرت دریافت می کند، بنابراین می توان گفت: تکامل، هدف مرحله اولی خلقت بشر و بهشت برین، هدف مرحله نهایی آفرینش او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان

، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

پاداش اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱

۱- تغییر و تبدیل نظام کنونی آسمان ها و زمین به نظام دیگر در آستانه برپایی قیامت ، به منظور کیفر و پاداش انسانهاست .

يوم تبدل الأرض غير الأرض . . و برزوا لله ... ليجزي الله كل نفس ما كسبت

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیجزی> متعلق به <برزوا> در آیه ۴۸ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۳، ۱۰

۱۰ - دنیا ، محل تلاش و آخرت جای کیفر و پاداش و مواجه شدن با نتیجه تلاش است .

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ .. لَتَجْزِيَّ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى

۱۳ - حضور در صحنه قیامت و برخورد با سزای اعمال دنیایی خود ، فرجام همه انسان ها است .

إِنَّ السَّاعَةَ .. لَتَجْزِيَّ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱

۱ - هدفمند بودن آفرینش جهان ، مقتضی برپایی قیامت به منظور کیفر بندگان و یا پاداش به آنان

و ما خلقنا السماء ... بطلاً... أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

یادآوری برابر نبودن سرنوشت مؤمنان با مفسدان، پس از طرح مسأله بی هدف نبودن آفرینش جهان،

می رساند که اگر مؤمنان و مفسدان یکسان باشند، لازم می آید که جهان آفرینش بی هدف باشد و چون جهان آفرینش هدفمند است، پس باید سرنوشت این دو گروه یکسان نباشد. و از آن جایی که در دنیا یکسان زندگی می کنند، پس باید جهان دیگری (رستاخیز) باشد که با آنان برخورد متفاوت و متناسب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لكم أیه الثقلان . فبأی ءالاء ربكما تکذبان

پاداش اخروی انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت؛ بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیا است.

پاداش اخروی انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱

۱ - قیامت ، روز پاداش دهی خداوند به وام دهندگان خود (کسانی که با انفاق در راه خدا به او قرض الحسنه دادند) .

من ذا الذی یقرض الله .. و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین

<یوم> در <یوم تری>، مربوط به <له أجر کریم> در آیه پیش است؛ یعنی، خداوند، پاداش نفیس خود را به وام دهندگان خویش در روزی می دهد که... گفتنی است که مراد از <یوم تری> روز قیامت است.

پاداش اخروی اهل بیت(ع)

- آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ ... وَ سَقِيهِمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا . إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزْ

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰؛ الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۳

۳ ایمان و عمل صالح ، موجب استحقاق پاداش اخروی

فاما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فيوفيههم أجورهم و يزيدهم من فضله

واژه اجر (مزد و پاداش) دلالت می کند که مؤمنان نسبت به پاداش استحقاق دارند.

پاداش اخروی بَرِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۹

۹ قصد و نیت عمل کننده کردار های نیک ، تعیین کننده برخورداری وی از نعمت های دنیا یا مواهب آخرت

و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

پاداش اخروی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱

۱ بناهای برافراشته و درجات عالی در بهشت ، پاداش بندگان خدا (عباد الرحمن) است .

و عباد الرحمن .. أولئك يجزون الغرفة

برداشت فوق با

توجه به دو نکته است: ۱ <أولئك> اشاره به <عبدالرحمان> است. ۲ <غرفه> به معنای بنای مرتفع و برافراشته است. در آیه شریفه نیز می تواند هم در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و هم می تواند منزلت و مقام رفیع مقصود باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۱

۱ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش بندگان خالص خدا

و عبدالرحمن .. أولئك يجزون الغرفة ... خلدین فیها حسنت مستقرًا و مقامًا

<مستقرًا> تمیز برای ضمیر در <حسنت> و به معنای محل استقرار است و <مقام> اسم مکان و به معنای اقامت گاه می باشد.

پاداش اخروی پیشگامان در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی الله عنهم .. لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

پاداش اخروی تابعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی الله عنهم .. لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

پاداش اخروی تائبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۹

۹- توبه کنندگانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند ،

در قیامت پاداشی بدون کمترین نقص دریافت خواهند کرد .

من تاب و ءامن و عمل صلحاً فأولئك يدخلون الجنة و لا یظلمون شیئاً

<ظلم> یعنی، مقرر ساختن چیزی در غیر جایگاه و درجه مخصوص آن؛ چه به گونه ای کمتر و چه به شکلی برتر (مفردات راغب). <لا یظلمون> نیز به معنای <لاینقصون> می باشد و مراد این است که: از اجر و مزد عمل آنان به واسطه گذشته بد آنها، چیزی کاسته نشده و به آنان ظمی روا نمی شود.

پاداش اخروی توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۵

۵ - توحید و شرک (خدا پرستی و بت پرستی) ، مبنای داوری خدا و تعیین کیفر و پاداش در روز رستاخیز

اللّٰه یحکم . . . فیما کنتم فیہ تختلفون

با توجه به عبارت پیشین <ما> در <فیما کنتم> به معنای <الذی> است که به مسأله توحید و شرک که محور اختلاف میان موحدان و مشرکان تاریخ بوده است اشاره دارد.

پاداش اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم أیه الثقلان . فبأی ءالآء ربکمما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ -

۵ - جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

پاداش اخروی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و كَآئِنَ مِنْ نَبِيٍّ . . . فَاتِيهِمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَ حَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ

پاداش اخروی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أَمْ أَمْثَلُكُمْ . . . ثُمَّ إِلَيَّ رَجِعُهُمْ يَحْشُرُونَ

پاداش اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۲

۲ - خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ . . . وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى

پاداش اخروی راستگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۱

۱ - انسان های درست کار ، راست گفتار و مطیع خداوند ، به پاداش کردار خویش ، در میان انبوه نعمت های آخرت جای خواهند گرفت

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

از جمله معانی ذکر شده برای <بِر>، صلاح و درست کاری، اطاعت و صداقت است (لسان العرب). <نعیم> یعنی، نعمت فراوان (مفردات راغب) نکره بودن <نعیم>، گویای عظمت آن است.

پاداش اخروی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد الله المؤمنين و المؤمنات جنت تجري من تحتها الأنهر

پاداش اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۵

۵ - پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت ، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است .

و من عمل صلحاً .. یرزقون فیها بغير حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد گویای حقیقت یاد شده است.

پاداش اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۸

۸ - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحاً من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغي

پاداش اخروی سعادت‌مندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۴

۱۴- کمترین ظلم و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادت‌مندان وجود ندارد .

فمن أوتى كتبه يمينه . . . و لا يظلمون فتياً

پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجر کبیر> بهشت و موهبت‌های اخروی است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان شکبیا ، برخوردار از پاداش حتمی خداوند در قیامت

إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا

<جزاء> (مصدر <جزیت>) به معنای پاداش دادن است. <باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> موصول حرفی است؛ یعنی، <بسبب صبرهم>. <فوز> (مصدر <فائزون>) دستیابی به مقصود را می گویند. فعل <جزیت> دو مفعول بر می دارد. بنابراین <هم>، مفعول اول آن و <أنهم هم الفائزون> به تأویل <فوزهم> مفعول دوم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۵

۵ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش صابران است .

يَجْزُونَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا .. خَلِدِينَ فِيهَا حَسَنًا مُسْتَقَرًّا وَمَقَامًا

پاداش اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۶

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در <جنات عدن>

و مسکن طیبه فی جنت عدن

<جنت عدن> می تواند نامی خاص باشد و غیر از <جنت تجری .. > به شمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجر کبیر> بهشت و موهبت‌های اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۱

۱- استقرار در باغ‌های بهشت ، از جمله پاداش‌های مؤمنان نیک کردار است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ

جمله <أُولَئِكَ..> یا خبر یکم برای <إِنَّ> در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارالیه <أُولَئِكَ> <الذین امنوا...> در آیه قبل است. <عَدْنٌ> به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۱

۱ - مغفرت الهی و رزق گوارا ، پاداش مؤمنان نیک کردار در جهان آخرت

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

<رزق کریم> یعنی روزی طیب و گوارا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۸

۸ - پاداش‌های اخروی خداوند ، ویژه مؤمنان شایسته کردار

ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنِ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فَأَمْأالذین ءامنوا .. و أمأالذین کفروا

برداشت یاد شده

بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان دارای عمل صالح ، برخوردار از بوستان هایی متعدد ، در آخرت

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ

پاداش اخروی صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۴

۴ قیامت ، عرصه بهره برداری آدمی ، از نتایج گفتار و کردار خویش

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمَ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صَدَقُهُمْ

پاداش اخروی صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۷

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَعُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعف لهم> ، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

پاداش اخروی صدیقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۹

۹ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت برخوردار از پاداشی ویژه و مخصوص به خود

لهم أجرهم

تقدیم <لهم> بر <أجرهم> افاده حصر می کند؛ یعنی، پاداش آنان (صدیقان و شهدا)، تنها از آن ایشان است و به کسی دیگر داده نمی شود.

پاداش اخروی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ - قیامت زمان برداشت و پاداش اعمال نیک است .

فاستبقوا الخیرت این ما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً

جمله <این ما تکنونوا ..> تعلیل جمله قبل است؛ یعنی، چون قیامتی بر شما هست باید در دنیا به انجاء کارهای نیک پردازید. این تعلیل بیانگر آن است که: سعادت انسان در آخرت، به اعمال نیک او در دنیا بستگی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۳،۷،۲۱

۳ دریافت سزای کامل اعمال ، تنها در روز قیامت است .

و انما توفون اجورکم یوم القیمه

۷ برخورداری از بهره های اخروی ، نتیجه اعمال دنیوی انسان

و انما توفون اجورکم یوم القیمه

۲۱ بهره های دنیا در برابر پاداش های کامل اخروی اعمال ، فریبی بیش نیست .

و انما توفون اجورکم یوم القیمه .. و ما الحیوه الدنیا الا متاع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۹

۹ اعمال نیک آدمی در پی دارنده پاداشی الهی در دنیا و آخرت *

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

بدان احتمال که مراد از <یضاعفها> پاداش دنیوی و <یؤت من لدنه ..> ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ قیامت روز پاداش و کیفر اعمال است.

و كذلك زينا لكل امة عملهم .. فينبئهم بما كانوا يعملون

مطلع ساختن آدمیان بر اعمالشان در قیامت، کنایه از مجازات

و یا پاداش آنان می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ حضور در صحنه قیامت و برخورد با سزای اعمال دنیوی ، فرجام همه انسانهاست .

لقاء الآخره

کلمه <لقاء> (رسیدن و برخورد کردن) مصدری است که به مفعولش اضافه شده و فاعل آن محذوف است ؛ یعنی: <و لقاءهم الآخره> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۴

۴- کیفر و پاداش الهی به انسان ها در قیامت ، کاملاً مطابق و متناسب با کم و کیف رفتار آدمی است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۱۰، ۷

۷- همه انسان ها ، سزای اعمال خویش را در قیامت ، به طور کامل دریافت خواهند کرد .

یوم .. و توفی کلّ نفس ما عملت

<توفی> (از ماده توفیه) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

۱۰- دنیا ، میدان عمل و آخرت صحنه دریافت پاداش و کیفر است .

یوم تأتي .. و توفی کلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۲ - ۵

۵ - پاداش اعمال در قیامت ، عادلانه و به دور از هرگونه نقص و کاستی است .

و من يعمل .. فلا یخاف ظلماً و لاهضماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۹

۹ - کیفیت برانگیختن انسان و جزای اعمال او در قیامت ، متناسب با عملکرد

دنیایی او است .

فنیستها .. تنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۴ - ۵

۵ - تجسم اعمال آدمیان ، به صورت کیفر و پاداش در آخرت

فالیوم لاتظلم نفس شیئاً و لاتجزون إلا ما کنتم تعملون

آمدن تعبیر <لا-تجزون إلا- ما> به جای <لا-تجزون إلا- بما کنتم تعملون> (با ذکر <باء> مقابله)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که خودِ اعمال آدمی در روز رستاخیز، به صورت کیفر و پاداش به او برگردانده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۵ - ۳

۳ - بهشت و نعمت ها و خوشی های آن ، نتیجه و پاداش کردار انسان ها در دنیا است .

و لاتجزون إلا ما کنتم تعملون . إنَّ أصحاب الجنة الیوم فی شغل فکھون

از ارتباط میان این آیه که سخن از بهشت و نعمت های آن است و آیه پیش که درباره پاداش مطابق رفتار و کردار بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال و پاداش و جزا

هذا ما تواعدون ليوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - فصلت - ٤١ - ٤٠ - ١٦

- ١٦

علم گسترده الهی به عملکرد انسان ها ، پشتوانه کیفی و پاداش اخروی آنان

اعملوا ما شئتم إینه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، روز انسان و محصول تلاش و عملکرد او است .

حتی یلقوا یومهم الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۵ - ۷

۷ - اعمال نیک و بد آدمی ، دارای بازتاب در دنیا و در پی دارنده کیفی و پاداش در حیات اخروی

من عمل صلحاً .. ثم إلی ربکم ترجعون

تعبیر <ثم إلی ربکم> در پی <من عمل صالحاً..> می رساند که آنچه در صدر آیه شریفه نسبت به بازتاب عمل گفته شده، مربوط به دنیا است و اعمال آدمی پس از آن نیز کیفی و پاداشی در نزد پروردگار خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۲ - ۹

۹ - بازگشت نتیجه کردار و اندوخته های انسان ، به خود وی در دنیا و آخرت

محياهم و مماتهم ... و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

آیه شریفه پاسخ و ردی است بر کسانی که صالح و ناصالح را در زندگی و مرگ مساوی می پنداشتند از این مطلب، استفاده می شود که دنیا و آخرت هر دو میدان جزا و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ - زندگی دنیا ، صحنه عمل و آخرت میدان دریافت اعمال و نتایج آن *

عملوا و ليوْفِيهمْ اَعْمَلهمْ

بنابراین که <حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ> در آیه قبل، عذاب اخروی باشد؛ از این آیه استفاده می شود که مراد از <درجات> درجه های اخروی است و در آن جایگاه، نتایج اعمال استیفا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۳

۳ - قیامت ، روز حاکمیت قانون و جزای اعمال

أَيَّامُ يَوْمِ الدِّينِ

<دین> به معنای جزا و <یوم الدین> به معنای روز جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۱،۳

۱ - جزای کامل اعمال ، نصیب انسان در آخرت ، در پی دیدن و مشاهده عمل

وَأَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَى . ثُمَّ يَجْزِيهِ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى

۳ - تجسم اعمال انسان ، مجازات و پاداش الهی در آخرت برای او

وَأَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَى . ثُمَّ يَجْزِيهِ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى

برداشت یاد شده با توجه به تعبیر <یجزاه> به جای <یجزی به> استفاده می شود؛ زیرا مفاد آن چنین است: <خداوند انسان را به همان عملش جزا می دهد [و نه در برابر عملش]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۹ - ۲،۳

۲ - نعمت های آخرت ، پاداش کار و تلاش در دنیا است .

ناعمه . لسعِها راضیه

۳ - افرادی که در قیامت ، در رفاه و خوش گذرانی به سر می برند ، دستیابی به آن را مرهون تلاش های دنیایی خود می بینند

ناعمه . لسعيها راضيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - زلزله - ٩٩ - ٦ -

۵ - مشاهده کردار و مواجه شدن با پاداش و کیفر آن ، از اهداف حشر انسان ها در قیامت

يُصَدِّرُ النَّاسَ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ

حرف <لام> در <لیروا>، بیانگر برداشت یاد شده است. مشاهده اعمال، یا به معنای مشاهده پاداش و کیفر آنها است و یا ناظر به تجسم اعمال و مشهود بودن آن در قیامت است.

۷ - مواجه شدن انسان ها با کردار خود و پاداش یا کیفر آن ، پس از بازگشت آنان از حسابرسی است .

يُصَدِّرُ النَّاسَ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ

پاداش اخروی عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۱

۱ - انجام دهندگان کار خیر ، در قیامت پاداش دیده ، با کردار خویش مواجه خواهند شد .

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

پاداش اخروی عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۷

۷ انجام عمل نیک به شرط حبط نشدن تا حضور در صحنه قیامت دارای پاداشی ده چندان است.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا

حرف <باء> در <بالحسنه> هم می تواند برای تعدیه باشد، که در این صورت <مجیء> به معنای انجام دادن است، و هم می تواند برای مصاحبت باشد، که در این صورت <مجیء> به معنای حاضر شدن است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. بر این مبنا جمله <من جاء بالحسنه> (کسی که با عمل نیکی در قیامت حاضر شود)، اشاره به این معنا دارد که پاداش از آن کسی است که عمل نیکش تا قیامت باقی باشد و با گناه حبط نشده باشد.

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۵

۵ - هر عمل نیک در جهان آخرت ، دارای پاداش افزون و هر عمل بد دارای کیفر متناسب با آن خواهد بود .

من جاء بالحسنه . . و من جاء بالسيئه

<ال> در <الحسنه> و <السيئه> برای جنس و مفید استغراق است. بنابراین <من جاء بالحسنه>؛ یعنی، <هر کس هر عمل نیک بیاورد> و <من جاء بالسيئه>؛ یعنی، هر کس هر عمل بد بیاورد.

پاداش اخروی فاطمه(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ . . . و سَقِيهِمْ رَبَّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا . إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزْ

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰؛ الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً . . و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت؛ بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش اخروی قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت .

من ذا الذی یقرض الله .. فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۰ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه ای که مؤمنان به او می دهند ، علاوه بر بازپس دادن چند برابر آن در دنیا ، پاداشی نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان خواهد داد .

من ذا الذی یقرض الله .. فیضعفه له و له أجر کریم

واژه <کریم> در هر مقامی، معنایی متناسب با همان مقام دارد. در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱

۱ - قیامت ، روز پاداش دهی خداوند به وام دهندگان خود (کسانی که با انفاق در راه خدا به او قرض الحسنه دادند) .

من ذا الذی یقرض الله .. و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین

<یوم> در <یوم تری>، مربوط به <له أجر کریم> در آیه پیش است؛ یعنی، خداوند، پاداش نفیس خود را به وام دهندگان خویش در روزی می دهد که... گفتنی است که مراد از <یوم تری> روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۱۱،۷

۷ - خداوند

، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعف لهم و لهم أجر كريم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر كريم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۱ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه که مؤمنان به او می دهند علاوه بر باز پس دادن چند برابر آن در دنیا پاداش نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان عطا خواهد کرد .

إِنَّ الْمَصْدَقِينَ ... و أقرضوا الله ... و لهم أجر كريم

واژه <کريم>، در هر مورد معنایی متناسب با همان جا دارد و در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

پاداش اخروی گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۹

۹ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت برخوردار از پاداشی ویژه و مخصوص به خود

لهم أجرهم

تقدیم <لهم> بر <أجرهم> افاده حصر می کند؛ یعنی، پاداش آنان (صدیقان و شهدا)، تنها از آن ایشان است و به کسی دیگر داده نمی شود.

پاداش اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۷،۹

۷- ورود به بهشت جاودان و رسیدن به تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقوایبندگان است .

دار المتقین . جنت عدن ... لهم فيها ما يشاءون

، جای گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقوایبندگان

و لنعم دار المتقين . جنت عدن ... لهم فيها ما يشاءون كذلك يجزي الله المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۲

۲ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش تقوایبندگان است .

جنت .. هذا ما توعدون ليوم الحساب

<ليوم الحساب> به تقدير <لأجل جزاء يوم الحساب> است ، یعنی ، این نعمت ها همان چیزی است که به خاطر روز حساب به شما وعده داده شده است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۴۸،۲

۲ - بناهای مرتفع و چند طبقه (کاخ ها) در بهشت، پاداش اختصاصی تقوایبندگان

لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف مبيتة

"غرفه" (مفرد "غرف") به معنای بناهای مرتفع و خانه ای بالای خانه ای دیگر (چند طبقه چون کاخ) است . گفتنی است لام در "لهم" برای اختصاص است .

۴ - تقوایبندگان ، از منظره های چشم نواز و لذت بخش بهشت بهره مند خواهند شد .

لهم غرف من فوقها غرف مبيتة

مرتفع و چند طبقه بودن بناهای بهشت به همراه جریان نهرها در پایین آنها، می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد .

۸ - کاخ ها و بنا های تقوایبندگان در بهشت ، دارای نهرهایی است جاری در پایین آنها .

غرف مبيتة تجري من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۴،۲

۲ - خداوند ، به اقتضای ربوبیت خویش ، تقوایندگان را از پاداش های

اخروی بهره مند می سازد .

جزاء من ربك

۴ - بهره مند ساختن تقوایندگان از پاداش های آخرت ، جلوه تدبیر خداوند در ترفیع بخشیدن به مقام پیامبر (ص) است .

ربك

<ربب> مصدر و به معنای تربیت است و مجازاً در معنای <تربیت کننده> استعمال می شود (مفردات راغب). تأکید بر واژه <ربك>، گویای آن است که اعطای پاداش به متقین، در راستای تربیت پیامبر(ص) و افزودن رشد آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۷ - ۶۸

۶ - پاداش رسانی به اهل تقوا در قیامت ، اقتضای تدبیر نظام هستی و لازمه ربوبیت خداوند بر جهان است .

جزاء من ربك .. رب السموت و الأرض و ما بینهما

۸ - نعمت های بهشت و پاداش تقوایندگان در آن ، جلوه رحمت گسترده خداوند است .

جزاء من ربك .. الرحمن

پاداش اخروی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ حوران بهشتی ، از آن مؤمنان مجاهد و ایثارگر است .

و أولئک لهم الخیرت

منظور از <الخیرات> به قرینه آیه ۷۰ سوره الرحمن (فیهن خیرات حسان) می تواند حوران بهشت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۴

۴- باغ های بهشت ، با نهر های همیشه جاری ، پاداش الهی به شرکت کنندگان در جهاد و نبرد با دشمنان دین

و من یطع الله و رسوله یدخله جنّت تجری

با توجه به این که سیاق آیات، در رابطه با جنگ و جهاد می باشد، مراد

از <من یطع..> کسی است که فرمان جهاد را اطاعت کرده است.

پاداش اخروی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۳، ۲، ۱

۱ پاداش های اخروی ، تنها از آن نیکوکاران است .

لذین أحسنوا الحسنی

تقدیم خبر (لذین ..) بر مبتدا (الحسنی) مفید حصر است.

۲ پاداش نیکوکاران در سرای آخرت از نوع بهترین پاداشهاست .

لذین أحسنوا الحسنی

۳ نیکوکاران در سرای آخرت ، افزون بر بهترین پاداش ها ، از نعمتهایی بی شمار و غیر قابل توصیف برخوردار خواهند بود .

لذین أحسنوا الحسنی و زیاده

تکیر در <زیاده> که برای تفخیم است بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۲

۲ نیکوکاران علاوه بر بهره مند شدن از پاداش در حیات دنیا ، از پاداش های برتر اخروی نیز برخوردار خواهند شد .

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الآخره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۱۳، ۷

۷ - پاداش احسان کنندگان در قیامت ، پاداشی بزرگ و با عظمت است .

ذلك جزاء المحسنین

برداشت یاد شده از کاربرد <ذلك> (برای اشاره به شیء بعید)، استفاده شده است.

۱۳ - بهشت و تأمین تمامی خواسته ها ، پاداش استحقاقی و حق محسنان است .

ذلك جزاء المحسنين

تعبیر <جزاء> می رساند که محسنان در برابر احسان های خود، حقی بر خدا پیدامی کنند؛ هر چند این حق را خود او مقرر فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر -

۱۰ - فراهم شدن تمامی خواسته های محسنان در قیامت ، پاداشی است بر مبنای بهترین عمل آنان .

لهم ما يشاءون عند ربهم .. و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <يجزيهم..> می تواند توضیح و بیان برای جمله <لهم ما يشاءون...> باشد. یعنی، برآورده شدن خواسته های محسنان در قیامت، همان پاداش مطابق با بهترین عمل ها است که خداوند برای آنان مقرر داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۲

۲ - بهره مندی از موهبت های بهشت ، جزا و پاداش الهی به نیکوکاران

فی ظلل و عیون .. إنا كذلك نجزي المحسنين

پاداش اخروی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۶

۶ وعده پاداش کامل اخروی به پیامبر (ص) ، در برابر ابلاغ رسالت و تحمّل رنج های آن

فان كذبوك .. و انما توفون اجوركم يوم القيمة

از مصادیق مورد نظر برای <و انما توفون اجوركم>، به قرینه آیه قبل، که در مقام تسلی و دلداری پیامبر (ص) بود، پاداش کامل پیامبر (ص) در برابر ابلاغ رسالت است.

پاداش اخروی مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد الله المؤمنين و المؤمنت جنت تجرى من تحتها الأنهر

پاداش اخروی مردان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰

۵ - پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت ، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است .

و من عمل صلحًا .. یرزقون فیها بغير حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد گویای حقیقت یاد شده است.

پاداش اخروی مردان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۸

۸ - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة یرزقون فیها بغير

پاداش اخروی مطیعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۱

۱ - انسان های درست کار ، راست گفتار و مطیع خداوند ، به پاداش کردار خویش ، در میان انبوه نعمت های آخرت جای خواهند گرفت .

إن الأبرار لفي نعيم

از جمله معانی ذکر شده برای <بَرٌّ>، صلاح و درست کاری، اطاعت و صداقت است (لسان العرب). <نعیم>؛ یعنی، نعمت فراوان (مفردات راغب) نکره بودن <نعیم>، گویای عظمت آن است.

پاداش اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ پاداش اخروی مؤمنان صالح بیش از استحقاق آنان است .

فاما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت .. و يزیدهم من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در < جنات عدن >

و مسکن طیبه فی جنت عدن

<جنات عدن> می تواند نامی خاص باشد و غیر از <جنات تجری .. > به شمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ حوران بهشتی ، از آن مؤمنان مجاهد و ایثارگر است .

و أولئک لهم الخیرت

منظور از <الخیرات> به قرینه آیه ۷۰ سوره الرحمن (فیهن خیرات حسان) می تواند حوران بهشت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۱

۱۱ عمل صالح ، شرط بهره مندی اهل ایمان از پاداش های اخروی

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۲

۲ مؤمنان به کتاب های آسمانی ، در قیامت به پاداش کامل کردار خویش دست خواهند یافت .

و إِنَّ کلاً لما لیوفیتهم ربک أعملهم

مراد از <أعملهم> کیفر و پاداش اعمال می باشد. بنابراین <إِنَّ کلاً...> یعنی ، همانا پروردگارت پاداش و کیفر اعمال همگان را به طور کامل پرداخت خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنِ

جمله <أُولَئِكَ..> یا خبر یکم برای <إِنَّ> در صدر آیه قبل است و

یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارالیه <أولئك> <الذین امنوا...> در آیه قبل است. <عدن> به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

۹- بهشت، مکانی بس آسایش آفرین، و نعمت های آن، پاداشی بس نیک برای مؤمنان است.

نعم الثواب و حسنات مرتفعاً

<مرتفع> اسم مکان به معنای <متکا> (تکیگاه) است و چون هنگام استراحت، نوعاً، مرفق خود را روی زمین می گذارند، به محل استراحت و لمیدن <مرتفع> گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۲

۱۲- ورود مؤمنان به بهشت عدن، به خاطر ایمان آنان به غیب و تصدیق آن است.

جنت عدن التي وعد الرحمن عباده بالغیب

<باء> در <بالغیب> می تواند سببیه و متعلق به <وعد> باشد، یعنی، وعده خداوند به مؤمنان، به جهت ایمان آنان به غیب بوده است. روشن است که بنابراین وجه، تقدیر کلام <بتصدیق الغیب> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۱

۱ - مغفرت الهی و رزق گوارا، پاداش مؤمنان نیک کردار در جهان آخرت

فالذین امنوا و عملوا... و رزق کریم

<رزق کریم> یعنی روزی طیب و گوارا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان شکیبا، برخوردار از پاداش حتمی خداوند در قیامت

إنی جزیتهم الیوم بما صبروا

<جزاء> (مصدر <جزیت>) به معنای پاداش دادن است. <باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> موصول حرفی است؛
یعنی، <بسبب صبرهم>. <فوز>

(مصدر <فائزون>) دستیابی به مقصود را می گویند. فعل <جزیت> دو مفعول بر می دارد. بنابراین <هم>، مفعول اول آن و <أنهم هم الفائزون> به تأویل <فوزهم> مفعول دوم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۸

۸ - پاداش های اخروی خداوند ، ویژه مؤمنان شایسته کردار

ثواب الله خير لمن ءامن و عمل صلحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۵

۵ - پاداش های اخروی خداوند به مؤمنان (بهشت و نعمت های آن) ، تفضل او است .

ليجزى الذين . . . من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۱

۱ - فلسفه برپایی قیامت ، پاداش دادن به مؤمنان دارای عمل صالح است .

لتأتينكم . . . ليجزى الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

<ل> در <ليجزى>، تعلیل برای فعل <تأتی> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - خداوند با کافران بد کردار در قیامت ، بر مبنای عدل و با مؤمنان نیک کردار براساس فضل و لطف خویش برخورد خواهد کرد .

من عمل سيئه فلايجزى إلا مثلها و من عمل صلحًا . . . و هو مؤمن ... يرزقون فيها ب

برداشت یاد شده از آن جا است که مجازات گناه کاران، تنها به میزان گناه آنان است؛ ولی پاداش مؤمنان نیک کردار، بی

شمار و افزون بر استحقاق آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَاَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۶ - احاطه علمی خداوند ، به تمامی اعمال مؤمنان ، تضمین کننده پاداش های اخروی آنها

و كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنَىٰ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

یادآوری احاطه علمی خداوند به همه اعمال پس از وعده پاداش برتر به همه مؤمنان می تواند برای ایجاد و اطمینان در مؤمنان باشد و نیز آنان به این یقین داشته باشند که خداوند به هر عمل نیک آنان، آگاه است. همچنین اعمال نیک آنان هر چند کوچک باشد ضایع نخواهد شد.

۲۷ - دستیابی مؤمنان به پاداش های موعود الهی در آخرت ، در گرو پایدار ماندن آنان بر ایمان و انجام اعمال نیک است .

و كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنَىٰ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

جمله <وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ> می تواند دربردارنده هشدار باشد. بر این اساس، هشدار الهی به مؤمنان مجاهد و انفاق گر پس از این که به آنان وعده پاداش برتر اخروی داده است می تواند بیانگر این حقیقت باشد که مؤمنان مواظب باشند و بدانند که دستیابی آنان به آن وعده های الهی، در صورتی قطعی است که آنها همچنان بر ایمان و صراط مستقیم که در آن قرار دارند، باقی بمانند.

آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۱ - ۵

۵ - خداوند ، در قبال عمل کردن مؤمنان به توصیه او (جا باز کردن برای دیگران در مجالس) جایگاه اخروی آنان را وسیع خواهد کرد .

فافسحوا یفسح الله لکم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که < یفسح الله لکم > ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۵

۵ - پاداش مؤمنان ، عادلانه و بی کم و کاست داده می شود .

فمن یؤمن برّبه فلا یخاف بخسًا و لا رهقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۳ - ۲

۲ - مؤمنان در روز قیامت ، تنها به لطف و ثواب الهی چشم دوخته اند .

إلی ربّها ناظره

برداشت یاده شده، مبتنی بر حذف مضاف است و تقدیر آن چنین می باشد: <إلی ثواب ربّها ناظره>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۸

۸ - خداوند در قیامت ، مؤمنان را با یادآوری مکرر پاداش های خویش ، آزار نداده و بر آنان منت نخواهد گذاشت .

لهم أجر غیر ممنون

در معانی <مَنَّ< آورده اند که: منت گذاشتن بر کسی، به این است که احسان به او را بزرگ شمرده و به آن فخر کنند و درباره اش سخن را آغاز و تکرار کنند تا آن جا که شخص را متنفر سازند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان دارای عمل صالح ،

برخوردار از بوستان هایی متعدد ، در آخرت

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ

پاداش اخروی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱،۱۲

۱- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

۱۲- مهاجران ، از فواید دنیوی و پاداش اخروی هجرت در راه خدا بی خبرند .

و الَّذِينَ هَاجَرُوا .. لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۵

۵ - رزق نیکو ، پاداش اخروی خدا به مؤمنان مهاجر

و الَّذِينَ هَاجَرُوا .. لَيَرْزُقْنَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۹ - ۱

۱ - خدا ، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر در جهان آخرت

و الَّذِينَ هَاجَرُوا .. لَيَدْخُلْنَهُمْ مَدْخَلًا يُرْضَوْنَ

پاداش اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۳

۳ - پاداش های اخروی ، وعده نیکوی خداوند به هدایت یافتگان

أفمن وعدناه وعدًا حسنًا

پاداش اخروی یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳

۳ - پاداش اخروی

اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>؛ یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱۰، ۱۱

۱۰ یوسف (ع) در آخرت از پاداشی برتر و بهتر از آنچه در دنیا بدان دست یافت ، بهره مند خواهد شد .

و كذلك مکنا لیوسف فی الأرض . . . و لانضیع أجر المحسنین . و لأجر الآخره خیر . . . و

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف (ع) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و كذلك مکنا لیوسف . . . و لأجر الآخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

تکذیب پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۷ - ۳

مرگ ، ادعایی دروغین و بی اساس است .

فلولا إن كنتم غير مدینین . ترجعونها إن كنتم صدقین

خطاب در <إن كنتم صادقین>، متوجه کسانی است که منكر پاداش و كیفر در سرای دیگر بودند.

حتمیت پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۹ - ۷

۷ - بازگشت به خداوند و دریافت كیفر یا پاداش او در سرای آخرت ، فرجام قطعی انسان ها است .

و ظنوا أنهم إلینا لیرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۳

۳ - كیفر و پاداش اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إن كنتم غیر مدینین

با این كه مسأله كیفر و پاداش اخروی، امری است كه در آینده باید تحقق یابد؛ به كار گیری قالب ماضی (كنتم) برای بیان مطلب یاد شده است.

دوستی با مایوسان از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۶

۶ - مایوسان از رحمت حق و ثواب اخروی ، غیرقابل اعتماد و ناشایست برای دوستی و موذت

یأیها الذین ءامنوا لاتتولوا قوماً .. قد یئسوا من الآخره

جمله <قد یئسوا> به منزله تعلیل برای <لاتتولوا> می باشد.

زمینه پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۱

۱۱ عمل صالح ، شرط بهره مندی اهل ایمان از پاداش های اخروی

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۲،۵

عمل صالح ، شرط بهره مندی اهل ایمان از پاداش های اخروی است .

إن الذين آمنوا و عملوا الصلحت . .. فی جنت النعیم

۵ ایمان توأم با عمل ، شرط بهره مندی از حمایت و هدایت مستمر و دایم الهی و برخوردار شدن از پاداش های اخروی است .

إن الذين آمنوا و عملوا الصلحت . .. فی جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱۴

۱۴ - دستیابی به سعادت و پاداش های اخروی ، در گرو صبر و شکیبایی است .

و یلکم ثواب اللّٰه خیر . .. و لا یلقیها إلا الصبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۳

۳ - دستیابی به پاداش برتر الهی در جهان آخرت ، در گرو داشتن اعمال نیک است .

من جاء بالحسنه فله خیر منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۱

۱ - تقدیر مرگ از سوی خداوند ، به منظور کیفر و پاداش دادن به آدمیان در سرای دیگر (جهان آخرت)

نحن قدّرنا بینکم الموت . .. فلولا إن کنتم غیر مدینین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <فلولا إن کنتم> بر <نحن قدّرنا بینکم الموت> است. کلمه <مدینین> می تواند مشتق

از <دین> (جزا) باشد، یعنی، <إن کنتم غیر مجزیین>. و نیز می تواند مشتق از <دان السلطان الرعیه إذا ساسهم و تعبدهم>

باشد چنان که برخی از مفسران این را گفته اند. برداشت بالا با توجه به معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره -

۲ - برپا ساختن قیامت برای کیفر و پاداش ، نمودی از کمال خداوند و مبرّا بودن ساحت او از هر نقص و کاستی

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

تفریع <فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ> بر مطالب پیشین (فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ..) حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۷ - دستیابی مؤمنان به پاداش های موعود الهی در آخرت ، در گرو پایدار ماندن آنان بر ایمان و انجام اعمال نیک است .

و كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنَىٰ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

جمله <و اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ> می تواند دربردارنده هشدار باشد. بر این اساس، هشدار الهی به مؤمنان مجاهد و انفاق گر پس از این که به آنان وعده پاداش برتر اخروی داده است می تواند بیانگر این حقیقت باشد که مؤمنان مواظب باشند و بدانند که دستیابی آنان به آن وعده های الهی، در صورتی قطعی است که آنها همچنان بر ایمان و صراط مستقیمی که در آن قرار دارند، باقی بمانند.

زمینه پاداش اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - پیامبر (ص) ، فراهم آورنده زمینه دستیابی تقوایندگان به پاداش های آخرت

رَبِّكَ

خطاب به پیامبر(ص) در <رَبِّكَ>، گویای آن است که آن حضرت در رسیدن متقین به بهشت و نعمت های آن، نقش اساسی داشته است.

شرایط پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳

۱۲ برخوردار شدن از پاداش های الهی در آخرت ، منوط به یکتاپرستی ، پرهیز از شرک ، پذیرش رسالت پیامبر (ص) و استغفار از گناهان است .

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ .. يَأْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ

استفاده برداشت فوق از آیه ، بر اساس این احتمال است که: جمله < یئوت .. > بیانگر پاداش اخروی باشد. وجود < إلی أجل > در جمله قبل و نبود آن در این جمله ، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۶

۶ ایمان و ملازمت بر تقوا شرط بهره مندی از پاداش های اخروی است .

و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و كانوا یتقون

< کان > و مانند آن همراه مضارع حکایت از استمرار در زمان گذشته دارد. ملازمت به تقوا در برداشت فوق ، از نکته یاد شده استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۹

۹ - همراهی ایمان و عمل صالح ، از شرایط بهره‌وری از ثواب اخروی است .

ثواب اللّٰه خیر لمن ءامن و عمل صالحًا

ظلم امتناع از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱۳

۱۳ - منع از پاداش اخروی ، هرچند اندکی از آن ، ظلم است .

و لا یظلمون شیئًا

عدالت در پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۲

۱۲ کيفر و پاداش الهی در قیامت ، بر پایه قسط و عدل است

ثم

یعیده لیجزی . . . بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۱

۱ - هرکس جزای اعمال خویش را در قیامت به طور کامل و بی کم و کاست ، دریافت خواهد کرد .

و وقیت کلّ نفس ما عملت

<توفیه> (مصدر <وقیت>) به معنای دادن کامل و بی کم و کاست چیزی است.

عمومیت پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۱

۱ - نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت> یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

عوامل پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۶

۶- رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

از اینکه خداوند در پاداش و کیفر مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخت (ما کسبت)، استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است نه چیز دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- نقش اساسی و محوری عمل صالح ، در دستیابی به سعادت و پاداش اخروی

من عمل صلحاً .. و هو مؤمن ... و لنجزینهم أجرهم بأحسن ما كانوا

برداشت فوق، به خاطر این است که در آغاز آیه اثربخشی عمل، مشروط به ایمان شده است (من عمل صالحاً .. و هو مؤمن) در عین حال در پایان آیه پاداش اخروی تنها منوط به عمل دانسته شده و از ایمان سخن به میان نیامده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ - سعی و تلاش آدمی در عبادت و نماز، در پی دارنده پاداش حتمی در قیامت است.

فاعبدنی و اقم الصلوه .. لتجزی کل نفس بما سعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۱۰

۱۰ - پاداش و کیفر انسان در قیامت، برخاسته از کردار دنیوی او است.

فنیستھا .. الیوم تنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۲،۳

۲ - کیفر و پاداش الهی در قیامت، معلول چگونگی رفتار خوب و بد انسان ها است.

الیوم تجزی کل نفس بما کسبت

<باء> در <بما کسبت> برای سببیت است؛ یعنی، <تجزی بسبب ما کسبت و جزاء مناسباً لما کسبت>.

۳ - رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت

الیوم تجزی کل نفس بما کسبت

از این که خداوند در پاداش و کیفر، مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخته است (بما کسبت) استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است؛ نه چیز دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- پاداش ها و کیفر های آخرت ، چیزی جز کردار انسان نیست .

يُصدر الناس أَشْثَاتًا لِّإِثْمِهِمْ

غفلت از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال

خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سَنفِرُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ . فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

استفهام در <فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تَوِيخِي است و تشبیه آمدن <کما> و <تَكَذِّبَانِ> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

فلسفه پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۶

۶ گذر از موقف های قیامت (حسابرسی ، کیفر ، پاداش و ...) غرض از گردآوری همگان در صحنه قیامت است .

ذَٰلِكَ يَوْمَ مَجْمُوعٍ لَّهُ النَّاسُ

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که <لام> در <له> برای بیان غایت و غرض باشد. بر این اساس مفاد جمله <ذَٰلِكَ

يَوْمَ...> چنین می شود: روز قیامت روزی است که خداوند ، همگان را برای گذر از موقفهای آن روز گردآوری می کند.

مجریان پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۳

۳ - روح و فرشتگان ، کارگزاران رسیدگی به کیفر و پاداش بندگان در قیامت

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا

صفّ بستن <روح> و <ملائکه>، حاکی از آمادگی آنان برای اجرای دستورات است. به قرینه آیات پیشین که سخن از کیفر و

پاداش بندگان بود محدوده مأموریت آنان، رسیدگی به امور بهشتیان و دوزخیان است.

محرومیت از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۱۰

۱۰- > عن ابن عباس أن النبي (ص) قال: معنى الآية من كان يريد ثواب الدنيا بعمله الذي افترضه الله عليه لا يريد به وجه الله و الدار الآخرة عَجِلَ له فيها ما يشاء الله من عرض الدنيا و ليس له ثواب في الآخرة و ذلك ان الله سبحانه و تعالى يؤتیه ذلك لیستعین به علی الطاعة فیستعمله فی معصیه الله فیعاقبه الله علیه ;

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمود: معنای آیه <من كان يريد العاجله عَجَلنا له فيها ما يشاء> این است که با انجام اعمالی که خداوند بر او واجب گردانیده، تقرب به سوی خدا و روز آخرت را اراده نمی کند؛ بلکه پاداش دنیوی را اراده می کند، در دنیا آنچه را که خداوند بخواهد از نعمتهای دنیوی به او داده می شود و برای او در آخرت پاداشی نیست؛ چون خداوند سبحانه و تعالی آن را به او داده است تا در طریق طاعت کمکش کند؛ ولی او در معصیت خداوند آن را به کار می بندد. پس خداوند او را به خاطر این کار عذاب می کند.

مراتب پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۲

۲ پاداش نیکوکاران در سرای آخرت از نوع بهترین پاداشهاست .

للذین أحسنوا الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۹

۹ - احسان در دنیا ، در پی دارنده پاداش نیک و بزرگ الهی در جهان آخرت

لذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه

برداشت بالا بر این اساس مبتنی است که <فی هذه الدنيا> متعلق به <أحسنوا> و ظرف برای آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۷

۷ - پاداش احسان کنندگان در قیامت ، پاداشی بزرگ و با عظمت است .

ذلک جزاء المحسنین

برداشت یاد شده از کاربرد <ذلک> (برای اشاره به شیء بعید)، استفاده شده است.

مکذبان پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۷

۷ مشرکان ، هیچ اعتقادی به روز رستاخیز و انتظار کیفر و پاداش الهی در آن روز را نداشته اند .

بل کانوا لایرجون نشورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۲

۲ - شرک پیشگان صدر اسلام ، منکر هر گونه کیفر و پاداش پس از مرگ

فلولا إن کنتم غیر مدینین

خطاب در آیه شریفه متوجه کسانی است که مرگ را پایان زندگی دانسته و درباره کیفر و پاداش پس از مرگ، موضع

انکار آمیز داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۱

۱ - گروهی از مدعیان اسلام در عصر بعثت ، جزای اخروی را دروغ دانسته ، آن را تکذیب می کردند .

الذی یکذب بالدین

<دین>، به معنای جزا است و در معانی <عادت>، <عبادت>، <حساب>، <طاعت>، <سیرت> و <ملت> نیز به کار می رود (قاموس).

آیات بعد که درباره نمازگزاران و ریاکاران سخن می گوید قرینه بر اراده معنای <جزا> و <حساب> است. از کلمات <مصلین> و نظایر آن که جمع آمده است استفاده می شود که مراد از <الذی> در این آیه، جنس است، هرچند در شأن نزول ها بر افرادی نظیر ولید و ابوسفیان، تطبیق داده شده است.

ملاک پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۴

۴ - کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره آنان، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح (زبان، دست و پای) خود آنها خواهد بود.

یوم تشهد علیهم ألسنتهم... یومئذ یوفیهم الله دینهم الحق

جمله <یومئذ یوفیهم الله> استثناء بیانی است و پاسخ به این سؤال است که گواهی زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، برای چه منظوری است؟ پاسخ آیه شریفه این است که این گواهی، به منظور اعطای جزای کامل و عادلانه می باشد و این جزا بر پایه همین گواهی استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۵

۵ - عمل و رفتار انسان، مبنای داوری خداوند و ملاک جزای او در قیامت است.

و وقیت کل نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۲

۲ - عمل و نوع رفتار آدمی، معیار کیفر و جزای اخروی او است.

من عمل سیئه فلا یجزی إلا مثلها

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - کیفر و پاداش انسان ها در قیامت ، مستند به گواهی شاهدان است .

یوم یقوم الأشهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ - جزای انسان ها در قیامت ، براساس عملکرد دنیوی آنان است .

الیوم تجزون ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۲

۲ - مجازات و پاداش اخروی ، بر محور عملکرد خود انسان است .

و أن سعیه سوف یری . ثم ینجزیه الجزاء الأوفی

ضمیر <ه> در <ینجزاه> به <سعی> بازمی گردد.

منشأ پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۸

۸ - کیفر و پاداش در سرای آخرت در اختیار خداوند است .

یومئذ یوفیهم الله دینهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۲

۲ - پاداش الهی در جهان آخرت ، براساس فضل و احسان و کیفر او ، برپایه عدل و انصاف خواهد بود .

من جاء بالحسنة فله خير منها و من جاء بالسيئة فلايجزى .. إلا ما كانوا يعملون

موجبات پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۳

۳ - همراهی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری از پاداش و فضل الهی ، در آخرت است .

ليجزى الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - توأم بودن ایمان و عمل صالح ، در پی دارنده پاداش در قیامت

ليجزي الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۳،۷

۳ - اعمال نیک انسان ، در پی دارنده پاداش الهی در قیامت

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزَاء

۷ - وفای به نذر ، خوف از قیامت و دستگیری خالصانه از بینوایان ، یتیمان و اسیران ، موجب بهره مندی از پاداش های بهشتی و مورد ستایش و قدردانی خداوند

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا .. إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزَاء وَ كَان سَعِيكُمْ مَشْكُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۹ - ۴

۴ - اهتمام ورزیدن به کارهایی که پاداش اخروی دارد ، مطلوب و مایه خرسندی در قیامت است .

لسعيها راضيه

<سعی> به معنای راه رفتن سریع است که در مورد <جدیت در هر کار> نیز استعمال می شود. (مفردات راغب)

وعدۀ پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حَتَّىٰ يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ

یأس از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۵،۷

۵ - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی ، نشانه انسان های مورد غضب خداوند (یهودیان)

قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئُسُوا مِنَ الْآخِرَةِ

شاید منظور از <یأس از آخرت> ایمان نداشتن به قیامت نباشد، بلکه مقصود

یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق <مغضوب علیهم> اصل قیامت را قبول داشتند و ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

۷- یأس از رحمت خدا و ثواب اخروی، گناهی است بزرگ.

قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <قد یسؤوا..>، به عنوان بارزترین ویژگی مغضوبین یاد شده است.

پاداش دنیوی

ارزش پاداش دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۶

۶ ارزش والای پاداش های خداوند در آخرت نسبت به ارزش های او در دنیا

فَاتِيهِمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ

در مورد ثواب آخرت، کلمه <حسن> اضافه شده است تا بیان کند که پاداش اخروی نسبت به پاداش دنیوی، دارای مزیت و برتری خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱

۱ پاداش های اخروی، برتر و بهتر از پاداش های دنیوی است.

لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. وَ لِأَجْرِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۲

۱۲- پاداش های اخروی، بهتر از پاداش های دنیوی است.

لَلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لِدَارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ

ارزش پاداش دنیوی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱- پاداش اخروی محسنان ، بسی بهتر از پاداش دنیوی آنان است .

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لِدَارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ

اگر چه در آیه سخنی

از پاداش اخروی به میان نیامده است، اما جمله <و لدار الآخره خیر> که برتری سرای اخروی را می رساند به قرینه <فی هذه الدنیا حسنه> (برای محسنان در دنیا حسنه ای است) می تواند مشعر به این نکته باشد که: پاداش حیات اخروی برتر است.

پاداش دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۲، ۱۱، ۷

۷ تلاشگران برای پاداش های دنیوی ، از نعمت دنیا بهره مند خواهند شد .

و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها

۱۱ خداوند ، پاداش دهنده اعمال در دنیا و آخرت

و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها و من یرد ثواب الآخره نؤته منها

مراد از اراده پاداش، انجام عمل خیر، برای نیل به پاداش است.

۱۲ جهاد و مقاومت در جنگ ، موجب برخورداری از پاداش دنیوی و اخروی

و لما یعلم الله الذین جاهدوا منکم و یعلم الصابرين . . . و من یرد ثواب الدنیا

با توجه به آیات قبل، از مصادیق مورد نظر برای اعمال خیر، جهاد و مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۷

۷ پاداش های اخروی خداوند ، نیکو و عاری از هر گونه نقصان است و پاداش های دنیوی ، همراه با مشکلات

فاتیهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الآخره

از اینکه پاداشهای اخروی را نیکو شمرده (حسن ثواب الآخره)، معلوم می شود پاداشهای اخروی به تمام جهات، نیکوست و

در مقابل، ثواب دنیوی را به نیکو بودن توصیف نکرده تا به این نکته اشاره کند که پاداشهای خداوند در دنیا،

همواره ملازم با مشکلات و نقصانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۴

۱۴ اراده الهی بر محروم سازی کفرپیشگان از بهره های دنیوی نیست . *

یرید الله الا يجعل لهم حظا في الآخرة

مفهوم کلمه <فی الآخرة>، گویای آن است که اراده الهی بر محروم ساختن کافران از مواهب آخرت است، نه بهره های دنیوی.

پاداش دنیوی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۴،۵،۶

۴ - خداوند ، پاداش ابراهیم (ع) را در همین دنیا ، به او عطا کرد .

و ءاتينه أجره في الدنيا

۵ - ابراهیم (ع) ، مستحق و سزاوار دریافت پاداش دنیوی بوده است .

و ءاتينه أجره في الدنيا

اضافه شدن <أجر> به ضمیری که مرجع آن، ابراهیم(ع) است گویای این نکته است که او، پاداشی داشته و سزاوار آن بوده است. گفتنی است که <فی الدنيا> احتمال دارد که متعلق به <آئیناه> باشد و احتمال دارد که متعلق به <أجره> باشد. برداشت بالا بنا بر احتمال دوم است.

۶ - اعطای اسحاق و یعقوب (ع) به ابراهیم (ع) و نیز قرار دادن مقام نبوت در نسل آن حضرت ، پاداش دنیوی ابراهیم (ع) از سوی خداوند بود .

و وهبنا له إسحق .. و جعلنا في ذرئته النبوة... و ءاتينه أجره في الدنيا

پاداش دنیوی انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و

آخرت

فیضاعفه له اضعافاً .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت؛ بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیا است.

پاداش دنیوی انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۷

۷ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی را که مؤمنان به او می دهند (در راه او انفاق می کنند) ، به آنان باز می گرداند .

من ذا الذی یقرض الله .. فیضعفه له

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن گفته می شود (مفردات راغب).

پاداش دنیوی برّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۹

۹ قصد و نیت عمل کننده کردار های نیک ، تعیین کننده برخورداری وی از نعمت های دنیا یا مواهب آخرت

و من یرد ثواب الدنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

پاداش دنیوی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و کائین من نبی .. فاتیهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخره

پاداش دنیوی صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۷،۹

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش

(پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعف لهم و لهم أجر كريم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر كريم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۹ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می پردازند) ، به آنان باز می گرداند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعف لهم

<مضاعفه> (مصدر <یضعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن (چند و چندین برابر نمودن) اطلاق می شود (مفردات راغب).

پاداش دنیوی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۵

۵ دریافت برخی از پاداش ها و جزای اعمال در غیر قیامت (دنیا و برزخ) *

و انما توفون اجورکم يوم القيمة

کلمه <انما>، دریافت کامل پاداش و جزا را منحصر به روز قیامت می کند، لذا مفهوم آن، دریافت برخی از جزا و پاداش در غیر روز قیامت است و مراد از غیر قیامت، می تواند دنیا و یا برزخ و یا هر دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۹

۹ اعمال نیک آدمی در پی دارنده پاداشی الهی در دنیا و آخرت *

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

بدان احتمال که مراد از <یضاعفها> پاداش دنیوی و <یؤت من لدنه .. > ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۰- > عن ابن عباس أن النبي (ص) قال : معنى الآية من كان يريد ثواب الدنيا بعمله الذي افترضه الله عليه لا يريد به وجه الله و الدار الآخرة عَجِّلْ له فيها ما يشاء الله من عرض الدنيا و ليس له ثواب في الآخرة و ذلك ان الله سبحانه و تعالى يؤتیه ذلك لیستعين به علی الطاعة فیستعمله فی معصیه الله فیعاقبه الله علیه ;

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمود: معنای آیه <من كان يريد العاجله عَجَّلنا له فيها ما يشاء> این است که با انجام اعمالی که خداوند بر او واجب گردانیده، تقرب به سوی خدا و روز آخرت را اراده نمی کند؛ بلکه پاداش دنیوی را اراده می کند، در دنیا آنچه را که خداوند بخواهد از نعمتهای دنیوی به او داده می شود و برای او در آخرت پاداشی نیست؛ چون خداوند سبحانه و تعالی آن را به او داده است تا در طریق طاعت کمکش کند؛ ولی او در معصیت خداوند آن را به کار می بندد. پس خداوند او را به خاطر این کار عذاب می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - بازگشت نتیجه کردار و اندوخته های انسان ، به خود وی در دنیا و آخرت

محتاجم و مماتهم .. و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

آیه شریفه پاسخ و ردی است بر کسانی که صالح و ناصالح را در زندگی و مرگ مساوی می پنداشتند

از این مطلب، استفاده می شود که دنیا و آخرت هر دو میدان جزا و پاداش است.

پاداش دنیوی عمل پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ اعمال نیک، اگر به قصد دستیابی به بهره های دنیوی انجام گیرد، نتایج آن تنها در دنیا عاید انسان می شود.

من كان يريد الحيوه الدنيا و زينتها نوْفٌ إليهم أعملهم فيها

پاداش دنیوی قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت؛ بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش دنیوی قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۱۰، ۵

۵ - خداوند، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او)، دو پاداش می دهد: پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت.

من ذا الذی یقرض الله .. فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۰ - خداوند، در برابر قرض الحسنه ای که مؤمنان به او می دهند، علاوه بر بازپس دادن چند برابر آن در دنیا، پاداشی

نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان خواهد داد .

من ذا الذی یقرض

اللَّهُ .. فيضعفه له و له أجر كريم

واژه <كريم> در هر مقامی، معنایی متناسب با همان مقام دارد. در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۱۱، ۹، ۷

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعف لهم و لهم أجر كريم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فيضعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر كريم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۹ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می پردازند) ، به آنان باز می گرداند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعف لهم

<مضاعفه> (مصدر <يضعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن (چند و چندین برابر نمودن) اطلاق می شود (مفردات راغب).

۱۱ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه که مؤمنان به او می دهند علاوه بر باز پس دادن چند برابر آن در دنیا پاداش نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان عطا خواهد کرد .

إِنَّ الْمَصْدَقِينَ .. و أقرضوا الله ... و لهم أجر كريم

واژه <كريم>، در هر مورد معنایی متناسب با همان جا دارد و در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

پاداش دنیوی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۲

۲ ثبات قدم (پایمردی) و پیروزی بر دشمنان ، پاداش دنیوی خداوند به مجاهدان صابر و نیایشگر

ربّنا .. و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین . فاتیهم الله ثواب الدّنيا

پاداش دنیوی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ برخورداری نیکوکاران از پاداش های الهی در دنیا

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۴

۱۴ خداوند ، نیکوکاران را در دنیا از پاداش های خویش بهره مند می سازد .

و لانضیع أجر المحسنین

به قرینه آیه بعد ، مراد از < أجر > پاداشهای دنیوی است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۲

۲ نیکوکاران علاوه بر بهره مند شدن از پاداش در حیات دنیا ، از پاداش های برتر اخروی نیز برخوردار خواهند شد .

لانضیع أجر المحسنین . و لأجر الآخره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۸

۸- احسان کنندگان ، در همین دنیا بهره خوبی خواهند داشت .

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ

برداشت فوق بر این اساس است که <فی هذه> متعلق به <حسنه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۶،۷

۶- اعطای پاداش نیک در دنیا ، وعده خداوند به احسان کنندگان

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که

<فی هذه الدنيا> ظرف برای <حسنه> باشد، نه برای <أحسنوا>؛ چنان که در جای دیگر قرآن، به این حقیقت تصریح شده است: <للذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه و لدار الآخره خیر..>، (سوره نحل (۱۶) آیه ۳۰).

۷- پاداش احسان کنندگان در دنیا، بسیار بزرگ و توصیف ناپذیر است.

للذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه

برداشت بالا از تنوین <حسنه> که برای تعظیم و تفضیم است استفاده می شود.

پاداش دنیوی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱،۱۲

۱- خداوند، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند.

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوئتهم فی الدنيا حسنه و لأجر الآخره أ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

۱۲- مهاجران، از فواید دنیوی و پاداش اخروی هجرت در راه خدا بی خبرند.

و الذین هاجروا .. لأجر الآخره أكبر لو كانوا يعلمون

پاداش دنیوی هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- پاداش اخروی هجرت در راه خدا، بسی برتر از پاداش دنیوی آن است.

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوئتهم فی الدنيا حسنه و لأجر الآخره أ

پاداش دنیوی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ -

۱۰ یوسف (ع) در آخرت از پاداشی برتر و بهتر از آنچه در دنیا بدان دست یافت، بهره مند خواهد شد.

و كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ... و لَانْضِيعَ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. و لِأَجْرِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ... و

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف (ع)، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود.

و كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ... و لِأَجْرِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا و كَانُوا يَتَّقُونَ

محسنان و پاداش دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۳

۳ تنگنای حیات دنیا و گنجایش محدود آن، نمی تواند ظرفی مناسب برای تأمین پاداش نیکوکاران باشد.

و لَانْضِيعَ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. و لِأَجْرِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ... و كَانُوا يَتَّقُونَ

مراتب پاداش دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۷

۷ - پاداش احسان کنندگان در دنیا، بسیار بزرگ و توصیف ناپذیر است.

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ

برداشت بالا از تنوین <حسنة> که برای تعظیم و تفخیم است استفاده می شود.

پاداشهای خدا

آثار بی نیازی از پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۸ - ۴

۴ - احساس بی نیازی از پاداش های موعود خداوند ، زمینه بخل ورزی و ترک انفاق

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى . . . وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى

در برداشت یاد شده، عطف <استغنی> بر <بخل>، عطف سبب بر مسبب دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- بخلورزی ، ترک انفاق و احساس بی نیازی از پاداش های الهی ، نشانه بی اعتمادی به وعده های خداوند است .

و أمّا من بخل و استغنی و کذب بالحسنى

از عطف این آیه بر آیه قبل چه عطف سبب بر مسبب باشد و چه عکس آن برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۶

۶- بخلورزی و احساس بی نیازی از پاداش های الهی و تکذیب آن ، مایه محرومیت از امداد های خداوند در دنیا و گرفتاری به فرجامی سخت در آخرت است .

و أمّا من بخل و استغنی . و کذب بالحسنى . فسینسره للعسرى

مراد از <عسری> به قرینه آیه بعد زمان سقوط و هلاکت است و بر دنیا و آخرت تطبیق می کند. آیه <و إنّ لنا للآخرة و الأولى> نیز مؤید تعمیم به آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۱ - ۴

۴- سقوط و هلاکت ثروتمندان بخیل در دنیا و آخرت ، گواه بی ثمر بودن ثروت و واهی بودن احساس بی نیازی آنان از پاداش های الهی است .

استغنی . . و ما یغنی عنه ماله إذا تردى

آثار تکذیب پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۲

۲- تکذیب قیامت و کیفر و پاداش الهی ، مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

ویل یومئذ للمکذبین . الذین یکذبون

۶ - بخلورزی و احساس بی نیازی از پاداش های الهی و تکذیب آن ، مایه محرومیت از امداد های خداوند در دنیا و گرفتاری به فرجامی سخت در آخرت است .

و أمّا من بخل و استغنی . و کذب بالحسنى . فسنيّسره للعسرى

مراد از <عسرى> به قرینه آیه بعد زمان سقوط و هلاکت است و بر دنیا و آخرت تطبیق می کند. آیه <و إنّ لنا للآخرة و الأولى> نیز مؤید تعمیم به آن دو است.

۹ - < عن أبی جعفر (ع) فی قول الله عزّوجلّ > .. فسنيّسره للعسرى < قال : لا یرید شیئاً من الشرّ إلاّ یسره له ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزوجلّ <فسنيّسره للعسرى>، روایت شده که فرمود: [هر که بخل ورزد و خود را از خدا بی نیاز بیند و نیکوترین پاداش الهی را تکذیب کند]، درباره انجام دادن هیچ شری تصمیم نمی گیرد؛ جز آن که خداوند آن را برای او آسان می سازد.

۳ - بخل و ثروت اندوزی حاصل از آن و تکذیب پاداش های الهی ، زمینه ساز تکذیب حکم انفاق و خودداری از صرف مال در راه تزکیه نفس

و أمّا من بخل .. الذی کذب و تولّى

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر اتحاد <من بخل..> با <الذی کذب...> است و ارتباط آن با آیات بعد که از اعطای مال به قصد

تزکیه سخن گفته است قرینه بر این است که علاوه بر تکذیبِ هدایت و انذار، تکذیب حکم انفاق نیز مراد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۲

۲ - بی اعتقادی به معاد و پاداش و کیفر الهی ، مایه بی تفاوتی انسان در برابر ضروریات زندگی مردم

أرءیت الذی یکذب بالذین ... و یمنعون الماعون

آثار ذکر پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۹

۹ - توجه به پاداش برتر الهی ، مانع روی گردانی انسان از تعهدات خویش با خداوند است .

و لاتشتروا بعهد الله .. إنما عند الله هو خیر لكم إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۸

۸ - توجه به نظام مجازات و پاداش الهی در آخرت ، گرایش دهنده انسان به نیکی ها و بازدارنده وی از زشتی ها

لیجزی الذین أسوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۸

۸ - توجه انسان به نظام عادلانه مجازات الهی ، تشویق کننده او در جدیت و تلاش

و أن لیس للإنسن إلا ما سعی . و أنّ سعیه سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

یادکرد مجازات الهی پس از تأکید بر اصل مسؤولیت فردی انسان در برابر عمل خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

توجه و ایمان به پاداش بزرگ الهی برای مؤمنان ، بازدارنده انسان از وابستگی به اموال و اولاد و گناه به خاطر آنها

و الله عنده أجر عظیم

آثار عقیده به پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۶

۶ - اعتقاد به تضمین پاداش کامل و بیش از استحقاق از سوی خداوند ، موجب برانگیخته شدن انسان به انجام خالصانه اعمال نیک (همچون انفاق)

الذین يتلون كتب الله ... و أنفقوا مما رزقهم سرًّا و علانیه ... لیوفّیهم أُ

ارزش پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۹، ۸، ۶

۶ - خداوند ، خواهان آگاهی یافتن مردم به ارزش برتر پاداش های الهی بر منافع دنیوی

لمثوبه من عندالله خیر لو كانوا یعلمون

<لو> در <لو كانوا یعلمون> به معنای تمنی است و تمنی درباره خداوند به معنای اراده تشریعی است. مفعول <یعلمون> همه حقایقی است که در جمله های قبل بیان شده است. از آنهاست برتری پاداش دنیا بر دیگر منافع؛ یعنی: لیت هم یعلمون ان مثوبه الله خیر.

۸ - تنها دانایان ، وابستگی پاداش های الهی را به ایمان و تقوا و برتری آن را بر هر منفعتی دیگر ، در می یابند .

لمثوبه من عندالله خیر لو كانوا یعلمون

فعل <یعلمون> در جمله فوق می تواند فعل لازم بوده و نیازی به مفعول نداشته باشد. بر این مبنا <لو كانوا یعلمون>؛ یعنی، ای کاش! اهل علم و دانش بودند تا حقایق مطرح شده را می فهمیدند.

۹ - جهل انسان ها به ارزش برتر پاداش

های الهی، آنان را به منافع دنیوی دلبسته کرده و از ایمان و تقوا باز داشته است .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا .. لو كانوا يعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <لو> در جمله فوق شرطیه باشد. بر این اساس احتمالاتی قابل تصور است و از آنهاست اینکه مفعول <یعلمون> برتری پاداش الهی گرفته شود و جواب شرط از جمله <و لو أنهم ءامنوا> استفاده گردد؛ یعنی: <لو كانوا يعلمون ان ثواب الله خیر لأمنوا و اتقوا> اگر می دانستند که پاداش الهی از منافع دنیوی برتر است، همانا ایمان می آوردند و تقوا پیشه می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۶

۶ - قدرت و ثروت (هر چند بسیار و افسانه ای باشد) در نگاه اهل معرفت و مؤمنان دین شناس ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی است .

و قال الذین أوتوا العلم ویلکم ثواب الله خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۱

۱ - هیچ کس ، توان ندارد ارزش و اهمیت پاداش های الهی را برای مؤمنان راستین ، درک کند .

فلاتعلم نفس ما أخفی لهم من قره أعین

<نفس> شامل هر صاحب حیاتی از جمله انسان ها و ملائکه می شود. سیاق نفی مفید عموم است.

ازدیاد پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۹

۹ - اعطای پاداشی افزون بر استحقاق شخص ، نمودی از فضل خداوند است .

لیجزیهم الله

أحسن ما عملوا و يزيدهم من فضله

استفاده از پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۱

۱ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از پاداش بی حساب و همیشگی خداوند

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

برداشت یاد شده بر این اساس است که <غیر ممنون> به معنای غیر منقطع و یا غیر قابل محاسبه باشد.

امیدواران به پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، به بهترین پاداش و فضل او امیدواراند .

رجال لا تلهيهم تجره ولا بيع عن ذكر الله .. ليجزئهم الله أحسن ما عملوا و يزيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۹ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلكم .. إن أجرى إلا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۴

۴ - امید پیامبران و تبلیغ کنندگان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلكم .. إن أجرى إلا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلكم عليه من أجر إن أجرى إلا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

إِن أُجْرَى إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و مَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أُجْرَى إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَلَمِينَ

امیدواری به پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۵ - ۲

۲ - چشمداشت به پاداش الهی ، آرزوی بهشت و درخواست نعمت های آن از خداوند ، امری شایسته و بایسته برای اهل

ایمان

و اجعلنی من ورثه جَنَّةِ النِّعَمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - امید داشتن به رحمت و پاداش الهی نه خود را مستحق آن شمردن از ویژگی های عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ،

برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۳ - ۵

۵ - > قال علی بن موسی الرضا (ع) فی قول الله عزوجلّ : > وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره < یعنی مشرقه تنتظر ثواب ربّها ;

امام رضا(ع) درباره سخن خدای عزوجلّ: > وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره < فرمود: یعنی (صورت هایی در آن روز) درخشیده است و در

انتظار ثواب پروردگارشان اند.

اهمیت پادشاهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۱۳

۱۳ - گذشت و چشم پوشی خداوند از گناهان بزرگ ، بسی با اهمیت تر از پاداش های بزرگ او است .

ليكفر الله عنهم أسوأ الذي عملوا و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

از تقدم ذكرى <ليكفر الله..> بر <يجزيهم...> می توان برداشت بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۲

۲- شرافت ایمانی و پاداش الهی به مجاهدان ، شایان دلبستگی و نه سرگرمی های بی فرجام دنیا

أنتم الأعلى و الله معكم و لن يترككم أعملكم . إنما الحيوه الدنيا لعب و لهو

از ارتباط این آیه با آیه قبل که درباره تشویق مؤمنان به جهاد و از یاد نبردن ارجمندی خویش و پاداش الهی بود مطلب بالا استفاده می شود.

ایمان به پادشاهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۳

۲۳ ایمان و آگاهی به پاداش الهی ، زمینه عدم تخلف از وظایف دشوار دینی

ذلك بأنهم لا يصيبهم ظمأ و .. إن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۷

۷- توجه و ایمان به پاداش بزرگ الهی برای مؤمنان ، بازدارنده انسان از وابستگی به اموال و اولاد و گناه به خاطر آنها

و الله عنده أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل -

۲ - پاداش های موعود خداوند ، نیکو و تصدیق آن بر همگان لازم است .

و صدق بالحسنى

کلمه <حسنى> یا مصدر است (مانند <رجعى>) و یا مؤنث <أحسن> است. در صورت اول معنای تفضیلی نخواهد داشت بلکه با تأویل به مشتق، معنای <حَسَن> دارد. وصف <الحسنى> خود نشانگر مطلوب بودن تصدیق آن است و وعده به فرجام راحت (در آیه بعد) نیز بر سزاوار بودن تصدیق، تأکید کرده است.

۳ - سخاوت مندى ، انفاق و تقواییشگی ، نشانه پذیرش وعده های خداوند و باور داشتن پاداش های الهی است .

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى . وَ صَدَّقَ بِالْحَسَنِ

عطف این آیه بر آیه قبل، عطف سبب بر مسبب و یا عکس آن است و در هر صورت، برداشت بالا استفاده می شود.

برتری پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۲

۲- جاودانگی ارزش های معنوی و پاداش های الهی ، راز برتری مطلق آنها بر دستاورد های مادی انسان

إنما عند الله هو خير لكم . .. ما عندكم ينفد و ما عند الله باق

پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۹

۹ - رسیدن به پاداش های گران قدر الهی در گرو ایمان به خدا ، باور به قیامت و انجام اعمال صالح است .

من ءامن بالله . .. فلهم أجرهم عند ربهم

مقید کردن اجر و پاداش به اینکه نزد خداوند است، اشاره به گران سنگی پاداش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - کمترین پاداش الهی، برتر و با ارزشتر از هر منفعتی دیگر است.

لمثوبه من عندالله خیر

<مثوبه> به معنای پاداش است. وصف <کمترین> در برداشت فوق، از نکره آوردن کلمه <مثوبه> استفاده شده است. مفضل علیه <خیر> نیز ذکر نشده تا شامل هر چیز بشود. بنابراین <خیر> یعنی، بهتر است از هر منفعتی که تصور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱۲

۱۲ - پاداش کارهای نیک، تضمین شده از سوی خداوند، بدون کمترین کاستی

و ما تقدموا لأنفسكم من خیر تجدوه عندالله

در برداشت فوق <تجدوه> - چنانچه بسیاری از مفسران گفته اند - به یافتن پاداش عمل تفسیر شده است. تعبیر کردن از <یافتن پاداش عمل> به <یافتن خود عمل> حاوی این نکته است که: پاداش اعمال نیک بدون کمترین کاستی، به انسانها اعطا می شود؛ به گونه ای که گویا همان عمل را می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۲،۳

۲ - پاداش های الهی (بهشت) از آن کسانی است که با تمام وجود تسلیم خدا شده و از سر اخلاص کارهای نیک انجام دهند.

من أسلم وجهه لله و هو محسن فله أجره عندربه

از مصادیق <أجر> - به دلیل آیه قبل - <بهشت> است. <وجه> به معنای صورت است و مراد از آن در آیه شریفه، وجود و ذات آدمی است. <محسن> به کسی گفته می شود که کار نیک انجام دهد.

۳ - پاداش دهی خداوند پرتوی از ربوبیت

اوست .

فله أجرة عند ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱۱

۱۱ - عدل الهی ، در رسیدگی به اعمال انسان ها و پاداش دهی به ایشان

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱۱

۱۱ - عدل الهی در رسیدگی به اعمال انسان ها و پاداش دهی به آنان

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۸

۸ - کسانی که اعمال نیک (سعی میان صفا و مروه) انجام دهند ، از پاداش های الهی برخوردار خواهند شد .

و من تطوع خیراً فإن الله شاکر علیم

سپاسگزاری خداوند از بندگان، کنایه از پاداش دهی به آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱،۲،۳

۱ بهره مندی از پاداش های موعود الهی ، خواسته خردمندان از پروردگار خویش

لاولی الالباب .. ربنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک

۲ خداوند ، نویددهنده پاداش به خردمندان مؤمن

رَبَّنَا وَاتْنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلِي رَسَلِك

۳ پیامبران ، واسطه خداوند در نوید پاداش به خردمندان

اتنا ما وعدتنا علی رسلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۳۳

۳۳ پاداش نیکو ، تنها در نزد خداوند است .

و الله عنده حسن الثواب

تقدیم ظرف <عنده>، دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱۴

۱۴ بهترین پاداش الهی، از آن ابرار و نیکان است.

و ما عند الله خیر للابرار

برداشت فوق بر این مناست که <للابرار>، خبر دوم برای <ما>ی موصوله باشد، نه متعلق به <خیر>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۹

۹ خداوند به نیکوکاران با کثرت ذریه صالح و هدایت یافته پاداش می دهد.

و وهبنا له إسحق و یعقوب .. و من ذریته داود و سلیمن ... و كذلك نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۶،۷

۶ هدایت ویژه، پاداش خداوند به صالحان است.

کلا هدینا .. کل من الصالحین

در آیه پیشین سخن از هدایت ویژه برای پیامبران بود و این آیه آنان را از زمره صالحان می شمارد. بنابراین وصف مذکور باید در حصول هدایت ویژه دارای نقش باشد.

۷ ذریه صالح پاداش خداوند به نیکوکاران است.

و كذلك نجزی المحسنین .. کل من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۶

۶ پاداش هدایت یافتگان در نزد پروردگارشان تضمین شده است.

و من یرد الله .. لهم دارالسلام عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۳

۳ عقوبت‌های خدا عادلانه و پادشاهی وی جلوه ای از فضل اوست.

من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها و من جاء بالسيئة فلا يجزي إلا مثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶

۲ خداوند پاداش یهودیان تمسک کننده به تورات و برپا دارنده نماز را تباه نخواهد کرد .

و الذین یمسکون بالکتب .. إنا لانضیع أجر المصلحین

چون آیه مورد بحث در سیاق آیات مربوط به یهود واقع شده، می توان گفت مراد از <الذین .. > یهودیان متعهد هستند، و یا اینکه آنان از مصادیق مورد نظر برای <الذین ... > می باشند.

۳ چنگ زدن به کتاب های آسمانی و برپا داشتن نماز ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

و الذین یمسکون بالکتب .. إنا لانضیع أجر المصلحین

۶ اصلاحگران جوامع ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

إنا لانضیع أجر المصلحین

کلمه <مصلح > هم به کسی که عمل صالح انجام می دهد، یعنی در صدد اصلاح خویش است، گفته می شود، و هم به شخصی که در تلاش برای اصلاح دیگران است، اطلاق می گردد. برداشت فوق بر اساس معنای دوم است.

۷ انجام دهندگان اعمال صالح از پاداش های الهی بهره مند خواهند شد .

إنا لانضیع أجر المصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۵

۵ ایمان و عمل در رساندن آدمی به پاداش های والای الهی مکمل یکدیگرند .

لهم درجت عند ربهم و مغفرة و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۶،۷،۹

۶ پایبندی به ارزش های الهی و پرهیز از خیانت به دین ، دارای پاداشی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا الله .. أنما أموالکم و أولدکم فتنه و أن

اللّٰه عنده أجر عظیم

۷ پیروزی و موفقیت مؤمنان در آزمونشان به وسیله مال و اولاد ، موجب بهره مندی آنان از پاداش بزرگ الهی است .

و اعلموا أنما أموالکم و أولدکم فتنه و أن اللّٰه عنده أجر عظیم

بیان پاداش عظیم الهی پس از تأکید بر اینکه ثروتها و فرزندان وسیله آزمون هستند، می تواند بیانگر نکته ای باشد که در برداشت فوق بدان اشاره شده است.

۹ امکانات و جلوه های مادی در قبال پاداش الهی ، بسیار ناچیز و بی مقدار است .

و اعلموا أنما أموالکم و أولدکم فتنه و أن اللّٰه عنده أجر عظیم

برداشت فوق اشاره به وجه ارتباطی است برای دو جمله <انما امولکم .. > و <أن اللّٰه عنده ... >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۳، ۱۴، ۱۷

۱۳ انفاق در راه خدا ، دارای پاداشی کامل و تضمین شده از جانب خدا

و ما تنفقوا من شیء .. یوف إلیکم

۱۴ تأمین کمترین هزینه جهاد ، در پی دارنده پاداش عادلانه الهی

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّٰه یوف إلیکم و أنتم لاتظلمون

۱۷ خداوند هرگز در پاداش دادن به بندگان خویش ستم روانمی دارد .

و أنتم لاتظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۴، ۵، ۶

۴ پاداش خداوند به مؤمنان مهاجر و مجاهد ، پاداشی بزرگ است .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. إن اللّٰه عنده أجر عظیم

۵ اجر و پاداش بزرگ ، تنها در نزد خداست .

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

تقدیم <عنده> بر

>أجر عظیم < می تواند برای افاده حصر باشد.

۶ مؤمنان مهاجر و مجاهد ، علاوه بر بهره مندی از رحمت و رضوان الهی و بهشت ، از پاداشی ویژه و بزرگ در پیشگاه خداوند برخوردارند .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. و جنت ... إن الله عنده أجر عظیم

قرار گرفتن جمله <إن الله عنده أجر عظیم > که دارای معنایی عام و کلی است پس از ذکر پاداشهای گوناگون مؤمنان مهاجر و مجاهد، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنت .. أولئك سیرحهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت .. يأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۰

۲۰ جهاد و تحمل رنج و سختی در راه خدا ، احسان و دارای پاداش از سوی خداست .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصة فی سبیل الله .. إن الله لا یضیع أجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۹

۹ آمادگی رزمی و انجام کارهای مقدماتی جهاد، دارای اجر و پاداش الهی

و لا ینفقون... و لا یقطعون وادياً إلا کتب لهم

با توجه به اینکه آیات در زمینه جنگ تبوک است و در <تبوک> جنگی صورت نگرفت و نیز چون انفاق و پیمودن دره ها از مقدمات جنگ است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰،۱۱

۱۰ صابران دارای اعمال صالح، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد.

أولئک لهم مغفرة و أجر کبیر

بنا به گفته گروهی از مفسران، مراد از <أجر کبیر> بهشت و موهبتهای اخروی است.

۱۱ دستیابی به پاداش بزرگ الهی (بهشت) در گرو بخشوده شدن گناهان است.

أولئک لهم مغفرة و أجر کبیر

تقدیم ذکری <مغفرت> بر <أجر کبیر> می تواند اشاره به این باشد که: رسیدن به پاداش بزرگ الهی و ورود به بهشت، در گرو آمرزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۷

۷ مبلغان معارف دین، مستحق پاداشند و پاداش دهنده ایشان، خداوند است.

إن أجری إلا علی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ خداوند ، اعطا کننده پاداش رسالت به پیامبران خویش

إن أجرى إلا على الذى فطرنى

۷ ابلاغ پیام های الهی به مردم و تبلیغ معارف دین ، در پی دارنده پاداش از ناحیه

خداوند

إِن أُجْرَى إِلَّا عَلَى الذِي فَطَرَنِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۶

۶ کیفرسانی و پاداش دهی خداوند ، پرتوی از ربوبیت اوست .

لِيُوفِيَنَّهُمْ رَبِّكَ أَعْمَلَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۵

۵ خداوند ، از اجر و پاداش نیکوکاران نمی کاهد و آنان را از پاداش کردارشان محروم نمی سازد .

فَإِنِ اللَّهُ لَإِيضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۱۲

۱۲ خداوند ، پرستشگران و بندگان خویش را از پاداش ها بهره مند می سازد .

فاعبده .. و ما ربك بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان آگاهی خدا به اعمال انسانها ، پس از فرمان به عبادت و پرستش (اعبده) ، تضمین پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۹،۱۳

۹ بهره مندی یوسف (ع) از حکمت و علم ، پاداشی الهی بر نیکوکاری او بود .

ءاتينه حكماً و علماً و كذلك نجزي المحسنين

<جزاء> (مصدر نجزی) به معنای سزا و پاداش است.

۱۳ برخورداری نیکوکاران از پاداش های الهی در دنیا

ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۸، ۱۵

۱۵ خداوند در اعطای پاداش به نیکوکاران ، ذره ای از پاداش آنان نمی کاهد .

و لانضیع أجر المحسنین

۱۸ به قدرت رسیدن یوسف (ع) در سرزمین مصر ، دلیلی روشن بر ضایع نشدن اجر نیکوکاران از ناحیه

خداوند است .

و كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ . . . و لَانضِيعَ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۷

۱۷ خداوند ، به اعطا کنندگان صدقه پاداش خواهد داد .

إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۴، ۱۳

۱۳ تقوایبشگی و صبوری موجب بهره مند شدن از پاداش های الهی است .

إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

جواب شرط (من يتق . . .) محذوف است و جمله <فإن الله...> جانشین و گویای آن محذوف است ؛ یعنی: من يتق و يصبر فهو من المحسنين و لا يضيع الله أجره لأن الله لا يضيع أجر المحسنين.

۱۴ خداوند ، پاداش نیکوکاران را به طور کامل عطا می کند و چیزی از آن نمی کاهد .

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۷، ۹

۷- ورود به بهشت جاودان و رسیدن به تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقوایبشگان است .

دار المتقين . جنت عدن ... لهم فيها ما يشاءون

۹- نیل به سعادت اخروی ، جای گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقوایبشگان

و لنعم دار المتقين . جنت عدن ... لهم فيها ما يشاءون كذلك يجزي الله المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱

۱- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند

، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوئنهم فی الدنيا حسنه و لأجر الأخره أ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۸

۸- وفا کنندگان به عهد الهی ، دارای پاداشی محفوظ نزد خداوند

و لاتشتروا بعهد الله .. إنما عند الله هو خیر لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۷

۷- خداوند ، پاداش دهنده مؤمنان نیک کردار بر اساس بهترین عمل آنان

من عمل صلحًا .. و هو مؤمن ... و لنجزینهم أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۷

۷- عدل الهی ، بر نظام جزای اعمال حاکم است .

و لاتزر وازره وزر أخرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۲ - ۲

۲- یگانگی خداوند در آفرینش و در پاداش و کیفر دادن به انسان ها و نیز اعطای نعمت ها ، مقتضی پرهیز از هر گونه شرک در عقیده و عمل

و جعلنا الیل و النهار .. و کلّ إنسن ألزمنه طئره ... لاتجعل مع الله إلهًا

برداشت یاد شده با عنایت به دو نکته است: ۱- جمله <لا تجعل مع الله إلها.. > به منزله نتیجه برای آیات پیشین است و با پیام های

اصلی آن آیات که در سه محور یاد شده در برداشت فوق خلاصه می شود مرتبط است. ۲- اطلاق واژه <لا تجعل> که شامل نهی از هرگونه شرک می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۴ - ۷

۷- ربوبیت الهی ، مقتضی دادن پاداش و یا کیفر به انسانهاست .

رَبِّكُمْ .. إِنْ يَشَأْ يُرْحَمَكُم أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبِكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۰ - ۱،۵،۶

۱- پاداش مؤمنان دارای عمل صالح ، حتمی بوده و از جانب خداوند ، تضمین شده است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نَنْصِفُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا

۵- خداوند ، پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد .

إِنَّا لَا نَنْصِفُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا

۶- خداوند ، هیچ یک از اعمال نیک را بدون اجر و مزد نخواهد گذاشت .

إِنَّا لَا نَنْصِفُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا

نکره بودن <عملاً> در این جمله، دال بر اطلاق است، لذا شامل هرگونه عمل کوچک یا بزرگ، کم یا زیاد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۴ - ۶

۶- خداوند ، عطاکننده بهترین پاداش ها و برترین فرجام ها است .

هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

<ثواب> به معنای <اجر و پاداش> است و <عقب> به معنای <عاقبت و فرجام>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۶ - ۶۸

۶- پاداش عمل صالح ، از طرف خداوند ، تضمین شده است .

و البقیة الصلحة خیر عند ربك

۸- پاداش خداوند به کردار نیک

، جلوه ای از ربوبیت او است .

و البقیة الصلحة خیر عند ربك ثواباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۲

۲- محبوبیت در دل های مردم ، از جمله پاداش های خداوند به مؤمنان دارای کردار نیک .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۲

۲ - خدا ، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر

و الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ .. لِيَرْزُقْنَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۹ - ۱

۱ - خدا ، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر در جهان آخرت

و الَّذِينَ هَاجَرُوا .. لِيُدْخِلَنَّهُمُ مَدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۶

۶ - نظام ربوبی خداوند ، نظامی بر اساس کيفر و پاداش

إِلَى رَبِّهِمْ رَجْعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۷،۸،۹

۷ - خداوند ، ضامن پاداش تلاشگران در راه دین و هدایت مردم

فخراج ربّك خیر

۸ - خدا ، عهده دار پاداش پیامبر (ص) در برابر ادای رسالت

فخراج ربّك خیر

۹ - پاداش خدا ، بهترین و ارزشمندترین پاداش ها برای مبلغان الهی

فخراج ربّك خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۸

۸ - کیفر و پاداش در سرای آخرت در اختیار خداوند است .

یومئذ یوفّیهم الله دینهم الحقّ

جلد - نام سوره -

۲ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، از بهترین و بالاترین پاداش های الهی برخوردار خواهند بود .

رجال لاتلهيهم تجره ولابيع عن ذكر الله .. ليجزيهم الله أحسن ما عملوا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که کلمه <جزاء> پیش از <أحسن>، در تقدیر و مفعول دوم برای <ليجزى> باشد.

۴ - چشم پوشی خداوند در مقام پاداش دهی ، از کم و کاستی های اعمال نیک مردمانی که دایم به یاد خدا هستند .

رجال لاتلهيهم تجره ولابيع عن ذكر الله .. ليجزيهم الله أحسن ما عملوا

اعطای پاداش بهترین و کامل ترین اعمال به مردمان الهی، ممکن است به این معنا باشد که خداوند، کم و کاستی های اعمال آنان را نادیده می گیرد و پاداش عمل کامل را به آنان عنایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - خداوند ، ضامن پاداش تبلیغ کنندگان مخلص دین

إن أجرى إلا على رب العلمين

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است ؛ نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

و ما أسئلكم .. إن أجرى إلا على رب العلمين

آوردن <رب العالمين> به جای <الله> می تواند اشاره به مطلب یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - خدا ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین

و ما أسئلكم .. إن أجرى إلا على رب العلمين

تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است ، نه خلق سراپا نیاز و ضعیف .

و ما أسئلكم .. إن أجرى إلاّ على ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۳،۵

۳ - خدا ، ضامن پاداش هدایتگران و مبلغان مخلص دین

إن أجرى إلاّ على ربّ العلمین

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است ، نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

و ما أسئلكم علیه من أجر إن أجرى إلاّ على ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۳،۵

۳ - خداوند ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین

إن أجرى إلاّ على ربّ العلمین

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

و ما أسئلكم علیه من أجر إن أجرى إلاّ على ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۳،۵

۳ - خدا ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین است .

إن أجرى إلاّ على ربّ العلمین

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است ، نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

إن أجرى إلاّ على ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۵

۵ - بهره مند شدن موسی (ع) از حکمت و دانش ، پاداش الهی در برابر احسان و نیکوکاری وی

ءاتینه حکمًا و علمًا و كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۸

۸ - پاداش های اخروی خداوند ، ویژه مؤمنان شایسته کردار

ثواب الله خير لمن ءامن و عمل صلحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۲،۳

۲ - پاداش الهی در جهان آخرت ، براساس فضل و احسان و کیفر او ، برپایه عدل و انصاف خواهد بود .

من جاء بالحسنة فله خير منها و من جاء بالسيئة فلا يجزي . . . إلا ما كانوا يعملون

۳ - دستیابی به پاداش برتر الهی در جهان آخرت ، در گرو داشتن اعمال نیک است .

من جاء بالحسنة فله خير منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳ - ۱۰

۱۰ - فلسفه آزمودن مؤمنان ، مشخص شدن مؤمنان راستین ، جهت پاداش دهی خداوند به آنان است .

و لقد فتنا . . . فليعلمن الله الذين صدقوا

برداشت بالا، بنابر این احتمال است که تحقق عینی علم خداوند در آزمودن مؤمنان، به منظور اعطای پاداش به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۷ - ۶،۹

۶ - خداوند ، در قبال هر یک از اعمال مؤمنان ، بهترین پاداش را می دهد .

و الذين ءامنوا . . . و لنجزينهم أحسن الذي كانوا يعملون

<أحسن> <جانشین > مفعول مطلق محذوف <است. تقدیر آیه، چنین است: <و لنجزينهم جزاءً أحسن الذي...> (ما، پاداش

آنان را، بهترین جزایشان، قرار خواهیم داد).

۹ - عمل انسان ها ، مبنای پاداش دهی خدا است .

و لنجزینهم أحسن الذی كانوا یعملون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۴

۴ - خداوند ، پاداش ابراهیم (ع) را در همین دنیا ، به او عطا کرد .

و ءاتينه أجره في الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۴، ۵، ۲، ۱

۱ - خداوند پاداش دهنده مؤمنانِ دارای عمل صالح در قیامت

ليجزى الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

۲ - اعمالِ صالحِ مؤمنانِ فراهم آورنده زمینه ، برای دریافت پاداش از خداوند ، در قیامت است .

فلأنفسهم يمهدون . ليجزى الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

<لام> در <ليجزى> تعلیل برای <يمهدون> است.

۴ - پاداش دهی خداوند به مؤمنانِ دارای عمل صالح ، فراتر از استحقاق عمل آنها است .

ليجزى الذين ءامنوا . . من فضله

ذکر <من فضله> برای بیان این نکته است که پاداش در نظر گرفته شده برای مؤمنان، براساس استحقاق نیست، بلکه فزون تر از آن است.

۵ - پاداش های اخروی خداوند به مؤمنان (بهشت و نعمت های آن) ، تفضل او است .

ليجزى الذين . . من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۸

۸ - شنوایی و بینایی خداوند ، پشتوانه کيفر و پاداش آدمیان پس از رستاخیر است .

ما خلقکم و لا بعثکم إلاّ کنفس وحده إنّ الله سمیع بصیر

احتمال دارد ذکر < إنّ الله سمیع بصیر > پس از بیان قدرت خداوند بر بازآفرینی انسان ها پس از مرگ، به این جهت باشد که بازآفرینی، برای حساب رسی اعمال است و پشتوانه آن هم، آگاهی خداوند از اعمال انسان ها

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۲

۲ - چشم شب زنده داران و انفاق کنندگان در راه خدا ، به پاداش های وصف ناپذیر الهی ، روشن است .

تتجافی جنوبهم عن المضاجع .. فلاتعلم نفس ما أخفى لهم من قره أعین

<قره> احتمال دارد از <قره> به معنای <قرار گرفتن> باشد که کنایه از رضایت و چشم ندوختن به چیزی دیگر است و احتمال دارد از <قره> به معنای <سردی> باشد که کنایه از خوشحالی و چشم روشنی است. برداشت بالا براساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۴ - ۱۳، ۲، ۱

۱ - خداوند ، به راستگویان ، به خاطر صداقت شان ، پاداش می دهد .

لیجزی الله الصدقین بصدقهم

لام در <لیجزی> لام عاقبت است.

۲ - خداوند ، مؤمنان وفادار به عهد خود را پاداش خواهد داد .

رجال صدقوا ما عهدوا الله عليه .. لیجزی الله الصدقین بصدقهم

۱۳ - اعطای پاداش از ناحیه خداوند به راستگویان ، از آمرزگاری و رحمت او است .

لیجزی الله الصدقین .. إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۹ - ۲، ۸، ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بود که به همسران خود بگوید در صورتی که آنان ، خداخواهی و آخرت طلبی را پیشه کنند ، خداوند آنان را پاداشی عظیم خواهد داد .

قل لأزوجك . . . و إن كنتن تردن الله ورسوله ودار الآخرة فإن الله أعد للمح

٢ - برخوردارى

همسران پیامبر از پاداش عظیم خداوند ، مشروط به خداخواهی و در پی پیامبر (ص) بودن و آخرت طلبی و نیکوکار بودنشان

و إن كنتن تردن الله و رسوله و الدار الآخرة فإن الله أعد للمحسنات منكن أجرًا

۸ - خداوند ، خود برای همسران نیکوکار پیامبر (ص) که آن حضرت را بر دنیا ترجیح بدهند ، پیشاپیش پاداشی عظیم فراهم کرده است .

فإن الله أعد للمحسنات منكن أجرًا عظيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۱ - ۴،۶

۴ - موقعیت افراد در برخورداری شان از پاداش مضاعف خداوند در مقابل عمل صالح شان نقش دارد .

و من يقنت منكن لله و رسوله و تعمل صلحًا نواتها أجرها مرتين

۶ - برخورداری همسران پیامبر از پاداش مضاعف الهی ، منوط به تداوم اطاعت و انجام دادن عمل صالح از سوی آنها است .

و من يقنت منكن ... و تعمل صلحًا نواتها أجرها مرتين

فعل مضارع <يقنت> و <تعمل> استمرار را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰،۱۲،۱۵،۱۷،۲۰،۲۲،۲۵،۲۸،۳۰

۲ - مردان و زنانی که در برابر فرمان خدا تسلیم اند ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

إن المسلمين و المسلمات ... أعد الله لهم مغفرة و أجرًا عظيمًا

۳ - مردان و زنان مسلمان ، مشمول آمرزش و غفران الهی اند .

إن المسلمين و المسلمات ... أعد الله لهم مغفرة

بنابراین احتمال که مراد از <المسلمین> معنای اصطلاحی آن یعنی ، گرویدگان به دین اسلام باشد، نکته یاد شده، استفاده می شود.

۴ - مردان و زنان مسلمان ،

از پاداش بزرگ الهی برخوردارند .

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

۵ - مردان و زنان مؤمن ، مشمول آموزش خداوندند .

إِنَّ ... وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً

۶ - مردان و زنان با ایمان ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

إِنَّ ... وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

۷ - جنسیت زن و مرد ، در برخورداری از آموزش و پاداش الهی ، دخالتی ندارد .

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا

۱۰ - مردان و زنان مطیع و خاضع ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

وَالْقَاتِلِينَ وَالْقَاتِلَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

۱۲ - مردان و زنان صداقت پیشه ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

۱۵ - مردان و زنان شکویا ، از پاداشی با عظمت برخوردارند .

وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

۱۷ - مردان و زنان فروتن ، از پاداشی عظیم برخوردارند .

وَالْخَشَعِينَ وَالْخَشَعَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

۲۰ - مردان و زنان صدقه پرداز ، از پاداش عظیم الهی برخوردارند .

وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

۲۲ - مردان و زنان روزه گیر ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ ... أَجْرًا عَظِيمًا

۲۵ - مردان و زنان عقیف ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الحفظین فروجهم و الحفظت .

.. أَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ... أَجْرًا عَظِيمًا

۲۸ - مردان و زنانی که زیاد از خداوند یاد می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین اللّٰه کثیرًا و الذکرت أَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ .. أَجْرًا عَظِيمًا

۳۰ - مردان و زنانی که یاد خداوند را در دل ها زنده می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین اللّٰه کثیرًا و الذکرت أَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ .. أَجْرًا عَظِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۹ - ۹

۹ - خداوند ، به پیامبران ، در مقابل تبلیغ رسالت های الهی ، پاداش می دهد .

الذین یبَلِّغون رسلت اللّٰه .. و کفی باللّٰه حسیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۴ - ۵،۶

۵ - خداوند ، برای مؤمنان ، پیشاپیش ، پاداشی بزرگوارانه تدارک دیده است .

و أَعِدَّ لَهُمْ أَجْرًا کَرِيمًا

۶ - تدارک پاداش کریمانه برای مؤمنان از سوی خداوند ، ناشی از رحمت او به آنها است .

و کان بالمؤمنین رحیمًا .. و أَعِدَّ لَهُمْ أَجْرًا کَرِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح را خواهد داد .

لیجزی الذین ءامنوا

ضمیر فاعلی <لیجزی> به <عالم الغیب> بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۷ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، پاداش دهنده رسالت خویش را تنها خداوند می دانست .

إِن أُجْرَىٰ إِلَّا عَلَى اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۳،۴

۳ - پاداش الهی به مؤمنان ، بسی بزرگ است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر کبیر

۴ - سعادت و برخورداری از غفران و اجر بزرگ الهی ، در گرو توأم بودن ایمان و عمل صالح است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۳،۴

۳ - اجابت دعا ، نجات از مشکلاتِ اندوه بار ، باقی ماندن نسل و نام نیک و تحیت الهی ، از پاداش های خداوند به حضرت نوح (ع)

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون . . . سلم علی نوح فی العلمین . إنا کذلک نجزی ا

۴ - رسالت مداران و مبلغان دینی ، از زمره محسنان و برخورداران از پاداش های الهی

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون . . . إنا کذلک نجزی المحسنین

از این که خداوند نوح(ع) را از محسنان برشمرده و برای او پاداش مقرر فرموده است، می توان استفاده کرد که هر کس همچون آن حضرت در پی رسالت الهی باشد و به تبلیغ دین پردازد از محسنان شمرده شده و از پاداش های الهی بهره مند خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۵،۶

۵ - توفیق انجام مأموریت ذبح فرزند با زنده ماندن وی ، پاداش خداوند به ابراهیم (ع)

قد صدقت الرؤیا إنا کذلک نجزی المحسنین

۶ - توفیق انجام وظیفه با کمترین صدمه و زیان ، از پاداش

قد صدقت الرءیا إنا كذلك نجزی المحسنین

کلمه <کذلك> متشکل از دو کلمه حرف تشبیه (کاف) و اسم اشاره (ذکک) است و مشارالیه مصدری است که از <صدقت> گرفته شده است؛ یعنی، <کما جزیناه بالعفو عن ذبح ابنه نجزی المحسنین؛ همان گونه که به ابراهیم با گذشت کردن از قربانی کردن فرزندش، پاداش دادیم، به محسنان نیز چنین پاداش خواهیم داد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۰ - ۳،۴

۳ - فرزندان شدن ابراهیم (ع) و برجای ماندن نام و آوازه نیک آن حضرت، از پاداش های خداوند به ایشان

فبشرنه بغلم حلیم... سلم علی ابرهیم . كذلك نجزی المحسنین

۴ - رسالت مداران و مبلغان دینی، از زمره محسنان و برخورداران از پاداش های الهی

سلم علی ابرهیم . كذلك نجزی المحسنین

از این که خداوند، ابراهیم(ع) را از محسنان برشمرد و برای آن حضرت پاداش مقرر فرموده است، می توان استفاده کرد که هر کس چونان ابراهیم(ع) در پی رسالت الهی باشد و به تبلیغ دین پردازد، از محسنان شمرده شده و از پاداش های الهی بهره مند خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ - نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان از اندوهی بزرگ، اعطای کتاب آسمانی و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان، از پاداش های خداوند به ایشان

و نجینهما و قومهما من الكرب العظیم... إنا كذلك نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- صفات - ۳۷ - ۱۳۱ - ۳

۳ - باقی ماندن نام و آوازه نیک الیاس پیامبر (ع) ، از پاداش های خداوند به ایشان

و ترکنا علیه فی آخرین .. إنا كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۵

۵ - انتساب به خوبان (چونان پیامبران) ، هیچ تأثیری در سرنوشت اخروی و کیفر و پاداش الهی ندارد .

إذ نجينه و أهله أجمعين . إلا عجوزًا فی الغبرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ - پاداش الهی به بهشتیان ، فراوان و توصیف ناپذیر است .

و الذین ءامنوا .. ذلك هو الفضل الكبير

بنابراین که <ذلك> اشاره به مجموعه های نعمت های بهشتیان داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ - تمامی اعمال نیک آدمی حتی کوچک ترین آنها ، برخوردار از پاداش افزون الهی

و من یترف حسنه نزد له فیها حسناً

تنکیر <حسنة> برای تنويع است و شامل تمامی اعمال مؤمنان از کوچک ترین تا بزرگ ترین آنها می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۵

۵ - استمرار دین توحیدی در نسل ابراهیم (ع) ، پاداش الهی به آن حضرت در قبال تلاش های او در مسیر اعتلای کلمه

توحيد

و اذ قال ابراهيم .. و جعلها كلمه باقيه في عقبه

برداشت ياد شده، مبتنى

بر این احتمال است که <جعلها> در مقام بیان لطف خداوند در برابر مجاهدت ها و تلاش های حضرت ابراهیم(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۴

۴ - همراهی اهل تقوا در بهشت با همسران دنیوی خویش ، پاداش الهی برای آنان

ادخلوا الجنة أنتم و أزواجكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۹

۹ - خداوند ، پاداش دهنده و مجازات کننده ملت ها ، براساس عملکرد خود آنان

ليجزى قومًا بما كانوا يكسبون

<قومًا> ممکن است به تمامی ملت ها (اعم از مؤمن و کافر) نظر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۸

۸ - عدل الهی ، متجلی در نظام کیفر و پاداش

و لتجزى كل نفس بما كسبت و هم لا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۹

۲۹- تضمین قطعی پاداش شهیدان ، از سوی خداوند

و الذين قتلوا في سبيل الله فلن يضلّ أعمالهم

<فلن يضلّ..> می تواند ناظر به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- پاداش مؤمنان تقوای پیشه ، تضمین شده از سوی خداوند

و إن تؤمنوا و تتقوا يؤتكم أجوركم

۹- خداوند ، اعطا کننده پاداش و نه نیازمند به اموال و دارایی خلق

يؤتكم أجوركم و لا يستلکم أموالکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - پاداش عظیم الهی ،

به وفاکنندگان به پیمان خویش با خداوند و پیامبر (ص)

و من أوفى .. فسيؤتيه أجراً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۴

۴ - غنایم خیبر ، ارمغان الهی به مسلمانان ، در پی اقدام به سفر پر خطر حدیبیه *

سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها

سفر حدیبیه، در آغاز چنین می نمود که فرجامی بس مبهم و آمیخته با خطر دارد و مؤمنان واقعی با این همه بدان اقدام کردند و در پی آن خداوند نوید غنایم خیبر را به ایشان داد. با توجه به این مطالب، احتمال می رود که میان تن دادن به آن مشکلات و دست یابی به این غنایم ارتباطی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۴

۴ - باغ های بهشت ، با نهر های همیشه جاری ، پاداش الهی به شرکت کنندگان در جهاد و نبرد با دشمنان دین

و من يطع الله ورسوله يدخله جنت تجرى

با توجه به این که سیاق آیات، در رابطه با جنگ و جهاد می باشد، مراد از <من يطع..> کسی است که فرمان جهاد را اطاعت کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن ، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضى الله عن المؤمنين إذ يبايعونك .. و أثبهم فتحاً قريباً

بنابراین که مراد از <فتحاً قريباً> به قرینه سیاق آیات صلح حدیبیه

باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۳

۳ - پاداش های مادی و معنوی خداوند ، به مؤمنان وفادار و مورد رضایت خویش

لقد رضی الله .. فأنزل السکینه علیهم ... و مغنم کثیره يأخذونها

<أنزل السکینه> اشاره به پاداش معنوی و <مغنم..> نظر به پاداش های مادی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - امداد های الهی در حق مؤمنان ، پاداشی به عملکرد شایسته آنان در جریان حدیبیه *

و كان الله بما تعملون بصیرًا

ارتباط <كان الله..> با صدر آیه، نتیجه می دهد که الطاف الهی در حق اهل ایمان، از آن جهت صورت گرفته است که خداوند بر اعمال گذشته آنان، نظارت عمیق داشته و ایشان را شایسته آن موهبت ها دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۴

۴۴ - آمیختگی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری مؤمنان از مغفرت و پاداش عظیم الهی

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۶

۶ - رعایت عدالت ، در نظام کیفر و جزای الهی

لیجزی الذین أسوا بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۲

۲ - نیک کرداری به همراه اجتناب از گناهان کبیره ، شرط برخورداری از پاداش الهی

و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى . الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

ذکر

<الذین یجتنبون..> به دنبال <الذین أحسنوا> می تواند بیانگر شرط دوم برای بهره مندی انسان، از پاداش الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۱

۱ - امتنان خداوند بر خلق ، به خاطر قرار دادن پاداش هایی چون نعمت های بهشت برای ایشان

مَتَكِينِ عَلِيٍّ فَرَشَ .. فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۰ - ۱

۱ - نعمت های شگرف بهشت ، پاداش و احسان خداوند به اعمال نیک و شایسته خلق

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ .. هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَانَ

واژه <إحسان> در لغت عرب بر دو معنا اطلاق می شود: الف) کار نیک، ب) نیکی به غیر. در آیه شریفه <احسان> اول به معنای اول و احسان دوم به معنای دوم به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۲

۲ - برخورداری پیشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهی در جهان آخرت و دستیابی آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السبقون السابقون . أولئك المقربون . في جنت النعيم ... جزاء بما كانوا يعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۸ - ۲

۲ - حوریان بهشت ، پاداش الهی به اصحاب الیمین

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ .. لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۳

۲۳ - پاداش الہی بہ

مجاهدان و انفاق گران در راه خدا ، بهترین و نیکوترین پاداش است .

و كلاً وعد الله الحسنی

<حسنى> (مؤنث <أحسن>)، به معنای نیکوتر است. گفتنی است که <الحسنی>، صفت برای موصوف محذوف است؛ یعنی، <و كلاً وعد الله المثوبه الحسنی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۷ - ۲۱

۲۱ - راهبان حقیقی در پیشگاه خدا مأجورانند .

فاتینا الذین ءامنوا منهم أجرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۹

۹ - ثواب نماز جمعه ، برای برپادارندگان آن ، در نزد خداوند محفوظ است .

قل ما عند الله خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۵،۶

۵ - اجر بزرگ ، در پیشگاه خداوند است .

و الله عنده أجر عظیم

۶ - رهایی از دلبستگی به اموال و اولاد و ترجیح دین داری بر وابستگی به آنها ، دارای پاداش بزرگ الهی است .

و الله عنده أجر عظیم

یادآوری پاداش بزرگ الهی، پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - قرض به خدا (انفاق) ، موجب بهره مندی از سود و پاداش مضاعف الهی است .

إن تقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعفه لكم

۱۱ - انفاق نمودن به منظور دستیابی به پاداش الهی ، امری جایز و قابل جمع با نیت خالص و انگیزه الهی است .

أنفقوا... إن تقرضوا الله... يضعفه لكم و يغفر

توصیه به انفاق، همراه با مقرر داشتن پاداش مضاعف که موجب ایجاد انگیزه در انسان برای انفاق می شود بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۸، ۹، ۱۰

۸ - کسانی که تقوا پیشه کنند ، از اجر بزرگ الهی بهره مند خواهند شد .

و من یتق الله ... یعظم له أجرًا

۹ - خداترسی و تقوایبشگی ، عامل دریافت اجری بزرگ از جانب خداوند

و من یتق الله .. یعظم له أجرًا

۱۰ - رعایت تقوا از سوی مردان و زنان مطلقه ، موجب بهره مند شدن آنان از اجر بزرگ الهی

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ ... و من یتق الله ... یعظم له أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۲ - ۱

۱ - خداترسان ، مشمول غفران عظیم خداوند و بهره مند از پاداش بزرگ او

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و اجر کبیر

تنکیر <مغفره> دلالت بر تعظیم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۱، ۲

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از پاداش الهی

و إنّ لک لأجرًا

۲ - پاداش پیامبر (ص) در پیشگاه خداوند، بی پایان و روزافزون

و إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

<غیر ممنون>، اگر از <مَنْ> (قطع) مشتق باشد، به معنای بی انقطاع و روز افزون و اگر از <مَنْت> گرفته شده باشد، به معنای بی منت و بدون به رخ کشیدن خواهد بود. گفتنی است که برداشت بالا مبتنی بر معنای نخست است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۴

۴ - احسان و رفتار خوب انسان ، دارای جزا و پاداش در پیشگاه خداوند

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - پاداش انفاق گرانِ باتقوا ، مایه رشد و کمال آنان و برخاسته از ربوبیت و مقام والای خداوند است .

رَبِّهِ الْأَعْلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۳

۳ - خداوند ، تضمین کننده پاداش انفاق گرانِ باتقوا و برآورنده آرزوی آنان در رسیدن به مقام قرب الهی است .

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى . و لسوف یرضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۶

۶ - قرائت قرآن ، دارای منافع بسیار و تضمین شده از سوی خداوند

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ

توصیف خداوند به < کریم ترین > پس از امر به قرائت بیانگر تأثیر آن در فراهم آمدن زمینه کرامت و احسان خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱،۱۳

۱ - استقرار در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکوکردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. جزاؤهم عند ربّهم جنّت عدن تجرى من تحتها الأن

۱۳ - رضایت خداوند ، از مؤمنانِ صالح و رضایت آنان از او ، پاداش ایمان و عمل نیک ایشان است .

جزاؤهم .. رضی الله عنهم و رضوا عنه

تداوم پاداشهای خدا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - پاداش های خداوند ، بهترین و پاینده ترین پاداش ها است .

والله خیر و أبقى

خیربودن خداوند برای انسان بنابراین که <خیر> اسم تفضیل باشد ناظر به بهتر بودن پاداش های او نیز می باشد و اطلاق <أبقى> شامل هر چیزی است که به خداوند ارتباط یابد؛ یعنی، او و پاداش ها و عذابش، باقی تر و پاینده تر است. این سخن پاسخی است از ساحران به فرعون که گفته بود: <أیتنا أشدّ عذاباً و أبقى>.

تضمین پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ - آگاهی ژرف خداوند به اعمال خلق ، پشتوانه نظام کیفر و پاداش

و لتنظر نفس ما قدمت لغد .. . إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

توجه به پیوند مفهومی صدر آیه (مسئولیت اخروی انسان در قبال کرده های خویش) و ختام آیه (علم و آگاهی ژرف الهی) مطلب بالا را نتیجه می دهد.

تفضل در پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۲

۲ خداوند در قیامت ، در کیفر دادن بدکاران به عدل و در پاداش دادن به نیکوکاران به فضل ، رفتار خواهد کرد .

لَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحَسَنَىٰ وَ زِيَادَةً .. . وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءَ سَيِّئَةٍ مِّثْلَهَا

تعبیر <الحسنی> و <زیاده> در مورد پاداش نیکوکاران بیانگر فضل و عبارت <جزاء سیئه بمثلها> در مورد کیفر بدکاران بیانگر عدالت و نفی ظلم است.

خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۱،۲

۱- دستاورد های مادی انسان ، فناپذیر و ارزش های معنوی و پاداش های الهی ، باقی و جاودانه است .

ما عندکم ینفد و ما عند الله باق

۲- جاودانگی ارزش های معنوی و پاداش های الهی ، راز برتری مطلق آنها بر دستاورد های مادی انسان

إنما عند الله هو خیر لكم . .. ما عندکم ینفد و ما عند الله باق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳ - ۲

۲- نعمت ها و پاداش های الهی ، در آخرت زوال ناپذیر است .

أَنْ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا . مکثین فیہ أبدًا

حتمیت پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۳

۳ - علم و حکمت الهی ، پشتوانه پاداش او به اهل ایمان *

و کان الله علیما حکیمًا . لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت

در صورتی که میان ذیل آیه قبل (کان الله ..) با <لیدخل...> ارتباطی لحاظ شود، مطلب بالا را می توان نتیجه گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۳

۳ - علم گسترده و قدرت مطلقه خداوند ، پشتوانه حتمی بودن نظام جزا و پاداش او

هو أعلم .. و لله ما في السموت و ... ليجزى

حقيقت پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - کیفر و پاداش خداوند در قیامت ، چیزی جز حقیقت اعمال

انسان در دنیا نیست . *

اليوم تجزون ما كنتم تعملون

از تعبیر <تجزون ما كنتم تعملون> می توان استفاده کرد که جزای خداوند در قیامت، همان اعمال خود انسان است.

زمینه پادشاهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۵

۵ اختلاف انسان ها در پذیرش و عدم پذیرش کتاب های آسمانی ، مقتضی داوری خداوند میان آنان و زمینه ساز پیامد های آن داوری (پاداش و کیفر) است .

فاختلف فيه و لولا كلمه سبقت من ربك لقضى بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۹

۹ خداوند ، اعمال و رفتار آدمیان را محاسبه می کند و بر اساس آن ، ایشان را سزا می دهد .

و هو سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۷

۷- گذشتن از مادیات به امید رسیدن به پاداش های جاودان الهی ، نیازمند صبر و شکیبایی است .

ما عندكم ينفد و ما عند الله باق و لنجزينّ الذين صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا يعملو

تذکر به فناپذیری مادیات و جاودانگی معنویات و سپس مطرح ساختن صبر و شکیبایی، می رساند که گذشتن از مادیات و دل بستن به نعمتهای اخروی، نیازمند صبر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۰ - ۴

۴- برخورداری مؤمنان از پاداش الهی ، از نتایج عمل نیک آنها است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۴ - ۵

۵- نقش سعی و تلاش خود انسان در دستیابی به پاداش الهی و سرنوشت خویش

فمن يعمل... فلاکفران لسعیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۴،۶

۴ - سعادت و برخورداری از غفران و اجر بزرگ الهی ، در گرو توأم بودن ایمان و عمل صالح است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفرة و أجر کبیر

۶ - ایمان همراه با عمل صالح ، از موجبات آمرزش الهی و بهره مند شدن از اجر بزرگ خداوند

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفرة و أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۱

۱ - عالمان خدا ترس ، به منظور دریافت اجر الهی ، به تلاوت قرآن ، اقامه نماز و انفاق می پردازند .

إنما یخشی الله من عباده العلموا... إن الذین یتلون کتب الله... لیوفیهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که لام در <لیوفیهم> برای تعلیل بوده و این جمله متعلق به <یتلون> باشد، یعنی، قرآن را تلاوت می کنند و... به خاطر آن که خداوند به آنان پاداش کامل عنایت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۱ - ۳

۳ - عمل به توصیه های الهی ، دارای پاداش متناسب در پیشگاه خداوند

فافسحوا یفسح الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۲ - ۲،۳

۲ - ترس از خدا

در عین پنهان بودن او از انظار عامل جلب غفران و پاداش بزرگ الهی

إِنَّ الدِّينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

<با> در <بالغیب> یا به معنای ملابست است و یا به معنای <فی>. در صورت اول <بالغیب> حال برای <رَبَّهُمْ> و در صورت دوم متعلق به <یخشون> خواهد بود. گفتنی است برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست می باشد.

۳- ترس از خدا به دور از انظار مردمان و پیراسته از ریا، موجب جلب غفران و پاداش بزرگ او است.

إِنَّ الدِّينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

زیبایی پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۲

۲- پاداش های موعود الهی، نیکو و تکذیب آن ناروا است.

و کذب بالحسنى

معنای کلمه <الحسنى> (زیباتر)، در خود تمجید و مطلوبیت را گنجانده است. بنابراین وصفی است که خود بیانگر نامطلوب بودن تکذیب آن است و تهدید به فرجام دشوار (در آیه بعد) نیز بر ناروا بودن آن تأکید کرده است.

سرزنش بی نیازی از پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۸ - ۳

۳- اعتماد به اموال خویش و احساس بی نیازی در برابر پاداش های موعود خداوند، خصلتی نکوهیده است.

و صدق بالحسنى .. فأما من ... استغنى

مراد از <استغنى> به قرینه جمله <صدق بالحسنى> در آیات پیشین ممکن است استغناى از <حسنی> (پاداش های نیک خداوند) باشد. بیان فرجام دشوار (العسرى) برای صاحبان این خصلت ها (در آیات بعد) بیانگر نکوهش

آن خصلت ها است.

سرزنش تکذیب پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۲

۲ - پاداش های موعود الهی ، نیکو و تکذیب آن ناروا است .

و کذب بالحسنی

معنای کلمه <الحسنی> (زیباتر)، در خود تمجید و مطلوبیت را گنجانده است. بنابراین وصفی است که خود بیانگر نامطلوب بودن تکذیب آن است و تهدید به فرجام دشوار (در آیه بعد) نیز بر ناروا بودن آن تأکید کرده است.

شرایط پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۸، ۷، ۴، ۳، ۲

۲ - پاداش های الهی در گرو ایمان و رعایت تقوا (پرهیز از گناهان) است .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه من عندالله خیر

۳ - ایمان بدون پرهیز از گناهان و پرهیز از گناه بدون ایمان ، موجب بهره مندی از پاداش های الهی نخواهد شد .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه

۴ - یهودیان در صورت ایمان به پیامبر (ص) و قرآن و پرهیز از گناهان (سحر ، بی اعتنایی به کتاب های آسمانی و ...) از پاداش های الهی بهره مند می شدند .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه من عندالله خیر

مراد از ضمیر در <أنهم> به قرینه آیه ۹۹ و ۱۰۱ یهودیان کافر به پیامبر و قرآن است. قابل ذکر است که جمله <لمتوبه...> جانشین جواب شرط است و آن جواب جمله ای همانند <لأثیبا> (همانا پاداش داده می شدند) است.

۷ - خداوند ، خواهان آگاهی یافتن مردم به وابستگی پاداش های الهی به

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمتوبه .. لو كانوا يعلمون

در برداشت فوق مفعول <یعلمون> حقیقتی گرفته شده که جمله شرطیه <لو أنهم ..> آن را بیان می دارد؛ یعنی: لیت يعلمون أن متوبه الله مشروط بالایمان و التقوی.

۸- تنها دانایان، وابستگی پاداش های الهی را به ایمان و تقوا و برتری آن را بر هر منفعتی دیگر، در می یابند.

لمتوبه من عندالله خیر لو كانوا يعلمون

فعل <یعلمون> در جمله فوق می تواند فعل لازم بوده و نیازی به مفعول نداشته باشد. بر این مبنا <لو كانوا يعلمون> یعنی، ای کاش! اهل علم و دانش بودند تا حقایق مطرح شده را می فهمیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۲

۲- همراهی ایمان با عمل صالح، شرط بهره مندی از پاداش های الهی

فالذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۴

۴- همراه بودن ایمان و عمل صالح، شرط بهره‌وری از اجر بی حساب و بی منت الهی

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

عدالت در پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۹

۹- علم برتر و همه جانبه خداوند، پشتوانه داوری و جزای عادلانه او است.

و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون .. و هو أعلم بما یفعلون

عمومیت پادشاهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۲ - ۷

۷- نبود هیچ گونه استثنا و تبعیض ، در نظام کیفری و پاداش دهی خداوند به خلق

و لتجزی کلّ نفس بما کسبت و هم لایظلمون

عوامل امیدواری به پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ - خدا ترسی ، تلاوت قرآن کریم ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از عوامل امیدواری به لطف و پاداش الهی

إنّما یخشی الله من عباده العلموا .. إنّ الذین یتلون کتب الله و أقاموا الصل

عوامل تضمین پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱۲

۱۲ علم خدا به آشکار و نهان ، تضمینی بر پاداش دادن و کیفر کردن دقیق انسان ها در قیامت

ستردون إلى علم الغیب و الشهده فینبئکم بما کنتم تعملون

غافلان از پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۱۱

۱۱- روی گردانان از تکالیف و تعهدات الهی ، مردمی ناآگاه و بی توجه به پاداش های برتر خداوندی اند .

و لاتشتروا بعهد الله .. إنّما عند الله هو خیر لکم إنّ کنتم تعلمون

فرجام سخت مکذبان پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، بخیلان و زراندوزانی را که تکذیب گر پاداش های الهی اند ، به آینده ای سخت دچار و راه گرفتاری به آن را
برایشان هموار می سازد .

فسنیسره للعسری

تعبیر

<آسان ساختن> در این آیه، لزوماً تعبیری استهزاآمیز نیست؛ زیرا می توان گفت: مراد مهیّا ساختن زمینه درافتادن به فرجام سخت است.

قانونمندی پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۸

۱۸ پادشاه دهی خداوند نظام دار و قانونمند است .

من يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ مجازات های الهی قانونمند و دارای نظامی خاص

و هو سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۹ - ۳

۳ - قانونمند بودن نظام پادشاه و مجازات الهی

الْأَنْزُرُ وَازْرَهُ وَزُرْ أُخْرَى . وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۸

۸ - پادشاه و عطا های خداوند به بهشتیان ، دارای نظم و حسابی خاص و مناسب با درجات تقوای آنان است .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ ... عطاء حساباً

چنانچه <حساب> به معنای اسم مفعول (محاسبه شده) باشد، مراد از جزاء حساب شده، جزائی است که با میزان اعمال تقوای پیشگان مناسب باشد.

محرمان از پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۵ - ۹

۹ - > عن علی بن الحسن بن علی بن الفضّال عن أبيه قال : سألت الرضا علی بن موسی (ع) عن قول الله عزّوجلّ : > کلاً
إنّهم عن ربّهم یومئذ لمحجوبون < فقال : إنّ الله تبارک و تعالی لا یوصف بمکان یحلّ

فيه فيُحجب عنه فيه عباده و لكنّه يعني : أنّهم عن ثواب ربّهم لمحجوبون ؛

علی بن حسن بن علی بن فضال از پدرش (حسن) روایت کرده که از امام رضا(ع) درباره قول خدای عزوجل: <كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ> سؤال کردم، فرمود: خدای تبارک و تعالی توصیف نمی شود به داشتن مکانی که در آن جا گیرد و بندگانش از دیدن او در آن جا مانع داشته باشند؛ بلکه معنای آیه این است که آنان از ثواب پروردگارشان محجوب و محروم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۴

۴ - وجود زمینه محرومیت از پاداش های نیکوی الهی ، برای بخیلان و زراندوزان

و أمّا من بخل و استغنی . و کذب بالحسنى

جمله <کذب بالحسنى> ، بخل و ثروت اندوزی را <تکذیب حسنی> نامیده است؛ یعنی، کسی که <حسنى> (فرجام نیک) را باور دارد، این دو راه را انتخاب نمی کند؛ زیرا در این صورت، خود را در معرض محرومیت از آن قرار داده است.

مراتب پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۹ - ۴

۴ - پاداش های خداوند ، متفاوت بوده و برخی از آنها ، درجه ای برتر دارند .

فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ .. أَجْرًا عَظِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۸

۸ - پاداش و عطا های خداوند به بهشتیان ، دارای نظم و حسابی خاص و مناسب با درجات تقوای آنان است .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ .. عَطَاءً حِسَابًا

چنانچه <حساب> به معنای اسم

مفعول (محاسبه شده) باشد، مراد از جزاء حساب شده، جزائی است که با میزان اعمال تقواییشان مناسب باشد.

مشمولان پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۴

۱۴ خداوند، نیکوکاران را در دنیا از پاداش های خویش بهره مند می سازد.

و لانضیع أجر المحسنین

به قرینه آیه بعد، مراد از <أجر> پادشاهای دنیوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۲

۲ نیکوکاران علاوه بر بهره مند شدن از پاداش در حیات دنیا، از پاداش های برتر اخروی نیز برخوردار خواهند شد.

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الآخره خیر

ملاک پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۷

۷ - پاداش دهی خداوند براساس فضل و بخشش و مجازات او بر پایه عدل و داد

من جاء بالحسنه فله خیر منها.. و من جاء بالسیئه... هل تجزون إلا ما كنتم تعملو

خداوند در مورد حسنه می فرماید: <فله خیر منها> و این بیانگر تفضل است؛ ولی درباره سیئه می فرماید <هل تجزون إلا ما كنتم تعملون> و این بیانگر عدل و تطابق و تناسب کیفر با عمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۶

۱۶ - نظام کیفر و پاداش خداوند ، بر اساس علم همه جانبه او به احوال و کردار بندگان است .

الذین کفروا لهم عذاب شدید . . . إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ - عملکرد انسان ، مبنای کیفر و پاداش الهی است .

اعملوا ما شئتم إنه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۲

۲- بهترین و ارزشمندترین عمل نیک مؤمن ، معیار و ملاک سنجش و پاداش الهی به دیگر اعمال نیک وی *

أولئك الذين نتقبل عنهم أحسن ما عملوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که در آیه شریفه چیزی در تقدیری باشد که به این صورت: <نتقبل عنهم حسناتهم بأحسن ما عملوا> زیرا مسلماً تعبیر <أحسن> بدان معنا نیست که خداوند بهترین اعمال را قبول می کند و اعمال دیگر را نادیده می گیرد که هر چند نیک باشد! از طرفی آیه شریفه در مقام امتنان است.

مؤمنان به پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۱

۱ - دسته ای از مردم ، پاداش های موعود الهی را تصدیق کرده ، برای رسیدن به آن تلاش می کنند .

و صدق بالحسنى

مراد از <الحسنى> به قرینه فعل های <صدق> و <كذب> پاداش های نیکو و وعده به آنها است که بنابراین مراد از آن، <المثوبه الحسنی> یا <العده الحسنی> و نظایر آن است. جمله <صدق بالحسنى> بیان یکی از مصداق های <سعی> در آیات پیشین است که از این رو شامل تصدیق عملی نیز می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۷ - ۱

۱ - خداوند ، اهل سخاوت و تقوا و تصدیق کنندگان پاداش های موعود را

، برای انجام دادن کار های خیر ، آماده و توانا می سازد .

فسنیسیره لیسری

فعل <یسیر> یعنی، آسان ساخت (قاموس) و توفیق داد (صحاح). <یسری> وصف برای موصوف محذوفی از قبیل <الطریقه>، <الشریعه> و یا نظایر آن و به معنای سهل تر و آسان تر است. تغییر عبارت از <سنیسیره له الیسری> به <سنیسیره لیسری> بیانگر آن است که خداوند، وعده ایجاد تحولاتی را در درون شخص می دهد تا با سهولت، پذیرای آسان ترین شریعت ها گردد.

ویژگی پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ - محاسبه و جزای اعمال انسان ، براساس علم دقیق و همه جانبه الهی

إِنَّه خبیر بما تفعلون .. فکبت وجوههم فی النار هل تجزون إلا ما کنتم تعملون

مطلب یاد شده با توجه به ارتباط این آیه با ذیل آیه ۸۸ (إِنَّه خبیر بما تفعلون) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۲

۲ - خداوند در پاداش دادن به مؤمنان نیک کردار ، هیچ گونه متنی بر آنان نخواهد گذاشت .

إِنَّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <ممنون> از ماده <منت> اشتقاق یافته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ - پاداش الهی به مؤمنان متقی ، به گونه ای رایگان و نه در قبال درخواست مال از ایشان

یؤتکم أجورکم و لایسئلکم أموالکم

<لايسئلكم أموالكم> در رابطه با جمله <يؤتكم أجوركم> است و دفع دخل مقدر

می کند؛ یعنی، خداوند در قبال پاداش های خود، چیزی جز ایمان و تقوا از شما انتظار ندارد.

ویژگیهای پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - پاداش های خداوند ، بهترین و پاینده ترین پاداش ها است .

والله خیر و أبقى

خیربودن خداوند برای انسان بنابراین که <خیر> اسم تفضیل باشد ناظر به بهتر بودن پاداش های او نیز می باشد و اطلاق <أبقى> شامل هر چیزی است که به خداوند ارتباط یابد؛ یعنی، او و پاداش ها و عذابش، باقی تر و پاینده تر است. این سخن پاسخی است از ساحران به فرعون که گفته بود: <أینا أشدّ عذاباً و أبقى>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۳

۳ - پاداش خداوند به پیامبر (ص) پاداشی است بی منت .

و إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

پادشاه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پادشاه

آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۳

۳ یوسف (ع) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش ، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد .

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقايه في رحل أخيه

<سقايه> به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. <ال> تعریف در آن می رساند که ظرف

ویژه ای بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۵

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا \$ شدن از مجازات سارق در

آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

كذلك كدنا ليوسف

<كذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱

۱ برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند .

قالوا إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

آگاهی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۴

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبكنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبكنّ...> ؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف (ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف (ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۲

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی

و بازجویی از زنان اشراف

ذلك ليعلم أنى لم أخنه بالغيب

چنان چه <ذلك ليعلم...> کلام یوسف (ع) باشد، مشارالیه <ذلك> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملك> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلك ليعلم...> یعنی، بیرون رفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهران به او خیانتی نکردم.

ابلاغ تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۶

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت .. لعلى أرجع إلى الناس

ارزش آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۸

۸ جام پنهان شده در محموله بنیامین، ظرفی قیمتی و با ارزش بود.

جعل السقايه .. أذن مؤذن أيتها العير إنكم لسرقون

از این که بر فرزندان یعقوب اطلاق شده که سارقید نه سرقت کردید و اینکه مؤذن مسأله را علنی اعلام می نماید و آن را تکرار می کند، همچنین از اینکه یوسف (ع) می توانست سارق جام را برده خویش سازد، معلوم می شود که آن جام، ظرفی با ارزش و قیمتی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۶

۶ پیمانۀ مفقود شده در

بارگاه یوسف ، دارای ارزشی فراوان

نفقد صواع الملك و لمن جاء به حمل بعير

از این که برای یابنده پیمانانه دربار یک بار شتر غله تعیین شد که طبعاً در زمان قحطی و جیره بندی ارزش فراوانی داشت ، معلوم می شود پیمانانه مذکور ظرفی قیمتی و ارزشمند بوده است.

استیزان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۱

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. يوسف أيتها الصديق أفتنا

اطمینان پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۲

۲ پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف (ع) از رؤیای شگفتش ، اطمینان یافت .

و قال الملك ائتوني به

از اینکه پادشاه مصر پس از شنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش ، یوسف(ع) را احضار می کند ، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف(ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است.

اطمینان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۵

۵ ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أُنَبِّئُكُمْ بتأويله فأرسلون

ترکیب <أنا أنبئکم> دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف(ع) از تعبیر رؤیاهاست.

اعتماد پادشاه مصر به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنك...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنك اليوم...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

اقرار معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۲،۳

۲ خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

<ال> در <الأحلام> عهد ذکری است و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن...> / یعنی: تأویل آن گونه از رؤیایها را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

۳ معبران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا .. ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

مفاد جمله <و ما نحن...> این است که این گونه رؤیایها ، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

اوامر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۴

۴ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به

دربار فرمان داد .

و قال الملك ائتونی به .. قال ارجع

از اینکه یوسف (ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید ، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (ائتونی به) احضار اجباری نبوده است ؛ بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

اهداف ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۶،۷

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت .. لعلى أرجع إلى الناس

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلى أرجع إلى الناس

بازجویی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱،۲،۳

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکّن

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکّن إذ رودتّن یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فئئله ما بال النسوه . . قال ما خطبكنّ

بئنش پادشاه مصر

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکّن إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

بینش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۸

۸ ساقی ، احتمال می داد دربار مانع رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم شود .

لعلّی أرجع إلى الناس لعلّهم یعلمون

پادشاه ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۴

۱۴ روی عن أبی عبدالله(ع) إنه قال: معنی <عذابا من فوقکم> السلطان الجائر <و من تحت أرجلکم> السفله و من لآخر فیه ... <و ینذیق بعضکم بأس بعض> قال: سوء الجوار.

امام صادق(ع) فرمود: معنای <عذابا من فوقکم>، سلطان ستمگر و معنای <و من تحت أرجلکم>، زیردستان و افراد بی خیر و معنای <و ینذیق بعضکم بأس بعض>، بدرفتاری همسایگان است.

پادشاه مصر و اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶

۶ پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

وقال الملك إني أرى .. يأيها المملأ أفتوني

<مملأ> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که

از

موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

پادشاه مصر و امینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین امین

پادشاه مصر و بردگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۲

۱۲ الغای حکم بردگی یوسف (ع) به دست پادشاه مصر *

اثنونی به أستخلصه . . . قال إنک الیوم لدینا مکین امین

جمله <أستخلصه لنفسی> و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف(ع) در ادامه داستان او ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

پادشاه مصر و بی گناهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

<لبث> به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریع جمله <لبث...> بر جمله قبل معلوم می شود ; یعنی ، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه ، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

پادشاه مصر و خواسته های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی

و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض ... و كذلك مکنا لیوسف فی الأرض

پادشاه مصر و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱،۲،۴

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکتنّ

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشتمال برای <خطبکتنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکتنّ...> ؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

پادشاه مصر و عقیقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

پادشاه مصر

و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین امین

پادشاه مصر و قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکّن إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

پادشاه مصر و معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶،۷

۶ پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملک إنی أری .. یأیها الملاً أفتونی

<ملاً> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

۷ پادشاه مصر درباره خواب گزاران دربار بر تعبیر رؤیایش ، تردید داشت .

أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

برداشت فوق ، از <إن> شرطیه در جمله <إن کنتم ..> استفاده می شود.

پادشاه مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش

، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملك ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۳،۴

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه .. قال ما خطبکتنّ

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبکتنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکتنّ...> ؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف (ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف (ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱،۲

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه .. و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار

خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لنفسی> یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱،۴

۱ هفت گاو چاق در رؤیای پادشاه، نمودی از هفت سال آبادانی مصر و فراوانی محصول بود.

قال تزرعون سبع سنين دأبًا

<هفت سال با جدیت زراعت کنید> گویای هفت سال آبادانی است و ظاهر این است که یوسف(ع) این معنا را از <سبع بقرات سمان> استفاده کرده بود.

۴ خوشه های سبز و خشک در رؤیای ملک، پیامدار لزوم زراعت محصولات خوشه دار در طی هفت سال آبادانی

فما حصدم فذروه فی سنبله

جمله <تزرعون...> هر چند جمله ای خبری است، ولی به قرینه <فذروه...> در مقام انشا بوده و مراد از آن معنای دستوری است. بنابراین <تزرعون...> یعنی، هفت سال با جدیت تمام به زراعت پردازید. مراد یوسف(ع) از زراعت - به قرینه <فذروه فی سنبله> کشت حبوبات خوشه دار است و یوسف(ع) کشت آن را از <سبع سنبلات خضر...> استفاده کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۱،۶

۱ وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من

بعد ذلک سبع شداد

<شداد> (جمع شدید) از مصدر <شده> (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از <سبع شداد> هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه <ذلک> هفت سال آبادانی می باشد.

۶ گاو های لاغر در رؤیا ، نشانه پیشامد سختی ها و دشواریهاست و تعداد آنها حاکی از تعداد سالهاست .

يَا كَلْهَانَ سَبْعَ عَجَافٍ .. ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعَ شَدَادٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۱

۱ یوسف (ع) فرا رسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی ، به مردم و حکومت مصر بشارت داد .

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسَ

فعل <یغاث> ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول <یغاث الناس> یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قَالَ الْمَلِكُ ائتوني به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه ، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی ، مصر و اطراف آن ()

کنعانو... را فرا گرفت .

و جاء إخوه يوسف فدخلوا عليه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر ، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

جایزه یابنده آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۵،۷

۵ یک بار شتر غله ، جایزه تعیین شده از جانب یوسف (ع) برای آورنده جام شاهی

و لمن جاء به حمل بعير

۷ یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعيم> یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

جنس آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۲۰

۲۰ > عن أبي عبد الله (ع) في قوله : < صواع الملك > قال : كان قدحاً من ذهب و قال : كان صواع يوسف إذ كيل به قال : لعن الله الخوان لا تخونوا به بصوت حسن ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <صواع الملك> فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمان می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمان خیانت نکنید.

حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

خواسته های پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶

۶ پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملك ائنی أری .. یا یها الملاً أفتونی

<ملاً> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملك ائتونی به

خواسته های ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۷

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أتيتكم بتأويله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است.

بنابر این <فأرسلون> یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۵

۵ ساقی دربار، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده، تعبیر کند.

أفتنا فی سبع بقرت سمان يأكلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

درخواست تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۵

۵ ساقی دربار، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده، تعبیر کند.

أفتنا فی سبع بقرت سمان يأكلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۵۸، ۲، ۳

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک، رؤیای شکفت پادشاه مصر بود.

إنی أری سبع بقرت سمان .. و آخر یابست

<سمین> و <سمینه> (مفرد سَمَان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمیز <سبع> به قرینه جمله قبل، <بقرات> است؛ یعنی: يأكلهن سبع

بقرات عجاف.

۳ ملک مصر، رؤیای شگفت خویش را به طور مکرر دیده بود.

ینی أری سبع بقرت سمان

ظاهر آن بود که ملک در بیان رؤیای خویش، فعل ماضی <رأیت> (در خواب دیدم) به کار می برد. آوردن فعل مضارع <أری> (در خواب می بینم) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد؛ یعنی، چندین شب چنین دیده ام، به گونه ای که گمان دارم دوباره نیز خواهم دید.

۵ گاوهای چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک، در یک رؤیای پادشاه بودند نه هر کدام در رؤیایی جداگانه.

ینی أری سبع بقرت .. و سبع سنبلت خضر

برداشت فوق، از تکرار نشدن <أری> در بیان دیدن خوشه های سبز و خشک استفاده می شود؛ زیرا اگر پادشاه خوشه ها را در غیر رؤیایی که در آن گاوها را مشاهده کرده بود می دید، ظاهر آن بود که فعل <أری> در <سبع سنبلات..> تکرار می شد. مفرد آوردن <رؤیای> در جمله <أفتونی فی رؤیای> نیز حکایت از این معنا دارد.

۸ پادشاه مصر، از رؤیای خویش دریافت که آن رؤیا علاوه بر حکایت از حادثه ای غیر منتظره گویای توصیه و دستورالعملی نیز هست.

أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

<افتاء> (مصدر أفتونی) به معنای بیان کردن حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۴

۴ ساقی دربار، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد.

ینی أری سبع بقرت .. أفتنا فی سبع بقرت ... و أخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۶، ۷، ۵، ۳، ۲

۲ رؤیای پادشاه مصر دربردارنده رمزهایی گویای پیشامدهایی شیرین و تلخ طی یک دوره پانزده ساله

قال تزرعون سبع سنین دأباً

جمله <تزرعون سبع سنین دأباً> (هفت سال با جدیت زراعت کنید) گویای هفت سال آبادانی و جمله <ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد> در آیه بعد گویای هفت سال قحطی و خشکسالی است و جمله <ثم یأتی من بعد ذلک عام ..> گویای سالی پر باران پس از هفت سال قحطی می باشد. بنابراین رؤیای پادشاه، بیانگر حوادثی از یک دوره پانزده ساله بود.

۳ رؤیای پادشاه مصر گویای برنامه و دستورالعملی برای مصون ماندن از مشکلات و حوادث تلخ و دشوار آینده

قال تزرعون سبع سنین دأباً فما حصدتم فذروه فی سنبله

ظاهر این است که یوسف(ع) حقایق و دستورالعملهایی را که در بیان رؤیای پادشاه یادآور شده بود، از آن رؤیا استفاده کرده باشد. بنابراین آن رؤیا در ضمن حکایت از دوره پانزده ساله، گویای دستورالعمل نیز بوده است.

۵ لزوم جدیت و تلاش بسیار برای زراعت در هفت سال نخست، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

سبع بقرت سمان .. قال تزرعون سبع سنین دأباً

<دأب> مصدر و به معنای تلاش کردن است و <دأباً> در آیه شریفه در موضع اسم فاعل (دائین) قرار گرفته و حال برای فاعل <تزرعون> می باشد؛ از این رو دلالت بر تلاش فراوان دارد. به نظر می رسد یوسف(ع) از چاق بودن گاوها چنین استنباط کرد که: باید با تلاش فراوان و به دست آوردن محصولات، انبارها را از

۶ خوشه های خشک در رؤیای پادشاه ، پیامدار لزوم ذخیره سازی محصولات کشت و درو شده به همراه خوشه های آن

و آخر یابست .. . فما حصدم فذروه فی سنبله

از آن جا که دستور فوق (فذروه فی سنبله) با این قسمت از رؤیای پادشاه که خوشه های خشک را دیده بود ، تناسب دارد زیرا خوشه های خشک آماده برای ذخیره شدن است ، می توان گفت: یوسف(ع) از عبارت <آخر یابسات> دستور فوق را استنباط کرده بود.

۷ لزوم صرفه جویی در مصرف محصولات هفت ساله ، پیامی نهفته در رؤیای ملک

فما حصدم فذروه فی سنبله إلا قليلاً مما تأكلون

<حصاد> (مصدر حصدم) به معنای درو کردن است و <ذروا> فعل امر و به معنای <رها سازید> می باشد. <من> در <مما> بیانیه و <إلا قليلاً> استثنا از <ما> در <ما حصدم...> است، بنابراین مفاد جمله <فما حصدم...> چنین می شود: آنچه را درو می کنید در خوشه ها رها کنید (آنها را نکوبید و دانه ها را از خوشه ها جدا نسازید) مگر مقدار اندکی که به مصرف خوراکی می رسانید. تنها این مقدار از برداشت را بکوبید و از خوشه ها جدا سازید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۵، ۳، ۲

۲ رؤیای پادشاه ، گویای تأخر سال های قحطی از هفت سال آبادانی بود .

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

به نظر می رسد یوسف(ع) از اینکه در رؤیای پادشاه گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداخته اند، دریافت که سالهای قحطی پس از سالهای آبادانی

رخ خواهد داد. تقدم ذكرى گاوهای چاق بر گاوهای لاغر در بیان رؤیا نیز می تواند دلیل دیگری برای یوسف(ع) در این تعبیر باشد.

۳ استفاده از ارزاق ذخیره شده در سال های آبادانی طی هفت سال خشکسالی ، از پیام های نهفته در رؤیای پادشاه مصر

ثم يأتي من بعد ذلك سبع شداد يأكلن ماقدمتم لهن

ضمیر در <یأكلن> و <لهن> به <سبع شداد> باز می گردد و مراد از <ماقدمتم لهن> (آنچه برای آن سالها پیش فرستاده اید) ارزاق ذخیره شده در سالهای آبادانی است. بنابراین <یأكلن...> / یعنی، سالهای قحطی ذخایری را که در سالهای آبادانی تهیه دیده اید، می خورند.

۵ لزوم مصرف نکردن همه ذخایر غذایی در سالیان قحطی ، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

يأكلن ما قدمتم لهن إلا قليلاً مما تحصنون

فعل مضارع <يأكلهن> در نقل رؤیای پادشاه (آیه ۴۶) گویای این نکته بود که گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداختند، ولی آنها را به تمامی نخوردند و گرنه فعل ماضی <أكلهن> به کار می برد. به نظر می رسد یوسف(ع) از نکته یاد شده دریافته بود که باید مقداری از غلات باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۲

۲ خواب پادشاه ، گویای آمدن سالی پر برکت پس از سال های قحطی

أفتنا .. ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس

یوسف(ع) از آن جایی که گاوهای لاغر در رؤیای پادشاه هفت رأس بودند ، دریافت که پس از گذشت هفت سال ، قحطی پایان می پذیرد و پایان پذیرفتن قحطی به این است که باران فرو

ریزد ، گیاهان رشد کند و میوه جات فراوان گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۴

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

زلیخا و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۸

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر ، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد .

و إنه لمن الصدقین

ساقی پادشاه مصر و عجز معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۳

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادکر بعد أمه

<ادکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <ادکر> شده است. <أمه> در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۶، ۷، ۴، ۳، ۲

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) ، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

نکره آوردن <أمّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲ ، مؤید این معناست.

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <ادّکر> شده است. <أمّه> در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار ، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

أنا أنبئکم بتأویله فأرسلون

۶ ساقی پادشاه مصر ، با بیان دانش یوسف (ع) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أنبئکم بتأویله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أنبئکم بتأویله> می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أنبئکم بتأویله

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> یعنی: پس مرا به سوی یوسف (ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد.

فأرسلون. یوسف أیها الصدیق أفتنا

۲ ساقی دربار، یوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب <صدیق> او را مخاطب قرار داد.

یوسف أیها الصدیق

۳ ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف (ع)، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد.

یوسف أیها الصدیق

۴ ساقی دربار، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد.

ینی أری سبع بقرت .. أفتنا فی سبع بقرت ... و أُر یابست

۵ ساقی دربار، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده، تعبیر کند.

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و أُر یابست

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت .. لعلی أُر جمع إلی الناس

۷ شناساندن ارزش

و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلی أرجع إلى الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۵

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاء الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف (ع) فرستاده شده بود.

شگفتی رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۱،۲،۴

۱ پادشاه مصر ، پس از گذشت سالیانی از زندانی شدن یوسف (ع) ، رؤیایی شگفت دید .

و قال الملك إني أرى سبع بقرت سمان .. إن كنتم للرءيا تعبرون

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک ، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

إني أرى سبع بقرت سمان .. و آخر يابست

<سمين> و <سمينه> (مفرد سِمان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز <سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است / یعنی: يأكلهن سبع بقرات عجاف.

۴ پادشاه مصر ، رؤیای خویش (گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک) را رؤیایی شگفت ارزیابی کرد .

يأبها الملاً أفتوني في رءي

إن كنتم للرءیا تعبرون

مطرح کردن رؤیا برای گروهی از معبران و اظهار تردید در توانایی آنان برای تعبیر آن رؤیا ، گویای این مطلب است که ملک خواب خویش را امری شگفت تلقی کرده بود.

شیطان و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۹

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

ظلم پادشاه قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۹ - ۷۸

۷- در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است .

و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفینه غصبًا

<وراء> به هر مکان مستور و پوشیده ای گر چه روبه رو باشد، اطلاق می گردد. (قاموس) بنابراین، سلطان غاصب، یا پشت سر مساکین و در تعقیب کشتی داران بوده است و یا در پیش روی آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفینه غصبًا

مراد از <كل سفینه> به قرینه <أن أعبها> <كل سفینه صالحه> بوده است.

عجز معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۲،۳

۲ خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن

بتأويل الأحلم بعلمين

<ال> در <الأحلام> عهد ذکری است و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن ...> / یعنی: تأویل آن گونه از رؤیایها را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

۳ معبران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا . .. ما نحن بتأويل الأحلم بعلمين

مفاد جمله <و ما نحن ...> این است که این گونه رؤیایها ، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

عدالت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۲

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

عقیده پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۹

۹ پادشاه مصر و درباریان او در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، به وجود خداوند و منزّه بودنش اعتقاد داشتند .

قلن حش لله

غارتگری پادشاه قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أما السفينه . . فأردت أن أعيبها

... يأخذ كل سفينة غصبا

فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۸

۸ ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف (ع) (یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد .

فأنسيه الشيطان ذكر ربه

<انساء> (مصدر أنساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در <أنساه> و <ربه> به <الذی> - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله <فأنساه...> چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف(ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۲

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) ، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

وقال الذی نجا منهما وادكر بعد أمه

نکره آوردن <أمه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲ ، مؤید این معناست.

فضایل پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰ ، ۹

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما كَلَّمَهُ قال إِنَّكَ الیوم لَدینا مَكین أَمین

فواید آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۳

۳ جام شاهی ، وسیله پیمانہ کردن غلات برای تعیین سهمیه افراد در دوران قحطی هفت ساله مصر

جعل السقايه في رحل أخيه .. نفقد صواع الملك

تعبیر کردن از جام گمشده به <سقایه> (جام) و <صواع> (پیمانہ) گویای این است که پیمانہ مورد استفاده برای تعیین سهمیه افراد، همان ظرفی بود که پیش از سپردن آن به یوسف (ع) برای نوشیدن آب و مانند آن مورد استفاده پادشاه قرار می گرفته بود.

کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱،۲

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق ، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱،۶

۱ فرزندان یعقوب ، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه .. قالوا جزؤه من وجد في رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

الرضا (ع) : كانت الحكومه فى بنى اسرائيل إذا سرق أحد شيئاً استرق به ، ... فقال لهم يوسف : ما جزاء من وجد فى رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه ... ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد ... پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود]>.

گفتگوی یوسف(ع) با پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۴،۵

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و .. بوده است.

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد.

ترتیب جمله <قال إنك...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف (ع) با وی اظهار داشت: <إنك اليوم...>، معلوم می شود سخنان یوسف (ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۸، ۱۶، ۱۳

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبارهای غله، منصوب کند.

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف (ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق پردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار< این است که امور یاد شده را به من بسپار؛ یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

۳ یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد.

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> تعلیل برای <اجعلنی...> است.

۱۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) :... ان یوسف (ع) ... لما دفعته الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض ؛

از امام رضا (ع) روایت شده است: ... هنگامی که ضرورت ایجاب کرد، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض...>.

۱۸ > عن أبی عبدالله (ع) أنه قال لقوم ممّن یظهرون الزّهد و یدعون الناس

أن يكونوا معهم على مثل الذي هم عليه من التقشف... أخبروني أين أنتم عن... يوسف النبي (ع) حيث قال لملك مصر: < اجعلني على خزائن الأرض... > فكان من أمره الذي كان أن اختار مملكة الملك و ما حولها إلى اليمن... فلم نجد أحداً عاب ذلك عليه... ;

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند... فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: <اجعلني على خزائن الأرض...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد...<.

گم شدن آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۹

۹ > عن أبي عبد الله عليه السلام... قال: إنهم سرقوا يوسف من أبيه إلا- ترى أنه قال لهم حين قالوا: ماذا تفقدون؟ قالوا: نفقد صواع الملك، و لم يقولوا: سرقتم صواع الملك، إنما عنى أنكم سرقتم يوسف من أبيه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در پاسخ سؤال مردی که از <إنکم لسارقون> پرسیده بود] فرمود: آنان یوسف را از پدرش سرقت کرده بودند. آیا توجه نمی کنی که هنگامی

که برادران یوسف گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ او و کارگزارانش به آنان گفتند: <پیمانۀ پادشاه را گم کرده ایم> و نگفتند: پیمانۀ پادشاه را دزدیدید. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱

۱ گم شدن جام آبخوری پادشاه ، دلیل ارائه شده به فرزندان یعقوب برای متوقف ساختن و بازجویی از آنان

ماذا تفقدون. قالوا نفقد صواع الملك

<صواع> به معنای پیمانۀ است.

محدوده اختیارات پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) ، در اختیار پادشاه بود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

مدیریت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

وقال الملك ائتوني به أستخلصه لنفسي فلما كلمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

مشاور مخصوص پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۲،۴

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود:

<استخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <استخلصه لِنَفْسِي> یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر، درباره رؤیای پادشاه، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور، به گفت و گو پرداختند.

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لِنَفْسِي فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و.. بوده است.

معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۱

۱ خواب گزاران دربار، رؤیای شگفت پادشاه مصر را رؤیایی آشفته و دارای رشته های گوناگون و نامشخص، قلمداد کردند.

قالوا أضغث أحلم

<ضغث> (مفرد أضغاث) به دسته و بافه ای از گیاه گفته می شود. خواب گزاران با تشبیه رؤیای پادشاه به دسته ها و بافه های متعدد، به این معنا اشاره دارند که: رؤیای وی دارای رشته ها و اجزایی چند است، به گونه ای که کشف ارتباط آنها با یکدیگر و تفسیر مجموعه آن، دشوار و یا ناممکن است.

مکان کشف آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۳

۳ یوسف (ع) در بازرسی

بار بنیامین ، جام شاهی را از باروی بیرون آورد .

ثم استخرجها من وعاء أخيه

ضمیر مفعولی در <استخرجها> به <صواع> و یا <سقایه> باز می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل <استخرج> (بیرون آورد) به جای <وجد> (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

ملاقات پادشاه مصر با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۸

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <امین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت پرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستورات نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

منشأ فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۹

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

نجات ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۱

۱ یکی از دو هم‌بند زندانی یوسف (ع)، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و

به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

و قال الذی نجا منهما

نقش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شکفت خویش آگاه شد .

و قال الملک ائتونی به

ویژگیهای آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۲۰

۲۰ > عن أبی عبدالله (ع) فی قوله : < صواع الملک > قال : کان قدحاً من ذهب و قال : کان صواع یوسف إذ کیل به قال : لعن الله الخوّان لا تخونوا به بصوت حسن ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <صواع الملک> فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمان می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمان خیانت نکنید.<

همسر پادشاه مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۴

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

بر این مبنا که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد، از جمله <ذلک لیعلم...> معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

همسر پادشاه مصر و يوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره -

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۴

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذَلِكْ لِيَعْلَمَ أَنِي لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ

بر این مبنا که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> به <ملك> باز گردد ، از جمله <ذَلِكْ لِيَعْلَمَ ..> معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند .

یوسف(ع) و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۲

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذكرني عند ربك

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۷،۱۸،۱۶،۱۴،۱۷

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شکفت خویش آگاه شد .

و قال الملك ائتوني به

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلى ربك فستله ما بال النسوة التي قطعن أيديهنّ

۱۴ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف

بوده است .

إن ربی

بکیدهنّ علیم

۱۶ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، خداوند را حقیقتی آگاه به امور انسان ها معرفی کرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۷ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فستله ما بال النسوه .. إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۸ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۳، ۱۲، ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

۱۲ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلک لیعلم .. أن الله لایهدى کید الخائنین

چنان چه گذشت عبارت <أن الله لایهدى ..> عطف بر <أنى ...> است ؛ یعنی: <ذلک لیعلم أن الله ...>. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

۱۳ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث

ذلك ليعلم .. أن الله لا يهدي كيد الخائنين

یوسف(ع) و رد دعوت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱

۱ یوسف (ع) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلى ربك .. ذلك ليعلم

در اینکه جمله <ذلك ليعلم ..> تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله...> عطف بر <أني لم أئخه...> باشد ؛ یعنی: <ذلك ليعلم... أن الله لا يهدي...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است بر نمی آید.

یوسف(ع) و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱

۱ یوسف (ع) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذي ظن أنه ناج منهما اذكرنی عند ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶

۶ یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

ارجع إلى ربك فسنله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

یوسف(ع) و همسر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلك لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

پادشاه مصر

{پادشاه مصر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۳

۱۳ یوسف (ع) در زمان قحطی مصر ، پادشاه آن دیار نبود .

ما كان لیأخذ أخاه فی دین الملک

آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۳

۳ یوسف (ع) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش ، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد .

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقايه فی رحل أخيه

<سقایه> به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. <ال> تعریف در آن می رساند که ظرف ویژه ای بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۵

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا\$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش

بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

كذلك كدنا ليوسف

<كذلك> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱

۱ برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند .

قالوا إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل

آگاهی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۴

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبكنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبكنّ...> ؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف (ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف (ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۲

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلك

ليعلم أنى لم أخته بالغيب

چنان چه <ذلك ليعلم...> كلام يوسف (ع) باشد، مشارالیه <ذلك> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمير در <يعلم> و <لم أخته> می تواند به <عزيز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملك> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلك ليعلم...> یعنی، بیرون رفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزيز مصر بداند من در نهران به او خیانتی نکردم.

ابلاغ تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۶

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به يوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت .. لعلی أرجع إلى الناس

ارزش آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۸

۸ جام پنهان شده در محموله بنیامین ، ظرفی قیمتی و با ارزش بود .

جعل السقایه .. أذن مؤذن أيتها العیر إنکم لسرقون

از این که بر فرزندان یعقوب اطلاق شده که سارقید نه سرقت کردید و اینکه مؤذن مسأله را علنی اعلام می نماید و آن را تکرار می کند، همچنین از اینکه يوسف (ع) می توانست سارق جام را برده خویش سازد، معلوم می شود که آن جام، ظرفی با ارزش و قیمتی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۶

۶ پیمانۀ مفقود شده در بارگاه يوسف ، دارای ارزشی

نفقد صواع الملك و لمن جاء به حمل بعير

از این که برای یابنده پیمانہ دربار یک بار شتر غله تعیین شد که طبعاً در زمان قحطی و جیره بندی ارزش فراوانی داشت ، معلوم می شود پیمانہ مذکور ظرفی قیمتی و ارزشمند بوده است.

استیذان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۱

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. يوسف أيتها الصديق أفتنا

اطمینان پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۲

۲ پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف (ع) از رؤیای شگفتش ، اطمینان یافت .

و قال الملك ائتونی به

از اینکه پادشاه مصر پس از شنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش ، یوسف (ع) را احضار می کند ، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف (ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است.

اطمینان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۵

۵ ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أئبئکم بتأویله فأرسلون

ترکیب <أنا أنبئکم> دلالت بر تأکید مضمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف(ع) از تعبیر رؤیاهاست.

اعتماد پادشاه مصر به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۵

۵ گفت و گوی

یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد.

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین آمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنک...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنک الیوم...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

اقرار معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۲،۳

۲ خواب گزاران دربار، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند.

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

<ال> در <الأحلام> عهد ذکری است و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن...> یعنی: تأویل آن گونه از رؤیایها را که همانند بافه های چند رشته است، نمی دانیم.

۳ معبران دربار، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند.

قالوا... ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

مفاد جمله <و ما نحن...> این است که این گونه رؤیایها، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

اوامر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۴

۴ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد.

و قال

الملك ائتونی به ... قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید ، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (ائتونی به) احضار اجباری نبوده است ؛ بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

اهداف ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۶،۷

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت .. لعلى أرجع إلى الناس

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلى أرجع إلى الناس

بازجویی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱،۲،۳

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکتنّ

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکتنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فستله ما بال النسوه .. قال ما خطبکتنّ

بينش پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکّن إذ روتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

بینش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۸

۸ ساقی ، احتمال می داد دربار مانع رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم شود .

لعلّی أرجع إلى الناس لعلّهم یعلمون

پادشاه مصر و اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶

۶ پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملك إنی أری .. یایها الملاء أفتونی

<ملاء> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

پادشاه مصر و امینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

پادشاه مصر و بردگی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۲

۱۲ الغای حکم بردگی یوسف (ع)

به دست پادشاه مصر *

اثنونی به أستخلصه . . . قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

جمله <أستخلصه لنفسی> و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف(ع) در ادامه داستان او ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

پادشاه مصر و بی گناهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فأَنسِیَ الشَّیْطَانَ ذَكَرَ رَبَّهُ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بضع سنین

<لبث> به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریع جمله <لبث ...> بر جمله قبل معلوم می شود ؛ یعنی ، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه ، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

پادشاه مصر و خواسته های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض .. و كذلك مکننا لیوسف فی الأرض

پادشاه مصر و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۴،۲،۱

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان

اشراف شد .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکَنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبکَنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکَنّ...> یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

پادشاه مصر و عفیفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کَلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

پادشاه مصر و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کَلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

پادشاه مصر و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرای بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف

شد .

قال ما خطبکَنّ إذ رُودتَنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

پادشاه مصر و معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶،۷

۶ پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملك إنی أری .. یا یها الملاً أفتونی

<ملاً> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

۷ پادشاه مصر درباره توان خواب گزاران دربار بر تعبیر رؤیایش ، تردید داشت .

أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

برداشت فوق ، از <إن> شرطیه در جمله <إن کنتم ..> استفاده می شود.

پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملك ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۳،۴

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فَسئله ما بال النسوه . . قال ما خطبكنّ

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او

آگاه شده بود .

قال ما خطبکَنّ إذ رُودتَنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشمال برای <خطبکَنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرای است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکَنّ...> ؛ یعنی، داستان شما چیست؟ منظوم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مرادده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱،۲

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلك لیعلم أنى لم أخنه .. و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه> (بر گرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لنفسی> ؛ یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱،۴

۱ هفت گاو چاق در رؤیای پادشاه ، نمودی از هفت سال آبادانی

مصر و فراوانی محصول بود .

قال تزرعون سبع سنين دأباً

<هفت سال با جدیت زراعت کنید> گویای هفت سال آبادانی است و ظاهر این است که یوسف(ع) این معنا را از <سبع بقرات سمان> استفاده کرده بود.

۴ خوشه های سبز و خشک در رؤیای ملک ، پیامدار لزوم زراعت محصولات خوشه دار در طی هفت سال آبادانی

فما حصدم فذروه فی سنبله

جمله <تزرعون ..> هر چند جمله ای خبری است، ولی به قرینه <فذروه ...> در مقام انشا بوده و مراد از آن معنای دستوری است. بنابراین <تزرعون ...> یعنی، هفت سال با جدیت تمام به زراعت پردازید. مراد یوسف(ع) از زراعت - به قرینه <فذروه فی سنبله> کشت حبوبات خوشه دار است و یوسف(ع) کشت آن را از <سبع سنبلات خضر ...> استفاده کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۱،۶

۱ وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی ، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

<شداد> (جمع شدید) از مصدر <شده> (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از <سبع شداد> هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه <ذلک> هفت سال آبادانی می باشد.

۶ گاو های لاغر در رؤیا ، نشانه پیشامد سختی ها و دشواریهاست و تعداد آنها حاکی از تعداد سالهاست .

یأکلهن سبع عجاف .. ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۱

۱ یوسف)

ع) فرا رسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی، به مردم و حکومت مصر بشارت داد.

ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس

فعل <یغاث> ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول <یغاث الناس> یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شکفت خویش آگاه شد.

و قال الملك ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی، مصر و اطراف آن (کنعانو...) را فرا گرفت.

و جاء إخوه يوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

جایزه یابنده آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۵،۷

۵ یک بار

شتر غله ، جایزه تعیین شده از جانب یوسف (ع) برای آورنده جام شاهی

و لمن جاء به حمل بعير

۷ یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعيم> یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کار گزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

جنس آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۲۰

۲۰ > عن أبي عبدالله (ع) في قوله : < صواع الملك > قال : كان قدحاً من ذهب و قال : كان صواع يوسف إذ كيل به قال : لعن الله الخوان لا تخونوا به بصوت حسن ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <صواع الملك> فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمان می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمان خیانت نکنید.

حکمت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

خواسته های پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶

۶ پادشاه مصر ، از معبران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را

تعبیر کنند .

و قال الملك إني أرى ... يأبها الملاً أفتونی

<ملاً> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملك ائتونی به

خواسته های ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۷

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُبئکم بتأویله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> ؛ یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۵

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهنّ سبع عجاف و سبع

سنبلت خضر و آخر یابست

درخواست تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۵

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یا کلهن سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و آخر یابست

رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۵، ۸، ۳، ۲

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک ، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

ینی أری سبع بقرت سمان ... و آخر یابست

<سمین> و <سمینه> (مفرد سمان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمیز <سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است ؛ یعنی: یا کلهن سبع بقرات عجاف.

۳ ملک مصر ، رؤیای شگفت خویش را به طور مکرر دیده بود .

ینی أری سبع بقرت سمان

ظاهر آن بود که ملک در بیان رؤیای خویش، فعل ماضی <رأیت> (در خواب دیدم) به کار می برد. آوردن فعل مضارع <أری> (در خواب می بینم) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد ؛ یعنی، چندین شب چنین دیده ام، به گونه ای که گمان دارم دوباره نیز خواهم دید.

۵ گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک ، در یک

رؤیای پادشاه بودند نه هر کدام در رؤیایی جداگانه .

ینی أری سبع بقرت .. و سبع سنبلت خضر

برداشت فوق، از تکرار نشدن <أری> در بیان دیدن خوشه های سبز و خشک استفاده می شود؛ زیرا اگر پادشاه خوشه ها را در غیر رؤیایی که در آن گاوها را مشاهده کرده بود می دید، ظاهر آن بود که فعل <أری> در <سبع سنبلات..> تکرار می شد. مفرد آوردن <رؤیای> در جمله <أفتونی فی رؤیای> نیز حکایت از این معنا دارد.

۸ پادشاه مصر، از رؤیای خویش دریافت که آن رؤیا علاوه بر حکایت از حادثه ای غیر منتظره گویای توصیه و دستورالعملی نیز هست .

أفتونی فی رعیی إن کنتم للرءیا تعبرون

<افتاء> (مصدر أفتونی) به معنای بیان کردن حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۴

۴ ساقی دربار، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

ینی أری سبع بقرت .. أفتنا فی سبع بقرت ... و أخر یابست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۶،۷،۵،۳،۲

۲ رؤیای پادشاه مصر دربردارنده رمزهایی گویای پیشامدهایی شیرین و تلخ طی یک دوره پانزده ساله

قال تزرعون سبع سنین دأباً

جمله <تزرعون سبع سنین دأباً> (هفت سال با جدیت زراعت کنید) گویای هفت سال آبادانی و جمله <ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد> در آیه بعد گویای هفت سال قحطی و خشکسالی است و جمله <ثم یأتی من بعد ذلک عام ..> گویای سالی پر باران

پس از هفت سال قحطی می باشد. بنابراین رؤیای پادشاه، بیانگر حوادثی از یک دوره پانزده ساله بود.

۳ رؤیای پادشاه مصر گویای برنامه و دستورالعملی برای مصون ماندن از مشکلات و حوادث تلخ و دشوار آینده

قال تزرعون سبع سنين دأباً فما حصدتم فذروه في سنبله

ظاهر این است که یوسف(ع) حقایق و دستورالعملهایی را که در بیان رؤیای پادشاه یادآور شده بود، از آن رؤیا استفاده کرده باشد. بنابراین آن رؤیا در ضمن حکایت از دوره پانزده ساله، گویای دستورالعمل نیز بوده است.

۵ لزوم جدیت و تلاش بسیار برای زراعت در هفت سال نخست، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

سبع بقرت سمان .. قال تزرعون سبع سنين دأباً

<دأب> مصدر و به معنای تلاش کردن است و <دأباً> در آیه شریفه در موضع اسم فاعل (دائین) قرار گرفته و حال برای فاعل <تزرعون> می باشد؛ از این رو دلالت بر تلاش فراوان دارد. به نظر می رسد یوسف(ع) از چاق بودن گاوها چنین استنباط کرد که: باید با تلاش فراوان و به دست آوردن محصولات، انبارها را از مواد غذایی و غلات پر کنند.

۶ خوشه های خشک در رؤیای پادشاه، پیامدار لزوم ذخیره سازی محصولات کشت و درو شده به همراه خوشه های آن

و آخر يابست .. فما حصدتم فذروه في سنبله

از آن جا که دستور فوق (فذروه فی سنبله) با این قسمت از رؤیای پادشاه که خوشه های خشک را دیده بود، تناسب دارد؛ زیرا خوشه های خشک آماده برای ذخیره شدن است، می توان گفت: یوسف(ع) از عبارت <آخر يابسات> دستور فوق را استنباط کرده

۷ لزوم صرفه جویی در مصرف محصولات هفت ساله ، پیامی نهفته در رؤیای ملک

فما حصدم فذروه فی سنبله إلاّ قليلاً مما تأکلون

<حصاد> (مصدر حصدم) به معنای درو کردن است و <ذروا> فعل امر و به معنای <رها سازید> می باشد. <من> در <مما> بیانیه و <إلاّ قليلاً> استثنا از <ما> در <ما حصدم...> است، بنابراین مفاد جمله <فما حصدم...> چنین می شود: آنچه را درو می کنید در خوشه ها رها کنید (آنها را نکوبید و دانه ها را از خوشه ها جدا نسازید) مگر مقدار اندکی که به مصرف خوراکی می رسانید. تنها این مقدار از برداشت را بکوبید و از خوشه ها جدا سازید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۵، ۳، ۲

۲ رؤیای پادشاه ، گویای تأخر سال های قحطی از هفت سال آبادانی بود .

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

به نظر می رسد یوسف(ع) از اینکه در رؤیای پادشاه گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداخته اند، دریافت که سالهای قحطی پس از سالهای آبادانی رخ خواهد داد. تقدم ذکری گاوهای چاق بر گاوهای لاغر در بیان رؤیا نیز می تواند دلیل دیگری برای یوسف(ع) در این تعبیر باشد.

۳ استفاده از ارزاق ذخیره شده در سال های آبادانی طی هفت سال خشکسالی ، از پیام های نهفته در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد یا کلن ما قدمتم لهنّ

ضمیر در <یا کلن> و <لهنّ> به <سبع شداد> باز می گردد و مراد از <ما قدمتم لهنّ> (آنچه برای آن سالها پیش فرستاده اید) ارزاق ذخیره شده در سالهای آبادانی

است. بنابراین <يأكلن...> ؛ یعنی، سالهای قحطی ذخایری را که در سالهای آبادانی تهیه دیده اید، می خورند.

۵ لزوم مصرف نکردن همه ذخایر غذایی در سالیان قحطی ، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

يأكلن ما قدمتم لهنّ إلا قليلاً مما تحصنون

فعل مضارع <يأكلهنّ> در نقل رؤیای پادشاه (آیه ۴۶) گویای این نکته بود که گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداختند، ولی آنها را به تمامی نخوردند و گرنه فعل ماضی <أكلهنّ> به کار می برد. به نظر می رسد یوسف(ع) از نکته یاد شده دریافت کرده بود که باید مقداری از غلات باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۲

۲ خواب پادشاه ، گویای آمدن سالی پر برکت پس از سال های قحطی

أفتنا .. ثم يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس

یوسف(ع) از آن جایی که گاوهای لاغر در رؤیای پادشاه هفت رأس بودند ، دریافت که پس از گذشت هفت سال ، قحطی پایان می پذیرد و پایان پذیرفتن قحطی به این است که باران فرو ریزد ، گیاهان رشد کند و میوه جات فراوان گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۴

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتوني به أستخلصه لنفسي فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو

کردند؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف (ع) و نیز دعوت از یوسف (ع) به همکاری و مشاوره و... بوده است.

زلیخا و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۸

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد.

و إنه لمن الصّٰدقین

ساقی پادشاه مصر و عجز معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۳

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده در ماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد.

و قال الذی نجا منهما وادّٰکر بعد أمّه

<ادّٰکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی، <ادّٰکر> شده است. <أمّه> در آیه شریفه، به معنای مدت و زمان است.

ساقی پادشاه مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۶، ۷، ۳، ۴، ۲

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان)، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود.

و قال الذی نجا منهما وادّٰکر بعد أمّه

نکره آوردن <أمّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲، مؤید این

معناست.

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف

در زندان) با مشاهده درماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد.

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی، <ادّکر> شده است. <أمّه> در آیه شریفه، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد.

أنا أنبئکم بتأویله فأرسلون

۶ ساقی پادشاه مصر، با بیان دانش یوسف (ع)، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد.

أنا أنبئکم بتأویله فأرسلون

تفریح جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أنبئکم بتأویله> می رساند که: ساقی دربار، ماجرای یوسف (ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

۷ ساقی دربار، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود.

أنا أنبئکم بتأویله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> یعنی: پس مرا به سوی یوسف (ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد.

فأرسلون. یوسف

أَيُّهَا الصَّدِيقُ أَفْتِنَا

۲ ساقی دربار ، یوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب < صَدِيق > او را مخاطب قرار داد .

یوسف أَيُّهَا الصَّدِيقُ

۳ ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف (ع) ، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد .

یوسف أَيُّهَا الصَّدِيقُ

۴ ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

إِنِّي أُرِي سَبْعَ بَقَرَاتٍ .. أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ ... وَأَخْرَجْتُ يَابِسَاتٍ

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سَمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَ سَبْعِ سَنَابِلٍ خَضِرٍ وَأَخْرَجْتُ يَابِسَاتٍ

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ .. لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۵

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاءه الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود

که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف (ع) فرستاده شده بود.

شگفتی رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۱،۲،۴

۱ پادشاه مصر ، پس از گذشت سالیانی از زندانی شدن یوسف (ع) ، رؤیایی شگفت دید .

و قال الملك إني أرى سبع بقرة سمان .. إن كنتم للرءيا تعبرون

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک ، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

إني أرى سبع بقرة سمان .. و آخر يابست

<سمین> و <سمینه> (مفرد سمان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمیز <سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است ؛ یعنی: یا أكلهن سبع بقرات عجاف.

۴ پادشاه مصر ، رؤیای خویش (گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک) را رؤیایی شگفت ارزیابی کرد .

يأبها الملاً أفتوني في رءيى إن كنتم للرءيا تعبرون

مطرح کردن رؤیا برای گروهی از معبران و اظهار تردید در توانایی آنان برای تعبیر آن رؤیا ، گویای این مطلب است که ملک خواب خویش را امری شگفت تلقی کرده بود.

شیطان و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۹

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسيه الشيطان ذكر ربه

عجز معبران پادشاه مصر

۲ خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

<ال> در <الأحلام> عهد ذکری است و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن ...> ; یعنی: تأویل آن گونه از رؤیایها را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

۳ معبران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا .. ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

مفاد جمله <و ما نحن ..> این است که این گونه رؤیایها ، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

عدالت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

عقیده پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ پادشاه مصر و درباریان او در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، به وجود خداوند و منزه بودنش اعتقاد داشتند .

قلن حش لله

فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ -

۸ ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف (ع) (یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد .

فَأَنسِيهِ الشَّيْطَانَ ذَكَرَ رَبَّهُ

<انساء> (مصدر أنساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در <أنساه> و <ربه> به <الذی> - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله <فأنساه...> چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف(ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۲

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) ، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

و قال الذی نجا منهما وادّكر بعد أُمَّه

نکره آوردن <أُمَّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲ ، مؤید این معناست.

فضایل پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹،۱۰

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کَلَّمَهُ قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کَلَّمَهُ قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

فواید آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ جام شاهی ، وسیله پیمانہ کردن غلات برای تعیین سهمیه افراد

در دوران قحطی هفت ساله مصر

جعل السقايه في رحل أخيه . . . نفقد صواع الملك

تعبیر کردن از جام گمشده به <سقایه> (جام) و <صواع> (پیمانہ) گویای این است که پیمانہ مورد استفاده برای تعیین سهمیه افراد، همان ظرفی بود که پیش از سپردن آن به یوسف (ع) برای نوشیدن آب و مانند آن مورد استفاده پادشاه قرار می گرفته بود.

کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱،۲

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق، وی را مجازات خواهند کرد.

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند.

قالوا فما جزؤه إن كنتم كذابين

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی، که از جمله های قبل استفاده می شود، برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱،۶

۱ فرزندان یعقوب، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند.

قالوا فما جزؤه . . . قالوا جزؤه من وجد في رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) : کانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما

جزاء من وجد في رحله؟ قالوا: هو جزاؤه...؛

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد... پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است... [که باید به بردگی گرفته شود].<

گفتگوی یوسف(ع) با پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۴،۵

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر، درباره رؤیای پادشاه، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور، به گفت و گو پرداختند.

وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند؛ ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و.. بوده است.

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد.

فلما كلمه قال إنك الیوم لدینا مكنین أمين

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنك...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنك الیوم...>، معلوم می

شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۸، ۱۶، ۱۳

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبارهای غله، منصوب کند.

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق پردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار< این است که امور یاد شده را به من بسپار؛ یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

۳ یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد.

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> تعلیل برای <اجعلنی...> است.

۱۶ > عن علی بن موسی الرضا (ع) :... ان یوسف (ع) ... لما دفعته الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض ...؛

از امام رضا(ع) روایت شده است: .. هنگامی که ضرورت ایجاب کرد، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض...>.

۱۸ > عن أبی عبدالله (ع) أنه قال لقوم مّمن ینظرون الزّهد و یدعون الناس أن یكونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التّقشّف ... أخبرونی این أتمم عن ... یوسف النبی (ع) حیث

قال لملك مصر: < اجعلني على خزائن الأرض ... > فكان من أمره الذي كان أن اختار مملكة الملك و ما حولها إلى اليمن ... فلم نجد أحداً عاب ذلك عليه ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند ... فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: <اجعلني على خزائن الأرض ...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد ...>.

گم شدن آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۹

۹ > عن أبي عبد الله عليه السلام ... قال: إنهم سرقوا يوسف من أبيه الأ- تری أنه قال لهم حين قالوا: ماذا تفقدون؟ قالوا: نفقد صواع الملك، و لم يقولوا: سرقتم صواع الملك، إنما عنى أنكم سرقتم يوسف من أبيه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در پاسخ سؤال مردی که از <إنکم لسارقون> پرسیده بود] فرمود: آنان یوسف را از پدرش سرقت کرده بودند. آیا توجه نمی کنی که هنگامی که برادران یوسف گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ او و کار گزارانش به آنان گفتند: <پیمانہ پادشاه را گم کرده ایم> و نگفتند: پیمانہ پادشاه

را دزدیدید. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱

۱ گم شدن جام آبخوری پادشاه ، دلیل ارائه شده به فرزندان یعقوب برای متوقف ساختن و بازجویی از آنان

ماذا تفقدون. قالوا نفقد صواع الملك

>صواع< به معنای پیمانانه است.

محدوده اختیارات پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) ، در اختیار پادشاه بود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

مدیریت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

وقال الملك ائتوني به أستخلصه لنفسي فلما كلمه قال إنك اليوم لدینا مکین أمين

مشاور مخصوص پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۲،۴

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتوني به أستخلصه لنفسي

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لنفسي> یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را

مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر، درباره رؤیای پادشاه، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور، به گفت و گو پرداختند.

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف (ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف (ع) و نیز دعوت از یوسف (ع) به همکاری و مشاوره و.. بوده است.

معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۱

۱ خواب گزاران دربار، رؤیای شگفت پادشاه مصر را رؤیایی آشفته و دارای رشته های گوناگون و نامشخص، قلمداد کردند

قالوا أضغث أحلم

<ضغث> (مفرد أضغاث) به دسته و بافه ای از گیاه گفته می شود. خواب گزاران با تشبیه رؤیای پادشاه به دسته ها و بافه های متعدد، به این معنا اشاره دارند که: رؤیای وی دارای رشته ها و اجزایی چند است، به گونه ای که کشف ارتباط آنها با یکدیگر و تفسیر مجموعه آن، دشوار و یا ناممکن است.

مکان کشف آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۳

۳ یوسف (ع) در بازرسی بار بنیامین، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد.

ثم استخرجها من وعاء أخیه

ضمیر مفعولی در <استخرجها> به <صواع> و یا <سقایه> باز

می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل <استخرج> (بیرون آورد) به جای <وجد> (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

ملاقات پادشاه مصر با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۸

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <أمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت پرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستورات نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

منشأ فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۹

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

نجات ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۱

۱ یکی از دو هم بند زندانی یوسف (ع) ، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

و قال الذی نجا منهما

نقش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره -

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملك ائتونی به

ویژگیهای آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ > عن أبي عبدالله (ع) فی قوله : < صواع الملك > قال : كان قدحاً من ذهب و قال : كان صواع يوسف إذ كيل به قال : لعن الله الخوان لا تخونوا به بصوت حسن ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <صواع الملك> فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمان می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمان خیانت نکنید.<

همسر پادشاه مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذلك ليعلم أني لم أخنه بالغيب

بر این مبنا که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> به <ملك> باز گردد ، از جمله <ذلك ليعلم ..> معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

همسر پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف)

ع) بود .

ذلك ليعلم أنى لم أخنه بالغيب

بر این مبنا که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد ، از جمله <ذلك ليعلم ..> معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند .

یوسف(ع) و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۲

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرني عند ربك

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۷،۱۴،۱۶،۱۷،۱۸

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملك ائتونی به

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلى ربك فستله ما بال النسوة التي قطعن أیدیهنّ

۱۴ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۶ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، خداوند را حقیقتی آگاه به امور انسان ها معرفی کرد .

إِن رَّبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ

یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد.

فَسْئَلُهُ مَا بِآلِ النَّسُوءِ .. إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِمْ عَلِيمٌ

۱۸ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد.

إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِمْ عَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۳، ۱۲، ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است.

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخْنُهَا بِالْغَيْبِ

برداشت فوق، بر این اساس است که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنها> به <ملك> باز گردد.

۱۲ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد.

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ .. أَنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ

چنان چه گذشت عبارت <أَنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي ..> عطف بر <أَنِّي ...> است؛ یعنی: <ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنْ اللَّهُ ...>. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

۱۳ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ .. أَنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ

یوسف (ع) و رد دعوت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ یوسف (ع) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلی ربک . . . ذلک لیعلم

در اینکه جمله <ذلک لیعلم . . .> تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله...> عطف بر <أنی لم أخنه...> باشد ؛ یعنی: <ذلک لیعلم... أن الله لایهدی...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است بر نمی آید.

یوسف(ع) و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱

۱ یوسف (ع) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶

۶ یوسف (ع) بیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسنله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان

می باشد.

یوسف(ع) و همسر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است.

ذَٰلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِي لَمْ أَخْنِ بِالْغَيْبِ

برداشت فوق، بر این اساس است که ضمیر در <يعلم> و <لم أخن> به <ملك> باز گردد.

پادشاهان

آثار سلطه پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۳،۴

۳ - ویرانی شهرها، تباهی جامعه و ذلت عزّتمندان، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَہَ أَهْلِهَا أَذْهَہَ

۴ - تأکید بلقیس بر استمرار شیوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خویش

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ . . . وَكَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ

افساد پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۳،۴

۳ - ویرانی شهرها، تباهی جامعه و ذلت عزّتمندان، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَہَ أَهْلِهَا أَذْهَبًا

۴ - تأکید بلقیس بر استمرار شیوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خویش

قالت إِنَّ الْمُلُوكَ .. و كذلك يفعلون

دنیاطلبی پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - تنها پادشاهان و دنیامداران ، فریفته مال و مکنّت دنیایند ، نه مردان الهی و خداجوی .

بل

أنتم بهديتكم تفرحون

ملکه سبا و پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۵ - ۳

۳ - اطلاع ملکه سبا از خصلت شاهان و فریفتگی آنان در برابر هدایا

و إني مرسله إليهم بهديّه فناظره بم يرجع المرسلون

نقش پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۹

۹ - سلاطين و اشراف ، تشکيل دهنده جبهه اصلی مخالفت با پیامبران الهی

إلى فرعون و ملایه ... إذا هم منها يضحكون

ویژگیهای پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۵ - ۳

۳ - اطلاع ملکه سبا از خصلت شاهان و فریفتگی آنان در برابر هدایا

و إني مرسله إليهم بهديّه فناظره بم يرجع المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - تنها پادشاهان و دنیامداران ، فریفته مال و مکنت دنیايند ، نه مردان الهی و خداجوی .

بل أنتم بهديتكم تفرحون

پادشاهی

پادشاهی بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۰ - ۳

۳ - بهشت ، نعمت چشم گیر و سلطنت بزرگ و گسترده است .

نعميًا و ملکًا کبیرًا

حکومت پادشاهی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای حکومت پادشاهی بود .

ما کان لیأخذ أخواه فی دین الملک

ویژگیهای پادشاهی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶

۵ - > عن الصادق (ع) : < و ملكاً كبيراً > لا يزول ولا يفنى ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که [مراد از] <ملكاً كبيراً> ملکی است که از بین نمی رود و فانی نمی شود.

۶ - > عباس بن یزید قال : قلت لأبي عبد الله (ع) . . . أخبرني عن قول الله عزوجل > و إذا رأيت ثم رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً < ما هذا الملك الذي كبره الله حتى سمّاه كبيراً ؟ قال : فقال لي : إذا أدخل الله أهل الجنة ، الجنة أرسل رسولاً إلى ولي من أوليائه فيجد الحجة على بابه ، فيقول له : قف حتى نستأذن لك فما يصل إليه رسول ربّه إلا بإذن ، فهو قوله عزوجل > و إذا رأيت ثم رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً < ;

عباس بن یزید گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: . . . مراد از سخن خداوند عزوجل > و إذا رأيت ثم رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً < آگاه کن که این کدام ملک است که خداوند آن را بزرگ قرار داده است تا جایی که خود آن را <ملك كبير> (بزرگ) نامیده است؟ حضرت به من فرمود: زمانی که خداوند اهل بهشت را وارد بهشت می کند پیکری را به سوی دوستی از اولیاء خود می فرستد، آن پیکر نگهبانانی را بر در خانه او (ولی خدا) مشاهده می کند؛ نگهبان به پیکر خدا می گوید: بایست تا برای تو اذن ورود بخواهم. پیکر پروردگار آن بهشتی به وی دسترسی پیدا نمی کند مگر با اجازه و اذن [او] و این

سخن خدای عزوجل است <و إذا رأيت ثم رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً>.

پاسخ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پاسخ

آثار پاسخ ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۳ - ۲

۲- نسبت شکستن بت ها به بت بزرگ از سوی ابراهیم (ع) ، زمینه تبه بت پرستان به بطلان عقیده بت پرستی بود ؛ نه نسبتی دروغ از جانب آن حضرت .

قال بل فعله کبیرهم

ابراهیم(ع) با نسبت دادن شکستن بت ها به بت بزرگ، نه تنها دروغ نگفت ؛ بلکه با اشاره ای بلیغ، حقیقت ماجرا را بیان کرد ؛ زیرا ابراهیم(ع) با جمله <فسئلوهم..> خواست به بت پرستان بفهماند که بت ها از سخن گفتن عاجزند، تا چه رسد به شکستن. پس باید پذیرفت که معبود عاجز، شایسته پرستش نیست. گفتنی است که آیه بعد (این که بت پرستان با شنیدن پاسخ ابراهیم(ع) به خود آمدند و متنبه شدند) مؤید برداشت یاد شده است.

آداب پاسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۶

۶ لزوم پاسخگویی بهتر یا برابر به نیکی دیگران

و اذا حیئتم بتحیه فحیوا باحسن منها او ردوها

انبیا و پاسخ منطقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱۶

۱۶- عنایت انبیا به دادن پاسخ منطقی و بی ابهام به شبهات و اشکالات کافران و مخالفان خویش

قالوا إنا كفرنا .. إنا لفي شكّ ممّا تدعوننا .. قالت رسلهم أفي الله شكّ ... قا

اهميت پاسخ به شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره

۹- لزوم پاسخگویی به شبهات القا شده از سوی مخالفان دین

قل أتجاجوننا في الله و هو ربنا و ربكم

اهمیت پاسخ به شبهات دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱۷

۱۷- لزوم پاسخ گویی منطقی به شبهات دینی

قالت لهم رسلهم ... و على الله فليتوكل المؤمنون

از اینکه خداوند سیر برخورد منطقی انبیا را با مخالفان در این آیات بیان می کند، می تواند به خاطر ارائه الگویی باشد برای برخورد با شبهات دینی.

اهمیت پاسخ شبهات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۰ - ۳

۳- پاسخ گویی به شبهات منکران تعالیم دینی ، امری لازم و ضروری است .

قالوا أءذا كنا عظمًا و رفثًا .. قل كونوا حجارة أو حديدًا

دستور خداوند به پیامبر(ص) برای پاسخ گویی به شبهات منکران معاد به عنوان یکی از ارکان عقیده دینی و نیز آموزش شیوه پاسخ گویی به آن حضرت، دلالت می کند بر اهمیت جواب گویی به شبهات یاد شده.

اهمیت پاسخ شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۰ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ گویی به استبعاد منکران معاد

قالوا أءذا كُنَّا عِظْمًا .. قل كونوا حِجَارَه أَوْ حَديدًا

اهمیت پاسخ محققان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱۰ - ۵

۵ - از خود رانندن اهل تحقیق و بی پاسخ گذاشتن سؤالات آنان ، نکوهیده و ناروا است

و أمّا السائل فلا تنهر

<سائل>، کلمه ای است مطلق و بر پرسشگران و اهل تحقیق نیز قابل تطبیق است.

اهمیت پرسش و پاسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۶

۶ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ طرح و بیان حقایق به صورت پرسش و پاسخ، از روشهای هدایتی قرآن

قل أغیر الله .. قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۶، ۸

۶ پیامبر(ص)، مأمور به احتجاج و بحث با مشرکان با طرح سؤال و پاسخ

قل أی شیء أكبر شهده قل الله

۸ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن در تبلیغ و هدایت

قل أی شیء أكبر شهده قل الله شهید

پاسخ ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- ابراهیم (ع) در پاسخ سؤال از شکننده بت ها ، ابتدا شکستن بت ها را به بت بزرگ نسبت داد .

قال بل فعله کبیرهم

پاسخ ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۱

۱- ابلیس در پاسخ خداوند ، مهتری و برتری خود بر آدم را ، دلیل تمردش از فرمان سجده بر آدم (ع) بیان کرد .

قال

يٰٓاَيُّهَا مَنِعُكَ اَنْ تَسْجُدَ .. اُسْتَكْبَرْتُ اُمُّ كُنْتُ مِنَ الْعَالِيْنَ . قَالَ اَنَا خَيْرٌ مِنْهُ

پاسخ اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۳

۳- پاسخ سریع و بی چون و چرای انسان ها ، به پرسش های خداوند در قیامت

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

پاسخ اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِيْ .. قَالَ كَذَلِكِ اَتَتْكَ ءَايَاتِنَا

از ظاهر <قال كذلك> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر آن، صورت گیرد.

پاسخ اخروی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۱ - ۱

۱ - جواب روشن ملائکه به خداوند ، درباره عدم رضایت آنان از پرستیده شدن از سوی مشرکان

و یوم یحشرهم .. ثمّ یقول للملئکه أهؤلاء ایاکم... یعبدون . قالوا سبحنک أنت

پاسخ استغاثه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقایس اللغه) و نیز

به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

پاسخ به اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ سیطره خداوند بر رفتارها، عزت و شکوه برتر او و ضرورت احساس حضور در پیشگاه او، پاسخ شعیب (ع) به سخنان نا به جا و ناروای مردم مدین

و إنا لنريك فينا ضعيفًا .. قال يقوم أرهطى أعزّ عليكم من الله... إن ربي بمات

پاسخ به پرسشهای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۱۴

۱۴- لزوم پاسخ عالم، به پرسش های جاهل در مورد مسائل دینی

فسلوا أهل الذکر

گفتنی است که اگر سؤال واجب باشد، جواب نیز الزامی خواهد بود و گرنه وجوب سؤال لغو می شود؛ زیرا ممکن است بر اثر واجب نبودن پاسخ، سؤال هایی جواب بماند. در این صورت، موجب نقض غرض خواهد شد و این از خداوند حکیم به دور است.

پاسخ به تبلیغات دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۱۴

۱۴ - لزوم پاسخگویی به تبلیغات سوء دشمنان دین

قالوا کونوا هوداً أو نصری تهتدوا قل بل مله إبرهیم حنیفاً

هدف از آوردن کلمه <قل> در آیه، بیان ضرورت پاسخگویی به تبلیغات دشمنان دین است.

پاسخ به سخنان نادرست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۸

۸ - صاحبان علم و ایمان ،

در قیامت ، به پاسخگویی سخنان نادرست و خلاف واقع اقدام می کنند .

يقسم المجرمون ما لبثوا غير ساعه .. قال الذين أوتوا العلم و الإيمن لقد لبثتم .

پاسخ به شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۷۸

۷ - خداوند ، پاسخ معترضان تغییر قبله را - پیش از عنوان کردن آن - به پیامبر (ص) تعلیم داد .

سيقول .. قل لله المشرق و المغرب

۸ - مبلغان دین باید از شبهات و اشکالات مخالفان مطلع بوده و پاسخ آنها را به شایستگی بدانند .

سيقول .. ما وليهم عن قبلتهم ... قل لله المشرق و المغرب

از اینکه خداوند پیامبر را از شبهات مخالفان - پیش از القای آنها - آگاه می سازد و پاسخ آنان را به وی می آموزد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۸

۲۸ لزوم پاسخگویی به شبهات الغا شده علیه دین، در عین پرهیز از بحث و مجادله بی ثمر

إذ قالوا ما أنزل الله .. قل الله ثم ذرهم فی حوضهم يلعبون

پاسخ به شبهات دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۱ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، موظف به ابلاغ پیام الهی به مردم و پاسخگویی به شبهه های مطرح شده است .

قل يتوفیکم ملک الموت

پاسخ به شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۹

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنَّا لمبعوثون .. قل إنَّ الأوَّلین و الآخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش ها و شبهه انگیزی های کافران و منکران معاد ، در باور های دینی مردم و

آگاهی دادن به آنان

و يقولون متى هذا الوعد .. قل إنَّما العلم عند الله

پاسخ به شبهات مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۷

۷- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ گویی سؤالات مردم بر اساس آنچه بر او وحی شده بود .

يسئلونك عن الروح قل الروح من أمر ربِّي

پاسخ به شبهات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۷،۲۰

۷- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ گویی به مشرکان ، درباره پدید آورنده رستاخیز است .

فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطرکم أوَّل مرّه

۲۰- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ دادن سؤال مشرکان درباره زمان وقوع قیامت به اینکه امید است به زودی تحقق یابد .

متی هو قل عسی أن یکون قریبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ پیام الهی در دفع شبهات مطرح شده از سوی مشرکان درباره اسما و صفات حضرت

قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

پاسخ به شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۷

۷ - پاسخگویی خداوند به شبهه ایجاد شده در ذهن افراد درباره معاد و تجدید حیات انسان ها پس از مرگ ، بر اساس آگاهی او است .

ما خلقکم ولابعثکم إلا کنفس وحده إن الله سمیع بصیر

ذکر <إن الله سمیع..> در پایان آیه، به جای اعلام قدرت مندی خداوند، می تواند این نکته را برساند که چون خداوند، از شبهه ایجاد شده در ذهن ها خبر داشته، اقدام به پاسخگویی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنا لمبعوثون .. قل إن الأولین و الآخرین

پاسخ به شبهات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش ها و شبهه انگیزی های کافران و منکران معاد ، در باور های دینی مردم و آگاهی دادن به آنان

و يقولون متى هذا الوعد .. قل إنما العلم عند الله

پاسخ به شبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۳۴

۳۴ لزوم پاسخگویی به تبلیغات و شُبّهات دشمن و مقابله مناسب در برابر آنان

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير

وقوع

قتل از سوی مسلمانان در ماه حرام، موجب اعتراض و تبلیغات دشمنان دین گردید. قرآن در عین تحریم قتل در ماه حرام، با بیان اعمال خلاف مشرکان، تبلیغات دشمن را خنثی کرد.

پاسخ به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۸

۸ مستضعفان مؤمن قوم ثمود با پاسخی قاطع به کفرپیشگان، ایمان و باور خویش را به صالح و تمامی رسالت های وی اعلان کردند .

أتعلمون... قالوا إنا بما أرسل به مؤمنون

پاسخ پرسشهای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۱،۲

۱ خداوند تنها نجاتبخش آدمیان از مهلکه ها و از هر گونه اندوه و سختی است.

قل من ینجیکم .. قل الله ینجیکم

۲ پیامبر(ص) وظیفه دار بیان برخی از معارف به صورت طرح پرسش و ارائه پاسخ است.

قل من ینجیکم .. قل الله ینجیکم

پاسخ تهمتهای مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱

۱- پیامبر (ص)، وظیفه دار پاسخ گویی به اتهامات مشرکان مبنی بر ساختگی بودن قرآن با روشن کردن حقیقت وحی

إنما أنت مفتر .. قل نزله روح القدس من ربك

پاسخ جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - پاسخ منفی دادن به فراهخوان عمل به تعالیم دین آسمانی ، به بهانه پیروی از آیین نیاکان ، جاهلانه و مجادله ای بدون دلیل است .

و من الناس من یجدل فی الله

بغير علم ولا هدى ولا كتب منير . و إذا قيل لهم ا

پاسخ دختران شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۹

۹ - دختران شعيب به پرسش موسى پاسخ دادند .

قالتا لانسقى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۴ - ۱،۳

۱ - برانگيخته شدن عواطف موسى (ع) با شنیدن پاسخ دختران شعيب

قالتا لانسقى .. فسقى لهما

۳ - اقدام بى درنگ موسى (ع) به آب دادن گوسفندان دختران شعيب پس از شنیدن اظهارات آنان

قالتا .. و أبونا شيخ كبير . فسقى لهما

تعبير <فسقى لهما> با <فاكى عاطفه كه براى عدم تراخى است بيانگر مطلب ياد شده است.

پاسخ شبهات اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ پیام الهی در دفع شبهات مطرح شده از سوی مشرکان درباره اسما و صفات حضرت باری

قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

پاسخ شبهات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - پیامبر (ص)، مأمور پاسخ گویی به پرسش مشرکان درباره زمان وقوع قیامت

و يقولون متى هذا الوعد .. قل لكم ميعاد يوم لا تستأخرون عنه ساعه

پاسخ شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - پیامبر (ص)، مأمور پاسخ گویی به کافران

درباره وقوع حتمی قیامت

و قال الذين كفروا لاتأتينا الساعه قل بلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۲

۲ - پیامبر اسلام (ص) ، مأمور پاسخ گویی به شبهات کافران و منکران معاد با استدلال و برهان

قال من يحيي العظم و هي رميم . قل يحييها الذي أنشأها أول مره

پاسخ شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۰ - ۱،۲

۱- خداوند ، شیوه پاسخ گویی به شبهات منکران معاد را ، به پیامبر (ص) آموخت .

قل كونوا حجاره أو حديدًا

۲- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ گویی به استبعاد منکران معاد

قالوا أءذا كنا عظمًا .. قل كونوا حجاره أو حديدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۳

۱۳- پاسخ قرآن به پرسش های انسان در زمینه معاد ، متکی بر استدلال است .

فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطرکم أول مره

از اینکه خداوند در پاسخ شبهات منکران معاد، به جای بسنده کردن به تعبد، توجه آنان را به مبدأ آفرینش معطوف می کند و آن را دلیل امکان تحقق معاد برمی شمارد، نکته یاد شده به دست می آید.

پاسخ شبهات مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به کافران درباره وقوع حتمی قیامت

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه قل بلی

پاسخ شبهات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره -

۵- خداوند ، پیشاپیش به پیامبر (ص) اعلام کرد که منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهه استبعاد معاد ، از پدیدآورنده آن سؤال خواهند کرد .

فسیقولون من یعیدنا

۱۵- منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهات خود درباره معاد ، با شگفتی از زمان وقوع آن می پرسیدند .

فسینغضون إلیک رءوسهم و یقولون متی هو

بنابر اینکه حرکت دادن سر، همانگونه که در استعمال لغوی آن آمده است، برای اظهار تعجب و شگفتی باشد (لسان العرب)، برداشت فوق به دست می آید.

۱۸- منکران معاد پس از دریافت دلیل های قاطع و غیر قابل انکار قرآن بر حقانیت معاد به طرح مسائلی بی ثمر و بی تأثیر در اصل مسأله معاد ، روی آوردند .

و یقولون متی هو

منکران معاد علی رغم پرسشهای به ظاهر استدلالی نخستین، به پرسشهایی روی آوردند که نه ثمری برای آنان داشت و نه حقانیت معاد بر دانستن آنها متکی بود چه اینکه قیامت واقعیتی است حتمی الوقوع و دانستن و ندانستن زمان آن، در آن واقعیت تأثیری ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۲

۲ - پیامبراسلام (ص) ، مأمور پاسخ گویی به شبهات کافران و منکران معاد با استدلال و برهان

قال من یحیی العظم و هی رمیم . قل یحییها الذی أنشأها أول مره

پاسخ شفیعیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۱۰،۱۲

۱۰ - جواب شفاعت کنندگان به سؤال یکدیگر درباره فرمان خداوند ، این

است که هر آنچه خداوند فرموده ، حق است .

قالوا ماذا قال ربكم قالوا الحق

برداشت یاد شده بر این اساس است که مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی دوم، شفیعان باشد.

۱۲ - پاسخ شفیعان به سؤال منتظران شفاعت درباره فرمان خداوند نسبت به آن ، این است که خدا حق گفته است .

قالوا ماذا قال ربكم قالوا الحق

بنابراین که مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی اول، منتظران شفاعت و مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی دوم، شفاعت کنندگان باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

پاسخ گویی به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، موظف به پاسخگویی به کافران و تبیین نادرستی انتظارات نابه جای آنان بود .

و يقولون متى هذا الفتح .. قل يوم الفتح لا ينفع الذين كفروا ايمانهم

پاسخ مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، وظیفه دار پاسخ گویی به اتهامات مشرکان مبنی بر ساختگی بودن قرآن با روشن کردن حقیقت وحی

إنما أنت مفتر .. قل نزله روح القدس من ربك

پاسخ مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۷

۷- خداوند در مکر و کیفر، آغازگر نبوده و خدعه های او، پاسخ کردار ناروای کافران است.

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا . وَأَكِيدُ كَيْدًا

پرسش و پاسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۵

۵ وعده خداوند

به مردم ، مبنی بر پاسخ استفتای آنها درباره حقوق زنان

قل الله یفتیکم فیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۷

۷ خداوند پاسخ گوی پرسش های مردم ، به هنگام نزول قرآن ، گرچه موجب ناخشنودی آنان گردد .

لا تسئلوا عن اشیاء .. و إن تسئلوا عنها حین ينزل القرآن تبدلکم

به مقتضای اینکه ضمیر در <عنها> به اشیاء توصیف شده به <ان تبدلکم تسؤلکم> بر می گردد می توان گفت آن اشیاء و احکام هر چند به خاطر دشواری آنها بر مکلفان بیان نشده است لکن اگر به هنگام نزول قرآن مورد سؤال قرار گیرد، بیان خواهد شد.

پرسش و پاسخ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

ربّ لم حشرتنی .. قال کذلک أتتک ءایتنا

از ظاهر <قال کذلک> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر آن، صورت گیرد.

تعلیم روش پاسخ به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۳

۳- خداوند ، شیوه پاسخ گویی به پرسش های مردم را به پیامبر (ص) تعلیم داده است .

و یسئلونک .. قل سأتلوا علیکم

روش پاسخ به شبهات

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (ص) در چگونه استدلال کردن و پاسخ گفتن به ادعا های واهی

قل أتخذتم عند الله عهداً .. أم تقولون على الله ما لا تعلمون

برداشت فوق از کلمه <قل> استفاده شده است.

روش پاسخ به مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند ، شیوه پاسخ گویی به منکران معاد را به پیامبر (ص) آموخت .

قالوا .. قل

زمینه پاسخ به شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۱

۱۱- شناخت معاد و حل شبهات آن ، متکی بر شناخت صحیح مبدأ آفرینش است .

فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطركم أول مره

خداوند، برای پاسخ گویی به شبهات انسان در زمینه معاد، مسأله مبدأ آفرینش انسان را مطرح کرد و این بیانگر آن است که شناخت مبدأ آفرینش، موجب شناخت معاد و حل شبهات آن می شود.

سرزنش رد پاسخ محققان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱۰ - ۵

۵- از خود راندن اهل تحقیق و بی پاسخ گذاشتن سؤالات آنان ، نکوهیده و ناروا است .

و أمّا السائل فلاتنهر

<سائل>، کلمه ای است مطلق و بر پرسشگران و اهل تحقیق نیز قابل تطبیق است.

منشأ پاسخ به شبهات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، در پاسخ

گویی به شبهه های مشرکان ، متکی به رهنمود های خدا بود .

قل لو كان في الأرض

پاکان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۵،۶،۷،۹

۵ برگزیدگی و پاکیزه گشتن مریم (س) از سوی خدا

یا مریم انّ الله اصطفیک و طهرک

۶ پاکی و برگزیده شدن مریم ، زمینه برگزیده شدن خاندان عمران نزد خداوند

یا مریم انّ الله اصطفیک

<و اذ قالت .. > عطف است به <اذ قالت ... > در آیه سی و پنجم و ظرف است برای <اصطفی ... ال عمران > ؛ یعنی آنگاه آل عمران برگزیده شدند که مریم را خداوند برگزید و پاک گردانید.

۷ مریم ، دارای مقام عصمت از گناه

انّ الله اصطفیک و طهرک

متعلق تطهیر حذف شده است و حذف متعلق، دلالت بر عموم دارد؛ یعنی تطهیر از هر پلیدی. و چون هر گناهی، پلیدی است، بنابراین مریم (س) از ارتکاب هر گناهی مبرا و معصوم است.

۹ پاک گشتن مریم ، در پرتو خالص گردانیدن او

انّ الله اصطفیک و طهرک و اصطفیک علی نساء العالمین

از اینکه جمله <و طهرک .. > پس از <اصطفیک > آمده، به نظر می رسد خالص گرداندن مریم، دخیل در تطهیر وی بوده است. گفتنی است که معنای <اصطفاء > خالص گرداندن از پلیدیهایی است که دیگران به آن مبتلا هستند (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١ توفى (نجات)، عروج، تطهير حضرت عيسى (ع) و غلبه پيروان

آن حضرت بر دشمنان ، مکر خداوند در برابر مکر کافران

و مکروا و مکر الله .. اذ قال الله يا عيسى اني متوفيك .. فوق الذين كفروا

بنابراینکه <اذ>، متعلق به <مکر الله> باشد، یعنی مکر خداوند هنگام بوده که عیسی را بسوی خویش عروج داد و ...

۴ نجات و تطهیر حضرت عیسی (ع) ، توسط خداوند

انی متوفیک .. و مطهرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۱۴، ۱۰

۱۰ جریان مداوم آمیختگی پاکان و ناپاکان و جدا شدن آنان از یکدیگر

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

۱۴ سنت الهی ، بر تفکیک صفوف پاکان از ناپاکان به وسیله آگاه ساختن مردم به غیب و اسرار دل ها ، نیست .

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب و ما كان

<و ما كان الله ليطلعكم .. >، در صدد بیان این است که گر چه خداوند، ناپاکان را از پاکان مشخص خواهد کرد، ولی این

تفکیک از طریق مشکلات و جنگها و مسائل دیگر از این قبیل است، نه از راه آشنا ساختن مردم به غیب و نهان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۵

۵ آزمایش و ابتلای مؤمنان ، راه تمایز صفوف پاکان از ناپاکان *

حتى يميز الخبيث من الطيب .. لتبلون في اموالكم و انفسكم

خداوند در آیه ۱۷۹ (حتى يميز الخبيث ..)، وعده مشخص کردن ناپاکان را

از پاکان داد و گویا در این آیه، طریقه آن را (که امتحان مالی و جانی است)، بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ عاشقان خدا و شیفتگان به او ، وارسته از آلودگی به گناه

نحن ابنوا الله و احبوه قل فلم يعذبكم بذنوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۰

۴۰ پیامبر (ص) ، پاکدلان را تنها با توفیق و یاری خداوند هدایت می کند .

و من یرد الله فتنته فلن تملک له . . أولئك الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ - > عن النبی (ص) > لا یمسه إلا المطهرون < قال : المقربون ;

از رسول خدا(ص) درباره <مطهرون> در آیه <لا یمسه إلا المطهرون> روایت شده که مراد مقربان هستند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - کسانی که روح و جانشان از آلودگی به بخل و حرص پاک است ، قطعاً رستگارانند .

و من یوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون

<شح> به معنای بخل و حرص و یا بخل همراه حرص است (برگرفته از قاموس المحيط و مفردات راغب).

آثار خویشاوندی با پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- صرف داشتن رابطه خویشاوندی با پاکان ، دلیل پاکی و خوبی نیست .

إلّا ءال لوط إنا

لمنَّجَّوهم .. إلا امرأته قدَّرنَا إِنْهَا لمن الغبرين

ارزش همنشینی با پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۱۶

۱۶ ارزش همنشین شدن با صالحان و جویندگان طهارت، و تأثیر آن در رشد و کمال معنوی انسان

فیه رجال یحبون أن یتطهروا

<فیه رجال .. > به منزله دلیلی است برای سزاواری اقامه نماز در مسجد قبا، یعنی، چون در این مسجد مردم صالح و جویندگان پاکی وجود دارند، شایسته است که دیگران با اینان همنشین شوند، زیرا همنشینی با صالحان و پاکان دارای تأثیر مثبت است.

استقبال از پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۷

۷- آنانی که در حال پاکی قبض روح می شوند، مورد استقبال ملائکه قرار می گیرند.

الذین تتوفَّهم الملائکه طیبین یقولون سلم علیکم

استهزای پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۷

۷ - پاکی و پارسایی، جرم و مایه استهزا در جامعه فاسد

قالوا أخرجوا آل لوط من قریتکم إِنْهُمْ أَناسٌ یتطهرون

در جامعه فاسدی چون جامعه قوم لوط، وی و خاندانش به جرم پاکی و پارسایی مورد ریشخند قرار گرفتند و محکوم به تبعید و اخراج شدند.

امتحان پاكان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۵

۵ آزمایش الهی ، مشخص کننده صفوف ناپاکان جامعه ایمانی از پاکان آن

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

مشخص کردن پاكان از

ناپاکان و خالصها از ناخالصها دو وجه متعارف دارد: آزمایش و ابتلاء؛ و خبر دادن خداوند از واقعیت افراد. چون راه دوّم سنّت الهی نیست، بنابراین تنها راه متعارف آزمایش است. پس در جمله <حتّی یمیز...>، کلمه <بابتلاء هم و امتحانهم>، مقدر است.

امکان حق ناپذیری خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۷

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلا امرأته قدّرتنا إنها لمن الغبرین

امکان فساد خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۷

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلا امرأته قدّرتنا إنها لمن الغبرین

امکان کفر خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۷

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلا امرأته قدّرتنا إنها لمن الغبرین

پاکان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ خداوند ، آمرزنده گناهان و جای دهنده پاکان در بهشت

نکفر عنکم . . . و ندخلکم مدخلا کریماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱۴

۱۴ - بهشت ، سرای پاکان و طهارت یافتگان از بدی ها

جنت . . . و یکفر عنهم سیئاتهم

تعبیر <یکفر> می رساند که بهشت، جایی نیست که انسان ها با آلودگی گناه و تیرگی لغزش ها بدان گام نهند؛ بلکه باید

پس

از تطهیر در آن استقرار یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۲

۲ - بهشت ، جایگاه انسان های پاک و تطهیر شدگان از گناه

یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّ

ذکر جمله <یغفر لکم..> پیش از <یدخلکم جنّات>، بیانگر مطالب بالا است.

پاکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۱،۳

۱ خداوند در پرتو گسیل کافران به سوی دوزخ ، ناپاکان را از پاکان جدا خواهد کرد .

إلی جهنم یحشرون. لیمیز الله الخیث من الطیب

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیمیز الله> متعلق به <یحشرون> باشد.

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلی جهنم یحشرون. لیمیز الله الخیث من الطیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یرّکی . أو یدّکر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

تشخیص پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلى جهنم يحشرون. ليميز الله الخبيث من الطيب

۵ هدف از اعطای آزادی به انسان ها برای اختیار کفر و ایمان و تلاش در راه آن ، جداسازی ناپاکان از پاکان است . *

فسينفقونها .. و الذين كفروا إلى جهنم يحشرون. ليميز الله الخبيث من الطيب

برداشت

فوق بر اساس این احتمال است که <لیمیز الله> متعلق به معنای ضمنی آیه قبل (اعطای آزادی برای اختیار کفر و ایمان و مهلت دادن به انسانها در دنیا) باشد. قابل ذکر است که گرایش به این معنا بدان جهت است که تعلق <لیمیز> به <إلی جهنم یحشرون>، با توجه به جمله <فیجعله فی جهنم>، خالی از ابهام نیست.

جاودانگی پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انسان های پاک ، درست کار و تلاش کننده در مسیر رشد و کمال ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته ، همواره در خوبی خواهند ماند .

قد أفلح من تزکی

<فلاح> / یعنی، ظفر یافتن و دستیابی به مقصود (مفردات راغب) و نیز به معنای <فوز>، <نجات> و <باقی ماندن در خیرات> است (قاموس). فعل <تزکی> از باب تفعّل است و بر تکلف (تلاش برای تزکیه) دلالت دارد. این فعل از مشتقات <زکاء> یا <زکاه> است. <زکاه> / یعنی، درستی و درستکاری (مصباح) و به دست آوردن چیزی که مایه پاکی شود (مفردات) و <زکاه> / یعنی، پاکی، رشد و نمو، برکت و ممدوح بودن. (نهایه ابن اثیر)

سعادت پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انسان های پاک ، درست کار و تلاش کننده در مسیر رشد و کمال ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته ، همواره در خوبی خواهند ماند .

قد أفلح من تزکی

<فلاح> / یعنی، ظفر یافتن و دستیابی به مقصود (مفردات راغب) و نیز به معنای <فوز>،

<نجات> و <باقی ماندن در خیرات> است (قاموس). فعل <تزکی> از باب تفعّل است و بر تکلف (تلاش برای تزکیه) دلالت دارد. این فعل از مشتقات <زکاء> یا <زکاه> است. <زکاه> یعنی، درستی و درستکاری (مصباح) و به دست آوردن چیزی که مایه پاکی شود (مفردات) و <زکاه> یعنی، پاکی، رشد و نمو، برکت و ممدوح بودن. (نهایه ابن اثیر)

صورت اخروی پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لَعَلَّ يَزْكِي . أَوْ يَذَّكَّرُ ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَ هُوَ يَخْشَى ... وَ جَوْهَ يَوْمئِذٍ مَسْفَرَه

فضایل پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۱۴

۱۴ خداوند ، دوستدار جویندگان پاکی و طهارت است .

رَجَالٌ يَحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انسان های پاک ، درست کار و تلاش کننده در مسیر رشد و کمال ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته ، همواره در خوبی خواهند ماند .

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى

<فلاح> یعنی، ظفر یافتن و دستیابی به مقصود (مفردات راغب) و نیز به معنای <فوز>، <نجات> و <باقی ماندن در خیرات> است (قاموس). فعل <تزکی> از باب تفعّل است و بر تکلف (تلاش برای تزکیه) دلالت دارد. این فعل از مشتقات <زکاء> یا <زکاه> است. <زکاه> یعنی، درستی و درستکاری (مصباح) و به

دست آوردن چیزی که مایه پاکی شود (مفردات) و <زکاه> یعنی، پاکی، رشد و نمو، برکت و ممدوح بودن. (نهایه ابن اثیر)

فهم پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۷

۷ - هیچ کس جز افراد پاک حقایق قرآن را به خوبی درک نخواهند کرد .

لَا يَمْسَهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

محبّت به پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۱۹

۱۹ لزوم ابراز محبّت به توبه کنندگان و پاکان

ان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين

مرگ پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۷

۷- آنانی که در حال پاکی قبض روح می شوند ، مورد استقبال ملائکه قرار می گیرند .

الذين تتوفّهم الملائكة طيبين يقولون سلم عليكم

مقام پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۹

۹ بهشتِ تقوایندگان ، منزلگاه پاکان

و سارعوا الی مغفره من ربکم و جنه عرضها السموات و الارض اعدت للمتقين

چون در آمدن به بهشت مهیا شده برای تقوایندگان در گرو آمرزش گناهان است، آن بهشت، جایگاه پاکان از گناه خواهد بود.

نجات پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انسان های پاک ، درست کار و تلاش کننده در مسیر رشد و کمال ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته ، همواره در خوبی خواهند ماند .

قد أفلح من تزكى

<فلاح> یعنی، ظفر یافتن و دستیابی

به مقصود (مفردات راغب) و نیز به معنای <فوز>، <نجات> و <باقی ماندن در خیرات> است (قاموس). فعل <تزکی> از باب تفعّل است و بر تکلف (تلاش برای تزکیه) دلالت دارد. این فعل از مشتقات <زکاء> یا <زکاه> است. <زکاه>؛ یعنی، درستی و درستکاری (مصباح) و به دست آوردن چیزی که مایه پاکی شود (مفردات) و <زکاه>؛ یعنی، پاکی، رشد و نمو، برکت و ممدوح بودن. (نهایه ابن اثیر)

نقش خویشاوندی با پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۳

۳- صرف رابطه خویشاوندی با پاکان ، سبب رهایی از عذاب الهی و پیامد کار زشت نخواهد شد .

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا إِنِّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ

نورانیت اخروی پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لَعَلَّ يَزْكِي . أَوْ يَذَّكَّرُ ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَ هُوَ يَخْشَى ... وَ جَوْهَ يَوْمئِذٍ مَسْفُورَه

ویژگیهای پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۳

۱۳ کتمان دانش به ویژه در هنگام نیاز جامعه به آن ، امری به دور از شأن انسان های پاک و نیکوکار

قال تزرعون .. إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ

پاکی

{پاکی}

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۹

۹ طہارت و پاکی نفس ، زمینہ فراگیری دانش کتاب الہی و حکمت

یتلوا علیہم ءایۃ و یزکیہم و یعلمہم الکتب و

تقدّم ذکرى <تزکیه> بر <تعلیم کتاب>، بیانگر این نکته است که بدون تزکیه، فراگیری دانش کتاب الهی، به گونه ای که مقصود انبیاست، ممکن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۳، ۱۳، ۱۹

۳ مؤمنان، پاک هستند و غیر آنان (منافقان)، پلید و خبیث .

ما كان الله ليدرك المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

۱۳ ایمان و کفر (پاکی و ناپاکی) انسان ها از امور غیبی

و ما كان الله ليطلعكم على الغيب

چنانچه مراد از <الغیب>، جنس باشد، کفر و ایمان از مصادیق مورد نظر است. البته این احتمال نیز به نظر می رسد که الف و لام <الغیب>، عهد باشد؛ یعنی خصوص کفر و ایمان.

۱۹ پیامبر (ص)، آگاه به پاکان و ناپاکان (مؤمن و منافق) اّمّت خویش، از طریق علم به غیب

و ما كان الله .. و لكنّ الله يجتبي من رسله من يشاء

مراد از <من رسله> چه برخی از رسولان باشند و چه تمامی آنان قطعاً پیامبر اسلام (ص) از جمله آنان خواهد بود.

آثار اخروی پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۳

۳ - پاکی، تذکرپذیری، هدایت جویی و خداترسی، چهره انسان را در قیامت خندان و شادمان خواهد ساخت .

لعلّه يَرْكَبِي . أو يَذْكُر ... جاءك يسعَى . و هو يخشى ... ضاحكه مستبشره

آثار پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ توبه و طهارت ، زمینه جلب محبت الهی

ان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ خلوص و پاکی مریم و برگزیدگی او ، زمینه سرآمد شدن او بر زنان جهان

ان الله اصطفيك و طهرک و اصطفيك على نساء العالمين

به نظر می رسد تقدیم جمله <اصطفیک و طهرک> بر <اصطفیک علی نساء العالمین>، دلالت داشته باشد بر دخالت برگزیدگی و طهارت مریم برای سرآمد شدن او.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۸

۸ اثر نداشتن وسوسه های شیطان ، در انسان های بی گناه

انما استزلهم الشيطان ببعض ما كسبوا

خداوند، گناه آدمی را وسیله به لغزش کشاندن او از سوی شیطان معرفی می کند؛ بنابراین قلبی که گناه در او نیست، وسوسه شیطان در آن کارگر نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۵

۵ پاکیزگی و خلوص از پلیدی ها ، زمینه بهره گیری وافر از فیض الهی و خبائث و ناخالصی ها ، مانع آن

و البلد الطيب .. و الذی خبث لا یخرج إلا نکداً

با توجه به ذیل آیه (لقوم یشکرون) و آیات پس از آن که برخورد انسانها را با رسالت انبیا تشریح می کند، معلوم می شود بیان زمین مستعد و برکتهای آن و زمین نامستعد و بی ثمری آن، در حقیقت ترسیم حالت انسانها و استعداد دریافت معارف

الهی است. یعنی تشبیه انواع انسانهاست از

نظر دریافت معارف به انواع زمینها و دریافت باران رحمت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۹

۹ تطهیر نفس و پاک کردن آن از آلودگی ها و موانع روحی ، زمینه رشد و تکامل معنوی انسان است .

خذ . . . تطهرهم و ترکیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۴

۴ سلامت دل و پاکی باطن ، از زمینه های لازم در تأثیرپذیری از تعالیم قرآن

فأما الذين ءامنوا فزادتهم إيماناً . . . و أما الذين فى قلوبهم مرض فزادتهم رجساً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ - رشد و طهارت ، ملاک های گزینش نحوه زندگی انسان ها و اساس تنظیم روابط صحیح میان مردان و زنان است .

و قل للمؤمنين يغضوا من أبصرهم . . . ذلك أزكى لهم

جمله <ذلك أزكى لهم> هر چند برای تعلیل احکام نگاه کردن زن و مرد نامحرم و حفظ عفت است ولی این تعلیل از نوع

تعلیلی است که موجب تعمیم حکم می شود. بنابراین هر رفتاری که موجب رشد و پاکی انسان گردد، امری پسندیده و بایسته

است که باید ملاک گزینش نوع رفتارها و نیز کیفیت روابط میان زنان و مردان در جامعه، قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۳

۳ - طهارت و پاکدامنی و تلاش در راه اصلاح جامعه ، مایه نجات از امواج بلا و کیفر الهی

أخرجوا آل لوط . . .

إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ . فَأُنَجِّينَهُ وَ أَهْلَهُ إِلَّا مَرَأَتَهُ

قوم لوط، وی و خاندانش را به جرم پاکی و پارسایی محکوم به تبعید و اخراج کردند؛ اما خداوند ایشان را به همین دلیل از کیفر دامنگیر آن قوم نجات داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۸

۸- پاکی و منزّه بودن از گناه و آلودگی ، از زمینه های لازم برای درک حقایق قرآنی

لَا يَمْسَهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

آثار پاکی از فساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۵

۵- پاکی و دوری از جرم و تبه کاری ، موجب نجات از عذاب الهی در دنیا (عذاب استیصال)

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ مَجْرِمِينَ . إِلَّا لُوطًا لُوطًا إِنَّا لَمُنَجِّوهُمْ أَجْمَعِينَ

آثار پاکی از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۶

۱۶ - رهایی از عذاب دردناک قیامت در گرو لطف خدا و پاک شدن از گناهان و آلودگیهاست .

و لَا يَكْلَمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ لَا يَزْكِيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۵

۵- پاکی و دوری از جرم و تبه کاری ، موجب نجات از عذاب الهی در دنیا (عذاب استیصال)

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاء لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

آثار پاکی خانوادہ لوط (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم

لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

عبارت <إنهم أناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

آثار پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۹

۳۹ پاکی دل ها و جان ها ، زمینه پذیرش هدایت الهی

و من یرد الله فتنته .. أولئك الذين لم یرد الله ان یتطهر قلوبهم

چنانچه <فتنه> به معنای ضلالت باشد، مفهوم جمله <من یرد الله فتنته> باضمیمه جمله <أولئك ..> این خواهد بود که خداوند تنها پاکدلان را هدایت می کند.

آثار پاکی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۵

۵- پاکی و نجات حضرت لوط (ع) از آلودگی های قومش ، زمینه ساز برخورداری او از رحمت خاص الهی

و لوطًا .. نجینه ... و أدخلنه فی رحمتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶- گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

عبارت <إنهم أناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

آثار پاکی محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۴

۴ - پاکی حریم پیامبر اکرم (ص) از هر انحرافی ، گواه تأثیر ناپذیری او از شیاطین

و ما تنزلت به الشیطان .. تنزل علی کلّ أفّاک اّثم

آثار پاکی مسلمانان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۱

۱ - صلاح و پاکی پیروان پیامبر ، نشانگر میرا بودن آن حضرت از شاعری و خیال پردازی

و الشعراء يتبعهم الغاوان

با توجه به این که این بخش از آیات آخر سوره، در مقام دفع اتهامات کافران به ساحت پیامبر(ص) و قرآن می باشد؛ از این آیه استفاده می شود که مشرکان، آن حضرت را متهم به شاعری و خیال پردازی می کردند و قرآن را ساخته وهم و خیال وی می دانستند. خداوند در ردّ این اتهام فرموده است: شاعران دارای پیروان و هوادارانی گمراه و فاسدند و از آن جا که گمراهی و غوایت در پیروان و هواداران پیامبر(ص) وجود ندارد؛ پس نه پیامبر(ص) شاعر است و نه پیام های او از مقوله شعر.

آثار پاکی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۱ - ۹

۹- پاکی و برگزیدگی موسی و مقام رسالت و نبوت او ، موجب شرافت و بزرگداشت یاد او در قرآن

واذکر فی الکتب موسیٰ إنه کان مخلصًا و کان رسولًا نبیًّا

جمله <إنه کان .. > تعلیل برای <اذکر > است.

آرزوی پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، آرزومند پاک بودن قلب هایشان از کینه و عداوت نسبت به اهل ایمان

يقولون ربنا .. و لاتجعل فی قلوبنا غلاً للذین ءامنوا

ادعای پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۷

۷ پاک و پیراسته دانستن

خویش و یا دیگران ، بدون دلیلی مستند به خداوند ، ناروا و دخالت در شؤون خداوند است .

الم تر الى الذين يزكون انفسهم بل الله يزكى من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۰ - ۶

۶ ادعای یهود مبنی بر پاک و پیراستگی خویش در پیشگاه خداوند ، افترا بر اوست .

الم تر الى الذين يزكون .. انظر كيف يفترون على الله الكذب

ادعای پاکی و رشدیافتگی یهود می تواند از مصادیق مورد نظر از افترا بر خدا باشد. چون مدعی بودند که این پیراستگی را خداوند به آنها داده است.

ارزش پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۱۴، ۱۳

۱۳ طهارت از هر آلودگی ، ارزشی برای برگزیدگان الهی

طهرک و اصطفيك

۱۴ طهارت و پاکدامنی ، ملاکی برای ارزیابی مقام زن

طهرک و اصطفيك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ طهارت جسمی و روحی از ارزش های الهی

ليطهرکم به و يذهب عنکم رجز الشيطان

اهمیت پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۱۷

۱۷ لزوم تقویت مساجد و مراکزی که بر اساس تقوا بنا شده و پایگاه جویندگان طهارت است .

لمسجد أسس علی التقوی .. فیہ رجال یحبون أن یتطهروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۸

۸ - پاک زیستن و آلوده نشدن به زشتی ها و ناپسندی ها)

فحشا و منکرات) ، حکمت نهی الهی از پیروی کردن از شیطان است .

لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ . . . فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

جمله <فإنه يأمر بالفحشاء و المنکر> تعلیل برای نهی از پیروی شیطان است (لا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ).

اهمیت پاکی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۰

۱۰ - تطهیر و تکامل روحی و معنوی جامعه ، هدف اصلی برنامه های اجتماعی و اقتصادی اسلام است .

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزكهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۴

۴ - سلامت و پاکی مردم در جامعه از فحشا و انحرافات جنسی ، مورد اهتمام دین اسلام است .

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَحْشَاءُ . . . لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

تعیین کیفر سخت دنیوی و اخروی برای اشاعه دهندگان فحشا در جامعه حاکی از آن است که اسلام برای سلامت و پاکی جامعه اسلامی، بسیار اهمیت قائل است.

اهمیت پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۹ - ۶

۶ - تبلور تمامی ارزش های وجودی انسان ، در پاکی و سلامت قلب و روح او از شرک

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

از این که تنها راه نجات و سعادت اخروی، مسأله تقدیم قلب سلیم (قلب مبرا از شرک) به پیشگاه خداوند مطرح شده است، برداشت بالا به دست می آید.

پاداش پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۶

۶ - خلود در بهشت های عدن ، پاداش

پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جَنَّتْ عَدْنٌ .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکی

پاکی از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۴

۱۴ - خداوند ، کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی را از گناهان و آلودگی ها پاک نخواهد کرد .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ .. لا یزکیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۵

۲۵ ورود به بهشت در گرو پاک بودن از گناهان است .

لا کفرن عنکم سیاتکم و لا دخلنکم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ عاشقان خدا و شیفتگان به او ، وارسته از آلودگی به گناه

نحن ابئنا الله و احبوه قل فلم یعذبکم بذنوبکم

پاکی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۵

۵ - پیامبران و اولیای الهی ، انسان هایی پاک و مطهر از هر گونه زشتی و آلودگی

لا یمسه الا المطهرون

بنابه گفته برخی از مفسران واژه <المطهرون>، اختصاص به فرشتگان ندارد؛ بلکه شامل پیامبران و اولیا نیز می شود.

پاکی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۳۶

۳۶ طهارت انسان و اتمام نعمت الهی بر او، زمینه ساز سپاسگزاری از خداوند

و لکن یرید لیطهرکم ولیم نعمته علیکم لعلکم تشکرون

در برداشت فوق <لعلکم>، غایت و تعلیل برای <لیطهرکم> و <لیم> گرفته شده است.

پاکی اولیاء الله

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۵

۵ - پیامبران و اولیای الهی ، انسان هایی پاک و مطهر از هرگونه زشتی و آلودگی

لا یمسه إلا المطهرون

بنابه گفته برخی از مفسران واژه <المطهرون>، اختصاص به فرشتگان ندارد؛ بلکه شامل پیامبران و اولیا نیز می شود.

پاکی اهل بیت(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱ - ۲

۲- > عن جعفر بن محمد الصادق (ع) : قوله عز وجل : < طه > أى طهاره أهل بیت محمد (صلوات الله عليهم) من الرجس ;

از امام صادق(ع) روایت شده <طه> در سخن خداوند اشاره به طهارت اهل بیت محمد(ص) از رجس و پلیدی است.<

پاکی برگزیدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۱۳

۱۳ طهارت از هر آلودگی ، ارزشی برای برگزیدگان الهی

طهرک و اصطفیک

پاکی پیروان لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۷۷،۸۳

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قریتکم إنهم أناس یتطهرون

۷ لوط و همراہانش ، حتی در دیدگاہ مخالفان ، انسانہایی پاک و متزہ از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس یتطهرون

۸ قوم لوط ناامید از گرایش وی و ہمگامانش بہ منجلاہ فسادها و ارتکاب رفتارهای پلید و ناروا

إنهم أناس یتطهرون

به کارگیری فعل مضارع <یتطهرون> بیانگر آن است کہ قوم لوط بر این باور بودند کہ پاک

زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

پاکی خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۳

۳- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا لوط إنا لمنجوههم أجمعين

پاکی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۲

۲ - مردمان تذکرپذیر و اهل خشیت ، انسان هایی پاک ، و رستگارانند .

سیدّکر من یخشی .. قد أفلح من تزکی

مصدق مورد نظر از <من تزکی> به قرینه آیات پیشین همان مصادیق <من یخشی> است.

پاکی در روابط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۸ - ۹

۹ - رشد و طهارت ، ملاک های گزینش نحوه زندگی و اساس تنظیم آداب و روابط اجتماعی است .

و إن قبل لكم ارجعوا فارجعوا هو از کی لكم

جمله <هو از کی لكم> برای تعلیل احکام مربوط به آداب ورود به خانه های دیگران است؛ ولی این تعلیل از نوع تعلیلی است که موجب تعمیم حکم می شود. بنابراین هر رفتاری که موجب رشد و پاکی انسان شود، امری پسندیده و بایسته است که باید ملاک گزینش هر نوع رفتاری قرار گیرد.

پاکی دوستداران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ عاشقان خدا و شیفتگان به او ، وارسته از آلودگی به گناه

نحن ابنوا الله و

احبؤه قل فلم يعذبكم بذنوبكم

پاکی سرزمین طوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲ - ۸

۸- وادی طوی در کناره کوه طور، سرزمینی پاک و منزّه و شایسته احترام است.

إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى

<سرزمین مقدس>، یعنی سرزمینی که طهارت معنوی دارد (مفردات راغب).

پاکی عبرت پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۴ - ۲

۲- مردمان تذکرپذیر و اهل خشیت، انسان هایی پاک، و رستگارانند.

سَيَذَّكَّرُ مِنْ يَخْشَى قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى

مصدق مورد نظر از <من تزکی> به قرینه آیات پیشین همان مصادیق <من یخشی> است.

پاکی فرزند صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۶

۶- پاک و صالح بودن و نیز مهرورزی فزون تر نسبت به والدین، از ویژگی های فرزند شایسته است.

يبدلهما ربّهما خيراً منه زكوه و أقرب رحمًا

پاکی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - قرآن ، گفتاری است پاک و پسندیده .

الطَّيِّبُ مِنَ الْقَوْلِ

پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۹

۹ طهارت و پاکی نفس ، زمینه فراگیری دانش کتاب الهی و حکمت

یتلوا علیهم آیته و یرکبهم و یعلمهم الکتب و الحکمه

تقدّم ذکری < تزکیه > بر < تعلیم کتاب > ، بیانگر این نکته است که بدون تزکیه، فراگیری دانش کتاب الهی، به گونه ای که مقصود انبیاست، ممکن نیست.

۱ خداوند دل ها و سینه های اهل بهشت را از هر کینه و دشمنی پاک خواهد کرد .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

<غل> به معنای کینه است.

۵ وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

پاکی قیامت

۱ - خداوند ، مالک و فرمانروای روز قیامت است .

ملک یوم الدین

<مَلِكٌ> در <مالک یوم الدین> ملک حقیقی است ؛ یعنی، وابستگی وجودی که لازمه آن تسلط کامل و همه جانبه مالک بر مملوک است. قابل ذکر است که <یوم الدین> هم می تواند مفعول برای <مالک> باشد و هم می تواند ظرف برای آن گرفته شود و در صورت دوم مفعول، کلمه ای همانند <الامور> خواهد بود ؛ یعنی: مالک الامور فی یوم الدین. به هر تقدیر برداشت فوق از آن استفاده می شود.

۶ - مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز ، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد لله .. ملک یوم الدین

<مالک یوم الدین> نیز مانند اوصاف گذشته به منزله دلیل برای <الحمد لله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینہ - ۹۸ - ۴ - ۶

۶ - رسولان الہی در طول تاریخ ، کتاب ہایی پاک و استوار بر مردم تلاوت نمودہ

، معارف آن را به همگان ابلاغ کرده اند .

البینه . رسول من الله يتلوا صحفًا مطهّره . فيها كتب قيّمه ... إلا من بعد ما ج

مراد از <البینه> (در این آیه) جنس آن است نه مصداقی که در آیات پیشین مراد بود؛ ولی بیان وضع گذشتگان به عنوان نمونه بارز، بیانگر تشابه کامل بین دو <بینه> است. بنابراین بینه گذشتگان نیز مانند بینه درخواستی کافران، رسولی همراه با تلاوت کتاب های مطهر و قیم بوده است.

پاکی کلمه توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۴ - ۴

۴ - کلمه توحید (لا اله الا الله) ، سخنی پاک و پسندیده است .

و هدوا إلى الطّيب من القول

با توجه به عبارت پیشین که سخن از اهل توحید و اهل شرک و فرجام کار موحدان و مشرکان بود می توان گفت که مراد از <الطيب من القول> کلمه توحید (لا اله الا الله) و مراد از <صراط الحمید> عبادت خدای یگانه است.

پاکی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۷، ۸، ۴، ۳

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجهم من قريتهم إنهم أناس يتطهرون

۴ لوط در پاک زیستی و تنزه از اعمال زشت و مبارزه با کردار های ناپسند ، دارای همگامان و یارانی متعدد بود .

و ما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوهم من قريتهم إنهم أناس يتطهرون

ضمایر جمع در جمله <اخرجوهم ...> و نیز آوردن

کلمه <اناس>، حکایت از آن دارد که گروهی از مردم به لوط گرویده بودند و چون تصمیم بر اخراج لوط و یارانش در پی اعتراضهایی که در آیه قبل مطرح شد، گرفته شده، معلوم می شود مؤمنان به لوط وی را در مبارزه با فسادها و مفسدان یاری می کردند.

۷ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزّه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس يتطهرون

۸ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلاّب فسادها و ارتکاب رفتارهای پلید و ناروا

إنهم أناس يتطهرون

به کارگیری فعل مضارع <یتطهرون> بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودند که پاک زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

پاکی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - تمجید دربانان بهشت از خوبی ها و پاکدامنی تقواییشان ، در آستانه ورود آنان به بهشت

و قال لهم خزنتها.. طبتم

۱۲ - پاکدامنی و طهارت از گناه ، از اوصاف برجسته تقواییشان

طبتم

از این که دربانان بهشت در آستانه ورود تقواییشان تنها از پاکی و پاکدامنی آنان سخن می گویند، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

پاکی مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۵، ۹

۵ برگزیدگی و پاکیزه گشتن مریم (س) از سوی خدا

یا مریم انّ الله اصطفیک و طهّرك

۹ پاک گشتن مریم ، در پرتو خالص گردانیدن او

انّ الله اصطفیک و طهّرك و اصطفیک علی نساء العالمین

از اینکه جمله > و طهرك .

.. < پس از >اصطفیک < آمده، به نظر می رسد خالص گرداندن مریم، دخیل در تطهیر وی بوده است. گفتنی است که معنای <اصطفاء> خالص گرداندن از پلیدیهای است که دیگران به آن مبتلا هستند (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۱۸

۱۸ پاک بودن دامن حضرت مریم (ع) از تهمت های ناروای یهودیان

انما المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و كلمته القها إلى مریم و روح منه

جمالیت <انما المسيح .. روح منه > علاوه بر اینکه رد عقیده غلوآمیز مسیحیان درباره حضرت عیسی(ع) است، می تواند اشاره به ناروایی اتهام یهودیان نسبت به مریم(ع) نیز باشد.

پاکی مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ - > عن النبی (ص) < لا یمسّه إلا المطهرون > قال : المقربون ;

از رسول خدا(ص) درباره <مطهرون> در آیه <لا یمسّه إلا المطهرون> روایت شده که مراد مقربان هستند.

پاکی مکان گفتگوی خدا با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - مکان های تکلم خداوند با پیامبران و بندگان خویش ، مکان هایی مقدس و طاهر و شایسته احترامند .

یموسی . إني أنا ربك ... إنك بالواد المقدس طوى

گرچه دلیل تقدس وادی طوی در آیه نیامده است، ولی مجموع آیه حکایت از ارتباط تکلم خداوند با تقدس آن سرزمین دارد، چه تقدس سابق، سبب انتخاب آن برای تکلم شده باشد و چه تکلم خداوند به آن قداست بخشیده باشد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۶ - ۶

۶ - جایگاه سخن گفتن خداوند با پیامبران ، جایگاهی مقدس و پاک و شایسته احترام است .

إذ ناديه رَبّه بالواد المقدس طوى

ارتباط <ناداه> با <المقدس> ، بیانگر این است که یا خداوند برای تکلم با بندگان، جایی مقدس را برمی گزیند و یا تکلم او، مایه تقدس آن سرزمین می گردد. در هر دو صورت، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

پاکی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۳

۳ - فرشتگان الهی ، موجوداتی پاک و مطهر

لايمسه إلا المطهرون

پاکی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ پاکی طینت موجودات ، امری اصیل و خبثت آنها ، امری عرضی است . *

و البلد الطيب .. و الذی خبث

توصیف زمین مستعد با وصف <الطيب> در مقابل توصیف زمین نامستعد با فعل <خبث> ، می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد. زیرا وصف دلالت بر ثبوت دارد و فعل حاکی از حدوث است.

پاکی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۱۹ ، ۳

۳ مؤمنان ، پاک هستند و غیر آنان (منافقان) ، پلید و خبیث .

ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

۱۹ پیامبر (ص) ، آگاه به پاکان و ناپاکان (مؤمن و منافق) امت خویش ، از طریق علم به غیب

و ما كان

اللّٰه .. و لكنّ اللّٰه يجتبي من رسله من يشاء

مراد از <من رسله> چه برخی از رسولان باشند و چه تمامی آنان قطعاً پیامبر اسلام (ص) از جمله آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۲

۲ کافران ستیزه گر با دین ، پلید هستند و اهل ایمان ، پاک .

لیمیز اللّٰه الخبیث من الطیب

پاکی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - بهشتیان در بهشت ، همسرانی پاک و مطهر خواهند داشت .

و لهم فیها ازوج مطهره

تضمین پاکی عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۵

۵- پاکی و رشد معنوی حضرت عیسی (ع) ، قبل از تولد وی ، از سوی خداوند تضمین شده بود .

إنّما أنا رسول ربّك لأهب لك غلماً زکّیّاً

دعوت به پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۴

۴ - دعوت به پاکی و درست کاری ، سرلوحه برنامه پیامبران

فقل هل لك إلی أن تزکی

زمینه پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۸

۸ رابطه سجده با طهارت از آلودگی ها *

و طهرک . . . و اسجدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۸

۸ پرداخت صدقه و زکات ، مایه تطهیر (پاکی روح از آلودگی

(و تزکیه (رشد معنوی) انسان است .

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۱۵

۱۵ مکان و محیط مناسب ، از زمینه های لازم برای طهارت و خودسازی و کمال معنوی

لمسجد أسس علی التقوی .. فیه رجال یحبون أن یتطهروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۹،۱۱

۹ - پرهیز از نظر دوختن به نامحرمان و اجتناب از آلودگی به فحشا و فساد جنسی ، زمینه ساز طهارت ، پاکی ، رشد و بالندگی است .

قل للمؤمنین یغضوا من أبصرهم و یحفظوا فروجهم ذلک أزکی لهم

<زکاه> (مصدر <ازکی>) هم به معنای <نمو و رشد> و هم به معنای <طهارت و پاکی> است.

۱۱ - احکام و تعالیم دین ، در جهت رشد ، بالندگی ، طهارت و پاکی انسان است .

قل للمؤمنین یغضوا من أبصرهم .. ذلک أزکی لهم

زمینه پاکی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۱

۱۱ پرداخت صدقه (زکات) ، تضمین کننده پاکی جامعه و شکوفایی اقتصاد آن *

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

برداشت فوق بر این اساس است که تطهیر و رشد، صرفاً فردی نباشد و نظر به حیثیت اجتماعی آن نیز داشته باشد. به تعبیر دیگر، صدقه و زکات، از آن جهت که تعدیل ثروت را به دنبال دارد، عدالت اجتماعی را تضمین می کند.

شرایط پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳۷ پاکی جان ها و دل ها از آلودگی در گرو توفیق الهی

أولئك الذين لم يرد الله ان يطهر قلوبهم

عوامل پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۲۰، ۱۳، ۱۲

۱۲ پذیرش احکام الهی و عمل به آن ، باعث رشد و طهارت انسان

و اذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ .. ذَلِكُمْ اِزْكِ لَكُمْ و اطهر

۱۳ قوانین الهی برای رشد و طهارت جامعه ، مفیدتر از قوانین و رسوم مردم است .

و اذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ ... فلا تعضوهنَّ ... ذَلِكُمْ اِزْكِ لَكُمْ و اطهر

۲۰ قوانین الهی ، برای اصلاح و پاکسازی خانواده و جامعه

فلا تعضوهنَّ ان ینکحنَّ .. ذَلِكُمْ اِزْكِ لَكُمْ و اطهر و الله یعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۲، ۴

۴ ایمان ، موجب طهارت و پاکی و نفاق ، موجب پلیدی است .

ما كان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

۲۲ ایمان به خداوند و پیامبران ، موجب قرار گرفتن آدمی در زمره پاکان

حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب .. فامنوا بالله و رسله

بنابر اینکه جمله <فامنوا...> ، متفرع بر جمله <حتّی یمیز...> باشد ؛ یعنی حال که سنت الهی بر جداسازی ناپاکان از پاکان امت است، برای اینکه در زمره پاکان قرار گیرید، راهی جز ایمان واقعی به خدا و رسول نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ -

۲ تزکیه و پیراسته نمودن جان ها از آلودگی ، از شؤون خداوند است .

بل الله یزکی من یشاء

بنابر اینکه <یزگی> از <تزکیه> به معنای برطرف کردن و زایل نمودن ناپاکیها باشد، نه از <تزکیه> به معنای توصیف به پاکی و طهارت.

۳ خداوند بر اساس مشیتش انسان را از آلودگی پاک می سازد و رشد می دهد .

بل الله یزکی من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۱۶

۱۶ - رشد و طهارت انسان در گرو مخالفت با شیطان و اجتناب از فحشا و منکرات است .

لا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ... فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلَ اللَّهِ عَلَیْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - احکام و تعالیم دین در جهت رشد ، بالندگی ، طهارت و پاکی انسان ها است .

و إن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو از کی لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۷ - ۵

۵ - معارف و تعالیم دین ، مایه پاکی انسان از پلیدی ها است .

و ما علیک ألا یزکی

براساس شأن نزول آیه شریفه، حضور کافران سرشناس در مجلس پند و اندرز، مایه برخورد ناهنجار فرد مسلمان با ابن ام مکتوم بوده است. این که آیه از اسلام نیاوردن آنان، با تعبیر <تزکیه نخواستن> یاد کرده است، گویای ثمربخشی تعالیم دین

در تزکیه است.

عوامل پاکی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۰ -

۸ ایمان ، مایه طهارت مؤمنان و پاکیزه کننده آنان از هرگونه رجس و پلیدی است .

و ما كان لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ . . . و يجعل الرجس على الذين لا يعقلون

فطريت پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۸ - ۷

۷- رشد و طهارت ، اموری فطری و مطلوب همه انسان ها است .

و إن قيل لكم ارجعوا فارجعوا هو أزكى لكم

جمله <هو أزكى لكم> به منزله تعلیل است و تعلیل آن گاه صحیح است که شیء تعلیل شده (رشد یافته تر و پاکیزه تر بودن) مورد پذیرش مخاطبان باشد. بنابراین می توان گفت: رشد، بالندگی، طهارت و پاکی، امری مورد پذیرش و مطلوب همگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - رشد و طهارت ، مطلوب و فطری همه انسان ها است .

ذلک أزكى لهم

جمله <ذلک أزكى لهم> به منزله تعلیل است و تعلیل آن گاه صحیح است که شیء تعلیل شده (رشد و پاکی) مورد پذیرش مخاطبان باشد. بنابراین می توان گفت که پاکی و رشد، مورد پذیرش و مطلوب همگان است و این به سبب امری فطری خواهد بود.

فواید پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - پاکی و دوری از گناه و آلودگی ها ، به سود بشر

و من تزکی فإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ

گواهی بر پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۱۳، ۹

۹ شهادت بر پاکی

و پیراستگی انسان از ناپاکی ها ، از شؤون خداوند است .

بل الله یزکی من یشاء

بنابر اینکه <یزکی> از <تزکیه> به معنای پاک دانستن و نسبت طهارت دادن باشد.

۱۳ شهادت خدا بر پاکی و طهارت انسان و نیز ملاک های تعیین شده از سوی او برای پیراستگی ، گزاف و بدون دلیل نیست .

بل الله یزکی من یشاء و لا یظلمون فتیلاً

محرومان از پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۷

۷\$ - فرعون ، طغیان گری محروم از هرگونه پاکی و صلاح

هل لك إلی أن تزکی

سؤال موسی(ع) نشان می دهد که وی در وجود فرعون، به دنبال یافتن تمایلی هر چند اندک به سوی خیر و صلاح بود.

ملاک پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۶

۶ تعیین ملاک و میزان پیراستگی و رشد یافتگی ، کار خداوند است .

بل الله یزکی من یشاء

اگر مراد از <تزکیه> پاک دانستن و شهادت به منزله بودن باشد، تزکیه خداوند به تعیین ملاک خواهد بود ؛ چون خداوند غالباً شهادت به پاکی فرد و یا گروهی خاص نمی دهد، بلکه ملاکها را مشخص می کند.

منشأ پاکی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - طهارت ، پاکی ، رشد و بالندگی اهل ایمان ، جلوه ای از فضل و رحمت الهی بر آنان

و لولا فضل الله علیکم و رحمته ما زکی منکم من أحد أبداً

<زکاء> در لغت به دو معنا آمده

است: ۱ نمو و رشد، ۲ صلاح و پاکی.

موانع پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۲۰

۲۰ آمیزش جنسی در ایام حیض ، خلاف پاکیزگی است .

و یسئلونک عن المحیض .. فاعتزلوا النساء فی المحیض ... ان الله یحب التوابین و ی

نهی از آمیزش در ایام حیض و سپس اظهار محبت به پاکیزگان، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

موانع پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۸

۳۸ پافشاری در کفر ، مانع تعلق اراده الهی به پاک نمودن قلب کافران از آلودگی و ناپاکی

الذین یسرعون فی الکفر .. أولئک الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

موجبات پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۶

۶ - خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جنت عدن .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکی

نشانه های پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۷

۷ ثمربخشی فراوان ، نشانه طیب بودن و کم ثمری ، نشانه خباثت

و البلد الطیب یخرج نباته بإذن ربه و الذی خبث لا یخرج إلا نکدأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۹

۹- صرف داشتن رابطه خویشاوندی با پاکان ، دلیل پاکی و خوبی نیست .

إلّا ءال لوط إنا لمنجّوهم . . . إلّا

امراته قدرنا إنها لمن الغبرین

پاکیزگان

فضایل پاکیزگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۱۶

۱۶ خداوند ، توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد .

ان الله يحب التوابین و يحب المتطهرین

پاکیزگی

آثار پاکیزگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴ - ۴

۴ - طهارت و پاکیزگی جسم و جان ، از شرایط بایسته برای رهبران و مبلغان جامعه اسلامی و تأثیرگذار در موفقیت آنان

و ثيابك فطهر

ارزش پاکیزگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ ارزش و اهمیت پاکیزگی و پاکدامنی ، در زندگی و روابط خانوادگی

و ازواج مطهره

اهمیت پاکیزگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ ملاک حلیت اشیا ، پاکیزگی و سازگاری آنها با طبع است .

اليوم احل لكم الطيبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴ - ۳

۳ - طهارت و پاکیزگی جسم و جان ، برخوردار از اهمیت ویژه در سلسله تعالیم قرآن

و ثيابك فطهر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که توصیه به طهارت، در ردیف توصیه های بزرگی (همچون تکبیر خداوند) قرار گرفته است که در مرحله نخست رسالت به پیامبر(ص) ابلاغ شده بود.

اهمیت پاکیزگی طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۹

۲۹- پای بندی به ارتزاق از پاکیزه ترین غذا ها ، اصلی پسندیده و

مرغوب در زندگی یکتاپرستان است .

فلینظر أيتها أزرکی طعامًا

پاکیزگی باران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۸ - ۴

۴ آب باران ، پاکیزه ترین و زلال ترین آب ها

و أنزلنا من السماء ماء طهورًا

پاکیزگی حلال ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۷

۷ آنچه خداوند حلال کرده پاکیزه و گواراست .

لا تأخروا طيبات ما أحل الله لكم

طیب به معنای چیزی است که خوشایند آدمی باشد و اضافه طیبات به <ما احل الله>، اضافه بیانیه است یعنی <ما احل . . > تفسیری برای طیبات می باشد. گویا سؤال می شود طیبات چیست؟ در پاسخ گفته می شود، آنچه خداوند حلال کرده است.

پاکیزگی خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۴

۴ پاکیزگی و سازگاری خوردنی ها با طبع ، ملاکی در حلیت آنها

احل لكم الطيبات

پاکیزگی در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ ارزش و اهمیت پاکیزگی و پاکدامنی ، در زندگی و روابط خانوادگی

و ازواج مطهره

پاکیزگی در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۲

۲ - ورود به مسجدالحرام برای انجام طواف ، با سر و تن آلوده و نیاراسته ، ممنوع است .

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُم

پاکیزگی شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۶،۷

ابرار در بهشت ، برخوردار از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هر گونه آثار ناگوار (بیهوشی ، غفلت و عقل زدایی)

و سقیهم ربههم شراباً طهوراً

<طهور>، صیغه مبالغه و صفت برای <شراباً> است؛ یعنی، شراب ابرار در نهایت پاکیزگی و خالص از هر گونه آثار ناگوار شراب های دنیا (همچون بیهوشی، غفلت و کم شدن عقل) است.

۷- بهشتیان ، از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هر گونه آثار ناگوار ، خواهند نوشید .

و سقیهم ربههم شراباً طهوراً

پاکیزگی لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴ - ۱

۱- پاکیزگی لباس و نظافت شخصی ، از نخستین توصیه های خداوند به پیامبر (ص)

و ثيابك فطهر

پاکیزگی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۹ - ۳

۳- تمیزی و دوشیزگی ، از اوصاف زنان بهشتی

كأنهنَّ بیض مكنون

تشبیه به پوشیده بودن تخم ها زیر پر شترمرغ، کنایه از تمیز بودن زنان بهشتی است و مصون بودن آنان که مفاد عبارت <مکنون> می باشد کنایه از محفوظ ماندن آنان از دستبرد دیگران و دوشیزگی ایشان است.

تشویق به پاکیزگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۱۸

۱۸ ترغیب و تشویق الهی ، به توبه و پاکیزگی

ان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين

از اهداف اشاره به محبت الهی نسبت به پاکیزگان و توبه کنندگان، تشویق انسانها به توبه و پاکیزگی است.

توصیه به پاکیزگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴ - ۱

۱ - پاکیزگی لباس و نظافت شخصی ، از نخستین توصیه های خداوند به پیامبر (ص)

و ثيابك فطهر

توصیه به پاکیزگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۲

۱۲ - پاکیزه نگه داشتن صفحات قرآن ، توصیه خداوند

صحفاً مطهره

توصیف ورق های قرآن به <مطهره> علاوه بر بیان طهارت معنوی آنها از انحراف آنها را سزاوار تطهیر دانسته و به لزوم دور داشتن آنها از آلودگی های ظاهری نیز اشاره دارد.

عبادت و پاکیزگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۴

۲۴ - ارتباط تنگاتنگ عبادت با طهارت و نظافت

أن طهرا بيتی للطائفین و العکفین و الركع السجود

عوامل پاکیزگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۶

۶ پاکیزگی و برگزیده شدن مریم ، زمینه برگزیده شدن خاندان عمران نزد خداوند

یا مریم انّ الله اصطفیک

<واذ قالت .. > عطف است به <واذ قالت ... > در آیه سی و پنجم و ظرف است برای <اصطفی ... ال عمران > ; یعنی آنگاه آل عمران برگزیده شدند که مریم را خداوند برگزید و پاک گردانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۸ - ۵

۵ آب باران ، وسیله ای برای نظافت و پاکیزگی

و أنزلنا من السماء ماء طهورًا

<طهور> صیغه مبالغه از مصدر <طهارة> است و آمدن این واژه به صیغه، مبالغه نه بر وزن فاعل

(طاهر)، می تواند حاکی از این حقیقت باشد که آب ضمن آن که خود پاک و پاکیزه است، عنصری پاک کننده نیز می باشد.

پدر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پدر

آثار تزکیه پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۸

۸- لزوم تصفیه درونی و اعتلای روحی پدر ، هنگام انعقاد نطفه فرزند

قال رب اجعل لی ءایه قال ءایتک ألا تکلم الناس ثلث لیل سوياً

نشانه ای که زکریا درخواست کرد، اگر برای تشخیص زمان انعقاد نطفه بوده، چنین درخواستی می تواند نشانه حساسیت خاص مسأله باشد و آن حضرت برای مراعات مسائلی خاص و نیز آدابی لازم، زمان آن را خواهان گردید تا با تهیه و تدارک مقدمات روحی لازم، اقدام به انجام مرحله انعقاد نطفه نماید.

آثار صلاحیت پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۹

۹- صلاح و شایستگی پدر ، دارای نقش مؤثر در سعادت و نیک بختی فرزندان است .

کان أبوهما صلحاً فأراد ربک أن یبلغا أشدهما و یتخرجا کنزهما

آثار علاقه به پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۱

۱ عواطف خویشاوندی (علاقه به پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و امکانات مادی (مال ، شغل و مسکن) زمینه های انحراف انسان و روی گردانی وی از فرمان خدا و رسول و رها کردن جهاد

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها ... أحب إليکم من اللّٰه و رسوله و جهاد

آثار گرایشهای پدر

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱۱

۱۱ - باور های دینی پدران ، دارای تأثیری بسزا در گرایش فرزندان به آن باورها

نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِلَهًا وَحَدًا

فرزندان یعقوب با جمله ای همانند <نَعْبُدُ اللَّهَ إِلَهًا وَاحِدًا> می توانستند اعتقاد توحیدی و توحید عبادی خویش را اظهار دارند. بیان آن معنا در ضمن نام بردن از ابراهیم و ... اشاره به نکاتی دارد که تأثیر پذیری فرزندان از باورهای پدران، از جمله آنهاست.

احترام پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۹

۹ بنیامین بدون رخصت پدرش یعقوب (ع) به مسافرت اقدام نمی کرد .

از اینک برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواست

ز اینک برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواستند که وی را به همراه ایشان بفرستد (فأرسل معنا أختانا) معلوم می شود که بنیامین بدون اجازه پدرش به مسافرت نمی رفت.

احسان به پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۷

۷- مادر ، دارای حقی فزون تر از پدر ، در برخورداری از احسان و خدمات فرزند

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كَرْهًا وَ حَمَلَهُ وَ فَصَلَهُ

خداوند، در آغاز احسان به پدر و مادر را توصیه کرده است؛ ولی در بیان فلسفه آن صرفاً از زحمات مادر یاد نموده است. این در حقیقت تأکید بر حق مادر و توصیه فزون

تر در مورد او است.

ادب در گفتگو با پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۰

۱۰- لزوم رعایت ادب و ملاطفت در گفتار با پدر ، اگر چه مشرک باشد . *

يَأْتِ . . . يَأْتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمْسَكَ

ارث پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۱۸

۱۸ برادران میت با وجود پدر و مادر و یا فرزندان او ، ارث نمی برند .

و ورثه ابواه فلامه الثلث فان كان له اخوه فلامه السدس

زیرا با فرض وجود برادرانی برای میت (فان كان له اخوه)، تنها پدر و مادر او را وارث شمرده است (و ورثه ابواه).

استغفار برای پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار آموزش خود ، پدر و مادرش و مؤمنان در روز برپایی قیامت شد .

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

استقبال از پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۳

۳ به استقبال پدر، مادر و بستگان رفتن و در خارج شهر به انتظار قدوم آنان ماندن، رسمی نیکو و از آداب معاشرت است.

فلما دخلوا علی یوسف . . قال ادخلوا مصر

اطاعت از پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۱، ۱۲

۱۱ پدران دارای حق امر و نهی به فرزندان خویش

فأرسل معنا أاخانا

۱۲ گوش سپاری

به فرمان ها و خواسته های پدران از وظایف فرزندان و از آداب معاشرت با ایشان

فأرسل معنا أختانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۴

۴ گوش سپاری به فرمان های پدران از وظایف فرزندان و از آداب معاشرت با ایشان

و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

انتساب فرزند به پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱،۲،۳

۱ - هر فرزندی ، باید به پدر خود نسبت داده شود و نه کس دیگر .

ادعوهم لأبائهم

۲ - تبیین لزوم اسناد فرزند حقیقی به پدر ، از جمله هدایت های خداوند به حقیقت و درستی است .

والله يقول الحقّ و هو یهدی السبیل . ادعوهم لأبائهم

۳ - نسبت دادن فرزند به پدرش و نه مرد دیگر ، عادلانه ترین کلام در پیش گاه خداوند است .

ادعوهم لأبائهم هو أقسط عند الله

اهمیت احترام پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۹

۹ لزوم احترام به خویشاوندان خصوصاً به پدران و مادران

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه و قال ادخلوا مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۵

۵ لزوم احترام به پدر و مادر

و رفع أبویه علی العرش

اهمیت دعای پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۷

۷ دعای پدران در حق فرزندان ، به اجابت نزدیک تر است .

ياأبانا استغفر لنا .. قال سوف أستغفر لكم ربی

درخواست

فرزندان یعقوب از او برای طلب آموزش می رساند که آنان دعای وی را به اجابت نزدیک تر می دانستند؛ حال یا به این لحاظ که او پدر ایشان است یا به این سبب که وی پیامبر خداست و یا هر دو لحاظ در نظر آنان بوده است.

اهمیت نقش پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۷

۷- خانواده به ویژه پدر، در رشد یا انحطاط اخلاقی فرزندان نقشی مؤثر دارد.

ما کان أبوکُ امرأ سوء و ما کانت أمکُ بغیًّا

تعبیری که قوم مریم در باره پدر او به کار بردند، نفی همه پلیدی ها بود، حاکی از این که بدی های پدر هرچه باشد زمینه مناسبی برای فساد فرزندان خواهد شد و تأثیر رفتار مادر به آن گسترده نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۳

۳- وجود پدر، مأمّن و مأوایی مناسب برای مراقبت از فرزند

ألم یجدک یتیمًا فاوی

به کسی <یتیم> گفته نمی شود؛ مگر در صورت نبود پدر. (العین)

ایمان پدر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۵

۵- پدر و مادر حضرت ابراهیم (ع) مؤمن و موحد بودند.

ربّنا اغفر لی و لولدی

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) برای پدر و مادرش طلب آموزش کرد، استفاده می شود که آنان مؤمن و موحد بودند.

بارداری بدون پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۳

۳- اعطای فرزند بدون

پدر ، امری آسان برای خداوند

هو عَلَيَّ هَيِّن

<هَيِّنٌ> صفت مشبیه از <هون> می باشد، یعنی آسان و راحت.

بی نیازی از پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۵،۶

۵ - خداوند ، نیاز به فرزند و پدر و مادر ندارد .

اللّٰهُ الصّمد . لم یلد و لم یولد

این آیه و آیه بعد، چنانچه تفسیر آیه قبل باشد، نداشتن فرزند و مبدأ پیدایش را، مصداق معنای <صمد> (بی نیازی) قرار داده است.

۶ - نیاز همه موجودات به خداوند ، دلیل بی نیازی او از فرزند و پدر و مادر است .

الصّمد . لم یلد و لم یولد

این آیه، می تواند بیانگر لوازم <صمد> بودن خداوند باشد.

پدر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۱۳، ۱، ۳

۱ پدر ابراهیم، آزر و قوم او مردمی بت پرست و گمراه بودند.

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءآزر أتتخذ أصناما

۳ آزر، پدر صلبی ابراهیم(ع) نبوده است.

إذ قال إبرهیم لأبیه ءآزر

روش قرآن در آیات مختلف مشابه این آیه ذکر نام و نشان افراد نیست. لذا تصریح به اسم آزر به صورت عطف بیان بدان جهت می تواند باشد که مراد از <اب> را روشن نماید که پدر حقیقی ابراهیم(ع) نبوده، بلکه عمو و یا پدر خوانده وی بوده است.

۱۳ عن أبي عبدالله(ع): إن آزر أبا ابراهيم كان منجما لنمرود . . . و وقع آزر بأهله فعلفت بإبراهيم

از امام صادق(ع) روایت شده است: <آزر> پدر ابراهیم منجم نمرود بود . . . و آزر با همسر خویش همبستر شد و

نطفه ابراهیم منعقد گشت ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار آموزش خود، پدر و مادرش و مؤمنان در روز برپایی قیامت شد.

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۲

۲- آزر (پدر یا عموی حضرت ابراهیم (ع))، مشرک و بت پرست بوده است.

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ

<آزر> یا پدر حضرت ابراهیم بوده است، چنانچه ظاهر برخی آیات چنین اقتضا دارد و برخی روایات نیز مؤید آن است و یا این که مطابق برخی روایات دیگر عموی او بوده است. واژه <أب> در زبان عرب بر <عمو> نیز اطلاق می گردد. در قرآن نیز در سوره بقره آیه صد و سی و سوم به همین معنا استعمال شده است (نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ). در این آیه لفظ <أب> در مورد <عمو> نیز به کار رفته، زیرا اسماعیل عموی یعقوب بوده است. گفتنی است که برخی مفسران، آزر را جد مادری ابراهیم دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۳

۳- قوم ابراهیم (ع) و فردی که آن حضرت وی را پدر خطاب می کرد، پیرو آیین شرک و بت پرستی بودند.

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ إِنِّي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ

پدر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۲

۲ شخص واحد (آدم (ع)) منشأ و مبدأ همه انسانهاست .

خلقکم من نفس وحده

برداشت فوق و نظایر آن مبتنی بر این نظر است که مراد از نفس واحده و زوجش آدم(ع) و حوا(س) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱

۱ - خداوند ، انسان ها را از یک تن (آدم (ع)) آفرید .

خلقکم من نفس وحده

مفسران بر این دیدگاه اند که مقصود از <نفس واحده> آدم ابوالبشر است.

پدر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۴

۴ - > عن الحسين بن علي (ع) كان علي بن أبي طالب (ع) بالكوفة في الجامع إذ قام إليه رجل . . . و سأله عن اسم أبي الجن فقال : شومان و هو الذي خلق من مارح من نار . . . ;

از امام حسین(ع) روایت شده که حضرت علی(ع) در جامع کوفه بود که مردی برخاست [و در ضمن چند سؤال از آن حضرت] از پدر جن سؤال کرد؛ حضرت فرمود: پدر جن <شومان> نام داشت [و فرمود: هو الذی خلق من مارح من نار. <..>.

پدر دینی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - ابراهيم (ع) ، پدر دينی امت اسلامی

و ما جعل علیکم فی الدین من حرج ملّهُ اَیْکُمْ اِبرهیم

پدر سلیمان(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۰ - ۲

۲ - سلیمان (ع) ، فرزند حضرت داوود (ع)

و وهبنا لداود سلیمان

پدر مالک دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۵،۶

۵- خضر (ع) پدر مالکان دیوار را می شناخت و از نیکی و صلاح او در دوران زندگی اش با خبر بود .

و کان أبوهما صلحاً

۶- صالح بودن پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمین یتیمین . . . و کان أبوهما صلحاً

جمله <و کان أبوهما صلحاً> نشانِ علتِ تعمیر دیوار است.

پدر مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ مریم ، دختر عمران

امرات عمران . . . و ائى سمیتها مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۲

۲ - حضرت مریم (ع) ، دختر عمران بود .

و مریم ابنت عمرن

پدر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پدران و اجداد یوسف (ع) بودند .

واتبعت مله ءاباءى إبرهیم و إسحق و یعقوب

توحید پدر ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۵

۵- پدر و مادر حضرت ابراهیم (ع) مؤمن و موحد بودند .

رَبَّنَا

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) برای پدر و مادرش طلب آموزش کرد، استفاده می شود که آنان مؤمن و موحد بودند.

حقوق پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ پدران دارای حق امر و نهی به فرزندان خویش

فأرسل معنا أختانا

۱۲ گوش سپاری به فرمان ها و خواسته های پدران از وظایف فرزندان و از آداب معاشرت با ایشان

فأرسل معنا أختانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - مادران ، دارای حقی فزون تر از پدران ، بر گردن فرزند هستند . *

و وصینا الإنسن بولدیه حملته أمه وهنأ علی وهن و فصله فی عامین أن اشکر ..

تعلیل آوردن حکم تشکر از والدین، به این که مادر، سختی های بارداری را متحمل شده و فرزند را تا مدت دو سال شیر می دهد، می تواند به فزونی حق مادر اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۷

۷- مادر ، دارای حقی فزون تر از پدر ، در برخورداری از احسان و خدمات فرزند

و وصینا الإنسن بولدیه إحسنأ حملته أمه کرهأ و وضعته کرهأ و حمله و فصله

خداوند، در آغاز احسان به پدر و مادر را توصیه کرده است؛ ولی در بیان فلسفه آن صرفاً از زحمات مادر یاد نموده است. این در حقیقت تأکید بر حق مادر و توصیه فزون تر در مورد او است.

حکومت بر پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۶ حاکمان صالح بر پدر و مادر خویش حکومت و فرمانروایی نمی کنند .

و رفع أبویه علی العرش

یوسف(ع) با نشان دادن پدر و مادرش بر تخت خویش ، علاوه بر احترام ویژه اش به آنان ، درصدد بیان این نکته بود که هرگز بر پدر و مادرش حکمرانی و فرمانروایی نخواهد کرد ؛ بلکه مطیع و فرمانبردار ایشان خواهد بود.

خدا و پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۱۵،۱۶

۱۵ - > سأل رجل علیاً (ع) عن تفسیر هذه السوره فقال : . . . الصمد بلا تبعیض بدد ؛

مردی از امام علی(ع) درباره تفسیر این سوره (اخلاص) سؤال نمود، حضرت فرمود: .. صمدیت خداوند، بدون تجزیه شدن به اجزای جدا از یکدیگر است <.

۱۶ - > قال وَهْب بن وَهْب القرشی و حَدَّثَنِي الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ (ع) أَنَّ أَهْلَ الْبَصْرَةِ كَتَبُوا إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) يَسْأَلُونَهُ عَنِ الصَّمَدِ فَكُتِبَ إِلَيْهِمْ . . . ان الله سبحانه قد فسّر الصمد فقال : > الله أحد . الله الصمد < ثم فسّره فقال > لم يلد و لم يولد . و لم يكن له كفواً أحد < . . . هو الله الصمد الذي لا من شيء و لا في شيء و لا على شيء ؛

وهب بن وهب قرشی گوید: که امام صادق(ع) از طریق پدرش امام باقر(ع) از امام سجاد(ع) برایم روایت کرده که: اهل بصره به امام حسین(ع) نامه نوشتند و از ایشان معنای صمد را پرسیدند ؛ امام به آنان

نوشت: ... به درستی که خداوند سبحان خود صمد را تفسیر نموده و فرموده <اللّٰهُ أَحَدٌ . اللّٰهُ صَمَدٌ>، آن گاه آن را تفسیر کرده و فرموده است: <لم يلد و لم يولد . و لم يكن له كفواً أحد> ... او است خدای صمد که نه از چیزی به وجود آمده و نه در چیزی جای گرفته و نه بر چیزی مستقر است.>

خوردن از خانه پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج .. أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

دوستی با پدر کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۳

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

يأبها الذين ءامنوا لا تتخذوا ءاباءكم و إخوانكم أولياء إن استحبوا الكفر على الإيمن

رعایت حقوق پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱

۹- فرزند ، به صورت عادی و طبیعی ، حال و حقوق پدر را بیش تر رعایت می کند . *

و وصینا الإنسن بولدیه حملته أمه وهنأ علی وهن . .. أن اشکر ... لولدیک

توصیه به رعایت حال والدین با یادآوری مشقاتی که مادر می کشد، ممکن است از این جهت باشد که فرزند ، حیات و معاش خود را مرهون پدر می داند و طبیعتاً، در مقابل او احساس وظیفه می کند و درباره مادر چنین احساسی ندارد، لذا این توصیه برای ایجاد انگیزه در فرزند جهت رعایت حقوق هر دوی آنها است.

روش برخورد با پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ گوش سپاری به فرمان ها و خواسته های پدران از وظایف فرزندان و از آداب معاشرت با ایشان

فأرسل معنا أخانا

روش گفتگو با پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۰

۱۰- لزوم رعایت ادب و ملاحظت در گفتار با پدر ، اگر چه مشرک باشد . *

يأبت . . . يأبت إني أخاف أن يمسك

سرزنش پدر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۶ - ۱

۱ - ابراهیم (ع) ، پدر و قومش را به سبب گرایش به معبودهایی جز الله ، مورد سرزنش قرار داد .

أفكاً ءالهه دون الله تریدون

استفهام در <أئفكا> متضمن معنای توییخ است و <إله> مفرد <ءالهه> به معنای معبود می باشد.

سهم ارث پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۱۲، ۱۵، ۱۷

۱۱ سهم ارث هر یک از پدر و مادر، در صورتی که میت دارای فرزند باشد، سدس (یک ششم) است.

و لایبویه لکل واحد منهما السدس ممّا ترک ان کان له ولد

۱۲ سهم ارث مادر در صورت انحصار ورثه به والدین، ثلث (یک سوم) است و بقیه (دو سوم) از آن پدر میت است.

فان لم یکن له ولد و ورثه ابواه فلامه الثلث

جمله <ورثه ابواه> ظهور در انحصار ورثه به والدین دارد. بنابراین چون سهم مادر ثلث است، بقیه (دو ثلث)، از آن پدر خواهد شد.

۱۵ زنده بودن پدر میت و ممنوع نبودن وی از ارث، شرط حاجب شدن برادران میت از سهم ثلث مادر

و ورثه ابواه فلامه الثلث فان کان له اخوه فلامه السدس

۱۷ سهم ارث مادر در صورت انحصار ورثه به والدین و وجود برادرانی برای میت، یک ششم و بقیه از آن پدر است.

فان لم یکن له ولد و ورثه ابواه فلامه الثلث فان کان له اخوه فلامه السدس

جمله <فان کان له اخوه> فرع بر جمله ای مقدر است. یعنی ارث مادر در صورتی یک سوم است که میت، برادرانی متعدد نداشته باشد، ولی با وجود برادرانی برای میت، سهم او یک ششم است. و چون فرض بر این است که وارث تنها پدر و مادر هستند، بقیه از آن پدر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۲ - ۲۰

۲۰ در صورت نبودن فرزند برای میت

، نوه های وی به جای فرزند ارث می برند و موجب تنزل سهم زن ، شوهر ، پدر و مادر می شوند .

فان کان لکم ولد

امام باقر و صادق (ع): .. فان لم یکن له ولد و کان ولد الولد ذکوراً او اناثاً فانهم بمنزله الولد ... و یحجبون الابوین و الزوج و الزوجه عن سهامهم الاکثر

تهذیب شیخ طوسی، ج ۹، ص ۲۸۹، ح ۳، ب ۲۷، مسلسل ۱۰۴۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۵۱، ح ۸.

شرک پدر ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۵ - ۱

۱ - ابراهیم (ع) ، آیین شرک و بت پرستی پدر و قومش را زیر سؤال برد و آن را محکوم کرد .

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

علاقه به پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۲،۴

۲ محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان نباید محبت خدا و رسول و جهاد در راه خدا را تحت الشعاع قرار دهد .

قل إن کان ءاباؤکم و أباؤکم .. أحب إليکم من الله و رسوله و جهاد فی سبيله

۴ روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی (محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و دلبستگی مادی (مال ، شغل و مسکن) مورد تهدید خداوند

قل إن کان ءاباؤکم .. و أموال اقترفتموها و .. أحب إليکم ... و جهاد فی سبيله فتر

فرار از پدر در قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۵ - ۱

۱ - قیامت ، صحنه گریزان بودن انسان ؛ حتی از پدر و مادر خویش

و أمّه و أبیه

فرار پدر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۲

۲ - پدران در قیامت ، با فرار از پسران خویش ، خود را از آنها دور ساخته ، آنان را تنها خواهند گذاشت .

و بنیه

کیفر پدر به جای فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - هیچ پدر و فرزندی ، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند .

لا یجزی والد عن ولده و لا مولود هو جاز عن والده شیئاً

۱۲ - در قیامت ، برعهده گرفتن بخشی از کیفر پدر از ناحیه فرزند ، به خاطر سنگین بودن حق وی بر فرزند ، امری متوقع است

* .

و لا مولود هو جاز عن والده

درباره مجازات نشدن پدر به جای فرزند، از فعل <یجزی> استفاده شده است و درباره نفی مجازات فرزند به جای پدر از <جاز> که حالت صفتی و تأکید بیشتری دارد. چنین تأکیدی، می تواند به خاطر توقعی باشد که از ناحیه پدران هست. و نیز می تواند به خاطر این باشد که او، از حیث عاطفه و مهر، به مراتب کم تر از پدر است. برداشت بالا بر اساس احتمال نخست است.

کیفر فرزند به جای پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۰، ۱۲

- هیچ پدر و فرزندی، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند .

لايجزى والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شيئاً

۱۲- در قیامت، برعهده گرفتن بخشی از کیفر پدر از ناحیه فرزند، به خاطر سنگین بودن حق وی بر فرزند، امری متوقع است . *

و لامولود هو جاز عن والده

درباره مجازات نشدن پدر به جای فرزند، از فعل <يجزى> استفاده شده است و درباره نفی مجازات فرزند به جای پدر از <جاز> که حالت صفتی و تأکید بیشتری دارد. چنین تأکیدی، می تواند به خاطر توقعی باشد که از ناحیه پدران هست. و نیز می تواند به خاطر این باشد که او، از حیث عاطفه و مهر، به مراتب کم تر از پدر است. برداشت بالا بر اساس احتمال نخست است.

محدوده اطاعت از پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۸ - ۳

۳- اطاعت از پدر در صورت مخالفت فرمان او با توحید و یکتاپرستی جایز نیست . *

لئن لم تنته لأرجمنك . . . و أعتزلکم و ما تدعون

آزر در جمله <لئن لم تنته> صریحاً ابراهیم(ع) را از یکتاپرستی و مبارزه با شرک برحذر داشته و نهی کرده است، ولی ابراهیم(ع) در عین نهی او راه خود را ادامه داده و از تبعیت پدر در شرک سرباز زده است. لازم به ذکر است این برداشت مبتنی بر آن است که آزر پدر ابراهیم(ع) باشد.

محرمیت پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ - زنان مؤمن ،

مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، انگو گردنبند و ...) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر ، شوهر و پسران خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

محرمیت پدر شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۸،۲۵

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، انگو گردنبند و ...) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر ، شوهر و پسران خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

۲۵ - پدر شوهر ، پسرهمسر ، پسر برادر ، پسر خواهر ، زنان مؤمن ، بردگان ، خدمت کاران بی میل به زن و زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ .. أو الطفل الذین لم یظہروا علی عورت النساء

مسئولیت پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ تلاش برای تأمین سلامت فرزندان از وظایف پدران

إلاّ حاجه فی نفس یعقوب قضیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - احترام گذاشتن و ترتیب اثر دادن به نظرات و پیشنهاد های دختران ، رفتاری پسندیده برای پدر

قالت إحدیهما یأبت استعجره .. القویّ الأمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱

۸ - گرایش دادن فرزند به بینش توحیدی ، از وظایف پدر است .

قال لقمن لابنه .. بینی لاتشرك بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۹

۹ - آموزش اخلاق و آداب معاشرت ، از وظایف پدر درباره فرزند خویش است .

بینی .. و لاتصغر خدک للناس ... و اغضض من صوتک

موارد اطاعت از پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۸

۸ - تبعیت در ایمان ، محوری بایسته پیروی از پدران

و اتبعتم ذریتهم یا یمن

در قرآن، معمولاً پیروی از پدران منفی شمرده شده است؛ ولی در این آیه یکی از محورهایی که پیروی از پدران ارزش به شمار آمده، محور ایمان است.

مهربانی با پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۰

۱۰ - لزوم رعایت ادب و ملاطفت در گفتار با پدر ، اگر چه مشرک باشد . *

یأبت .. یأبت إنی أخاف أن یمسک

نعمت همنشینی با پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۹

۹ - هم جواری و هم زیستی با پدران ، همسران و فرزندان ، از نعمت های الهی و از خواسته های بشر

و أدخلهم جنت عدن التي وعدتهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریتهم

یادآوری ورود پدران، همسران و فرزندان به بهشت در جوار مؤمنان تائب، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

نقش پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۹

۹- صلاحیت های پدر ، دارای نقشی بسزا ، در صلاحیت و کمال فرزند است .

فَلَمَّا أَعْتَرَلَهُمْ .. وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا

نقش پدر صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۶،۷،۸

۶- صالح بودن پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمین یتیمین .. و كان أبوهما صلحًا

جمله <و كان أبوهما صلحًا> نشانِ علتِ تعمیر دیوار است.

۷- صلاح و نیکی پدر یتیمان ، مایه اراده خداوند بر دستیابی آنان به گنج نهفته خویش ، هنگام توان مندی بر بهره گیری از آن شد .

و كان أبوهما صلحًا فأراد ربّك أن یبلغا أشدّهما و یتخرجا كنزهما

اهل لغت، در این که کلمه <أشدّ> مفردی است که وزنی مانند وزن جمع دارد، یا جمعی است که از لفظ خود مفردی ندارد، اختلاف نظر دارند. برخی، آن را جمع <شده> دانسته اند (لسان العرب). در هر صورت، مراد، حدّ توان مندی جسمی و عقلی است.

۸- برخورد شایسته با فرزندان افراد صالح ، به پاس نیکی پدران آنان ، لازم است .

و كان أبوهما صلحًا فأراد ربّك

ولایت پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۷

۷- مردان ، در دوران جاهلیت بر فرزندان خود ولایت و اختیار تام داشتند .

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب

اینکه خداوند از تصمیم شرکان درباره زنده نگه داشتن نوزادان دختر خود و یا در گور کردنشان سخن می

گوید و کس دیگری را دخیل و معترض نمی داند، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - ولایت داشتن پدر بر دختر در ازدواج ، در شریعت مورد قبول شعیب (ع)

قال إني أريد أن أنكحك .. علي أن تأجرني ثمنى حجج

پدر شوهر

محرمیت پدر شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۸،۲۵

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و ...) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لا يبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

۲۵ - پدر شوهر ، پسرهمسر ، پسر برادر ، پسر خواهر ، زنان مؤمن ، بردگان ، خدمت کاران بی میل به زن و زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

و لا يبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ .. أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورت النساء

پرسش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پرسش

آثار پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۷

۷ - پرسش و جستجو از حقیقت ، راهی برای درک آن است .

بکم... فهم لا یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۲ - ۳

۳ پرسش امت های پیشین از احکام مسکوت مانده در دین ، موجب جعل و

تشریح آن احکام برای آنان

قد سألها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کفرین

آثار پرسش بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۱۰

۱۰ - درخواست ها و پرسش های نابه جای قوم موسی از وی ، آنان را به کفر ورزی کشانید و از ایمان به دور ساخت .

و من یتبدل الکفر بالایمن

آثار پرسش مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۶

۶ - پرسش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ساز نزول برخی آیات و تبیین مطالبی برای آنان

و یسلونک عن الجبال فقل

آثار ذکر پرسش از عهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۸

۱۸ - توجه به مورد سؤال قرار گرفتن انسان در قبال تعهدات خویش ، زمینه ساز پابندی بیشتر به آن است .

و أوفوا بالعهد إن العهد کان مسئولاً

از اینکه خداوند، پس از دستور به رعایت عهدها و معاهدات، فرموده است: <انسانها، در قبال آنها بازخواست خواهند شد> به دست می آید که توجه دادن به این نکته، خود نوعی ایجاد انگیزش برای رعایت آنهاست.

اجتناب از پرسش بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۲۲ - ۱۴

۱۴- پرهیز از تحقیقات بی ثمر و احاله علم آن به خداوند ، لازم است .

قل ربّی أعلم بعدتھم

استهزا با پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ - استهزا گران پیامبر

(ص) ، از طریق طرح پرسش هایی از امور غیبی ، از سوی خداوند تهدید شدند .

يسئلك الناس عن الساعة .. و ما يدريك لعل الساعة تكون قريباً

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که طرح پرسش، به منظور استهزا و مسخره کردن پیامبر(ص) بوده است. بنابراین، >لعل الساعة...< با توجه به تکرار اسم ظاهر به جای ضمیر، می تواند برای تهدید مسخره کنندگان باشد.

اهمیت پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۸

۸ طرح پرسش و آن گاه مراجعه به قرآن برای پاسخ یابی ، توصیه خداوند به انسانها

لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

اهمیت پرسش و پاسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۶

۶ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن

قل لمن ما في السموت والأرض قل لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ طرح و بیان حقایق به صورت پرسش و پاسخ، از روشهای هدایتی قرآن

قل أغیر الله .. قل إني أمرت أن أكون أول من أسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۶،۸

۶ پیامبر(ص)، مأمور به احتجاج و بحث با مشرکان با طرح سؤال و پاسخ

قل أي شیء أكبر شهده قل الله

۸ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن در تبلیغ و هدایت

قل أي شیء أكبر شهده قل الله شهید

اهمیت

طرح پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۳

۳- طرح سؤال از روش های قرآن در تعلیم و آموزش

أفی الله شكّ فاطر السموت و الأرض

پرسش ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲۸، ۳

۳ پرسش ابراهیم (ع) از خداوند ، درباره نشان دادن کیفیت احیای مردگان برای آرامش خاطر خویش

و اذ قال ابرهیم ربّ ارنی کیف تحیی الموتی .. لطمئن قلبی

۲۸ پرسش ابراهیم (ع) از خداوند درباره کیفیت زنده شدن مردگان ، به انگیزه اطمینان قلب خود به خلیل الله بودنش

قال ابرهیم ربّ ارنی .. لیطمئن قلبی

امام رضا (ع) درباره <لیطمئن قلبی> در آیه فوق فرمود: ... و لکن لیطمئن قلبی علی الخله

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۱۰۸۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۴

۴- ابراهیم (ع) پس از دریافت خبر فرزنداندار شدنش از فرشتگان ، خواستار توضیح و اطلاعات بیشتری از آنان شد .

فیم تبشرون

برداشت فوق بر این اساس است که <با> در <فیم> برای ملابست باشد و استفهام در جمله <فیم تبشرون> سؤال از

چگونگی تحقق چنین بشارتی (فرزنددار شدن) باشد و نه تردید و سؤال از اصل فرزنددار شدن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۷ - ۱

۱- ابراهیم (ع) پس از شناخت مهمانانش (فرشتگان) از مأموریت اصلی

و مهم آنان جويا شد .

قال فما خطبكم أيها المرسلون

<خطب> به معنای امر مهم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۸ - ۱

۱- در پی جويا شدن ابراهيم (ع) از مأموریت اصلی مأموران الهی (فرشتگان) آنان هلاکت قوم تبهکار (قوم لوط) را مأموریت اصلی خویش معرفی کردند .

قال فما خطبكم أيها المرسلون . قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۵۲ - ۳

۳- ابراهيم (ع) ، از پدر و قومش در باره علت تقدیس و عبادتشان در برابر مجسمه های بی جان ، توضیح خواست .

إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل التي أنتم لها عكفون

از پاسخ قوم ابراهيم ، که کارشان را به خاطر پیروی از اجداد خود معرفی کردند (قالوا وجدنا آبائنا لها عابدین) ، به دست می آید که سؤال ابراهيم (ع) مربوط به علت و چرایی تقدیس و عبادتشان در برابر بت ها بوده است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۰ - ۱

۱ - پرسش ابراهيم (ع) از پدر خود و قومش ، درباره آنچه مورد پرستش قرار داده بودند .

إذ قال لأبيه و قومه ما تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۱،۴

۱ - پرسش بیدارگر ابراهيم از قوم بت پرست خویش درباره شنوایی بت ها

قال هل يسمعونكم إذ تدعون

۴- ایجاد سؤال در مردم نسبت به باور های آنان ،

روش ابراهیم (ع) در تذکر دادن و باطل کردن عقاید ایشان

قال هل يسمعونكم إذ تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۱ - ۱

۱ - پرسش حضرت ابراهیم (ع)، درباره رسالت و مأموریت میهمانان خویش (فرشتگان)

قال فما خطبکم أیها المرسلون

<خطب> به شأن و امری گفته می شود که شخص در پی آن است. سؤال ابراهیم(ع) از مأموریتی بود که فرشتگان، می خواستند آن را به اجرا درآورند.

پرسش اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۳

۳- پاسخ سریع و بی چون و چرای انسان ها ، به پرسش های خداوند در قیامت

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

پرسش اخروی غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۲

۲ - غافلان از یاد خدا ، در قیامت شگفت زده و با پرسشی شکوه آمیز از خداوند ، جویای علت کوری خود خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

پرسش اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

ربِّ لم حشرتنی . . . قال کذلک أتتک ءایتنا

از ظاهر <قال کذلک> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر

آن، صورت گیرد.

پرسش از آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۲ - ۳

۳- ابراهیم (ع) ، از پدر و قومش در باره علت تقدیس و عبادتشان در برابر مجسمه های بی جان ، توضیح خواست .

إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل التي أنتم لها عكفون

از پاسخ قوم ابراهیم، که کارشان را به خاطر پیروی از اجداد خود معرفی کردند (قالوا وجدنا آبائنا لها عابدین)، به دست می آید که سؤال ابراهیم (ع) مربوط به علت و چرایی تقدیس و عبادتشان در برابر بت ها بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۰ - ۱

۱ - پرسش ابراهیم (ع) از پدر خود و قومش ، درباره آنچه مورد پرستش قرار داده بودند .

إذ قال لأبيه و قومه ما تعبدون

پرسش از ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۸

۸ - پرس و جوی خداوند از ابلیس ، درباره تأثیر دو عامل خودبرتربینی و عالی رتبگی وی در تمردش از سجده بر آدم (ع)

قال يا ابليس ما منعك أن تسجد .. أستكبرت أم كنت من العالين

پرسش از ارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۳۰

۳۰ نظر خواهی و استفتای مردم از پیامبر (ص) درباره مقدار ارث زنان

و يستفتونک فی النساء

امام باقر(ع) در مورد <و يستفتونک فی النساء> در آیه فوق فرمود: فان نبی اللّٰه(ص) سئل عن النساء

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۵۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۶، ح ۵۹۴.

پرسش از استقامت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۸

۸ - پابندی و استقامت پیامبر (ص) و مسلمانان در مسیر وحی، از مسائل مهم مورد سؤال در قیامت

فاستمسک بالذی أوحی إليك .. و سوف تسئلون

پرسش از استقامت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۸

۸ - پابندی و استقامت پیامبر (ص) و مسلمانان در مسیر وحی، از مسائل مهم مورد سؤال در قیامت

فاستمسک بالذی أوحی إليك .. و سوف تسئلون

پرسش از افعال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۵

۵- پرسش از افعال خداوند و شگفتی از آن، با مقامات بلند برگزیدگان الهی منافاتی ندارد.

قال ربّ انّی یکون لی غلم

پرسش از اقتصاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ بیان احکام و پاسخگویی به پرسش های اقتصادی اجتماعی از شئون پیامبر (ص)

يسئلونك عن الأنفال قل الأنفال لله و الرسول

پرسش از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۲

۲ خدا در قیامت پیامبران خویش را از چگونگی شکل گیری گرایش های باطل امت ها مورد پرسش قرار می دهد .

و اذ قال الله يعيسى ابن مريم ءانت قلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۴

۴ چگونگی رفتار امته‌ها و برخورد آنان با رسالت انبیا، پرسش خداوند از رسولان خویش در قیامت *

فلنستئن الذين أرسل إليهم ولنستئن المرسلين

بدان احتمال که مورد سؤال از پیامبران، رفتار امتهایشان باشد، چه اینکه محور آیات پیشین فرمان به پذیرش آیات الهی و تهدید مخالفان انبیا بوده است.

پرسش از انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره انفاق

يسئلونك ماذا ينفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۱۴

۱۴ سؤال مردم از پیامبر (ص) درباره انفاق و مقدار آن

يسئلونك ماذا ينفقون قل العفو

پرسش از انفال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۱

۱ تعیین مالک انفال و بیان چگونگی تقسیم آن، پرسش مکرر مسلمانان از پیامبر (ص)

يسئلونك عن الأنفال

از جمله <قل الأنفال لله و الرسول> که تعیین کننده مالک انفال است و در پاسخ مسلمانان ایراد شده، معلوم می شود که پرسش آنان درباره مالک انفال و طبعاً از چگونگی تقسیم آن بوده است.

پرسش از انگیزه عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۲ - ۴

۴- جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته است .

قال يا بليس ما لك ألا تكون مع السجدين

از اینکه خداوند، از ابلیس

جویای انگیزه وی برای تمردش شد با اینکه بدون آن هم می توانست او را کیفر بدهد می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۳

۳ - جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته و بایسته

قال یابلیس ما منعک أن تسجد

از این که خداوند، از ابلیس جویای انگیزه و علت تمردش شد با آن که بدون آن هم می توانست او را کیفر دهد می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

پرسش از انگیزه قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۳

۳ - جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته و بایسته

قال یابلیس ما منعک أن تسجد

از این که خداوند، از ابلیس جویای انگیزه و علت تمردش شد با آن که بدون آن هم می توانست او را کیفر دهد می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

پرسش از ائمه(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- > محمد بن یزید قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله : ... > توتی أكلها کلّ حين بإذن ربّها < ؟ قال : یعنی ما یخرج إلى الناس من علم الإمام فی کلّ حين یسأل عنه ;

محمد بن یزید گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خدا.. > توتی أكلها کلّ حين بإذن ربّها < سؤال کردم آن

حضرت فرمود: یعنی، آن مقدار از علم امام(ع) که برای مردم در هر زمان که از ائمه سؤال گردد بیان می شود.

پرسش از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۲ - ۳

۱- ابراهیم (ع) در حضور پدر و قومش ، بت پرستی را زیر سؤال برد و آشکارا با آن به مخالفت برخاست .

إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل

استفهام در <ما هذه التماثيل..> سؤال از حقیقت بت ها است، نه نام آنها. و از آن جایی که ابراهیم(ع) از حقیقت آنها آگاه بود و نیازی به سؤال نداشت، استفهام ایشان به منظور زیر سؤال بردن و محکوم کردن بت پرستی و نوعی اظهار مخالفت با آن بوده است.

۳- ابراهیم (ع) ، از پدر و قومش در باره علت تقدیس و عبادتشان در برابر مجسمه های بی جان ، توضیح خواست .

إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل التي أنتم لها عكفون

از پاسخ قوم ابراهیم، که کارشان را به خاطر پیروی از اجداد خود معرفی کردند (قالوا وجدنا آبائنا لها عابدین)، به دست می آید که سؤال ابراهیم(ع) مربوط به علت و چرایی تقدیس و عبادتشان در برابر بت ها بوده است.

پرسش از بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۳ - ۳

۳- ابراهیم (ع) در یک شگرد عالمانه ، از بت پرستان خواست تا از خود بت ها در باره شکننده آنها پرسوجو کنند .

فسلوهم إن كانوا ينطقون

ابراهیم(ع) با نسبت دادن شکستن

بت ها به بت بزرگ و درخواست از بت پرستان به پرس و جو کردن از بت ها برای شناسایی بت شکن، شگردی عالمانه را در مبارزه با بت پرستی برگزیدند زیرا بت پرستان از این طریق به آسانی به بطلان راه خویش پی بردند چنان که آیه بعد (فرجعوا إلی أنفسهم..) گویای همین حقیقت است.

پرسش از برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۱،۱۲

۱ پرسش از زمان فرارسیدن قیامت ، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الساعة أیام مرسیها

<مرسی> مصدر میمی و یا اسم زمان از <ارساء> (مستقر کردن) است. <أیان> کلمه ای است برای پرسش از زمان و به معنای چه وقت. به کارگیری فعل مضارع (یسئلون) حکایت از تکرار سؤال دارد.

۱۲ مردم عصر بعثت به گمان آگاهی پیامبر (ص) از زمان تحقق قیامت ، با سؤال های مکرر خواهان افشای آن بودند .

یسئلونک کأنک حفی عنها

پرسش از برخورد خدا با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۳

۳ - چگونگی برخورد خداوند با اقوام غیر مؤمن گذشته ، پرسش فرعون از موسی (ع)

أَنَّ الْعَذَابَ عَلٰی مَنْ كَذَّبَ .. فَمَا بِالْأُولٰٓئِ

چون در آیات گذشته، موسی(ع) سخن از امنیت پیروان هدایت و عذاب تکذیب کنندگان به میان آورد، سؤال فرعون به منظور اظهار نظر موسی(ع) در باره حال نسل های پیشین بوده است. انگیزه او از این پرسش می تواند تحریک نسل حاضر در برابر پاسخ موسی(ع) به

معدَّب بودن پدرانشان باشد. طفره رفتن موسی(ع) از جواب صریح، این احتمال را تقویت می کند.

پرسش از بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۲ - ۴

۴ - > قال رسول الله (ص) (إنَّ الله إذا أدخل أهل الجنَّة النار قال لأهل الجنة : > كم لبثتم في الأرض عدد سنين ؟ قالوا : لبثنا يوماً أو بعض يوم قال لنعم ما اتجرتم في يوم أو بعض يوم رحمتي و رضواني و جنتي أسكنوا في ها خالدین مخلدین ثم يقول : يا أهل النار > كم لبثتم في الأرض عدد سنين قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم < فيقول : بئس ما اتجرتم في يوم أو بعض يوم ناری و سخطی أمكثوا فيها خالدین ;

رسول خدا(ص) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می دهند: <لبثنا يوماً أو بعض يوم>. خدا می فرماید: چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می دهند: <لبثنا يوماً أو بعض يوم>. پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید.<

پرسش از تعداد نگهبانان جهنم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - ذکر تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ در قرآن ، مورد پرسش انکارآمیز کافران و گروه بیماردل و مغرض قرار گرفت .

و ليقول الذين في قلوبهم مرض و الكفرون ماذا اراد الله بهذا مثلاً

پرسش از توحید ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۶

۶ - یگانگی خداوند در تدبیر جهان ، محور پرسش های تردیدآمیز اهل مکّه در عصر بعثت *

عمّ يتساءلون

گرچه بخش عظیمی از آیات این سوره درباره حوادث قیامت است، ولی آیات آغازین آن که درباره قدرت خدا و حاکمیت خواست او بر جهان است می تواند قرینه باشد که مورد سؤال در <یتساءلون> وابستگی همه کارها به خداوند و بی نقش بودن بت ها در کار تدبیر جهان است.

پرسش از جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۳

۳- حضرت مریم (س) از جبرئیل خواست او را از چگونگی پیدایش فرزندی بدون پدر آگاه سازد .

قالت أئی یكون لی غلم و لم یمسنی بشر و لم أك بعیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۲

۲- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

قال كذلك

چنان چه مشارالیه <ذلك> مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است؛ یعنی <موضوع همان گونه است که گفتم>.

۱ - پرسش خداوند از دوزخیان ، نسبت به مدت زندگی آنان در دنیا

قل کم لبثتم فی الأرض عدد سنین

ضمیر فاعل در <قال> با توجه به آیات قبل، به خداوند باز می گردد. <کم> برای استفهام از مقدار و <لبث> (مصدر <لبثتم>) به معنای درنگ کردن است.

۳ - پرسش خداوند از دوزخیان ، پیرامون درنگ آنان در عالم برزخ

قل کم لبثتم فی الأرض عدد سنین

با توجه به پاسخ سؤال یاد شده در آیه بعد <لبثنا یوماً أو بعض یوم..>، یک روز یا پاره ای از یک روز <می توان گفت که مراد، درنگ آنها در عالم برزخ است.>

۴ - <قال رسول الله (ص) (إنَّ الله إذا أدخل أهل الجنة الجنة و أهل النار النار قال لأهل الجنة : < کم لبثتم فی الأرض عدد سنین ؟ قالوا : لبثنا یوماً أو بعض یوم قال لنعم ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم رحمتی و رضوانی و جنتی أَسکنوا فیها خالدین مخلدین ثم یقول : یا أهل النار > کم لبثتم فی الأرض عدد سنین قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم < فیقول : بئس ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم ناری و سخطی أمکنوا فیها خالدین ; >

رسول خدا(ص) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می دهند: <لبثنا یوماً أو بعض یوم>. خدا می فرماید:

چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می دهند: <لبثنا يوماً أو بعض یوم>. پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۱

۱ - پرسش نگهبانان جهنم از دوزخیان ، درباره آمدن فرستادگان الهی همراه با دلایل و برهان های روشن برای ایشان

قالوا أَوَ لَمْ تَكُ تَأْتِيكُم رَسَلِكُم بِالْبَيِّنَاتِ

پرسش از چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۹،۱۱

۹- چشم ، گوش و قلب در قیامت ، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت .

إِن السَّمْعَ وَالبَصَرَ وَالفؤَادَ كُلَّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: اولاً، سؤال از موارد یاد شده حقیقی باشد و ثانیاً، طبق همین مبنا چون در دنیا از آنها سؤالی نخواهد شد مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

۱۱- < عن الحسن بن هارون قال : قال لی أبو عبدالله (ع) : < إن السمع و البصر و الفؤاد کلُّ أولئک کان عنه مسئولاً > قال : یسأل السمع عمّا سمع و البصر عمّا نظر إلیه و الفؤاد عمّا عقد علیه ;

حسن بن خارون گوید: امام صادق(ع) به من فرمود: [مراد از

آیه] > إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه مسؤولاً < [این است که] گوش از آنچه شنیده و چشم از آنچه دیده و قلب از آنچه که اعتقاد پیدا کرده است، سؤال می شود.<

پرسش از حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۳

۳ - پرسش عتاب آمیز خداوند از مشرکان حق ستیز و لجوج ، درباره معبود های ادعایی آنان

ثم قيل لهم أين ما كنتم تشرکون

پرسش از حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۴

۴ - پیدایش سؤالهایی درباره علم و حکمت خداوند و امتیازات یوسف (ع) ، باعث طرح داستان یوسف (ع) در قرآن

إن ربك عليم حكيم. لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين

پرسش از خبرگان امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۲،۴

۲ - بیرون آوردن فرد مطلع و آگاه هر جامعه شرک پیشه در قیامت ، برای پاسخ گویی به پرسش خداوند

و نزعنا من كل أمة شهيداً

> شهید < به معنای گواه است و گاهی به معنای شخص مطلع و خبره نیز به کار می رود. مانند: > و إن كنتم في ريب مما نزلنا على عبدنا فأتوا بسورة من مثله و ادعوا شهدائكم. <.. در آیه بالا نیز همین معنا اراده شده است.

۴ - اقدام خداوند به بستن راه هر گونه عذر و بهانه بر روی اهل شرک ، با برگزیدن افراد خبره آن جوامع جهت پاسخ گویی به سؤالات خود در قیامت

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند به جای این که مستقیماً از مردم مطالبه دلیل کند، افراد خبره ای را از میان آنان بیرون می آورد و در حضور آن جوامع، از آن افراد می خواهد که برهان خود را برای شرک بیان کنند.

پرسش از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۱۳

۱۳- خداوند ، در برابر هیچ کس مسؤول نیست و کسی یارای چون و چرا کردن با او را ندارد .

فيغرقكم بما كفرتم ثم لاتجدوا لكم علينا به تبيغاً

از اینکه خداوند فرمود: <هیچ کس را نمی یابید که به نفع اعراض کنندگان از خدا و علیه او اقدامی انجام دهد> احتمال دارد کنایه از این باشد که کسی را یارای چون و چرا با خداوند نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۱۱

۱۱- خداوند ، در برابر هیچ کس مسؤول نبوده و هیچ کس را یارای چون و چرا کردن با او نیست .

إذا لأذقنك .. ثم لاتجد لك علينا نصيراً

از اینکه خداوند فرمود: <هیچ کس را نمی یابی که علیه ما و به نفع خود، تو را یاری کند> احتمالاً به این معنا باشد که: اصلاً کسی را یارای چنین کاری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۲،۴

۲ - غافلان از یاد خدا ، در قیامت شگفت زده و با پرسشی شکوه آمیز از خداوند ، جویای علت کوری خود خواهند شد .

رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى

۴ - آدمی در قیامت ، مجاز به پرسش از پروردگار است .

قال رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى

ظاهر <قال> چنین افاده می کند که این سؤال به لفظ در آمده و از سوی نابینایان در قیامت مطرح خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي .. قال كذلك أتتك ءايتنا

از ظاهر <قال كذلك> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر آن، صورت گیرد.

پرسش از خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱۲، ۱۰

۱۰ انسان ها ، وظیفه دار سؤال کردن از افراد خبیر و آگاه در باره مبدأ و چگونگی آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و ...)

الذی خلق السموت .. فسئل به خبیراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که <فا> در <فسئل به خبیراً> جواب برای شرط مقدر و تقدیر آن چنین باشد: <إن شئت تحقیق ما ذکر فسئل به خبیراً>. گفتنی است در برداشت فوق، مرجع ضمیر <به> خلق و استوا و <خبیراً> مفعول برای <فسئل> دانسته شد.

۱۲ لزوم رجوع به افراد خبیر و آگاه در مسائل مربوط به معارف الهی ، همچون مبدأ و چگونگی آفرینش آسمان

الحیّ الذی لایموت .. الذی خلق السموت ... الرحمن فسئل به خبیراً

پرسش از خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱۰، ۱۲

۱۰ انسان ها ، وظیفه دار سؤال کردن از افراد خبیر و آگاه در باره مبدأ و چگونگی آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و ...)

الذی خلق السموت .. فسئل به خبیراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که <فا> در <فسئل به خبیراً> جواب برای شرط مقدر و تقدیر آن چنین باشد: <إن شئت تحقیق ما ذکر فسئل به خبیراً>. گفتنی است در برداشت فوق، مرجع ضمیر <به> خلق و استوا و <خبیراً> مفعول برای <فسئل> دانسته شد.

۱۲ لزوم رجوع به افراد خبیر و آگاه در مسائل مربوط به معارف الهی ، همچون مبدأ و چگونگی آفرینش آسمان ها و زمین

الحیّ الذی لایموت .. الذی خلق السموت ... الرحمن فسئل به خبیراً

پرسش از خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) ، درباره شراب و قمار

یسئلونک عن الخمر و المیسر

پرسش از دختران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۷

۷- پرسش موسی (ع) از دختران شعیب درباره انگیزه آنان از منع کردن گوسفندانشان از آب

قال ما خطبکما

<خطب> معادل <شان> است؛ یعنی، <ما الذی حملکما علی الذود؛ چه چیزی شما را بر این کار وامی دارد؟>

پرسش از درباریان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۸ - ۲

۲ - پرسش سلیمان از قدرت درباریانش برای آوردن تخت بلقیس

قال يَأْتِيهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا

پرسش از رب العالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۳ - ۱،۴

۱ - پرسش انکار آمیز فرعون از موسی (ع) در باره حقیقتی به نام < رَبِّ الْعَالَمِينَ > (پروردگار جهانیان)

قال فرعون و ما رَبِّ الْعَالَمِينَ

واژه <ما> اسم استفهام است و غالباً با آن، از حقیقت اسم مابعدش پرسش می شود. گفتنی است که استفهام یاد شده برای اظهار تعجب به منظور انکار حقیقت مورد پرسش می باشد.

۴ - < عن أبي عبد الله (ع) قال لَمَا بَعَثَ اللَّهُ مُوسَى إِلَى فِرْعَوْنَ . . . فَقَالَ فِرْعَوْنَ > و ما رَبِّ الْعَالَمِينَ < و إِنَّمَا سَأَلَهُ عَنِ كَيْفِيَةِ اللَّهِ فَقَالَ مُوسَى > رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ < فَقَالَ فِرْعَوْنَ مُتَعَجِّباً لِأَصْحَابِهِ > أَلَا تَسْتَمْعُونَ < سَأَلَهُ عَنِ الْكَيْفِيَةِ فَيَجِيبُنِي عَنِ الصِّفَاتِ . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که خداوند موسی را به سوی فرعون مبعوث کرد . . . فرعون به موسی(ع) گفت <و ما رَبِّ الْعَالَمِينَ> و سؤال فرعون از موسی درباره کیفیت خداوند بود. موسی(ع) در جواب فرعون گفت: <رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا...>. فرعون در حالی که تعجب کرده بود به اصحابش گفت: آیا نمی شنوید [چه میگوید؟] من از کیفیت خدا می پرسم و او در جواب من از صفات

می گوید...<

پرسش از رسالت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۸ - ۱

۱- در پی جویا شدن ابراهیم (ع) از مأموریت اصلی مأموران الهی (فرشتگان) آنان هلاکت قوم تبهکار (قوم لوط) را مأموریت اصلی خویش معرفی کردند .

قال فما خطبکم أیها المرسلون . قالوا إنا أرسلنا إلی قوم مجرمین

پرسش از زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۲

۲ - عوامل زلزله شدید زمین در آستانه قیامت ، ناشناخته برای انسان ها و زمینه پرسش تحیرآمیز آنان از اهداف و علل آن

و قال الإنسن ما لها

<ما> برای استفهام از انگیزه و اهداف است.

پرسش از شنوایی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۱

۱ - پرسش بیدارگر ابراهیم از قوم بت پرست خویش درباره شنوایی بت ها

قال هل یسمعونکم إذ تدعون

پرسش از صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۲

۲ - جواز پرسش و تحقیق درباره صفات خداوند و چگونگی آنها

و إذا سألك عبادي عني فإني قريب

پرسش از عذاب اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۴

۴ - فرعون با ناباوری نسبت به عملی شدن وعده عذاب در باره پیشینیان، نظر موسی (ع) را در مورد آنان جویا شد.

قال فما بال القرون الأولى

سؤال فرعون از حال پیشینیان، پس از

گفته موسی(ع) (أَنَّ الْعَذَابَ عَلِيٌّ مِنْ كَذْبِ) از ناپاوری او حکایت دارد؛ زیرا وی آنان را نابود شده و بی نشان و اثر می دانست.

پرسش از عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۹

۹- وادار ساختن مردم به تحقیق و تفکر با طرح پرسش ، در باره عقیده ها و عملکرد های شان ، روشی نیکو در تربیت و تبلیغ

لَمْ تَعْبُدُوا مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يَبْصُرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۰ - ۳

۳- ایجاد سؤال در مردم نسبت به باور های آنان ، روش ابراهیم (ع) در یاد کرد بطلان عقاید ایشان

إِذْ قَالَ لِأَيُّهَا الْقَوْمُ مَا تَعْبُدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۴ - ۲

۲- انسان ها ، در قبال عقاید و رفتار خود ، مسؤول بوده و در روز قیامت بازخواست خواهند شد .

وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۷ - ۷

۷- زیر سؤال بردن عقاید باطل و ضد منطق ، روش قرآن و پیامبر (ص) در مبارزه با آنها

فَاسْتَفْتِهِمُ الرَّبُّكَ الْبَنَاتِ وَ لَهُمُ الْبَنُونَ .. أَمْ لَكُمْ سُلْطَنٌ مَبِينٌ . فَأْتُوا بِكُتُبِكُمْ إِنْ كُنْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انسان ها ، در برابر عقاید دینی خویش و انتخاب آن ، مسؤول بوده و در قیامت باید پاسخگو باشند .

ثُمَّ قِيلَ

لهم أين ما كنتم تشركون

پرسش از عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۱ - ۶

۶- بازخواستن و زیر سؤال بردن اندیشه و عقیده باطل ، روشی در هدایت و بیان عقیده و اندیشه درست .

أَمْ اتَّخَذُوا ءالِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ ينشرون

برداشت یاد شده از جمله استفهامیه <هم ینشرون> استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۳

۳- بازخواست و زیر سؤال بردن عقیده و اندیشه باطل ، روشی در هدایت و بیان عقیده و اندیشه درست .

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ ءالِهَةٍ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <أم> منقطعه، بر استفهام توییخی دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳ - ۷

۷ زیر سؤال بردن اندیشه ها و باور های باطل و بیان ضعف ها و نقص های آنها ، روش هدایتی و تبلیغی قرآن

و اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ ءالِهَةٍ لایخلقون شیئا و هم یخلقون .. و لایملکون موتا و لایحیو

جمله <و اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ ءالِهَةٍ..> هرچند به صورت خبریه است، ولی مقصود از آن اخبار نیست زیرا همگان به مضمون آن آگاه بودند؛ بلکه مقصود زیر سؤال بردن عقاید مشرکان و بیان ضعف های فکری آنان و اظهار شگفتی از چنین باورهایی است.

پرسش از عقیده مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١ - پیامبر (ص)، مأمور زیر سؤال بردن عقاید مشرکان

فاستفتحهم الربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۵۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، مأمور زیر سؤال بردن عقاید مشرکان

أم لکم سلطن مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، مأمور پرسش از مبانی دینی مشرکان و زیر سؤال بردن آنها

سلهم أیهم بذلک زعیم

پرسش از علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۴

۴ پیدایش سؤلهایی درباره علم و حکمت خداوند و امتیازات یوسف (ع)، باعث طرح داستان یوسف (ع) در قرآن

إن ربک علیم حکیم. لقد کان فی یوسف و إخوته آیت للسائلین

پرسش از علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۷، ۱۹، ۱۰

۱۰- دعوت خداوند از مشرکان مکه برای تفحص و تحقیق از عالمان، جهت به دست آوردن حقانیت وحی به انسان

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجلاً.. فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

مخاطب فعل <فسئلوا> به قرینه آیات قبل که درباره مشرکان بود می تواند مشرکان باشد.

۱۷- عالمانی می توانند مرجع سؤالات مردم قرار گیرند که علم با جانشان عجین شده باشد .

فسئلوا أهل الذکر إن کتمم لاتعلمون

<أهل ذکر> به کسانی گفته می شود که غفلت و نسیان در قلب آنها راه نیابد با توجه به این نکته، آوردن <أهل ذکر> به جای <أهل علم> می تواند مشعر به برداشت فوق باشد.

۱۹- > عن رسول الله)

ص) قال: لا ينبغي للعالم أن يسكت على علمه، ولا ينبغي للجاهل أن يسكت على جهله و قد قال الله: < فسئلوا أهل الذكر .. > . . .

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: سزاوار نیست که عالم بر علم خود سکوت کند و سزاوار نیست که جاهل بر جهل خود ساکت بماند، همانا خدا فرمود: فاسئلوا اهل الذكر. . .<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۸

۸- دعوت خداوند از مشرکان مکه، مبنی بر پرسش از آگاهان در زمینه بشر بودن پیامبران پیشین

فسلوا أهل الذكر إن كنتم لاتعلمون

پرسش از علمای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱۲، ۱۰

۱۰ انسان ها، وظیفه دار سؤال کردن از افراد خبیر و آگاه در باره مبدأ و چگونگی آفرینش جهان هستی (آسمان ها، زمین و ...)

الذی خلق السموت .. فسئل به خبیراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که <فا> در <فسئل به خبیراً> جواب برای شرط مقدر و تقدیر آن چنین باشد: <إن شئت تحقیق ما ذکر فسئل به خبیراً>. گفتنی است در برداشت فوق، مرجع ضمیر <به> خلق و استوا و <خبیراً> مفعول برای <فسئل> دانسته شد.

۱۲ لزوم رجوع به افراد خبیر و آگاه در مسائل مربوط به معارف الهی، همچون مبدأ و چگونگی آفرینش آسمان ها و زمین

الحيّ الذی لایموت .. الذی خلق السموت ... الرحمن فسئل به خبیراً

پرسش از عمل

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۹

۹- وادار ساختن مردم به تحقیق و تفکر با طرح پرسش ، در باره عقیده ها و عملکرد های شان ، روشی نیکو در تربیت و تبلیغ

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ

پرسش از عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱

۱ خداوند در قیامت و در حضور پیامبران از مسیح (ع) خواهد پرسید که آیا وی مردمان را به پرستش خویش و مادرش مریم فراخوانده است ؟

و اذ قال الله يعيسى ابن مريم ءانت قلت للناس اتخذوني و امي الهين

با توجه به آیات بعد همانند <قال الله هذا يوم... > آیه ۱۱۹ و توجه به این حقیقت که در زمان حضور مسیح(ع) در میان امت خویش کسی معتقد به الوهیت وی و مریم(ع) نبوده است، معلوم می شود این پرسش و پاسخ در قیامت اتفاق خواهد افتاد. گفتنی است که تعبیر از آینده با فعل ماضی (قال) برای رساندن تحقق قطعی آن صحنه است.

پرسش از غیاب هدهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۳

۳ - پرسش سلیمان از علت ناپیدا بودن هدهد

فقال ما لي لأرى الهدهد أم كان من الغائبين

پرسش از فرجام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۳

۳- تعدادی از مردم صدراسلام در باره سرنوشت کوه ها در هنگامه رستاخیز ، از پیامبر (ص) توضیح می خواستند .

يسلونك عن الجبال

پرسش از فرزندیاری مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۳

۳- حضرت مریم (س) از جبرئیل خواست او را از چگونگی پیدایش فرزندى بدون پدر آگاه سازد .

قالت أنى يكون لى غلم و لم يمسنى بشر و لم أك بغياً

پرسش از فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسش ساحران ، از فرعون نسبت به پاداش خود در صورت غلبه بر موسى (ع)

قالوا لفرعون أئن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلین

پرسش از فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسش مؤمن آل فرعون از قوم خود ، درباره انگیزه مخالفت آنان با دعوت و خیرخواهی های او

و يقوم مالى أدعوكم إلى النجوه و تدعونى إلى النار

گفتنى است كه به قرينه خطاب در جمله حاليه <تدعونى ..>، عبارت <مالى> در اصل <مالكم> مى باشد. اين جمله در زبان عرب به جاي <أخبرونى عنكم> (از حالتان به من خبر دهيد) به كار مى رود و مقصود از آن پرسش از انگيزه و دليل وضعيت به وجود آمده از مخاطب است.

پرسش از فضایل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ پیدایش سؤالهایی درباره علم و حکمت خداوند و امتیازات یوسف (ع)، باعث طرح داستان یوسف (ع) در قرآن

إن ربك علیم حکیم. لقد كان فی یوسف و إخوته

پرسش از قانون شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۲ - ۴

۴- جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته است .

قال یا بلیس ما لک ألا تکون مع السجدین

از اینکه خداوند، از ابلیس جویای انگیزه وی برای تمردش شد با اینکه بدون آن هم می توانست او را کیفر بدهد می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

پرسش از قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۳

۳ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره سرگذشت یوسف (ع)

لقد کان فی یوسف و إخوته آیت للسانین

پرسش از قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۹،۱۱

۹- چشم ، گوش و قلب در قیامت ، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت .

إن السمع و البصر و الفؤاد کلُّ أولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: اولاً سؤال از موارد یاد شده حقیقی باشد و ثانیاً، طبق همین مبنا چون در دنیا از آنها سؤال نخواهد شد مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

۱۱- > عن الحسن بن هارون قال : قال لی أبو عبدالله (ع) : > إن السمع و البصر و الفؤاد کلُّ أولئک کان عنه مسئولاً < قال :

يسأل السمع عمّا سمع و البصر عمّا نظر إليه و الفؤاد عمّا عقد عليه ;

حسن بن خارون گوید: امام صادق(ع) به من فرمود: [مراد از آیه] >إن السمع

و البصر و الفؤاد كل أولئك كان عنه مسؤولاً < [این است که] گوش از آنچه شنیده و چشم از آنچه دیده و قلب از آنچه که اعتقاد پیدا کرده است، سؤال می شود.

پرسش از قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص)، درباره شراب و قمار

يسئلونك عن الخمر و الميسر

پرسش از قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۲ - ۳

۳- ابراهیم (ع)، از پدر و قومش در باره علت تقدیس و عبادتشان در برابر مجسمه های بی جان، توضیح خواست.

إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل التي أنتم لها عكفون

از پاسخ قوم ابراهیم، که کارشان را به خاطر پیروی از اجداد خود معرفی کردند (قالوا وجدنا آبائنا لها عابدین)، به دست می آید که سؤال ابراهیم (ع) مربوط به علت و چرایی تقدیس و عبادتشان در برابر بت ها بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۰ - ۱

۱ - پرسش ابراهیم (ع) از پدر خود و قومش، درباره آنچه مورد پرستش قرار داده بودند.

إذ قال لأبيه و قومه ما تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۱

۱ - پرسش بیدارگر ابراهیم از قوم بت پرست خویش درباره شنوایی بت ها

قال هل يسمعونكم إذ تدعون

پرسش از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۷

۷ - پرسش کافران از پیامبر (ص) ، درباره لحظه برپایی قیامت

قل لا یعلم .. الغیب إلا الله و ما یشعرون اَیان یبعثون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت <قل..> در جواب پرسش کسانی باشد که نسبت به وقوع قیامت شک داشته اند؛ زیرا ضمائر در آیه بعد به این دسته از کافران بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۳

۳ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد ، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

لقد وعدنا هذا.. و یقولون متی هذا الوعد

مراد از <الوعد> به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۱،۵،۹

۱ - سؤال های پی در پی مردم ، از پیامبر (ص) درباره وقت وقوع قیامت

یسئلك الناس عن الساعة .. لعل الساعة تكون قریباً

<قریباً> قرینه است بر این که پرسش مردم از قیامت، درباره زمان وقوع آن بوده است.

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، با طرح پرسش هایی از امور غیبی ، مانند < زمان وقوع قیامت > ، در صدد استهزای پیامبر (ص) بودند .

لئن لم ینته المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض .. یسئلك الناس عن الساعة

بنابراین که <ال> در <الناس> عهد ذکری باشد و به منافقان و بیماردلان در آیه شصت برگردد، نکته بالا، قابل استفاده است.

درباره زمان قیامت ، این است که جز خدا ، کسی خبر ندارد .

يسئلك الناس عن الساعة قل إنما علمها عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۱

۱ - پرسش مداوم مشرکان از پیامبر (ص) و مؤمنان درباره زمان وقوع قیامت

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

مضارع آورده شدن <يقولون> دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۱

۱ - کافران صدراسلام ، از مسلمانان درباره برپایی قیامت سؤال می کردند .

قال الذين كفروا .. و يقولون متى هذا الوعد

بیشتر مفسران بر آنند که مقصود از <وعد>، برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۲

۲ - قیامت و زمان برپایی آن ، مورد پرسش مشرکان عصر بعثت

إليه يرد علم الساعة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

يسئلون أتيان يوم الدين

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود؛ زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۱،۷

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران، از زمان برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> حقیقی نیست؛ بلکه از

باب تهكم و استهزا است.

۷- پرسش بهانه جویانه کافران، درباره زمان برپایی قیامت، ناشی از خوی لجاجت، استکباری و حق‌گریزی آنان بوده است

بل لَجُوا فِي عَتْوٍ وَ نَفُورٍ .. وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۱

۱- پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران، از زمان برپایی قیامت

يسئل أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۳ - ۱

۱- پرسش از زمان فرا رسیدن قیامت، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

يسئلونك عن الساعة أَيَّانَ مَرْسِيهَا

کلمه <مرسی>، به صورت های مصدر میمی، اسم زمان، اسم مکان و اسم مفعول کاربرد دارد (مفردات راغب). این کلمه در آیه شریفه به قرینه <أَيَّانَ> که سؤال از زمان است مصدر میمی می باشد. در این صورت <مرسی> به معنای وقوع و استقرار خواهد بود. مکرر بودن سؤال، از فعل مضارع <يسئلونك> استفاده شده است.

۳- طغیان گران دنیاطلب، با پرسش مکرر از زمان قیامت به استهزای آن می پرداختند.

يسئلونك عن الساعة أَيَّانَ مَرْسِيهَا

فاعل <يسئلونك>، در برداشت یاد شده <من طغی..> دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه <إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَخْشَاهَا> در آیات بعد استفاده می شود زیرا کسی که از انذار قیامت هراسی ندارد، پرسش او از زمان وقوع آن استهزایی خواهد بود.

پرسش از کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ فرزندان یعقوب از کارگزاران یوسف پرسیدند : کالای مفقود شده تان چیست ؟

قالوا .. ماذا تفقدون

پرسش از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۹

۹ - پرسش ملامت آمیز نگهبانان و دربانان دوزخ از کافران ، درباره آمدن پیامبران تلاوت کننده آیات الهی و اندازگران

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءآیت ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران ، پس از توقّفی چند در آستانه در های دوزخ برای پاسخ به پرسش های دربانان ، به ورود در آن فرمان خواهند یافت .

قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل .. قالوا بلی ... قیل ادخلوا أبواب جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۲

۲ - طرح پرسش های تَبّه بخش و بیدار کننده ، شیوه ارائه شده از سوی خداوند به پیامبر (ص) در محاجّه با کافران و مشرکان

قل أرءیتم إن أهلکنی اللّٰه و من معی أو رحمننا

پرسش از کیفیت ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۵ - ۲

۲ - پرسش بهشتیان از یکدیگر ، درباره چگونگی راهیابی شان به بهشت

و أقبل بعضهم علی بعض يتساءلون

از آنچه در آیه بعد آمده است، محتوای سؤال به گونه ای که یاد شد استفاده می شود.

پرسش از گرایش امت ها

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۲

۲ خدا در قیامت پیامبران خویش را از چگونگی شکل گیری گرایش های باطل امت ها مورد پرسش قرار می دهد .

و اذ قال الله يعيسى ابن مريم ءانت قلت للناس

پرسش از گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۲

۲ چگونه سپری کردن زندگانی دنیا ، پرسش فرشتگان از گناهکاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

انّ الذين توفّيهن الملكة ظالمي انفسهم قالوا فيم كنتم

پرسش از گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۲ - ۱

۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین ، از عوامل دوزخی شدن مجرمان

یتساءلون . عن المجرمین . ما سلککم فی سقر

پرسش از گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۹،۱۱

۹- چشم ، گوش و قلب در قیامت ، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت .

إن السمع و البصر و الفؤاد كلُّ أولئك كان عنه مسؤلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: اولاً، سؤال از موارد یاد شده حقیقی باشد و ثانیاً، طبق همین مبنا چون در دنیا از آنها

سؤالى نخواهد شد مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

۱۱- > عن الحسن بن هارون قال : قال لى أبو عبدالله (ع) : > إن السمع و البصر و الفؤاد كلُّ أولئك كان عنه مسئلاً > قال :
يسأل السمع عمّا سمع و البصر عمّا نظر إليه و الفؤاد عمّا عقد عليه ;

حسن

بن خارون گوید: امام صادق(ع) به من فرمود: [مراد از آیه] >إِن السَّمْعَ وَالبَصَرَ وَالفؤَادَ كُلَّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا< [این است که] گوش از آنچه شنیده و چشم از آنچه دیده و قلب از آنچه که اعتقاد پیدا کرده است، سؤال می شود.<

پرسش از مجهولات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۲

۲ پرسش از معارف و احکام ناگفته از سوی خداوند ، مورد نهی الهی

لا تسئلوا عن اشیاء .. عفا الله عنها

>عفو< در لغت به معنای مستور کردن است و مراد از مستور کردن اشیاء، بیان نکردن آنهاست. و مقصود از >اشیاء< به قرینه >و ان تسئلوا عنها حين ينزل القرآن< مسائلی است که در راستای هدف قرآن (هدایت بشر) قرار دارد که همان احکام و معارف الهی است. و آیه بعد که گروهی را به دلیل انکار آن اشیاء کافر نامیده مؤید این است که مراد از >اشیاء< معارف الهی باشد.

پرسش از محبت اهل بیت(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - >قال الرضا (ع) و لقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبد الله الصادق (ع) . . . قال : إنَّ الله عزَّوجلَّ لا يسئل عباده عمَّا تفضَّل عليهم و لا يمينٌ بذلك عليهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقين فكيف يضاف إلى الخالق عزَّوجلَّ ما لا يرضى المخلوق به و لكنَّ النعيم حبنا أهل البيت و مولاتنا يسئل الله عباده عنه بعد التوحيد و التَّوَهُُّ لأنَّ العبد إذا وفي بذلك آذاه إلى نعيم الجنَّة الذي

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان مَنّت نمی گذارد. مَنّت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است ؛ پس چگونه به خالق عزوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمئذٍ عَنِ النَّعِيمِ>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و تبوت، از آن بازخواست خواهد کرد؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند.

پرسش از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۳

۳ - نسخ ادیان و نیز نسخ برخی از آیات و احکام قرآن ، برانگیزنده مسلمانان به طرح پرسشهایی نا به جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

برداشت فوق بر این مبناست که <أن تسئلوا> به معنای پرسش کردن باشد. از آن جا که لحن آیه گویای مذمت است، از آن پرسشها به پرسشهای نا به جا تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۳

۱۳ - یهود و نصارا ترغیب کننده مسلمانان به پرسش ها و درخواست های نابه جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا... و د کثیر من أهل الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۱

۱ - پرسش مسلمانان از پیامبر درباره نزدیک یا دور بودن خدا، نسبت به بندگان

و إذا سألك عبادي عني فإني قريب

جمله <فإني قريب> بیانگر این است که پرسش مطرح شده در آیه، درباره دوری و نزدیکی خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱

۱ - پرسش مکرر مردم از پیامبر (ص) درباره چگونگی شکل گیری هلال های متفاوت ماه

يسئلونك عن الأهله

به کارگیری فعل مضارع <يسئلون> حکایت از تکرار سؤال دارد و آوردن آن با صیغه جمع، دلالت بر تعدد سؤال کنندگان می کند. <أهله> جمع هلال است و مقصود از آن هلالهای ماه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۱،۲

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره انفاق

يسئلونك ماذا ينفقون

۲ پرسش های مردم از پیامبر (ص)، زمینه ای برای نزول آیات و بیان احکام

يسئلونك ماذا ينفقون قل ما انفقتم من خير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۱،۲

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) ، درباره جنگ و خونریزی در ماه های حرام

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه

۲ پرسش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ای برای نزول آیات و بیان احکام

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۱۴، ۲، ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) ، درباره شراب و قمار

يستلونك عن الخمر و الميسر

۲ پرسش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ای برای نزول آیات و بیان احکام

يستلونك عن الخمر و الميسر قل فيهما . . و يستلونك ماذا ينفقون قل العفو

۱۴ سؤال مردم از پیامبر (ص) درباره انفاق و مقدار آن

يستلونك ماذا ينفقون قل العفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۲، ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره ایتام

و يستلونك عن اليتامى

۲ سؤال های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ای برای نزول آیات و بیان احکام

و يستلونك عن اليتامى قل اصلاح لهم خير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۲، ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره حیض

و يستلونك عن المحيض

۲ سؤال های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ای برای نزول آیات و بیان احکام

و يستلونك عن المحيض قل هو اذى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ پرسش و استفتای مکرر مردم از پیامبر (ص) در مورد مسائلی مربوط به زنان

و یستفتونک فی النساء

فعل مضارع <یستفتونک>، دلالت بر استمرار پرسش دارد.

۳۰ نظر خواهی و استفتای مردم از پیامبر (ص) درباره مقدار ارث زنان

و یستفتونک فی النساء

امام باقر(ع) در مورد <و یستفتونک فی النساء> در آیه فوق

فرمود: فان نبی الله (ص) سئل عن النساء ما لهن من الميراث؟ ...

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۵۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۶، ح ۵۹۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۱

۱ پرسش و استفتاء مکرر مردم از پیامبر (ص) درباره ارث کلاله

یستفتونک قل الله یفتیکم فی الکلاله

<کلاله> یا به میتی گفته می شود که نه فرزند دارد و نه پدر و یا به وارثانی گفته می شود که پدر و مادر و فرزند میت نیستند. فعل مضارع یا صیغه جمع، دلالت بر تکرار سؤال و تعدد سؤال کنندگان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱،۹

۱ پرسش مکرر مردم از پیامبر (ص)، درباره خوردنیهایی که بر آنان حلال است.

یسلونک ماذا احل لهم قل احل لكم الطیبت

فرازهای بعدی آیه همانند <فکلوا>، نشان می دهد که سؤال درباره خوردنیهای حلال بوده است.

۹ سؤال مردم از پیامبر (ص)، زمینه ای برای نزول و بیان احکام خداوند

یسلونک ماذا احل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۱،۱۲

۱ پرسش از زمان فرارسیدن قیامت، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

یسلونک عن الساعه ایاں مرسیها

<مرسی> مصدر میمی و یا اسم زمان از <ارساء> (مستقر کردن) است. <آیان> کلمه ای است برای پرسش از زمان و به معنای چه وقت. به کارگیری فعل مضارع (یستلون) حکایت از تکرار سؤال دارد.

۱۲ مردم عصر بعثت به گمان

آگاهی پیامبر (ص) از زمان تحقق قیامت، با سؤال های مکرر خواهان افشای آن بودند.

یسئلونک کأنک حفی عنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۱

۱ تعیین مالک انفال و بیان چگونگی تقسیم آن، پرسش مکرر مسلمانان از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الأنفال

از جمله <قل الأنفال لله و الرسول> که تعیین کننده مالک انفال است و در پاسخ مسلمانان ایراد شده، معلوم می شود که پرسش آنان درباره مالک انفال و طبعاً از چگونگی تقسیم آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۳

۳ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره سرگذشت یوسف (ع)

لقد کان فی یوسف و إخوته آیت للسائلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۱

۱- پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره حقیقت روح

و یسئلونک عن الروح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۱،۴

۱- مردم زمان پیامبر (ص) از آن حضرت، درباره ذوالقرنین، پرسش هایی را مطرح ساخته بودند.

و یسئلونک عن ذی القرنین

<قرن> به معنای <شاخ> است. گفته اند وجه تسمیه <ذوالقرنین> آن بوده که وی، دو رشته گیسوان بافته، همانند دو شاخ داشته و یا این که بر کلاه او دو شاخ قرار داشته است. البته <قرن> به معنای مدّت زمانی متمادی که مردم در آن زیست می کنند نیز آمده و لذا برخی نیز

وجه تسمیه را دوران طولانی حاکمیت ذوالقرنین دانسته اند.

۴- پرسشش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه نزول برخی آیات و تبیین مطالبی برای مردم بود .

و یسئلونک عن ذی القرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۳،۶

۳- تعدادی از مردم صدراسلام در باره سرنوشت کوه ها در هنگامه رستاخیز ، از پیامبر (ص) توضیح می خواستند .

و یسئلونک عن الجبال

۶- پرسش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ساز نزول برخی آیات و تبیین مطالبی برای آنان

و یسئلونک عن الجبال فقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۷

۷- پرسش کافران از پیامبر (ص) ، درباره لحظه برپایی قیامت

قل لایعلم .. الغیب إلاّ الله و ما یشعرون ائیان یبعثون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت <قل..> در جواب پرسش کسانی باشد که نسبت به وقوع قیامت شک داشته اند؛ زیرا ضمائر در آیه بعد به این دسته از کافران بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۱،۳

۱- سؤال های پی در پی مردم ، از پیامبر (ص) درباره وقت وقوع قیامت

یسئلک الناس عن الساعه .. لعلّ الساعه تکون قریباً

<قریباً> قرینه است بر این که پرسش مردم از قیامت، درباره زمان وقوع آن بوده است.

۳- پیامبر (ص)، مورد مراجعه مردم برای شنیدن پاسخ پرسش های عقیدتی شان بود .

يسئلك الناس عن الساعة

فعل مضارع

<يسألک> دلالت بر استمرار و تکرار مراجعه را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۱

۱ - پرسش مداوم مشرکان از پیامبر (ص) و مؤمنان درباره زمان وقوع قیامت

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقین

مضارع آورده شدن <يقولون> دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۷

۷ - پرسش همسر پیامبر (ص) (حفصه) ، از آن حضرت درباره منبع اطلاع ایشان از افشا شدن رازش

فلما نبأها به قالت من أنبأك هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۱

۱ - پرسش از زمان فرا رسیدن قیامت ، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

يسئلونك عن الساعة أيان مرسيها

کلمه <مرسی>، به صورت های مصدر میمی، اسم زمان، اسم مکان و اسم مفعول کاربرد دارد(مفردات راغب). این کلمه در آیه شریفه به قرینه <أيان> که سؤال از زمان است مصدر میمی می باشد. در این صورت <مرسی> به معنای وقوع و استقرار خواهد بود. مکرر بودن سؤال، از فعل مضارع <يسئلونك> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۷

۷ - < عن خدامه بنت وَهَب قالت : سئل رسول الله (ص) عن العزل فقال : ذك الوأد الخفی و هو > الموءوده < ;

خدامه بنت وَهَب گوید: از رسول خدا(ص) درباره مسأله <عزل> (جلوگیری از ریختن منی در رحم) سؤال شد ;

فرمود: این عمل یک نوع <وَأَد> خفی است و این منی که بیرون رحم ریخته شده، همان <موءوده> است [<وَأَد>؛ یعنی، زنده به گور کردن و <موءوده> به معنای زنده به گور شده است].

پرسش از مدت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۲ - ۱

۱ - پرسش خداوند از دوزخیان، نسبت به مدت زندگی آنان در دنیا

قل کم لبثتم فی الأرض عدد سنین

ضمیر فاعل در <قال> با توجه به آیات قبل، به خداوند باز می گردد. <کم> برای استفهام از مقدار و <لبث> (مصدر <لبثتم>) به معنای درنگ کردن است.

پرسش از مدت عالم برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۲ - ۳

۳ - پرسش خداوند از دوزخیان، پیرامون درنگ آنان در عالم برزخ

قل کم لبثتم فی الأرض عدد سنین

با توجه به پاسخ سؤال یاد شده در آیه بعد <لبثنا یومًا أو بعض یوم..>، یک روز یا پاره ای از یک روز <می توان گفت که مراد، درنگ آنها در عالم برزخ است.>

پرسش از مسکوتات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۲ - ۱،۲،۳

۱ پرسش و تحقیق درباره احکام ناگفته الهی، مورد نهی خداوند در تمامی ادیان

لاتسئلوا عن اشیاء... قد سألها قوم من قبلکم

۲ گروهی از پیشینیان با بی اعتنایی به نهی خداوند در پی دست یافتن به احکام بیان نشده در دین برآمدند

قد سألها قوم

۳ پرسش امت های پیشین از احکام مسکوت مانده در دین

، موجب جعل و تشریح آن احکام برای آنان

قد سألها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کفرین

پرسش از مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۱

۱ - کافران صدر اسلام ، از مسلمانان درباره برپایی قیامت سؤال می کردند .

قال الذین کفروا .. و یقولون متی هذا الوعد

بیشتر مفسران بر آنند که مقصود از <وعد>، برپایی قیامت است.

پرسش از مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱،۶

۱ پیامبر(ص)، مأمور به سؤال از مشرکان درباره اینکه برترین گواهی که می تواند حقانیت او را تأیید کند کیست؟

قل أی شیء أكبر شهده قل الله

۶ پیامبر(ص)، مأمور به احتجاج و بحث با مشرکان با طرح سؤال و پاسخ

قل أی شیء أكبر شهده قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۲ - ۴

۴ - پرسش تحقیرآمیز خداوند از مشرکان ، درباره معبود های آنان در قیامت

فیقول أین شرکاءى

استفهام در <أین شرکاءى> برای تهکم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۵ - ۴

۴ - پرسش خداوند از مشرکان در قیامت ، درباره چگونگی پاسخ آنان به دعوت پیامبران

فیقول ماذا أجبتم المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۶ - ۳،۵

۳ - درماندگی شرک پیشگان در پاسخ گویی به سؤال خداوند از آنان در قیامت

ماذا أجبتم المرسلین فعمیت علیهم الأنباء یومئذ

۵ - اقدام نکردن مشرکان به یافتن پاسخ

برای سؤال خداوند از طریق پرس و جو از یکدیگر ، نمود سرگردانی و درماندگی آنان در روز رستاخیز است .

فیقول ماذا أجبتم المرسلین .. فهم لا یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۴ - ۴

۴ - پرسش تحقیرآمیز خداوند در قیامت از مشرکان درباره معبودهایشان

و یوم ینادیهم فیقول این شرکاءى

استفهام در <این شرکائی> برای تهکم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۲

۲ - بیرون آوردن فرد مطلع و آگاه هر جامعه شرک پیشه در قیامت ، برای پاسخ گویی به پرسش خداوند

و نزعنا من کلّ أمّه شهیداً

<شهید> به معنای گواه است و گاهی به معنای شخص مطلع و خبره نیز به کار می رود. مانند: <و إن کنتم فی ریب ممّا نزلنا علی عبدنا فأتوا بسوره من مثله و ادعوا شهدائکم ..>. در آیه بالا نیز همین معنا اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۴ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مأمور پرسش از مشرکان درباره منشأ روزیشان جهت هدایت آنان به توحید ربوبی

قل من یرزقکم من السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۳

۳ - پرسش عتاب آمیز خداوند از مشرکان حق ستیز و لجوج ، درباره معبود های ادعایی آنان

ثم قيل لهم أين ما كنتم تشركون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - ملك - ٦٧ - ٢٨ - ٢

٢ - طرح

پرسش های تَبَّه بخش و بیدارکننده ، شیوه ارائه شده از سوی خداوند به پیامبر (ص) در محابّه با کافران و مشرکان

قل أرءیتم إن أهلکنی اللّٰه و من معی أو رحمناً

پرسش از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۸، ۱۵

۱۵- منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهات خود درباره معاد ، با شگفتی از زمان وقوع آن می پرسیدند .

فسینغضون إلیک رءوسهم و یقولون متی هو

بنابر اینکه حرکت دادن سر، همانگونه که در استعمال لغوی آن آمده است، برای اظهار تعجب و شگفتی باشد (لسان العرب)، برداشت فوق به دست می آید.

۱۸- منکران معاد پس از دریافت دلیل های قاطع و غیر قابل انکار قرآن بر حقانیت معاد به طرح مسائلی بی ثمر و بی تأثیر در اصل مسأله معاد ، روی آوردند .

و یقولون متی هو

منکران معاد علی رغم پرسشهای به ظاهر استدلالی نخستین، به پرسشهایی روی آوردند که نه ثمری برای آنان داشت و نه حقانیت معاد بر دانستن آنها متکی بود چه اینکه قیامت واقعیتی است حتمی الوقوع و دانستن و ندانستن زمان آن، در آن واقعیت تأثیری ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۱

۱ - منکران معاد در عصر بعثت ، با پرسش از یکدیگر ، در پی تصور زوایای آن بودند .

عمّ یتساءلون

<عمّ> در اصل <عن ما> بوده و <ما> برای استفهام است. <تساؤل> (مصدر <یتساءلون>) یعنی، سؤال از یکدیگر. آیات بعد که درباره مظاهر قدرت خداوند و اوصاف قیامت است و نیز

و عده حتمی به آگاه شدن در جمله <سيعلمون> جملگی گویای آن است که مورد پرسش، مسائل مربوط به جهان آخرت است و نشان می دهد که پرسش کنندگان، معاد را باور نداشتند و با سؤالات خود چنانچه به انگیزه کشف حقیقت باشد در صدد آگاهی به کیفیت معاد بوده اند.

پرسش از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۵

۵ پرسش از موقعیت و جایگاه معبودهای پنداری مشرکان، از صحنه های محاکمه آنان در قیامت

ثم نقول للذين أشركوا أين شركاؤكم الذين كنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۷ - ۲،۳

۲ خداوند به روز رستاخیز، خواستار پاسخ گویی معبود های مشرکان در باره علت گمراهی مشرکان و نقش آنان در این گمراهی

ويوم يحشرهم و ما يعبدون من دون الله فيقول ءأنتم أضللتم عبادي هؤلاء

۳ خداوند، به روز رستاخیز، خواهان توضیح و پاسخ گویی معبود های باطل در باره نقش خود مشرکان در گمراهی خویش

فيقول ءأنتم أضللتم عبادي هؤلاء أم هم ضلّوا السبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۶

۶ معبود های مشرکان در پاسخ به سؤال خداوند در قیامت، عامل انحراف و گمراهی مشرکان را، برخوردار از آنان و پدران شان از رفاه بسیار و از یاد بردن خدا خواهند دانست.

و لكن متعتهم و ءآباءهم حتى نسوا الذكر

<لكن> که در استدراک به کار می رود در آیه شریفه برای رد این اتهام است

که معبودها در گمراهی مشرکان مؤثر بودند و نیز برای بیان علت های واقعی این انحراف است که در این آیه، به دو عامل اشاره شده است: ۱ رفاه (که موجب فراموشی خدا است) (متّعتهم.. الذکر). ۲- رفتار هلاکت بار آنان (و كانوا قوماً بوراً).

پرسش از ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۲

۲ چگونه سپری کردن زندگانی دنیا، پرسش فرشتگان از گناهکاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

انّ الذّین توفّیهم الملائکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۴

۴- ابراهیم (ع) پس از دریافت خبر فرزندان شدنش از فرشتگان، خواستار توضیح و اطلاعات بیشتری از آنان شد.

فیم تبشرون

برداشت فوق بر این اساس است که <با> در <فیم> برای ملایست باشد و استفهام در جمله <فیم تبشرون> سؤال از چگونگی تحقق چنین بشارتی (فرزنددار شدن) باشد و نه تردید و سؤال از اصل فرزنددار شدن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۰ - ۳،۵

۳ - خداوند در روز قیامت، از ملائکه خواهد پرسید که آیا از عبادت مشرکان برای آنان، رضایت داشته اند؟

و یوم یحشرهم جمیعاً ثمّ یقول للملائکه أهؤلاء إیناکم كانوا یعبدون

جوابی که در آیه بعد از قول ملائکه نقل شده، حکایت از این دارد که سؤال از اصل عبادت نبوده است؛ زیرا عبادت مشرکان در اختیار ملائکه نبوده تا آنان دستور به انجام آن داده باشند؛ بلکه سؤال

از رضایت ملائکه از این کار است.

۵ - پرسش خداوند از ملائکه درباره پرستیده شدنشان از سوی مشرکان ، با فاصله ای از بازآفرینی و گردآوری خواهد بود .

و یوم یحشرهم .. ثم یقول للملائکه

<ثم> برای تراخی است و کاربرد آن در آیه، مفید نکته یاد شده است.

پرسش از موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۴

۴ - پرسش از خلاق در روز قیامت ، درباره فرمان روای حقیقی جهان در آن روز

لمن الملک الیوم

پرسش از موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۰ - ۴

۴ - پرسش خداوند از موسی (ع) در باره عصا ، جهت ایجاد زمینه لازم و آمادگی ذهنی برای نمایاندن آیت و معجزه به او بود .

و ما تلک یمینک .. فألقیها فإذا هی حیة

تصریح موسی (ع) به خواص طبیعی عصا در پاسخ خداوند، ایجادکننده زمینه ای مناسب در ذهن او بود که با مقایسه دو حالت عصا، هیچ تردیدی در معجزه بودن حالت جدید به خود راه ندهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۳،۴،۵

۳ - چگونگی برخورد خداوند با اقوام غیر مؤمن گذشته ، پرسش فرعون از موسی (ع)

أَنَّ العذاب علی من کذَّب .. فما بال القرون الأولى

چون در آیات گذشته، موسی(ع) سخن از امنیت پیروان هدایت و عذاب تکذیب کنندگان به میان آورد، سؤال فرعون به منظور اظهار نظر موسی(ع) در باره حال نسل های پیشین بوده است. انگیزه او از

این پرسش می تواند تحریک نسل حاضر در برابر پاسخ موسی (ع) به معذب بودن پدرانشان باشد. طفره رفتن موسی (ع) از جواب صریح، این احتمال را تقویت می کند.

۴ - فرعون با ناباوری نسبت به عملی شدن وعده عذاب در باره پیشینیان ، نظر موسی (ع) را در مورد آنان جویا شد .

قال فما بال القرون الأولى

سؤال فرعون از حال پیشینیان، پس از گفته موسی (ع) (أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ) از ناباوری او حکایت دارد زیرا وی آنان را نابود شده و بی نشان و اثر می دانست.

۵ - فرعون با طرح پرسش از موسی (ع) در باره وضعیت اقوام گذشته ، سعی در پنهان ساختن درماندگی خود در برابر سخنان او داشت .

من ربكما .. الذي أعطى كل شيء خلقه ... فما بال القرون الأولى

ممکن است طرح سؤال فرعون در باره اقوام گذشته، صرفاً به جهت منحرف ساختن بحث و بردن آن به زاویه ای نامشخص صورت گرفته باشد. وارد نشدن موسی (ع) در چنین بحثی، نقشه او را خنثی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۳ - ۱،۴

۱ - پرسش انکار آمیز فرعون از موسی (ع) در باره حقیقتی به نام < رَبِّ الْعَالَمِينَ > (پروردگار جهانیان)

قال فرعون و ما رَبِّ الْعَالَمِينَ

واژه < ما > اسم استفهام است و غالباً با آن، از حقیقت اسم مابعدش پرسش می شود. گفتنی است که استفهام یاد شده برای اظهار تعجب به منظور انکار حقیقت مورد پرسش می باشد.

۴ - > عن أبي عبد الله (ع) قال لَمَا بَعَثَ اللَّهُ

موسى إلى فرعون . . . فقال فرعون < و ما ربّ العالمين > و إنّما سأله عن كيفيه الله فقال موسى < ربّ السماوات و الأرض و ما بينهما إن كنتم موقنين > فقال فرعون متعجباً لأصحابه < ألا تستمعون > أسأله عن الكيفيه فيجيبني عن الصفات . . . ;

از امام صادق(ع) روايت شده كه فرمود: هنگامي كه خداوند موسى را به سوى فرعون مبعوث كرد . . . فرعون به موسى(ع) گفت < و ما ربّ العالمين > و سؤال فرعون از موسى درباره كيفيت خداوند بود. موسى(ع) در جواب فرعون گفت: < ربّ السماوات و الأرض و ما بينهما... >. فرعون در حالي كه تعجب کرده بود به اصحابش گفت: آيا نمي شنويد [چه ميگويد؟] من از كيفيت خدا مي پرسم و او در جواب من از صفات مي گويد...<.

پرسش از مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۱

۱ - پرسش مداوم مشركان از پيامبر (ص) و مؤمنان درباره زمان وقوع قيامت

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

مضارع آورده شدن <يقولون> دلالت بر استمرار دارد.

پرسش از مهمانان ابراهيم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۳۱ - ۱

۱ - پرسش حضرت ابراهيم(ع) ، درباره رسالت و مأموريت مهمانان خویش (فرشتگان)

قال فما خطبكم أيها المرسلون

<خطب> به شأن و امري گفته مي شود كه شخص در پي آن است. سؤال ابراهيم(ع) از مأموريتي بود كه فرشتگان، مي خواستند آن را به اجرا درآورند.

پرسش از نعمت در قيامت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۹

۹ - > قال رسول الله (ص) ... يابن مسعود! دع نعيم الدنيا و أكلها و حلاوتها و حارّها و باردها و لينها و طيبها و ألزم نفسك الصبر عنها فإنك مسؤول عن ذلك كله قال الله تعالى : > ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم < ;

رسول خدا(ص) [به عبدالله بن مسعود] فرمود: ای پسر مسعود! رها کن نعمت های دنیا و خوردنی های آن و شیرینی، گرم و سرد، نرم و گوارای آن را و نفس خود را وادار کن که در برابر آنها، صبر پیشه کند زیرا تو از تمامی آنها، سؤال خواهی شد. خدای تعالی فرموده: > ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم <.

پرسش از وحی به انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۰

۱۰- دعوت خداوند از مشرکان مکه برای تفحص و تحقیق از عالمان ، جهت به دست آوردن حقایق وحی به انسان

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً .. فسئلوا أهل الذكر إن كنتم لاتعلمون

مخاطب فعل <فسئلوا> به قرینه آیات قبل که درباره مشرکان بود می تواند مشرکان باشد.

پرسش از ولایت اهل بیت(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - > قال الرضا (ع) و لقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبدالله الصادق (ع) ...

قال: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يَسْتَلُّ عِبَادَهُ عَمَّا تَفَضَّلَ عَلَيْهِمْ وَلَا يَمُنُّ بِذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَالْإِمْتِنَانُ بِالْإِنْعَامِ مُسْتَقْبِحٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ فَكَيْفَ يُضَافُ إِلَى الْخَالِقِ عَزَّوَجَلَّ مَا لَا يَرْضَى الْمَخْلُوقُ بِهِ وَ لَكِنَّ النِّعِيمَ حَبْنًا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَوَالَاتِنَا يَسْتَلُّ اللَّهُ عِبَادَهُ عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِيدِ وَ التَّبَوُّهِ لِأَنَّ الْعَبْدَ إِذَا وَفَى بِذَلِكَ إِذَا هُوَ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ الَّذِي لَا يَزُولُ ۚ

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجل دربارہ آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان ممت نمی گذارد. ممت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است ۚ پس چگونه به خالق عزوجل چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثُمَّ لِنَسْئَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و تبوت، از آن بازخواست خواهد کرد ۚ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند.

پرسش از هلال ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱

۱ - پرسش مکرر مردم از پیامبر (ص) درباره چگونگی شکل گیری هلال های متفاوت ماه

يسئلونك عن الأهله

به کارگیری فعل مضارع <يسئلونك> حکایت از تکرار سؤال دارد و آوردن آن با صیغه جمع، دلالت بر تعدد سؤال کنندگان می کند. <أهله> جمع هلال است و مقصود از آن هلالهای ماه می باشد.

پرسش اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۹ - ۳

۳- بيدارسازی اصحاب كهف ، فراهم آورنده فرصتی مناسب برای پرسوجوی آنان از همدیگر درباره خواب خویش بود .

بعثنهم لیتساءلوا

<ل> در <لیتساءلوا> بیانگر علت بيدارسازی است. هدف از به خواب بردن و بيدار ساختن اصحاب كهف چنان چه از تفریح آیات یازدهم و دوازدهم بر آیه دهم به دست آمد اعطای رحمت و رشدی بود كه اصحاب كهف درخواست کرده بودند. بنابراین، باید به خداوند، آنان را از خواب بيدار می کرد تا از راه پرسش و غیر آن، به حوادثی كه بر آنان گذشته بود، پی ببرند و در مسیر خداشناسی رشد یابند.

پرسش اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۰ - ۲

۲ - اصحاب الیمین در بهشت ، به گفتوگو و پرسوجو از يك دیگر خواهند پرداخت .

یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین در بهشت ، از وضعیت مجرمان در قیامت

عن المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۲ - ۱

۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین ، از عوامل دوزخی شدن مجرمان

یتساءلون . عن المجرمین . ما سلککم فی سقر

پرسش برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۱ - ۲

۲ فرزندان یعقوب از کارگزاران یوسف پرسیدند : کالای مفقود شده تان چیست ؟

قالوا .. ماذا تفقدون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۳

۳ یوسف (ع) در پی پرسش برخاسته از شگفت زدگی و ناباوری برادرانش ، تصریح کرد که او همان یوسف است .

أءنك لأنت يوسف قال أنا يوسف

پرسش برگزیدگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۵

۵- پرسش از افعال خداوند و شگفتی از آن ، با مقامات بلند برگزیدگان الهی منافاتی ندارد .

قال ربّ أنى یكون لی غلم

پرسش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۳

۳ بهشتیان برای ملامت و سرزنش دوزخیان ، از آنان جویای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادى . . . فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً

پرسش بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۷

۷- موسی (ع) از مردم خواست تا با سؤال درباره گاوی که به ذبح آن مأمور شدند ، تکلیف را بر خود مشکل ن سازند .

فافعلوا ما تؤمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - قوم موسی ، با سؤال و جستجوی بی مورد ، تکلیف (کشتن گاوی ماده برای حل معمای قتل) را بر خود دشوار کردند .

فذبحوها و ما کادوا یفعلون

جمله < ما کادوا یفعلون > (نزدیک بود انجام ندهند) می تواند اشاره به دشواری انجام تکلیف مذکور باشد، که به شهادت

جمله < فافعلوا ما تؤمرون > (در

آیه ۶۸) و قرینه های دیگر، قوم موسی خود با سؤالهای بی مورد این مشکل را آفریدند و تکلیف را بر خویش دشوار ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۳،۶

۳ - نسخ ادیان و نیز نسخ برخی از آیات و احکام قرآن ، برانگیزنده مسلمانان به طرح پرسشهایی نا به جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

برداشت فوق بر این میناست که <أن تسئلوا> به معنای پرسش کردن باشد. از آن جا که لحن آیه گویای مذمت است، از آن پرسشها به پرسشهای نا به جا تعبیر شده است.

۶ - بنی اسرائیل ، پرسش ها و درخواستهایی نا به جا از موسی (ع) داشتند .

کما سئل موسی من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۳

۱۳ - یهود و نصارا ترغیب کننده مسلمانان به پرسش ها و درخواست های نا به جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا .. و د کثیر من أهل الکتب لو یردونکم

پرسش بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - ذکر تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ در قرآن ، مورد پرسش انکارآمیز کافران و گروه بیماردل و مغرض قرار گرفت .

و ليقول الذين في قلوبهم مرض و الكفرون ماذا أراد الله بهذا مثلاً

پرسش پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی

، امری شایسته و بایسته

قال یابلیس ما منعک أن تسجد

از این که خداوند، از ابلیس جویای انگیزه و علت تمردش شد با آن که بدون آن هم می توانست او را کیفر دهد می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

پرسش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسش ساحران ، از فرعون نسبت به پاداش خود در صورت غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون ائن لنا لأجرًا إن کنا نحن الغلین

پرسش جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۲

۲ - جواز پرسش و تحقیق درباره صفات خداوند و چگونگی آنها

و إذا سألك عبادی عنی فإنی قریب

پرسش حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۱۳

۱۳ خداوند آمرزنده گناه مترتب بر پرسش های بیجا تا پیش از تحریم آن *

لا تسئلوا عن اشیاء .. و الله غفور حلیم

توصیف خداوند به <غفور> پس از بیان نهی از پرسشهای بیجا می تواند ناظر به آمرزش گناه کسانی باشد که تا پیش از بیان نهی، چنین سؤالاتی را مطرح کرده بودند.

پرسش حفصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۷

۷ - پرسش همسر پیامبر (ص) (حفصه)، از آن حضرت درباره منبع اطلاع ایشان از افشا شدن رازش

فلما نبأها به قالت من أنبأك هذا

پرسش در احتجاج

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۲

۲ - طرح پرسش های تنبه بخش و بیدار کننده ، شیوه ای ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) در محاجه با مشرکان

قل أرءیتم إن جعل اللّٰه .. أفلا تسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۲

۲ - طرح پرسش های تنبه آفرین و بیدار گر ، از شیوه های ارائه شده از سوی خدا به پیامبر در احتجاج با اهل شرک

قل أرءیتم إن جعل اللّٰه .. أفلا تبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۸

۸ - طرح پرسش در احتجاج ، برای واداشتن طرف مقابل به اقرار به حق ، از روش های قرآن برای تبیین حقایق است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ اللّٰه

پرسش در تعلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۷

۷ برانگیختن داوری وجدان از طریق طرح پرسش، از روشهای تبلیغی قرآن

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا

پرسش در قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۲

۲ چگونه سپری کردن زندگانی دنیا، پرسش فرشتگان از گناهکاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

اِنَّ الَّذِيْنَ تُوْفِّيهِمُ الْمَلٰٓئِكَةُ ظَالِمِيْۤ اَنْفُسِهِمْ قَالُوْا فِیْمَ كُنْتُمْ

پرسش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۲،۴

۲ پرسش از برخوردار امت ها با دعوت انبیا

هدف از گردآوری پیامبران در عرصه قیامت

یوم یجمع الله الرسل فبقول ماذا اجبتم

۴ قیامت ، عرصه پرسش از عملکرد آدمیان

یوم یجمع الله الرسل فبقول ماذا اجبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱،۲

۱ خداوند در قیامت و در حضور پیامبران از مسیح (ع) خواهد پرسید که آیا وی مردمان را به پرستش خویش و مادرش مریم فراخوانده است؟

و اذ قال الله یعیسی ابن مریم ءانت قلت للناس اتخذونی و امی الهین

با توجه به آیات بعد همانند <قال الله هذا یوم .. > آیه ۱۱۹ و توجه به این حقیقت که در زمان حضور مسیح(ع) در میان امت خویش کسی معتقد به الوهیت وی و مریم(ع) نبوده است، معلوم می شود این پرسش و پاسخ در قیامت اتفاق خواهد افتاد. گفتنی است که تعبیر از آینده با فعل ماضی (قال) برای رساندن تحقق قطعی آن صحنه است.

۲ خدا در قیامت پیامبران خویش را از چگونگی شکل گیری گرایش های باطل امت ها مورد پرسش قرار می دهد .

و اذ قال الله یعیسی ابن مریم ءانت قلت للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۲

۲ پذیرش و عدم پذیرش رسالت های انبیا و نیز عمل به احکام دین، محور بازجویی خداوند از امتهاست.

فلنستلن الذین أرسل إلیهم

توصیف مردم با عنوان <أرسل إلیهم > دلالت بر این دارد که بازجویی از امتها درباره چگونگی برخورد با رسالت های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ انسان ، در برابر تمامی رفتار و حرکات خویش مسؤول بوده و در قیامت باید پاسخگو باشد .

فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۹

۹- چشم ، گوش و قلب در قیامت ، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت .

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أولئک کان عنه مسؤلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: اولاً، سؤال از موارد یاد شده حقیقی باشد و ثانیاً، طبق همین مبنا چون در دنیا از آنها سؤال نخواهد شد مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۴

۴ - آدمی در قیامت ، مجاز به پرسش از پروردگار است .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

ظاهر <قال> چنین افاده می کند که این سؤال به لفظ در آمده و از سوی نابینایان در قیامت مطرح خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۰ - ۳

۳ - خداوند در روز قیامت ، از ملائکه خواهد پرسید که آیا از عبادت مشرکان برای آنان ، رضایت داشته اند ؟

و یوم یحشرهم جمیعاً ثمّ یقول للملائکه أهؤلاء إیاکم کانوا یعبدون

جوابی که در آیه بعد از قول ملائکه نقل شده، حکایت از این دارد که سؤال از اصل عبادت نبوده است؛ زیرا عبادت مشرکان در اختیار ملائکه نبوده تا آنان دستور به انجام آن داده باشند؛ بلکه سؤال از رضایت ملائکه از این کار است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۴ - ۲،۳

۲ - انسان ها ، در قبال عقاید و رفتار خود ، مسؤول بوده و در روز قیامت بازخواست خواهند شد .

وقفوهم إنهم مسئولون

۳ - وجود < موقف > و جایگاه سؤال و بازخواست از انسان ها ، در عرصه قیامت

وقفوهم إنهم مسئولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۴

۴ - پرسش از خلاق در روز قیامت ، درباره فرمان روای حقیقی جهان در آن روز

لمن الملك اليوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۵

۵ - انسان ها ، در برابر عقاید دینی خویش و انتخاب آن ، مسؤول بوده و در قیامت باید پاسخگو باشند .

ثم قيل لهم أين ما كنتم تشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۸

۸ - پابندی و استقامت پیامبر (ص) و مسلمانان در مسیر وحی ، از مسائل مهم مورد سؤال در قیامت

فاستمسك بالذی أوحی إليك .. و سوف تستلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۱

۱ - گناهکاران جن و انس در صحنه قیامت ، دارای وضعیتی معلوم و بی نیاز از محاکمه و سؤال

فیومئذ لایسئل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال انسان ها و پرسش از رفتار آنان با

۱۰ - > قال الرضا (ع) ولقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبد الله الصادق (ع) . . . قال : إنَّ الله عزَّوجلَّ لا يسئَل عباده عمَّا تفضَّل عليهم و لا يَمَنِّ بذلك عليهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقين فكيف يضاف إلى الخالق عزَّوجلَّ ما لا يرضى المخلوق به و لكنَّ النعيم حبنا أهل البيت و مولاتنا يسئَل الله عباده عنه بعد التوحيد و التَّوبه لأنَّ العبد إذا وفي بذلك اذاه إلى نعيم الجنَّة الذي لا يزول ؛

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجل دربارہ آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منت نمی گذارد. منت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است ؛ پس چگونه به خالق عزوجل چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعيم [در آیه >ثم لتسئلنَّ يومئذ عن النعيم<] محبت ما اهل بيت و [پذيرش] ولايت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحيد و تبتوت، از آن بازخواست خواهد کرد ؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند .

پرسش درباره انبیا

۹ - پرسش ملامت آمیز نگهبانان و دربانان دوزخ از کافران ،

درباره آمدن پیامبران تلاوت کننده آیات الهی و اندازگران

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایات ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۳

۳ - پرسش سرزنش آمیز نگهبانان دوزخ از کافران دوزخی ، درباره آمدن پیامبر و اخطار دهنده الهی برای آنان

سألهم خزنتها ألم یأتکم نذیر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که استفهام در < ألم یأتکم .. > توییخی و تقریعی باشد.

پرسش درباره حاکم آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۴

۴ - پرسش از خلاق در روز قیامت ، درباره فرمان روای حقیقی جهان در آن روز

لمن الملک الیوم

پرسش درباره ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۱

۱- مردم زمان پیامبر (ص) از آن حضرت ، درباره ذوالقرنین ، پرسش هایی را مطرح ساخته بودند .

و یسئلونک عن ذی القرنین

<قرن> به معنای <شاخ> است. گفته اند وجه تسمیه <ذوالقرنین> آن بوده که وی، دو رشته گیسوان بافته، همانند دو شاخ داشته و یا این که بر کلاه او دو شاخ قرار داشته است. البته <قرن> به معنای مدّت زمانی متمادی که مردم در آن زیست می کنند نیز آمده و لذا برخی نیز وجه تسمیه را دوران طولانی حاکمیت ذوالقرنین دانسته اند.

پرسش درباره رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۱

۱ - پرسش نگهبانان جهنم از دوزخیان ،

درباره آمدن فرستادگان الهی همراه با دلایل و برهان های روشن برای ایشان

قالوا أَوْ لَمْ تَكْ تَأْتِكُمْ رَسَلِكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

پرسش درباره روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۱،۲،۳

۱- پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره حقیقت روح

و يسئلونك عن الروح

۲- حقیقت روح ، امری مبهم و سؤال برانگیز برای مردم عصر پیامبر (ص)

و يسئلونك عن الروح

۳- حقیقت روح انسانی ، امری ناشناخته و سؤال انگیز

و يسئلونك عن الروح

بنابر اینکه مراد از <الروح> صرفاً روح انسانی باشد که متبادر به ذهن است برداشت فوق به دست می آید.

پرسش درباره شفاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۱۲، ۱۰، ۹، ۸

۸- منتظران شفاعت ، پس از خیردار شدن از امر خدا درباره آن ، سؤال می کنند که پروردگار چه گفته است ؟

حَتَّى إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبِّكُمْ

بنابراین که فاعل <قالوا> ، <من> در <لمن> باشد و مراد از آن شفاعت شوندگان باشند، نکته یاد شده قابل استفاده است.

گفتنی است که متعلق <ماذا قال> ذکر نشده و به قرینه بحث شفاعت، احتمال دارد متعلق آن درباره شفاعت باشد.

۹- شفیعیان ، در پی آگاهی از امر خدا درباره شفاعت ، از همدیگر می پرسند خداوند چه فرموده است ؟

حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ

۱۰ - جواب شفاعت کنندگان به سؤال یکدیگر درباره فرمان خداوند ، این است که هر آنچه خداوند فرموده ، حق است .

قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ

برداشت یاد شده بر این اساس

است که مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی دوم، شفیعان باشد.

۱۲ - پاسخ شفیعان به سؤال منتظران شفاعت درباره فرمان خداوند نسبت به آن، این است که خدا حق گفته است .

قالوا ماذا قال ربكم قالوا الحق

بنابراین که مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی اول، منتظران شفاعت و مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی دوم، شفاعت کنندگان باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

پرسش درباره کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۴ - ۱

۱ - بهشتیان ، درباره سرنوشت هم نشینان کافر دنیایی خود ، از دیگر بهشتیان پرسش کرده و از وضعیت آنان کسب اطلاع خواهند کرد .

قال هل أنتم مطّلعون

استفهام <هل> برای عرض و یا امر است که مفاد آن تقاضا و درخواست می باشد.

پرسش درباره گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین در بهشت ، از وضعیت مجرمان در قیامت

عن المجرمین

پرسش درباره معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۲ - ۴

۴ - پرسش تحقیرآمیز خداوند از مشرکان ، درباره معبود های آنان در قیامت

فیقول این شرکاءى

استفهام در <این شرکاءى> برای تهکّم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۴ - ۴

۴ - پرسش تحقیرآمیز خداوند در قیامت از مشرکان درباره معبودهایشان

و یوم ینادیهم فیقول این شرکاءى

استفهام در <این شرکاءى> برای تهکّم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳

۳ - پرسش عتاب آمیز خداوند از مشرکان حق ستیز و لجوج ، درباره معبود های ادعایی آنان

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَشْرِكُونَ

پرسش درباره مندران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۳

۳ - پرسش سرزنش آمیز نگهبانان دوزخ از کافران دوزخی ، درباره آمدن پیامبر و اخطار دهنده الهی برای آنان

سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهُمْ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که استفهام در <أَلَمْ يَأْتِكُمْ..> توییخی و تقریعی باشد.

پرسش زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۱

۱- بشارت فرزند به زکریا (ع) در روزگار پیری و فرتوتی وی و نازایی همسر ، برای او نویدی شگفت آور بود .

أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَعَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتَ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا

<أَنِّي>، یعنی چگونه و از چه راهی؟ (مصباح). <عِتِيًّا> جمع <عات> از ماده <عتوّ> (از حد گذشتن) است و مفاد جمله <قد بلغت...> این است که من از نظر پیری به افرادی رسیده ام که در کهن سالی از حد گذشته اند. برخی اهل لغت <عِتِيًّا> را مصدر و به معنای خشک و انعطاف ناپذیر شدن مفاصل و استخوان ها دانسته اند (الکشاف). مفاد جمله در این صورت این است که من از اثر پیری به خشکیده شدن اعضای بدنم رسیده ام.

پرسش سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۳

۳- پرسش سلیمان از علت ناپیدا بودن هدهد

فقال ما لی لأری الهدهد أم کان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۸ - ۲

۲ - پرسش سلیمان از قدرت درباریانش برای آوردن تخت بلقیس

قال یا أيها الملؤا ائیکم یا تینی بعرشها

پرسش شفیعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۹

۹ - شفیعان ، در پی آگاهی از امر خدا درباره شفاعت ، از همدیگر می پرسند خداوند چه فرموده است ؟

حتی إذا فرّع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربکم

پرسش طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۳

۳ - طغیان گران دنیا طلب ، با پرسش مکرر از زمان قیامت به استهزای آن می پرداختند .

یسئلونک عن الساعه ائیان مرسیها

فاعل <یسئلونک>، در برداشت یاد شده <من طغی..> دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه <إنما أنت منذر من یخشاها> در آیات بعد استفاده می شود؛ زیرا کسی که از انداز قیامت هراسی ندارد، پرسش او از زمان وقوع آن استهزایی خواهد بود.

پرسش عزیر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۱۷، ۵، ۴، ۲

۲ عبور فردی (عزیز) در ضمن سفر از قریه ویران شده ای که دیوار های آن روی سقفهایش فروریخته و مشاهده مردگان و پرسش وی از خداوند درباره چگونگی زنده شدن آنان

او کالذی مرّ علی قریه و هی خاویه علی عروشها

بسیاری از مفسّران بر آنند که داستان ذکر شده درباره عزیز پیامبر است؛ گر چه برخی آن را به ارمیا نسبت داده اند. گفتنی است

که جمله <خاویه علی عروشها> را برخی به معنای خالی از سکنه و برخی مخروبه و فروپاشیده دانسته اند.

۴ آگاهی عزیر به اصل زنده شدن مردگان در رستاخیز و پرسش وی از چگونگی زنده شدن آنان

قال ائی یحیی هذه الله بعد موتها

<ائی یحیی> که استفهام است، دلالت دارد بر اینکه عزیر، اصل احیا را اذعان داشته و از کیفیت آن پرسش کرده است.

۵ خداوند، عزیر را میراند و پس از صد سال وی را زنده کرد تا پاسخی باشد به پرسش وی از چگونگی زنده شدن مردگان

قال ائی .. فاماته الله مائه عام ثم بعثه

۱۷ زنده شدن الاغ عزیر پس از جمع آوری استخوان های آن و پوشاندن گوشت بر آنها، پاسخی به پرسش وی از کیفیت و امکان حیات مردگان

و انظر الى العظام كيف ننشزها ثم نکسوها لحمًا

مراد از <العظام> به قرینه <وانظر الى حمارك>، استخوانهای همان الاغ است؛ چون صرف نگاه به حمار، نشانه ای برای احیای مردگان نیست.

پرسش فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۳،۴

۳ - چگونگی برخورد خداوند با اقوام غیر مؤمن گذشته، پرسش فرعون از موسی (ع)

أَنَّ الْعَذَابَ عَلَيَّ مِنْ كَذَّبٍ .. فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى

چون در آیات گذشته، موسی (ع) سخن از امنیت پیروان هدایت و عذاب تکذیب کنندگان به میان آورد، سؤال فرعون به منظور اظهار نظر موسی (ع) در باره حال نسل های پیشین بوده است. انگیزه او از این پرسش می تواند تحریک نسل حاضر در برابر پاسخ موسی (ع) به معذب بودن پدرانشان باشد.

طفره رفتن موسی(ع) از جواب صریح، این احتمال را تقویت می کند.

۴ - فرعون با ناباوری نسبت به عملی شدن وعده عذاب در باره پیشینیان ، نظر موسی (ع) را در مورد آنان جویا شد .

قال فما بال القرون الأولى

سؤال فرعون از حال پیشینیان، پس از گفته موسی(ع) (أَنَّ الْعَذَابَ عَلَيَّ مِنْ كَذَّبٍ) از ناباوری او حکایت دارد زیرا وی آنان را نابود شده و بی نشان و اثر می دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۳ - ۱،۴

۱ - پرسش انکار آمیز فرعون از موسی (ع) در باره حقیقتی به نام < رَبِّ الْعَالَمِينَ > (پروردگار جهانیان)

قال فرعون و ما رَبِّ الْعَالَمِينَ

واژه <ما> اسم استفهام است و غالباً با آن، از حقیقت اسم مابعدش پرسش می شود. گفتنی است که استفهام یاد شده برای اظهار تعجب به منظور انکار حقیقت مورد پرسش می باشد.

۴ - < عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُوسَى إِلَى فِرْعَوْنَ . . . فَقَالَ فِرْعَوْنَ < وَ مَا رَبِّ الْعَالَمِينَ > وَ إِنَّمَا سَأَلَهُ عَنْ كَيْفِيَةِ اللَّهِ فَقَالَ مُوسَى < رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ > فَقَالَ فِرْعَوْنَ مُتَعَجِّباً لِأَصْحَابِهِ < أَلَا تَسْتَمْعُونَ > سَأَلَهُ عَنْ كَيْفِيَةِ فِرْعَوْنَ عَنِ الصِّفَاتِ . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که خداوند موسی را به سوی فرعون مبعوث کرد . . . فرعون به موسی(ع) گفت <و ما رَبِّ الْعَالَمِينَ> و سؤال فرعون از موسی درباره کیفیت خداوند بود. موسی(ع) در جواب فرعون گفت: <رَبِّ السَّمَاوَاتِ

و الأرض و ما بينهما...>. فرعون در حالی که تعجب کرده بود به اصحابش گفت: آیا نمی شنوید [چه میگوید؟] من از کیفیت خدا می پرسم و او در جواب من از صفات می گوید...>.

پرسش قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۹ - ۱

۱- پس از در هم شکسته شدن بت ها به وسیله ابراهیم (ع) ، بت پرستان به پرسوجو از یکدیگر در مورد شکننده آنها پرداختند .

فجعلهم جذذاً .. قالوا من فعل هذا بالهتنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <مَن> اسم استفهام باشد.

پرسش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۷

۷- پرسش کافران از پیامبر (ص) ، درباره لحظه برپایی قیامت

قل لا يعلم .. الغیب إلا الله و ما يشعرون أئان یبعثون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت <قل..> در جواب پرسش کسانی باشد که نسبت به وقوع قیامت شک داشته اند؛ زیرا ضمائر در آیه بعد به این دسته از کافران بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون أئان یوم الدین

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود؛ زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش،

می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

پرسش کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۱

۱ - کافران صدراسلام ، از مسلمانان درباره برپایی قیامت سؤال می کردند .

قال الذین کفروا .. و یقولون متی هذا الوعد

بیشتر مفسران بر آنند که مقصود از <وعد>، برپایی قیامت است.

پرسش گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۸

۸ - منتظران شفاعت ، پس از خبردار شدن از امر خدا درباره آن ، سؤال می کنند که پروردگار چه گفته است ؟

حتی إذا فرغ عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربکم

بنابراین که فاعل <قالوا>، <من> در <لمن> باشد و مراد از آن شفاعت شوندگان باشند، نکته یاد شده قابل استفاده است. گفتنی است که متعلق <ماذا قال> ذکر نشده و به قرینه بحث شفاعت، احتمال دارد متعلق آن درباره شفاعت باشد.

پرسش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱

۱ پیامبر(ص)، مأمور به سؤال از مشرکان درباره اینکه برترین گواهی که می تواند حقانیت او را تأیید کند کیست؟

قل أی شیء أكبر شهده قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۲

۲ - طرح پرسش های تبّیه بخش و بیدارکننده ، شیوه ارائه شده از سوی خداوند به پیامبر (ص) در محابّه با کافران و

مشرکان

قل أراءيتم إن أهلكني الله و من معي أو رحمتنا

پرسش محمد(ص) از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۵

۵ توجه دادن یهودیان به فرجام

شوم مخالفت با فرمان های الهی ، هدف از پرسش پیامبر (ص) از یهودیان درباره مردم ايله

و سئلهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر

پرسش مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۱۲

۱۲ مردم عصر بعثت به گمان آگاهی پیامبر (ص) از زمان تحقق قیامت ، با سؤال های مکرر خواهان افشای آن بودند .

یسئلونک کأنک حفی عنها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۳

۳ - تعدادی از مردم صدر اسلام در باره سرنوشت کوه ها در هنگامه رستاخیز ، از پیامبر (ص) توضیح می خواستند .

و یسئلونک عن الجبال

پرسش مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۲

۲ - حقیقت روح ، امری مبهم و سؤال برانگیز برای مردم عصر پیامبر (ص)

و یسئلونک عن الروح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۳ - ۱،۴

۱ - مردم زمان پیامبر (ص) از آن حضرت ، درباره ذوالقرنین ، پرسش هایی را مطرح ساخته بودند .

و یسئلونک عن ذی القرنین

<قرن> به معنای <شاخ> است. گفته اند وجه تسمیه <ذوالقرنین> آن بوده که وی، دو رشته گیسوان بافته، همانند دو شاخ داشته و یا این که بر کلاه او دو شاخ قرار داشته است. البته <قرن> به معنای مدّت زمانی متمادی که مردم در آن زیست می کنند نیز آمده و لذا برخی نیز وجه تسمیه را دوران

طولانی حاکمیت ذوالقرنین دانسته اند.

۴- پرسشش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه نزول برخی آیات و تبیین مطالبی برای مردم بود .

و یسئلونک عن ذی القرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۱

۱ - پرسش از زمان فرا رسیدن قیامت ، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الساعه آیا ن مرسیها

کلمه <مرسی>، به صورت های مصدر میمی، اسم زمان، اسم مکان و اسم مفعول کاربرد دارد(مفردات راغب). این کلمه در آیه شریفه به قرینه <آیان> که سؤال از زمان است مصدر میمی می باشد. در این صورت <مرسی> به معنای وقوع و استقرار خواهد بود. مکرر بودن سؤال، از فعل مضارع <یسئلونک> استفاده شده است.

پرسش مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۱

۱ - پرسش مسلمانان از پیامبر درباره نزدیک یا دور بودن خدا ، نسبت به بندگان

و إذا سألك عبادی عنی فانی قریب

جمله <فانی قریب> بیانگر این است که پرسش مطرح شده در آیه، درباره دوری و نزدیکی خداست.

پرسش مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۸

۸ پیامبر اکرم (ص) در پی بهانه جویی های مشرکان و پرسش های مکرر آنان از علت عدم نزول معجزه ، در انتظار پاسخ و رهنمودی از سوی خداوند بود .

و يقولون لو لا أنزل عليه آية من ربه .. إني معكم من المنتظرين

پرسش مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۵،۱۵

۵- خداوند ، پیشاپیش به پیامبر (ص) اعلام کرد که منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهه استبعاد معاد ، از پدیدآورنده آن سؤال خواهند کرد .

فسیقولون من یعیدنا

۱۵- منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهات خود درباره معاد ، با شگفتی از زمان وقوع آن می پرسیدند .

فسینغضون إلیک رءوسهم و یقولون متی هو

بنابر اینکه حرکت دادن سر، همانگونه که در استعمال لغوی آن آمده است، برای اظهار تعجب و شگفتی باشد (لسان العرب)، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۳

۳ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد ، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

لقد وعدنا هذا.. و یقولون متی هذا الوعد

مراد از <الوعد> به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

پرسش ملائکه قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۶،۱۷

۱۶- > قال أمیر المؤمنین (ع) صلوات الله علیه : إن ابن آدم... فإذا أدخل قبره أتاه ملكا القبر... فیقولان : من ربک و ما دینک و من نبیک ؟ فیقول : الله ربّی و دینی الإسلام و نبی محمد (ص) فیقولان له : ثبتک الله فیما تحبّ و ترضی و هو قول الله عزّوجلّ : > یتبّث الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیاه الدنیا و فی الآخره < ...

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: همانا آدمی زاده را... آن گاه که وارد قبرش می کنند، دو فرشته نزدش می آیند... و می گویند: پروردگارت کیست؟ و دینت چیست؟ و پیامبرت کیست؟ پس پاسخ می گوید: <خداوند> پروردگارم و <اسلام> دین من و پیامبرم حضرت محمد (ص) است. پس به او می گویند: خداوند تو را در آنچه دوست می داری و به آن راضی هستی ثابت قدم و استوار کرده است و این همان سخن خداوند است که می فرماید: <يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ...>.

۱۷- > عن أبي عبد الله (ع) قال: إن المؤمن إذا أُخرج من بيته شيعته الملائكة إلى قبره... و إن كان كافراً خرجت الملائكة تشييعه إلى قبره تلعنونه... ثم يدخل عليه ملكا القبر... فيقولان له: من ربك؟ فيتلجلج و يقول: قد سمعت الناس يقولون فيقولان له: لادريت و يقولان له: ما دينك؟ فيتلجلج فيقولان له: لادريت و يقولان له: من نبيك؟ فيقول: قد سمعت الناس يقولون فيقولان له لادريت و يسأل عن إمام زمانه... و هو قول الله عزوجل: <... و يضلّ الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء >

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که [جنازه] مؤمن را از منزلش بیرون می برند، ملائکه او را تا قبرش تشییع می کنند... و اگر کافر باشد فرشتگان او را تا قبرش تشییع و لعنت می کنند... سپس دو

فرشته قبر، بر او وارد می شوند ... پس به او می گویند: پروردگارت کیست؟ پس او [در پاسخ] مردد می شود و می گوید: شنیده ام مردم [این گونه] می گویند. پس به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ به او می گویند دینت چیست؟ باز مردد می شود و آنان به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ پس به او می گویند: پیامبر تو کیست؟ پس پاسخ می دهد: شنیده ام که [این گونه] مردم می گویند. پس به او می گویند [آیا] ندانستی؟ و از او درباره امام زمانش سؤال می کنند: ... و این سخن خداوند عزّوجلّ است: ... يَضِلُّ اللهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللهُ مَا يَشَاءُ <.

پرسش موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۷،۹

۷ - پرسش موسی (ع) از دختران شعیب درباره انگیزه آنان از منع کردن گوسفندانشان از آب

قال ما خطبكما

<خطب> معادل <شأن> است، یعنی، <ما الذی حملکما علی الذود> چه چیزی شما را بر این کار وا می دارد؟>

۹ - دختران شعیب به پرسش موسی پاسخ دادند .

قالتا لانسقی

پرسش موسی (ع) از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۱۲

۱۲ موسی (ع) در پی هلاکت همراهانش در میقات، با پرسشی شکوه آمیز، توجیه و چرایی هلاکت همه حاضران را به خاطر گناه گروهی از آنان، از خداوند تقاضا کرد .

أتهلكنا بما فعل السفهاء منا

پرسش نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ -

۱ - پرسش نگهبانان جهنم از دوزخیان ، درباره آمدن فرستادگان الهی همراه با دلایل و برهان های روشن برای ایشان

قالوا أَوَ لَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۳

۳ - پرسش سرزنش آمیز نگهبانان دوزخ از کافران دوزخی ، درباره آمدن پیامبر و اخطار دهنده الهی برای آنان

سألهم خزنتها ألم يأتكم نذير

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که استفهام در < ألم يأتكم .. > توییخی و تقریعی باشد.

پرسش و پاسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۵

۵ وعده خداوند به مردم ، مبنی بر پاسخ استفتای آنها درباره حقوق زنان

قل الله يفتيكم فيهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۷

۷ خداوند پاسخ گوی پرسش های مردم ، به هنگام نزول قرآن ، گرچه موجب ناخشنودی آنان گردد .

لا تسئلوا عن اشیاء .. و إن تسئلوا عنها حين ينزل القرآن تبدلکم

به مقتضای اینکه ضمیر در < عنها > به اشیاء توصیف شده به < ان تبدلکم تسؤکم > بر می گردد می توان گفت آن اشیاء و احکام هر چند به خاطر دشواری آنها بر مکلفان بیان نشده است لکن اگر به هنگام نزول قرآن مورد سؤال قرار گیرد، بیان خواهد شد.

پرسش و پاسخ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخدادهای صحنه

ربِّ لم حشرتنی .. قال كذلك أتتك ءايتنا

از ظاهر <قال كذلك> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر آن، صورت گیرد.

زمینه پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۳

۳ تشریح احکامی در مورد زنان ، زمینه مطرح شدن سؤلهایی از سوی مسلمانان صدر اسلام در مورد آنان *

و يستفتونك في النساء .. و ما يتلى عليكم في الكتب في يتيمة النساء

زمینه پرسش از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۳

۳ - گرایش طبیعی انسان به فسق و فجور ، زمینه پرسش های انکارآمیز او درباره قیامت .

بل يريد الإنسان ليفجر أمامه . يسئل أيتان يوم القيمة

جمله <يسئل أيتان..> استیناف بیانی و در مقام تعلیل و تفسیر <بل يريد الإنسان ليفجر...> است یعنی، پرسش انکارآمیز انسان، برخاسته از گرایش او به فسق و فجور است؛ چرا که اگر قیامت را بپذیرد، نمی تواند به فسق و فجور متمایل گردد. ازاین رو برای ادامه راه فسق و فجور خویش، قیامت را انکار کرده و به تمسخر می گیرد.

زمینه پرسش مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۳

۳ - نسخ ادیان و نیز نسخ برخی از آیات و احکام قرآن ، برانگیزنده مسلمانان به طرح پرسشهایی نا به جا

از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

برداشت فوق بر این منباست که <أن تسئلوا> به معنای پرسش کردن باشد. از آن جا که لحن آیه گویای مذمت است، از آن پرسشها به پرسشهای نا به جا تعبیر شده است.

شگفتی پرسش از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۳

۳ - پرسش های تردیدآمیز درباره معاد ، شگفت آور و دور از انتظار است .

عمّ يتساءلون

<ما> در <عمّ> برای استفهام تعجّبی است و دلالت بر غیر منتظره بودن سؤال از معاد دارد.

عجله در پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۰ - ۶

۶- شتاب زدگی در پرسش ، پیش از فرا رسیدن زمینه آگاهی ، دور از ادب تعلّم است .

فلاتسئلنی عن شیء حتّی أحدث لک

فلسفه پرسش ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۰ - ۴

۴ - رشد ابراهیم (ع) در محیط غیر شرک و مواجهه او با محیط شرک آلود ، امری سؤال انگیز برای وی

إذ قال لأبیه و قومه ما تعبدون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که پرسش ابراهیم(ع)، پرسشی طبیعی و برخاسته از فطرت توحیدی وی بود و نه تدبیری در جهت طرح مسائل توحیدی با مردم. بر این اساس روشن می شود که آن حضرت در محیطی غیر شرک می زیسته است از این رو با مشاهده بت پرستی مردم، شگفت زده شد و از آن کار استفسار نمود.

فلسفه پرسش خدا

جلد - نام سوره - سوره -

۴ - پرسش خداوند از موسی (ع) در باره عصا، جهت ایجاد زمینه لازم و آمادگی ذهنی برای نمایاندن آیت و معجزه به او بود.

و ما تلک بیمینک... فألقیها فإذا هی حیة

تصریح موسی(ع) به خواص طبیعی عصا در پاسخ خداوند، ایجادکننده زمینه ای مناسب در ذهن او بود که با مقایسه دو حالت عصا، هیچ تردیدی در معجزه بودن حالت جدید به خود راه ندهد.

فلسفه پرسش سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - در مجمع البیان آمده است: > و اختلف فی سبب تفقده الهدهد فقیل إنه احتاج إلیه فی سفره لیدله علی الماء قال أبوحنیفه لأبی عبدالله (ع) کیف تفقد سلیمان الهدهد من بین الطیر؟ قال: لأن الهدهد یری الماء فی بطن الأرض کمایری أحدکم الدهن فی القاروره ;

در انگیزه سؤال سلیمان از غیبت هدهد اختلاف شده است: بعضی گفته اند: سلیمان در سفرش نیاز به هدهد داشت تا وی را به وجود آب راهنمایی کند. [مجمع می افزاید] که ابوحنیفه از امام صادق(ع) سؤال کرد: چرا سلیمان از میان پرندگان سراغ هدهد را گرفت؟ فرمود: برای این که هدهد آب را در دل زمین می بیند، همان گونه که فردی از شما روغن را در ظرف بلورین می بیند...<.

فلسفه پرسش فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - فرعون با طرح پرسش از موسی (ع)

در باره وضعیت اقوام گذشته ، سعی در پنهان ساختن در ماندگی خود در برابر سخنان او داشت .

من ربكما .. الذى أعطى كل شىء خلقه ... فما بال القرون الأولى

ممکن است طرح سؤال فرعون در باره اقوام گذشته، صرفاً به جهت منحرف ساختن بحث و بردن آن به زاویه ای نامشخص صورت گرفته باشد. وارد نشدن موسی(ع) در چنین بحثی، نقشه او را خنثی کرده است.

فواید پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۴

۴ یوسف (ع) ، با طرح سؤال و برانگیختن وجدان هم بندها خویش ، حقایق توحید و یکتاپرستی را برای آنان مطرح ساخت

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۵

۵ بیان حقایق و معارف در قالب پرسش و پاسخ از روش های قرآن برای توجه دادن مردم به آن حقایق

قل من رب السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۷

۷- سؤال از وجدان و برانگیختن حس حق جویی ، وسیله ای برای هوشیاری و روشی در اثبات حقایق

أفمن یخلق کمن لا یخلق أفلاتندکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۴

۱۴- پرسش ، از ابزار شناخت است .

فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۶

۶- طرح کردن پرسش های برانگیزاننده و ایجاد زمینه برای

ارائه معارف ، از روش های مورد استفاده در قرآن است .

قل هل ننبئكم بالأخسرين أعمالاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۹

۹- وادار ساختن مردم به تحقیق و تفکر با طرح پرسش ، در باره عقیده ها و عملکرد های شان ، روشی نیکو در تربیت و تبلیغ

لَمْ تَعْبُدُوا مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يَبْصُرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۱ - ۶

۶- بازخواستن و زیر سؤال بردن اندیشه و عقیده باطل ، روشی در هدایت و بیان عقیده و اندیشه درست .

أَمْ اتَّخَذُوا مِنَ الْأَرْضِ هِمًا يَنْشُرُونَ

برداشت یاد شده از جمله استفهامیه <هم ینشرون> استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۳

۳- بازخواست و زیر سؤال بردن عقیده و اندیشه باطل ، روشی در هدایت و بیان عقیده و اندیشه درست .

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <أم> منقطعه، بر استفهام توییحی دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ طرح سؤال و پرسش ، روشی برای برانگیختن اندیشه و تفکر ، در شناخت بهتر حقایق الهی و گزینش بهترین عقیده ها و رفتارها

قل أذلك خير أم جنه الخلد التي وعد المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۰ - ۳

۳ - ايجاد سؤال در مردم نسبت به باور های آنان ، روش ابراهيم

(ع) در یاد کرد بطلان عقاید ایشان

إذ قال لأبيه و قومه ما تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۴

۴ - ایجاد سؤال در مردم نسبت به باور های آنان ، روش ابراهیم (ع) در تذکر دادن و باطل کردن عقاید ایشان

قال هل يسمعونكم إذ تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۲

۲ - طرح پرسش های تنبه بخش و بیدار کننده ، شیوه ای ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) در محاجه با مشرکان

قل أراءيتم إن جعل الله .. أفلاتسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۲

۲ - طرح پرسش های تنبه آفرین و بیدار گر ، از شیوه های ارائه شده از سوی خدا به پیامبر در احتجاج با اهل شرک

قل أراءيتم إن جعل الله .. أفلاتبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۸

۸ - طرح پرسش در احتجاج ، برای واداشتن طرف مقابل به اقرار به حق ، از روش های قرآن برای تبیین حقایق است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۴ - ۷

۷- استفاده از پرسش برای ایجاد ذهنیت مساعد جهت تفهیم حقیقت به مخاطب ، از روش های تربیتی قرآن کریم

قل من یرزقکم من السموت و الأرض قل اللّٰه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۳

۳- پرسش از حقایق مورد غفلت و واداشتن اندیشه ها به تأمل درباره آن ، روشی قرآنی برای هدایت آدمیان

قل أراءِیتُم ما تدعون . . . أرونی ماذا خلقوا

طرح پرسش از سوی قرآن، برای وادار کردن مشرکان به تأمل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۲ - ۴

۴ - طرح سؤال و برانگیختن به اندیشه و خردورزی ، از روش های هدایتی تربیتی قرآن

أفرءِیتُم ما تمنون . . . أنتم تخلقونه أم نحن الخلقون... أفرءِیتُم النار ... أنتم أنشأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۰ - ۲

۲ - ایجاد انگیزه در مخاطب ، با طرح پرسش و آن گاه بیان پاسخ آن ، از روش های هدایتی قرآن

هل أدلکم علی تجره

جمله <هل أدلکم...> طرح پرسش و <تؤمنون بالله> در آیه بعد بیان پاسخ آن است.

گناه پرسش بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۱۳

۱۳ خداوند آمرزنده گناه مترتب بر پرسش های بیجا تا پیش از تحریم آن *

لا تسئلوا عن اشیاء . . . و الله غفور حلیم

توصیف خداوند به <غفور> پس از بیان نهی از پرسشهای بیجا می تواند ناظر به آمرزش گناه کسانی باشد که تا پیش از بیان

نهی، چنین سؤالاتی را مطرح کرده بودند.

محدوده پرسش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۴

چگونگی رفتار امتها و برخورد آنان با رسالت انبیا، پرسش خداوند از رسولان خویش در قیامت *

فلنستلن الذين أرسل إليهم ولنستلن المرسلين

بدان احتمال که مورد سؤال از پیامبران، رفتار امتهایشان باشد؛ چه اینکه محور آیات پیشین فرمان به پذیرش آیات الهی و تهدید مخالفان انبیا بوده است.

ممنوع پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۲

۲ پرسش از معارف و احکام ناگفته از سوی خداوند ، مورد نهی الهی

لا تسئلوا عن اشیاء .. عفا الله عنها

<عفو> در لغت به معنای مستور کردن است و مراد از مستور کردن اشیاء، بیان نکردن آنهاست. و مقصود از <اشیاء> به قرینه <و ان تسئلوا عنها حين ينزل القرآن> مسائلی است که در راستای هدف قرآن (هدایت بشر) قرار دارد که همان احکام و معارف الهی است. و آیه بعد که گروهی را به دلیل انکار آن اشیاء کافر نامیده مؤید این است که مراد از <اشیاء> معارف الهی باشد.

موانع پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۴

۴- ناسازگاری مقام الوهیت با محاسبه و بازخواست شدن

فسبحن الله .. لا یسل عما یفعل و هم یسلون

ناپسندی پرسش از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۳

۳- ناشایست بودن چون و چراکردن و ایراد به افعال خداوند

لایسل عمّا یفعل

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <لایسل عمّا یفعل> خبر در مقام انشا باشد، یعنی، نباید از چرایی افعال خداوند پرسید و خرده گرفت.

پرسش و

{پرسش و پاسخ}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره ایتام

و یسئلونک عن الیتامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۲

۲ سؤال های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ای برای نزول آیات و بیان احکام

و یسئلونک عن المحیض قل هو اذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۱۷، ۴، ۵

۲ عبور فردی (عزیز) در ضمن سفر از قریه ویران شده ای که دیوار های آن روی سقفهایش فروریخته و مشاهده مردگان و پرسش وی از خداوند درباره چگونگی زنده شدن آنان

او کالذی مرّ علی قریه و هی خاویه علی عروشها

بسیاری از مفسران برآنند که داستان ذکر شده درباره عزیز پیامبر است؛ گر چه برخی آن را به ارمیا نسبت داده اند. گفتنی است که جمله <خاویه علی عروشها> را برخی به معنای خالی از سکنه و برخی مخروبه و فروپاشیده دانسته اند.

۴ آگاهی عزیز به اصل زنده شدن مردگان در رستاخیز و پرسش وی از چگونگی زنده شدن آنان

قال ائی یحیی هذه الله بعد موتها

<ائی یحیی> که استفهام است، دلالت دارد بر اینکه عزیز، اصل احیا را اذعان داشته و از کیفیت آن پرسش کرده است.

۵ خداوند ، عزیز را میراند و پس از صد سال وی را زنده کرد تا پاسخی باشد به پرسش وی از چگونگی زنده شدن مردگان

قال أنى . . فاماته الله مائه عام

ثُمَّ بَعَثَهُ

۱۷ زنده شدن الاغ عزیز پس از جمع آوری استخوان های آن و پوشاندن گوشت بر آنها، پاسخی به پرسش وی از کیفیت و امکان حیات مردگان

و انظر الى العظام كيف ننشزها ثم نكسوها لحمًا

مراد از <العظام> به قرینه <و انظر الى حمارك>، استخوانهای همان الاغ است؛ چون صرف نگاه به حمار، نشانه ای برای احیای مردگان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۷ - ۶

۶ عدم منافات مقام بلند برگزیدگان الهی با پرسش آنان از افعال خداوند و شگفتی از آن

یا مریم انّ الله اصطفیک .. قالت ربّ انّی یکون لی ولد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۱

۱ پیامبر (ص)، مأمور پرسش از انگیزه های کفر اهل کتاب

قل یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات الله

اهمیت پرسش و پاسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۶

۶ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ طرح و بیان حقایق به صورت پرسش و پاسخ، از روشهای هدایتی قرآن

قل أغیر الله .. قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۶۸

۶ پیامبر(ص)، مأمور به احتجاج

و بحث با مشرکان با طرح سؤال و پاسخ

قل أي شيء أكبر شهادة قل الله

۸ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن در تبلیغ و هدایت

قل أي شيء أكبر شهادة قل الله شهيد

پرسش و پاسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۵

۵ وعده خداوند به مردم ، مبنی بر پاسخ استفتای آنها درباره حقوق زنان

قل الله يفتيكم فيهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۷

۷ خداوند پاسخ گوی پرسش های مردم ، به هنگام نزول قرآن ، گرچه موجب ناخشنودی آنان گردد .

لاتسئلوا عن اشياء .. و إن تسئلوا عنها حين ينزل القرآن تبدلکم

به مقتضای اینکه ضمیر در <عنها> به اشیاء توصیف شده به <ان تبدلکم تسؤکم> بر می گردد می توان گفت آن اشیاء و احکام هر چند به خاطر دشواری آنها بر مکلفان بیان نشده است لکن اگر به هنگام نزول قرآن مورد سؤال قرار گیرد، بیان خواهد شد.

پرسش و پاسخ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

ربّ لم حشرتنی .. قال كذلك أتتك ءايتنا

از ظاهر <قال كذلك> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه

یا غیر آن، صورت گیرد.

پرسشهای دینی

پاسخ به پرسشهای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۱۴

۱۴- لزوم پاسخ عالم ، به پرسش های جاهل در مورد مسائل دینی

فسلوا أهل الذکر

گفتنی است که اگر سؤال واجب باشد، جواب نیز الزامی خواهد بود و گرنه وجوب سؤال لغو می شود؛ زیرا ممکن است بر اثر واجب نبودن پاسخ، سؤال ها بی جواب بماند. در این صورت، موجب نقض غرض خواهد شد و این از خداوند حکیم به دور است.

پاسخ پرسشهای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۱،۲

۱ خداوند تنها نجاتبخش آدمیان از مهلکه ها و از هر گونه اندوه و سختی است.

قل من ینجیکم .. قل الله ینجیکم

۲ پیامبر(ص) وظیفه دار بیان برخی از معارف به صورت طرح پرسش و ارائه پاسخ است.

قل من ینجیکم .. قل الله ینجیکم

پرندگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پرندگان

ابراهیم(ع) و پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ بازگشت پرندگان ذبح شده به جانب ابراهیم (ع) ، پس از فراخوانی آنها

ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَا تَيْنُكَ سَعِيًّا

۲۷ طاووس ، خروس ، کبوتر و کلاغ ، چهار پرنده ای که ابراهیم (ع) برگزید .

فخذ اربعة من الطير

امام صادق (ع): ... فاخذ ابراهيم الطاووس و الديك و الحمام و الغراب ...

تفسیر قمی، ص ۹۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۱۰۹۸.

۲۹ حضرت ابراهیم (ع) ، اجزای مرغان را بر ده کوه قرار داد .

ثُمَّ اجْعَلْ

علی کلّ جبل منهّن جزءاً

امام صادق (ع): ... و کانت الجبال عشرة.

کافی، ج ۸، ص ۳۰۵، ح ۴۷۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۱۰۹۷ و ۱۰۹۸.

احیای پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۱۶،۲۳

۱۶ بازگشت پرندگان ذبح شده به جانب ابراهیم (ع)، پس از فراخوانی آنها

ثم ادعهنّ یا تینک سعياً

۲۳ جمع میان اجزای پراکنده مردگان و احیای آنان، بر اساس حکمت خداوندی

ثم اجعل... ثم ادعهنّ... انّ الله عزیز حکیم

اقرار پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۷

۷ - پرندگانی که بدون بال زدن پرواز می کنند، تسبیح گوی خدا و معترف به مبرا بودن او از هر گونه نقص و عیب اند.

انّ الله له من... و الطیر صفت

<صافّات> حال برای <الطیر> می باشد و <الطیر الصواف> به معنای پرندگان بال گشوده و بدون تحرک است (لسان العرب) و مقصود از آن، پرواز پرندگان در هوا بدون بال زدن است.

امت پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ تمامی جنبندگان زمینی و پرندگان آسمان، مانند آدمیان، به صورت امت زندگی می کنند.

و ما من دابه فی الأرض و لا طئر یطیر بجناحیه إلا أمم أمثالکم

انسان شناسی پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۶

۶- پرندگان ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به انسان و

خدا

و الطیر محشوره کلّ له اُواب

انقیاد پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۳ - ۲

۲ - پرندگان ، مطیع فرمان خداوند و در خدمت اهداف او هستند .

و أرسل علیهم طیراً اُبابیل

اهمیت فهم تکلم پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۷

۷ - آگاهی داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان ، دارای اهمیتی ویژه برای آنان در مقایسه با سایر امکانات

علمنا منطق الطیر و اوتینا من کلّ شیء

با این که <هو اوتینا من کلّ شیء> شامل <منطق الطیر> هم می شود، اختصاص به ذکر یافتن و مقدم آوردن آن، نشانگر اهمیت ویژه آن در مقایسه با سایر موهبت های الهی نسبت به داوود و سلیمان است.

بازدید از پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۱

۱ - بازدید سلیمان (ع) از گروه پرندگان به منظور جویا شدن از احوال آنها

و تفقّد الطیر

<تَفَقَّدَ> (مصدر <تَفَقَّدَ>) معادل <تعهد> (وارسی کردن) است. بنابراین <تفقّد الطیر>؛ یعنی، از حال پرندگان جویا شد.

بال پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۲

۲ پرواز پرندگان در فضا با دو بال

و لا طئر يطير بجناحيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۹ - ۳

۳ - باز و بسته شدن بال های پرندگان بر فراز زمین ، از برجسته ترین جلوه های قدرت و رحمانیت خداوند

أولم يروا إلی

الطير .. ما يمسكهنّ إلا الرحمن

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن <باز و بسته شدن بال های پرندگان در فضا> به دست می آید.

پرندگان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۱

۱ - سلیمان (ع) ، دارای سپاهی متشکل از نیرو های جن ، انسان و پرندگان

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

پرواز پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۲

۲ پرواز پرندگان در فضا با دو بال

و لا طئر یطیر بجناحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۴،۷

۴- پرواز پرندگان در جوّ آسمان بدون سقوط بر زمین ، از نشانه های قدرت خداوند است .

ألم یروا إلى الطیر مسخّرت فی جوّ السماء ما یمسکهنّ إلاّ الله

۷- در پرواز پرندگان و حرکت اجرام آسمانی ، آیات بسیاری بر عظمت و قدرت خداوند وجود دارد .

ألم یروا إلى الطیر .. ما یمسکهنّ إلاّ الله إن فی ذلك لأیت لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۹ - ۵،۷،۳،۲

۲ - پرواز طیور و پرندگان در فضا، بدون سقوط بر زمین، از آیات قدرت و جلوه های رحمانیت خداوند

أولم يروا إلى الطير... ما يمسكهنّ إلا الرحمن

۳ - باز و بسته شدن بال های پرندگان بر فراز زمین، از برجسته ترین جلوه های قدرت و رحمانیت خداوند

أولم يروا إلى الطير... ما

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن <باز و بسته شدن بال های پرندگان در فضا> به دست می آید.

۵- پرواز پرندگان بر فراز زمین ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر عذاب و هلاکت کافران

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ . أَوْلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ ... مَا يَمْسُكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ

ذکر پرواز پرندگان به عنوان نشانه قدرت خدای رحمان پس از یادآوری کیفر و عذاب کافران پیشین می تواند به منظور ارائه نمونه و جلوه ای از قدرت همه جانبه خداوند در جهان باشد.

۷- پرواز پرندگان بر فراز انسان ها ، جلوه آگاهی و بینایی مطلق خداوند

أَوْلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ ... إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ

تسبیح پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۶،۹

۶- کوه ها و پرندگان ، به تسخیر الهی همراه با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

و سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحُنَّ وَالطَّيْرِ

۹- هم آوایی موجودات طبیعت (کوه ها ، پرندگان و ...) با پیامبران در تسبیح خداوند

و سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحُنَّ وَالطَّيْرِ وَ كُنَّا فَعَلِينَ

تعبیر <كُنَّا فَعَلِينَ> (ما در گذشته این کار را انجام می دادیم) برای بیان این حقیقت است که کوه ها و پرندگان تنها با داوود و سلیمان هم آوا نشدند؛ بلکه پیش از این نیز با پیامبران الهی هم آوا بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۷،۸،۱۰

۷- فرمان خداوند به پرندگان ، برای هم صدایی با داوود (ع) در

و لقد ءاتینا داود مَنَّا فضلاً .. و الطیر

بنابراین احتمال که نصب <الطیر> به خاطر منادا بودن باشد، نکته یاد شده به دست می آید. لازم به ذکر است که با احتمال یاد شده، <الطیر> عطف به محل <جبال> خواهد بود.

۸- هم صدایی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند، فضیلتی اعطا شده از جانب خدا به او

و لقد ءاتینا داود مَنَّا فضلاً .. و الطیر

۱۰- هم آوایی کوه ها به همراهی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند

و لقد ءاتینا داود مَنَّا فضلاً یجبال أوبی معه و الطیر

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <الطیر> عطف به ضمیر مجرور <معه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۲،۴

۲- تمامی پرندگان به خاطر تسبیح داوود (ع)، پیوسته به او مراجعه می کردند و با ایشان به تسبیح می پرداختند .

و الطیر محشوره کلّ له أواب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که لام در <له> برای تعلیل و ضمیر آن به داوود بازگردد و نیز با توجه به این نکته است که آیه شریفه عطف بر آیه قبل بوده و در آن سخن از تسبیح کوه ها با داوود(ع) به میان آمده است. قهراً مقصود از رجوع بسیار پرندگان به آن حضرت (له أواب) رفت و آمد بسیار با ایشان، برای همراهی با او جهت تسبیح خواهد بود.

۴- تمامی کوه ها و پرندگان به خاطر تسبیح داوود (ع) همراه او به تسبیح می پرداختند .

سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يَسْبَحْنَ .. و الطير محشوره كلّ له اَوَاب

برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است که واژه <كلّ> شامل <جبال> (کوه ها) هم بشود.

تسخیر پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۱،۳

۱ - پرندگان با زندگی دسته جمعی خود ، مسخر و رام خدا هستند .

إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ .. و الطير محشوره

<و الطير> عطف بر <الجبال> و عامل آن فعل <سَخَرْنَا> است. <محشوره> نیز به معنای <مجمعه> (دسته جمعی) و حال برای <طير> است.

۳ - تمامی پرندگان در خدمت داوود (ع) و در رفت و آمد بسیار ، با ایشان بودند .

و الطير محشوره كلّ له اَوَاب

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که اَوَاب بودن پرندگان برای تسبیح با داوود(ع) نباشد؛ بلکه این رجوع و بازگشت مکرر و پیوسته، صرفاً به خاطر در خدمت او بودن باشد.

تعبیر رؤیای خوردن پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۳

۳ یوسف (ع) ، رؤیای حمل نان و خوردن پرندگان از آن را ، به دار کشیده شدن صاحب رؤیا و خوردن پرندگان از سر او تفسیر کرد .

و أما الآخر فيصلب فتأكل الطير من رأسه

<صلب> (مصدر یصلب) یعنی ، کشتن به طریق بستن به چوبه دار

تکلم پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۳،۵

۳ - آگاهی داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان

و قال یاٰیها الناس علّٰمنا منطق الطیر

۵ - آگاهی به

گفتار پرندگان ، موهبتی الهی به داوود و سلیمان

و لقد آتینا داود و سلیمان علماً .. و قال یا ایها الناس علمنا منطق الطیر

حشر اخروی پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۸

۸ تمامی جنبندگان زمین و پرندگان آسمان، مانند انسان، در قیامت برانگیخته می شوند.

ثم إلى ربهم يحشرون

خداشناسی پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۶

۶ - پرندگان ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به انسان و خدا

و الطیر محشوره کلّ له أوّاب

ذبح پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۱۶، ۱۵

۱۵ امر خداوند به ابراهیم (ع) ، درباره مانوس ساختن پرندگانی که مأمور ذبح آنها گردیده بود با خویش *

فصرهنّ الیک

متعددی شدن کلمه <فصرهنّ> به <الی> نشانگر این است که آن کلمه، متضمن معنای <املهن> است ؛ یعنی آنها را به خود متمایل ساز که لازمه آن، انس گرفتن پرندگان با ابراهیم (ع) است. بر این اساس، کُشتن پرندگان و مخلوط کردن آنها از جمله <ثمّ اجعل علی کلّ جبل منهنّ جزءاً> معلوم می شود.

۱۶ بازگشت پرندگان ذبح شده به جانب ابراهیم (ع) ، پس از فراخوانی آنها

ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَا تِينُكَ سَعِيًّا

رؤیای خوردن پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۵

۵ حمل نان بر بالای سر و خوردن پرندگان از آن ، رؤیای یکی دیگر از هم بندگان یوسف (ع)

وقال

الأخر إني أرىني أحمل فوق رأسي خبزًا تأكل الطير منه

<طير> جمع طائر و به معنای پرندگان است.

زندگی جمع پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱

۱ تمامی جنیدگان زمینی و پرندگان آسمان، مانند آدمیان، به صورت امت زندگی می کنند.

و ما من دابه فی الأرض و لا طئر یطیر بجناحیه إلا أمم أمثالکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۱

۱ - پرندگان با زندگی دسته جمعی خود، مسخر و رام خدا هستند .

إنا سخرنا الجبال .. و الطیر محشوره

<و الطیر> عطف بر <الجبال> و عامل آن فعل <سخرنا> است. <محشوره> نیز به معنای <مجتمعه> (دسته جمعی) و حال برای <طیر> است.

شعور پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۷

۷- طبیعت (کوه ها ، پرندگان و ...) دارای نوعی شعور و آگاهی به خداوند

الجبال یسبحن و الطیر

هم آوا شدن کوه ها و پرندگان با داوود(ع) در تسبیح خداوند، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - پرندگان ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به انسان و خدا

و الطیر محشوره کلّ له اواب

شگفتی پرواز پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۸

۸ - پرواز پرندگان بال گشاده و بدون بال زدن ، از شگفتی های آفرینش است .

و الطیر

برداشت یاد شده از تخصیص به ذکر یافتن پرندگان که بدون بال زدن پرواز می کنند از دیگر موجودات زنده، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۹ - ۱

۱ - پرواز پرندگان در فضا و بر فراز انسان ها ، از شگفتی های آفرینش

أولم یروا إلی الطیر فوقهم صفت و یقبضن

کیفیت تسبیح پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۷

۷ - پرندگان که بدون بال زدن پرواز می کنند ، تسبیح گوی خدا و معترف به مبرا بودن او از هر گونه نقص و عیب اند .

أَنَّ اللَّهَ لَهُ مِنْ .. وَ الطیر صفت

<صافّات> حال برای <الطیر> می باشد و <الطیر الصواف> به معنای پرندگان بال گشوده و بدون تحرک است (لسان العرب) و مقصود از آن، پرواز پرندگان در هوا بدون بال زدن است.

گوشت پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۱ - ۱،۲

۱ - وجود گوشت انواع پرندگان در بهشت پیشتازان (سابقون)

و لحم طیر ممّا یشتهون

<طیر> (پرنده) جنس است و شامل انواع پرندگان می شود. <مما یشتهون> (آنچه دلشان می خواهد) تأکید بر همین معنا است.

۲- جوانان خدمت گذار، پذیرایی کننده پيشتازان (سابقون) در بهشت با گوشت انواع پرندگان دلخواه

و لحم طير ممّا يشتهون

<لحم طير> عطف بر <أكواب> است؛ يعنى، <و يطوف عليهم ولدان مخلدون بلحم طير>.

محافظ پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۶

۶- حرکت

پرنندگان ، همواره متکی به قدرت و حفاظت خداوند است .

ألم يروا إلى الطير .. ما يمسكهنّ إلا الله

مطالعه پرواز پرنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۱،۲

۱- لزوم اندیشیدن انسان ها در کیفیت پرواز پرنندگان در جو آسمان و قوانین حاکم بر آن

ألم يروا إلى الطير مسخرت في جوّ السماء

<رؤیت > که به معنای دیدن با چشم است، هر گاه با <إلى > متعدی شود، متضمن معنای نظر و دقت می شود.

۲- دقت و اندیشه در کیفیت پرواز پرنندگان ، از راه های خداشناسی

ألم يروا إلى الطير مسخرت في جوّ السماء ما يمسكهنّ إلا الله

منشأ پرواز پرنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۶

۶- حرکت پرنندگان ، همواره متکی به قدرت و حفاظت خداوند است .

ألم يروا إلى الطير .. ما يمسكهنّ إلا الله

منشأ تسخير پرنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۶،۷،۹

۶ - خداوند ، تسخیرکننده پرنندگان برای داوود (ع)

و لقد آتينا داود منّا فضلاً .. و الطير

بنابراین که <الطیر> عطف به <فضلاً> باشد، <ایتای طیر> به داوود(ع) به معنای مسخر بودن پرندگان برای داوود(ع) خواهد بود.

۷- فرمان خداوند به پرندگان، برای هم صدایی با داوود (ع) در تسبیح گویی

و لقد ءاتینا داود مِّنَّا فَضْلًا . . . و الطیر

بنابراین احتمال که نصب <الطیر> به خاطر منادا بودن باشد، نکته یاد شده به دست می آید. لازم به ذکر است که با احتمال یاد

شده، <الطير> عطف به محل <جبال> خواهد بود.

۹ - مسخر بودن پرندگان برای داوود (ع)، فضیلتی اعطایی از جانب خدا به آن حضرت

و لقد ءاتینا داود مِّنَّا فضلًا .. و الطیر

نقش پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۳ - ۴

۴ - شکست دشمنان قوی پنجه و آشفته ساختن نقشه های آنان، به وسیله پرندگانی کوچک و ضعیف، نشانه قدرت خداوند و سزاوار تأمل و اندیشه

ألم تر کیف فعل ربّک .. ألم يجعل کیدهم فی تضلیل . و أرسل علیهم طیرًا أبابیل

جمله <و أرسل علیهم ..>، هجوم پرندگان را مصداق مطالبی قرار داده که در آیات قبل آمده بود.

ویژگیهای تکلم پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۴

۴ - پرندگان، دارای نطق و گفتاری خاص

علمنا منطق الطیر

هجوم پرندگان بر اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۳ - ۱

۱ - خداوند، پرندگانی فراوان و ناشناخته را بر اصحاب فیل، حمله‌ور ساخت و آنها گروه گروه و پیاپی بر آنان هجوم بردند.

و أرسل علیهم طیرًا أبابیل

نکره آمدن <طیراً> (اسم جمع <طائر>) بر ناشناخته بودن آنها دلالت دارد. توصیف آن به <أباییل> که یا به معنای دسته دسته و یا پی در پی است (قاموس) بیانگر آن است که یورش پرندگان بر اصحاب فیل، تدریجی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۲

تأثیر هجوم پرندگان به اصحاب فیل ، به دست خداوند و مستند به او است .

ترمیمهم .. فجعلهم كعصف مأكول

فاعل <ترمیمهم>، پرندگان و فاعل <جعلهم>، خداوند است؛ یعنی، کار از آنها و اثر از خداوند بود.

هم آوایی پرندگان با داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۷،۸،۱۰

۷- فرمان خداوند به پرندگان ، برای هم صدایی با داوود (ع) در تسبیح گویی

و لقد ءاتینا داود مِّنَّا فَضْلًا .. و الطیر

بنابراین احتمال که نصب <الطیر> به خاطر منادا بودن باشد، نکته یاد شده به دست می آید. لازم به ذکر است که با احتمال یاد شده، <الطیر> عطف به محل <جبال> خواهد بود.

۸- هم صدایی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند ، فضیلتی اعطا شده از جانب خدا به او

و لقد ءاتینا داود مِّنَّا فَضْلًا .. و الطیر

۱۰- هم آوایی کوه ها به همراهی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند

و لقد ءاتینا داود مِّنَّا فَضْلًا یجبال أوبی معه و الطیر

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <الطیر> عطف به ضمیر مجرور <معه> باشد.

پسر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پسر

افساد پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۴۶ - ۴،۵،۶،۳،۱

۱ فرزند ناخلف حضرت نوح ، انسانی ناصالح و فسادپیشه بود .

إنه عمل غیر صلح

۳ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب محسوب نشدن وی از خانواده نوح (ع) در پیشگاه خداوند

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

جمله <إنه عمل . . . > علت برای <إنه لیس

من أهلك > می باشد؛ یعنی ، چون فرزندت دارای عمل ناشایست است ، ما او را از خانواده تو به حساب نمی آوریم.

۴ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب هلاکت وی در حادثه طوفان

فكان من المغرقين .. إنه ليس من أهلك إنه عمل غير صالح

۵ نوح (ع) ، ناآگاه به تباهی و فساد بی حد فرزند ناخلف خویش

إنه عمل غير صالح

۶ نوح (ع) ناآگاه به گسستن پیوند فرزندى کنعان با او بر اثر اعمال ناشایستش

إن ابني من أهلي .. إنه ليس من أهلك

امدادهای پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۶

۱۶- > عن أبي عبد الله (ع) عن قول الله > و جعل لكم من أزواجكم بنين و حفده > قال : هم الحفده و هم العون منهم یعنی البنين ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدا > و جعل لكم من أزواجكم بنين و حفده > فرمود: حفده پسرانی اند که کمک انسان می باشند.

برتری پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۹ - ۳،۴

۳ - برتری پسر بر دختر در دیدگاه مشرکان صدراسلام

الرَّبِّكَ الْبَنَاتِ وَ لَهُمُ الْبَنُونَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته تاریخی است که مشرکان، فرزند پسر را بر دختر ترجیح می دادند؛ ولی در عین حال معتقد بودند که خداوند دختر را برگزیده است. از این رو خداوند چنین طرز تفکری را محکوم کرده است.

۴ - انتساب دختر به خدا، در عین عقیده به برتر بودن پسر بر دختر، عملی

نابخردانه و به دور از منطق

فاستفتهم الربك البنات و لهم البنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۶

۶ - برتری پسران و مردان بر دختران و زنان ، اندیشه ای پوچ و فاقد دلیل و برهان قطعی و روشن

فلیأت مستمعهم بسلطن مبین . أم له البنت و لکم البنون

یادآوری برتر دانستن پسر بر دختر از سوی مشرکان، پس از بیان پوچی و بی پایگی عقاید آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۱ - ۲

۲ - مزیت پسران بر دختران ، از عقاید عرب جاهلی

ألکم الذکر و له الأنثی

بشارت پسر عالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۷،۱۱

۷ - بشارت میهمانان ابراهیم (ع) ، به آن حضرت در مورد اعطای پسری دانا به ایشان

و بشروه بغلم علیم

۱۱ - داشتن فرزند دانا و دانشمند ، از نعمت های الهی و شایسته بشارت و شادمانی

و بشروه بغلم علیم

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که واژه <بشارت> در جایی به کار می رود که خیر و نعمت باشد.

بی تأثیری پسر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۴

۴ - فرزندان ، حتی پسران ، در قیامت سودی به پدر و مادر نخواهند رساند .

و بنیه

<بنیه> گر چه تنها شامل پسران است؛ ولی یاد نکردن از دختران به دلیل وضوح یکسانی آنها با پسران یا کمتر بودن

انتظار یاری رسانی آنان است. فرار پدران از فرزندان، فرار مادر از آنان را نیز در مفهوم خود دارد. گفتنی است: در فرار پدر و مادر از فرزندان، سودمند نبودن هر یک برای دیگری، نهفته است.

بینش پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۲

۲ فرزند نوح ، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از حادثه طوفان می پنداشت .

قال سأوی إلی جبل یعصمی من الماء

<أوی> (مصدر آوی) به معنای رجوع کردن و منضم شدن و جای گرفتن است و <عصمه> (مصدر یعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین <سأوی...> یعنی ، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

پسر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۸

۸ خداوند ، فرزند ابراهیم و همسرش ساره را پیش از تولدش اسحاق نامید . *

فبشّرناها یاسحق

ظاهر جمله <فبشّرناها یاسحق... یعقوب> این است که فرشتگان، نام اسحاق و یعقوب را نیز در بشارت آورده باشند.

پسر رضاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۳ - ۷

۷ جواز ازدواج با همسرِ پسر خوانده و یا پسر رضاعی

حزمت .. و حلائل ابنائکم الذین من اصلابکم

پسر زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۲

۲- خداوند زکریا را بشارت داد که به او پسری عطا خواهد کرد .

یزکریا اِنَّا نَبِّشْرُکَ بَغْلَم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱- حضرت یحیی (ع)، فرزند دلخواه زکریا (ع) و دارای اخلاق و رفتاری رضایت بخش

و کان تقیًّا . و بَرًّا بولدیه و لم یکن جَبَّارًا عَصِیًّا

برشمردن ویژگی های یحیی پس از بیان دعاهاى زکریا که در آن آمده بود: <واجعله ربّ رضیًّا>، می تواند گویای مطابقت اوصاف یحیی، با خواسته زکریا باشد.

پسر ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۷۸

۷ خداوند، همسر ابراهیم را به دارا شدن فرزند پسری بشارت داد.

فبشّرناها یاسحق

۸ خداوند، فرزند ابراهیم و همسرش ساره را پیش از تولدش اسحاق نامید. *

فبشّرناها یاسحق

ظاهر جمله <فبشّرناها یاسحاق... یعقوب> این است که فرشتگان، نام اسحاق و یعقوب را نیز در بشارت آورده باشند.

پسر لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۵

۵ - توصیه به اجتناب از شرک، مهم ترین نصیحت لقمان به پسر خویش بود.

و إذ قال لقمن لابنه و هو یعظه یبنی لاتشرک بالله

از آن جایی که نهی <لاتشرک> نخستین توصیه از وصایای لقمان به فرزندش است، استفاده می شود که آن، مهم ترین است.

پسر نوح(ع) قبل از طوفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ فرزند نوح ، تا زمان حادثه طوفان نه در صف مؤمنان بود و نه در زمره کافران . *

نادی نوح ابنه و کان فی معزل یبئی اربک

معنا و لاتکن مع الکفرین

برخی برآنند که مراد از کنار بودن فرزند نوح (و کان فی معزل)، کنارگیری وی از صف مؤمنانو جبهه کافران است؛ یعنی، نه ایمان آورده بود، و نه اظهار تکذیب می کرد.

پسر نوح(ع) و ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۹

۹ نوح (ع) به ایمان آوردن فرزندش امیدوار بود و آن را محتمل می شمرد .

بینی اربک معنا و لاتکن مع الکفرین

پسر نوح(ع) و کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۵،۶

۵ فرزند نوح ، به هنگام حرکت کشتی ، با فاصله ای نسبتاً دور از کشتی بسر می برد .

و نادى نوح ابنه و کان فی معزل

متعلق <معزل> آیه و یا الفلک می باشد. بنابراین <و کان ...>؛ یعنی ، فرزند نوح در کناری و به دور از پدرش یا کشتی بسر می برد.

۶ فرزند نوح ، علی رغم مشاهده دریایی از آب خروشان ، از همراهی با نوح (ع) و سوار شدن بر کشتی نجات ، کناره گرفت .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال و نادى نوح ابنه و کان فی معزل

وقوع جمله <و نادى نوح> پس از <هی تجری بهم ...> گویای این است که گفتوگوی حضرت نوح(ع) با فرزندش، پس از بالا آمدن آب و حرکت کشتی بوده است جمله و <حال بینهما الموج> در آیه بعد مؤید این معنا می باشد. قابل ذکر است که برخی از مفسران، جمله <نادى نوح ...> را عطف

بر <قال اركبوا...> دانسته و گفته اند: گفتوگویی یاد شده، پیش از حادثه طوفان و بالا آمدن آب بوده است.

پسر نوح(ع) هنگام طوفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۶

۶ فرزند نوح ، علی رغم مشاهده دریایی از آب خروشان ، از همراهی با نوح (ع) و سوار شدن بر کشتی نجات ، کناره گرفت

و هی تجری بهم فی موج کالجبال و نادى نوح ابنه و کان فی معزل

وقوع جمله <و نادى نوح> پس از <هی تجری بهم...> گویای این است که گفتوگویی حضرت نوح(ع) با فرزندش، پس از بالا آمدن آب و حرکت کشتی بوده است جمله و <حال بینهما الموج> در آیه بعد مؤید این معنا می باشد. قابل ذکر است که برخی از مفسران، جمله <نادى نوح...> را عطف بر <قال اركبوا...> دانسته و گفته اند: گفتوگویی یاد شده، پیش از حادثه طوفان و بالا آمدن آب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ امواج سهمگین طوفان ، فرزند نوح را پیش از آنکه به کوهی پناه برد ، در خود فرو برد و هلاک کرد .

و حال بینهما الموج فکان من المغرقین

پناهگاه پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ > صفوان بن مهران الجبّال عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : سار و أنا معه فی القادسیه حتی أشرف علی النجف فقال

: هو الجبل الذي اعتصم به ابن جدى نوح عليه السلام فقال : < سأوى إلى جبل يعصمنى من الماء > ... فغار فى الأرض ... ;

صفوان بن مهران جمال از امام صادق(ع) نقل می کند و می گوید: من با امام صادق(ع) در سرزمین قادسیه همراه بودم تا به نجف نزدیک شد پس فرمود: نجف جای کوهی است که فرزند جدم نوح به آن پناهنده شد و گفت: <سأوى إلى جبل يعصمنى من الماء > .. پس آن کوه در زمین فرو رفت...<.

پناهندگی پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۲،۴

۲ فرزند نوح ، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از حادثه طوفان می پنداشت .

قال سأوى إلى جبل يعصمنى من الماء

<أوى> (مصدر آوى) به معنای رجوع کردن و منضم شدن و جای گرفتن است و <عصمه> (مصدر يعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین <سأوى...> یعنی ، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

۴ نوح (ع) ، فرزندش را از بی ثمر بودن صعود بر کوه و منحصر بودن راه نجات در بهره جستن از امداد الهی ، آگاه ساخت .

لاعاصم اليوم من أمر الله إلا من رحم

خدا و پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۵

۵ برخی مشرکان خداوند را دارای پسران و دخترانی می پنداشتند.

و خرقوا له بنین و بنت بغير علم

خواستگاری از پسر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۳

۳ - روا بودن خواستگاری ولیّ دختر (پدر ، جد و ...) از پسر

قال إنني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

دعوت از پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۷۸

۷ نوح (ع) با فریادی رسا و بلند ، فرزندش را برای سوار شدن به کشتی فرا خواند .

نادی نوح ابنه و كان في معزل بيني اركب معنا

<نداء> بلند کردن صدا و ابراز کردن آن است (مفردات راغب).

۸ نوح (ع) در آستان غرق شدن فرزندش ، وی را به ایمان و یکتاپرستی دعوت کرد .

بینی اركب معنا و لاتكن مع الكفرین

مراد از <مَعْنَا> همراهِو معیت عقیدتی است نه جسمانی؛ زیرا جمله <اركب> در دلالت بر همراهی و معیت جسمانی کافی بود. بنابراین اگر مراد از <مَعْنَا> مجرد همراهی با نوح و پیروان او باشد، آوردن کلمه <مَعْنَا> ضرورتی نداشت. جمله <و لاتكن ...> مؤید این معناست.

سهم ارث پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۱۰، ۹، ۲۸

۲ سهم ارث پسر ، دو برابر سهم دختر است .

یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظّ الانثیین

۸ در صورتی که میت تنها یک پسر داشته باشد ، سهم ارث وی تمام مال بجا مانده است .

لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ .. و ان كانت واحده فلها النصف

چون سهم يك دختر نصف مال است به مقتضای <لِلذَّكَرِ .. > سهم يك پسر دو برابر آن، یعنی تمام ماترك خواهد

بود.

۹ سهم ارث پسران متعدد به طور مساوی بین آنها تقسیم می شود .

لِلذَّكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ

لازمه اینکه سهم هر پسر دو برابر یک دختر باشد این است که پسران به طور مساوی سهم ببرند.

۱۰ سهم ارث یک پسر با چند پسر تفاوتی ندارد .

لِلذَّكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً .. فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَ إِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا

بیان تفاوت سهم ارث در فرض وجود یک دختر (فلهما النصف) با فرض وجود چند دختر (فان کن نساء) و پرداختن به چنین فروضی درباره سهم ارث پسران، اشاره به برداشت فوق دارد.

شفاعت از پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۱

۱ نوح (ع) در پی حایل شدن امواج آب میان او و فرزندش ، با شفاعت به درگاه خدا ، خواستار نجات وی شد .

و حال بینهما الموج .. و نادى نوح ربه فقال رب إن ابنى من أهلى

جمله <فلاتسئلن> (در آیه چهل و ششم) حاکی است که: نوح(ع) خواستار نجات فرزندش از غرق شدن بود. براین اساس دعا و التجای آن حضرت پیش از غرق شدن فرزندش بود و لذا برخی از مفسران جمله <نادی نوح ربه ...> را بر <حال بینهما الموج> عطف گرفته اند.

عصیان پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱

۱ پسر نوح ، دعوت او را (گرایش به توحید و ...) نپذیرفت و از سوار\$ شدن بر کشتی امتناع کرد .

بینی اركب معنا ولا تكن

مع الكفرین. قال سأوی إلى جبل یعصمنی من الماء

شدن بر کشتی امتناع کرد.

علاقه به پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۸

۸- داشتن پسر ، مورد خوشایند مشرکان و دختر داشتن ، ناخوشایند آنان بود .

و يجعلون لله البنت . . . و لهم ما یشتهون

به قرینه مقابله، احتمال دارد مراد از <ما> فرزند پسر باشد. مشرکان با اسناد دادن دختر به خداوند، درصدد تنقیص او بودند و این، حاکی از نفرت آنان از دختر داشتن است.

عوامل محرومیت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۳

۳ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب محسوب نشدن وی از خانواده نوح (ع) در پیشگاه خداوند

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

جمله <إنه عمل . . . > علت برای <إنه لیس من أهلك > می باشد؛ یعنی ، چون فرزندت دارای عمل ناشایست است ، ما او را از خانواده تو به حساب نمی آوریم.

عوامل هلاکت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۴

۴ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب هلاکت وی در حادثه طوفان

فکان من المغرقین . . . إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

غرق پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ تقدیر الهی بر غرق شدن و هلاک گشتن برخی از افراد خانواده نوح

و أهلك إلا من سبق عليه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۸

۱۱ امواج سهمگین طوفان ، فرزند نوح را پیش از آنکه به کوهی پناه برد ، در خود فرو برد و هلاک کرد .

و حال بینهما الموج فکان من المغرقین

فرار از پسر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۲

۲ - پدران در قیامت ، با فرار از پسران خویش ، خود را از آنها دور ساخته ، آنان را تنها خواهند گذاشت .

و بنیه

کفر پسر نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ برخی از افراد خانواده نوح (همسر و فرزندش) در زمره کافران و تکذیب کنندگان رسالت او بودند . *

و أهلک إلا من سبق علیه القول

<ال> در <القول> عهد ذکری و یا ذهنی است و اشاره به جمله <لاتخاطبني في الذين ظلموا إنهم مغرقون/۳۷> دارد. بنابراین <إلا من...>؛ یعنی، مگر آن کس که از پیش به خاطر کفر و ظلمش، حکم غرق شدن را برای او مقدر ساخته ایم. مفسران برآنند که مراد از <من سبق> همسر نوح به نام <واعله> و فرزندش به نام <یام> و یا <کنعان> است.

کوه پسر نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ > صفوان بن مهران الجبّال عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : سار و أنا معه فی القادسیه حتی أشرف علی النجف فقال : هو الجبل الذی اعتصم به ابن جدی نوح علیه السلام فقال : > ساوی

إلى جبل يعصمى من الماء <... فغار فى الأرض... >

صفوان بن مهران جمال از امام صادق(ع) نقل می کند و می گوید: من با امام صادق(ع) در سرزمین قادسیه همراه بودم تا به نجف نزدیک شد پس فرمود: نجف جای کوهی است که فرزند جدم نوح به آن پناهنده شد و گفت: <ساوی إلى جبل يعصمى من الماء > .. پس آن کوه در زمین فرو رفت...>.

محرمیت پسر شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۸،۲۵

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و ...) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

۲۵ - پدر شوهر ، پسرهمسر ، پسر برادر ، پسر خواهر ، زنان مؤمن ، بردگان ، خدمت کاران بی میل به زن و زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ .. أو الطفل الذین لم یظہروا علی عورت النساء

محرومیت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۲

۲ فرزند ناصالح نوح ، در پیشگاه خداوند از خانواده و اهل بیت او محسوب نمی شد .

إنه لیس من أهلک

مخالفت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۲۰

> عن أبي عبدالله (ع) : ان الله عزوجل قال لنوح : يا نوح إنه ليس من أهلك . . . هو إبنه و لكن الله عزوجل نفاه عنه حين خالفه في دینه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که: خدای عزوجل به حضرت نوح فرمود: <ای نوح آن [پسر] از اهل تو نیست > .. او پسرش بود ولی خدای عزوجل او را از اهل نوح بودن نفی کرد زیرا در دین پدرش با او مخالفت کرد.<

مقامات پسر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۳ - ۳

۳- پسر بشارت داده شده به ابراهیم (ع) دارای عظمت و مقامی والا

نبشرك بغلم علیم

تنوین تنکیر در <بغلام> برای تفخیم و تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - پسر بشارت داده شده به ابراهیم (ع) ، دارای عظمت و مقامی والا

و بشروه بغلم علیم

منشأ خلقت پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۶

۶ - دختر و یا پسر شدن فرزندان ، متکی به مشیت خداوندی است .

یهب لمن یشاء إئتأ و یهب لمن یشاء الذکور

منشأ فرزند پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بهره مندی انسان از فرزندان دختر و پسر و یا محرومیت وی از آنان بنا به خواست و مشیت خداوند است .

أَوْ يَزُوجَهُمْ ذَكَرَانًا وَ إِنثًا وَ يَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا

خداوند، براساس علم و آگاهی خویش، به گروهی پسر و به گروهی دیگر دختر و یا به جمعی پسر و دختر می دهد و برخی را عقیم و نازا می گرداند.

یهب لمن یشاء .. أو یزوّجهم ... إنّه علیم قدیر

<تزویدج> در <أو یزوّجهم> به معنای توأم با یکدیگر قرار دادن است؛ یعنی، خداوند به برخی تنها دختر می دهد و به بعضی تنها پسر عطا می کند و برخی را هم پسر و هم دختر می بخشد و برخی دیگر را نازا کرده؛ نه پسر می دهد و نه دختر.

۸ - <عن أبی جعفر (ع) فی قوله ... > أو یزوّجهم ذکراناً و إناثاً < جمیعاً یجمع له البنین و البنات یهبهم جمیعاً لواحد؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند.. <أو یزوّجهم ذکراناً و إناثاً> روایت شده که فرمود (مراد از آیه این است) که خداوند فرزندان پسر و دختر را باهم به یک خانواده می بخشد.

ناخسنودی از فرزند پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۸

۸ - ناخسنودی از داشتن فرزند دختر یا پسر، کفران نعمت الهی و ناخسنودی از مشیت و موهبت او است.

فإنّ الإنسن کفور .. یهب لمن یشاء إناثاً و یهب لمن یشاء الذکور

نامگذاری پسر زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۴

۴ - <یحیی>، نامی تعیین شده از سوی خدا برای فرزند زکریا

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیاً

نجات پسر

۷ نوح (ع) به حکیمانه نبودن نجات فرزند فسادپیشه اش ، از حادثه طوفان آگاه نبود .

فلاتسئلن ما لیس لک به علم

۹ خداوند ، نوح (ع) را از درخواست نجات فرزندش ، برحذر داشت .

فلاتسئلن ما لیس لک به علم

چون مفعول دوم <فلاتسئلن> یعنی، <ما لیس . . .> بدون حرف <عن> آمده است، مقصود از سؤال، درخواست و مطالبه است نه پرسش و جستوجو. بنابراین <فلاتسئلن>؛ یعنی، از من میخواه و درخواست نکن مصداق مورد نظر برای <مالیس ...> نجات فرزند نوح می باشد.

۱۰ نجات فرزند فسادپیشه نوح از حادثه طوفان ، امری خلاف حکمت و مصلحت در نزد خداوند

فلاتسئلن ما لیس لک به علم

<به> متعلق به <علم> است و مراد از آن <بمصلحته و حکمته و صوابه> می باشد. بنابراین <فلاتسئلن ما لیس ...>؛ یعنی ، درخواستی را که نمی دانی درست است و یا مطابق مصلحت و حکمت است ، از من میخواه.

نعمت پسر عالم

۱۱ - داشتن فرزند دانا و دانشمند ، از نعمت های الهی و شایسته بشارت و شادمانی

و بشروه بغلم علیم

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که واژه <بشارت> در جایی به کار می رود که خیر و نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۰ - ۱

۱ - پیامبر اکرم (ص)

صاحب فرزند پسری که به دوران بزرگ سالی رسیده باشد ، نبوده است .

ما کان محمّد أباً أحد من رجالکم

بنابراین احتمال که فراز <ما کان محمّد أباً أحد من رجالکم> جمله احترازی باشد در مقابل دیدگاه کسانی که به دلیل پسر خواندگی زید برای پیامبر(ص) ازدواج آن حضرت را با مطلقه زید ناروا می دانستند. آیه درصدد تبیین این نکته است که پیامبر(ص) پدر هیچ مردی نیست تا چنین اشکالی مطرح شود و در نتیجه، زید پسر رسول الله نیست تا آن ازدواج ناروا باشد.

نقش پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۵ - ۳

۳ - ثروت و فرزندان ذکور ، دو ملاک برای ارزیابی موقعیت انسان در پیشگاه خدا در دیدگاه مشرکان عصر بعثت

أیحسبون أنّما نمدهم به من مال و بنین

نوح(ع) و پسر نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۰، ۴

۴ نوح (ع) ، فرزندش را از بی ثمر بودن صعود بر کوه و منحصر بودن راه نجات در بهره جستن از امداد الهی ، آگاه ساخت .

لأعاصم الیوم من أمر الله إلا من رحم

۱۰ موجهایی کوه پیکر ، میان نوح (ع) و فرزندش حایل شد و مانع ادامه گفتوگوی آنان با یکدیگر گردید .

قال لا أعاصم الیوم من أمر الله . . . و حال بینهما الموج

<ال> در <الموج> عهد ذکری و اشاره به همان امواج کوه پیکر (موج کالجبال) است.

نوح(ع) و نجات پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ -

۱ نوح (ع) در پی حایل شدن امواج آب میان او و فرزندش ، با شفاعت به درگاه خدا ، خواستار نجات وی شد .

و حال بینهما الموج ... و نادى نوح ربه فقال رب إن ابني من أهلي

جمله <فلاتستلن> (در آیه چهل و ششم) حاکی است که: نوح(ع) خواستار نجات فرزندش از غرق شدن بود. براین اساس دعا و التجای آن حضرت پیش از غرق شدن فرزندش بود و لذا برخی از مفسران جمله <نادی نوح ربه ...> را بر <حال بینهما الموج> عطف گرفته اند.

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق

۷ نوح (ع) ، پس از طرح استدلال خویش برای لزوم نجات فرزندش ، حکم و قضاوت آن را به خداوند واگذار کرد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق و أنت أحکم الحکمین

هلاکت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ تقدیر الهی بر غرق شدن و هلاک گشتن برخی از افراد خانواده نوح

و أهلك إلا من سبق عليه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ امواج سهمگین طوفان ، فرزند نوح را پیش از آنکه به کوهی پناه برد ، در خود فرو برد و هلاک کرد .

و حال بینهما الموج فکان من المغرقین

پسر شوهر

محرمةٔ ٲسر شوهر

جلد - نام سورة - سورة - آيه

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، انگو گردنبنند و ...) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

۲۵ - پدر شوهر ، پسرهمسر ، پسر برادر ، پسر خواهر ، زنان مؤمن ، بردگان ، خدمت کاران بی میل به زن و زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ .. أو الطفل الذین لم یظہروا علی عورت النساء

پشیمانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پشیمانی

آثار پشیمانی از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۲ - ۵

۵ توجه گنهکار به زشتی عمل خویش و اعتراف به آن و نیز ندامت از آن ، به منزله توبه و زمینه بخشش گناه از سوی خدا

اعترفوا بذنوبهم .. عسی الله أن یتوب علیهم

از اینکه خداوند در مقابل <اعترفوا> وعده <عسی الله أن یتوب> را داده است و بعد از اعتراف، مسأله دیگری را به عنوان توبه مطرح نکرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

اظهار پشیمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۸،۹

۸ پیامبر (ص) ، موظف به چشمپوشی از خطای کسانی که از مراجعه به طاغوت ، اظهار ندامت کردند .

ثم جاؤك يحلفون بالله ان اردنا الا احساناً .. فاعرض عنهم

كلمه <اعراض>،

به قرینه <عظهم> (آنان را نصیحت کن)، به معنای اعراض از عقوبت و خطای آنان است، نه به معنای دوری از آنان.

۹ پیامبر (ص)، موظف به موعظه منافقانی که از مراجعه به طاغوت اظهار ندامت کردند.

یریدون ان يتحاكموا الى الطاغوت .. فاعرض عنهم و عظمهم

بی تأثیری پشیمانی اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۱

۱ - اظهار پشیمانی و چاره جویی گمراهان در قیامت، دستاوردی برای آنان نخواهد داشت.

و لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم

برداشت یاد شده بر این پایه استوار است که فاعل <لن ینفع>، گفتار سابق کافران باشد. آنان در قیامت آرزو می کنند که میان آنها و شیاطین فاصله افتد؛ ولی این آرزو سودی نخواهد بخشید.

بی تأثیری پشیمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - اعتراف و پشیمانی کافران در قیامت، بی تأثیر به حال ایشان

ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا قال فذوقوا

کافران با این که به حق اقرار می کنند؛ باز هم به ایشان حکم می شود که: <فذوقوا العذاب>. بنابراین اعتراف آنان سودی نمی بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۲

۲ - در قیامت، افسوس خوردن بر گذشته و اظهار پشیمانی از فراهم نکردن اندوخته های کارساز، سودی نمی بخشد.

یلیتنی قدّمت

بی تأثیری پشیمانی دشمنان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۴ -

۲- تحمل صبورانه عذاب و یا پشیمانی و عذرخواهی دشمنان خدا در قیامت ، بی تأثیر در رهایی آنان از دوزخ

فإن يصبروا فالنار مثوى لهم وإن يستعتبوا فما هم من المعتبين

<استعتاب> (مصدر <يستعتبوا>) به معنای درخواست رضایت است که لازمه عذرخواهی می باشد.

بی تأثیری پشیمانی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۲

۲ - نتیجه بخش نبودن پشیمانی ثمودیان ، پس از کشتن ناقه صالح

ففقروها فأصبحوا ندمين . فأخذهم العذاب

پشیمانی آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۷ - ۱

۱ - آدم (ع) ، از کرده خویش (نافرمانی خدا) پشیمان شد و در صدد توبه به درگاه خداوند برآمد .

فتلقى آدم من ربه كلمت

پشیمانی اخروی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱

۱ - خطاکاران در قیامت ، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جایء يومئذ بجهنم . . . يقول يليتني قدمت لحياتي

پشیمانی اخروی صالحان

۶ - > قال رسول الله (ص) ... يا ابن مسعود أكثر من الصالحات و البرّ فإنّ المُحسَنَ و المُسَيءَ يندمان ، يقول المحسن : يا ليتني ازددتُ من المحسنات و يقول المسيء : قصرتُ ، و تصديق ذلك قوله تعالى : > و لأقسم باللوّامة < ;

رسول خدا(ص) فرمود: ..ای پسر مسعود! اعمال صالح

و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت] نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می شوند. انسان نیکوکار می گوید: ای کاش کارهای نیک را زیادتر کرده بودم و انسان بدکار می گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. و گواه این مطلب سخن خداوند است که فرمود: <و لا أقسم باللّوامة>.

پشیمانی اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۷ - ۱،۳،۴

۱ ستم گران در قیامت، از عملکرد خویش به شدت پشیمان خواهند بود.

و یوم یعضّ الظالم علی یدیه

جمله <یعضّ الظالم علی یدیه> ستم کار دو دست خویش به دندان گزد< از کنایات است و به قرینه سیاق آیه، این جمله کنایه از پشیمانی و ندامت می باشد. گفتنی است تعدیه فعل <یعضّ> به وسیله <علی> با آن که خود از افعال متعدی است برای تأکید مضمون آن فعل است، یعنی، پشیمانی آنان بسیار شدید خواهد بود.

۳ ستم گران، در روز رستاخیز، از نپیمودن راه پیامبر (ص) و دوری از روش او، به شدت پشیمان و متأسف خواهند بود.

الظالم ... یقول یلینتی اتّخذت مع الرسول سییلاً

۴ نپیمودن راه پیامبر (ص) و دوری از روش او، مایه تأسف و ندامت در قیامت

یقول یلینتی اتّخذت مع الرسول سییلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۸ - ۱

۱ اظهار تأسف و ناراحتی شدید ستم گران در قیامت، از دوستی با افراد ناباب در دنیا

الظالم ... یویلتی لینتی لم اتّخذ

فَلَانًا خَلِيلًا

<خلیل> به معنای صدیق و دوست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ - ستمگران با دیدن عذاب الهی در قیامت ، از انتخاب عقیده کفرآلود ، پشیمان شده و آن را مخفی خواهند کرد .

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربهم . . و أسروا الندامة لما رأوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ - عجز و پشیمانی ستمکاران در قیامت ، آشکار و نمایان است .

و ترى الظلمين . . . يقولون

از واژه های <تری> و <يقولون>، استفاده می شود که ظالمان ندامت و آرزوی بازگشت را پنهان نمی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۴

۴ - پشیمانی ستمکاران در صحنه قیامت و پس از مشاهده عذاب ، بی تأثیر به حال آنان

يقولون هل إلى مردّ من سبيل . و تريهم يعرضون عليها

پشیمانی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۲

۲ کافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در زمره مؤمنان هستند.

فقالوا يلبتنا نرد و لا نكذب بأيت ربنا و نكون من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۸

۸ - سختی و سوزش آتش جهنم ، کافران را از عملکرد دنیوی شان پشیمان می کند .

يوم تقلّب وجوههم فى النار يقولون

يَلْتِنَا أَطْعَنَا اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- اعتراف و پشیمانی کافران در قیامت ، بی تأثیر به حال ایشان

أليس هذا بالحقّ قالوا بلى و ربّنا قال فذوقوا

کافران با این که به حق اقرار می کنند؛ باز هم به ایشان حکم می شود که: <فذوقوا العذاب>. بنابراین اعتراف آنان سودی نمی بخشد.

پشیمانی اخروی گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ - مستکبران گمراهگر در قیامت ، با دیدن عذاب الهی ، از کار خود پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و قال الذين استضعفوا للذين استكبروا بل مكر اليل و النهار إذ تأمرونا أن نكفر با

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که مرجع ضمیر فاعلی <أسروا>، <استکبروا> باشد.

پشیمانی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱

۱ - ندامت و سرافکنندگی مجرمان ، در صحنه قیامت ، منظره ای بس دیدنی و عبرت انگیز است .

و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رؤسهم عند ربّهم

<نكس الرأس> به معنای <پایین انداختن سر از شرمندگی و خجالت> است. لازم به گفتن است که جواب <لو> محذوف بوده و آن، چیزی شبیه <لرأيت شيئاً عجبياً و هو...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - مجرمانِ نادم در روز قیامت ، فاقد روحیه حق پذیری ، حتی در صورت رجوع دوباره به دنیايند .

فارجعنا نعمل صلحًا .. إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِأَيْتِنَا

الذین إذا ذكروا بها خروا سجداً

احتمال دارد که آیه درصدد تبیین و تشریح جواب رد دادن به درخواست مجرمان باشد. خداوند در این آیه، تلویحاً می گوید: <آنان فاقد روحیه ایمان اند و بنابراین، درخواست شان اجابت نمی شود.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۶

۶ - < قال رسول الله (ص) ... یابن مسعود أكثر من الصالحات و البرّ فإنّ المحسن و المسیء یندمان ، یقول المحسن : یا لیتنی ازددت من المحسنات و یقول المسیء : قصرت ، و تصدیق ذلك قوله تعالی : < و لا أقسم باللّوامة > ;

رسول خدا(ص) فرمود: .. ای پسر مسعود! اعمال صالح و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت] نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می شوند. انسان نیکوکار می گوید: ای کاش کارهای نیک را زیادتر کرده بودم و انسان بدکار می گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. و گواه این مطلب سخن خداوند است که فرمود: < و لا أقسم باللّوامة >.

پشیمانی اخروی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۷، ۱۶

۱۶ - مستضعفان گمراه شده از سوی مستکبران ، با مشاهده عذاب در قیامت ، از کرده خود پشیمان خواهند شد .

و قال الذین استضعفوا .. و أسروا الندامة لما رأوا العذاب

بنابراین که ضمیر فاعلی <أسروا> به <استضعفوا> برگردد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

۱۷ - اظهار پشیمانی مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، با مشاهده عذاب

و أسروا الندامة لما رأوا العذاب

<أسرّ> از لغت هایی است که معنای

متضاد دارد (مفردات راغب) و به معنای آشکار کردن و پنهان کردن است که آنان پشیمانی خود را اظهار خواهند کرد.

پشیمانی اخروی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۷، ۱۲

۱۲ - مستکبران گمراهگر در قیامت ، با دیدن عذاب الهی ، از کار خود پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و قال الذين استضعفوا للذين استكبروا بل مكر اليل و النهار إذ تأمرونا أن نكفر با

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که مرجع ضمیر فاعلی <أسرّوا>، <استکبروا> باشد.

۱۷ - اظهار پشیمانی مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، با مشاهده عذاب

و أسرّوا الندامه لما رأوا العذاب

<أسرّ> از لغت هایی است که معنای متضاد دارد (مفردات راغب) و به معنای آشکار کردن و پنهان کردن است که آنان پشیمانی خود را اظهار خواهند کرد.

پشیمانی اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۲، ۳

۲ - اظهار پشیمانی مشرکان پیرو در صحنه قیامت ، از دوستی با سران شرک و اطاعت از ایشان در دنیا

و قال الذين اتبعوا لو أن لنا كره فتبرأ منهم

۳ - ندامت مشرکان پیرو در قیامت از شرک‌ورزی و پشیمانی آنان از اطاعت سران ، ثمری نداشته و موجب نجات آنان نخواهد شد .

و قال الذين اتبعوا لو أن لنا كره فتبرأ منهم

چنانچه ندامت از شرک و ... در قیامت برای نجاتشان مؤثر می بود، مشرکان آرزوی بازگشت به دنیا را نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - مشرکان ، به خاطر انتخاب عقیده شرک آلود ، در قیامت پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربهم .. و أسروا الندامة لما رأوا العذاب

پشیمانی از اتکا به غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۲ - ۱۱

۱۱- اتکا به غیر خدا ، شرک و دارای فرجامی ندامت بار است .

أكثر منك مالا .. يلبتني لم أشرك بربي أحداً

پشیمانی از خدمت به فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - اظهار ندامت ساحران ، از قرار دادن دانش خویش در خدمت فرعون ، برای مبارزه با موسی (ع)

إننا نطمع أن يغفر لنا ربنا خطينا

کلمه <خطایانا> می تواند اشاره به اقدامی باشد که ساحران در خدمت نظام فرعونی، برای مبارزه با حق انجام داده اند.

پشیمانی از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۹

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن كنا لخطئين

پشیمانی از رفتار ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۳

۳ فرزندان یعقوب از رفتارهای ناروایشان با یوسف (ع)، بنیامین و یعقوب (ع)، پشیمان شدند و اظهار ندامت کردند.

يَا بَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

پشیمانی از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳

۲ - ندامت ساحران از گذشته شرک آلود و غفلت بار خود در پیشگاه خدا

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا

پشیمانی از ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۱

۱- حسرت و ندامت کافران از ستم کاری خویش ، به هنگام احساس و لمس اندکی از عذاب الهی

وَلَنْ مَسْتَهْمُ نَفْحَهُ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لِيَقُولَنَّ يَوْمَئِذٍ إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

<نفحه> در لغت به معنای وزیدنی و یا یک وزیدن است که نوعاً در امور خیر به کار می رود و گاهی هم در امور شرّ استعمال می شود. از نظر مفسران این کلمه در آیه شریفه، به سه دلیل دلالت تقلیل را می رساند: ۱ ماده <نفحه> دال بر تقلیل است؛ ۲ بر وزن و بناء <مزه> می باشد؛ ۳ به صورت نکره آمده است. گفتنی است کسی واژه <ویل> را می گوید که دچار بدبختی و هلاکت شده و از روی تأسف و تحسّر این لفظ را ادا کرده باشد.

پشیمانی از عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - ستمگران با دیدن عذاب الهی در قیامت ، از انتخاب عقیده کفرآلود ، پشیمان شده و آن را مخفی خواهند کرد .

و لو ترى إذ الظالمون موقوفون عند ربّهم . . . و أسروا الندامه لما رأوا العذاب

۱۱ - مشرکان ، به خاطر انتخاب عقیده شرک آلود ، در قیامت پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و لو ترى إذ الظالمون موقوفون عند ربّهم .

.. و أسرّوا الندامه لما رأوا العذاب

پشیمانی از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۲،۴

۲ کافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در زمره مؤمنان هستند.

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۶

۶- کفرپیشگی ، در پی دارنده پشیمانی و ندامت است .

ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین

پشیمانی از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۴

۴ - توبه و پشیمانی از گناه ، پس از مرگ پذیرفته نخواهد شد و اثری بر آن مترتب نخواهد بود .

إلا الذین تابوا .. إن الذین کفروا و ماتوا و هم کفار أولئک علیهم لعنه الله

تقیید <کفروا> با جمله (و ماتوا و هم کفار) بیان پایان مهلت زمان پذیرش توبه است؛ یعنی، پس از مرگ پشیمانی سودبخش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ آنان که پشیمان از کرده های ناشایست و ستم بر خویش هستند و اصراری بر گناهان ندارند ، بهره مند از آمرزش الهی و بهشت جاودانه خواهند بود .

و الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا .. . أُولَئِكَ

جز آؤهم مغفره من ربهم و جنات ... خالدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ خداوند بر دبار با بندگان ، و فرصت دهنده به ایشان برای بازگشت از خطاهای خویش *

و الله غفور حلیم

برداشت فوق از ارتباط بین <غفور> و <حلیم> به دست می آید یعنی خداوند سریعاً گنهکاران را مؤاخذه نخواهد کرد بلکه به آنان فرصت خواهد داد تا زمینه های جلب مغفرت الهی را برای خویش فراهم کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۹

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن كنا لخطئین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۶

۶- اصلاح خطاهای گذشته و گرایش به صلاح عملی ، نشانگر توبه واقعی و شرط پذیرش آن است .

ثم تابوا من بعد ذلك و أصلحوا إن ربك من بعدها لغفور رحیم

برداشت فوق به خاطر این است که متعلق و مفعول <أصلحوا> ذکر نشده است، ولی به قرینه جمله پیشین (للذین عملوا السوء ..) که سخن از خطا و زشت کاری به میان آورده است مقصود از آن، اصلاح وضع گذشته و رویکرد به صلاح است.

پشیمانی از گوساله پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱

۱ بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای

پرستش ، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند .

و لما سقط فی أیدیهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله <سقط فی أیدیهم> کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد ، به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

پشیمانی از مبارزه با موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - اظهار ندامت ساحران ، از قرار دادن دانش خویش در خدمت فرعون ، برای مبارزه با موسی (ع)

إِنَّا نطمع أن یغفر لنا ربنا خطینا

کلمه <خطایانا> می تواند اشاره به اقدامی باشد که ساحران در خدمت نظام فرعونی، برای مبارزه با حق انجام داده اند.

پشیمانی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۶ - ۴

۴ - باغداران یمنی ، به هنگام مشاهده باغ ویران شده خویش ، بی درنگ به اشتباه خود پی برده و از کار محروم ساختن مستمندان پشیمان گشتند و خود را مردمی گمراه یافتند .

فلما رأوها قالوا إِنَّا لضالون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <ضالون> گمراهی اصطلاحی (گمراهی از راه حق و حقیقت) باشد. گفتنی است کلمه <لما> در اصطلاح بیانگر اقراران جواب به شرط و افاده کننده فور و بداهت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۹ - ۱

۱ - توبه و پشیمانی باغداران یمنی ، پس از مشاهده نابودی محصولات از بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

رَبَّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۲ - ۱،۲

۱ - امیدواری باغداران یمنی پس از توبه و پشیمانی به جایگزین شدن بوستانی بهتر از بوستان ویران شده خویش ، در پرتو لطف پروردگار

عسی رَبَّنَا أَنْ يبدِلْنَا خَيْرًا مِنْهَا

مفسران در توضیح آیه شریفه نوشته اند: آنان با خلوص نیت توبه کردند و خداوند چون این خلوص را دید، بوستانی به جای آن بوستان نابود شده به آنان عطا فرمود که نام آن < حیوان > بود. در این بوستان انگور فراوان و پرباری وجود داشت که هر خوشه از آن، بار یک قاطر می شد. (مجمع البیان و روح المعانی)

۲ - اشتیاق و امیدواری باغداران یمنی به پروردگار ، پس از مشاهده ویرانی باغ خویش و توبه و پشیمانی از کردار خود

إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَغْبُونَ

پشیمانی ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۴ - ۵

۵ - ایوب (ع) ، در ادای سوگند خود (تنبیه همسرش) دچار تردید و پشیمانی شده بود .

و خذ بیدك ضِعْمًا فَاضْرِبْ بِهِ وَ لَاتِحْنِثْ

توصیه خداوند به ایوب(ع) به نشکستن سوگندش، بیانگر این حقیقت است که ایوب(ع) در ادای سوگندش دچار تردید شده و حالت پشیمانی به او دست داده بود؛ به گونه ای که در جست و جوی راهی برای حل این مشکل برآمده بود.

پشیمانی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۹

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف

نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن كنا لخطئين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۳

۳ فرزندان یعقوب از رفتار های ناروایشان با یوسف (ع) ، بنیامین و یعقوب (ع) ، پشیمان شدند و اظهار ندامت کردند .

ياأبانا استغفر لنا ذنوبنا

پشیمانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱

۱ بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای پرستش ، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند .

و لما سقط فی أیدیهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله <سقط فی أیدیهم> کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد ؛ به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

پشیمانی بی اثر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۳

۳ - ندامت مشرکان پیرو در قیامت از شرکوری و پشیمانی آنان از اطاعت سران ، ثمری نداشته و موجب نجات آنان نخواهد شد .

و قال الذین اتبعوا لو أن لنا كرة فنتبرأ منهم

چنانچه ندامت از شرک و ... در قیامت برای نجاتشان مؤثر می بود، مشرکان آرزوی بازگشت به دنیا را نمی کردند.

پشیمانی بی ثمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۸

۸ پشیمانی مردم ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، بی فایده بوده

و باعث دفع آن نخواهد شد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالن و قد كنتم به تستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۶، ۲۲

۲۲ - پشیمانی در قیامت ، مانع کیفر نشده و از آن نمی کاهد .

و أسرّوا الندامه .. و جعلنا الأغلل فی أعناق الذین كفروا

۲۶ - > عن أبی عبدالله (ع) قال : سئل عن قول الله تبارك و تعالی < و أسرّوا الندامه لَمَّا رأوا العذاب > قال : قيل له ما ينفعهم أسرار الندامه و هم فی العذاب ؟ قال كرهوا شماته الأعداء ;

از امام صادق(ع) درباره قول خدای تبارك و تعالی <و أسرّوا الندامه لَمَّا رأوا العذاب> سؤال گردید و به ایشان گفته شد: پنهان کردن پشیمانی برای آنان در حالی که گرفتار عذاب هستند چه سودی دارد؟ فرمود: آنان سرزنش دشمنان را ناخوش دارند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۴

۴ - پشیمانی ستمکاران در صحنه قیامت و پس از مشاهده عذاب ، بی تأثیر به حال آنان

يقولون هل إلى مردّ من سبيل . و تريهم يعرضون عليها

پشیمانی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۹

۹ - ساحران فرعون ، پس از ایمان به موسی (ع) از اقدام به سحر به نفع فرعون ، اظهار پشیمانی کرده و خواستار بخشش الهی شدند .

ليغفر لنا .. ما أكرهتنا عليه من السحر

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۲،۱۰

۲ - ندامت ساحران از گذشته شرک آلود و غفلت بار خود در پیشگاه خدا

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا

۱۰ - اظهار ندامت ساحران، از قرار دادن دانش خویش در خدمت فرعون، برای مبارزه با موسی (ع)

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا

کلمه <خطایانا> می تواند اشاره به اقدامی باشد که ساحران در خدمت نظام فرعون، برای مبارزه با حق انجام داده اند.

پشیمانی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۳

۳ - پشیمانی دوزخیان از کرده های ناشایست خویش و حسرت شدید آنان برای انجام اعمال صالح

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَاهُنَا صَاحِبِ الْمَقَابِلِ أَلَمْ يَكُنْ لَهُ الْبَاطِنُ إِذَا يَخْتَفِي أَلَمْ يَكُنْ لَهُ الْبَاطِنُ إِذَا يَخْتَفِي أَلَمْ يَكُنْ لَهُ الْبَاطِنُ إِذَا يَخْتَفِي

آهنگ سخن دوزخیان، به گونه ای است که نشانگر ندامت شدید آنان بر گذشته های خود و حسرتشان برای انجام اعمال نیک است.

پشیمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

يَلَيْتُنَا لَوْلَا نَكُذِبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله >قد خسروا .. .

< و > ضل عنهم ... > به منزله تعلیلی است برای < نرد فنعمل ... > یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ - پیروی از شیطان ، ملامت و پشیمانی اخروی در پی دارد .

دعوتکم فاستجبتم لی فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - توجه به حتمیت کیفر اخروی و بی ثمری ندامت در قیامت ، عامل پرهیز از کفر و گناه است .

و لو تری إذ المجرمون .. لأملأن جهنم من الجنه و الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - تذکر و بیداری انسان در قیامت ، حاصلی جز پشیمانی و حسرت ندارد .

و أتى له الذکری . یقول یلینتی قدمت لحياتی

پشیمانی دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۵

۵ - پشیمان شدن دنیاطلبان غافل از سخنان نسنجیده روز پیش خویش با دیدن فرجام شوم قارون

و أصبح الذین تمنوا مکانه بالأمس یقولون ویکأن الله یبسط الرزق لمن یشاء من عباد

برخی از مفسران واژه < وئی > را کلمه < تندم > گرفته و گفته اند: این واژه در مقام اظهار پشیمانی به کار می رود.

پشیمانی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸

۱۰ - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إني أحببت حبّ الخير عن ذكر ربّي حتّى توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید؛ قهراً سخن آن حضرت (فقال إني..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

پشیمانی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ > عن حماد بن عيسى عن عمير بن رواه عن ابي عبد الله (ع) قال: سئل عن قول الله: < و اسروا الندامه ... > قال: قيل له: و ما ينفعهم اسرار الندامه و هم في العذاب؟ قال: كرهوا شماتة الأعداء؛

حماد بن عيسى از شخصی روایت می کند که از امام صادق (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: <پشیمانی خود را در دل نهان می کنند...> سؤال شد: پنهان کردن پشیمانی برای آنان چه سودی دارد، در حالی که در عذاب هستند؟ فرمود: سرزنش دشمنان را ناخوش دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۵ - ۱

۱- مرفهانِ ستمگر در تأسف و پشیمانی، از زمان احساس عذاب تا هنگامه هلاکت و نابودی

فما زالت تلك دعويهم حتّى جعلنهم حصيداً خمدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ -

۶ - ستمکاران ، خواهان بازگشت به دنیا و جبران گناهان گذشته خود به هنگام مشاهده عذاب

و ترى الظلمين لما رأوا العذاب يقولون هل إلى مردّ من سييل

پشیمانی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۹

۹ - سرزنش فرعون نسبت به خویش ، در واپسین لحظات زندگی کفرآلود خود *

فنبذنهم فی الیمّ و هو ملیم

در صورتی که واژه <ملیم> به معنای ملامت کردن (متعدی) باشد، برداشت بالا- به دست می آید. یعنی: <و هو ملیم نفسه>.

پشیمانی قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۴، ۲۳

۲۳ پشیمانی قایل از تقصیر خویش در مورد خاکسپاری برادرش هابیل

اعجزت ان اکون .. فاصبح من الندمین

ظاهر این است که جمله <فاصبح ..> متفرع بر جمله <اعجزت> باشد. بنابراین پشیمانی قایل برخاسته از دفن نکردن جثه برادر خواهد بود.

۲۴ قایل ، پشیمان از قتل برادرش هابیل *

فاصبح من الندمین

بنابر اینکه <فاصبح ..> متفرع باشد بر <فقتله> که در آیه قبل آمده است.

پشیمانی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۷

۲۷ قتل نفس محترم ، در پی دارنده ندامت قاتل

فاصبح من الندمین

از امام سجاده (ع) روایت شده: ... و الذنوب التي تورث الندم قتل النفس التي حرم الله ... قال عزوجل في قصه قبايل حين قتل اخاه هابيل ... <فاصبح من النادمين > ...

معانی الاخبار، ص ۲۷۰، ح ۲، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۷۵، ح ۱۲.

پشیمانی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ - ندامت و پشیمانی ثمودیان ، به دنبال پی کردن ناقه صالح و مشاهده نشانه های عذاب

فَعَقَرُوهَا فَاصْبِحُوا نَدَمِينَ

<فاء> در <فأصبحوا> فصیحه و بیانگر حذف جمله ای است که به خاطر معلوم بودنش حذف شده و تقدیر آن چنین است:
<فَعَقَرُوهَا فَرَأُوا اِشْرَاطَ الْعَذَابِ فَاَصْبَحُوا نَادِمِينَ> ناقه را پی کردند پس نشانه های عذاب را دیدند، پس پشیمان شدند.

پشیمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۸،۱۱

۸ پشیمانی و تأسف شدید کافران در قیامت از کتمان کردن حقایق در دنیا

يَوْمَئِذٍ يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ .. و لا يَكْتُمُونَ اللّٰهَ حَدِيثًا

بنابر اینکه <لا يكتمون> عطف بر جمله <تسوی> باشد.

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت ، از کتمان حقایق رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول .. و لا يكتمون الله حديثاً

مصدق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <كفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقایق پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۱

۱- حسرت و ندامت کافران از ستم کاری خویش ، به هنگام احساس و لمس اندکی از عذاب الهی

وَلئنِ مَسَّتْهُمُ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَويْلُنَا اِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

<نفحه> در لغت به معنای وزیدنی و یا یکک وزیدن است که نوعاً در امور خیر به کار می رود و گاهی هم در امور شر

استعمال می شود. از نظر مفسران این کلمه در آیه شریفه، به سه دلیل دلالت تقلیل

را می رساند: ۱ ماده <نفحه> دال بر تقلیل است؛ ۲ بر وزن و بناء <مرّه> می باشد؛ ۳ به صورت نکره آمده است. گفتنی است کسی واژه <ویل> را می گوید که دچار بدبختی و هلاکت شده و از روی تأسف و تحسّر این لفظ را ادا کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۶

۶ - ندامت کافران در هنگام مرگ و تمنای آنان از خدا ، برای بازگشت به دنیا

حَتَّى إِذَا جَاء أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۷

۷ - ندامت و ذلت حتمی ، فرجام مجرمان کفرپیشه است .

بَلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَفَرُونَ... و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رؤوسهم عند ربِّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۵

۵ - پشیمانی و بغض شدید کافران نسبت به خویشان ، بر اثر رد دعوت به ایمان و کفرورزی آنان است .

مَقْتَمِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ

تردید نیست که بغض شدید کافران نسبت به خویشان در قیامت، ناشی از رد ایمان و کفرشان است. این بغض نشانه پشیمانی شدید آنان از عمل خود می باشد.

پشیمانی کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۵

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تكون عليهم حسره ثم يغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش

اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم يغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیاست.

پشیمانی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۸

۸ بیزاری شدید بدکاران ، از کردار خویش در قیامت

توَدَّ لو انَّ بينها و بينه امداً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۷

۷ - ندامت و ذلت حتمی ، فرجام مجرمان کفرپیشه است .

بلقاء ربهم كفرون .. و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رؤسهم عند ربهم

پشیمانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۵، ۲

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سيقول لك المخلفون من الأعراب

۱۵ - طلب استغفار و اظهار ندامت اعراب متخلف از سفر حدیبیه ، بی اساس و مخالف باور درونی آنان

سيقول .. فاستغفر لنا يقولون بألسنتهم ما ليس في قلوبهم

برداشت بالا- بنابراین نکته است که تعبیر <يقولون..> در رابطه با مفهوم <فاستغفر لنا> باشد؛ زیرا درخواست استغفار، مفهومش این است که اعراب متخلف، در باطن از تخلف خود پشیمان اند. اما خداوند می فرماید: اینان در اظهار ندامت دروغگویند؛ زیرا در باطن نادم نیستند.

۳ توبه و اظهار پشیمانی تبهکاران محارب پس از به چنگ افتادن ، فاقد ارزش و اعتبار برای سقوط حد و رهایی از عذاب دوزخ

انما جزؤا الذین .. الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم

پشیمانی مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۴ - ۲

۲- مرفهان ستمگر ، با مشاهده عذاب الهی در حسرت و ندامت فرو می روند .

فلما أحسوا بأسنا .. قالوا یویلنا إنا كنا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۵ - ۱

۱- مرفهان ستمگر در تأسف و پشیمانی ، از زمان احساس عذاب تا هنگامه هلاکت و نابودی

فما زالت تلک دعویهم حتی جعلنهم حصیداً خمدین

پشیمانی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۸، ۱۶

۱۶ اندوه و پشیمانی مسلمانان به خاطر بی اعتنایی به دستورات پیامبر (ص) در کارزار احد

فانابکم غمّاً بغمّ

با توجه به توضیح برداشت شماره ۱۴.

۱۸ پشیمانی مسلمانان به جهت تخلف از دستورات پیامبر (ص) در کارزار احد ، نتیجه عفو الهی از گناه آنان

و لقد عفا عنكم .. فاذا بكم غمًا بغم

عطف <اذا بكم> بر <عفا عنكم> به وسیله <فاء>، دلالت بر ترتب و رابطه علیت بین آن دو جمله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۵، ۲۳، ۲۱

۲۱ شکست دشمنان اسلام، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دل بستگی به یهود و نصارا

فَعَسَى اللَّهُ

ان يأتي بالفتح .. فيصبحوا على ما اسروا في انفسهم ندمين

در برداشت فوق جمله <ما اسروا> به قرینه <و من يتولهم منكم> در آیه قبل به دل بستگی مسلمانان به یهود و نصارا تفسیر شده است.

۲۳ نزول عذاب الهی بر دشمنان دین ، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دل بستگی به یهود و نصارا

او امر من عنده فيصبحوا على ما اسروا في انفسهم ندمين

برداشت فوق بر این احتمال است که مراد از <امر>، عذاب دنیوی باشد.

۲۵ مسلمانان سست ایمان با مشاهده پیروزی اسلام ، شرمسار از برنامه ریزی های نهانی خویش جهت رهایی از پیامد های شکست مسلمانان

فيصبحوا على ما اسروا في انفسهم ندمين

پشیمانی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۸،۱۰

۸ ستم پیشگان مشرک ، به هنگام مشاهده عذاب استیصال ، از فرط شرمساری ، پشیمانی خویش را پنهان می دارند .

و لو أن لكل نفس ظلمت .. و أسروا الندامة لما رأوا العذاب

۱۰ ستم پیشگان مشرک ، به هنگام مشاهده عذاب ، از کرده های خویش اظهار پشیمانی خواهند کرد .

و لو أن لكل نفس ظلمت .. و أسروا الندامة لما رأوا العذاب

<أسر> هم به معنای <کتم> و هم به معنای <أظهر> می آید (لسان العرب). برداشت فوق مبتنی بر معنای دوم است.

پشیمانی مکذبان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۰ - ۳

۳ - پشیمانی سخت تکذیب گران پیامبر جامعه پس از نوح ، به هنگام مشاهده عذاب استیصال

قال عما قليل ليصبحن ندمين

پشیمانی

مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله <قد خسروا .. > و <ضل عنهم ... > به منزله تعلیلی است برای <نرد فنعمل ... > یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

پشیمانی مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

پشیمانی مکذبان هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۰ - ۳

۳ - پشیمانی سخت تکذیب گران پیامبر جامعه پس از نوح ، به هنگام مشاهده عذاب استیصال

قال عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصْبِحَ نَدْمِينَ

پشیمانی ملکہ سبأ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۳ - نمل -

۱۲ - التجای بلقیس به ربوبیت خدا برای جبران گذشته شرک آلود خویش

قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

پشیمانی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۹

۹ پیامبر (ص)، موظف به موعظه منافقانی که از مراجعه به طاغوت اظهار ندامت کردند.

یریدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت .. فاعرض عنهم و عظمهم

پشیمانی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۱ - ۴

۴ موسی (ع) خشم شدید خویش را بر هارون خطا تلقی کرد و به خاطر آن از خداوند آمرزش طلبید. *

قال رب اغفر لی

از اینکه موسی(ع) پس از شنیدن سخنان هارون برای خویش طلب مغفرت کرد، معلوم می شود از برخورد شدید خویش با هارون پشیمان شد و آن را خطا تلقی کرد.

پشیمانی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۷

۷ نوح (ع)، با پی بردن به نادرستی تقاضای خود (نجات فرزندش) خواهان آمرزش و رحمت الهی شد.

إلا تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرین

پشیمانی هنگام عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۸

۸ پشیمانی مردم ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، بی فایده بوده و باعث دفع آن نخواهد شد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن و قد كنتم به تستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس

۸ ستم پیشگان مشرک ، به هنگام مشاهده عذاب استیصال ، از فرط شرمساری ، پشیمانی خویش را پنهان می دارند .

و لو أن لكل نفس ظلمت . . . و أسروا الندامه لما رأوا العذاب

۱۰ ستم پیشگان مشرک ، به هنگام مشاهده عذاب ، از کرده های خویش اظهار پشیمانی خواهند کرد .

و لو أن لكل نفس ظلمت . . . و أسروا الندامه لما رأوا العذاب

<أسر> هم به معنای <کتم> و هم به معنای <أظهر> می آید (لسان العرب). برداشت فوق مبتنی بر معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۴ - ۱

۱- رفاه زدگان جوامع ستم پیشه ، به ظلم و ستم خویش پس از احساس عذاب الهی اعتراف می کنند .

فلما أحسوا بأسنا . . . قالوا یویلنا إنا كنا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۵ - ۱

۱- مرفهانِ ستمگر در تأسف و پشیمانی ، از زمان احساس عذاب تا هنگامه هلاکت و نابودی

فما زالت تلک دعویهم حتی جعلنهم حصیداً خمدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ - ندامت و پشیمانی ثمودیان ، به دنبال پی کردن ناقه صالح و مشاهده نشانه های عذاب

ففقروها فأصبحوا ندمین

<فاء> در <فأصبحوا> فصیحه و بیانگر حذف جمله ای است که به خاطر معلوم بودنش حذف شده و تقدیر آن چنین است:

<ففقروها فرأوا اشرط العذاب فأصبحوا ندمین> ناقه را پی کردند پس نشانه های عذاب را دیدند، پس پشیمان شدند.

۲۱ شکست دشمنان اسلام، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دل‌بستگی به یهود و نصارا

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ .. فَيَصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَدْمِينَ

در برداشت فوق جمله <ما اسروا> به قرینه <و من يتولهم منكم> در آیه قبل به دل‌بستگی مسلمانان به یهود و نصارا تفسیر شده است.

۲۲ پیروزی مسلمانان، مایه پشیمانی بیمار‌دلان سست ایمان عصر بعثت از شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ .. فَيَصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَدْمِينَ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <ما اسروا فی انفسهم>، تردید مسلمانان سست ایمان نسبت به حقانیت اسلام باشد. <فی قلوبهم مرض>، این احتمال را تأیید می‌کند.

۲۳ نزول عذاب الهی بر دشمنان دین، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دل‌بستگی به یهود و نصارا

أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيَصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَدْمِينَ

برداشت فوق بر این احتمال است که مراد از <امر>، عذاب دنیوی باشد.

۴ از دست دادن دارایی‌ها و بر جای ماندن حسرت و ندامت، ثمره تلاش برای مبارزه با اسلام

ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةٌ

۱۴- پیروی از شیطان، ملامت و پشیمانی اخروی در پی دارد.

دعوتكم فاستجبتم لى فلاتلومونى و لوموا أنفسكم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۶

۶- کفرپیشگی ، در پی دارنده پشیمانی و ندامت است .

ربما يوٰذ الذین کفروا لو کانوا مسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۳

۱۳- سرانجام تداوم کفر و غوطه‌وری در لذت های دنیا ، پشیمانی است .

ربما يوٰذ الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرهم یا کلوا ... فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۴ - ۳

۳- توجه انسان به حقایق و پشیمانی از عملکرد خویش ، به هنگام گرفتاری مهلک و مشاهده عذاب الهی

فلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسْنَا .. قَالُوا یویلنا إِنَّا کُنَّا ظلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <قالوا یا ویلنا..> استثنافیه و بیان برای جمله <فلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسْنَا...> باشد؛ یعنی، وقتی عذاب ما را احساس کنند، به گناه خویش اذعان و بر حقیقت امر اعتراف می کنند. بنابراین احساس عذاب و مشاهده گرفتاری مهلک، موجب توجه آدمی به حقایق و اعتراف به آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۴ - ۳

۳ - درخواست عذاب از روی ناباوری و کفر ، کاری جاهلانه و ندامت بار است .

فیقولوا هل نحن منظرون . أفبعذابنا یتعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۸

۸ - سختی و سوزش آتش جهنم ، کافران را از عملکرد دنیوی شان پشیمان می کند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یتنا أظعنا الله

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۱

۱ - کوتاهی در حق خداوند ، موجب حسرت و پشیمانی شدید انسان

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي عَلَيَّ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ

<حسرت> به معنای پشیمانی شدید است و عبارت <یا حسرتی> در صورتی گفته می شود که انسان از انجام و ترک کاری به شدت پشیمان شده و بخواهد آن را اظهار کند. <تفریط> (مصدر <فرطت>) به معنای تقصیر و کوتاهی و کلمه <جنب> به معنای جهت و ناحیه است که در این آیه کنایه از حق می باشد. پس <ما فرطت فی جنب الله>؛ یعنی، آنچه در حق خدا کوتاهی کردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۷

۷ - ترتیب اثر دادن به خیر فاسق ، بدون تحقیق و بررسی ، عملی جاهلانه و ندامت بار است .

أَنْ تَصِيْبُوا قَوْمًا بَجْهَلِهِمْ فَتَصْبِحُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَدْمِينَ

عوامل پشیمانی آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۲ - ۱

۱ - آدم (ع) در پی عصیان و تناول از درخت ممنوع ، از کرده خویش پشیمان شد و به درگاه خداوند توبه کرد .

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ

<جبايه> (ریشه اصلی <اجتبی>)؛ به معنای جمع آوری کردن و به دست آوردن است. و <اجتباء> به معنای اصطفا (خالص چیزی را برگزیدن) و اختیار است (لسان العرب). بنابراین <اجتباہ ربّه> یعنی، خداوند علاقه های آدم به این سو و آن سو را قطع کرد و همه را بای خود جمع کرد و وی را برای خود خالص

گردانید. این تعبیر حاکی از انقطاع کامل آدم(ع) از غیر خدا و توبه حقیقی او است.

عوامل پشیمانی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۹

۹ پشیمانی، اندوه و حسرت در آخرت، پیامد تباه کردن فرصت دنیا و کوتاهی در انجام تکالیف

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله .. قالوا يحسرتنا علی ما فرطنا فیها

ضمیر <ها> در <علی ما فرطنا فیها>، به <ما بر می گردد و معنا چنین می شود: <یا حسرتنا علی تفریطنا>. و چون متعلق تفریط محذوف است، بر اطلاق متعلق تفریط دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۷ - ۳،۴

۳ ستم گران، در روز رستاخیز، از نیمودن راه پیامبر (ص) و دوری از روش او، به شدت پشیمان و متأسف خواهند بود.

الظالم ... یقول یلینتی اتخذت مع الرسول سییلاً

۴ نیمودن راه پیامبر (ص) و دوری از روش او، مایه تأسف و ندامت در قیامت

یقول یلینتی اتخذت مع الرسول سییلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۸ - ۱،۴

۱ اظهار تأسف و ناراحتی شدید ستم گران در قیامت، از دوستی با افراد ناباب در دنیا

الظالم ... یویلتی لینتی لم اتخذ فلاناً خلیلاً

<خلیل> به معنای صدیق و دوست است.

۴ دوستی با افراد ناباب، موجب تأسف و پشیمانی شدید در روز قیامت

یویلتی لیتنی لم اتّخذ فلاناً خلیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر

۳ - عمل نکردن به تعالیم قرآن ، مایه حسرت و پشیمانی انسان در عرصه زندگی دنیایی و حیات اخروی

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ .. . أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ

۶ - تمسخر تعالیم الهی (قرآن) ، کوتاهی در حق خدا و موجب حسرت و پشیمانی انسان در دنیا و آخرت است .

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي .. . وَإِنْ كُنْتَ لِمَنِ السَّخْرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۲

۲ - کفرورزی به قرآن ، در پی دارنده پشیمانی و حسرت شدید در قیامت

و إِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

عوامل پشیمانی از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ درماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه به خاطر آمدن کرده های زشت ، اظهار ندامت و شرمساری در پیشگاه

خدا و پوزش طلبی انسان از آن خطاها و ناسپاسیها

و ظَنُّوا أَنَّهُمْ مُحِيطٌ بِهِمْ دَعَا اللَّهَ .. . لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

عوامل پشیمانی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۳،۶

۳ - عمل نکردن به تعالیم قرآن ، مایه حسرت و پشیمانی انسان در عرصه زندگی دنیایی و حیات اخروی

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ .. . أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ

۶- تمسخر تعالیم الهی (قرآن)، کوتاهی در حق خدا و موجب حسرت و پشیمانی انسان در دنیا و آخرت

است .

أن تقول نفس يحسرتي ... و إن كنت لمن السخرين

عوامل پشیمانی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۸

۸ - تنها مشاهده عذاب ، عامل اظهار پشیمانی ظالمان است .

و ترى الظلمين لَمَّا رأوا العذاب

عوامل پشیمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۱

۱ - کافران در روز قیامت ، پشیمان از مواضع انکارآمیز گذشته خویش در برابر قرآن

و إنه لحسره على الكافرين

کتمان پشیمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ > عن حماد بن عيسى عن عمن رواه عن ابي عبد الله (ع) قال : سئل عن قول الله : < و اسروا الندامه ... > قال : قيل له : و ما ينفعهم اسرار الندامه و هم فى العذاب ؟ قال : كرهوا شماته الأعداء ;

حماد بن عيسى از شخصی روایت می کند که از امام صادق (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: <پشیمانی خود را در دل نهان می کنند...> سؤال شد: پنهان کردن پشیمانی برای آنان چه سودی دارد، در حالی که در عذاب هستند؟ فرمود: سرزنش دشمنان را ناخوش دارند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٦ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : سئل عن قول الله تبارك و تعالى < و أسرّوا الندامه لَمَّا رأوا العذاب > قال : قيل له ما ينفعهم أسرار

الندامة و هم فى العذاب ؟ قال كرهوا شماته الأعداء ؛

از امام صادق(ع) درباره قول خدای تبارک و تعالی <و أسروا الندامة لَمَّا رَأُوا العذاب> سؤال گردید و به ایشان گفته شد: پنهان کردن پشیمانی برای آنان در حالی که گرفتار عذاب هستند چه سودی دارد؟ فرمود: آنان سرزنش دشمنان را ناخوش دارند.

موارد پشیمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۵

۵ اصلاح گذشته ، مشروط به توبه و پشیمانی از اعمال نارواست و اطاعت خالصانه از خداوند در گرو اعتصام به اوست .

الا الذين تابوا و أصلحوا و اعتصموا بالله و أخلصوا دينهم

ظاهراً جمله <اصلحوا> و <اعتصموا> و <أخلصوا>، هر یک مترتب بر دیگری است. یعنی بدون بازگشت از نفاق، اصلاح ممکن نیست، و بدون اصلاح، اعتصام به خدا امکان ندارد، و بدون اعتصام به خدا، رهایی از ریا غیر ممکن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۰

۲۰ پشیمانی ، فرجام ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

يسرعون فيهم .. فيصبحوا على ما اسروا فى انفسهم ندمين

موانع پشیمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۶

۶ - خود سرانه عمل نکردن مردم در مسائل مهم اجتماعی و وانهادن آن به رهبری الهی ، مایه مصونیت از خطرات ندامت بار

فتصبحوا على ما فعلتم ندمين . و اعلموا أن فيكم رسول الله

از ارتباط دو آیه ؛ استفاده می شود که خداوند از مؤمنان خواسته

است تا در زمینه مسائل اجتماعی و خطر آفرین، خودسرانه عمل نکنند و وجود رهبری الهی را نادیده نینگارند.

پلیدان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پلیدان

{پلیدان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۴

۴ آنانکه دارایی های خویش را برای مبارزه علیه اسلام هزینه کنند ، از ناپاکان و زیانکاران هستند .

فسینفقونها .. و الذین کفروا إلى جهنم يحشرون. لیمیز الله الخبیث من الطیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۵

۵ مشرکان ، مردمانی ناپاک و آلوده به کفر

شهدین علی أنفسهم بالكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱

۱ شرک ، مایه پلیدی است و مشرکان مردمانی پلیدند .

یأیها الذین ءامنوا إنما المشركون نجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، مردمی پلید هستند .

و يجعل الرجس علی الذین لا یعقلون

پلیدان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۶

۶ خداوند در پی جداسازی ناپاکان از پاکان ، آنان را در قیامت انباشته می کند و یکجا در جهنم فرومی افکند .

و يجعل الخبيث بعضه على بعض فيركمه جميعا فيجعله في جهنم

رکم (مصدر یرکم) به معنای جمع کردن چیزی و انباشته ساختن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۴

۱۴ دوزخ ، جایگاه و فرجام

نهایی آنان که مظهر پلیدی اند .

إنهم رجس و مأویهم جهنم

پلیدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۱،۳،۶

۱ خداوند در پرتو گسیل کافران به سوی دوزخ ، ناپاکان را از پاکان جدا خواهد کرد .

إلی جهنم یحشرون. لیمیز الله الخبیث من الطیب

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیمیز الله> متعلق به <یحشرون> باشد.

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلی جهنم یحشرون. لیمیز الله الخبیث من الطیب

۶ خداوند در پی جداسازی ناپاکان از پاکان ، آنان را در قیامت انباشته می کند و یکجا در جهنم فرومی افکند .

و یجعل الخبیث بعضه علی بعض فیرکمه جمیعا فیجعله فی جهنم

رکم (مصدر یرکم) به معنای جمع کردن چیزی و انباشته ساختن آن است.

تشخیص پلیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۳،۵

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلی جهنم یحشرون. لیمیز الله الخبیث من الطیب

۵ هدف از اعطای آزادی به انسان ها برای اختیار کفر و ایمان و تلاش در راه آن ، جداسازی ناپاکان از پاکان است . *

فسینفقونها .. و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون. لیمیز الله الخبیث من الطیب

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <لیمیز الله> متعلق به معنای ضمنی آیه قبل (اعطای آزادی برای اختیار کفر و ایمان و مهلت دادن به انسانها در دنیا) باشد. قابل ذکر است که گرایش به این معنا بدان جهت است که تعلق <لیمیز> به <إلی جهنم

یحشرون، با توجه به جمله <فیجعله فی جهنم>، خالی از ابهام نیست.

تهمت‌های پلیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - زنان و مردان نیک سرشت و نیک کردار، از نسبت‌های ناروای افراد خبیث و بدخواه در باره آنان، منزّه و پیراسته اند.

للخبیثین .. للطّیّین ... أولئک مبرءون ممّا یقولون

مشارالیه <أولئک> <طّیّین> (مردان و زنان نیک و پاکدامن) است و مرجع ضمیر <یقولون>، <خبیثین> (مردان و زنان خبیث) می باشد.

زمینه انحطاط پلیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۵ - ۶

۶ - زمینه سقوط انسان‌های فرومایه، از ارزش‌ها و افتادن آنان به اعماق پستی‌ها، پس از گذشت برهه‌ای از آغاز خلقت آنها فراهم می شود.

ثمّ ردّنه

حرف <ثمّ>، برای تراخی است.

فرجام پلیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۴

۱۴ دوزخ، جایگاه و فرجام نهایی آنان که مظهر پلیدی اند.

إنهم رجس و مأویهم جهنم

منشأ انحطاط پلیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۵ - ۳

۳ - سقوط انسان های فرومایه ، در ورطه دنائت و پستی ، از جانب خداوند و مستند به او است .

ثم ردده

پلیدی

آثار اجتناب از پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۵

\$۵ - تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان ، هموارسازنده راه هدایت و خشیت

إِنَّهُ طَعَى . . . أَنْ تَزْكِي . وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى

- تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان، هموارسازنده راه هدایت و خشیت الهی

آثار پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۶،۷

۶ پلیدی و نکبت قوم عاد، موجب غضب الهی بر آنان شد.

قال قد وقع عليكم من ربكم رجس و غضب

تقدیم ذکری <رجس> بر <غضب> می تواند حاکی از تقدم رتبی آن باشد.

۷ آلودگی قوم عاد به پلیدی و گرفتاری ایشان به خشم خدا، مانع آنان از تصدیق رسالت هود و گرایش به توحید و یکتاپرستی

قال قد وقع عليكم من ربكم رجس و غضب

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <قد وقع .. > به منزله دلیلی باشد بر کفرورزی قوم عاد، نه نتیجه ای برای انکار توحید و رسالت. یعنی هود با این جمله اشاره به ریشه عنادورزی آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۷

۷ بیماردلی و پلیدی باطن، زمینه ساز مردن بر حال کفر است.

و أما الذين في قلوبهم مرض . . . و ماتوا و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۳

۳ - طغیان گری، بازتاب نبود تزکیه و درست کاری در زندگی انسان

إِنَّه طغى . فقل هل لك إلى أن تزكى

آثار درك پلیدی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۷

۷ مشاهده برهان

الهی (درک حقایق نظیر ربوبیت خدا ، دریافت زشتی گناه ، باور به عدم رستگاری ظالمان و گناه کاران و ...) عامل عصمت پیامبران است .

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

آثار شناخت پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۸ - ۵

۵ - شناخت پلیدی ها ، زمینه آشنایی با راه های گریز از آنها است .

فألهمها فجورها و تقویها

تقدیم <فجورها>، بیانگر نکته یاد شده است.

اجتناب از پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۲، ۷

۱۷ اهل ایمان وظیفه دار دوری جستن از پلید ها و کردار های شیطانی

رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

۱۲ دوری جستن از پلیدی ها و کردار های شیطانی زمینه ساز رسیدن به فلاح و رستگاری

رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۲ - ۶

۶ دوری جستن از پلیدی ها (شراب ، قمار ، مظاهر شرک) نشانگر اطاعت از خدا و رسول (ص)

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم . . . و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۹

۹ مؤمنان ، مکلف به اجتناب و دوری جستن از هر گونه پلیدی (پلیدی مادی و روحی) و مبارزه با آن

إنهم رجس

<رجس> (پلید) بودن، به عنوان علت وجوب اعراض از منافقان ذکر شده و این امر می نمایاند که

اصولاً اجتناب از هر گونه رجس واجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵ - ۲، ۱

۱ - پرهیز از هر گونه پلیدی و آلودگی ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و الرجز فاهجر

<رجز> (مرادف <رجس>) به معنای پلیدی و آلودگی است.

۲ - پرهیز از پلیدی و آلودگی ، از شرایط بایسته برای رهبران و مبلغان جامعه اسلامی و تأثیرگذار در موفقیت آنان

و الرجز فاهجر

ازدیاد پلیدی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۵

۵ خداوند ، پیوسته بر پلیدی کافران و تکذیب کنندگان پیامبران خود می افزاید .

و يجعل الرجس علی الذین لایعقلون

ازدیاد پلیدی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۵

۵ خداوند ، پیوسته بر پلیدی کافران و تکذیب کنندگان پیامبران خود می افزاید .

و يجعل الرجس علی الذین لایعقلون

ازدیاد پلیدی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ افزایش پلیدی منافقان بیماردل ، پس از نزول آیه های قرآن و شنیدن آن
و إذا ما أنزلت سورة .. و أما الذين فى قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلى رجسهم

اهمیت شناخت پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۸ - ۴

۴ - شناخت پلیدی ها ، ضروری تر از آشنایی با راه های پرهیزگاری است .

فألهمها فجورها و تقویها

پلیدی آشامیدنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- آب مشروب دوزخیان ، مایعی ناگوار و پلید است .

یغاثوا بماء .. بئس الشراب

۲۲- رفاه مندانِ هواپرست ، در قیامت ، گرفتار آتشی فراگیر و آشامیدنی هایی ناگوارند .

و لاتطع من أغفلنا قلبه .. بئس الشراب و ساءت مرتفقاً

نکته یاد شده از ارتباط دو آیه استفاده شده است.

پلیدی ازلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱

۱ شراب ، قمار ، بت ها و چوب های مخصوص برد و باخت ، به تمامی پلید و ناپاک اند .

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم رجس

<انصاب> جمع کلمه نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند <انصاب> سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب می شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می پنداشتند و محترم می شمردند. <ازلام> جمع زلم (تیر قمار) از انواع وسائل قمار و برد و باخت به شمار می رفته است.

پلیدی اضلال انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۳

۳ منحرف ساختن مردم از راه خدا ، بارزترین و زشت ترین حرکت کفرآمیز

الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله

پس از طرح مسأله کفر، در آیه موضوع <صدّ عن سبیل الله> مطرح شده است، تا به اثری از آثار کفر اشاره شده باشد.

پلیدی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۲

- مشرکان عصر پیامبر ، در پلیدی و استحقاق عذاب ، همچون کافران هلاک شده پیشین (قوم های عاد ، ثمود ، لوط و فرعونیان)

أَكْفَارِكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلَائِكُمْ

پلیدی بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۵

۱۵ - بت پرستان ، مردمی پلیداند .

فاجتنبوا الرجس من الأوثان

پلیدی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱

۱ شراب ، قمار ، بت ها و چوب های مخصوص برد و باخت ، به تمامی پلید و ناپاک اند .

انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلم رجس

<انصاب> جمع کلمه نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند <انصاب> سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب می شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می پنداشتند و محترم می شمردند. <ازلام> جمع زلم (تیر قمار) از انواع وسائل قمار و بردو باخت به شمار می رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۳

۱۳ - بت ، مظهر رجس و پلیدی است .

فاجتنبوا الرجس من الأوثان

پلیدی خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱

۱ شراب ، قمار ، بت ها و چوب های مخصوص برد و باخت ، به تمامی پلید و ناپاک اند .

انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلم رجس

<انصاب> جمع کلمه

نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند <انصاب> سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب می شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می پنداشتند و محترم می شمردند. <ازلام> جمع زلم (تیر قمار) از انواع وسائل قمار و بردو باخت به شمار می رفته است.

پلیدی خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۰، ۹

۹ خوک، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا أن یکون .. فإنه رجس

بنابراین که ضمیر <انه> به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: <الرجس، القذر و القذار ضد النظافه ... و رجس، نجس.>

۱۰ آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوک و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن یکون .. فإنه رجس

مرجع ضمیر <انه> می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

پلیدی خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوک و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن یکون .. فإنه رجس

مرجع ضمیر <انه> می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

پلیدی در مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ برخی از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی

و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

پلیدی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۹

۹ نزدیکی با زنان شوهردار و ارتکاب زنا ، از گناهان بسیار زشت و پلید است .

لنصرف عنه السوء و الفحشاء

پلیدی زنا در ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۷

۷- زنا ، عملی نامشروع و منفور در تمام ادیان الهی است .

و لم أك بغیاً

پلیدی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - شرک و رزی ، دور شدن از طهارت و پاکی و آلوده شدن به پلیدی و ناپاکی است .

أن لاشرک بی شیئاً و طهر بیتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۶ - ۲

۲ شرک ، سرآمد پلیدی ها و بارزترین جرم دوزخیان *

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ .. الذی جعل مع الله إلهًا آخر

تعبیر <الذی جعل...> در پی اوصاف متعدد دوزخیان می نماید که همه آن اوصاف، در شرک نهفته است و جدا آمدن <الذی جعل...>، می تواند اشاره به اهمیت آن داشته باشد.

پلیدی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۳

۳ - شرارت و پلیدی نهفته در نهاد شیاطین ، دلیل بیگانگی عمیق آنان بامفاهیم هدایتگر قرآن

و ما ینبغی لهم

مقصود از برداشت یاد شده این است که با توجه به محتوای هدایتگر و تکامل بخش قرآن

عرصه ای بر این اتهام که عناصر پلیدی چون شیاطین در آن دخالت داشته باشند باقی نمی ماند.

پلیدی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۸

۸ شیطان ، موجودی با کردار های پلید و ناپاک

رجس من عمل الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۷

۷ - شیطان ، فریب کاری که پس از القای فکر پلید در انسان ، خود را کنار کشیده و متواری می شود .

من شرّ الوسواس الخناس

برای فعل <خَنَّسَ> چند معنا ذکر شده است؛ از جمله: عقب نشینی کرد؛ بازگشت، متواری و غایب شد (لسان العرب). براساس این معانی، آیه شریفه ترسیمی از وسوسه گری های شیطان دارد که پس از هر وسوسه، خود را عقب کشیده، مخفی می شود؛ تا آن وسوسه کار خود را کرده و زمینه را برای وسوسه بعدی فراهم سازد.

پلیدی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۷ - ۱

۱ - فرعون زمان موسی (ع) ، مردی طغیان گر و فرو رفته در پلیدی ها و گستاخ در برابر خداوند

إلی فرعون إنّه طغی

<طغیان>؛ یعنی، از حد گذراندن (مصباح) و مراد از <طغیان فرعون> به قرینه <تزگی> و <فتخشی> در آیات بعد ناپاکی فرعون و بی باکی او، در برابر خداوند است.

پلیدی قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱

۱ شراب ، قمار ، بت ها و چوب

های مخصوص برد و باخت ، به تمامی پلید و ناپاک اند .

انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلم رجس

<انصاب> جمع کلمه نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند <انصاب> سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب می شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می پنداشتند و محترم می شمردند. <ازلام> جمع زلم (تیر قمار) از انواع وسائل قمار و بردو باخت به شمار می رفته است.

پلیدی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۷، ۶، ۲، ۱

۱ خداوند ، قوم عاد را به سبب شرکورزی و انکار رسالت هود به پلیدی گرفتار ساخت و بر آنان غضب کرد .

قال قد وقع عليكم من ربكم رجس و غضب

۲ هود (ع) در پاسخ ناباوری قوم عاد به اخطار های عذاب ، فراهم آمدن زمینه های عذاب (پلید گشتن و گرفتاری به غضب خدا) را به آنان ابلاغ کرد .

فأثنا بما تعدنا .. قال قد وقع عليكم من ربكم رجس و غضب

۶ پلیدی و نکبت قوم عاد ، موجب غضب الهی بر آنان شد .

قال قد وقع عليكم من ربكم رجس و غضب

تقدیم ذکری <رجس> بر <غضب> می تواند حاکی از تقدم رتبی آن باشد.

۷ آلودگی قوم عاد به پلیدی و گرفتاری ایشان به خشم خدا ، مانع آنان از تصدیق رسالت هود و گرایش به توحید و یکتاپرستی

قال قد وقع عليكم من ربكم رجس و غضب

برداشت فوق بر اساس

این احتمال است که جمله <قد وقع...> به منزله دلیلی باشد بر کفرورزی قوم عاد، نه نتیجه ای برای انکار توحید و رسالت. یعنی هود با این جمله اشاره به ریشه عنادورزی آنان دارد.

پلیدی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۴

۴- قوم لوط ، به انواع پلیدی ها و ناپاکی های گسترده و اعمال و خصال پست و ناپسند مبتلا بودند .

و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ

<خبائث> (جمع <خبیثه>) و از ماده <خبث> به معنای انواع پلیدی ها، ناپاکی ها، اعمال و خصال پست و ناپسند است (لسان العرب).

پلیدی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۲

۲ کافران ستیزه گر با دین ، پلید هستند و اهل ایمان ، پاک .

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، مردمی پلید هستند .

و يَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

پلیدی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۶

۳۶ خداوند هرگز جان و دل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئك الذين لم يرد الله ان يطهر قلوبهم

پلیدی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۸

۸ - گناهان ، دارای مراتب متفاوت از حیث زشتی

وناپسندی

و لنجزینهم أسوأ الذی کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۷

۷ - گناه ، هر چند کوچک و حقیر باشد ، از دیدگاه وحی بزرگ و قبیح است . *

یجتنبون کبیر الإثم

با توجه به اضافه صفت (کبائر) به موصوف (الإثم)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۵ - ۴

۴ - اسلام و تسلیم خدا بودن ، از ملاک های برتری و ارزشمندی و جرم و تبه کاری از معیار های پستی و ضدارزشی برای انسان ها است .

أفجعل المسلمین کالمجرمین

پلیدی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۹

۹ لواط و همجنس بازی ، روشی پلید و ناپاک در اطفای غریزه جنسی

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

پلیدی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۰ - ۸

۸ منافقان متخلف از جهاد ، مظهر آلودگی و پلیدی

إنهم رجس

تعبیر <إنهم رجس> به جای <إنهم ذو رجس> بیانگر مبالغه است.

۱۰ پلیدی شدید منافقان جهاد گریز ، ملاک وجوب اعراض و روی گردانی از آنان

فأعرضوا عنهم إنهم رجس

<إنهم رجس> در مقام تعلیل حکم به اعراض است.

پلیدی محرمات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۹

۹ پلیدی و ناپاکی کردار ، ملاک تحریم آنها در ادیان الهی

رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

پلیدی مردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوگ و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن یکون... فإنه رجس

مرجع ضمیر <إنه> می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

پلیدی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۵

۵ مشرکان ، مردمانی ناپاک و آلوده به کفر

شهدین علی أنفسهم بالكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱

۱ شرک ، مایه پلیدی است و مشرکان مردمانی پلیدند .

يأیها الذین ءامنوا إنما المشركون نجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۶

۶- مشرکان ، به خاطر عدم ایمان به عالم آخرت ، زشت خصلتند .

للذین لایؤمنون بالأخره مثل السوء

قرار دادن موصول <الذین> به جای اسم ظاهر، مشعر به این مطلب است که متصف شدن آنان به زشت صفتی، به خاطر کفرشان است.

پلیدی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۲

۲ - مشرکان عصر پیامبر ، در پلیدی و استحقاق عذاب ، همچون کافران هلاک شده پیشین (قوم های عاد ، ثمود ، لوط و فرعونیان)

أَكْفَارِكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلَائِكُمْ

پلیدی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۲

۲ - غیر مؤمنان به عالم آخرت ، زشت صفت و بد سیرتند .

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مِثْلُ

مراد از <مثل السوء> چنان که نوع مفسران گفته اند صفت سوء و زشت است.

پلیدی مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، مردمی پلید هستند .

و يجعل الرجس على الذين لا يعقلون

پلیدی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۷

۷ تعجب پیامبر (ص) نسبت به برخورداری منافقان از امکانات مادی

فلا تعجبك أمولهم و لا أولدهم

ممکن است نهی در آیه متوجه شخص پیامبر(ص) باشد و یا متوجه همه کسانی که صلاحیت دارند مخاطب خداوند قرار گیرند، برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۶ - ۵

۵ افشای چهره منافقان صدر اسلام و ماهیت پلیدشان از سوی خداوند برای مؤمنان

و يحلفون بالله إنهم لمنكم و ما هم منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۸،۱۰

۸ منافقان متخلف از جهاد ، مظهر آلودگی و پلیدی

إنهم رجس

تعبیر <إنهم رجس> به جای <إنهم ذو رجس> بیانگر مبالغه است.

۱۰ پلیدی شدید منافقان جهاد گریز ، ملاک وجوب اعراض و روی گردانی از آنان

فأعرضوا عنهم إنهم رجس

<إنهم رجس> در مقام تعلیل حکم به اعراض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۲

۲ منافقان ، دارای پلیدی باطن و بیماری دل

و أما الذين في قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۵

۵ نگرانی شدید منافقان از افشای ماهیت پلید و برملا شدن ناخشنودی آنان از آیات الهی ، نزد دیگران

هل یریکم من أحد ثم انصرفوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۲ - ۸

۸ - سراسر زندگی منافقان ، آکنده از زشتی و نابه کاری است .

إنهم ساء ما كانوا يعملون

پلیدی نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۶

۳۶ خداوند هرگز جان و دل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئك الذين لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۶ - ۲

۲ - زشتی دوگانگی و تضاد گفتار انسان با رفتار وی

و أنهم یقولون ما لایفعلون

پلیدی همجنس بازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ لواط و همجنس بازی ، روشی پلید و ناپاک در اطفای غریزه جنسی

هُؤلَاءِ بَنَاتٍ هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ

تشخیص پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۶

۶ خداوند در پی جداسازی ناپاکان از پاکان ، آنان را در قیامت انباشته می کند و یکجا در جهنم فرومی افکند .

و يجعل الخبيث بعضه على بعض فيركمه جميعا فيجعله في جهنم

رکم (مصدر یرکم) به معنای جمع کردن چیزی و انباشته ساختن آن

است.

حرمت پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۹

۹ پلیدی و ناپاکی کردار، ملاک تحریم آنها در ادیان الهی

رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۱

۱۱ حرمت خوردن هر چیز آلوده کثیف و پلید

إلا أن یکون... فإنه رجس

با توجه به اینکه <رجس> به عنوان ملاک و تعلیل حرمت موارد مذکور در آیه آورده شده، قابل تعمیم به همه مواردی است که رجس بودن آن ثابت شود.

زمینه پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۵

۵ - احساس بی نیازی از تعالیم دین، زمینه ساز غفلت از خداوند و بی باکی از آلودگی به پلیدی ها است.

أما من استغنی... ألا یرکب... و هو یخشی

زمینه ترک پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۵

۵ ترک گناه و پرهیز از بدی ها و آلودگیها ، تنها با توفیق و امداد های خداوند میسر است .

إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

شناخت پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۸ - ۳

۳ - تعادل قوا در ساختار روح انسان ، آماده سازنده آن برای آگاهی فطری به پلیدی ها و شناخت راه گریز از آنها است .

و ما سوئها. فألهمها فجورها و تقویها

حرف <فاء> در <فألهمها> آن را بر تسویه (در آیه قبل)

تفریع کرده است، تا بیانگر این باشد که خداوند، در ابتدا روح انسان را از قدرت های هماهنگ برخوردار کرده؛ آن گاه بدی ها و راه محفوظ ماندن از آنها را به او الهام می کند. <تقوی> اسم مصدر است. فعل <اتَّقیت>؛ یعنی، برحذر ماندم و خود را دور نگه داشتم (قاموس). بنابراین <تقواها>؛ یعنی، دور ماندن روح از فجور.

شناخت راههای نجات از پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۸ - ۳

۳ - تعادل قوا در ساختار روح انسان، آماده سازنده آن برای آگاهی فطری به پلیدی ها و شناخت راه گریز از آنها است.

و ما سوّیها. فألهمها فجورها و تقویها

حرف <فاء> در <فألهمها> آن را بر تسویه (در آیه قبل) تفریع کرده است، تا بیانگر این باشد که خداوند، در ابتدا روح انسان را از قدرت های هماهنگ برخوردار کرده؛ آن گاه بدی ها و راه محفوظ ماندن از آنها را به او الهام می کند. <تقوی> اسم مصدر است. فعل <اتَّقیت>؛ یعنی، برحذر ماندم و خود را دور نگه داشتم (قاموس). بنابراین <تقواها>؛ یعنی، دور ماندن روح از فجور.

عوامل پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۳

۳ شرکورزی و انکار رسالت انبیا، موجب پلیدی انسان و روایی غضب خداوند بر اوست.

قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ شیطان، مایه پلیدی ها و ناپاکیها

لیطهرکم به و یذهب عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱

۱ شرک ، مایه پلیدی است و مشرکان مردمانی پلیدند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۲

۱۲ دل بستگی به مال و عدم تمایل به پرداخت صدقه (زکات) نشانه آلودگی روح و عدم تکامل معنوی انسان

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ

از مفهوم آیه برداشت می شود که: تطهیر و تزکیه مورد نظر تنها با پرداخت زکات حاصل خواهد شد. بنابراین آنان که در نتیجه دل بستگی، از پرداخت آن سرباز می زنند، آلوده اند و رشد نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۶

۶ به کار نبستن عقل و خرد ، عامل آلودگی انسان به پلیدیهاست .

وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۱۵

۱۵ - پیروی از شیطان و ارتکاب فحشا و منکرات ، مانع از رشد و بالندگی و مایه ناپاکی و انحطاط انسان است .

لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ... فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تکذیب روز جزا ، انسان را از هر موجودِ پستی ، فرومایه ترمی سازد .

ثمّ ردّنه أسفل سفلین .. فما یکذبک بعد بالدین

عوامل پلیدی منافقان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۳

۱۳ پلیدی منافقان و دوزخی بودن آنان ، نتیجه اعمال ناشایست و مستمر خود آنان است .

إنهم رجس و مأویهم جهنم جزاء بما كانوا یکسبون

عوامل پلیدی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۷ - ۶

۶ - بی نیاز دیدن خویش از تعالیم دین ، مصداق بارز ناپاکی و محرومیت از ترکیه است .

أما من استغنی . . . و ما علیک إلا ینزکی

مبارزه با پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۹

۹ مؤمنان ، مکلف به اجتناب و دوری جستن از هر گونه پلیدی (پلیدی مادی و روحی) و مبارزه با آن

إنهم رجس

<رجس> (پلید) بودن، به عنوان علت و جوب اعراض از منافقان ذکر شده و این امر می نمایاند که اصولا اجتناب از هر گونه رجس واجب است.

مراتب پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۵ - ۷

۷ - پستی و سقوط از ارزش های انسانی و مقام های اخروی ، دارای مراتب گوناگون است .

<سافلین> نکره و به معنای گروهی است که مرتبه پستی دارند. چنانچه آن افراد نیز از جنس انسان باشند که جمع عاقل بودن <سافلین> نشانگر آن است مفاد آیه شریفه این می شود که: پستی دارای مراتب گوناگون است و برخی انسان ها در مقامی فرومایه تر از برخی دیگر قرار خواهند گرفت.

معرضان از پلیدی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۶ - ۱

۱ - مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می دهند ، کمال های برتر خویش را از دست نداده ، از پستی ها دور مانده اند .

أحسن تقویم .. أسفل سفلین . إلا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

منشأ پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۶ - ۲

۲ شرک ، سرآمد پلیدی ها و بارزترین جرم دوزخیان *

ألقیا فی جهنم .. الذی جعل مع الله إلهًا آخر

تعبیر <الذی جعل...> در پی اوصاف متعدد دوزخیان می نماید که همه آن اوصاف، در شرک نهفته است و جدا آمدن <الذی جعل...>، می تواند اشاره به اهمیت آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۳

۳ - انکار روز جزا ، زاینده پلیدی ها و تهی کننده زندگی انسان از ارزش حیات

قتل الخرزون

نفرین الهی در جایی صورت می گیرد که فرد حقیقتاً ارزش حیات را از دست داده و مستحق مرگ شده باشد از این که <خرّاصون> (یاوه سرایان منکر معاد) نفرین شده اند، مطلب بالا استفاده می شود.

موانع پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۵

۵ - پابندی به ارزش ها و پرهیز از زشتی ها و پلیدی ها ، تنها در گرو اعتقاد به قیامت

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

از تقابل میان <متقین> و <منکران معاد> که در آیات پیشین مطرح شده است به دست می آید که

تقوا در صورتی حاصل می شود که فرد، منکر قیامت نباشد زیرا با انکار قیامت پابندی به ارزش ها میسر نخواهد شد.

نشانه های پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۸،۱۱

۸ منافقان متخلف از جهاد، مظهر آلودگی و پلیدی

إنهم رجس

تعبیر <إنهم رجس> به جای <إنهم ذو رجس> بیانگر مبالغه است.

۱۱ تخلف از جهاد و سوگند دروغ، علامت نفاق و نشانه پلیدی است.

يعتذرون إلیکم .. سیحلفون بالله ...إنهم رجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۳

۳ کفر و نفاق، نشان بیماری دل و پلیدی باطن است.

الذین فی قلوبهم مرض .. رجسهم ... و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۳

۳ - آلودگی به فحشا و زنا، نشان خباثت (بدسرشتی و بد کرداری) انسان است.

الخبیث للخبیثین و الخبیثون للخبیث

نشانه های پلیدی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۹

۹ روی گردانی منافقان از پیامبر خیرخواه ، دلسوز و مهربان ، نشانه پلیدی و بیماردلی آنان

الذین فی قلوبهم مرض . . . صرف اللّٰه قلوبهم ... لقد جاءکم رسول من أنفسکم ... بالمؤ

پلیدی ها

عوامل پلیدی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۷ - ۶

۶ - بی نیاز دیدن خویش از تعالیم دین ، مصداق بارز ناپاکی و محرومیت از ترکیه

است .

أَمَا مِنْ اسْتَعْنَى . . . وَ مَا عَلَيْكَ إِلَّا يَزْكِي

پناهندگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پناهندگان

اطمینان پناهندگان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۱۱

۱۱ - توجه به ربوبیت خداوند و حاکمیت تدبیر او بر نظام هستی ، برانگیزاننده انسان به پناه بردن به او و اطمینان بخش و دلگرم سازنده پناهندگان است .

قل أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۲ - ۶

۶ - توجه به حاکمیت فرمان های الهی بر انسان ، برانگیزاننده او به پناه بردن به خداوند و اطمینان بخش و دلگرم کننده پناه آورندگان است .

قل أَعُوذُ . . . مَلِكِ النَّاسِ

حفظ امنیت پناهندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۷

۷ تضمین امنیت کفار محاربی که به منظور آشنایی با اسلام و معارف آن ، پناهنده شوند و بازگرداندن آنان به مراکز امنشان پس از دریافت معارف لازم است .

و إنَّ أَحَدَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ . . . ثُمَّ أَبْلَغَهُ مَأْمَنَهُ

پناهندگی

احکام پناهندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۲

۲ ممنوعیت تعقیب و کشتن منافقان پناهنده، به همپیمانان مسلمین

الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ

مراد از <یصلون>، می تواند پناهنده شدن منافقان به همپیمانان مسلمین باشد. چون <یصلون> را به منافقان اسناد داده، نه به همپیمانان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۲،۷

۲ لزوم پذیرش

پناهندگی کفار محاربی که به منظور آشنایی با معارف اسلام، درخواست پناهندگی می کنند .

و إن أحد من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلم الله

۷ تضمین امنیت کفار محاربی که به منظور آشنایی با اسلام و معارف آن، پناهنده شوند و بازگرداندن آنان به مراکز امنشان پس از دریافت معارف لازم است .

و إن أحد من المشركين استجارك .. ثم أبلغه مأمنه

پناهندگی پسر نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۲،۴

۲ فرزند نوح، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از حادثه طوفان می پنداشت .

قال سأوی إلى جبل يعصمني من الماء

<أوی> (مصدر آوی) به معنای رجوع کردن و منضم شدن و جای گرفتن است و <عصمه> (مصدر يعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین <سأوی...> یعنی، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

۴ نوح (ع)، فرزندش را از بی ثمر بودن صعود بر کوه و منحصر بودن راه نجات در بهره جستن از امداد الهی، آگاه ساخت .

لاعاصم اليوم من أمر الله إلا من رحم

قبول پناهندگی کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۲

۲ لزوم پذیرش پناهندگی کفار محاربی که به منظور آشنایی با معارف اسلام، درخواست پناهندگی می کنند .

و إن أحد من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلم الله

پندار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پندار استبعاد معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴

۳- جاودانه پنداشتن دنیا و استبعاد معاد از سوی ناباوران ، بر پایه گمان است نه برهان و یقین .

إِنَّه ظَنٌّ

پندار باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۲

۲- منافات داشتن پیامبری با بشر بودن ، پندار باطل مشرکان

هل هذا إلا بشر مثلكم .. ما أرسلنا قبلك إلا رجالاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸ - ۴

۴- بی نیازی پیامبران از تغذیه و جاودانگی آنان در دنیا ، پندار باطل مشرکان

و ما جعلنهم جسداً لایأکلون الطعام و ما کانوا خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲ - ۶

۶- پندار مبتلا نشدن به سختی ، به صرف ایمان آوردن ، پنداری باطل است .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون

<فتن> به دو معنای <اختبار و آزمون> و <گرفتاری در شدت و سختی> آمده است (مفردات راغب). برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۱،۳،۴،۹

۱ - پندار بدکاران در گریز از مجازات الهی ، پنداری باطل است .

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا

<أم> در <أم حسب> منقطعه و به معنای <بل اضراب> است و معنای انتقال را می هد. انتقال، از <انکار پندار آزموده نشدن، به مجرد ایمان> به <انکار عدم مجازات>، است. مراد از <سبقت از خدا> یا کنایه از <مغلوب ساختن دین خدا> است و یا <گریز از خدا>. به قرینه این

که در آیه، سخن از گناه است، <گریز از عذاب خدا> مراد است و برداشت بالا، مبتنی بر همین احتمال است.

۳ - پندار کافران در غلبه بر دین خدا، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا

به قرینه آیات قبل که در آنها از مدعیان ایمان و پندارشان سخن گفته شده است، مراد از <يعملون السيئات> می تواند <کافران> باشد.

۴ - پندار کافران برای رهایی از کیفر الهی، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا

۹ - پندار امکان گریز از مجازات الهی، پنداری ناشایست است .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا ساء ما يحكمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳ - ۲

۲ - پندار عدم توانایی خداوند بر جمع آوری استخوان های مردگان و زنده کردن آنها، باطل و بی اساس است .

أيحسب الإنسان أن نجمع عظامه

پندار بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴ - ۱

۱ - پندار بدکاران در گریز از مجازات الهی، پنداری باطل است .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا

<أم> در <أم حسب> منقطعه و به معنای <بل اضراب> است و معنای انتقال را می هد. انتقال، از <انکار پندار آزموده نشدن، به مجرد ایمان> به <انکار عدم مجازات>، است. مراد از <سبقت از خدا> یا کنایه از <مغلوب ساختن دین خدا> است و یا <گریز از خدا>. به قرینه این که در آیه، سخن از گناه است، <گریز از عذاب خدا> مراد است و برداشت بالا،

مبتنی بر همین احتمال است.

پندار جاودانگی دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۳،۴

۳ - جاودانه پنداشتن دنیا و استبعاد معاد از سوی ناباوران ، بر پایه گمان است نه برهان و یقین .

إِنَّه ظَنَّ

۴ - جاودانه پنداشتن دنیا و بعید شمردن معاد ، ریشه دل خوشی های نابجا و دل بستگی به خانواده و خاندان است .

إِنَّه كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا . إِنَّه ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ

حرف <إِنَّ> در <إِنَّه ظَنَّ> ، برای بیان علت سُروری است که در <كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا> بیان شده است.

پندار جاودانگی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۵ - ۷،۹

۷- ثروت مند مغرور ، باغ و بوستان و نعمت های خود را جاودانه و فنا ناپذیر می پنداشت .

قَالَ مَا أَظَنَّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا

<تبید> از <بید> به معنای هلاک و نابود شدن است.

۹- ثروت مندان و قدرت مندان ، در خطر پندار جاودانگی نعمت ها در دنیایند .

أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا .. قَالَ مَا أَظَنَّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا

داستان مذکور در آیه، چه واقعی باشد و چه سمبلیک، بیان خصلت های آدمی و واکنش های او در شرایط مختلف است. از جمله این خصلت ها آن است که وقتی در اوج رفاه قرار گیرد و اموال خود را در اطراف خود مشاهده کند، چنین می پندارد که نعمت های اطراف او جاودانه هستند.

پندار سلطه بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۶

۶ پندار غلبه

بر خدا با کفرورزی و تمرد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر (ص)، پندار یهودیان کفرپیشه و اندیشه ای ناصواب

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا

چنانچه در آیه ۵۶ گذشت، مشهور مفسران برآنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان مصداق مورد نظر از <الذین کفروا> هستند.

پندار عجز خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳ - ۲، ۱

۱ - انکار قیامت، برخاسته از پندار کافران به ناتوان بودن خداوند بر گردآوری استخوان های مردگان و احیای مجدد آنها

أیحسب الإنسان أن نجمع عظامه

مقصود از انسان در این آیه برابر نظر مفسران و به قرینه مقام انسان کافر است نه همه انسان ها.

۲ - پندار عدم توانایی خداوند بر جمع آوری استخوان های مردگان و زنده کردن آنها، باطل و بی اساس است.

أیحسب الإنسان أن نجمع عظامه

پندار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۴، ۳

۳ - پندار کافران در غلبه بر دین خدا، پنداری خام و باطل است.

أم حسب الذین یعملون السیئات أن یسبقونا

به قرینه آیات قبل که در آنها از مدعیان ایمان و پندارشان سخن گفته شده است، مراد از <یعملون السیئات> می تواند <کافران> باشد.

۴ - پندار کافران برای رهایی از کیفر الهی، پنداری خام و باطل است.

أم حسب الذین یعملون السیئات أن یسبقونا

پندار مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۲

۲- منافات داشتن

پیامبری با بشر بودن ، پندار باطل مشرکان

هل هذا إلا بشر مثلكم .. ما أرسلنا قبلك إلا رجالاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸ - ۴

۴- بی نیازی پیامبران از تغذیه و جاودانگی آنان در دنیا ، پندار باطل مشرکان

و ما جعلنهم جسداً لایأکلون الطعام و ما کانوا خلدین

پندار مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۳

۳ - جاودانه پنداشتن دنیا و استبعاد معاد از سوی ناباوران ، بر پایه گمان است نه برهان و یقین .

إنه ظن

پندار منفعت رسانی به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۱۷، ۱۶

۱۶ - خداوند ، در تکلیف بندگان به نماز ، برای خود سودی در نظر نداشته و به فکر تأمین رزق و آذوقه برای خود نبوده است .

وأمر أهلك بالصلوة .. لانسئلک رزقاً

مفاد جمله <لانسئلک رزقاً> ممکن است این باشد که ما با فرمان نماز، نمی خواهیم از تو رزقی را طلب کنیم و نیاز خود را بر آورده سازیم.

۱۷ - توجه به نیاز همه بندگان به خداوند در تأمین معاش ، از میان برنده پندار بهره بردن خداوند از عبادت بندگان است .

لانسئلک رزقاً نحن نرزقک

در برداشت یاد شده جمله <نحن نرزقك> به منزله تعلیل برای جمله قبل است؛ یعنی، چون رزق تو به دست ما تأمین می شود، پس روشن است که ما در فرمان نماز، در پی کسب روزی از جانب تو نیستیم.

پندار یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۹

۱۹ یهودیان تحریفگر به پندار خیر و صلاح خویش در صدد آزار رساندن به پیامبر (ص) و ضربه زدن به اسلام بودند .

من الذین هادوا .. لکان خیراً لهم و اقوم

رد پندار عجز خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴ - ۱

۱ - رد پندار منکران معاد (پندار عدم توانایی خدا بر گردآوری استخوان های مردگان و احیای مجدد آنها) از سوی خداوند

أیحسب الإنسن .. بلی قدرین

پوچ گرایان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پوچ گرایان

بی ارزشی پوچ گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۶

۶ - انسان بیهوده گرای حق ستیز ، فاقد ارج و منزلت در پیشگاه پروردگار

فذرهم یخوضوا

تعبیر <فذرهم> در بردارنده معنای تحقیر است.

پوچ گرایی

آثار پوچ گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- پوچ انگاری و باطل گراییی انسان ها ، دارای پیوند با شك و ناباوری آنان نسبت به قیامت

لاریب فیه و لكنّ .. لا یعلمون ... یومئذ یخسر المبطلون

در آیه قبل شك در معاد، معلول جهل دانسته شد و در این آیه تعبیر <مبطلون> منطبق بر همان جاهلانی است که در آن جا یاد شده اند.

روش درمان احساس پوچ گراییی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۷

۷- ایمان و تقوا، تنها درمان احساس پوچی و بیهودگی انسان در زندگی دنیوی

إنّما الحیوه الدنیا لعب و

لهو و إن تؤمنوا و تتقوا يؤتكم أجوركم

با توجه به این که گاهی انسان ها خود به حقیقت کلام الهی پی برده و به پوچی زندگی دنیایی می رسند و در آن جا احساس بن بست می کنند، این پیام الهی (إن تؤمنوا و تتقوا يؤتكم أجوركم) آنان را از بن بست رهانیده و فرجامی بایسته را در پیش چشمشان ترسیم می کند.

عوامل پوچ گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۴

۴ - نگرش سطحی به حیات دنیا، عامل بیهوده پنداری آن است .

یعلمون ظهراً من الحیوه الدنیا .. أولم یتفکروا ... ما خلق الله السموت و ا

در آیه قبل، سخن از سطحی نگری به میان آمده است و در این آیه، آنان توبیخ شده اند که >چرا در خلق عالم نمی اندیشند تا به حقایق آفرینش آن پی ببرند؟<، چنین توبیخی، اشعار به نکته یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۷

۷ - جهل و نادانی، عامل کشیده شدن انسان به ورطه لهو و بیهودگی است .

یشتری لهو الحدیث .. بغیر علم

منشأ پوچ گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۵

۵- ماندگار شدن در شک و تردید نسبت به حقایق دین، سرچشمه نگاه بازیگرانه به هستی و انسان

إن کنتم موقنین .. فی شک یلعبون

پوست از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پوست

آگاهی پوست از عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۰ -

۴ - آگاهی گوش ، چشم و پوست آدمی ، از اعمال و رفتار او

شهد عليهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم بما كانوا يعملون

گفتنی است که گواهی دادن فرع بر آن است که گواهی دهنده به آنچه گواهی می دهد آگاه باشد.

پوست جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۲،۳

۲ - جمع شدن پوست لب ها و صورت دوزخیان ، با رسیدن حرارت آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار و هم فيها کلحون

<کالح> (مفرد <کالحن>) به کسی گفته می شود که لب هایش از هم فاصله داشته و دندان هایش آشکار باشد.

۳ - بدمنظری دوزخیان ، در نتیجه جمع شدن پوست صورت و لب های آنها و آشکار ماندن دندان هایشان

تلفح وجوههم النار و هم فيها کلحون

<کالح> ظاهراً کنایه از زشت رویی و بدمنظری دوزخیان است.

پوست قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲۳

۲۳ - > عن صفوان بن يحيى الأرزق قال : قلت لأبي إبراهيم (ع) : الرجل يعطى الاضحيه من يسلخها بجلد ها قال : لا بأس به ،

إنما قال الله عزوجل > فكلوا منها و أطمعوا < و الجلد لا يؤكل و لا يطعم ;

صفوان بن يحيى می گوید: به امام کاظم (ع) گفتم: شخص، قربانی را می دهد به کسی که آن را سلاخی کند، در مقابل

پوست آن که پوست را مزد خود بردارد [حکمش چیست؟] فرمود: مانعی ندارد؛ زیرا خدای عزوجل فرموده است: > فكلوا

منها و أطمعوا < و پوست نه خورده می شود و نه (به وسیله

آن) اطعام می شود.<

جدایی پوست سر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - آتش دوزخ ، به شدت اندام دوزخیان را جدا کرده و پوست سر آنان را برمی کند .

نَزَاعَه لِلشَّوَى

<نَزَاعَه> به چیزی می گویند که پی در پی جدا و قطع می کند. <شوی> در معنای دست ها، پاها، اطراف و هر عضوی از بدن که قطع آن موجب مرگ نشود، استعمال می شود و ممکن است جمع <شواه> (پوست سر) باشد.

۲ - اندام مجرمان ، در آتش دوزخ به شدت جدا و پوست سر آنان برکنده می شود .

نَزَاعَه لِلشَّوَى

دگرگونی پوست جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۹ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، پوست های بدن دوزخیان را به شدت دگرگون می سازد .

لَوَّاحِه لِلبَشْرِ

<لَوَّاحِه> صیغه مبالغه و از ماده <لوح> (تغییر و دگرگونی) است و <بشر>، جمع <بشره> به معنای ظاهر پوست بدن است.

ذوب پوست جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۰ - ۱

۱ - گداخته شدن پوست و امعا و احشای اهل دوزخ با آب داغ ، یکی دیگر از عذاب های مقرر برای آنان

یصهر به ما فی بطونهم و الجلود

<صِيْهْر> (مصدر مجهول <يُصْهَر>) به معنای گداخته شدن است. ضمیر <به> به <حمیم> بازمی گردد و <ما> در عبارت <ما فی بطونهم> کنایه از امعا و احشا است؛ یعنی، با آن آب داغ که بر سرشان ریخته می شود پوست و آنچه در میان شکم

آنان است، گداخته خواهد شد.

شگفتی گواهی اخروی پوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۳

۳ - گواهی پوست بدن گناه کاران علیه آنان در قیامت ، امری شگفت و دور از انتظار برای ایشان

و قالوا لجلودهم لِمَ شهدتم علينا

استفهام در <لِمَ شهدتم> می تواند در مقام تعجب و شگفتی باشد.

فواید پوست چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵،۶

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرائشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله .. جعل لكم من جلود الأنعم بیوتًا تستخفونها یوم ظعنکم و یوم إقامتکم

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بیوتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۱

۱ - دام ها ، غیر از سوار شدن و خوردن ، دارای منافع و فواید گوناگون دیگری (استفاده از شیر ، پشم ، پوست و ...) می باشند .

جعل لكم الأنعم لتركبوا .. و لكم فیها منفع

فوائد پوست شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵،۶

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و

گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرائشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله .. جعل لكم من جلود الأنعم بيوتًا تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بيوتًا

فواید پوست گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵،۶

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرائشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله .. جعل لكم من جلود الأنعم بيوتًا تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بيوتًا

فواید پوست گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵،۶

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرائشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله .. جعل لكم من جلود الأنعم بيوتًا تستخفونها يوم

ظعنکم و یوم إقامتکم

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا

کیفر با پوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۹

۹ رویش مجدد پوست ، وسیله تداوم چشاندن عذاب به دوزخیان

كلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غیرها لیدقوا العذاب

گلایه اخروی از پوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۲

۲ - گلایه دشمنان خدا ، در قیامت ، از پوست بدن خود به خاطر شهادت علیه ایشان

و قالوا لجلودهم لم شهدتم علينا

<لِمَ> مرکب از لام علت و مای استفهامیه است. استفهام در <لِمَ شهدتم> می تواند توییحی باشد که در این صورت حاکی از اعتراض ، گلایه و سرزنش است.

گواهی اخروی پوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۰ - ۳

۳ - گوش ، چشم و پوست دشمنان خدا ، در قیامت علیه آنان شهادت خواهند داد .

و یوم یحشر أعداء الله .. شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۲

۲ - گلابیه دشمنان خدا، در قیامت، از پوست بدن خود به خاطر شهادت علیه ایشان

و قالوا لجلودهم لم شهدتم علينا

<لِمَ> مرکب از لام علت و مای استفهامیه است. استفهام در <لِمَ شهدتم> می تواند توییحی باشد که در این صورت

حاکی از اعتراض، گلایه و سرزنش است.

نعمت پوست شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۶

۶- بهر هوری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بیوتاً

نعمت پوست گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۶

۶- بهر هوری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بیوتاً

نعمت پوست گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۶

۶- بهر هوری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بیوتاً

پوشاک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پوشاک

اهمیت پوشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۳

۳ پوشاک، از نیازهای اساسی زندگی انسان

بینی ءادم قد أنزلنا علیکم لباسا

خداوند پس از بیان خلقت انسان، نعمت پوشاک را یادآور شده تا به اهمیت خاص آن اشاره کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۴

۴- غذا و پوشاک ، نیازی مقدم بر زیبایی خواص و جمال طلبی است . *

لکم فیها دفء و منفع

و منها تأکلون . و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

با توجه به اینکه حیوانات هم باعث جمال و هم تأمین کننده غذا و پوشاکند، تقدّم ذکری لباس و غذا در مقام امتنان، ممکن است اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

پوشاک آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲

۲- آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إِنَّ لَكَ أَلَاتِجُوعَ فِيهَا وَ لَاتَعْرَى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تشبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

پوشاک حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲

۲- آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إِنَّ لَكَ أَلَاتِجُوعَ فِيهَا وَ لَاتَعْرَى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تشبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

پوشاک در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۱

۱- آدم (ع) در بهشت خویش از نظر غذا و پوشاک تأمین بود .

إِنَّ لَكَ أَلَاتِجُوعَ فِيهَا وَلا تَعْرِى

تعبير

<إِنَّ لَكَ.. > وعده ای از جانب خداوند به آدم(ع) است و بیان خاصیت بهشت نمی باشد، زیرا خوردن از درخت ممنوع سبب شد که آدم(ع) در همین بهشت عریان شود و وعده <لاتعری> در حق او عملی نگردد.

پوشاک در کفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۳۱، ۳۲، ۳۰، ۱۴، ۱۰، ۸، ۷

۷ تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن یک برده کفاره شکستن سوگند

فکفرتہ اطعام عشرہ مسکین .. اہلیکم او کسوتہم او تحریر رقبہ

۸ شکننده قسم ، مخیر در برگزیدن هر یک از انواع سه گانه کفاره قسم (تغذیه مساکین ، تهیه پوشاک برای آنان و آزاد کردن برده)

فکفرتہ اطعام عشرہ مسکین .. او کسوتہم او تحریر رقبہ

تفریع جمله <فمن لم یجد> بر جملات پیشین تصریح به این دارد که مکلف در انتخاب هر یک از موارد سه گانه مخیر است چنانچه فرموده بود <او صیام ثلثہ ایام> احتمال لزوم مراعات ترتیب بین آن موارد وجود داشت.

۱۰ پوشاک متعارف در خانواده شکننده سوگند ، پوشاکی است که وی می تواند برای کفاره قسم خویش پردازد .

من اوسط ما تطعمون اہلیکم او کسوتہم

بیان نوع خوراک در مورد اطعام می تواند قرینه ای برای نوع پوشاک نیز باشد.

۱۴ کفاره شکستن سوگند در صورت ناتوانی از اطعام ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن برده ، سه روز روزه گرفتن است .

فمن لم یجد فصیام ثلثہ ایام

۳۰ لزوم رعایت تناسب کیفیت پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود

با فصل سال (تابستان و زمستان) و مرد یا زن بودن فقیر

فکفرته .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و اما کسوتهم فان وافقت به التشاء فکسوته، و ان وافقت به الصیف فکسوته، لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

۳۱ بالا-پوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن، روسری و پایین پوش) برای زن، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود.

فکفرته .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

۳۲ یک نوبت غذای سیر یا یک تن پوش، حداقل کفاره قسم که به هر یک از ده مسکین داده می شود.

فکفرته اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

امام باقر(ع) در توضیح معنی <اوسط> در آیه فوق فرمود: .. تشبعهم به مره واحده. قلت: کسوتهم؟ قال: ثوب واحد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۴.

پوشاک زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

بالاپوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن، روسری و پایین پوش) برای زن، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود.

فكفرتَه .. او كسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و اما كسوتهم ... لكلك مسكين ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

پوشاك زیبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۲،۵

۲ لباسهایی که زشتیهای آدمی را مستور می دارد و لباسهای زینتی، از نعمتهای خداوند است.

قد أنزلنا علیکم لباسا یوری سوءتکم و ریشا

<ریش> به معنای پسر پرندگان است، و از آنجا که پره‌های پرندگان پوشش و زینت آنهاست، به این مناسبت در مورد لباس زینتی به کار برده می شود.

۵ آراسته ساختن خویش با پوشاکهای زیبا، مطلوب و محبوب خداوند است.

قد أنزلنا علیکم .. و ریشا

پوشاك مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۴

۴- استفاده از مظاهر طبیعت، برای خوراک، پوشاک و زیورآلات مباح است.

لتأكلوا منه لحمًا طریًّا و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

پوشاک مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۳۱

۳۱ بالا پوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن ، روسری و پایین پوش) برای

زن ، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود .

فکفرته .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

پوشاک مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۸

۸ شکننده قسم ، مخیر در برگزیدن هر یک از انواع سه گانه کفاره قسم (تغذیه مساکین ، تهیه پوشاک برای آنان و آزاد کردن برده)

فکفرته اطعام عشره مسکین .. او کسوتهم او تحریر رقبه

تفریح جمله <فمن لم یجد> بر جملات پیشین تصریح به این دارد که مکلف در انتخاب هر یک از موارد سه گانه مخیر است چنانچه فرموده بود <او صیام ثلثه ایام> احتمال لزوم مراعات ترتیب بین آن موارد وجود داشت.

نعمت پوشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۲

۲ لباسهایی که زشتیهای آدمی را مستور می دارد و لباسهای زینتی، از نعمتهای خداوند است.

قد أنزلنا علیکم لباسا یوری سوءتکم و ریشا

<ریش> به معنای پسر پرندگان است، و از آنجا که پره‌های پرندگان پوشش و زینت آنهاست، به این مناسبت در مورد لباس زینتی به کار برده می شود.

نیاز به پوشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲،۳

۲ - آدم

(ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إِنَّ لَكَ أَلَاتِجُوعَ فِيهَا وَ لَاتَعْرَى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تشبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

۳- غذا و پوشاک از آغاز آفرینش انسان از جمله نیاز های اصلی او بوده است .

إِنَّ لَكَ أَلَاتِجُوعَ فِيهَا وَ لَاتَعْرَى

پوشش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پوشش

ارزش رعایت پوشش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۶

۶- پرهیز از بدن نمایی و اهتمام به مستور داشتن خویش به هنگام عبادت ، خصلتی ارزنده برای بانوان است .

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا

حضرت مریم(س) به مکانی می رود که از انظار دور باشد و هنگام عبادت با نامحرمان برخوردی نداشته باشد.

پوشش آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۱ - ۲

۲- آسمان ، همچون سقفی فراگیر و پوسته ای پوشاننده و قابل ازاله است .

وَ إِذَا السَّمَاءُ كَشَطَتْ

پوشش پا در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۹

۲۹ - بر زنان مؤمن ، پوشاندن پا تا میچ و زینت های آن (مانند خلخال) واجب است .

و لا یضربن بأرجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

پوشش خوشه های خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۱

۵ - پوشش زیبای خوشه های خرما توسط غلاف ، جلوه ای از رحمت گسترده خداوند

الرحمن .. فيها فكهه و النخل ذات الأکمام

پوشش در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۶

۶- پرهیز از بدن نمایی و اهتمام به مستور داشتن خویش به هنگام عبادت ، خصلتی ارزنده برای بانوان است .

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا

حضرت مریم(س) به مکانی می رود که از انظار دور باشد و هنگام عبادت با نامحرمان برخوردی نداشته باشد.

پوشش روز با شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۴

۴ - خداوند ، شب را چون پرده ای بر روز و روز را بر شب می نهد .

يَكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ

<تکویر> (مصدر <یکوّر>) در اصل به معنای پیچیدن دایرهوار است (مصباح المنیر)؛ ولی به کارگیری <علی> نشان می دهد که <تکویر> در این آیه، به معنای <وضع الشيء علی الشيء> است.

پوشش زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۹،۱۲

۹ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرمان اند ؛ جز آنچه که خود به خود آشکاراست (مثل سرمه ، انگشتر ، حنا و ...) .

و قل للمؤمنت . . . و لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

درباره مقصود از <زینتهنّ> (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: ۱- مقصود محل زینت آلات است؛ زیرا آشکار

کردن خود زینت آلائی به تنهایی معنی ندارد. ۲- مراد خود زینت آلائی است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در <إلا ما ظهر منها>، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود؛ مثل: انگشتر، سرمه، حنا و... .

۱۲- پوشاندن زینت هایی که به طور متعارف و خودبه خود آشکار است (مانند انگشتر، سرمه، حنا و...) بر زنان، واجب نیست.

و لا یبدین زینتهنَّ إلا ما ظهر منها

پوشش سدره المنتهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۶ - ۱

۱- <سدره المنتهی>، در پوششی خاص به هنگام نزول بار دیگر جبرئیل بر پیامبر (ص) در کنار آن

و لقد رءاه نزلهُ أُخری . إذ یغشی السدره مایغشی

پوشش سر در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۵

۱۵- زنان مؤمن، موظف به پوشاندن سر، گلو، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنَّ علی جیوبهنَّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

پوشش سینه در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۵

پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

پوشش شب با روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۴

۴ - خداوند ، شب را چون پرده ای بر روز و روز را بر شب می نهد .

یکوّر الیل علی النهار و یکوّر النهار علی الیل

<تکویر> (مصدر <یکوّر>) در اصل به معنای پیچیدن دایرهوار است (مصباح المنیر)؛ ولی به کارگیری <علی> نشان می دهد که <تکویر> در این آیه، به معنای <وضع الشیء علی الشیء> است.

پوشش گلو در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

پوشش محل زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۳۹، ۹

۹- زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرمان اند ؛ جز آنچه که خود به خود آشکاراست (مثل

سرمه ، انگشتر ، حنا و ...) .

و قل للمؤمنت . . . و لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها

درباره مقصود از <زینتهنّ> (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: ۱- مقصود محل زینت آلات است؛ زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. ۲- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در <إلا ما ظهر منها>، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود؛ مثل: انگشتر، سرمه، حنا و

۳۹- > عن فضیل بن یسار قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن الذراعین من المرأه أهما من الزینة التي قال الله تبارک و تعالی > و لا یبدین زینتهنّ إلا لبعولتهنّ < قال : نعم و مادون الخمار من الزینة و ما دون السوارین >

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: آیا ذراعین زن از (آرنج تا میچ دستهای او) جزء زینتی است که خداوند فرموده است: <و لا یبدین زینتهنّ إلا لبعولتهنّ>؟ فرمود: آری و نیز آنچه [از سرو گردن] زیر پوشش مقنعه و [از میچ دست] زیر دست بند قرار دارد، از همان زینت است < .

عوامل پوشش گیاهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - پوشش گیاهی بر سطح زمین ، مرهون بارش باران است .

و أنزلنا من السماء ماء فأنبثنا فیها من کلّ زوج کریم

پول از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پول

پول اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف

۲۷- سکه هایی که اصحاب کهف برای تهیه غذا در نظر گرفتند ، سکه های نقره ای که در زمان ورود به غار ، آن را به همراه خود داشتند .

بورقکم هده

<هده> به چیزی اشاره دارد که حاضر و مشخص باشد. گفتنی است که از عادی بودن برخورد اصحاب کهف، می توان فهمید که جنس سکه ها تغییر محسوسی نیافته بود.

پول رایج دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۳

۲۳- رواج سکه و پول نقره ، برای مبادلات اقتصادی ، در جامعه اصحاب کهف

بورقکم هده

<ورق> به <نقره> و نیز <درهم> (سکه ای که از نقره ساخته شود) گفته می شود (مصباح).

پول رایج دوران یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۸

۸ درهم (سکه نقره ای) پولی رایج در عصر یعقوب (ع)

درهم معدوده

تاریخ پول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۸

۸ درهم (سکه نقره ای) پولی رایج در عصر یعقوب (ع)

درهم معدوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۳

۲۳- رواج سكه و پول نقره ، برای مبادلات اقتصادی ، در جامعه اصحاب كهف

بورقكم هذه

<ورق> به <نقره> و نیز <درهم> (سكه ای كه از نقره ساخته شود) گفته می شود (مصباح).

پیران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیران

پیران و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۱۶ معاف بودن برخی از مردم (زنان ، کهنسالان ، معلولان و ...) از شرکت در جنگ

فاقد و اعم الخلفین

مراد از <خالفین> می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

پیرزن

حجاب پیرزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۱،۲،۴،۸

۱ - حجاب و پوشش برای زنان ساخورده و ناامید از زناشویی و بی میل به امور جنسی واجب نیست .

و القواعد من النساء اللّٰی لایرجون نکاحًا فلیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ

<ثوب> (مفرد <ثیاب>) به معنای پیراهن است؛ ولی مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه آیه قبل که درباره درآوردن پیراهن در وقت خواب و استراحت است روپوش و پوشش های مخصوص زنان مسلمان است؛ نه این که به معنای عریان شدن باشد.

۲ - اجتناب از آرایش و خودآرایی ، شرط جواز حجاب نداشتن زنان ساخورده و ناامید از زناشویی است .

و القواعد من النساء اللّٰی لایرجون نکاحًا فلیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ غیر مت

۴ - ناامیدی از زناشویی و بی میلی نسبت به امور جنسی ، نشان ساخوردگی زنان و مجوز فرونهادن حجاب و پوشش برای آنان است .

و القواعد من النساء اللّٰی لایرجون نکاحًا .. غیر متبرّجت بزینة

جمله <اللّٰی لایرجون نکاحًا> صفت و قید توضیحی برای <و القواعد من النساء> و بیان کننده مقصود از آن است.

۸ - حجاب و پوشش برای زنان ساخورده و بی رغبت به زناشویی ، بهتر و سودمندتر از بی حجاب و بی پوشش بودن آنان

است .

و القواعد من النساء .. ليس عليهنّ جناح أن يضعن ثيابهنّ ... و أن يستعفنن خير لهن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مقصود از <عفت> خویشتن داری زنان سالخورده از فرو نهادن حجاب و پوشش خود باشد که در جمله پیش از آن سخن به میان آمده است.

زینت پیرزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۳

۳ - آرایش و خودآرایی زنان حتی سالخوردهگان نا امید از زناشویی در برابر نامحرمان ممنوع است .

و القواعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا .. غیر متبرّجت بزینة

محدوده حجاب پیرزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۱۳

۱۳ - > عن أبي عبد الله (ع) انه قرأ > أن يضعن ثيابهنّ < قال الخمار والجلباب ... >

امام صادق(ع) در پی تلاوت آیه < أن يضعن ثيابهنّ > فرمود: مراد روسری و روپوش است. <..>

پیروان ادیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۵

۵ پیروان ادیان الهی ، در معرض خطر غلو و گزافه گویی در دین

ياهل الكتب لاتغلوا فی دینکم

۷ صابئی ها نسبت به دیگر پیروان ادیان الهی دارای زمینه کمتری برای گرایش به ایمان واقعی *

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبِئُونَ وَالنَّصْرَى

مرفوع بودن کلمه <الصَّبِئُونَ>، نشان می دهد که تأکید مستفاد از <إِنَّ> در مورد صابئیها وجود

ندارد.

۸ تنها انتساب به ادیان الهی بدون ایمان واقعی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح ، سعادت آفرین نخواهد بود .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. مِنْ ءَامِنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَاخُوفَ

با توجه به اینکه جمله <من ءامن ..> خبر برای <الذین ءامنوا> است، تکرار ایمان در این دو فراز و نبود ضمیر در جمله خبری می رساند که سعادت، در گرو ایمان حقیقی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح می باشد و در این جهت میان منتسبان به ادیان آسمانی و غیر آنان تفاوتی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۴،۱۲

۴ پیروان ادیان الهی در خطر غلو و انحراف از دین خویش

يا هٰٓاهِلَ الْكُتُبِ لَا تَغْلُوا فِی دِیْنِكُمْ

۱۲ پیروان ادیان الهی در خطر پیروی از عقاید پوچ و تمایلات هواپرستانه گذشتگان خویش

وَ لَا تَتَّبِعُوا اَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلِ

اختلاف دینی پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۶

۶ - پیروان ادیان آسمانی در طول زمان ، گرفتار اختلاف در فهم معارف آن

إِنَّ هٰذَا الْقُرْءَانَ یَقُصُّ عَلٰی بَنِی إِسْرَءِیْلَ أَكْثَرَ الَّذِیْ هُمْ فِیْهِ یَخْتَلِفُونَ

تعبیر <بنی اسرائیل> هم شامل یهود می شود و هم شامل نصارا. بنابراین <بنی اسرائیل> مرادف است با <اهل کتاب> که دربرگیرنده دو دین یهودیت و مسیحیت است.

امنیت اخروی پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی

به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

به دلیل آیه بعد - که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد - می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف...> مربوط به سرای آخرت خواهد بود.

بی منطقی دشمنی پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۲۷

۲۷ - خصومت و ستیز پیروان ادیان توحیدی با توجه به وحدت پروردگار و بازگشت عمل هر انسان به خودش ، فاقد منطق و توجیه

اللّٰه ربّنا و ربّکم لنا أعملنا و لکم أعملکم لا حجّه بیننا و بینکم

بنابراین که مراد از <لا حجه>، نفی خصومت و نزاع باشد، برداشت بالا به دست می آید.

پیروان ادیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۷

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

به دلیل آیه بعد - که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد - می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف...> مربوط به سرای آخرت خواهد بود.

توصیه به پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - عینیت بخشیدن به تعالیم شریعت در جامعه ، توصیه خداوند به تمامی پیروان

ادیان آسمانی

شرع لکم .. أن أقيموا الدین

<إقامه> (مصدر <أقيموا>) که به معنای به پاداشتن است مطلب بالا را افاده می کند.

دشمنی پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ شکستن پیمان الهی و فراموشی تذکار های خداوند ، زمینه کینه و دشمنی میان پیروان ادیان

اخذنا میثقتهم فنسوا حظاً مما ذکروا به فاغرینا بینهم العداوه و البغضاء

زمینه اتحاد پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۳۳

۳۳ - اعتقاد به توحید و معاد ، محور مشترک برای وحدت و همبستگی پیروان ادیان آسمانی

اللّٰه ربّنا و ربّکم .. اللّٰه یجمع بیننا و بینکم

بنابراین که مخاطبان پیامبر(ص) اهل کتاب باشند، برداشت یاد شده به دست می آید.

سرور اخروی پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۷

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و

اندوهبار

فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

به دلیل آیه بعد - که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد - می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف...> مربوط به سرای آخرت خواهد بود.

عدالت با پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۷

۱۷ ضرورت اجرای عادلانه قانون درباره پیروان تمامی ادیان

و إن حکمت فاحکم بینهم بالقسط

مسئولیت پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲

۲ فرمان خداوند به وحدت و یکپارچه شدن پیروان ادیان الهی بر محور قرآن

یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا بما نزلنا

نقش پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - اختلافات به وجود آمده در ادیان الهی ، از ناحیه پیروان آنها بود و نه تعالیم پیامبران

الذی هم فیه یختلفون

ضمیر <هم> به اصطلاح فاعل معنوی و تقدیم آن مفید حصر است. بنابراین نسبت داده شدن اختلاف به خود بنی اسرائیل، بیانگر مطلب فوق است.

هماهنگی پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۵ - ۳

۳ - < توحید > محور مشترک مسلمانان با پیروان دیگر ادیان آسمانی است .

و سئل من أرسلنا .. ءالهه یعبدون

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از <و سئل من أرسلنا> پرسش از امت های پیامبران گذشته باشد. در این صورت استفاده می شود که پیروان ادیان آسمانی گذشته، خویشان را یکتاپرست می دانند و در نتیجه می توان گفت توحید قدر مشترک تمامی ادیان است.

پیروان ادیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۵

۵ پیروان ادیان الهی ، در معرض خطر غلو و گزافه گویی در دین

يا هـل الكـتـب لا تغلوا فی دینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۷۸

۷ صابئی ها نسبت

به دیگر پیروان ادیان الهی دارای زمینه کمتری برای گرایش به ایمان واقعی *

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبُوتُونَ وَالنَّصْرَى

مرفوع بودن کلمه <الصَّبُوتُونَ>، نشان می دهد که تأکید مستفاد از <إِنَّ> در مورد صابئینها وجود ندارد.

۸ تنها انتساب به ادیان الهی بدون ایمان واقعی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح، سعادت آفرین نخواهد بود.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. مِنْ ءَامِنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ

با توجه به اینکه جمله <مِنْ ءَامِنٍ ..> خبر برای <الَّذِينَ ءَامَنُوا> است، تکرار ایمان در این دو فراز و نبود ضمیر در جمله خبری می رساند که سعادت، در گرو ایمان حقیقی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح می باشد و در این جهت میان منتسبان به ادیان آسمانی و غیر آنان تفاوتی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۴، ۱۲

۴ پیروان ادیان الهی در خطر غلو و انحراف از دین خویش

يا هٰٓاهل الكتٰب لا تغلوا فى دينكم

۱۲ پیروان ادیان الهی در خطر پیروی از عقاید پوچ و تمایلات هواپرستانه گذشتگان خویش

و لا تتبعوا هواء قوم قد ضلوا من قبل

اختلاف دینی پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۶

۶ - پیروان ادیان آسمانی در طول زمان، گرفتار اختلاف در فهم معارف آن

إِنَّ هٰذَا الْقُرْءَانَ يَقِصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرٰٓءِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

تعبیر <بنی اسرائیل> هم شامل یهود می شود و هم شامل نصارا. بنابراین <بنی اسرائیل> مرادف است با <اهل کتاب>

که دربرگیرنده دو دین یهودیت و مسیحیت است.

امنیت اخروی پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۷

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

به دلیل آیه بعد - که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد - می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف ...> مربوط به سرای آخرت خواهد بود.

بی منطقی دشمنی پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۲۷

۲۷ - خصومت و ستیز پیروان ادیان توحیدی با توجه به وحدت پروردگار و بازگشت عمل هر انسان به خودش ، فاقد منطق و توجیه

اللّٰهُ رَبَّنَا وَ رَبِّكُمْ لَنَا اَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ اَعْمَلُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ

بنابراین که مراد از <لا حجه>، نفی خصومت و نزاع باشد، برداشت بالا به دست می آید.

پیروان ادیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۷

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف عليهم و لا هم يحزنون

به دلیل آیه بعد - که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد - می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف ...> مربوط به سرای آخرت

خواهد بود.

توصیه به پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۶

۱۶ - عینیت بخشیدن به تعالیم شریعت در جامعه ، توصیه خداوند به تمامی پیروان ادیان آسمانی

شرع لکم .. أن أقیموا الدین

<إقامه> (مصدر <أقیموا>) که به معنای به پاداشتن است مطلب بالا را افاده می کند.

دشمنی پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ شکستن پیمان الهی و فراموشی تذکارهای خداوند ، زمینه کینه و دشمنی میان پیروان ادیان

اخذنا میثقتهم فنسوا حظاً مما ذکروا به فاغرینا بینهم العداوه و البغضاء

زمینه اتحاد پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۳۳

۳۳ - اعتقاد به توحید و معاد ، محور مشترک برای وحدت و همبستگی پیروان ادیان آسمانی

الله ربنا و ربکم .. الله یجمع بیننا و بینکم

بنابراین که مخاطبان پیامبر(ص) اهل کتاب باشند، برداشت یاد شده به دست می آید.

سرور اخروی پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

به دلیل آیه بعد - که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد - می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف ...> مربوط به سرای

آخرت خواهد بود.

عدالت با پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۷

۱۷ ضرورت اجرای عادلانه قانون درباره پیروان تمامی ادیان

و إن حکمت فاحکم بینهم بالقسط

مسئولیت پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲

۲ فرمان خداوند به وحدت و یکپارچه شدن پیروان ادیان الهی بر محور قرآن

یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا بما نزلنا

نقش پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - اختلافات به وجود آمده در ادیان الهی، از ناحیه پیروان آنها بود و نه تعالیم پیامبران

الذی هم فیہ یختلفون

ضمیر <هم> به اصطلاح فاعل معنوی و تقدیم آن مفید حصر است. بنابراین نسبت داده شدن اختلاف به خود بنی اسرائیل، بیانگر مطلب فوق است.

هماهنگی پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - < توحید > محور مشترک مسلمانان با پیروان دیگر ادیان آسمانی است .

و سئل من أرسلنا .. ءالهه یعبدون

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از < و سئل من أرسلنا > پرسش از امت های پیامبران گذشته باشد. در این صورت استفاده می شود که پیروان ادیان آسمانی گذشته، خویشان را یکتاپرست می دانند و در نتیجه می توان گفت توحید قدر مشترک تمامی ادیان است.

پیروان انبیا

{ پیروان انبیا }

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۴ - ۶

رهبران دین ، حتی پیامبران ، بدون داشتن پیروانی فرمانبر ، قادر به مبارزه با شرک و کفر نخواهند شد .

حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین

چنانچه <من اتبعک> عطف بر <الله> باشد، مراد از کفایت مؤمنان برای پیامبران این نیست که آنان نیز همانند خداوند قادر به حمایت از رسول خدا هستند، بلکه آیه مورد بحث با توجه به اینکه در رابطه با مبارزه علیه مشرکان و کافران ایراد شده، در صدد بیان این است که مبدا کفایت خداوند به این معنا تفسیر شود که در مبارزه با مشرکان نیازی به مؤمنان نیست و خداوند خود ایشان را از صحنه مبارزه بیرون خواهد کرد.

احسان پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۹

۹ - پیامبران و پیروانشان ، از محسنان اند .

و الذی جاء بالصدق و صدق به . . . ذلک جزاء المحسنین

اختلاف پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۶

۶ اختلافات دینی پیروان انبیا و مخالفان آنان با داوری خداوند خاتمه خواهد یافت .

حتى یحکم الله بیننا

اخلاص پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، همواره در بستر تاریخ ، برخوردار از پیروانی مخلص و اهل بندگی خدا

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین . إلا عباد الله المخلص

استهزای پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ -

۶ سالکان راه خدا و پیروان انبیا ، در معرض تمسخر و استهزای کافران و دشمنان دین

کلما مرّ علیه ملائمن قومه سخرُوا منه

پاداش پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۴

۴ دنیا و آخرت ، عرصه بهره مندی دست پروردگان انبیا از پادشاهای الهی

و کاتین من نبی قاتل معه ربیون .. فاتیهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخر

پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۵،۹

۵ مقاومت و صبر پیروان انبیای گذشته در برابر سختی های جنگ و مشکلات

ام حسبتم .. مستهم البأساء و الضراء

درخواست نصرت الهی از جانب پیامبران و مؤمنان پس از آزار جنگ و مصائب و مشکلات، بیانگر مقاومت آنان است.

۹ شدت مصائب و تداوم مشکلات پیامبران گذشته و امت های آنان ، موجب آن شد که خواهان تعجیل در یاری و امداد الهی شوند .

مستهم البأساء و الضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذین امنوا معه متی نصر الله

جمله <متی نصر الله>، دلالت بر تردید آنان نسبت به یاری خدا ندارد؛ بلکه شدت مصائب و تداوم آن موجب شد که خواهان تعجیل آن باشند؛ و یا چنین گمان کنند که یاری خداوند نباید بیش از این به درازا کشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۱

۱ سرگذشت حضرت زکریا، مریم، یحیی و عیسی (ع) و پیروان آن حضرت، آیات الهی و پند

ذَٰلِكَ تَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَ الذِّكْرِ الْحَكِيمِ

<ذَٰلِكَ>، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۸ - ۱۱، ۲

۲ پیروی از انبیا، ملاک پیوند و انتساب به آنان

أَنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِأَبْرَهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ

۱۱ نزدیکترین مردم به انبیا، متعهدترین افراد به محتوای رسالت آنان

أَنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِأَبْرَهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ

امیرالمؤمنین (ع): أَنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِالْأَنْبِيَاءِ أَعْمَلُهُمْ بِمَا جَاؤَا بِهِ. سپس آن حضرت آیه فوق را تلاوت کرد.

مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۷۰، در برخی نسخه ها <اعلمهم> ثبت شده است، نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۱۸۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۴، ۱۰، ۲، ۱

۱ پیکار بسیاری از خداپرستان، در رکاب پیامبران الهی و تسلیم ناپذیری و پایداری آنان

و كَاتِبِينَ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ

<رِبِّيُونَ> جمع <رَبِّي> است و به معنی کسی که خود را مختص پروردگار کرده، یعنی جز پرستش خدا به کار دیگری نمی پردازد.

۲ عالمان، یاوران پیامبران الهی در پیکار با دشمنان دین، و تسلیم ناپذیر و استوار

و كَاتِبِينَ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ

برخی <ریئون> را به معنای عالمان تقوایسته و صابر گرفته اند. (لسان العرب).

۱۰ بسیاری از انبیای الهی و یاوران ایشان ، در سراسر تاریخ ، با مصائب و دشواری های فراوان درگیر بودند .

و کاین من نبی قاتل معه ریئون کثیر . .. لما اصابهم

۱۴ نقش سازنده یادآوری حماسه شجاعت

و پایداری مجاهدان راه خدا و یاوران پیامبران در پیکار و مبارزه

و کاین من نبی قاتل . . . و الله یحب الصابرين

آیه شریفه با یادآوری حماسه <رَبِّيون>، در صدد سازندگی مسلمانان است تا دیگر بار همانند نبرد احد، سستی و زبونی به خود راه ندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱۲، ۱۱، ۹، ۸، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ پیامبران الهی و دست پروردگان آنان، دعاکنندگان به درگاه پروردگار یکتا

و ما کان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم> به پیامبران و یاوران آنان (رَبِّيون) برگشت داده شده است.

۲ درخواست بخشایش گناهان و زیاده روی ها، پایداری بر راه پیامبران و چیرگی بر کافران، تنها سخن دست پروردگان انبیا در هنگامه های پیکار

و ما کان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت اقدا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم>، تنها به <رَبِّيون> برگشت داده شده است.

۳ همراه نمودن دعا با مجاهدت و مقاومت در راه خدا، از ویژگی های پیامبران الهی و پرورش یافتگان آنان

و ما کان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا . . . و انصرنا

۴ پرورش یافتگان مکتب انبیا، گناه و اسراف (زیاده روی در امور) را نقطه ضعف و مانع پیروزی خود می دانند. *

و ما کان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا . . . و انصر

از اینکه مردان الهی نصرت و پیروزی بر دشمنان را پس از درخواست آموزش گناهان طلب می کنند (اغفر لنا . . . و انصرنا)، معلوم می شود که

آنان پیروزی را در گرو پاکی از گناه می دانند.

۸ توجه به خودسازی (جهاد اکبر) ، به همراه پیکار با دشمن (جهاد اصغر) ، ویژگی پرورش یافتگان مکتب انبیا

و ما کان قولهم اَلَا ان قالوا رَبَّنَا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت . . .

۹ هنگامه های دشوار ، عرصه پالایش روحی دست پروردگان الهی

فما وهنوا . . . و ما کان قولهم اَلَا ان قالوا رَبَّنَا اغفر لنا ذنوبنا

جمله < و ما کان قولهم . . . > ، می رساند که مجاهدان راه خدا به هنگام درگیری با دشمن، تنها به یاد خدا هستند و چیز دیگری فکر و قلب آنان را به خود مشغول نمی سازد و این حالت خلوص و روح پالایش یافته آنان، نتیجه گام نهادن در عرصه های دشوار نبرد است.

۱۱ بینش خدامحوری دست پروردگان پیامبران الهی ، در تحلیل حوادث

و کائین من نبی قاتل معه ربیون . . . و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین

چون < ربیون > ، در عین استقامت و پایداری، پیروزی را از جانب خدا می دانند. (و انصرنا علی القوم الکافرین).

۱۲ خودسازی و پاک شدن از گناهان و پیروزی بر دشمنان دین ، از اهداف انبیا و همگامان با ایشان

رَبَّنَا اغفر لنا ذنوبنا . . . و انصرنا علی القوم الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و کائین من نبی . . . فاتیهم الله ثواب الدنیا و

حسن ثواب الاخره

پیروان انبیا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۴

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدق به .. لهم ما یشاءون عند ربهم

تأمین خواسته های پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۴

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدق به .. لهم ما یشاءون عند ربهم

تقوای پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۵

۵ - تنها پیروان انبیای الهی و ادیان توحیدی ، از تقوای پیشگان اند .

و الذی جاء بالصدق و صدق به

ضمیر فصل <هم> مفید قصر و موجب اختصاص صفت تقوا به <الذی جاء ..> است.

حامی پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۱

۱ خداوند ، حامی و پشتیبان موحدان و مؤمنان به رسالت پیامبران است .

من ی نصرنی من الله إن طردتهم

حسن فرجام پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۱۱، ۱۰

۱۰ فرجام نیک از آن پیامبران الهی و پیروان ایشان است .

و سيعلم الكُفّر لمن عقبی الدار

۱۱ کفرپیشگان در قیامت و یا پس از مرگشان - درخواهند

یافت که فرجام نیک از آن پیامبران و پیروان ایشان است .

و سيعلم الكُفْر لمن عقبى الدار

سلامتی قلب پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۴ - ۷

۷- برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شيعته لإبرهيم . إذ جاء ربّه بقلب سليم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

صفات پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۶

۱۶ ایمان به خداوند و تسلیم در برابر او ، ویژگی یاوران انبیا

من انصاری الى الله .. امنا بالله و اشهد بانّا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۴ - ۷

۷- برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شيعته لإبرهيم . إذ جاء ربّه بقلب سليم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

عبودیت پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، همواره در بستر تاریخ ، برخوردار از پیروانی مخلص

و اهل بندگی خدا

و لقد أرسلنا فيهم منذرين . فانظر كيف كان عقبه المنذرين . إلا عباد الله المخلص

فضایل پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۳

۳ - پیامبران و پیروان آنان ، لشکریان خدا هستند .

لعبادنا المرسلين . . . و إن جندنا لهم الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۵

۵ - تنها پیروان انبیای الهی و ادیان توحیدی ، از تقوایبندگان اند .

و الذي جاء بالصدق و صدق به

ضمیر فصل <هم> مفید قصر و موجب اختصاص صفت تقوا به <الذی جاء ..> است .

مسئولیت پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۳

۳ مؤمنان به رسالت انبیا در معرض مشکل آفرینی کفرپیشگان و موظف به صبر و استقامت

إن كان طائفه منكم ءامنوا بالذی أرسلت به .. فاصبروا

مصونیت پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۱۲

۱۲ - پیروان رسولان الهی ، از عذاب استیصال در امان اند .

و لو أَنَا أَهْلُكُمْ .. لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ

نجات پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۵

۵ به هنگام نزول عذاب الهی ، تنها همگامان پیامبران اهل نجاتند .

فَأُنَجِّينَهُ وَ الَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةِ مِنَّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱ خداوند ،

پیامبران و پیروان ایشان را از عذاب های استیصال نجات می بخشید .

جاء هم نصرنا فنجی من نشاء

<نجی> ماضی مجهول و <من> نایب فاعل آن است. مفعول <نشاء> کلمه ای مانند <نجاته> است که از <نجی> استفاده می شود. بنابراین <فنجی من نشاء> یعنی، پس نجات داده شد آنکه ما نجات یافتنش را می خواستیم. از مصداقهای مورد نظر برای <من نشاء> پیامبران و پیروان ایشان است.

پیروان رهبری دینی

{پیروان رهبری دینی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۴ - ۶

پیروان شعیب(ع)

{پیروان شعیب(ع)}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۷

۷ شعیب (ع) بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک تنها در صورت تعلق مشیت الهی ، ممکن دانست .

و ما یكون لنا أن نعود فيها إلا أن یشاء الله ربنا

انقیاد پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ شعیب (ع) و مؤمنان به رسالتش ، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما یكون لنا أن نعود فيها إلا أن یشاء الله ربنا

توکل پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۰

۲۰ شعيب (ع) و همگامان مؤمنش ، انسانهایی متکی به خدا و بهره مند از روحیه توکل

علی الله توکلنا

عقیده پیروان شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۱۳، ۱۲

آیین مردم مدین ، آیینی منفور و کریه در دیدگاه شعیب (ع) و پیروان او

أولو کنا کرهین

۱۳ شعیب (ع) با اظهار تنفر خود و پیروانش از آیین مردم مدین ، انتظار پذیرش آن آیین را انتظاری شگفت و بی جا دانست

قال أولو کنا کرهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱۲ ، ۱۱ ، ۳

۳ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش ، بیزار از گرایش به آیین شرک و افترا بستن بر خدا

قال أولو کنا کرهین. قد افترینا علی الله کذبا إن عدنا فی ملتکم

۱۱ شعیب (ع) اظهار کفر و شرک را امری نامشروع و ناروا برای خویش و همگامانش دانست .

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء الله ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از عدم امکان که از جمله <ما یکون لنا .. > به دست می آید، عدم امکان تشریحی باشد.

۱۲ شعیب (ع) و مؤمنان به رسالتش ، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء الله ربنا

فضایل پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۰

۲۰ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش ، انسانهایی متکی به خدا و بهره مند از روحیه توکل

علی الله توکلنا

مبارزه با پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۲

۲ کافران قوم شعیب پس

از تمام شدن حجت الهی بر آنان و اصرارشان به کفرورزی و مبارزه با شعیب و مؤمنان به وی ، به هلاکت رسیدند .

قال الملائكة .. فأخذتهم الرجفة

کلمه <فا> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعیب و در آخر دعای شعیب که خواهان داوری خداوند شد.

نجات پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۴

۴ خداوند نجاتبخش شعیب (ع) و همگامانش از گرایش به شرک

بعد إذ نجنا الله منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۴،۵

۴ خداوند ، شعیب (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر مردم مدین رهایی بخشید .

و لما جاء أمرنا نجينا شعيبًا والذين آمنوا معه

۵ نجات شعیب (ع) و پیروان او از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نجينا شعيبًا والذين آمنوا معه برحمه منا

هجرت پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۶،۷

۶ مؤمنان به رسالت شعیب (ع) مصمم بر آیین توحید و متابعت شعیب (ع) در خروج از شهر مدین

لئن اتبعتم شعيباً

۷ اشرف کفریشه مدین با تأکید بر خسارتبار بودن همراهی شعیب (ع) ، در تلاش برای بازداشتن مؤمنان از متابعت او و خارج شدن از شهر مدین

وقال المأ... لئن اتبعتم شعيباً

إنكم إذا لخسرون

پیروان شیطان

{پیروان شیطان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۶

۶ گمراه ساختن ، اسیر آرزو ها نمودن و تحت فرمان گرفتن ، هدف شیطان از گزینش گروهی از مردم

و قال لاتخذن من عبادك نصیباً مفروضاً. و لاضلنهم و لامنینهم و لامرنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۱

۱ دوزخ ، جایگاه و فرجام گمراهان و فریب خوردگان از شیطان

أولئك ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۱۰، ۱۲

۱۰ - بدکاران و مرتکبان فحشا و پلیدی ها ، پیروان شیطان هستند .

لاتتبعوا خطوت الشیطن . . . إنما یأمرکم بالسوء و الفحشاء

۱۲ - افترا زنندگان به خدا ، پیروان شیطان و کارگزاران او هستند .

لاتتبعوا خطوت الشیطن . . . إنما یأمرکم ... أن تقولوا علی الله ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۹

۹ مشرکان عصر جاهلیت در اسارت گامها و راههای شیطان بودند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر . . . كلوا مما رزقكم الله و لا تتبعوا خطوات الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۵

۵ بدعتگذاران در دین، عناصری پیرو شیطان و تحت ولایت او هستند.

إنا جعلنا الشيطان أولياء للذين لا يؤمنون . . . الله أمرنا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف -

۶ بلعم باعورا پس از دور شدن از معارف الهی به دام شیطان گرفتار و از گمراهان شد .

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

<غوايه>، مصدر <غاوين> به معنای گمراه شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۶

۶ پافشاری مشرکان و بی تقوایان پیرو شیطان به گمراهی خویش

ثم لا یقصرون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <لا یقصرون> به مشرکان و بی تقوایان برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۱

۱۱- رهبران مستکبر و پیروانشان از اجابت کنندگان دعوت شیطانند .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنا کنا لکم تبعًا .. و قال الشیطن لما قضی الأم

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب شیطان، به قرینه ذکر این آیه پس از ذکر ماجرای مستکبران و پیروان آنها در قیامت، مستکبران و پیروانشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۶

۶- امت های پیشین ، فریفته شیطان شده و تسلیم انبیای خود نشدند .

لقد أرسلنا إلی أمم من قبلک فزین لهم الشیطن أعمالهم

جمله <زین لهم الشیطان أعمالهم> به قرینه وعده عذابی که در همین آیه به آن امتهای داده شده، کنایه از عدم تسلیم آنها در برابر انبیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۱۸

۱- تسلط و استیلاى شیطان ، تنها بر دو گروه فرمانبران از او و مشرکان است .

إنما سلطنه على الذين يتولّونه و الذين هم به مشرکون

> أبی بصیر عن أبی عبدالله (ع) قال : قلت له : ... قوله تعالى : < إنما سلطانه علی الذین یتولّونه و الذین هم به مشرکون > قال : الذین هم بالله مشرکون یسلط علی أبدانهم و علی أديانهم ;

ابوبصیر گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدای تعالی .. <إنما سلطانه علی الذین یتولّونه و الذین هم به مشرکون> سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان که به خدا شرک ورزیدند، [شیطان] بر بدن و دینشان مسلط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۱،۱۲

۱۱- بت پرستان ، هم سو با شیطانند و سرنوشت آنان هم سان فرجام او است .

فتکون للشیطن ولیّاً

<ولِیّ> از ماده <وَلَّى> (نزدیک شدن یا در پی در آمدن) مشتق است و جمله <فتکون ..> حاکی از آن است که سرنوشت بت پرستان و شیطان، نزدیک به هم و در یک ردیف است.

۱۲- گرفتاران به عذاب الهی ، همراه و قرین شیطان خواهند بود .

یَمْسُکُ عَذَابَ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونُ لِلشَّيْطَانِ وَلِيّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۶

۶ - شاعران منحرف ، هم داستان شیطان و سراینندگان القائات شیطانی

تَنْزَلُ عَلَی کُلِّ أَفَّاكٍ .. و الشعراء یتَّبِعُهُم... فی کُلِّ واد یهیمون

آمدن نام شعرای منحرف، در پی آیاتی که بیانگر نزول شیاطین بر قلب دروغ پردازان گنه پیشه است؛ نوعی ارتباط میان شاعران منحرف و شیاطین را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۹ - ۱،۵

- منافقان ، تحت اختیار شیطان و مقهور اراده او

استحوذ علیهم الشیطن

<استحواذ> به معنای چیره شدن است. ضمیر <علیهم>، در آیه شریفه، مربوط به اهل نفاق است؛ یعنی، شیطان بر آنان مستولی شده است.

۵ - منافقان ، حزب شیطان و دار و دسته وی

أولئك حزب الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۱

۱ - منافقان ، ایفاگران نقش شیطان در تزویر و وسوسه گری

کمثل الشیطن

با توجه به این که در آیات پیشین منافقان به عنوان وعده دهندگان به یهود و متخلفان از وعده خویش معرفی شده اند؛ این تمثیل متوجه آنان است.

پیروان شیطان در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳ - ۱۰

۱۰- جبهه ضد توحیدی در صدراسلام ، متشکل از گروهی جاهل ، بی منطق و پیرو بی چون و چرای شیطان بود .

ومن الناس من یجدل فی الله بغیر علم و یتبع کل شیطن مرید

تبری از پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

۲ - اظهار خداترسی و نیز تبری شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات او از کیفر اخروی

قال إنني بريء منك إنني أخاف الله .. فكان عقبتهما أنهما في النار

دعوت از پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۵

۵ - شیطان ، پیروانش را هرگز رها نمی کند ؛ بلکه مدام آنان را به انواع فحشا و منکرات فرا می

خواند .

و من يتبع خطوات الشيطان فإنه يأمر بالفحشاء والمنكر

برداشت یاد شده از به کارگیری فعل مضارع <یأمر> استفاده شده است؛ زیرا فعل مضارع بیانگر استمرار است.

سرزنش پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۲

۱۲- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام می کند که آنان به جای سرزنش او باید خود را به سبب اطاعت بی دلیل از وی سرزنش کنند .

و قال الشيطان .. فلاتلوموني و لوموا أنفسكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۲

۲ - کسانی که به توصیه خداوند مبنی بر اطاعت نکردن از شیطان توجه نکنند ، مورد سرزنش او قرار دارند .

ألم أعهد إليكم بيني و آدم أن لاتعبدوا الشيطان

برداشت یاد شده، از لحن سرزنش آمیز آیه شریفه به دست می آید.

سرزنشهای پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۳

۱۳- شیطان در قیامت مورد سرزنش و ملامت پیروان خود قرار خواهد گرفت .

فلاتلوموني و لوموا أنفسكم

شرک پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۷، ۱۸، ۲۰

۱۷- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام خواهد کرد که وی در دنیا عقیده آنان را در شریک قرار دادن او برای خدا، قبول نداشته است.

و قال الشیطن .. إنی کفرت بما أشرکتُمون من قبل

برداشت مبتنی بر این احتمال است که <ما> در آیه مصدری باشد و <أشرکتکم> را به تأویل مصدر ببرد و مفعول

آن ضمیر منفصل محذوف باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من شریک قرار داده شدن خودم را برای خدا از جانب شما قبول نداشتم و به آن کافر بودم.

۱۸- شیطان در قیامت اظهار می دارد که وی قبل از شرک پیروانش ، به خداوند کافر شده بود . *

إني كفرت بما أشرکتُمون من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <بما أشرکتُمون> موصول و به معنای <من> باشد و ضمیر صله هم محذوف و <من قبل> نیز متعلق به <کفرت> باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من پیش از آنکه شما مرا شریک خدا قرار دهید (در عهد آدم) به او کافر شدم.

۲۰- پیروان شیطان او را در اطاعت ، شریک خداوند قرار می دهند و از القائنات او تبعیت می کنند .

إلا أن دعوتکم فاستجبتم لی .. إني كفرت بما أشرکتُمون من قبل

صفات پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۸

۸- تابعان شیطان ، بی آنکه دلیل و برهانی از وی مشاهده کنند ، بی درنگ به فراخوانی او پاسخ مثبت می دهند .

و ما کان لی علیکم من سلطان إلا أن دعوتکم فاستجبتم لی

<سلطان> به حجت و برهان اطلاق شده است و مراد از آن استفاده از دلیل و برهان به منظور چیره شدن بر طرف مقابل است.

ظلم پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۹

۲۹- پیروان شیطان و گزینش کنندگان ولایت او ، ظالم اند .

بئس للظلمین بدلاً

عجز پیروان شیطان

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۵

۱۵- شیطان در قیامت به ناتوانی خویش و پیروانش برای یاری و فریادرسی یکدیگر اعتراف می کند .

و قال الشیطن .. ما أنا بمصرخکم و ما أنتم بمصرخی

<صرخ> به معنای فریاد و <أصرخ> به معنای پاسخ گویی به آن است. بنابراین مراد از <مصرخ> فریادرس و نجات دهنده است.

عذاب اخروی پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۶

۱۶- شیطان و پیروانش در آخرت گرفتار عذاب الهی خواهند شد .

ما أنا بمصرخکم و ما أنتم بمصرخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۷

۷- شیاطین و پیروان آنها ، شریک یکدیگر در عذاب قیامت

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً .. أنکم فی العذاب مشترکون

عذاب پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۲

۲۲- شیطان در قیامت پیروان خود را از عذابی بس دردناک خبر خواهد داد .

ما أنا بمصرخکم .. إنی کفرت بما أشركتمون من قبل إن الظلمین لهم عذاب أليم

>إن الظالمين لهم عذاب أليم< به قرینه وحدت سیاق می تواند ادامه کلام شیطان باشد.

فرجام پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۰

۱۰ - گرفتار شدن به آتش برافروخته و پراشتهاب دوزخ ، سرنوشت و کیفر پیروان حزب شیطان

إنما يدعوا حزبه ليكونوا من أصحاب السعير

>سعير< به معنای آتش افروخته و ملتهب

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۱

۱ - شیطان و پیروان کافر او ، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فكان عقبتهما أنّهما في النار خلدین فیها

فرجام شوم پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۱۲

۱۲- بیان عاقبت نیک مؤمنان دارای عمل صالح و فرجام شوم پیروان شیطان ، روشی است برای ایجاد انگیزش آدمیان به عاقبت اندیشی .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفوا للذين استكبروا... فهل أنتم مغنون عَنَّا من عذاب

کیفر پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۹

۹- دوزخ ، کیفری کامل و بی کم و کاست برای شیطان و پیروان او

فإن جهنم جزاؤکم جزاءً موفورًا

<موفور> از ریشه <وفر> به معنای تام و بی نقص است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۰

۱۰ - گرفتار شدن به آتش برافروخته و پراشتهای دوزخ ، سرنوشت و کیفر پیروان حزب شیطان

إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

<سعير> به معنای آتش افروخته و ملتهب است.

گمراهی پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۷

۷- شیطان در قیامت به پیروان گمراه خویش اعلام خواهد کرد که وی هیچ سلطه ای بر آنها ندارد و صرفاً آنان به دعوت او پاسخ مثبت داده اند .

و قال الشیطن . . . و ما کان لی علیکم من سلطن

إِلَّا أَنْ دَعَوْتَكُمْ فَاسْتَجِبْتُمْ لِي

ولایت بر پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۸

۸- امتهایی که تحت تأثیر اغوای شیطان ، تسلیم انبیا نشدند ، تحت ولایت شیطانند .

أُمُّ مَنْ قَبْلَكَ فَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلُهُمْ فَهَوُ وِلْيَهُمُ الْيَوْمُ

هماهنگی پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۷

۷- طرفداران و پیروان شیطان ، گروهی هم سو و هم نوا

إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ

از به کار رفتن تعبیر <حزب> درباره طرفداران و پیروان شیطان، برداشت یاد شده به دست می آید.

پیروان قرآن

آمزش پیروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲- آمزش و اجر ارزشمند و پر ب ها ، پاداش پیروان قرآن و خداترسان

مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْبَاطِنَ فَبِشْرِهِ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ

بشارت به پیروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - پیامبر (ص) مأمور بشارت دادن پیروان قرآن و خداترسان به مغفرت و اجر ارزشمند و پر ب های الهی

من أتبع الذكر و خشى الرحمن بالغيب فبشّره بمغفره و أجر كريم

پاداش پیروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۸

۸ ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (ص) و قرآن

فاما الذين ءامنوا بالله و اعتصموا ..

يَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - آموزش و اجر ارزشمند و پرب ها ، پاداش پیروان قرآن و خداترسان

من أتبع الذكر و خشى الرحمن بالغيب فبشره بمغفره و أجر كريم

هدایت پذیری پیروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱

۱ - انذار ها و اخطار های پیامبر (ص) ، تنها در افرادی که آماده پذیرش بودند و می خواستند از پیروان قرآن و اهل خشیت باشند ، مؤثر بود .

إنما تنذر من أتبع الذكر و خشى الرحمن

در آیات گذشته، سخن از گروهی بود که هرگز آمادگی پذیرش ایمان و سخن حق را نداشتند؛ ولی در این آیه شریفه از گروه دیگری یاد می کند که در نقطه مقابل گروه اول قرار دارند که آماده پذیرش کلام حق (قرآن) بوده و از خدای رحمان می ترسند. گفتنی است مقصود از <ذکر> طبق نظر بیش تر مفسران قرآن است.

پیروان کافران

{پیروان کافران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱

۱ منافقان به هنگام پیروزی مسلمانان ، خود را یاور آنان و به گاه غلبه کافران ، خود را طرفدار و عامل پیروزی ایشان جلوه می دهند .

الذین یتربصون بکم .. قالوا ألم نستحوذ علیکم

<الذین یتربصون>، بدل برای <الذین یتخذون> است و توضیح دهنده ویژگیهای منافقان.

پیروان لوط

{پیروان لوط}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲

۴ لوط در پاک زیستی و تنزه از اعمال زشت و مبارزه با کردار های ناپسند ، دارای همگامان و یارانی متعدد بود .

و ما کان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوهم من قريتمك إنهم أناس يتطهرون

ضمایر جمع در جمله <اخرجوهم .. > و نیز آوردن کلمه <اناس> ، حکایت از آن دارد که گروهی از مردم به لوط گرویده بودند و چون تصمیم بر اخراج لوط و یارانش در پی اعتراضهایی که در آیه قبل مطرح شد، گرفته شده، معلوم می شود مؤمنان به لوط وی را در مبارزه با فسادها و مفسدان یاری می کردند.

اقلیت پیروان لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۵

۵ یاران و همگامان لوط در مقایسه با مخالفان وی بسیار اندک بودند .

قالوا أخرجوهم من قريتمك

تصمیم و پیشنهاد اخراج لوط و یارانش حکایت از آن دارد که یاران وی در مقایسه با مخالفان او بسیار اندک بودند، ورنه چنین پیشنهادی طبیعی به نظر نمی رسید.

پاکی پیروان لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۳،۷،۸

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قريتمك إنهم أناس يتطهرون

۷ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزّه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس يتطهرون

۸ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلاّب فسادها و ارتکاب رفتار های پلید و ناروا

إنهم أناس يتطهرون

به کارگیری

فعل مضارع <یتطهرون> بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودند که پاک زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

تبعید پیروان لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۳

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

قوم لوط و پیروان لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۸

۸ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلا ب فساد ها و ارتکاب رفتار های پلید و ناروا

إنهم أناس يتطهرون

به کارگیری فعل مضارع <یتطهرون> بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودند که پاک زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

پیروان محمد(ص)

{پیروان محمد(ص)}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۸

۸ اهل ایمان ، رهروان راه رسول خدا

و من يشاقق الرسول . . . و يتبع غير سبيل المؤمنين

پاداش پیروان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۸

۸ ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (ص) و قرآن

فاما الذین ءامنوا باللّٰه و اعتصموا .. یهدیهم إلیه صراطاً مستقیماً

پیروان موسی (ع)

{ پیروان موسی (ع) }

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ -

۸ هارون ، برادر موسی و از پیروان وی

و قال موسی لأخیه هرون

انذار از غضب پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۵

۵ - هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مجادله گر و حق ستیز مصر ، درباره خشم انقلابی و انتقام مؤمنان طرفدار موسی (ع)

الذین یجدلون فی ءایت الله .. کبر مقتاً ... عندالذین ءامنوا

تذکر مؤمن آل فرعون به فرعونیان، مبنی بر این که ستیزه جویی در آیات الهی، موجب بغض و دشمنی مؤمنان می شود؛ می تواند بیانگر این نکته باشد که عمل آنان، موجب خشم انقلابی و شورش مؤمنان طرفدار موسی(ع) علیه آنان خواهد گردید.

پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۶

۶ - صبر و یقین برخی از پیروان موسی (ع) به آیات الهی ، زمینه ساز گزینش آنان از سوی خدا برای پیشوایی بنی اسرائیل بود .

و جعلنا منهم أئمه .. لَمَا صبروا و كانوا بآیتنا یوقنون

بنابراین احتمال که در <لَمَا> معنای جزا باشد؛ یعنی، آنان به رهبری انتخاب شدند، به پاداش صبری که پیشه کردند و یقینی که به آیات الهی پیدا کردند.

پیروان موسی(ع) در دربار فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۶

۶- موسی (ع)، برخوردار از هوادارانی وفادار، دلسوز و خیرخواه در کاخ فرعون

إِنِّي لَكُ مِنَ النَّاصِحِينَ

تعبیر <من الناصحين> نشانگر آن است که هواداران موسی در کاخ فرعون بسیار بودند

و مرد ناشناس تنها یکی از آنان بود.

پیروان موسی (ع) و فساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۶

۶ موسی (ع) و قوم او در پندار اشرافیان و فرعونیان ، مردمی فسادگر بودند .

أتذر موسى و قومه ليفسدوا فى الأرض

پیروان موسی (ع) و موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۲

۲ موسی (ع) مورد انتقام قوم خویش به سبب استمرار بیدادگری فرعون پس از بعثت وی

قالوا أوذینا من قبل أن تأتینا و من بعد ما جئتنا

تهمت به پیروان موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۱ - ۱۰

۱۰ اتهام شومی و نامبارکی به موسی (ع) و پیروانش از فرعونیان ، اتهامی ناروا و برخاسته از جهل آنان بود .

یطیروا بموسى و من معه . . . و لكن أكثرهم لا یعلمون

تهمت جادو به پیروان موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۲ - ۳

۳ فرعونیان ایمان به رسالت موسی را سحرزدگی می دانستند .

مهما تأتينا به من ءايه لتسحرنا بها فما نحن لك بمؤمنين

خيرخواهی پیروان موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۶

۶ - موسی (ع) ، برخوردار از هوادارانی وفادار ، دلسوز و خیرخواه در کاخ فرعون

إِنِّي لَكُ مِنَ النَّاصِحِينَ

تعبیر <من الناصحين> نشانگر آن است که هواداران موسی در کاخ فرعون بسیار بودند و مرد

ناشناس تنها یکی از آنان بود.

ظلم به پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۱

۱ قوم موسی مورد ستم نظام فرعونی قبل از بعثت وی و پس از آن

قالوا أوذینا من قبل أن تأتینا و من بعد ما جئتنا

مراد از اتیان و مجيء <تأتینا> و <جئتنا> بعثت موسی(ع) به پیامبری است و بیان آن به دو تعبیر می تواند به جهت تفنن در عبارت باشد.

فرعون و پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۳

۱۳ فرعون به اشراف دربارش اطمینان داد که نظامش از تسلط کامل بر موسی (ع) و قومش برخوردار است .

إنا فوقهم قهرون

<قاهر> به معنای غالب است و کلمه <فوقهم> متعلق به <قهرون> می باشد. یعنی ما از جهت بالا بر آنها مسلط هستیم. و این کنایه از سلطه کامل است.

فرعونیان و پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۸

۸ آمادگی موسی (ع) و قومش برای شورش علیه نظام فرعونی و به انزوا کشاندن فرعون و خدایان او ، دلیل اشراف دربار برای ضرورت مجازات و سرکوبی آنان

أتذر موسی و قومه لیفسدوا فی الأرض و ینذرك و ءالھتك

کثرت پیروان موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۹ - ۲

۲ - حضرت ابراهیم و موسی (ع) ، پیامبرانی شناخته شده در جزیره العرب و دارای طرفدارانی بسیار

صحف ابراهیم و موسی

از

آن جا که کتاب های پیشینیان محدود به صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی (ع) نبود، تصریح به این دو می تواند برخاسته از نفوذ چشمگیر این پیامبران در جزیره العرب عصر پیامبر (ص) باشد.

مبارزه با پیروان موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ فرعون با پذیرش پیشنهاد اشرافیان (سرکوبی موسی (ع) و قوم او) بر کشتار وسیع پسران بنی اسرائیل و زنده نگاه داشتن زنانشان مصمم شد .

قال سنقتل أبناءهم و نستحي نساءهم

تقتیل (مصدر تقتل) به معنای کشتار وسیع است. <استحیاء> از ماده <حیات> به معنای زنده نگاه داشتن است.

نهضت پیروان موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۸

۸ آمادگی موسی (ع) و قومش برای شورش علیه نظام فرعون و به انزوا کشاندن فرعون و خدایان او ، دلیل اشراف دربار برای ضرورت مجازات و سرکوبی آنان

أتذر موسی و قومه لیفسدوا فی الأرض و یذرك و ءالھتك

پیروان انبیا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۴ - ۶

۶ رهبران دین ، حتی پیامبران ، بدون داشتن پیروانی فرمانبر ، قادر به مبارزه با شرک و کفر نخواهند شد .

حسبك اللّٰه و من اتبعك من المؤمنین

چنانچه <من اتبعك> عطف بر <الله> باشد، مراد از کفایت مؤمنان برای پیامبران این نیست که آنان نیز همانند خداوند قادر به حمایت از رسول خدا هستند، بلکه آیه مورد بحث با توجه به اینکه در رابطه با مبارزه علیه مشرکان

و کافران ایراد شده، در صدد بیان این است که مبدا کفایت خداوند به این معنا تفسیر شود که در مبارزه با مشرکان نیازی به مؤمنان نیست و خداوند خود ایشان را از صحنه مبارزه بیرون خواهد کرد.

احسان پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۹

۹ - پیامبران و پیروانشان ، از محسنان اند .

و الذی جاء بالصدق و صدق به .. ذلک جزاء المحسنین

اختلاف پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۶

۶ اختلافات دینی پیروان انبیا و مخالفان آنان با داوری خداوند خاتمه خواهد یافت .

حتی یحکم الله بیننا

اخلاص پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، همواره در بستر تاریخ ، برخوردار از پیروانی مخلص و اهل بندگی خدا

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین . إلا عباد الله المخلص

استهزای پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۶

۶ سالکان راه خدا و پیروان انبیا ، در معرض تمسخر و استهزای کافران و دشمنان دین

كلما مرّ عليه ملائم قومه سخروا منه

پادشاه پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۴

۴ دنیا و آخرت ، عرصه بهره مندی دست پروردگان انبیا از پادشاه های الهی

و کاین من نبی قاتل معه ربیون .. فاتیهم

اللّٰه ثواب الدّنيا و حسن ثواب الاخر

پيروان انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۵،۹

۵ مقاومت و صبر پيروان انبيای گذشته در برابر سختی های جنگ و مشکلات

ام حسبتم .. مستهم البأساء و الضراء

درخواست نصرت الهی از جانب پیامبران و مؤمنان پس از آزار جنگ و مصائب و مشکلات، بیانگر مقاومت آنان است.

۹ شدت مصائب و تداوم مشکلات پیامبران گذشته و امت های آنان، موجب آن شد که خواهان تعجیل در یاری و امداد الهی شوند.

مستهم البأساء و الضراء و زلزلوا حتى يقول الرسول و الذين امنوا معه متي نصر الله

جمله <متي نصر الله>، دلالت بر تردید آنان نسبت به یاری خدا ندارد؛ بلکه شدت مصائب و تداوم آن موجب شد که خواهان تعجیل آن باشند؛ و یا چنین گمان کنند که یاری خداوند نباید بیش از این به درازا کشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۱

۱ سرگذشت حضرت زکریا، مریم، یحیی و عیسی (ع) و پيروان آن حضرت، آیات الهی و پند های حکیمانه

ذلك نتلوه عليك من الايات و الذکر الحكيم

<ذلك>، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۸ - ۲،۱۱

۲ پیروی از انبیا، ملاک پیوند و انتساب به آنان

انّ اولی الناس بابرهیم للذین اتبعوه

۱۱ نزدیکترین مردم به انبیا ، متعهدترین افراد به محتوای رسالت آنان

آن اولی

امیرالمؤمنین (ع): انّ اولی الناس بالانبياء اعملهم بما جاؤا به. سپس آن حضرت آیه فوق را تلاوت کرد.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۷۰، در برخی نسخه ها <اعلمهم> ثبت شده است، نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۱۸۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۴، ۱۰، ۲، ۱

۱ پیکار بسیاری از خداپرستان، در رکاب پیامبران الهی و تسلیم ناپذیری و پایداری آنان

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

<ربیون> جمع <ربی> است و به معنی کسی که خود را مختص پروردگار کرده، یعنی جز پرستش خدا به کار دیگری نمی پردازد.

۲ عالمان، یاوران پیامبران الهی در پیکار با دشمنان دین، و تسلیم ناپذیر و استوار

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

برخی <ربیون> را به معنای عالمان تقوایسته و صابر گرفته اند. (لسان العرب).

۱۰ بسیاری از انبیای الهی و یاوران ایشان، در سراسر تاریخ، با مصائب و دشواری های فراوان درگیر بودند.

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر... لما اصابهم

۱۴ نقش سازنده یادآوری حماسه شجاعت و پایداری مجاهدان راه خدا و یاوران پیامبران در پیکار و مبارزه

و کاین من نبی قاتل... و الله یحب الصّابرين

آیه شریفه با یادآوری حماسه <ربیون>، در صدد سازندگی مسلمانان است تا دیگر بار همانند نبرد احد، سستی و زبونی به خود راه ندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱۲، ۱۱، ۹، ۸، ۴، ۳، ۲، ۱

پروردگان آنان ، دعاکنندگان به درگاه پروردگار یکتا

و ما کان قولهم اَلَّا ان قالوا رَبَّنَا اغفرلنا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم> به پیامبران و یاوران آنان (رَبَّیون) برگشت داده شده است.

۲ درخواست بخشایش گناهان و زیاده روی ها ، پایداری بر راه پیامبران و چیرگی بر کافران ، تنها سخن دست پروردگان انبیا در هنگامه های پیکار

و ما کان قولهم اَلَّا ان قالوا رَبَّنَا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت اقدنا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم>، تنها به <رَبَّیون> برگشت داده شده است.

۳ همراه نمودن دعا با مجاهدت و مقاومت در راه خدا ، از ویژگی های پیامبران الهی و پرورش یافتگان آنان

و ما کان قولهم اَلَّا ان قالوا رَبَّنَا اغفرلنا ذنوبنا .. و انصرنا

۴ پرورش یافتگان مکتب انبیا ، گناه و اسراف (زیاده روی در امور) را نقطه ضعف و مانع پیروزی خود می دانند . *

و ما کان قولهم اَلَّا ان قالوا رَبَّنَا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا .. و انصر

از اینکه مردان الهی نصرت و پیروزی بر دشمنان را پس از درخواست آمرزش گناهان طلب می کنند (اغفرلنا .. و انصرنا)، معلوم می شود که آنان پیروزی را در گرو پاکی از گناه می دانند.

۸ توجه به خودسازی (جهاد اکبر) ، به همراه پیکار با دشمن (جهاد اصغر) ، ویژگی پرورش یافتگان مکتب انبیا

و ما کان قولهم اَلَّا ان قالوا رَبَّنَا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت ..

۹ هنگامه های دشوار ، عرصه پالایش روحی دست پروردگان الهی

فما وهنوا .. و ما کان

قولهم أَلَا ان قالوا رَبَّنَا اغفر لنا ذنوبنا

جمله <و ما كان قولهم ... >، می رساند که مجاهدان راه خدا به هنگام درگیری با دشمن، تنها به یاد خدا هستند و چیز دیگری فکر و قلب آنان را به خود مشغول نمی سازد و این حالت خلوص و روح پالایش یافته آنان، نتیجه گام نهادن در عرصه های دشوار نبرد است.

۱۱ بینش خدامحوری دست پروردگان پیامبران الهی، در تحلیل حوادث

و کاین من نبی قاتل معه ربیون .. و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین

چون <ربیون>، در عین استقامت و پایداری، پیروزی را از جانب خدا می دانند. (و انصرنا علی القوم الکافرین).

۱۲ خودسازی و پاک شدن از گناهان و پیروزی بر دشمنان دین، از اهداف انبیا و همگامان با ایشان

رَبَّنَا اغفر لنا ذنوبنا .. و انصرنا علی القوم الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و کاین من نبی .. فاتیهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخره

پیروان انبیا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۴

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد.

و الذی جاء بالصدق و صدق به .. لهم ما یشاءون عند ربهم

تأمین خواسته های پیروان انبیا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۴

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدق به .. لهم ما يشاءون عند ربهم

تقوای پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۵

۵ - تنها پیروان انبیای الهی و ادیان توحیدی ، از تقوای پیشگان اند .

و الذی جاء بالصدق و صدق به

ضمیر فصل <هم> مفید قصر و موجب اختصاص صفت تقوا به <الذی جاء ..> است.

حامی پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۱

۱ خداوند ، حامی و پشتیبان موحدان و مؤمنان به رسالت پیامبران است .

من یصرنی من الله إن طردتهم

حسن فرجام پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۱۱، ۱۰

۱۰ فرجام نیک از آن پیامبران الهی و پیروان ایشان است .

و سيعلم الكُفْر لمن عقبی الدار

۱۱ کفرپیشگان در قیامت و یا پس از مرگشان - درخواهند یافت که فرجام نیک از آن پیامبران و پیروان ایشان است .

و سيعلم الكُفْر لمن عقبى الدار

سلامتی قلب پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۴ - ۷

۷- برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شیعتہ لإبرہیم . إذ جاء ربّه

بقلب سلیم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

صفات پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۶

۱۶ ایمان به خداوند و تسلیم در برابر او ، ویژگی یاوران انبیا

من انصاری الی الله .. انا بالله و اشهد بانا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۷

۷ - برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شیعتہ لإبرہیم . إذ جاء ربّہ بقلب سلیم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

عبودیت پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، همواره در بستر تاریخ ، برخوردار از پیروانی مخلص و اهل بندگی خدا

و لقد أرسلنا فیہم منذرین . فانظر کیف کان عقبہ المنذرین . إلاّ عباد الله المخلص

فضایل پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - پیامبران و پیروان آنان ، لشکریان خدا هستند .

لعبادنا المرسلین . . . و إنّ جنّدا لهم الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - تنها پیروان انبیای الهی و ادیان توحیدی ، از تقوایپیشگان اند .

و الذی جاء بالصدق و صدق به

ضمیر فصل <هم> مفید قصر و موجب اختصاص صفت تقوا به <الذی جاء..> است.

مسئولیت پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۳

۳ مؤمنان به رسالت انبیا در معرض مشکل آفرینی کفرپیشگان و موظف به صبر و استقامت

إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به .. فاصبروا

مصونیت پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۱۲

۱۲ - پیروان رسولان الهی ، از عذاب استیصال در امان اند .

و لو أنا أهلکنهم .. لقالوا ربنا لولا أرسلت إلینا رسولاً ففتّیح ءایتک

نجات پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۵

۵ به هنگام نزول عذاب الهی ، تنها همگامان پیامبران اهل نجاتند .

فأنجینه و الذین معه برحمه منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ خداوند ، پیامبران و پیروان ایشان را از عذاب های استیصال نجات می بخشید .

جاءهم نصرنا فنجی من نشاء

<نجی> ماضی مجهول و <من> نایب فاعل آن است. مفعول <نشاء> کلمه ای مانند <نجاته> است که از <نجی> استفاده می شود. بنابراین <فنجی من نشاء> یعنی، پس نجات داده شد آنکه ما نجات یافتنش را می خواستیم. از مصداقهای مورد نظر برای <من نشاء> پیامبران و پیروان ایشان است.

پیروان شعيب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیروان شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۷

۷ شعيب (ع) بازگشت خود و همگامانش را به آيين شرک تنها در صورت تعلق مشیت الهی ، ممکن دانست .

و ما يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

انقياد پیروان شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ شعيب (ع) و مؤمنان به رسالتش ، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا

توکل پیروان شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۰

۲۰ شعيب (ع) و همگامان مؤمنش ، انسانهایی متکی به خدا و بهره مند از روحیه توکل

على الله توكلنا

عقیده پیروان شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۱۳، ۱۲

۱۲ آيين مردم مدین ، آيينی منفور و کريه در دیدگاه شعيب (ع) و پیروان او

أولو كونا كرهين

۱۳ شعيب (ع) با اظهار تنفر خود و پیروانش از آیین مردم مدین ، انتظار پذیرش آن آیین را انتظاری شگفت و بی جا دانست

قال أولو كونا كرهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱۲، ۱۱، ۳

۳ شعيب (ع) و همگامان مؤمنش ، بيزار از گرايش به آيين شرك و افترا بستن بر خدا

قال أولو كونا

کرهین. قد افترینا علی الله کذبا إن عدنا فی ملتکم

۱۱ شعب (ع) اظهار کفر و شرک را امری نامشروع و ناروا برای خویش و همگامانش دانست .

و ما یكون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء الله ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از عدم امکان که از جمله <ما یكون لنا .. > به دست می آید، عدم امکان تشریحی باشد.

۱۲ شعب (ع) و مؤمنان به رسالتش ، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما یكون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء الله ربنا

فضایل پیروان شعب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۰

۲۰ شعب (ع) و همگامان مؤمنش ، انسانهایی متکی به خدا و بهره مند از روحیه توکل

علی الله توکلنا

مبارزه با پیروان شعب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۲

۲ کافران قوم شعب پس از تمام شدن حجت الهی بر آنان و اصرارشان به کفرورزی و مبارزه با شعب و مؤمنان به وی ، به هلاکت رسیدند .

قال الملاء .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فأخذتهم> نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعب و در آخر دعای شعب که خواهان داوری خداوند شد.

نجات پیروان شعب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۴

۴ خداوند نجاتبخش شعيب (ع)

(و همگامانش از گرایش به شرک

بعد إذ نجنا الله منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۴،۵

۴ خداوند ، شعیب (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر مردم مدین رهایی بخشید .

و لما جاء أمرنا نجينا شعيبًا والذين آمنوا معه

۵ نجات شعیب (ع) و پیروان او از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نجينا شعيبًا والذين آمنوا معه برحمه منا

هجرت پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۶،۷

۶ مؤمنان به رسالت شعیب (ع) مصمم بر آیین توحید و متابعت شعیب (ع) در خروج از شهر مدین

لئن اتبعتم شعيباً

۷ اشراف کفرپیشه مدین با تأکید بر خسارتبار بودن همراهی شعیب (ع) ، در تلاش برای بازداشتن مؤمنان از متابعت او و

خارج شدن از شهر مدین

و قال المألأ... لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

پیروان شیطان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۶

۶ گمراه ساختن ، اسیر آرزو ها نمودن و تحت فرمان گرفتن ، هدف شیطان از گزینش گروهی از مردم

و قال لاتخذن من عبادك نصیباً مفروضاً. و لاضلنهم و لامنینهم و لامرنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۱

۱ دوزخ ، جایگاه و فرجام گمراهان و فریب خوردگان از شیطان

أولئك ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

پیروان شیطان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۱۰، ۱۲

۱۰ - بدکاران و مرتکبان فحشا و پلیدی ها ، پیروان شیطان هستند .

لا تتبعوا خطوات الشیطن . . . إنما یأمرکم بالسوء و الفحشاء

۱۲ - افترا زنندگان به خدا ، پیروان شیطان و کار گزاران او هستند .

لا تتبعوا خطوات الشیطن . . . إنما یأمرکم ... أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۹

۹ مشرکان عصر جاهلیت در اسارت گامها و راههای شیطان بودند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر . . . کلوا مما رزقکم الله و لا تتبعوا خطوات الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۵

۵ بدعتگذاران در دین، عناصری پیرو شیطان و تحت ولایت او هستند.

إنا جعلنا الشیطن أولیاء للذین لا یؤمنون . . . الله أمرنا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۵ - ۶

۶ بلعم باعورا پس از دور شدن از معارف الهی به دام شیطان گرفتار و از گمراهان شد .

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

<غوايه>، مصدر <غاوین> به معنای گمراه شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ پافشاری مشرکان و بی تقوایان پیرو شیطان به گمراهی خویش

ثم لایقصرن

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <لایقصرن> به مشرکان و بی تقوایان برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴

۱۱- رهبران مستکبر و پیروانشان از اجابت کنندگان دعوت شیطانند .

فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا .. و قال الشيطان لما قضي الأم

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب شیطان، به قرینه ذکر این آیه پس از ذکر ماجرای مستکبران و پیروان آنها در قیامت، مستکبران و پیروانشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۶

۶- امت های پیشین ، فریفته شیطان شده و تسلیم انبیای خود نشدند .

لقد أرسلنا إلی أمم من قبلك فزین لهم الشيطان أعمالهم

جمله <زین لهم الشيطان أعمالهم> به قرینه وعده عذابی که در همین آیه به آن امتهای داده شده، کنایه از عدم تسلیم آنها در برابر انبیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۱۸

۱- تسلط و استیلاى شیطان ، تنها بر دو گروه فرمانبران از او و مشرکان است .

إنما سلطنه على الذين يتولونه و الذين هم به مشرکون

۸- > أبی بصیر عن أبی عبدالله (ع) قال : قلت له : . . . قوله تعالى : > إنما سلطانه على الذين يتولونه و الذين هم به مشرکون < قال : الذين هم بالله مشرکون یسلط على أبدانهم و على أديانهم ;

ابوبصیر گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدای تعالی . . . > إنما سلطانه على الذين يتولونه و الذين هم به مشرکون < سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان که به خدا شرک ورزیدند، [شیطان] بر بدن و دینشان مسلط می شود.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- بت پرستان ، هم سو با شیطانند و سرنوشت آنان هم سان فرجام او است .

فتکون للشیطن ولیّاً

<ولئى> از ماده <وَلَّى> (نزدیک شدن یا در پی در آمدن) مشتق است و جمله <فتکون ..> حاکی از آن است که سرنوشت بت پرستان و شیطان، نزدیک به هم و در یک ردیف است.

۱۲- گرفتاران به عذاب الهی ، همراه و قرین شیطان خواهند بود .

یَمْسُکُ عَذَابٍ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونُ لِلشَّيْطَانِ وَلِيّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۶

۶ - شاعران منحرف ، هم داستان شیطان و سرایندگان القائنات شیطانی

تَنْزَلَ عَلَی کُلِّ أَفَّاكٍ ... وَ الشُّعْرَاءُ یَتَّبِعُهُمُ... فِی کُلِّ وَادٍ یَهِيمُونَ

آمدن نام شعرای منحرف، در پی آیاتی که بیانگر نزول شیاطین بر قلب دروغ پردازان گنه پیشه است؛ نوعی ارتباط میان شاعران منحرف و شیاطین را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۹ - ۱،۵

۱ - منافقان ، تحت اختیار شیطان و مقهور اراده او

استحوذ علیهم الشیطن

<استحوذ> به معنای چیره شدن است. ضمیر <علیهم>، در آیه شریفه، مربوط به اهل نفاق است؛ یعنی، شیطان بر آنان مستولی شده است.

۵ - منافقان ، حزب شیطان و دار و دسته وی

أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۱

۱ - منافقان ، ایفاگران نقش شیطان در تزویر و وسوسه گری

کمثل الشیطن

با توجه به این که در آیات پیشین منافقان به عنوان وعده دهندگان به یهود و متخلفان از وعده

خویش معرفی شده اند؛ این تمثیل متوجه آنان است.

پیروان شیطان در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳ - ۱۰

۱۰- جبهه ضد توحیدی در صدراسلام، متشکل از گروهی جاهل، بی منطق و پیرو بی چون و چرای شیطان بود.

ومن الناس من یجدل فی الله بغير علم و یتبع کل شیطن مرید

تبری از پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

۲- اظهار خداترسی و نیز تبری شیطان در قیامت از پیروان خویش، بی ثمر در نجات او از کیفر اخروی

قال إننی بریء منک إننی أخاف الله .. فکان عقبتهما أنهما فی النار

دعوت از پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۵

۵- شیطان، پیروانش را هرگز رها نمی کند؛ بلکه مدام آنان را به انواع فحشا و منکرات فرا می خواند.

و من یتبع خطوت الشیطن فإنه یأمر بالفحشاء و المنکر

برداشت یاد شده از به کارگیری فعل مضارع <یأمر> استفاده شده است؛ زیرا فعل مضارع بیانگر استمرار است.

سرزنش پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۲

۱۲- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام می کند که آنان به جای سرزنش او باید خود را به سبب اطاعت بی دلیل از وی سرزنش کنند .

و قال الشیطن .. فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - کسانی که به توصیه خداوند مبنی بر اطاعت نکردن از شیطان توجه نکنند ، مورد سرزنش او قرار دارند .

ألم أعهد إليكم بيني و بينكم أن لا تعبدوا الشيطان

برداشت یاد شده، از لحن سرزنش آمیز آیه شریفه به دست می آید.

سرزنشهای پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۳

۱۳- شیطان در قیامت مورد سرزنش و ملامت پیروان خود قرار خواهد گرفت .

فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

شرک پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۷، ۱۸، ۲۰

۱۷- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام خواهد کرد که وی در دنیا عقیده آنان را در شریک قرار دادن او برای خدا ، قبول نداشته است .

و قال الشيطان .. إني كفرت بما أشركتمون من قبل

برداشت مبتنی بر این احتمال است که <ما> در آیه مصدری باشد و <أشركتم> را به تأویل مصدر ببرد و مفعول آن ضمیر منفصل محذوف باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من شریک قرار داده شدن خودم را برای خدا از جانب شما قبول نداشتم و به آن کافر بودم.

۱۸- شیطان در قیامت اظهار می دارد که وی قبل از شرک پیروانش ، به خداوند کافر شده بود . *

إني كفرت بما أشركتمون من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <بما أشركتمون> موصول و به معنای <من> باشد و ضمیر صله هم

محدوف و <من قبل> نیز متعلق به <کفرت> باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من پیش

از آنکه شما مرا شریک خدا قرار دهید (در عهد آدم) به او کافر شدم.

۲۰- پیروان شیطان او را در اطاعت، شریک خداوند قرار می دهند و از القائنات او تبعیت می کنند.

إِلَّا أَنْ دَعَوْتَكُمْ فَاسْتَجِبْتُمْ لِي... إني كفرت بما أشرکتُمون من قبل

صفات پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۸

۸- تابعان شیطان، بی آنکه دلیل و برهانی از وی مشاهده کنند، بی درنگ به فراخوانی او پاسخ مثبت می دهند.

و ما کان لی علیکم من سلطن إلا أن دعوتکم فاستجبتم لی

<سلطان> به حجت و برهان اطلاق شده است و مراد از آن استفاده از دلیل و برهان به منظور چیره شدن بر طرف مقابل است.

ظلم پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۹

۲۹- پیروان شیطان و گزینش کنندگان ولایت او، ظالم اند.

بئس للظلمین بدلاً

عجز پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۵

۱۵- شیطان در قیامت به ناتوانی خویش و پیروانش برای یاری و فریادرسی یکدیگر اعتراف می کند.

و قال الشیطن... ما أنا بمصرخکم و ما أنتم بمصرخی

<صرخ> به معنای فریاد و <أصرخ> به معنای پاسخ گویی به آن است. بنابراین مراد از <مصرخ> فریادرس و نجات

دهنده است.

عذاب اخروی پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۶

۱۶- شیطان و پیروانش در آخرت گرفتار عذاب الهی

خواهند شد .

ما أنا بمصرخكم و ما أنتم بمصرخي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۷

۷- شیاطین و پیروان آنها ، شریک یکدیگر در عذاب قیامت

و من يعيش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً .. أنکم فی العذاب مشترکون

عذاب پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۲

۲۲- شیطان در قیامت پیروان خود را از عذابی بس دردناک خبر خواهد داد .

ما أنا بمصرخکم .. إني کفرت بما أشركتمون من قبل إن الظالمین لهم عذاب أليم

<إن الظالمین لهم عذاب أليم> به قرینه وحدت سیاق می تواند ادامه کلام شیطان باشد.

فرجام پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۰

۱۰ - گرفتار شدن به آتش برافروخته و پراشتهای دوزخ ، سرنوشت و کیفر پیروان حزب شیطان

إنما يدعوا حزبه لیکونوا من أصحاب السعیر

<سعیر> به معنای آتش افروخته و ملتهب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۱

۱ - شیطان و پیروان کافر او ، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فكان عقبتهما أنّهما في النار خلدین فیها

فرجام شوم پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۱۲

۱۲- بیان عاقبت نیک مؤمنان دارای عمل صالح و فرجام شوم پیروان شیطان ، روشی است برای ایجاد انگیزش آدمیان به عاقبت اندیشی .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفوا للذین استکبروا ..

فهل أنتم مغنون عَنَّا من عذاب

کیفر پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۹

۹- دوزخ ، کیفری کامل و بی کم و کاست برای شیطان و پیروان او

فإن جهنم جزاؤکم جزاءً موفورًا

<موفور> از ریشه <وفر> به معنای تام و بی نقص است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۰

۱۰ - گرفتار شدن به آتش برافروخته و پراشتهای دوزخ ، سرنوشت و کیفر پیروان حزب شیطان

إنما يدعوا حزبه ليكونوا من أصحاب السعير

<سعیر> به معنای آتش افروخته و ملتهب است.

گمراهی پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۷

۷- شیطان در قیامت به پیروان گمراه خویش اعلام خواهد کرد که وی هیچ سلطه ای بر آنها ندارد و صرفاً آنان به دعوت او پاسخ مثبت داده اند .

وقال الشیطن . . . و ما کان لی علیکم من سلطن إلا أن دعوتکم فاستجبتم لی

ولایت بر پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- امتهایی که تحت تأثیر اغوای شیطان ، تسلیم انبیا نشدند ، تحت ولایت شیطانند .

أُمَمٌ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ

هماهنگی پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۷

۷- طرفداران و پیروان شیطان ، گروهی هم سو و هم نوا

إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ

از به کار رفتن تعبیر <حزب> درباره طرفداران و پیروان

شیطان، برداشت یاد شده به دست می آید.

پیروزی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۴

۱۴ پیروزی مسلمانان بر یهود *

و جاعل الذین اتبعوک

احتمالاً مراد از پیروان عیسی (ع)، پیروان راستین آن حضرت است که قهراً منطبق بر مسلمانان می شود؛ چون عیسی (ع)، بنی اسرائیل را موظف به پیروی از پیامبر اسلام (ص) کرده بود. و مراد از <الذین کفروا>، یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۴،۶

۴ مجاهدان جنگ بدر با نداشتن ساز و برگ کافی در مقابل دشمنان، توانستند با ایمان و توکل به خدا بر آنان پیروز شوند.

و علی الله فلیتوکل المؤمنون. و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

جمله <و لقد نصرکم الله بیدر>، می تواند نمونه ای باشد از حقیقت بیان شده در آیه قبل؛ یعنی عامل نصرت شما در بدر، توکل شما بر خداوند بود.

۶ ساز و برگ و آمادگی نظامی و نیروی انسانی، تنها عامل پیروزی در پیکار با دشمنان نیست.

و اذ غدوت .. و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

چون نه ساز و برگ نظامی احد (تبویء المؤمنین مقاعد للقتال)، عامل پیروزی شد و نه کمبود نیرو در بدر (انتم اذله)، باعث شکست؛ بلکه آنچه عامل پیروزی است، توکل بر خدا و یاری اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۶

۶ نقش تعیین کننده امداد های غیبی برای پیروزی مؤمنان در

پیکار با دشمنان

الن یکفیکم ان یمدکم ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۱

۱ کفایت فرشتگان امدادگر، برای پیروزی رزمندگان در برابر دشمنان

الن یکفیکم .. بلی ان تصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ نزول فرشتگان و یاری آنان، تنها مژده ای است برای مؤمنان پیکارگر و آرامش دهنده دل های آنان، نه تعیین کننده پیروزیها

و ما جعله الله الا بشری لکم و لتطمئن قلوبکم به

ضمیر در <ما جعله الله>، به امداد، که از <یمدکم> استفاده می شود، برمی گردد.

۲ نیاز پیکارگران به بشارت و تقویت روحیه و آرامش دل، برای پیروزی بر دشمنان

و ما جعله الله الا بشری لکم و لتطمئن قلوبکم به

۴ فتح و پیروزی بر دشمنان، تنها از جانب خدای < عزیز و حکیم >

و ما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم

۵ پیروزی جبهه مؤمنان، پرتویی از عزت و حکمت خداوند

و ما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم

۶ خداوند، تعیین کننده اصلی و نهایی پیروزی مؤمنان است؛ نه فرشتگان و یا توانایی های شخصی رزمندگان

و ما جعله الله الا بشری لکم .. و ما النصر الا من عند الله

بیان انحصار پیروزی آفرینی به خدا و نقش امداد ملائکه تنها به عنوان بشارت و اطمینان قلب، در حقیقت نفی هر گونه عاملی
(توانایی نیروها از نظر عِدّه و عُدّه، امداد ملائکه و ..)، غیر از خواست الهی در پیروزیهاست.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۱۰

۱۰ مالکیت و حاکمیت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

ليقطع طرفاً من الذين كفروا .. ليس لك من الامر شيء ... والله ما في السموات و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۳

۳ شکست در جنگ ، نباید موجب سستی و اندوه اهل ایمان شود .

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۲۴ - ۶، ۷، ۸، ۱۰

۶ گردش شکست و پیروزی در جوامع بشری ، از سنت های همیشگی خداوند

و تلك الايام نداولها بين الناس

<تلك>، اشاره به همان جراحته‌ها و شکست و پیروزیهایی است که بر اثر جنگ بدر و یا احد بر مسلمانان و کافران وارد شد.

۷ حاکمیت اراده الهی بر حرکت تاریخ (شکست ها و پیروزی ها ، تلخی ها و شادی ها)

و تلك الايام نداولها بين الناس

از اینکه خداوند تمامی شکست‌ها و پیروزی‌ها و تلخی‌ها و شادی‌ها و .. را به خود نسبت داده است (نداولها)، حاکمیت اراده الهی بر حرکت تاریخ به دست می آید.

۸ یادآوری پیروزی های گذشته و توجه به گردش قانونمند تغییرات اجتماعی ، برطرف کننده ضعف و اندوه جامعه ایمانی

و لا تهنوا و لا تحزنوا .. ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله و تلك الايام ن

بنابر اینکه <فقد مسّ القوم>، درباره شکست مشرکان در جنگ بدر باشد،

خداوند برای از بین بردن اندوه و ضعف مؤمنان، پیروزی آنان را در جنگ بدر یادآوری کرده و همه را (چه شکست و چه پیروزی) برخاسته از مشیت خویش دانسته است.

۱۰ شکست ها و پیروزی ها (تغییرات اجتماعی) ، دارای گردش قانونمند و هدفدار

و تلك الايام نداولها بين الناس و ليعلم الله الذين امنوا و يتخذ منكم شهداء

جمله <و ليعلم الله .. > و آنچه بر آن عطف شده، یعنی <يتخذ> و <ليمحص> و <يحقق>، اهدافی است که خداوند برای <نداولها> (گردش ایام و تغییرات اجتماعی) بیان داشته و فعل هدفدار، حکایت از قانونمندی آن دارد.

۱۲ گردش شکست و پیروزی بین جبهه حق و باطل ، عرصه و زمینه مناسبی برای ظهور ایمان مؤمنان

و تلك الايام نداولها بين الناس و ليعلم الله الذين امنوا

در برداشت فوق، <و ليعلم> به معنای <ليحقق> (تا به وجود آورد) گرفته شده است، چون علم خداوند به اشیا، همان تحقق اشیاست؛ بنابراین علم خداوند به ایمان مؤمنان، تحقق ایمان آنان است. و چون فرض شده است که آنان ایمان دارند (امنوا، با صیغه ماضی)، مراد از تحقق ایمان ظهور آن خواهد بود.

۱۷ برگرفتن ناظران و گواهانی نخبه از میان مردم ، بر شکست ها و پیروزی ها بر اساس مشیت خداوند است .

و يتخذ منكم شهداء

۱۸ منزلت والای گواهان بر حوادث تاریخی (شکست ها و پیروزی های مسلمانان) و بیانگران علل آن حوادث

و يتخذ منكم شهداء

چون در آیه شریفه متعلق شهادت ذکر نشده، می توان به قرینه آیات قبل که علل حوادث تاریخی را تحلیل کرده است چنین

احتمال داد که مراد از شهیدان، گواهان شکستها و پیروزیهای مسلمانان باشند تا گواهی دهند آنجا که از خدا و رسولش پیروی شد و تقوا رعایت گردید، مسلمانان پیروز شدند و آنجا که بر خود اعتماد کردند و از خداوند غافل شدند و بی تقوایی و بی صبری پیشه کردند، شکست خوردند.

۲۴ پیروزی ظالمین در پیکار با مؤمنان ، دلیل محبوبیت آنها نزد خداوند نیست .

و لاتهنوا .. و ليعلم الله الذين امنوا ... و الله لا يحب الظالمين

بنابر اینکه مراد از ظالمان، همان پیروزمندان جنگ احد باشد، خداوند به مؤمنان یادآور می شود که پیروزی مشرکان، حاکی از محبت الهی به ایشان نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۶

۶ شکست و پیروزی در جنگ ، وسیله ای برای نابودی تدریجی کافران

نداولها بين الناس .. و ليمحص الله الذين امنوا و يمحق الكافرين

<محق>، به معنی نابودی تدریجی است. (مجمع البيان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۸

۸ توجه به ولایت الهی و اعتقاد به یاری حتمی خداوند ، از عوامل تقویت روحیه اهل ایمان در هنگامه های دشوار و نبرد با دشمنان

بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۴، ۱۳، ۹، ۳، ۱

۱ وعده الهی به نصرت و یاری پیکارگران مؤمن ، در رویارویی و نبرد با دشمنان دین

و لقد صدقکم الله وعده اذ تحسونهم باذنه

جمله > و لقد صدقكم الله وعده <، حاکی از

این است که خداوند از پیش سرکوبی دشمنان و پیروزی مؤمنان را وعده داده بود.

۳ تحقق وعده الهی به نصرت و پیروزی پیکارگران احد، آنگاه که در آغاز نبرد، مشرکان را تا آستانه انقراض کشتند.

و لقد صدقکم الله وعده اذ تحسّونهم باذنه

<اذ تحسّونهم> متعلق به <و لقد صدقکم الله> است؛ یعنی بیان زمان تحقق وعده الهی است. و <تحسّونهم> از ماده <حَسَّ> به معنای کشتن تا حد انقراض و نابودی است.

۹ تحقق وعده الهی به پیروزی جامعه ایمانی در گرو اتحاد صفوف، پایداری و پیروی آنان از رهبری

و لقد صدقکم الله وعده .. حتی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

۱۳ استواری در نبرد، اتحاد و یکدلی رزمجویان و پیروی از دستورات رهبران الهی، عامل جلب اذن خداوند برای پیروزی بر دشمن

اذ تحسّونهم باذنه حتی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

کلمه <باذنه> بیانگر این است که پیروزیها در گرو اذن خداوند است و از اینکه مسلمانان در مرحله اول، یعنی قبل از اختلاف و سستی و سرپیچی، مأذون به پیروزی شدند و آنگاه که سستی کردند و اختلاف ورزیدند و سرپیچی نمودند، اذن به پیروزی برداشته شد، معلوم می شود اذن الهی به پیروزی، دایره مدار عملکرد رزمجویان خواهد بود.

۱۴ پیروزی جامعه ایمانی بر دشمنان خویش، برخاسته از اراده الهی

من معد ما اریکم ما تحبّون

فاعل در <اری> خداوند است؛ و منظور از <ما> در <ما تحبّون>، پیروزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۰

مستمر پیامبر (ص) برای جلوگیری از شکست مسلمانان در کارزار احد

و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۶

۲۶ پیروزی و فتح یا شکست و شهادت مسلمانان ، نشانه حَقَائِیت و یا باطل بودن اسلام نیست .

ظَنّ الجاهلیّه .. یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۲،۴

۲ ضربه و مصیبت وارده بر کافران در جنگ بدر ، دو برابر مصیبتی که بر پیکارگران مؤمن در جنگ احد وارد شد .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلها

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از <اصبتم مثلها> (دو چندان مصیبتی که دیدید، بر کافران وارد کردید) مصیبتی است که مؤمنان در پیکار بدر بر مشرکان تحمیل کردند. این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

۴ یادآوری خاطره پیروزی مسلمانان در پیکار بدر ، التیام بخش رنج و آثار روحی دردناک شکست نبرد احد

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلها

جمله <قد اصبتم مثلها>، که اشاره به پیروزی بزرگ مسلمانان در بدر است، بدان جهت ایراد شده که با یاد آن خاطره بزرگ، مسلمانان مصیبت احد را در مقایسه با پیروزی بدر کوچک شمرند و در نتیجه، رنج مصیبت احد را نادیده انگارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۶

۶ سختی ها ، مصیبت ها و جنگ ها (شکست ها و پیروزی ها)

، وسایل آزمایش الهی برای بندگان

حَتَّى يَمِيزَ الْخَيْبِثَ مِنَ الطَّيِّبِ

به مقتضای ارتباط میان این آیه و آیات پیشین، از وسایل آزمایش الهی، همان نبردها مشکلات آن است؛ چنانچه در نبرد احد پیش آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱۱

۱۱ نوید الهی به سرافرازی خردمندان مؤمن و پیروزی آنان بر دشمنان دین

رَبَّنَا وَ اتَنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رَسَلِكُمْ و لَا تَخْزَنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ

<یوم القیمه>، ظرف برای <لا-تخزنا> است. بنابراین مراد از <ما وعدتنا>، نویدهای دنیوی خواهد بود که از مصادیق روشن آن به قرینه <لا تخزنا>، خوار نگشتن در دنیا است؛ و این نوید برای مؤمنان تنها با پیروزی بر دشمنان دین تحقق می یابد.

آثار اعلام پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۷

۷- اعلام پیروزی قطعی حق بر باطل، مایه امید مؤمنان و یأس مشرکان و باطل گرایان

و قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَطْلُ إِنَّ الْبَطْلَ كَانَ زَهُوقًا

اعلام صریح بر شکست قطعی باطل، در پی بیان تلاشهای کافران جهت اخراج پیامبر(ص) از مکه، می تواند برای تقویت بنیه روانی مؤمنان و ایجاد یأس در دل مشرکان باشد.

آثار ایمان به پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲

۲- ایمان به پیروزی راه ایمان و شکست نهایی کافران ، مقتضی صلابت و جدیت مؤمنان در نبرد با جبهه کفر

الذین كفروا .. أضلّ أعمالهم ... فإذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب

فاء در <فإذا لقيتم> مفید ترتب و

نتیجه است؛ یعنی، اکنون که دانستید تلاش کافران بی ثمر خواهد ماند (أضَلَّ أَعْمَالَهُمْ) و فرجام مؤمنان به صلاح خواهد گرایید (أصلح بالهم) پس دلگرم باشید و با یقین به پیروزی نبرد کنید (فإذا لقيتم.. فضرِب الرقاب).

آثار پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۱

۱ شکست و پیروزی مؤمنان در جنگ با کافران، عاملی برای خالص سازی مؤمنان

و تلك الايام نداولها .. و ليمحص الله الذين امنوا

فعل <يَمْحِصُ> از مصدر <تَمْحِصُ> به معنای خالص کردن از ناخالصیها و نقصهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۱

۱۱ جامعه ایمانی در معرض خطر سستی، تفرقه و سرپیچی از رهبری صالح خویش، پس از نیل به پیروزی

حتی اذا فشلتم .. من بعد ما اريكم ما تحبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۱۲

۱۲ رفع ناراحتی مسلمانان به جهت شهادت هفتاد نفر در جنگ احد، با تذکر به این که آنان در جنگ بدر، هفتاد نفر از دشمنان را کشته و هفتاد نفر را اسیر کردند.

اولما اصابتم مصيبة قد اصبتم مثلها

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: كان المسلمون قد اصابوا ببدر مائة و اربعين رجلا قتلوا سبعين رجلا و اسروا سبعين فلما كان يوم احد اصاب من المسلمين سبعون رجلا قال: فاغتموا بذلك فانزل الله تبارك و تعالی: <اولما اصابتمكم .. مثلها>.

ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۴۲۶.

آثار پیروزی اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۳

۳ - نظام زندگانی قریش و شیوه امرار معاش آنان در صورت پیروزی ابرهه از هم می پاشید .

لایلف قریش

آثار پیروزی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۸

۸- رهایی از ستم و دستیابی امت ها به پیروزی ، مقدمه آزمون آنان از سوی خداوند

و لقد نَجَّینَا بنی إِسْرَءِیلَ .. ما فیہ بلْؤَا مبین

از ترتب آزمایش بر آزادی بنی اسرائیل، مطلب بالا استفاده می شود.

آثار پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۶

۶ - فرعونیان نجات و بقای خود را در گرو غلبه ساحران بر موسی (ع) در صحنه مقابله می دانستند .

و قد أَفْلَحَ الیوم من استعلی

آثار پیروزی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۶

۶ شکست و پیروزی در جنگ ، وسیله ای برای نابودی تدریجی کافران

نداولها بین الناس . . . و لیمحص الله الذین امنوا و یمحق الکافرین

<محق>، به معنی نابودی تدریجی است. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۴

۴ - سرزمین ها و اموال و خانه های دشمن ، غنایمی هستند که در صورت پیروزی مسلمانان ، به تصاحب آنان در می آید .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و

آثار پیروزی در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۴

۱۴ تحکیم بیشتر پایه های حاکمیت دین در جزیره العرب ، در پرتو جهاد و پیروزی مؤمنان در جنگ تبوک

يعتذرون إلیکم إذا رجعتم إلیهم

با توجه به اینکه این آیات در زمینه جنگ تبوک است که به پیروزی مسلمانان انجامید و از اینکه خداوند می فرماید پس از بازگشت از این جنگ پیروز، متخلفان به عذرخواهی روی خواهند آورد می توان گفت که این نبود مگر به خاطر ذلت و ضعفی که در خود احساس می کردند و قدرتی که در مؤمنان می دیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۲

۲ قرار گرفتن متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) در موضع ضعف و ذلت ، پس از بازگشت پیروزمندانه مؤمنان از جهاد

سیحلفون بالله لکم إذا انقلبتم

آثار پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۹

۹ - فتح خیبر ، نقطه عطفی در اقتدار اقتصادی ، سیاسی مسلمانان و بازماندن دشمنان از توطئه علیه ایشان

فعجل لکم هذه و کف أیدی الناس عنکم

<هذه> اشاره به فتح و غنایم خیبر دارد و <کف..> مترتب بر آن می باشد، به تعبیر دیگر تقدم و تأخر در لفظ، دال بر تقدم و تأخر در معنا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۸

۱۸ - فتح خیبر ، پیش درآمدی بر حضور بی دغدغه

مسلمانان در < عمره القضا > *

فجعل من دون ذلك فتحاً قريباً

برداشت بالا بدان احتمال است که <فتحاً قريباً> نظر به فتح خیبر داشته باشد؛ زیرا این فتح، موقعیت مسلمانان را در منطقه تثبیت کرد و در دل مشرکان رعب آفرید؛ تا پیمان حدیبیه را نشکنند و محیط مکه را برای مسلمانان خالی گذارند که اینان بدون دغدغه، مراسم عمره به جای آورند.

آثار پیروزی رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۶۸

۶ - پیروزی رومیان بر ایرانیان ، عامل سرور و شادمانی مؤمنان عصر بعثت شد .

و یومئذ یفرح المؤمنون

۸ - شکست و پیروزی روم ، امری سرنوشت ساز برای مؤمنان و مشرکان عصر بعثت بوده است .

و یومئذ یفرح المؤمنون

بیان شکست رومیان مسیحی در برابر ایرانیان و نیز پیشگویی شکست ایرانیان از رومیان و سرور و فرح مؤمنان از پیروزی رومیان، حکایت از این می کند که چنین تحولاتی برای گروه های یاد شده، مهم و سرنوشت ساز بوده است.

آثار پیروزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۱

۱ پیروزی و موفقیت های پیامبر (ص) و اسلام ، برای متخلفان از جنگ (منافقان) اندوه بار بود .

إن تصبک حسنه تسوهم

آثار پیروزی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - پیروزی مسلمانان عصر بعثت بر مکه و فتح آن ، زمینه ساز مسلمان شدن جمعیت های فراوانی از مردم آن زمان

إذا جاء نصر الله

و الفتح . و رأيت الناس يدخلون في دين الله أفواجا

آثار پیروزی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۸ - ۹

۷ شرک پیشگان صدر اسلام در صورت پیروزی بر مسلمانان ، از زیر پا گذاشتن حقوق خویشاوندی و شکستن پیمان ، باکی نداشتند .

و إن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلّا و لازمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۹ - ۴

۴ - > عن أبي جعفر (ع) . . . و قوله < و ما أضلنا إلا المجرمون > یعنی المشركين الذين اقتدوا بهم هؤلاء فاتبعوهم على شركهم و هم قوم محمد (ص) ليس فيهم من اليهود و النصارى أحد . . . و قولهم < و ما أضلنا إلا المجرمون > إذ دعونا إلى سبيلهم . . .

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند <و ما أضلنا إلا المجرمون> روایت شده که فرمود: این مجرمان همان مشرکانی بودند که گمراهان به آنها اقتدا کردند و در شرکشان از آنان پیروی نمودند و آنان گروهی از امت محمد(ص) بودند و در بین آنان احدی از یهود و نصارا نبود . . . و سخن آنان <و ما أضلنا إلا المجرمون> بدین معنا است که آن گاه که آنان ما را به راه خودشان دعوت کردند .

آثار پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۹

۹ - عناصر سست ایمان عافیت طلب ، با مشاهده پیروزی مؤمنان ، مدعی همراهی دیرینه با مؤمنان اند .

لئن جاء نصر من ربك ليقولن إنا كنا معكم

آرزوی پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۸

۸- آرمان غلبه قوانین حق (دین اسلام) بر سایر ادیان و قوانین جهان، آرمانی بس بزرگ

أرسل .. ليظهره على الدين كله

از این که خداوند، غلبه اسلام بر سایر ادیان را به عنوان هدف عالی فرستادن رسول بیان داشته است، مطلب بالا استفاده می شود.

ادعای پیروزی عبدالله بن ابی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۵

۵ - سردمدار منافقین (عبدالله بن ابی)، خود را عزیز و پیروزمند و پیامبر (ص) را ذلیل و شکست خورده می پنداشت.

ليخرجن الأعزّ منها الأذلّ

اسیرگیری قبل از پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۴

۱۴ اسیر گرفتن از دشمن قبل از سرکوبی کامل آنان، زمینه ساز شکست و خلاف حکمت و مصلحت

ما كان لنبی .. و الله عزیز حکیم

تذکر به عزت و حکمت خداوند پس از نهبی وی از اسیر گرفتن قبل از تحکیم موقعیت، اشاره به این حقیقت دارد که تخلف از آن نهبی خلاف مصلحت و زمینه ساز شکست می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر، مانع شکست مسلمانان، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر
پیش از سرکوبی کامل

(دشمن)

لولا كتب ... عذاب عظیم

۷ روی آوری رزمندگان اسلام به اسیر گرفتن از دشمن پیش از سرکوبی کامل آنان گناهی بزرگ است .

لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

از اینکه گرفتن اسیر اقتضای عذاب بزرگ دارد، معلوم می شود این گناه، بزرگ است.

اطمینان به پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۹ - ۲

۲ - اطمینان فرعون و درباریان او به غلبه ساحران کارآزموده بر موسی (ع)

و قیل للناس هل أنتم مجتمعون

دعوت از مردم، می تواند نشانگر اطمینان فرعونیان به پیروزی ساحران باشد. گفتنی است که تعابیری چون: <لعلنا> و <إن کانوا> که بیانگر نوعی تردید بوده و در آیه بعدی آمده است شگردی تبلیغی برای تهییج ساحران بود تا آنان توان خویش را در این راه به کار گیرند.

اعلام پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۱

۱- فرمان خدا به پیامبر (ص) برای اعلام غلبه حتمی حق و اضمحلال قطعی باطل ، به مشرکان مکه

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

امتحان با پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۶

۶ سختی ها ، مصیبت ها و جنگ ها (شکست ها و پیروزی ها) ، وسایل آزمایش الهی برای بندگان

حَتَّى يَمِيزَ الْخَيْبَ مِنْ الطَّيِّبِ

به مقتضای ارتباط میان این آیه و آیات پیشین، از وسایل آزمایش الهی، همان نبردها مشکلات آن است؛ چنانچه در نبرد احد پیش آمد.

امیدواری

به پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - توجه به عنصر امیدواری به پیروزی و نصرت الهی در تبلیغ ، امری لازم و کارآمد

و أُخْرَى تَحِبُّونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحَ قَرِيبٍ

امیدواری به پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۱

۱ - امیدواری فرعونیان به غلبه ساحران بر موسی (ع) و پیروی مردم از آنان

لَعَلْنَا نَتَّبِعَ السِّحْرَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

واژه <لعل> برای اظهار امید است.

اهمیت پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ > عن ابی جعفر (ع) (فی قوله عزوجل) : < هل تربصون بنا إلا- إحدی الحسنین > قال : اما موت فی طاعه الله و

ادراک ظهور امام ...

از امام باقر (ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عز و جل: <إحد الحسنین> فرمود: یا مرگ در راه خدا یا درک ظهور

امام ... <.

اهمیت پیروزی غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۲

۲ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر زیربنای گسترش توحید و نابودی شرک در سراسر جهان

یرید الله أن يحق الحق .. ليحق الحق و يبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <ليحق الحق> متعلق به <یرید الله أن يحق الحق> در آیه قبل باشد. بر این مبنا می توان گفت مراد از <الحق> در آیه قبل خصوص

پیروزی موعود در پیکار بدر است، و مقصود از <الحق> در آیه مورد بحث مطلق حق. بنابراین <یرید الله أن يحق الحق...>
< چنین معنا می شود: خداوند با تقدیر پیروزی در جنگ بدر خواست حق را همواره به منصفه ظهور رساند و در سراسر جهان
استوار سازد.

ایمان با پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۱

۱ - ایمان آوردن کافران ، پس از مشاهده پیروزی مؤمنان و نزول عذاب ، غیرقابل پذیرش است .

قل يوم الفتح لاينفع الذين كفروا ايمانهم

بنابراین که <يوم الفتح> نظر به نصرت دنیوی مؤمنان داشته باشد، آیه، ناظر به نزول عذاب استیصال و به پیروزی قطعی
رسیدن مؤمنان خواهد بود.

ایمان به پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۲

۲ - توجه به قاهر بودن خدا ، مقتضی اطمینان به غلبه حق و پایداری در برابر هجوم کافران علیه دین

فاصبر علی ما یقولون

<فاء> در <فاصبر> لزوم صبر را متفرع بر مطالب آیات پیشین کرده است. در آن آیات، از قدرت الهی بر نابودی کافران و
نیز اعاده آنان در قیامت برای حساب رسی، سخن به میان آمده است.

ایمان به پیروزی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۸

۸ باور و ایمان به شکست ناپذیری و حکیم بودن خداوند ، زمینه ساز توکل و اتکا بر وی

و من يتوكل على الله فإن الله عزيز حكيم

آوردن جمله <فان الله .. > به جای جواب شرط

و یادآوری عزت و حکمت مطلق الهی، اهدافی را تعقیب می کند که از جمله آنها ایجاد روح توکل در مؤمنان به خداوند است. یعنی اگر خداوند را عزیز و حکیم بدانید بر او توکل خواهید کرد.

ایمان به پیروزی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ توجه و باور به پیروزی اهل تقوا، زمینه ساز پیشه ساختن صبر و مقاومت در برابر مشکلات راه تقوا و ایمان

فاصبر إن العقبه للمتقين

بشارت به پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۹

۹ شعیب (ع)، مؤمنان به رسالت خویش را به داوری خداوند و پیروزی بر کافران نوید داد.

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۱،۲

۱ نقش ملائکه در جنگ بدر، تنها بشارت به پیروزی و اطمینان دادن به مؤمنان بود، و نه اقدامی عملی در قتل مشرکان.

و ما جعله الله إلا بشری و لتطمئن به قلوبکم

ضمیر در <جعله> و <به> به امداد که از <أنی ممدکم> استفاده می شود، برمی گردد و کلمه <بشری> مفعول له برای <جعل> است.

۲ قلب های مجاهدان بدر تا پیش از بشارت پیروزی، آکنده از اضطراب و پریشانی بود.

لتطمئن به قلوبکم

واژه اطمینان به معنای آرامش خاطر پس از اضطراب و پریشانی خاطر است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - ۶۵ - ۸ - انفال

پیروزی بیست مؤمن مقاوم بر دویست دشمن و صد مؤمن مقاوم بر هزار دشمن نویدی تضمین شده از جانب خداوند

إِن يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِن يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا

بیان دستور به پایداری و پیروزی بر دشمن در قالب جمله خبری می تواند نویدی به تحقق آن دستور در خارج باشد. بنابراین جمله <یغلبوا>، یعنی باید پیروز شوید که خواهید شد.

بشارت به پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۱

۱۱ نوید خداوند به ظهور و پیشرفت و پیروزی قریب الوقوع اسلام و پیامبر(ص)، علم رغم استهزای کافران صدر اسلام

فسوف تأتیههم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مراد از <یأتیههم أنبؤا ما كانوا>، می تواند تحقق اموری مانند پیروزی اسلام باشد که کفار آن را به مسخره گرفته و تکذیب می کردند.

بشارت پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۷

۷ خداوند مؤمنان صدر اسلام را به پیروزی قطعی بر مشرکان، در صورت درگیر شدن با آنان، نوید داد.

قتلوهم یعذبهم الله بأیدیکم... و ینصرکم علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ غلبه ایمان بر کفر و موفقیت پیامبر (ص) در انجام رسالت، از نویدها و بشارت های خداوند به آن حضرت

فاصبر إن العقبه للمتقین

بیان پیروزی اهل ایمان و از میان رفتن کفرپیشگان در شرح داستان نوح(ع) می رساند که مصداق مورد نظر برای <العاقبه>

(فرجام نیک) پیروزی ایمان بر کفر

است و از آن جا که خطاب متوجه پیامبر(ص) است، جمله فوق ناظر به پیروزی اسلام بر کفر و موفقیت پیامبر(ص) در انجام رسالت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۱

۱۱ - نوید عزت و پیروزی به اهل ایمان و شکست و خواری کافران و مشرکان صدراسلام

و من الناس من یجدل.. .. ثانی عطفه... له فی الدنیا خزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۵

۵ - خداوند ، مؤمنان را به فتوحات و غنایمی علاوه بر فتح خیبر و غنایم آن ، نوید داد .

وعدکم الله مغانم کثیره تأخذونها فعجل لکم هذه

در صورتی که <هذه> به فتح خیبر اشاره داشته باشد؛ واژه <عجل> می رساند که فتح خیبر، پیش در آمد فتح های دیگر و غنایم فزون تری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۱

۴۱- نوید الهی به مؤمنان صدراسلام ، نسبت به پیروزی شگفت آور و روزافزون آنان

کزرع أخرج شطه فازه... لیغیظ بهم الکفار

این آیات، در طلیعه پیروزی های مسلمانان نازل شده و بشارت پیروزی های فزون تر را به مسلمانان داده است.

بشارت پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۱۴

۱۴- نوید خداوند به نابودی جوامع کفرپیشه و شرکورز و پیروزی اسلام و توسعه قلمرو سرزمین های اسلامی

أفلايرون أنا نأتى الأرض ننقصها من أطرافها

برخی از مفسران برآنند که مقصود از کاستن زمین و اهل آن به قرینه

این که این آیات در باره کافران و منکران قرآن است کاستن از تعداد کافران و افزایش نفرات مسلمانان است. ضمیر غایب در <أفلا یرون> و همزه استفهامی انکاری در <أفهم الغلبون> می تواند مؤید همین برداشت باشد.

بشارت پیروزی بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۵

۵ - بشارت و دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان، در خصوص پیروزی نهایی آنان بر کافران و مشرکان

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . . . و إنّ جنودنا لهم الغلبون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیات شریفه که در شرایط دوران مکه نازل شده است در صدد دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت و نیز بشارت پیروزی به آنان است.

بشارت پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ نوید خداوند به پیروزی حق و استقرار آن در زمین و شکست باطل و رخت بر بستن آن

فأما الزبد فیزهب جفاءً و أما ما ینفع الناس فیمکث فی الأرض

بشارت پیروزی غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - تحقق نوید الهی به فتح خیبر، معجزه ای هدایتگر برای مؤمنان

فعجل لکم هذه . . . و لتکون ءایه للمؤمنین

بشارت پیروزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- نوید فتح و پیروزی به پیامبر (ص) و مؤمنان و تهدید مشرکان

، به شکست و نابودی از جانب خداوند

بل نقدف بالحقّ.. و لكم الویل ممّا تصفون

از لحن و آهنگ آیه شریفه با توجه به این که پیامبر(ص) و اهل حق درگیر با مشرکان حق ستیز بوده اند استفاده می شود که این آیه در صدد دادن بشارت پیروزی، به پیامبر(ص) و مؤمنان است. هم چنین تهدید و اخطار به مشرکان به شکست و نابودی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۵

۵ - بشارت و دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در خصوص پیروزی نهایی آنان بر کافران و مشرکان

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیات شریفه که در شرایط دوران مکه نازل شده است در صدد دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت و نیز بشارت پیروزی به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵ - ۱

۱ - بشارت به پیروزی پیامبر اسلام (ص) بر کافران

فستبصر

آیه شریفه، بشارت و تهدید است؛ بشارت پیروزی پیامبر اسلام (فستبصر) و تهدید کافران به شکست و نابودی (و یبصرون).

بشارت پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۳

۳ خداوند پیش از وقوع نبرد ، تسلط مسلمانان بر یهودیان را بر پیامبر (ص) بشارت داد .

فإما تتفطنهم فی الحرب

برداشت فوق مبتنی بر مطالبی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

بشارت پیروزی مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۴

۴ - بشارت و نوید خداوند به شکست سران کفر و شرک و پیروزی مسلمانان در دوران بعثت

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۴

۴ - خداوند ، مسلمانان صدراسلام را به پیروزی حتمی و شکست جبهه دشمن ، نوید داد .

كتب الله لأغلبن أنا ورسلي

بشارت پیروزی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۵

۵ - نوید خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر دگرگون ساختن وضع مکه و غلبه دادن توحید و ایمان بر شرک و کفر (به هنگام بازگرداندن مجدد وی به آن شهر)

لرأدك إلی معاد

<معاد> در آیه، نکره موصوفه است که صفت آن حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لرأدك إلی معاد غیر ما هو الآن> ترا به شهری بازمی گرداند که وضع آن غیر از وضعی باشد که الآن دارد. بنابراین تعبیر یاد شده به بازگشت فاتحانه پیامبر(ص) به مکه و دگرگون شدن اوضاع آن شهر با ورود آن حضرت اشاره دارد.

بشارت پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۱۱

۱۱- نوید فتح و پیروزی به پیامبر (ص) و مؤمنان و تهدید مشرکان ، به شکست و نابودی از جانب خداوند

بل نقذف بالحقّ.. و لكم الویل ممّا تصفون

از لحن و آهنگ آیه شریفه با توجه

به این که پیامبر(ص) و اهل حق درگیر با مشرکان حق ستیز بوده اند استفاده می شود که این آیه در صدد دادن بشارت پیروزی، به پیامبر(ص) و مؤمنان است. هم چنین تهدید و اخطار به مشرکان به شکست و نابودی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۵

۵ - بشارت و دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در خصوص پیروزی نهایی آنان بر کافران و مشرکان

و لقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين . . . و إنّ جنودنا لهم الغلبون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیات شریفه که در شرایط دوران مکه نازل شده است در صدد دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت و نیز بشارت پیروزی به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۷ - ۵

۵ - بشارت خداوند به پیروزی و سعادت‌مندی مؤمنان و تهدید او نسبت به شکست و بدبختی کافران

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

بنابر گفته مفسران، این آیه متضمن وعده و وعید است.

بیماردلان مدینه و وعده پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۵

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا

پاداش پیروزی در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۴

۲۴ کسب پیروزی در راه خدا، همانند تحمل مشکلات، عمل صالح و دارای اجر است.

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ... وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از جمله <لَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا> می تواند دستیابی به پیروزی بر دشمن باشد.

پیروزی اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۶

۶ - قیامت، روز فتح و پیروزی ایمان بر کفر است.

و يقولون متى هذا الفتح

در صورتی که مراد از <الفتح> روز قیامت باشد، نکته یاد شده، به دست می آید.

پیروزی ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۶ - ۷

۷ - شریعت ها و ادیان توحیدی، در برابر دین ستیزان، استوارتر از کوه، پایدار و جاودانه خواهند ماند.

فيقول الذين ظلموا ربنا أخرنا.. نجب دعوتك و نتبع الرسل... و قد مكروا... و

از اینکه خداوند فرمود: مکر و نقشه های ستمگران در برابر نیروی حق و رسولان الهی، هر چند در قدرت و توانمندی کوه شکن باشد، مؤثر نخواهد بود، به دست می آید که ادیان توحیدی و شرایع رسولان الهی استوارتر از کوه بوده و پایدار و ضربه ناپذیرند.

پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ ناتوانی یهود و نصارا از مغلوب ساختن و نابود کردن

اسلام ، در پرتو تبلیغات بی امان خویش

یریدون أن یطفئوا نور الله بأفوههم و یأبی الله إلا أن یتیم نوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۷،۸

۷ تاریخ بشریت ، در آینده ، شاهد شکست تمامی ادیان و پیروزی و حاکمیت دین اسلام خواهد بود .

هو الذی أرسل رسوله .. لیظهره علی الدین کله

خداوند در آیه فوق از پیروزی قطعی اسلام بر تمام ادیان جهان، خبر داده و پیشگویی کرد و چون چنین چیزی در دوران رسالت پیامبر اسلام (ص) اتفاق نیفتاد به دست می آید که این پیروزی مربوط به آینده تاریخ بشریت است.

۸ تعلق اراده الهی در غلبه یافتن دین حق (اسلام) بر دیگر ادیان جهان ، علی رغم کراهت مشرکان

و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ پیروزی پیاپی اسلام بر کفر ، نمودی از قدرت الهی بر تحقق اراده خویش و نصرت پیامبر (ص)

و الله علی کل شیء قدیر .. فقد نصره الله ... و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۱،۲

۱- صدور فرمان پیروزی اسلام و توحید و خذلان شرک و مشرکان از جانب خداوند

أتی أمر الله فلا تستعجلوه سبحنه و تعلی عما یشرکون

برداشت فوق، بر این اساس است که <أمر> به معنای فرمان باشد؛ اما اینکه فرمان در باره چه چیزی است، ذیل آیه (سبحانه

و تعالی عما یشرکون) می تواند قرینه باشد بر اینکه آن امر در باره شرک و شکست و خذلان آن و پیروزی توحید است.

۲- مسلمانان صدر اسلام ، خواهان تحقق زودرس وعده خدا در مورد غلبه اسلام و توحید بودند .

أتی أمر الله فلا تستعجلوه

در مورد مخاطب <لا تستعجلوه> دو احتمال وجود دارد: اول آنکه تعجیل از جانب مسلمانان صورت می گرفته و دیگر آنکه مشرکان خواهان شتاب در تحقق وعده های الهی (عذاب، یا غلبه توحید، یا قیامت) بودند. برداشت فوق بر مبنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۴ - ۵

۵- پیشگویی قرآن از پیروزی اسلام و مرگ سران شرک و کفر ، قبل از وفات پیامبر (ص)

أفاین متّ فهم الخلدون

همزه در <أفاین> استفهام انکاری و متضمن معنای نفی است. بنابراین پیام اصلی آیه چنین می شود: نه چنین است که او (پیامبر(ص)) >بمیرد و شما زنده باشید و به مدت طولانی بمانید؛ بلکه حقیقت عکس این است، او می ماند و شما ای سران کفر پیش از او خواهید مرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی است که جمله <أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - پیشگویی قرآن به شکست جبهه کفر و شرک و پیروزی فراگیر و گسترده جبهه توحید و اسلام در عصر بعثت

وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض و لیمكنن لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۶

۶- محمد (ص)، دارای رسالت جهانی و پیروز بر همه مکاتب و ادیان

لیظهره علی الدین کله .. محمّد رسول الله

از این که خداوند، پس از وعده به غلبه اسلام بر تمامی ادیان نام شخص پیامبر(ص) را مطرح ساخته است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

پیروزی امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۶ - ۵

۵ - > عن أبي جعفر (ع) فی قوله > يقول أهلکت مالاً لبدأ < قال : هو عمرو بن عبدود حین عرض علیه علی بن ابی طالب (ع) الإسلام یوم الخندق و قال : فأین ما أنفقت فیکم مالاً لبدأ و کان أنفق مالاً فی الصدّ عن سبیل الله فقتله علی (ع) ;

امام باقر(ع) درباره سخن خداوند > يقول أهلکت مالاً لبدأ < روایت شده که فرمود: گوینده این سخن عمرو بن عبدود بود، آن زمان که حضرت علی بن ابی طالب(ع) در روز [غزوه] خندق، اسلام را بر او عرضه کرد؛ وی گفت: کجا رفت آن اموال زیادی که در مورد شما خرج کردم؟ و او اموال [زیادی] را در راه جلوگیری از راه خدا صرف کرده بود

پس حضرت علی(ع) او را کشت < .

پیروزی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۸

۱۸ آیاتی از قرآن در تشریح و سرگذشت انبیای پیشین و صبر و مقاومت و پیروزی آنها قبل از سوره انعام بر پیامبر خدا نازل شده است.

فصبروا علی ما کذبوا .. و لقد جاءک من نبی المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۱۷

۱- دعا و درخواست پیروزی انبیا از خداوند ، به دنبال تهدید شدنشان از سوی اقوام کافر

و قال الذین کفروا لرسلم لَنُخْرِجَنَّکمْ ... و استفتحوا

مرجع ضمیر <استفتحوا> می تواند <رسل> و می تواند <رسل> و <الذین کفروا> باشد. برداشت فوق بنا بر احتمال اول است.

۷- درخواست انبیا برای غلبه بر کافران اقوام خویش ، به اجابت رسید و آنان هلاک و نابود شدند .

و استفتحوا و خاب کلّ جبار عنید

عبارت <و خاب کلّ جبار عنید> می تواند به منزله بیان اجابت درخواست پیروزی انبیا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۷

۷ - خداوند ، کافران حاکم پیش از اسلام را ، شکست داد و پیامبران و مؤمنان نیکوکار را ، پیروز کرده و جایگزین آنان در سطح زمین قرار داد .

وعد الله الذین ءامنوا .. کما استخلف الذین من قبلهم

پیروزی ایرانیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳ - ۲

۲ - پیشگویی قرآن ، درباره پیروزی قریب الوقوع رومیان شکست خورده بر ایرانیان پیروز

و هم

من بعد غلبهم سیغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۱

۱ - پیشگویی قرآن در مورد پیروزی رومیان بر ایرانیان فاتح ، در خلال زمانی اندک (سه تا ده سال)

فی بضع سنین

کلمه <بضع> بر عددی اطلاق می شود که از سه بالاتر و از ده کمتر باشد (لسان العرب).

پیروزی بر باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ پیروزی حق بر باطل ، در گرو کوشش و تلاش صاحبان حق *

فاذا دخلتموه فانکم غلبون

پیروزی بر دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱۲

۱۲ خودسازی و پاک شدن از گناهان و پیروزی بر دشمنان دین ، از اهداف انبیا و همگامان با ایشان

ربنا اغفر لنا ذنوبنا .. و انصرنا علی القوم الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۲

۱۲ پیروزی بر دشمنان دین ، خواسته و آرمان جامعه ایمانی

من بعد ما اریکم ما تحبون

مراد از <ما تحبون> (آنچه آرزوی شما بود)، پیروزی بر دشمن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۲۰

۲۰ توکل بر خداوند ، کارساز در پیروزی مؤمنان بر دشمنان خویش

فانکم غلبون و علی الله فتوکلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۸

۱۸ سیطره و تسلط بر حریفان ، همواره نشانه کامیابی نهایی

نیست .

فقتله فاصبح من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۷

۷ خداوند ، مؤمنان متوکل بر وی را بر دشمنانشان پیروز و کارهای آنان را حکیمانه سامان خواهد بخشید .

و من یتوکل علی الله فان الله عزیز حکیم

جواب شرط <و من یتوکل علی الله> حذف شده و جمله <فان الله ..> جانشین آن شده و دلالت بر آن دارد که تقدیر جمله چنین است: و من یتوکل علی الله ینصره و یحکم امره فان الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۵

۵ وحدت و الفت قلبی میان افراد جامعه ، زمینه ساز پیروزی آنان در مبارزه با دشمنان خویش

هو الذی أیدک بنصره و بالمؤمنین. و ألف بین قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۵

۵ پیروزی بیست مؤمن مقاوم بر دویست دشمن و صد مؤمن مقاوم بر هزار دشمن نویدی تضمین شده از جانب خداوند

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

بیان دستور به پایداری و پیروزی بر دشمن در قالب جمله خبری می تواند نومییدی به تحقق آن دستور در خارج باشد. بنابراین جمله <یغلبوا>، یعنی باید پیروز شوید که خواهید شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ پیروزی بر دشمنان ، وابسته به اراده و اذن خداوند است .

فإن يكن . . . بإذن الله

پیروزی بر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۵

۵ تنها خداوند شایسته آن است که برای درخواست یاری و پیروزی بر دشمنان دین به پیشگاه او روی آورد .

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ .. و ما النصر إلا من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۳

۳ پایداری اهل ایمان در صحنه های پیکار همراه با یاد مداوم خدا ، زمینه ساز پیروزی آنان بر دشمنان دین

فاثبتوا و اذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون

<لعلكم> علاوه بر اینکه متعلق بر <اذكروا الله> است، می تواند متعلق به <فاثبتوا> نیز باشد. در این صورت مراد از <فلاح>، پیروزی در جنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۵

۱۵ پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از سرکوبی کامل دشمن ، امری حکیمانه و موجب پیروزی دشمنان دین است .

ما كان لنبی . . . و الله عزیز حکیم

توصیف خداوند به عزتمندی و کاردانی پس از تأکید بر حرمت گرفتن اسیر پیش از سرکوبی دشمن، اشاره به این دارد که این حکم، حکمی حکیمانه است و اجرای آن زمینه ساز عزتمندی و پیروزی مسلمانان است.

پیروزی بر دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۲،۳،۱۱

۲ - پندار بدکاران در سیطره و غلبه بر دین خدا ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا

بنابراین احتمال که مراد از <سبقت از خدا>، پشت

سر نهادن دین خدا باشد که کنایه از مغلوب ساختن آن است، نکته بالا قابل استفاده است.

۳ - پندار کافران در غلبه بر دین خدا ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذین یعملون السيئات أن یسبقونا

به قرینه آیات قبل که در آنها از مدعیان ایمان و پندارشان سخن گفته شده است، مراد از <یعملون السيئات> می تواند <کافران> باشد.

۱۱ - قضاوت کافران درباره غلبه شان بر دین خدا ، مبتنی بر وهم و خیال و قضاوت ناشایست بود .

أم حسب الذین یعملون السيئات أن یسبقونا ساء ما یحکمون

پیروزی بر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ پیروزی حتمی بنی اسرائیل بر جباران ، در صورت یورش بر آنان از دروازه سرزمین مقدس

ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

پیروزی بر فاسقان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ فراگیری معارف و عمل به احکام الهی ، شرط پیروزی قوم موسی بر فاسقان و آزادسازی سرزمین آنان

فخذها .. یاخذوا بأحسنها سأوریکم دار الفسقین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <سأوریکم> جواب فعل امر <فخذها بقوه و أمر قولک یاخذوا> باشد ، یعنی: <این تاخذها و یاخذوا سأوریکم دار الفسقین> قابل ذکر است که مجزوم نشدن <سأوریکم>، علی رغم اینکه جواب امر قرار گرفته، به سبب وجود <سین> است.

پیروزی بر قدرت برتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۳،۴،۵،۶

۳ یک گروه بیست نفری اهل ایمان باید

بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشکر صد نفری مؤمنان باید بر لشکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا

جمله های <يغلبوا مائتين> و <يغلبوا ألفا> خبری هستند. ولی مراد از آن به دلیل <الئن خفف الله عنكم> در آیه بعد معنایی دستوری است. زیرا تخفیف در محدوده تکالیف و دستورات مطرح است. بنابراین <يغلبوا ...> یعنی باید مقاومت کنید و پیروز شوید.

۴ اهل ایمان موظف به پایداری در برابر لشکریان کفر تا پیروزی بر آنان ؛ حتی در صورت ده برابر بودن نیروی انسانی کافران

حرض المؤمنین علی القتال إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ

تغییر نکردن نسبت در دو فراز یاد شده، یعنی بیست در مقابل دویست و صد در مقابل هزار، بیانگر این است که ضرورت مقاومت مخصوص بیست و دویست نفر نیست، بلکه تحقق نسبت (یک بر ده) ملاک حکم است.

۵ پیروزی بیست مؤمن مقاوم بر دویست دشمن و صد مؤمن مقاوم بر هزار دشمن نویدی تضمین شده از جانب خداوند

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا

بیان دستور به پایداری و پیروزی بر دشمن در قالب جمله خبری می تواند نومییدی به تحقق آن دستور در خارج باشد. بنابراین جمله <يغلبوا>، یعنی باید پیروز شوید که خواهید شد.

۶ مؤمنان صدر اسلام در برهه ای از عصر پیامبر (ص) دارای استعداد و توان پیروز شدن بر لشکری تا ده برابر نفرات ایشان

إِنْ يَكُنْ .. يَغْلِبُوا أَلْفًا

چون در آیه بعد تخفیف در حکم جهاد و

مقاومت را به تحقق ضعف تعلیل کرده است، معلوم می شود خداوند با توجه به توان و استعداد اهل ایمان بر آنان واجب کرده بود که در مقابل لشکری تا ده برابر خود مقاومت کنند.

پیروزی بر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا .. لعلکم تغلبون

پیروزی بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۹

۹ شعیب (ع) ، مؤمنان به رسالت خویش را به داوری خداوند و پیروزی بر کافران نوید داد .

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۴،۴،۸

۳ یک گروه بیست نفری اهل ایمان باید بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشکر صد نفری مؤمنان باید بر لشکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

جمله های <یغلبوا مائتین> و <یغلبوا ألفا> خبری هستند. ولی مراد از آن به دلیل <الئن خفف الله عنکم> در آیه بعد معنایی دستوری است. زیرا تخفیف در محدوده تکالیف و دستورات مطرح است. بنابراین <یغلبوا ...> یعنی باید مقاومت کنید و پیروز شوید.

۴ اهل ایمان موظف به پایداری در برابر لشکریان کفر تا پیروزی بر آنان ؛ حتی در صورت ده برابر بودن نیروی انسانی کافران

حرض المؤمنین علی القتال إن یکن منکم

عشرون صبرون یغلبوا مائتین

تغییر نکردن نسبت در دو فراز یاد شده، یعنی بیست در مقابل دویست و صد در مقابل هزار، بیانگر این است که ضرورت مقاومت مخصوص بیست و دویست نفر نیست، بلکه تحقق نسبت (یک بر ده) ملاک حکم است.

۸ صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۹

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر تا تحقق پیروزی بر آنان

فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۲

۲ - وعده خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - شکست ناپذیری قرآن، در برابر معارضه ها و موضع گیری های خصمانه کافران

إِنَّ الَّذِينَ يَلْحَدُونَ... إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا... وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۳

۳ - سنت الهی در پیروز ساختن جبهه ایمان بر سپاه کفر، دارای نمود های عینی در گذشته تاریخ

سَنَّهُ اللّٰهُ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِ

پيروزی بر مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۷

۷ پیروزی مجاهدان در جنگ بدر دارای اهدافی والا و از جمله آزمایش اهل ایمان از سوی خداوند

و لیبلی المؤمنین منه بلاء حسنا

<لیبلی> عطف بر علتی محذوف همانند <لیمحق الکفرین> است و هر دو متعلق به <قتلهم> و <رمی> می باشد یعنی <و لکن الله قتلهم... لکن الله رمی لیمحق الکفرین و لیبلی المؤمنین> گفتنی است که در برداشت فوق <ابلاء> به معنای آزمودن گرفته شده است.

پیروزی بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۷

۷ - امیدواری کافران مکه ، به پیروزی خود بر پیامبر (ص) از طریق ایجاد هیاهو و فضای ناآرام

و قال الذین کفروا لاتسمعوا... و الغوا فيه لعلکم تغلبون

پیروزی بر مخالفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۸

۱۸ سطره و تسلط بر حریفان ، همواره نشانه کامیابی نهایی نیست .

فقتله فاصبح من الخسرین

پیروزی بر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۴

۴ پیروزی بر سپاه مشرکان قریش و یا تسلط بر کاروان تجاری آنان ، وعده خداوند به اهل ایمان

و إذ يعدكم الله إحدى الطائفتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱۰

۱۰- پیروزی بر مشرکان ، وعده خداوند به پیامبر اسلام (ص)

ثم صدقنهم الوعد

آیه شریفه در مقام دلداری به پیامبر اسلام است و خداوند با بیان جریان عمومی (وعده

پیروزی همه پیامبران)، در واقع به آن حضرت نیز وعده پیروزی می دهد.

پیروزی بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۲

۲ - ناتوانی جبهه کفر با تجهیز تمامی امکانات ، برای غلبه بر اراده خداوند و جبهه ایمان

سیهزم الجمع و یولون الدبر

پیروزی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۳

۳- وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی خود ، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جاجای کره زمین

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ . إِنَّ فِي هَذَا لَلْبَلَاغِ لِقَوْمٍ عَابِدِينَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضمون آیه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و بشارت الهی است.

پیروزی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ پیروزی حتمی بنی اسرائیل بر جباران ، در صورت یورش بر آنان از دروازه سرزمین مقدس

ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۱۲

۱۲ آزمایش بنی اسرائیل ، از اهداف امداد های الهی برای حاکمیت بخشیدن به آنان پس از پیروزی بر دشمنانشان

و يستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۲

۱۲ صبر و مقاومت بنی اسرائیل زمان موسی

در برابر ستمگری های فرعون ، موجب تحقق وعده الهی بر پیروزی آنان و نابودی دشمنانشان

و تمت كلمت ربك الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا

حرف <باء> در <بما صبروا> سببیه است و <ما>، مصدریه. یعنی: <تمت ... بسبب صبرهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۴

۴- وجود فاصله میان نخستین شکست بنی اسرائیل و پیروزی آنان

ثم رددنا لكم الكزّه عليهم

<ثم> دلالت بر تراخی و فاصله زمانی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۳

۳ - نصرت خداوند به موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان و نیز پیروزی آنان بر فرعونیان در سایه این یاری ، از نعمت های بزرگ الهی بر ایشان بود .

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما... و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

پیروزی پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ پیروزی نوح (ع) و یارانش بر مخالفان ، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقوایندگان مقاوم و صبور ، بر کفرپیشگان است .

تلك من أنباء الغیب . . فاصبر إن العقبه للمتقین

پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - امتیاز خواهی ساحران از فرعون ، با قرار دادن پیروزی خود در هاله ای از ابهام

أئنّ لنا لأجرًا إن كُنّا نحن الغلبين

تردید ساحران در پیروزی خود، فرعون را در وحشت از شکست فرو می برد و اشتیاق به پیروزی

را به هر قیمت در وجود او مشتعل می ساخت. ساحران از این زمینه برای دست یافتن به امتیازات بیشتر سود جستند. گفتنی است که آیه ۴۴ همین سوره که در آن ساحران پس از مطمئن شدن به دریافت مزد از فرعون پیروزی خود را بر موسی (ع) قطعی اعلام کردند (قالوا بعزّه فرعون إنّنا نحن الغالبون) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۳

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنّنا نحن الغالبون

پیروزی حامیان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۲

۲ مشرکان قریش پیش از جنگ بدر با نیایش به درگاه خداوند، خواهان پیروزی حامیان دین حق شدند.

إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح

جمله <إن تستفتحوا> اشاره دارد به دعای مشرکان پیش از جنگ بدر که آنان با پندار حقانیت خویش از خداوند خواستند تا حامیان دین حق را در این نبرد پیروز گرداند.

پیروزی حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۴

۴ پیروزی حتمی تنها از آن حزب الله (یاران و پیروان خدا) است.

فان حزب الله هم الغالبون

ضمیر فصل <هم>، دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۹ - حزب خدا (مؤمنان راستین) ، تنها حزب ظفرمند و رستگار

ألا إنّ حزب الله هم المفلحون

قرآن قبلاً

درباره حزب شیطان فرمود: <ألا إنَّ حزب الشيطان هم الخاسرون> و درباره حزب خدا می فرماید: <ألا إنَّ حزب الله هم المفلحون> (حزب خدا فرجامی جز پیروزی و رستگاری ندارند).

پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ پیروزی حق بر باطل ، در گرو کوشش و تلاش صاحبان حق *

فاذا دخلتموه فانكم غلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۴

۱۴ پیروزی حق و شکست باطل ، هدفی بس والاتراز رسیدن به ثروت دنیا در بینش الهی

تودون أن غير ذات الشوكة تكون لكم و يريد الله .. و يقطع دابر الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۵،۶،۹

۵ منافقان ، تلاش تخریب گرانه خود را تا مرحله غلبه حق و پیروزی قطعی جبهه اسلام ، ادامه می دهند .

لقد ابتغوا الفتنة .. حتى جاء الحق و ظهر أمر الله و هم كرهون

۶ پیروزی اسلام و مسلمانان ، برای حق و جلوه تحقق اراده الهی

حتى جاء الحق و ظهر أمر الله

۹ جبهه حق ، علی رغم میل منافقان ، دارای روندی رو به پیروزی و موفقیت

حتى جاء الحق و ظهر أمر الله و هم كرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- مکرها و چاره اندیشی های ستمگران ، هر چند گسترده و کوه شکن باشد ، در برابر نیروی حق بی ثمر و ناموفق خواهد بود

و قد مکروا مکرمهم و عند الله مکرمهم و إن کان مکرمهم لتزول منه الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۱۲، ۳، ۲، ۱

۱- در نزاع میان جبهه حق و باطل ، پیروزی نهایی از آن حق مداران است .

بل نقذف بالحقّ علی البطل

۲- پیروزی عقیده و جهان بینی حق بر عقیده و جهان بینی باطل ، سنت الهی است .

و ما خلقنا السماء .. لعین ... بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

خداوند در آیه قبل، از هدفمند بودن آفرینش جهان و نیز بطلان عقیده به بیهوده بودن خلقت طبیعت سخن به میان آورده است. این سخن قرینه بر این است که مقصود از حق و باطل در آیه شریفه، عقیده و جهان نگری حق و باطل است. گفتنی است که ذیل همین آیه (و لکم الویل ممّا تصفون) که در باره نسبت ناروا به خداوند و توصیف او به امور نادرست است، مؤید برداشت یاد شده است.

۳- پیروزی حق بر باطل ، جلوه ای از هدف داری نظام آفرینش است .

و ما خلقنا السماء.. .. بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

خداوند در آیه قبل، سخن از آفرینش جهان براساس حق و هدفمند به میان آورد و در این آیه، پیروزی حق بر باطل را یادآور شد. ارتباط میان این دو گفتار بیانگر برداشت یاد شده است.

۱۲- > عن أبی عبد الله (ع) : ما من أحد إلاّ و قد برز علیه الحقّ حتی یصدع ، قبله أم ترکه و ذلك أنّ الله یقول فی کتابه : >
بل نقذف بالحقّ علی الباطل فیدمغه فإذا هو

از امام صادق(ع) روایت شده است : هیچ فردی نیست، مگر آن که حق تا روشن شدن کامل، بر او ظاهر شده است. این سخن خداوند است که در کتابش می فرماید: <بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فإذا هو زاهق.. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۸

۸ - پیروزی نهایی در عرصه مبارزه حق و باطل ، از آن جبهه حق خواهد بود .

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون .. قالوا ابنوا له نبیناً فألقوه فی الجحیم . ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۲

۲ - جبهه کفر و باطل ، در مصاف با جبهه ایمان و حق ، محکوم به شکست است .

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۱

۱ - در جنگ حق و باطل ، غلبه با حق است .

كتب الله لأغلبن أنا و رسلی

پیروزی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۲ - ۱

۱ - خداترسان تقوا پیشه و اطاعت کنندگان از خدا و رسول ، حتماً ظفرمند و کامیاب اند .

و من یطع الله و رسوله و یخس الله و یتقه فأولئك هم الفائزون

پیروزی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۷،۲۶

۷ هلاکت جالوت ، به دست داود

و قتل داود جالوت

۲۶ کشته شدن

جالوت (سرکرده کفر و طغیان) به دست داود ، از عوامل اعطای مُلک و سلطنت الهی به وی

و قتل داؤد جالوت و اتیه الله الملک

پیروزی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۶،۷

۶ پیروزی مؤمنان در جنگ ، موهبت خداوند و از جانب اوست .

فإن کان لکم فتح من الله

قید <من الله> ظاهراً قید توضیحی است. یعنی هرگاه مسلمانان پیروز شوند، این پیروزی از ناحیه خداوند است.

۷ غلبه مؤمنان در جنگ ، فتح و پیروزی حقیقی است و پیروزی های کافران ، بهره ای محدود و زودگذر است .

فإن کان لکم فتح من الله .. و إن کان للکفرین نصیب

خداوند از غلبه مؤمنان به فتح و پیروزی تعبیر فرموده و برای غلبه کافران از کلمه <نصیب> استفاده کرده تا به این معنا اشاره کند که غلبه کافران، فتح و پیروزی نیست. بلکه بهره ای اندک و زودگذر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱

۱ گرفتن اسیر در میدان نبرد ، پیش از غلبه بر دشمن و سرکوبی کامل او ، امری بس ناروا و حرام است .

ما کان لنبی أن یکون له أسری حتی یتخن فی الأرض

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <یتخن> کلمه ای همانند <العدو> باشد که به قرینه مقام حذف شده است و <ال> در <الأرض> نیز جانشین مضاف الیه باشد، یعنی أرض المعرکه (منطقه جنگ). گفتنی است که اثنان عدو، چنانچه در لسان العرب آمده، به معنای غلبه بر دشمن

با کشتار وسیع آنان است. بنابراین جمله <ما کان ... > بیانگر این معناست که اسیر گرفتن از دشمن پیش از غلبه بر او جایز نیست.

پیروزی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۱

۱ غنیمت و پیروزی در جهاد، فضل الهی است.

خذوا حذرکم فانفروا .. و لئن اصابکم فضل من الله

مصدق مورد نظر از <فضل> در این آیه، غنیمت و پیروزی است.

پیروزی در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ یقول المنفقون .. و من یتوکل علی الله فإن الله عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای <اذکروا> باشد.

پیروزی در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۴

۱۴ تذکر خداوند به لزوم غافل نشدن مؤمنان از خطر اعراب کفرپیشه همجوار خویش، پس از پایان یافتن پیروزمندانه جنگ با دشمنان خارجی (رومیان در جنگ تبوک) *

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

با توجه به اینکه آیات قبل در مورد بازگشت پیروزمندانه مؤمنان از جنگ تبوک است، احتمال دارد که این آیه هشدار به

مؤمنان مجاهد باشد که پس از آن پیروزی، احساس امنیت نکنند و توجه کنند که در اطرافشان، بادیه نشینان جاهل و متعصب در کفر نیز، خطری جدی به شمار می روند.

پیروزی دین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۱۱

۱۱ سنت الهی حاکم بر جوامع بشری ، در جهت غلبه یافتن دین خدا و عزّت مؤمنان ، و شکست کفر و خواری کفرپیشگان است .

و أن الله مخزى الكافرين

پیروزی دین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ > عن محمد بن الفضيل عن ابي الحسن الماضي (ع) قال : قلت : > هو الذى أرسل رسوله بالهدى و دین الحق < قال : .
.. الولایه هی دین الحق قلت : > لیظهره على الدین کله < قال : یظهره على جميع الأديان عند قیام القائم ... ;

محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم (ع) درباره > هو الذى ارسل رسوله ... < سؤال کردم، فرمود: ... ولایت، همان دین حق است و درباره > لیظهره على الدین کله < فرمود: خداوند هنگام قیام قائم (ع) دین حق را بر همه ادیان غلبه می دهد ... <.

پیروزی رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳ - ۲،۳

۲ - پیشگویی قرآن ، درباره پیروزی قریب الوقوع رومیان شکست خورده بر ایرانیان پیروز

و هم من بعد غلبهم سیغلبون

۳ - پیروزی روم بر ایران ، پس از شکست ، امری به دور از انتظار

و هم من بعد غلبهم سیغلبون

آوردن > من بعد غلبهم < با این که در آیه قبل تصریح به شکست رومیان شده است، می تواند ناظر به این نکته باشد که پیروزی آنان پس از شکست، برای مردم مکه،

غیرمنتظره بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۱،۴،۵

۱ - پیشگویی قرآن در مورد پیروزی رومیان بر ایرانیان فاتح ، در خلال زمانی اندک (سه تا ده سال)

فی بضع سنین

کلمه <بضع> بر عددی اطلاق می شود که از سه بالاتر و از ده کمتر باشد (لسان العرب).

۴ - پیروزی رومیان شکست خورده ، پس از زمانی کوتاه ، جلوه ای از حاکمیت اراده خداوند بر تمامی رخدادهای تاریخ است .

غلبت الروم . .. لله الأمر

بیان اختصاص همه امور به خداوند، پس از ذکر پیشگویی پیروزی رومیان، نوعی تعلیل برای پیروزی غیر مترقبه آنان است.

۵ - قرآن از برانگیخته شدن احساسات شادمانه مؤمنان صدر اسلام در روز پیروزی رومیان بر ایرانیان ، خبر داده است .

و هم من بعد غلبهم سیغلبون . . . و یومئذ یفرح المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵ - ۲

۲ - برخورداری رومیان از امداد های الهی در نبرد پیروزمند خویش با ایرانیان ، مایه سرور و شادمانی مؤمنان عصر بعثت شد .

و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله

<بنصر الله> می تواند متعلق به <یفرح> در آیه قبل باشد، یعنی، مؤمنان به سبب این که پیروزی رومیان به امدادهای خداوند است، شادمان می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۱

۱ - تقویت جبهه رومیان و چیره ساختن آنان بر ایرانیان ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان عصر بعثت

سيغلبون .. وعد الله لا يخلف الله وعده

<وعد الله > مفعول

مطلق فعل محذوف است و نویدهای خداوند در آیات قبل را تأکید می کند.

پیروزی سپاه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۱،۲

۱ - پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . . . و إنّ جنودنا لهم الغلبون

۲ - پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است .

و إنّ جنودنا لهم الغلبون

پیروزی سپاه طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۴،۵،۲۴

۴ هزیمت و شکست سپاهیان جالوت به اذن الهی ، در برابر نیروی اندک طالوتیان

فهموهم باذن الله

۵ اجابت دعا و نیایش طالوتیان ، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

قالوا ربّنا . . . و انصرنا على القوم الكافرين . فهموهم باذن الله

۲۴ چیرگی سپاه طالوت بر جالوتیان ، پرتویی از تفضّل جهانشمول الهی

فهموهم باذن الله . . . و لكنّ الله ذو فضل على العالمین

پیروزی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۶

۶- نگرانی بلقیس از قدرت و غلبه سلیمان (ع)، علی رغم اظهار آمادگی فرماندهان وی برای هر نبرد

قالوا نحن أولوا قوّه .. قالت إنّ الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها

طرح مسأله تباهی جامعه در صورت بروز جنگ، بیانگر مطلب یاد شده است.

پیروزی شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴

۲۸- کشته شدگان راه خدا ، پیروزمندان صحنه آزمون الهی (جهاد)

و لكن لیبولوا بعضکم ببعض و الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه فلن یضللّ عملهم

خداوند، پس از معرّفی جهاد به عنوان آزمون مؤمنان و کافران، تنها به یک گروه نوید داده است و آن کشته شدگان راه حق و شهیدان اند. از این نوید استفاده می شود که پیروزمندان این آزمون همانان هستند.

پیروزی صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا یوم ینفع الصّٰدقین .. ذلک الفوز العظیم

پیروزی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۲

۲- پیش گویی پیروزی و حاکمیت انسان های صالح در سطح زمین در کتاب زبور

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <من بعد الذکر> متعلق به <کائن> باشد در نتیجه شامل پیش گویی در تورات نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۷،۲۰

۷ - خداوند ، کافران حاکم پیش از اسلام را ، شکست داد و پیامبران و مؤمنان نیکوکار را ، پیروز کرده و جایگزین آنان در سطح زمین قرار داد .

وعد الله الذين ءامنوا .. كما استخلف الذين من قبلهم

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ،

پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذين ءامنوا ..

یعدوننی لایشرکون بی شیئا

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعدوننی...> حال برای ضمائر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

پیروزی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۲۴

۲۴ پیروزی ظالمین در پیکار با مؤمنان ، دلیل محبوبیت آنها نزد خداوند نیست .

و لاتهنوا .. و ليعلم الله الذين امنوا ... و الله لا يحب الظالمين

بنابر اینکه مراد از ظالمان، همان پیروزمندان جنگ احد باشد، خداوند به مؤمنان یادآور می شود که پیروزی مشرکان، حاکی از محبت الهی به ایشان نخواهد بود.

پیروزی عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱۱

۱۱ نوید الهی به سرافرازی خردمندان مؤمن و پیروزی آنان بر دشمنان دین

ربنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمه

<یوم القیمه>، ظرف برای <لا-تخزنا> است. بنابراین مراد از <ما وعدتنا>، نویدهای دنیوی خواهد بود که از مصادیق روشن آن به قرینه <لا تخزنا>، خوار نگشتن در دنیا است و این نوید برای مؤمنان تنها با پیروزی بر دشمنان دین تحقق می یابد.

پیروزی غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۴

۴ یادآوری خاطره پیروزی مسلمانان در پیکار بدر، التیام بخش رنج و آثار روحی دردناک شکست نبرد احد

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلها

جمله <قد اصبتم مثلها>، که اشاره

به پیروزی بزرگ مسلمانان در بدر است، بدان جهت ایراد شده که با یاد آن خاطره بزرگ، مسلمانان مصیبت احد را در مقایسه با پیروزی بدر کوچک شمرند و در نتیجه، رنج مصیبت احد را نادیده انگارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۶

۶ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر، گسیل هزاران فرشته برای امداد مجاهدان در آن جنگ، بشارت دهی و اطمینان بخشی به واسطه آنان، پرتوی از عزتمندی و کاردانی خداوند

و ما النصر إلا من عند الله إن الله عزیز حکیم

جمله <إن الله عزیز حکیم> تعلیلی است برای تمامی مسائلی که در این آیه و آیه قبل مطرح شده بود. یعنی سرچشمه آنچه بیان شد، عزت و حکمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۳

۳ خداوند با بیان نقش اصلی خویش در پیروزی جنگ بدر زمینه ساز پرهیز پیکارگران بدر از اعجاب و غرور به خاطر پیروزی در آن نبرد

فلم تقتلوهم . . . و ما رمیت إذ رمیت

از اهداف آیه مورد بحث، که پیروزی مؤمنان را برخاسته از اراده خدا دانسته، این است که پیکارگران بدر پیروزی را نعمتی از جانب خداوند بدانند و از آن قدرت خویش شمارند تا به غرور و اعجاب مبتلا نگردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۸، ۱۳، ۱۰

۱۰ پرداخت خمس غنیمت ها و دیگر استفاده های مالی، نشان ایمان به خدا و ایمان به پیروزی آفرینی خدا در جنگ بدر

است .

فَأَنْزَلْنَا لَهُ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ .. . إِنَّ كُنْتُمْ ءَامِنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيَّ عَبْدَنَا

مراد از <ما أنزلنا .. > می تواند همان امدادهای غیبی الهی باشد که مسلمانان در پرتو آن به پیروزی در جنگ بدر دست یافتند.

۱۳ خداوند به برکت وجود پیامبر (ص) مسلمانان را در جنگ بدر یاری کرد و آنان را به پیروزی رسانید .

وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيَّ عَبْدَنَا

با توجه به اینکه آیات ۹ تا ۱۲ همین سوره امدادهای الهی را شامل همه پیکارگران بدر دانست و این آیه پیامبر(ص) را محط نزول امدادها شمرد، معلوم می شود وجود پیامبر(ص) در نزول امدادها دخالت فراوانی داشته است.

۱۸ یاری رسیدن به مسلمانان در جنگ بدر و به پیروزی رساندن آنان نمودی از قدرت مطلقه خداوند

وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيَّ عَبْدَنَا .. . وَ اللَّهُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جمله <وَ اللَّهُ .. > می تواند ناظر به تمام حقایقی باشد که در آیه مورد بحث مطرح شده است که از جمله آنها امدادهای خداوند در جنگ بدر است که <وَ مَا أَنْزَلْنَا .. > دلالت بر آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۱، ۱۰، ۱۳

۱۰ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تعیین شده

وَ لَكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا

۱۱ خداوند به منظور تبیین حقانیت توحید و رسالت پیامبر (ص) ، جنگ بدر را تحقق بخشید و مسلمانان را به پیروزی رسانید

لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْنِهِ وَ

یحیی من حی عن بینہ

۱۳ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر حجتی روشن علیه شرک و دلیلی واضح بر حقانیت توحید و اسلام

لیقضى الله .. ليهلك من هلك عن بينه و يحيى من حي عن بينه

<ليهلك> متعلق به <يقضى> است. یعنی هدف از تحقق جنگ بدر این بود که ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۵

۱۵ رؤیای پیامبر (ص) در آستانه جنگ بدر و نتایج درخشان آن، حادثه ای شایسته و بایسته به خاطر سپردن و همواره به یاد داشتن

إذ يريكهم الله في منامك قليلا و لو أريكم كثيرا لفشلتم و لتنزعتم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذكروا> باشد.

پیروزی غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۵

۵ - خداوند، مؤمنان را به فتوحات و غنایمی علاوه بر فتح خیبر و غنایم آن، نوید داد.

وعدكم الله مغانم كثيرة تأخذونها فعجل لكم هذه

در صورتی که <هذه> به فتح خیبر اشاره داشته باشد، واژه <عجل> می رساند که فتح خیبر، پیش در آمد فتح های دیگر و غنایم فزون تری است.

پیروزی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۸ - ۶

۶ - فرعون با تظاهر به اطمینان خویش بر پیروزی بر موسی (ع)، تعیین مکان و زمان رویارویی را به او واگذار کرد.

فاجعل بيننا وبينك موعداً لانخلفه

در این که <موعداً> مصدر است یا اسم زمان و یا

اسم مکان، نظریاتی چند ابراز شده است. گفتنی است که به قرینه وصف <لانخلفه> و کلمه <مکاناً> و کلمه <یوم الزینه> (در آیه بعد) می توان پی برد که مجموعه هر سه معنا، مورد نظر بوده است؛ هر چند برای برخی از آن معانی کلام دارای تقدیراتی باشد.

پیروزی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۹

۹ - پیروزمندی تفکر قرآنی ، در صحنه رویارویی با اندیشه های بشری

و إینه لکتب عزیز

پیروزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۷

۷ غلبه مؤمنان در جنگ ، فتح و پیروزی حقیقی است و پیروزی های کافران ، بهره ای محدود و زودگذر است .

فإن کان لکم فتح من الله .. و إن کان للکفرین نصیب

خداوند از غلبه مؤمنان به فتح و پیروزی تعبیر فرموده و برای غلبه کافران از کلمه <نصیب> استفاده کرده تا به این معنا اشاره کند که غلبه کافران، فتح و پیروزی نیست. بلکه بهره ای اندک و زودگذر است.

پیروزی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۷

۷ - لزوم برگزیدن برترین کتاب آسمانی ، برای پیروی از رهنمود های آن

قل فأتوا بکتب .. هو أهدی منهما

پیروزی مأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۳،۴

۳- تمامی راه های فتوحات به روی یأجوج و مأجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و

بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

حَتَّى إِذَا فَتَحْتَ بِأُجُوجٍ وَأُجُوجٍ وَ هَمَّ مِنْ كَلِّ حُدْبِ يَنْسُلُونَ

<حُدب> به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و <نسل> (ماده <ینسلون>) در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس <ینسلون> یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

۴- پیش گویی قرآن به هجوم سریع و فتوحات فراگیر یأجوج و مأجوج در سراسر زمین در آینده

حَتَّى إِذَا فَتَحْتَ بِأُجُوجٍ وَأُجُوجٍ وَ هَمَّ مِنْ كَلِّ حُدْبِ يَنْسُلُونَ

اضافه شدن لفظ عموم <كَلِّ> بر اسم نکره <حُدب> بیانگر این است که ماجرای یأجوج و مأجوج مربوط به سرزمین خاصی نیست؛ بلکه شامل تمامی سرزمین ها و جهانی خواهد بود.

پیروزی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۲ - ۱

۱ - خدا ترسان تقوا پیشه و اطاعت کنندگان از خدا و رسول ، حتماً ظفرمند و کامیاب اند .

و من يَطْعُ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشِ اللَّهَ وَ يَتَّقُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

پیروزی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۳

۳ پیروزی مؤمنان پیکارگر بدر ، تنها به دست خدا بود ، نه پیامبر (ص)

و لقد نصرکم اللّٰه ببدر .. لیس لک من الامر شیء

اگر <ال> در <الامر> برای جنس باشد، پیروزی در جنگ بدر مصداقی از آن خواهد بود و اگر عهد ذکر باشد، اشاره به پیروزی در آن جنگ است.

آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۲،۵

۲ متخلفان از جهاد ، دارای برخوردی دوگانه در برابر شکست و پیروزی مجاهدان

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم الله علیّ . . و لئن اصابتکم فضل من الله ليقولنّ

۵ خداوند ، منشأ پیروزی مجاهدان ، و مقام او پیراسته از تحمیل شکست بر ایشان

فان اصابتکم مصیبه . . و لئن اصابتکم فضل من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ مجاهدان راه خدا هرگز مغلوب نیستند ، هر چند کشته شوند . *

فیقتل او یغلب

به کارگیری کلمه <یُقتل> به جای <یُغلب> (مغلوب شود) می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۸

۸ مرگ و ذلت مشرکان پیمان شکن صدر اسلام و پیروزی سپاه اسلام ، شفابخش سینه دردمند مؤمنان آسیب دیده از تجاوز

یعذبهم الله بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم و یشف صدور قوم مؤمنین

پیروزی مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱،۸

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لکن الله قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم .. > متفرع بر آیاتی است که امدادهای الهی را در جنگ بدر برمی شمرد / یعنی توجه به قضایای جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

پیروزی مجاهدان در جنگ بدر ، نعمتی نیکو از جانب خداوند برای اهل ایمان

لیلی المؤمنین منه بلاء حسنا

<ابلاء> در برداشت فوق به معنای اعطای نعمت گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۳

۳ پیروزی مؤمنان در جنگ بدر حجتی بر حقانیت اهل ایمان و هشدار و عبرتی برای کافران

إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح

مراد از <الفتح> پیروزی اهل ایمان در جنگ بدر است. و جمله <فقد جاءكم الفتح> پاسخ همان تمنای مشرکان است که خواهان پیروزی حامیان دین حق بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ يقول المنفقون .. و من يتوكل على الله فإن الله عزيز حكيم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای <اذكروا> باشد.

پیروزی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۶ - ۶

۶ - محسنان ، پیروزمندان در میدان آزمایش های الهی اند .

إنّا كذلك نجزي المحسنين . إنّ هذا لهو البلاء المبين

پیروزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۲

۲ حرکت های پیروزی آفرین پیامبر (ص) در جنگ بدر در حقیقت فعل الهی بود .

فلم تقتلوهم و لكن الله قتلهم و ما رمیت

<رمی> به معنای پرتاب کردن است و در اینجا می تواند کنایه از تمامی حرکت هایی باشد که پیامبر(ص) در جنگ بدر انجام

داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ وعده پیروزی به پیامبر (ص) در برابر موج توطئه ها و تکذیب های شرکورزان عصر بعثت

أو كذب بأيته إنه لا يفلح المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۹

۹ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر مشکلات رسالت و دادن وعده پیروزی به آن حضرت

و اصبر حتى يحكم الله و هو خير الحكمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۱،۲۸

۱- امتنان خدا بر پیامبر (ص)، به خاطر فتحی بزرگ و نمایان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

۲- صلح حدیبیه، فتحی بزرگ و موهبتی الهی برای پیامبر (ص)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

بنابراین که مراد از <فتحاً> صلح حدیبیه باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۸ - < قال الرضا (ع) ... فَلَمَّا فَتَحَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ مَكَّةَ قَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ (ص) > **إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا** < ... ;

امام رضا(ع) فرمود: .. آن هنگام که خداوند مکه را برای پیامبرش فتح نمود، به آن حضرت فرمود: ای محمد! **>إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا<**.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- محمد (ص)، دارای رسالت جهانی و پیروز بر همه مکاتب و ادیان

ليظهره على الدين كله .. محمد رسول الله

از این که خداوند،

پس از وعده به غلبه اسلام بر تمامی ادیان نام شخص پیامبر(ص) را مطرح ساخته است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۱ - ۳

۳ - اطمینان بخشی خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به رشد دعوت آن حضرت و به خاموشی گراییدن ندای کفر

قل تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُرَبِّصِينَ

پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۴

۱۴ پیروزی مسلمانان بر یهود *

و جاعل الذین اتبعوک

احتمالاً مراد از پیروان عیسی (ع)، پیروان راستین آن حضرت است که قهراً منطبق بر مسلمانان می شود؛ چون عیسی (ع)، بنی اسرائیل را موظف به پیروی از پیامبر اسلام (ص) کرده بود. و مراد از <الذین کفروا>، یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۶

۲۶ پیروزی و فتح یا شکست و شهادت مسلمانان ، نشانه حَقَانِیَّت و یا باطل بودن اسلام نیست .

ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ .. يَقُولُونَ لَوْ كَان لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قَتَلْنَا هَهُنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۲

۲۲ پیروزی مسلمانان ، مایه پشیمانی بیماردلان سست ایمان عصر بعثت از شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ .. فَيَصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرَوْا فِي أَنْفُسِهِمْ نَدْمِينَ

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <ما اسروا فی انفسهم>، تردید مسلمانان سست ایمان نسبت به حقانیت اسلام باشد. <فی

قلوبهم مرض، این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۰

۱۰ قضایای جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن، نعمتی بزرگ و شایسته و بایسته به یاد داشتن و شامل درسهایی از توحید

إذ يعدكم الله إحدى الطائفتين أنها لكم

مقصود از فرمان خداوند به یادآوری قضایای بدر، یادآوری حاکمیت خداوند بر عوامل طبیعی است. زیرا نیروی برتر و غیر قابل مقایسه مشرکان نسبت به مسلمانان اقتضا می کرد که مشرکان پیروز شوند و ولی تقدیر خداوند بر این بود که پیروزی از آن مسلمانان باشد و چنین شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲

۲ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر زیربنای گسترش توحید و نابودی شرک در سراسر جهان

يريد الله أن يحق الحق .. ليحق الحق و يبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <ليحق الحق> متعلق به <يريد الله أن يحق الحق> در آیه قبل باشد. بر این مبنا می توان گفت مراد از <الحق> در آیه قبل خصوص پیروزی موعود در پیکار بدر است، و مقصود از <الحق> در آیه مورد بحث مطلق حق. بنابراین <يريد الله أن يحق الحق ...> چنین معنا می شود: خداوند با تقدیر پیروزی در جنگ بدر خواست حق را همواره به منصف ظهور رساند و در سراسر جهان استوار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۸

۱۸ یاری رسیدن به مسلمانان در جنگ بدر و به

پیروزی رساندن آنان نمودی از قدرت مطلقه خداوند

و ما أنزلنا علی عبدنا .. و الله علی کل شیء قدير

جمله <و الله .. > می تواند ناظر به تمام حقایقی باشد که در آیه مورد بحث مطرح شده است که از جمله آنها امدادهای خداوند در جنگ بدر است که <و ما أنزلنا .. > دلالت بر آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳

۱۰ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تعیین شده

و لكن لیقضی الله أمرا كان مفعولا

۱۱ خداوند به منظور تبیین حقانیت توحید و رسالت پیامبر (ص) ، جنگ بدر را تحقق بخشید و مسلمانان را به پیروزی رسانید

لیقضی الله أمرا كان مفعولا لیهلك من هلك عن بینه و یحیی من حی عن بینه

۱۲ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن ، علی رغم موقعیت ضعیف آنان ، حادثه ای شایسته و بایسته به خاطر سپردن و همواره به یاد داشتن

إذ أنتم بالعدوه الدنيا .. و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای فعل مقدر، یعنی <اذکروا> باشد. مفسران برآنند که از اهداف شرح موقعیت جنگ بدر یادآوری ضعف مسلمانان و برتری کافران است که علی رغم آن با پیروزی مسلمانان پایان یافت.

۱۳ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر حجتی روشن علیه شرک و دلیلی واضح بر حقانیت توحید و اسلام

لیقضی الله .. لیهلك من هلك عن بینه و یحیی من حی عن بینه

<لیهلك > متعلق

به <یقضی> است. یعنی هدف از تحقق جنگ بدر این بود که ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۴

۴ وقوع جنگ بدر با فرجام پیروزی مسلمانان در آن نبرد، هدف از تصرف خداوند در دید هر یک از دو سپاه و کم نمایاندن هر یک در نظر دیگری

إذ يريكموهم إذالتقيتم في أعينكم قليلا .. ليقضى الله أمرا كان مفعولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۶

۶ پیروزی اسلام و مسلمانان، برای حق و جلوه تحقق اراده الهی

حتى جاء الحق و ظهر أمر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۶

۶- نابودی کافران دین ستیز و پیروزی مسلمانان، قانونمند و دارای وقت مناسب است .

خلق الإنسن من عجل سؤوریکم ء ایتی فلاتستعجلون

برداشت یاد شده از ارتباط میان این آیه و آیه قبل استفاده شده است؛ بدین ترتیب که مؤمنان با مشاهده برخورد گستاخانه مشرکان با پیامبر(ص)، بی صبرانه منتظر تحقق وعده الهی، مبنی بر هلاکت دشمنان و پیروزی مسلمانان بودند. و خداوند آنان را به صبر و شتاب نکردن فراخوانده است. گفتنی است برداشت فوق بر اساس این است که مخاطبان جمله <سأوریکم... فلاتستعجلون> مسلمانان باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱

۱ - هشدار خداوند به کفار مکه، مبنی بر پیروزی نزدیک مسلمانان بر آنان

سنريهم ءايتنا فى الأفاق و فى أنفسهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته

است که مراد از ضمیر <هم> به قرینه آیه قبل (ثُمَّ كَفَرْتُمْ) کفار مکه بوده و مقصود از <آفاق> نواحی زمین و از <أنفس> مردم سرزمین جزیره العرب باشد. بنابراین جمله <سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی أنفسهم> می تواند اشاره به پیروزی مسلمانان بر کافران داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۴

۴- تسلیم شدن مشرکان در برابر مسلمانان و پذیرش صلح در حدیبیه ، فتحی بزرگ برای جبهه اسلام *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا

اهمیت صلح حدیبیه، از آن رو است که مشرکان تا آن روز، جز به نابودی مسلمانان نمی اندیشیدند؛ اما با صلح حدیبیه، آنان در حقیقت مجموعه مسلمانان را به عنوان گروهی قدرتمند، رسماً پذیرفتند و این در صحنه سیاسی، فتحی بزرگ برای مسلمانان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۸

۱۸ - سفر حدیبیه ، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سيقول لك المخلفون .. فاستغفر لنا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی های آینده اعراب متخلف را یاد آور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می شود که اعراب متخلف، انتظار چنین فرجام فرخنده ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- تحقق وعده خداوند ،

به ورود پیروزمندانه مسلمانان به مکه ، گواه تحقق پذیری وعده او در غلبه اسلام بر تمامی ادیان *

لتدخلن المسجد الحرام .. هو الذى أرسل رسوله ... ليظهره على الدين كله

خداوند در آیه قبل، به مؤمنان وعده داد که با ایمنی وارد مکه خواهند شد و این وعده تحقق یافت. حال در این آیه، نوید داده است که اسلام نه بر مشرکان مکه بلکه بر تمامی ادیان غلبه خواهد کرد و این وعده، همانند وعده پیشین تحقق پذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۴

۴ - زندگی پیروزمندانه مسلمانان ، جلوه رحمت خداوند بر آنان

إن أهلكنى الله و من معى أو رحمننا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که عبارت <أو رحمننا> در برابر <أهلكنى الله..> (هلاکت و شکست) قرار دارد.

پیروزی مسلمانان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۶

۶ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، مانع شکست مسلمانان ، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن)

لولا كتب ... عذاب عظیم

پیروزی مسلمانان در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۹

۹ اخبار خداوند به بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان از جنگ تبوک

و سيحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا معكم

برداشت فوق بر این اساس است که آیه شریفه، قبل از رسیدن مسلمانان به سرزمین تبوک نازل شده باشد که در این

صورت، إخبار خداوند به عذرخواهی متخلفان، گویای بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان است.

پیروزی مسلمانان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۹

۹ - غزوه احزاب ، بدون درگیری نظامی عمده ، به سود مسلمانان پایان یافت .

و ردّ الله الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرًا و کفی الله المؤمنین القتال

پیروزی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۲

۲ - احساس اطمینان مشرکان صدر اسلام نسبت به پیروزی جمع متحد خویش بر پیامبر (ص) و مؤمنان

أم یقولون نحن جمیع منتصر

پیروزی مکرهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۲

۲ - کافران ، هر چند شگرد های عمیق و دشواری به کار گیرند ، در برابر مکر های علاج ناپذیر خداوند ، شکست خواهند خورد .

یکیدون کیدًا . و اکید کیدًا

بیان مکر خداوند در برابر کید کافران، در حقیقت بیان ناکامی آنان است.

پیروزی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد .

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه

کلمه <هذا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ تسلط موسی (ع) بر فرعونیان و مغلوب ساختن آنان ، امری تقدیر شده از ناحیه خداوند

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا و سلطن مبین

در برداشت فوق ، <سلطان> به معنای تسلط و غلبه ظاهری گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۲

۲ - اطمینان موسی به غلبه خویش و پوچی افسون ساحران

قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

شتاب نداشتن موسی (ع) در ارائه معجزه خویش، حاکی از اطمینان او و تعبیر <ألقوا ما أنتم ملقون> نشانگر بی اعتنایی وی به همه دست مایه های ساحران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۵ - ۴

۴ - غلبه سریع و برق آسای موسی (ع) بر ساحران ، در میدان هموردی و در برابر دید همگان

فألقى موسی عصاه فإذا هی تلقف ما یأفکون

واژه <إذا> معادل ناگهان است ، یعنی، انداختن عصا همان و بلعیده شدن طناب ها و چوبدستی های ساحران همان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۵

۵ - پیروزی موسی (ع) بر ساحران ، بی تأثیر در روحیه حق ناپذیر فرعون

قال ءامتم له قبل أن ءاذن لكم إنّه لکبیرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نصرت خداوند به موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان و نیز پیروزی آنان بر فرعونیان در سایه این یاری ، از نعمت های بزرگ الهی بر ایشان بود .

و

لقد متنا على موسى و هرون . و نَجِينهما... و نصرنهم فكانوا هم الغلبين

پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۴

۴ مجاهدان جنگ بدر با نداشتن ساز و برگ کافی در مقابل دشمنان ، توانستند با ایمان و توکل به خدا بر آنان پیروز شوند .

و على الله فليتوكل المؤمنون. و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

جمله <و لقد نصرکم الله بیدر>، می تواند نمونه ای باشد از حقیقت بیان شده در آیه قبل ^۲ یعنی عامل نصرت شما در بدر، توکل شما بر خداوند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۵،۶

۵ پیروزی جبهه مؤمنان ، پرتویی از عزت و حکمت خداوند

و ما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم

۶ خداوند ، تعیین کننده اصلی و نهایی پیروزی مؤمنان است ^۲ نه فرشتگان و یا توانایی های شخصی رزمندگان

و ما جعله الله الا بشري لكم . . . و ما النصر الا من عند الله

بیان انحصار پیروزی آفرینی به خدا و نقش امداد ملائکه تنها به عنوان بشارت و اطمینان قلب، در حقیقت نفی هر گونه عاملی (توانایی نیروها از نظر عدّه و عدّه، امداد ملائکه و . . .)، غیر از خواست الهی در پیروزیهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۶،۷،۱۵

۶ پیروزی مؤمنان در جنگ ، موهبت خداوند و از جانب اوست .

فإن كان لكم فتح من الله

قید <من الله> ظاهراً قید توضیحی است. یعنی

هرگاه مسلمانان پیروز شوند، این پیروزی از ناحیه خداوند است.

۷ غلبه مؤمنان در جنگ ، فتح و پیروزی حقیقی است و پیروزی های کافران ، بهره ای محدود و زودگذر است .

فإن كان لكم فتح من الله .. و إن كان للكافرين نصيب

خداوند از غلبه مؤمنان به فتح و پیروزی تعبیر فرموده و برای غلبه کافران از کلمه <نصیب> استفاده کرده تا به این معنا اشاره کند که غلبه کافران، فتح و پیروزی نیست. بلکه بهره ای اندک و زودگذر است.

۱۵ پیروزی نهایی مؤمنان بر کافران

و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا

بنابر اینکه جمله <لن يجعل الله> اخبار باشد و نه انشاء. و چون این جمله پس از فرض غلبه کافران است (و ان كان للكافرين نصيب)، اشاره به این دارد که پیروزی نهایی و دایمی از آن مسلمانان خواهد بود ؛ گرچه ممکن است در مقطعی غلبه با کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۵

۵ پیروزی اهل ایمان در گرو همبستگی آنان بر محور ولایت الهی

فان حزب الله هم الغلبون

به اصحاب و یارانی که همفکر شخصی باشند و از وی پیروی کنند، حزب آن شخص می گویند. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۲

۲ ضرورت توجه اهل ایمان به فرجام شوم کافران ستیزه گر و نقش اصلی خدا در پیروزی های مؤمنان

ذلكم

حرف <كم> در <ذلكم> خطاب به اهل ایمان است. یعنی ای اهل ایمان سرنوشت مشرکان ستیزه جو همان است که بیان شد.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۳،۵

۳ یک گروه بیست نفری اهل ایمان باید بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشکر صد نفری مؤمنان باید بر لشکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

جمله های <یغلبوا مائتین> و <یغلبوا ألفا> خبری هستند. ولی مراد از آن به دلیل <الئن خفف الله عنکم> در آیه بعد معنایی دستوری است. زیرا تخفیف در محدوده تکالیف و دستورات مطرح است. بنابراین <یغلبوا ...> یعنی باید مقاومت کنید و پیروز شوید.

۵ پیروزی بیست مؤمن مقاوم بر دویست دشمن و صد مؤمن مقاوم بر هزار دشمن نویدی تضمین شده از جانب خداوند

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

بیان دستور به پایداری و پیروزی بر دشمن در قالب جمله خبری می تواند نومییدی به تحقق آن دستور در خارج باشد. بنابراین جمله <یغلبوا>، یعنی باید پیروز شوید که خواهید شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۲،۷

۲ خدا ، خواستار شکست و ذلت دشمنان دین و پیروزی و عزت مؤمنان است .

قتلوهم یعذبهم الله بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم

۷ خداوند مؤمنان صدر اسلام را به پیروزی قطعی بر مشرکان ، در صورت درگیر شدن با آنان ، نوید داد .

قتلوهم یعذبهم الله بأیدیکم . . . و ینصرکم علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ -

۱۰ غلبه ایمان بر کفر و موفقیت پیامبر (ص) در انجام رسالت، از نویدها و بشارت‌های خداوند به آن حضرت

فاصبر إن العقبه للمتقين

بیان پیروزی اهل ایمان و از میان رفتن کفرپیشگان در شرح داستان نوح(ع) می‌رساند که مصداق مورد نظر برای <العاقبه> (فرجام نیک) پیروزی ایمان بر کفر است و از آن جا که خطاب متوجه پیامبر(ص) است، جمله فوق ناظر به پیروزی اسلام بر کفر و موفقیت پیامبر(ص) در انجام رسالت می‌باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < ولا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه > و هي النقمه > أو تحلّ قريباً من دارهم < فتحلّ بقوم غيرهم فيرون ذلك و يسمعون به و الذين حلّت بهم عصاه كفار مثلهم و لا يتعظ بعضهم ببعض و لن يزالوا كذلك > حتى يأتي وعد الله < الذي وعد المؤمنين من النصر و يخزي الله الكافرين ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <و لا يزال...> روایت شده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] <أو تحلّ قريباً من دارهم> [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می‌آید و آنان می‌بینند و می‌شنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شده، مانند ایشان گناهکار و کافرند و [لیکن] برخی از برخی دیگر پند نمی‌گیرند و همواره چنین هستند تا وعده خدا فرا رسد و، حتی یأتی وعد الله، همان وعده ای که به مؤمنان داده است که آنان را پیروز کند و

خداوند کافران را خوار می سازد < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۷

۷- هلاکت و شکست کافران و دین ستیزان و پیروزی مؤمنان ، از آیات الهی است .

سُورِیکم ءایتی

برداشت یاد شده به خاطر این است که از هلاکت کافران و پیروزی مسلمانان به < آیات > تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۱

۱۱ - نوید عزت و پیروزی به اهل ایمان و شکست و خواری کافران و مشرکان صدراسلام

و من الناس من یجدل. .. ثانی عطفه... له فی الدنیا خزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۲

۲ - تردیدزدایی خدا از مؤمنان و ایجاد اطمینان در آنان نسبت به پیروزی جبهه ایمان

إِنَّ اللَّهَ یُدْفَعُ عَنِ الذِّینِ ءَامَنُوا

تأکید جمله < یدافع عن الذین ءامنوا > به وسیله < إِنَّ > بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - تنها مؤمنان راستین و فرمانبر خدا و رسول او ، رستگار و پیروزانند .

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ . . . وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - خداوند ، کافران حاکم پیش از اسلام را ، شکست داد و پیامبران و مؤمنان نیکوکار را ، پیروز کرده و جایگزین آنان در سطح زمین قرار داد .

وعد الله الذین ءامنوا .. کما استخلف الذین من قبلهم

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری

از شرک، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت، پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذین ءامنوا .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی..> حال برای ضمائر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۱۱،۱۵

۱۱ - ربوبیت خداوند، مقتضی اعطای نصر و پیروزی بر مؤمنان است.

و لئن جاء نصر من ربک

۱۵ - عناصر سست ایمان عافیت طلب، در پیروزی مؤمنان، نقشی نداشتند.

و من الناس من یقول ءامنّا باللّٰه فاذا اُذی فی اللّٰه جعل فتنه الناس کعذاب اللّٰه و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۷

۷ - اکثر مردم عصر بعثت، در پیروزی رومیان حتی در صورت وعده خداوند به یاری آنان، دچار تردید بودند.

وعد الله .. و لکنّ اکثر الناس لایعلمون

حرف <ال> در <الناس> برای عهد است و به قرینه آیات بعد که ویژگی های اقتصادی قریش را بیان می کند به مکیان عصر بعثت اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۱،۲،۴

۱ - مؤمنان، به آینده پیروزمند خویش، باور دارند.

و یقولون متی هذا الفتح

تعبیر <متی هذا الفتح> از سوی کافران، نشانه این معنا است که مؤمنان، درباره

فتح و پیروزی خویش، سخنانی اظهار داشته اند. گفتنی است که آیه سی هفتمین سوره، می تواند قرینه باشد بر این که مراد از فتح، پیروزی در همین دنیا است.

۲ - کافران ، اعتقاد مؤمنان به پیروزی نهایی خویش را ، مسخره پنداشتند .

و يقولون متی هذا الفتح إن كنتم صدقین

۴ - مؤمنان ، پیروزی نهایی بر کافران را ، به آنان گفته بودند .

و يقولون متی هذا الفتح إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۸

۸ - توجه به علم و قدرت الهی ، زمینه امیدواری مؤمنان به پیروزی راه ایمان

قد أحاط الله بها و كان الله على كل شيء قديرًا

از این که خداوند، پس از نوید دادن به قدرت و پیروزی مؤمنان در آینده، علم و قدرت خویش را به ایشان یادآور شده است؛ مطلب بالا را می توان نتیجه گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۱

۱ - اطمینان بخشی خداوند به مؤمنان ، در ناتوانی کافران از غلبه بر ایشان ، پس از فتح خیبر و صلح حدیبیه

و لو قتلکم الذین کفروا لو لولا الأدبر

برداشت بالا بر این اساس است که <لو قاتلکم..> نظر به آینده داشته باشد؛ یعنی، شما در آینده، همواره پیروز خواهید بود و هر که با شما بجنگد، منهزم خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۶

۶ - رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه

من بعد أن أظفركم عليهم

در صورتی که مراد از <بطن مکه> سرزمین حدیبیه باشد؛ احتمال می رود که تعبیر <من بعد أن أظفر< بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۸

۲۸- نبرد پیروزمندانه مؤمنان علیه کفر، عذاب دردناک الهی برای کافران

و لولا رجال مؤمنون .. لو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم

در این آیه <لعذبنا>، مقابل صلح حدیبیه قرار گرفته است. از تقابل صلح و عذاب، دانسته می شود که مصداق بارز عذاب الهی برای کافران، دردی است که از شمشیر مؤمنان در میدان نبرد خواهند چشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۷

۱۷- صلح حدیبیه و تن دادن مشرکان لجوج به پیمان، فتحی برای مؤمنان

فجعل من دون ذلك فتحًا قريبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۹

۲۹ - حزب خدا (مؤمنان راستین) ، تنها حزب ظفرمند و رستگار

ألا إنَّ حزب الله هم المفلحون

قرآن قبلاً درباره حزب شیطان فرمود: <ألا إنَّ حزب الشيطان هم الخاسرون> و درباره حزب خدا می فرماید: <ألا إنَّ حزب الله هم المفلحون> (حزب خدا فرجامی جز پیروزی و رستگاری ندارند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - در جنگ کفر و ایمان ، کفر همواره بازنده است .

فَأَيُّدِنَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوا عَلٰى عَدُوِّهِمْ فَاصْبِحُوا

پیروزی مؤمنان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ شکستو نابودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حتی یأتی وعد الله

پیروزی مؤمنان متوکل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۷

۷ خداوند ، مؤمنان متوکل بر وی را بر دشمنانشان پیروز و کار های آنان را حکیمانه سامان خواهد بخشید .

و من یتوکل علی الله فان الله عزیز حکیم

جواب شرط <و من یتوکل علی الله> حذف شده و جمله <فان الله .. > جانشین آن شده و دلالت بر آن دارد که تقدیر جمله چنین است: و من یتوکل علی الله ینصره و یحکم أمره فان الله

پیروزی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ پیروزی نوح (ع) و یارانش بر مخالفان ، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقوایپیشگان مقاوم و صبور ، بر کفرپیشگان است .

تلك من أنباء الغیب .. فاصبر إن العقبه للمتقین

پیروزی نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا يوم ينفع الصديقين .. ذلك الفوز العظيم

پیروزی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۳

۳ - نصرت خداوند به موسی و هارون

(علیهماالسلام) و قوم شان و نیز پیروزی آنان بر فرعونیان در سایه این یاری ، از نعمت های بزرگ الهی بر ایشان بود .

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما... و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

پیروزی یاجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۳،۴

۳- تمامی راه های فتوحات به روی یاجوج و مأجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

حتّی إذا فتحت یاجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

<حدب> به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و <نسل> (ماده <ینسلون>) در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس <ینسلون> یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

۴- پیش گویی قرآن به هجوم سریع و فتوحات فراگیر یاجوج و مأجوج در سراسر زمین در آینده

حتّی إذا فتحت یاجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

اضافه شدن لفظ عموم <کلّ> بر اسم نکره <حدب> بیانگر این است که ماجرای یاجوج و مأجوج مربوط به سرزمین خاصی نیست؛ بلکه شامل تمامی سرزمین ها و جهانی خواهد بود.

پیروزی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۷

۷- پیروزی بر کافران در پرتو قرآن و بعثت پیامبر (ص) ، آرمان یهودیان پیش از بعثت

و کانوا من قبل یتفتحون علی الذین کفروا

از معانی <فتح> نصرت و پیروزی

است. <استفتاح> به معنای طلب پیروزی است. آمدن فعل مضارع (یستفتحون) قرین <کان> و مانند آن دلالت بر استمرار در زمان گذشته دارد. ارتباط جمله <و کانوا...> با قبل و بعد اقتضا می کند که: این پیروزی طلبی در ارتباط با نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) مطرح باشد. بنابراین <و کانوا...> یعنی، یهودیان پیش از بعثت از زمانهایی دور در انتظار نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) بودند تا در سایه آن بر کافران پیروز شوند.

پیشگویی پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۱۴

۱۴ - تاریخ آینده بشر، شاهد شکست تمامی ادیان و پیروزی و حاکمیت دین اسلام خواهد بود.

هو الذی أرسل رسوله .. لیظهره علی الدین کلّه

پیشگویی پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۱

۱ - پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. از این رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۲

۲ - اخبار خداوند، از دستیابی مسلمانان به پیروزی های بزرگ و فراتر از توان

به کار گرفته شده از سوی آنان در فتح خیبر

و آخری لم تقدرُوا علیها

با توجه به این که آیات شریفه، در محدوده صلح حدیبیه و جنگ خیبر نازل شده است؛ تعبیر <لم تقدرُوا> می رساند که مؤمنان غنایمی در پیش دارند که اکنون توان دستیابی به آن را ندارند؛ یعنی، به دست آوردن آن غنایم، نیازمند توانی بیش از این است.

پیشگویی پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ - تحقق پیشگویی اعجازآمیز خداوند، از پیروزی های آینده مؤمنان، زمینه ساز هدایت ایشان به صراط مستقیم

وعدکم... و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صراطاً مستقیماً

<آیه> به معنای معجزه است؛ زیرا در پیشگویی قطعی از آینده، اعجاز نهفته است. مقدمه قرار گرفتن این معجزه برای هدایت مؤمنان را، می توان از تقدم <آیه> بر <یهدیکم> استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۵

۵ - خبر های خداوند از آینده پیروزمند مؤمنان، متکی به علم گسترده و همه جانبه او

وعدکم الله... و آخری لم تقدرُوا علیها قد أحاط الله بها

از ارتباط <قد أحاط...> با مطالب قبل، برداشت بالا استفاده می شود.

ترس از پیروزی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۷ - ۶

۶ - > عن أمير المؤمنين ين (ع): لم یوجس موسی (ع) خیفه علی نفسه بل أشفق من غلبه الجهال و دُول الضلال؛

از امیرالمؤمنین (ع): روایت شده است: موسی (ع) بر جان

خویش نترسید، بلکه ترسید که مبدا جاهلان و حکومت های گمراه غلبه یابند.>

تسریع در پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۸

۸- مؤمنان صدراسلام ، در انتظار غلبه و پیروزی سریع بر کافران بودند .

سأوریکم ءایتی فلا تستعجلون

برداشت یاد شده براساس این است که مقصود از <آیات> هلاکت و عذاب دنیوی کافران، و مخاطب <سأوریکم..> فلا تستعجلون < مسلمانان باشند.

تضمین پیروزی غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۴

۴ تضمین پیروزی پیامبر (ص) (در جنگ تبوک) از سوی خداوند ، علی رغم احتمال کوتاهی دیگران در یاری رساندن به آن حضرت

إلا تنصروه فقد نصره الله

تقدیر پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۳

۳ تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تقدیر شده

لیقضى الله أمرا كان مفعولا

<أمراً> به معنای کار است و مراد از آن تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد می باشد. فعل <کان> دلالت می کند که ثبوت خبر <مفعولا> برای اسمش (تحقق جنگ بدر) از دیرباز تحقق پیدا کرده بود. و تحقق جنگ بدر از دیرباز، به

قرینه <لیقضى>، به معنای تقدیر آن است. بنابراین <لیقضى الله ...> یعنی تا انجام پذیرد کاری که از پیش تقدیر شده بود.

تقوا در پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۱۱

رعایت تقوا در حل پیروزی و اقتدار توصیه خداوند به مؤمنان *

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتُنظَرَ . . . وَ اتَّقُوا اللَّهَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پس از آیات مربوط به غزوه بنی نضیر و پیروزی مسلمانان بر کافران و منافقان، سخن از بایستگی تقوا به میان آمده است.

حتمیت پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۲

۲ - با رسیدن نصرت الهی ، پیروزی بر دشمن قطعی است .

إذا جاء نصر الله و الفتح

حتمیت پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- تحقق وعده خداوند ، به ورود پیروزمندانه مسلمانان به مکه ، گواه تحقق پذیری وعده او در غلبه اسلام بر تمامی ادیان *

لتدخلنَّ المسجد الحرام . . . هو الذي أرسل رسوله ... ليظهره على الدين كله

خداوند در آیه قبل، به مؤمنان وعده داد که با ایمنی وارد مکه خواهند شد و این وعده تحقق یافت. حال در این آیه، نوید داده است که اسلام نه بر مشرکان مکه، بلکه بر تمامی ادیان غلبه خواهد کرد و این وعده، همانند وعده پیشین تحقق پذیر خواهد بود.

حتمیت پیروزی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۲ - ۱

۱ - پیروزی پیامبران ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

إِنَّهُمْ لَهْمُ الْمُنْصُورُونَ

آمدن موضوع نصرت انبیا با دو حرف تأکید <إِنَّ> و لام در <لَهُمْ>، می رساند که این نصرت، حتمی و به صورت یک سنت و

قضای تغییر ناپذیر است.

حتمیت پیروزی حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۸

۲۸ - رستگاری و ظفرمندی ، فرجام قطعی حزب خدا (مؤمنان راستین)

ألا إنَّ حزب الله هم المفلحون

حتمیت پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۱

۱ سنت الهی حاکم بر جوامع انسانی ، علی رغم ناخوشایندی تبه کاران و مجرمان ، پایدار کردن و بر کرسی نشاندن حق است

و يحق الله الحق بكلمته و لو كره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۱

۱- فرمان خدا به پیامبر (ص) برای اعلام غلبه حتمی حق و اضمحلال قطعی باطل ، به مشرکان مکه

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۲

۲ - غلبه حق بر باطل ، قانون مکتوب الهی است .

كتب الله لأغلبنّ أنا و رسلي

حتمیت پیروزی حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۱

۱ - پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . . . و إنّ جنودنا لهم الغلبون

حتمیت پیروزی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۴

۴ - امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به

جبهه ایمان و مجاهدان راه او

يَغْفِرْ لَكُمْ .. و أُخْرَى تَحِبُّونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ و فَتْحَ قَرِيبٍ

حتمیت پیروزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۶

۶ - تأکید خداوند ، بر پیروزی پیامبر (ص) و ناکامی کافران تکذیب گر

و كَذَّبُوا .. و كُلَّ أَمْرٍ مُسْتَقَرٌّ

بیان کلی خداوند در تحقق و استقرار برنامه های از پیش تعیین شده، در حقیقت نویدی به مؤمنان و تهدیدی به کافران است که رسالت پیامبر(ص) سرانجام تثبیت خواهد شد و تکذیب گران کاری از پیش نخواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۰

۱۰ - تضمین عزت و پیروزی پیامبر (ص) و مؤمنان ، از سوی خداوند در قبال توطئه های منافقان

لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزَّ .. و لِلَّهِ الْعِزَّةُ و لِرَسُولِهِ و لِلْمُؤْمِنِينَ

حتمیت پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۳

۳ - کافران ، از جلوگیری از تحقق وعده الهی مبنی بر حاکمیت فراگیری اهل ایمان و پیروزی و امنیت آنان در هر جای دنیا ، ناتوانند .

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ... لِاتَّحَسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مَعْجِزِينَ

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و دو آیه قبل، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- فرارسیدن روز فتح نهایی مؤمنان، قطعی است.

و انتظار

متعلق <انتظار> در آیه، بیان نشده است. احتمال دارد که

مراد از انتظار، هلاکت کافران و در نتیجه پیروز شدن مؤمنان باشد که در آیه بیست و هشت بنابر احتمالی از آن سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۴

۴- خط ایمان و جبهه مؤمنان ، برخوردار از پیروزی قطعی و نهایی

و أنتم الأعلون

<و أنتم الأعلون> ممکن است در مقام تعلیل باشد؛ به این که چون شما در نهایت پیروزید و به پیروزی نهایی ایمان بر کفر ایمان دارید، پس نباید در مبارزه با کافران، سستی کرده و با سازش بگرایید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۴

۴ - نصرت الهی در حق مؤمنان ، نصرتی حتمی و بدون شکست *

و ينصرك الله نصرًا عزيزًا

<نصرًا عزيزًا> می تواند قید توضیحی باشد؛ یعنی، اصولاً نصرت خداوند نصرتی بدون شکست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۸

۲۸ - رستگاری و ظفرمندی ، فرجام قطعی حزب خدا (مؤمنان راستین)

ألا إنَّ حزب الله هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۴

۴ - امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

يغفر لكم .. و أخرى تحبونها نصر من الله و فتح قريب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۰

۱۰ - تضمین عزت و پیروزی پیامبر (ص) و مؤمنان

، از سوی خداوند در قبال توطئه های منافقان

ليُخْرِجَنَّ الْأَعَزَّ . . . و لِلَّهِ الْعِزَّةُ و لِرَسُولِهِ و لِلْمُؤْمِنِينَ

درخواست پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۵

۵ تنها خداوند شایسته آن است که برای درخواست یاری و پیروزی بر دشمنان دین به پیشگاه او روی آورد .

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ . . . و مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۱،۳

۱- دعا و درخواست پیروزی انبیا از خداوند ، به دنبال تهدید شدنشان از سوی اقوام کافر

و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرَسُولِهِمْ لِنُخْرِجَنَّكُمْ . . . و اسْتَفْتَحُوا

مرجع ضمیر <استفتحوا> می تواند <رسل> و می تواند <رسل> و <الذین کفروا> باشد. برداشت فوق بنابر احتمال اول است.

۳- انبیا و اقوام کافر مخالف آنان ، هر یک خواستار پیروزی بر یکدیگر شدند .

و اسْتَفْتَحُوا

بنابر اینکه مرجع ضمیر <استفتحوا> هر دو گروه انبیا و اقوام کافر باشد، قرینه <و خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ> حاکی است که هر کدام از آنان، در پی پیروزی بر دیگری بوده اند؛ اما اقوام کافر از پیروزی محروم شدند.

دعای پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۲

۲ درخواست بخشایش گناهان و زیاده روی ها ، پایداری بر راه پیامبران و چیرگی بر کافران ، تنها سخن دست پروردگان انبیا

در هنگامه های پیکار

و ما کان قولهم اَلَّا ان قالوا رَبَّنَا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت اقدرا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم>، تنها به <ربیبون>

برگشت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۲

۲ مشرکان قریش پیش از جنگ بدر با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیروزی حامیان دین حق شدند .

إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح

جمله <إن تستفتحوا> اشاره دارد به دعای مشرکان پیش از جنگ بدر که آنان با پندار حقانیت خویش از خداوند خواستند تا حامیان دین حق را در این نبرد پیروز گرداند.

دلایل پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۶

۶- ناپایداری و شکست پذیری جریان باطل ، دلیل و نشان پیروزی قطعی جریان حق . به هنگام ظهور و بروزش در صحنه پیکار

جاء الحقّ و زهق البطل إن البطل كان زهوقاً

از اینکه خداوند ناپایداری و شکست پذیری را ذاتی باطل معرفی کرد (إن الباطل كان زهوقاً) استفاده می شود که خود همین ناپایداری، دلیل پیروزی حق است.

ذکر پیروزی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ توجه و باور به پیروزی اهل تقوا ، زمینه ساز پیشه ساختن صبر و مقاومت در برابر مشکلات راه تقوا و ایمان

فاصبر إن العقبه للمتقين

زمینه پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۳ - ۳

۳ یاد خدا ، زمینه ساز پیروزی بر دشمنان

اعدد للكفرین عذاباً مهیناً .. فاذكروا الله قیماً و قعوداً و علی جنوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۶

پیروزی در سایه صبر و مقاومت، سنت تغییرناپذیر خداوند است.

فصبروا علی ما کذبوا و أذوا حتی أتهم نصرنا و لا مبدل لکلمت اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۴

۴ صبر در راه ایمان ، مقدمه پیروزی و مایه فرارسیدن فرج از جانب خداوند

فاصبروا حتی یحکم اللّٰه بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۵

۵ وحدت و الفت قلبی میان افراد جامعه ، زمینه ساز پیروزی آنان در مبارزه با دشمنان خویش

هو الذی أیدک بنصره و بالمؤمنین . و ألف بین قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۴

۴ جنگاوران مؤمن ، در عرصه نبرد ، مجاری تحقق اراده خدا (پیروزی قوای اسلام و مرگ و ذلت دشمنان) هستند .

یعدبهم اللّٰه بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم

خداوند پس از فرمان جنگ با دشمنان، نابودی و شکست آنان و پیروزی مؤمنان را به خود نسبت داد با آنکه همه آنها نتیجه

همان جنگ بود از این مطلب استفاده می شود که اراده خدا در مورد انسانها، از راه افعال خود آنان تحقق می پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۹

۹- هجرت از جوامع ستم پیشه ، از راه های گریز از ستم و زمینه ساز پیروزی

و الذین هاجروا فی اللّٰه من بعد ما ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ -

۸- ایمان و عمل صالح ، رمز پیروزی فراگیر و عامل جلب امداد های الهی برای بشر در طول تاریخ

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض کما استخلف الذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۸

۸- صبر و شکیبایی در برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان ، زمینه ساز پیروزی و جلب نصرت الهی

فاصبر إن وعد الله حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۶

۱۶ - آرامش و اطمینان روحی ملت ها زمینه ساز دستیابی آنان به پیروزی

فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحة قریبا

تقدم <أنزل السکینه> بر <أثبهم..> اشاره به تقدم معنوی و ملازمه بین آن دو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۲

۲- فتح سنگر های دشمن و پیروزی برق آسا بر آنان ، نیازمند نصرت و امداد های الهی در نگاه مجاهدان راه خدا

و أُخرى تحبونها نصر من الله و فتح قریب

ذکر عبارت <نصر من الله> پیش از <فتح قریب>، می تواند برای بیان مطلب بالا باشد.

زمینه پیروزی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ - پیمان وفاداری با رهبری الهی ، در پی دارنده آسایش روحی و پیروزی عملی برای امت *

یایعونک .. فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحًا قریبًا

می توان از مورد آیه، الغای خصوصیت کرده و به موارد مشابه سرایت داد.

زمینه پیروزی در جنگ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۷، ۱۳

۱۳ رهنمودها و دستورات الهی در زمینه مسائل جنگ، حکیمانه و به کارگیری آنها زمینه ساز پیروزی است.

ما کان لنبی... و الله عزیز حکیم

۱۷ سرکوبی دشمنان دین و پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از استقرار حکومت حق، زمینه ساز پیروزی دین و امری حکیمانه است.

و الله عزیز حکیم

زمینه پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۷

۷ - صلح حدیبیه و فتح خیبر، در پی وفاداری مؤمنان، نمودی از عزت و حکمت خداوند

و أثبهم فتحًا قریبًا. و مغانم کثیره... و کان الله عزیزًا حکیمًا

از ارتباط <کان الله...> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه پیروزی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۷

۱۷ سرکوبی دشمنان دین و پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از استقرار حکومت حق، زمینه ساز پیروزی دین و امری حکیمانه است.

و الله عزیز حکیم

زمینه پیروزی دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ایمان توأم با اعمال صالح ، رمز پیروزی فراگیر دین داران و موجب جلب کمک ها و امداد های الهی

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض و لیمکنن لهم

زمینه پیروزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۳

۳- نقش مهم صلح حدیبیه ، در پیروزی های شگرف بعدی پیامبر (ص) و مسلمانان *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

با توجه به این که صلح حدیبیه در ظاهر فتح به شمار نمی آمده، ممکن است اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت باشد که این صلح، سرآغاز فتح مکه و یا دیگر پیروزی های مهم پس از آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۹

۹ - صلح با مشرکان ، در شرایط سخت و دشوار مکه ، نعمتی بزرگ و راه گشای حرکت های سرنوشت ساز بعدی پیامبر (ص) *

فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا .. وَ يَتَمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

با توجه به این که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیماً).

زمینه پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۳

۳- نقش مهم صلح حدیبیه ، در پیروزی های شگرف بعدی پیامبر (ص) و مسلمانان *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

با توجه به این که صلح حدیبیه در ظاهر فتح به شمار نمی آمده، ممکن است اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت باشد که این صلح، سرآغاز فتح مکه و یا دیگر پیروزی های مهم پس از آن

بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - صلح حدیبیه ، پیش درآمد پیروزی ها و غنایمی گسترده برای امت اسلامی

وعدکم الله .. فعجل لکم هذه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد؛ یعنی، خداوند غنایم زیادی را برای مؤمنان در نظر گرفته؛ اما قبل از آن صلح حدیبیه را پیش درآمد آن غنایم قرار داده است.

زمینه پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۳

۳ پایداری اهل ایمان در صحنه های پیکار همراه با یاد مداوم خدا ، زمینه ساز پیروزی آنان بر دشمنان دین

فأثبتوا و اذكروا الله كثيرا لعلکم تفلحون

<لعلکم> علاوه بر اینکه متعلق بر <اذکروا الله> است، می تواند متعلق به <فأثبتوا> نیز باشد. در این صورت مراد از <فلاح>، پیروزی در جنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۱

۲۱ - عبادت خالصانه خدای یکتا ، زمینه ساز حاکمیت ، پیروزی و امنیت مؤمنان

وعد الله الذین ءامنوا .. یعبدوننی لایشركون بی شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۶

۶- وعده خداوند به پیروزی و ثبات قدم مؤمنان ، در صورت اقدام به جهاد و حمایت از دین

يأتيها الذين ءامنوا إن تنصروا الله .. و يثبت أقدامكم

سنت پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۱،۳

پیروزی جبهه مؤمنان راستین و مقاوم و شکست دشمنان آنان ، سنت همیشگی خداوند

سَنَّهُ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِ

سنت در این آیه، نظر به آیه قبل دارد که درباره پیروزمندی مؤمنان بر کافران است.

۳ - سنت الهی در پیروز ساختن جبهه ایمان بر سپاه کفر ، دارای نمود های عینی در گذشته تاریخ

سَنَّهُ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِ

شرایط پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۲ - ۶

۶ انتظار فتح و پیروزی بدون جهاد و مبارزه ، انتظاری نابجا و به دور از خرد

فان یخرجوا منها فانا دخلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۵،۱۶،۱۷،۱۸،۲۰

۱۵ آگاهی یوشع و کالب از روش برخورد با جباران سرزمین مقدس برای دستیابی به پیروزی

قال رجالان .. ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غلبون

۱۶ پیروزی حتمی بنی اسرائیل بر جباران ، در صورت یورش بر آنان از دروازه سرزمین مقدس

ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غلبون

۱۷ پیروزی حق بر باطل ، در گرو کوشش و تلاش صاحبان حق *

فاذا دخلتموه فانكم غلبون

۱۸ اهل ایمان ، وظیفه دار شناسایی ، طراحی و به کارگیری شیوه های مناسب برای دستیابی به پیروزی بر دشمنان

ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غلبون

۲۰ توکل بر خداوند ، کارساز در پیروزی مؤمنان بر دشمنان خویش

فانکم غلبون و علی الله فتوکلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۵،۶

۵ فتح سرزمین مقدس بدون مبارزه ، انتظار نابجای قوم موسی

(ع)

إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا

۶ آرزوی پیروزی بدون کوشش و تلاش ، نابجا و به دور از خرد

إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۵

۵ پیروزی اهل ایمان در گرو همبستگی آنان بر محور ولایت الهی

فان حزب الله هم الغلبون

به اصحاب و یارانی که همفکر شخصی باشند و از وی پیروی کنند، حزب آن شخص می گویند. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۳

۳ نابودی و ذلت دشمنان دین و چشیدن طعم پیروزی ، در گرو نبرد با آنان است .

قتلوهم يعذبهم الله بأيديكم و يخزهم و ينصركم عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۲

۱۲ صبر و تقوا ، دو شرط اساسی برای پیروزی نهایی بر کافران و نایل شدن به فرجامی نیکوست .

فاصبر إن العقبه للمتقين

شرایط پیروزی بر مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۶

۶ اجابت دعا و خواسته های حق طلبان از سوی خدا و تحقق بخشیدن پیروزی آنان بر مستکبران ، مقتضی استقامت و پایداری آنان در میدان مبارزه است .

قال قد أجيب دعوتكما فاستقيما

شرایط پیروزی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ فراگیری معارف و عمل به احکام الهی ، شرط پیروزی قوم موسی بر فاسقان و آزادسازی

فخذها .. يأخذوا بأحسنها سأوريكم دار الفسقين

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <سأوريكم> جواب فعل امر <فخذها بقوه و أمر قولك يأخذوا> باشد؛ یعنی: <این تاخذها و يأخذوا سأوريكم دار الفسقين> قابل ذکر است که مجزوم نشدن <أوريكم>، علی رغم اینکه جواب امر قرار گرفته، به سبب وجود <سين> است.

شرایط پیروزی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۳

۱۳ صبر و مقاومت مستضعفان شرط تحقق امداد های الهی برای پیروزی آنان است .

تمت کلمت ربك .. بما صبروا

شک در پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۹

۹ - رخداد صلح حدیبیه ، پاسخی قاطع به بدگمانی منافقان و مشرکان درباره موفقیت های اسلام *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . لِيُغْفِرَ لَكَ ... وَيُعَذِّبَ الْمُنْفِقِينَ و ... الظَّالِمِينَ بِاللَّ

چنانچه <و يعذب..> عطف بر <ليغفر لك...> باشد؛ آیه شریفه می تواند بیانگر این مطلب باشد که منافقان و مشرکان، به سرنوشت اسلام بدگمان بودند و می پنداشتند که خداوند از مؤمنان حمایت نخواهد کرد؛ ولی صلح پیروزمند حدیبیه، نادرستی پندار آنان را اثبات کرد.

شک در پیروزی رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۷

۷- تردید در پیروزی رومیان پس از شکست آنان ، برخاسته از سطحی نگری و بی توجهی مردمان عصر بعثت به حقایق نهان زندگی دنیا است .

سیغلبون .. يعلمون ظهراً من الحیوه الدنیا

نکته یاد شده بر این اساس است که

<ال> در <الناس> عهد باشد و مراد از آن، مردمی باشند که درباره وعده خداوند به پیروزی رومیان شکست خورده تردید داشتند.

صبر در تأخیر پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مأمور صبر و شکیبایی در مدت مهلت یافتن کافران تکذیب گر و به تأخیر افتادن نصرت و پیروزی مسلمانان بر آنان

و أُملي لهم .. فاصبر لحكم ربك

به گفته مفسران، آیه شریفه اشاره به مسأله مهلت یافتن مشرکان است که در آیه پیش ذکر شده است.

علاقه به پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۱،۵

۱ - مجاهدان راه خدا ، مشتاق امداد های الهی و غلبه سریع بر دشمن

و أُخري تحبونها نصر من الله و فتح قريب

۵ - مسلمانان صدر اسلام ، مشتاق امداد های الهی و غلبه سریع بر دشمن

و أُخري تحبونها نصر من الله و فتح قريب

عوامل پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱،۲،۹

۱ صبر ، ثبات قدم و نصرت الهی ، از عوامل پیروزی بر دشمنان

قالوا ربنا افرغ علينا صبراً .. فهزموهم باذن الله

فاء تفریع در <فهزموهم> بیانگر این است که پیروزی اهل ایمان و هزیمت جالوتیان، نتیجه مطالب گذشته (صبر، ثبات قدم و ...) بوده است.

۲ نقش دعا در پیروزی رزمندگان جبهه حقّ

قالوا ربّنا .. فهزموهم باذن الله

۹ ضرورت ضربه زدن به قلب لشکر و فرماندهی آن ، جهت دستیابی به پیروزی

فَهْزَمُوهُمْ بِأَذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ

بنابراینکه <واو> در <و قتل ... > حالتیه باشد و با الغای خصوصیت از مورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۲

۲ پیروزی ایمان بر کفر ، از وعده های الهی

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتْغَلِبُونَ وَ تَحْشُرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۶

۱۶ پیروی واقعی از انبیا ، عامل پیروزی بر کافران

وَ جَاعِلِ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا

از اینکه، اسناد پیروزی به کسانی داده شده که پیرو باشند، معلوم می شود که علت پیروزی، پیروی از پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۷،۹

۷ انحصار پیروزی آفرینی به خداوند ، برخاسته از عزّت و اقتدار مطلق اوست .

وَ مَا النَّصْرَ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

۹ ضرورت اتکای اهل ایمان ، تنها به خداوند ، برای نیل به پیروزی

فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ... وَ مَا النَّصْرَ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۳،۴

۳ پیروزی مؤمنانِ پیکارگرِ بدر ، تنها به دست خدا بود ، نه پیامبر (ص)

و لقد نصرکم اللّٰه ببدر . . . لیس لک من الامر شیء

اگر <ال> در <الامر> برای جنس باشد، پیروزی در جنگ بدر مصداقی از آن خواهد بود و اگر عهد ذکری باشد، اشاره به پیروزی در آن جنگ است.

۴ شکست و

پیروزی به دست خداست ، نه پیامبر (ص)

لیس لك من الامر شیء

اگر <ال> در <الامر>، عهد ذکری باشد، اشاره به پیروزی مسلمانان در جنگ بدر و شکست کافران در آن جنگ است. و جنگ بدر به عنوان مثال خواهد بود، نه اینکه دارای خصوصیتی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۰ - ۱۶

۱۶ تقوای الهی ، رمز پیروزی بر دشمنان دین است ، نه تقویت بنیه اقتصادی به وسیله ربا *

یا ایها الذین امنوا لا تأکلوا الرِّبوا .. و اتَّقوا الله لعلکم تفلحون

برخی از مفسران به قرینه آیات پیشین که در آن به شکست جنگ احد اشاره شده، بر آن شده اند که مراد از فلاح، پیروزی بر دشمنان است و آیه، رهنمونی است به اینکه مبادا برای تقویت بنیه نظامی، به رباخواری که بی تقوایی است، رو آورید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۹،۱۲

۹ پیروزی بر دشمنان دین ، تنها از جانب خداست ؛ گر چه تمامی عوامل طبیعی آن فراهم باشد .

قال معه ربیون کثیر فما وهنوا .. فاتیهم الله ثواب الدنیا

در آیه شریفه به کلیه عوامل پیروزی و نیز استقامت و پایداری نیروها (فما وهنوا ..) اشاره شده است ؛ ولی در عین حال خداوند پیروزی مجاهدان را عطایی از جانب خویش می شمارد. (فاتیهم الله).

۱۲ معتقدین به خدایی بودن پیروزی ها و جویندگان بخشایش الهی ، از نیکوکاران و محبوبان خدا هستند .

ربنا اغفر لنا .. و ثبت اقدامنا

و انصرنا على القوم الكافرين ... و الله يحب

کلمه <المحسنين> پس از آیات گذشته بیانگر این معناست که دارندگان ویژگیهای شمرده شده، مصداق محسنان هستند و از جمله آن ویژگیها، اعتقاد به ربوبیت خداوند و باور به خدایی بودن پیروزیهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۶

۶ پذیرش ولایت خداوند ، موجب بهره مندی از پشتیبانی وی و زمینه ساز پیروزی بر کافران

بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

تقدیم ذکری ولایت الهی بر یاری او، نشانه تقدّم خارجی آن است؛ یعنی آنگاه خداوند شما را یاری خواهد کرد که تنها ولایت او را پذیرا باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۳،۹

۳ امداد غیبی خداوند ، در شکست کافران شرک پیشه

و هو خیر الناصرین. سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب بما اشركوا

۹ تأثیر وضعیت روحی و حالات قلبی آدمی ، در سرنوشت او (شکست و پیروزی)

و هو خیر الناصرین. سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۸

۱۸ تدبیر تمامی امور جهان و پیروزی در نبردها ، در دست خداوند است .

قل انّ الامر کله لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۱،۴

۱ حتمی بودن پیروزی با نصرت و یاری خداوند

ان ینصرکم اللّٰه فلا غالب لکم

۴ پیروزی و شکست ، تنها منوط به خواست و قدرت خداوند است

ان ينصرکم اللّٰه .. و ان یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۳

۳ جریان حوادث و امور عالم (شکست ها ، سختی ها و دشواری های مردمان) در حیظه اذن الهی

و ما اصابکم .. فباذن اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۲،۷

۲ شمول نعمت و فضل بزرگ الهی بر مؤمنان شرکت کننده در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا ، عامل آسیب ندیدن آنان

فانقلبوا بنعمه من اللّٰه و فضل لم یمسسهم سوء

در برداشت فوق <باء> در <بنعمه>، سببیه و متعلق به <انقلبوا>، گرفته شده است.

۷ پیروزی و شکست به دست خداوند است .

فانقلبوا بنعمه من اللّٰه و فضل لم یمسسهم سوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۴

۱۴ نقش عمده و اساسی نقشه ها و شیوه های مبارزه در شکست و پیروزی

ان کید الشیطان کان ضعیفاً

از اینکه خداوند برای تحریک مؤمنان در رویارویی با کافران ضعف و ناتوانی نقشه های آنان را یادآوری می کند، معلوم می شود شیوه های مبارزه و برنامه های جنگی، نقش بسزایی در پیروزیها دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ نوید خداوند به حمایت از مسلمانان در برابر دشمنان دین با فراهم آوردن پیروزی با امداد های غیبی برای آنان

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ وَأَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۷

۷ رهبری و تشکیلات ، دارای نقشی عمده در دستیابی به پیروزی

و من يتول الله و رسوله و الذين ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۳

۳ تقویت روحیه نیرو های رزمنده دارای تأثیری عمیق در کسب پیروزی

بألف من الملائكة .. و ما جعله الله إلا بشرى و لتطمئن به قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ کثرت نیرو ها تعیین کننده پیروزی نیست .

و لن تغنى عنكم فتكم شيئا و لو كثرت و أن الله مع المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۸

۸ صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران

إن يكن منكم عشرون صبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۴

۴ جنگاوران مؤمن ، در عرصه نبرد ، مجاری تحقق اراده خدا (پیروزی قوای اسلام و مرگ و ذلت دشمنان) هستند .

يعذبهم الله بأيديكم و يخزهم و ينصركم عليهم

خداوند پس از فرمان جنگ با دشمنان، نابودی و شکست آنان و پیروزی مؤمنان را به خود نسبت داد با آنکه همه آنها نتیجه همان جنگ بود از این مطلب استفاده می شود که اراده خدا در مورد انسانها، از راه افعال خود آنان تحقق می پذیرد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۱۸

۱ نصرت و امداد های غیبی الهی ، عامل اصلی پیروزی مسلمانان صدر اسلام در بسیاری از عرصه های کارزار

لقد نصرکم الله فی مواطن کثیره

۸ کثرت نیرو های رزمی ، بدون امداد های الهی ، تضمین کننده پیروزی نیست .

إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۳

۳ آرامش روحی ، از مهمترین عوامل پیروزی در نبرد است .

ثم أنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ آرامش روحی در سختی ها ، نعمتی الهی و رمز موفقیت و پیروزی است .

فقد نصره الله .. فأنزل الله سکینته علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ بشارت در ایجاد روحیه و امید به پیروزی ، نقشی مؤثر دارد .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین .. و بشر المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۲۰

۲۰- عزّت ، غلبه و کمال ، پیامد پیمودن راه خدا و پیروی از آموزه های قرآن است .

کتاب .. إلى صراط العزيز الحميد

اضافه شدن <صراط> به <العزيز الحميد> اشاره به این نکته دارد که سالک این راه، راه عزّت و کمال را می پیماید؛ زیرا حمد و ستایش در برابر کمال است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۵

۵ - دستیابی به پیروزی واقعی و رستگاری اخروی ، در گرو صبر و تحمل مشکلات در راه دین

إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - اطاعت از خدا و رسول او و پذیرش داوری متکی بر احکام الهی ، موجب رستگاری و پیروزی است .

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا .. لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۲ - ۲

۲ - فرمان بری از خدا و رسول او و خدا ترسی و تقوای پیشگی ، از عوامل ظفرمندی و کامیابی است .

وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ يَتَّقَهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۰ - ۱۷

۱۷ - عزت و پیروزی در عرصه جدال و ستیزش اندیشه ها و عقاید ، از آن اندیشه و عقیده ای است که بر عقل ، فطرت و طبع آدمی استوار باشد .

فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ .. وَ مَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ

برداشت یاد شده، با توجه به این حقیقت است که مکر شکست خورده کافران، در مقابل کلام طیب خداوند و صعود و موفقیت آن قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۹

عامل پیروزی در مبارزه علیه دشمن

و یثبت أقدامکم

بیان <یثبت...> پس از <ینصرکم> و اختصاص به ذکر یافتن آن، مطلب بالا را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۷

۱۷ - ثبات و تزلزل روانی ، از عوامل مهم پیروزی و شکست در نبرد

فأتیهم الله .. و قذف فی قلوبهم الرعب

عوامل پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۷

۷- وجود رهبری ، نظام هدایت گری و قوانین بایسته ، راز پیروزی نهایی اسلام بر سایر ادیان

بألهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله

عوامل پیروزی بر دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱۰

۱۰- رشد اقتصادی و ازدیاد جمعیت به منظور برتری و فزونی یافتن بر نیروی انسانی و اقتصادی دشمن ، سیاستی است شایسته

و بایسته

و أمددکم بأمول و بنین و جعلنکم أكثر نفیرًا

جمله <و جعلناکم...> بمنزله نتیجه برای جمله <و امددناکم...> است؛ چرا که <نفیر> در لغت به عده ای از مردان گفته می شود که امکانات لازم برای کوچ کردن و حرکت دسته جمعی را داشته باشند (مفردات راغب)، و مقصود از آن به مناسبت مورد، این است که خداوند با کمک اموال و فرزندان به شما، این توانایی را داد که بر دشمن خود فزونی داشته و

چیره شوید.

عوامل پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۳

۳ تضمین تحقق حق و

محو باطل در پرتو ریشه کن شدن کافران است .

و يقطع دابر الكافرين. ليحق الحق و يبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <ليحق الحق> متعلق به <يقطع ..> در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۳

۳ خداوند ، با کلمات خود حق را بر کرسی نشانده و پایدار می کند .

و يحق الله الحق بكلمته

عوامل پیروزی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۴

۴ خداوند با القای وحشت و دلهره در دل های کفرپیشگان تقویت کننده روحیه جامعه ایمانی در رویارویی با آنان

سنلقى فى قلوب الذين كفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۸

۸ سرنوشت ساز بودن آمادگی رزمی و مانور مسلمین بعد از جنگ احد

الذين استجابوا لله و الرسول من بعد ما اصابهم القرع

سازماندهی سپاه اسلام پس از مصیبت‌های وارد آمده در جنگ احد و دعوت مجدد حتی از مجروحان برای شرکت در جنگ، حکایت از سرنوشت ساز بودن این آمادگی و بسیج نیرو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۹

۹ فرستادن آرامش خاطر به سوی بنی اسرائیل از جانب خداوند ، به منظور استقامت و کاستن دلهره و اضطراب آنان در پیکار با دشمنان

ابعث لنا ملکا نقاتل .. ان یاتیکم التابوت فیہ سکینه

مراد از <سکینه> به مناسبت آیات قبل که درباره جهاد و نبرد با

دشمنان بود، یا خصوص آرامش و رفع نگرانی و دلهره در رویارویی با متجاوزان است و یا مصداق بارز و مورد نظر از آرامش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۶،۲۷

۲۶ توجه و باور به امکان پیروزی جمعیت های کیفی هر چند کم باشند بر نیرو های عظیم کمی ، تسکین بخش رزمندگان کم من فته قلیله غلبت فته کثیره

معتقدان به لقاء الله (الذین یظنون . . .) در مقابل عدّه دیگر چنین گفتند: < کم من ... > تا آنان را برای مقابله با دشمن مهیا سازند و ترس و دلهره آنان را بزدایند.

۲۷ معتقدان به لقای خداوند ، پیروزی در جنگ را از جانب خداوند می دانند .

قال الذین یظنون . . . غلبت فته کثیره باذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱،۲،۴،۹

۱ صبر ، ثبات قدم و نصرت الهی ، از عوامل پیروزی بر دشمنان

قالوا ربنا افرغ علينا صبراً . . . فهزموهم باذن الله

فاء تفریع در <فهزموهم> بیانگر این است که پیروزی اهل ایمان و هزیمت جالوتیان، نتیجه مطالب گذشته (صبر، ثبات قدم و . . .) بوده است.

۲ نقش دعا در پیروزی رزمندگان جبهه حقّ

قالوا ربنا . . . فهزموهم باذن الله

۴ هزیمت و شکست سپاهیان جالوت به اذن الهی ، در برابر نیروی اندک طالوتیان

فهزموهم باذن الله

۹ ضرورت ضربه زدن به قلب لشکر و فرماندهی آن ، جهت دستیابی به پیروزی بر دشمن

فهموهم باذن الله و قتل داود جالوت

بنابراینکه <واو> در <و قتل . . .

< حالتیه باشد و با الغای خصوصیت از مورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۸،۹

۸ نقش تعیین کننده برآورد نیروهای دشمن ، در روحیه رزمندگان و سرنوشت جنگ

یرونهم مثلهم رأی العین

۹ بهره گیری از عملیات فریب نیرویی ، عاملی مؤثر در پیروزی

یرونهم مثلهم رأی العین

برآورد نادرست مشرکان از نیروهای مسلمانان، موجب شکست آنها در جنگ بدر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۸

۸ توجه به ولایت الهی و اعتقاد به یاری حتمی خداوند ، از عوامل تقویت روحیه اهل ایمان در هنگامه های دشوار و نبرد با دشمنان

بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ روحیه رزمندگان دارای تأثیری بسزا در اقدام به جنگ و پیروزی و شکست آنان

إذ یریکهم الله .. إنه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۵

۱۵ پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از سرکوبی کامل دشمن ، امری حکیمانه و موجب پیروزی دشمنان دین است .

ما کان لنبی . . . و اللّٰه عزیز حکیم

توصیف خداوند به عزتمندی و کاردانی پس از تأکید بر حرمت گرفتن اسیر پیش از سرکوبی دشمن، اشاره به این دارد که این حکم، حکمی حکیمانه است و اجرای آن زمینه ساز عزتمندی و پیروزی مسلمانان است.

عوامل پیروزی در جهاد

جلد - نام سوره -

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۳، ۱۴، ۹، ۳، ۱

۱ وعده الهی به نصرت و یاری پیکارگران مؤمن ، در رویارویی و نبرد با دشمنان دین

و لقد صدقکم الله وعده اذ تحسّونهم باذنه

جمله <و لقد صدقکم الله وعده>، حاکی از این است که خداوند از پیش سرکوبی دشمنان و پیروزی مؤمنان را وعده داده بود.

۳ تحقق وعده الهی به نصرت و پیروزی پیکارگران احد ، آنگاه که در آغاز نبرد ، مشرکان را تا آستانه انقراض کشتند .

و لقد صدقکم الله وعده اذ تحسّونهم باذنه

<اذ تحسّونهم> متعلق به <و لقد صدقکم الله> است ؛ یعنی بیان زمان تحقق وعده الهی است. و <تحسّونهم> از ماده <حَسَّ> به معنای کشتن تا حد انقراض و نابودی است.

۹ تحقق وعده الهی به پیروزی جامعه ایمانی در گرو اتحاد صفوف ، پایداری و پیروی آنان از رهبری

و لقد صدقکم الله وعده ... حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

۱۳ استواری در نبرد ، اتحاد و یکدلی رزمجویان و پیروی از دستورات رهبران الهی ، عامل جلب اذن خداوند برای پیروزی بر دشمن

اذ تحسّونهم باذنه حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

کلمه <باذنه> بیانگر این است که پیروزیها در گرو اذن خداوند است و از اینکه مسلمانان در مرحله اول، یعنی قبل از اختلاف و سستی و سرپیچی، مأذون به پیروزی شدند و آنگاه که سستی کردند و اختلاف ورزیدند و سرپیچی نمودند، اذن به پیروزی برداشته شد، معلوم می شود اذن الهی به پیروزی، دایره مدار عملکرد رزمجویان خواهد بود.

۱۴ پیروزی جامعه ایمانی بر دشمنان

خویش ، برخاسته از اراده الهی

من معد ما اریکم ما تحبون

فاعل در <اری> خداوند است ؛ و منظور از <ما> در <ما تحبون>، پیروزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۷۸

۷ توکل پیکارگران جنگ بدر بر خدا ، موجب یاری خدا و پیروزی آنان در آن نبرد *

ان ینصرکم الله فلا غالب لکم . . . و علی الله فلیتوکل المؤمنون

خداوند پس از شروع بیان جنگ احد، اشاره ای نیز به مسائل جنگ بدر داشت (و لقد نصرکم الله ببدر، آیه ۱۲۳) بنابراین جمله <ان ینصرکم الله> می تواند اشاره به علت آن پیروزی باشد.

۸ توکل بر خداوند ، زمینه ساز یاری و نصرت الهی و غلبه بر دشمنان

ان ینصرکم الله . . . و علی الله فلیتوکل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۵،۳۰

۲۵ چه بسا جمعیت اندکی که با پایداری ، به اذن الهی بر انبوه جمعیت ها پیروز شدند .

کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره

۳۰ پیروزی در پیکار ، در گرو استقامت و استواری است ؛ نه انبوهی لشکر

کم من فئه . . . و الله مع الصابرين

جمله <و الله . . .> ، به منزله بیان شرط برای غلبه گروه اندک بر گروه انبوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۳،۴

۳ نیرو های اندک طالوت با امید به نصرت الهی ، به جنگ با جالوتیان رفتند .

و لَمَّا بَرَزُوا الْجَالُوتَ . . . و انصرنا علی

۴ استواری قدم پیکار گران ، از نتایج شکیبایی آنان در پیکار و زمینه ساز نصرت الهی *

قالوا ربنا افرغ .. و انصرنا علی القوم الکافرين

بنابراینکه سه جمله ای که به عنوان دعا ذکر شده است، هر یک مقدمه انجام پذیری جمله بعدی باشد. یعنی صبر، عامل ثبات قدم و ثبات قدم، عامل نصر و پیروزی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۱۷، ۱۵، ۱۲

۱۲ - غلبه مسلمانان در جنگ بدر ، علی رغم توان برتر کافران

قد کان لکم ایه .. یرونهم مثلهم

زیرا در صورتی جنگ بدر، آیه و عبرت است که بر حسب شرایط طبیعی، تحصیل پیروزی برای مسلمانان میسر نباشد و کافران، توان برتری داشته باشند.

۱۵ پیروزی جنگجویان راه خدا ، در جنگ بدر بر کافران ، در پرتو مشیت الهی

قد کان .. و اللّهُ یؤید بنصره من یشاء

۱۷ تصرف در عوامل طبیعی ، از وسائط تحقق امداد الهی

یرونهم مثلهم رأی العین و اللّهُ یؤید بنصره من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۴، ۶

۴ مجاهدان جنگ بدر با نداشتن ساز و برگ کافی در مقابل دشمنان ، توانستند با ایمان و توکل به خدا بر آنان پیروز شوند .

و علی اللّهُ فلیتوکل المؤمنون. و لقد نصرکم اللّهُ ببدر و انتم اذله

جمله <و لقد نصرکم اللّهُ ببدر>، می تواند نمونه ای باشد از حقیقت بیان شده در آیه قبل؛ یعنی عامل نصرت شما در بدر، توکل شما بر خداوند بود.

نظامی و نیروی انسانی ، تنها عامل پیروزی در پیکار با دشمنان نیست .

و اذ غدوت . . . و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

چون نه ساز و برگ نظامی احد (تبویء المؤمنین مقاعد للقتال)، عامل پیروزی شد و نه کمبود نیرو در بدر (انتم اذله)، باعث شکست؛ بلکه آنچه عامل پیروزی است، توکل بر خدا و یاری اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۶

۶ نقش تعیین کننده امداد های غیبی برای پیروزی مؤمنان در پیکار با دشمنان

الن یکفیکم ان یمدکم ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۱

۱ کفایت فرشتگان امداد گر ، برای پیروزی رزمندگان در برابر دشمنان

الن یکفیکم . . . بلی ان تصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ نزول فرشتگان و یاری آنان ، تنها مژده ای است برای مؤمنان پیکارگر و آرامش دهنده دل های آنان ، نه تعیین کننده پیروزیها

و ما جعله الله الا بشری لکم و لتطمئن قلوبکم به

ضمیر در <ما جعله الله>، به امداد، که از <یمددکم> استفاده می شود، برمی گردد.

۲ نیاز پیکارگران به بشارت و تقویت روحیه و آرامش دل ، برای پیروزی بر دشمنان

و ما جعله الله الا بشری لکم و لتطمئن قلوبکم به

۴ فتح و پیروزی بر دشمنان ، تنها از جانب خدای < عزیز و حکیم >

و ما النَّصْرَ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

۵ پیروزی جبهه مؤمنان ، پرتویی از

عزت و حکمت خداوند

و ما النَّصْرَ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

۶ خداوند، تعیین کننده اصلی و نهایی پیروزی مؤمنان است؛ نه فرشتگان و یا توانایی های شخصی رزمندگان

و ما جعله اللَّهُ إِلَّا بَشْرِي لَكُمْ... و ما النَّصْرَ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

بیان انحصار پیروزی آفرینی به خدا و نقش امداد ملائکه تنها به عنوان بشارت و اطمینان قلب، در حقیقت نفی هر گونه عاملی (توانایی نیروها از نظر عِدّه و عُدّه، امداد ملائکه و...)، غیر از خواست الهی در پیروزیهاست.

عوامل پیروزی در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ امداد های ویژه الهی، منشأ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر *

و أیدکم بنصره

عوامل پیروزی غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ ریزش باران در آستانه جنگ بدر، از عوامل مؤثر در پیروزی مسلمانان در آن جنگ

و ينزل علیکم... و یثبت به الأقدام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۲

۲ حرکت های پیروزی آفرین پیامبر (ص) در جنگ بدر در حقیقت فعل الهی بود.

فلم تقتلوهم و لكن الله قتلهم و ما رمیت

<رمی> به معنای پرتاب کردن است و در اینجا می تواند کنایه از تمامی حرکت‌هایی باشد که پیامبر(ص) در جنگ بدر انجام داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۶

۶ توکل

مسلمانان به خداوند در جنگ بدر عامل پیروزی آنان

إذ يقول المنفقون ... و من يتوكل على الله فإن الله عزيز حكيم

عوامل پیروزی غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۸

۸ امداد های الهی ، عامل اصلی پیروزی مسلمانان در جنگ حنین

ثم وليتم مدبرين. ثم أنزل الله سكينته ... و أنزل جنوداً لم تروها و عذب الذين كف

عوامل پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۵

۵ خداوند تحقق دهنده جنگ بدر و پیروزکننده مسلمانان در آن نبرد

ليقضى الله أمرا كان مفعولا

عوامل پیروزی مسلمانان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۸

۸ - قدرت مطلق خداوند ، عامل شکست یهود بنی قریظه و پیروزی مسلمانان مدینه بود .

أنزل الذين ظهروهم ... فريقاً تقتلون ... وكان الله على كل شيء قديراً

عوامل پیروزی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۶

۶- آیات الهی (معجزات) توشه راه و حربه پیروزی موسی و هارون (ع)

قال کلاً فاذهبنا بایتنا

عوامل پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لكن الله قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم... > متفرع بر آیاتی است که امدادهای الهی را در جنگ

بدر برمی شمرد؛ یعنی توجه به قضایای جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

عوامل پیروزی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۶

۶- آیات الهی (معجزات) توشه راه و حربه پیروزی موسی و هارون (ع)

قال کلاً فاذهبنا بایتنا

گواهان پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۲

۱۲- خداوند، والاترین گواه بر حقانیت رسالت پیامبر (ص) و غلبه اسلام بر سایر ادیان

هو الذی أرسل رسوله... لیظهره علی الدین کله و کفی باللّه شهیداً

تعبیر <کفی باللّه شهیداً> محتوای این آیه را تأکید کرده است.

معجزه پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - تحقق نوید الهی به فتح خیبر، معجزه ای هدایتگر برای مؤمنان

فعجل لکم هذه... و لتکون ایه للمؤمنین

منافقان مدینه و وعده پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - منافقان و بیمار دلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ يقول المنفقون و الذين فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله إلا غرورًا

منافقان و پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۸

۸ پیروزی و موفقیت

اسلام و مسلمانان ، ناخوشایند و غیر قابل تحمل برای منافقان

حتى جاء الحق و ظهر أمر الله و هم كرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۷

۷ داوری غلط منافقان در مورد شکست و پیروزی مسلمانان

و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و يتولوا و هم فرحون

منشأ پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۶

۶ حاکمیت اذن خداوند بر پیروزی ها و شکستها

فهم موهم باذن الله

کلمه <باذن الله> متعلق به <هزم موهم>، قید هر دو معنایی است که در آن نهفته است یعنی شکست جالوتیان و پیروزی طالوتیان. پس هم شکست و هم پیروزی به اذن خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۲۱

۲۱ اعطای حاکمیت و پیروزی به انسان ها از جانب خداوند ، از قدرت مطلق او نمی کاهد .

مالک الملک .. انک علی کل شیء قدیر

از اینکه قبل از یادآوری عزت‌ها و قدرتهای خدادادی، مالکیت خدا ذکر شده و پس از آن، بر قدرت مطلق خداوند تأکید شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۵

۵ خداوند ، منشأ پیروزی مجاهدان ، و مقام او پیراسته از تحمیل شکست بر ایشان

فان اصابتکم مصیبه .. و لئن اصابتکم فضل من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۶

۶ پیروزی مؤمنان

در جنگ ، موهبت خداوند و از جانب اوست .

فإن كان لكم فتح من الله

قید <من الله> ظاهراً قید توضیحی است. یعنی هرگاه مسلمانان پیروز شوند، این پیروزی از ناحیه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۴،۶

۴ خداوند سرچشمه همه پیروزی ها و امداد ها نه فرشتگان و دیگر عوامل و اسباب

و ما جعله الله إلا بشرى .. و ما النصر إلا من عند الله

۶ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، گسیل هزاران فرشته برای امداد مجاهدان در آن جنگ ، بشارت دهی و اطمینان بخشی به واسطه آنان ، پرتوی از عزتمندی و کاردانی خداوند

و ما النصر إلا من عند الله إن الله عزیز حکیم

جمله <إن الله عزیز حکیم> تعلیلی است برای تمامی مسائلی که در این آیه و آیه قبل مطرح شده بود. یعنی سرچشمه آنچه بیان شد، عزت و حکمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۲

۲ ضرورت توجه اهل ایمان به فرجام شوم کافران ستیزه گر و نقش اصلی خدا در پیروزی های مؤمنان

ذلكم

حرف <کم> در <ذلكم> خطاب به اهل ایمان است. یعنی ای اهل ایمان سرنوشت مشرکان ستیزه جو همان است که بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ پیروزی بر دشمنان ، وابسته به اراده و اذن خداوند است .

فإن يكن... ياذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩

۳ پیروزی و یا شکست سپاه اسلام ، منوط به مشیت خدا و تنها بر اساس تقدیر اوست .

قل لن يصيبنا إلا ما كتب الله لنا

۱۰ ایمان و اعتقاد به اینکه خوشی ها و ناخوشی ها ، و شکست ها و پیروزی ها بر اساس تقدیر خداست ، مقتضی توکل بر او و روی بر تافتن از دیگران

قل لن يصيبنا إلا ما كتب الله لنا .. و على الله فليتوكل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - منشأ پیروزی مؤمنان ، خداوند است .

و لئن جاء نصر من ربك ليقولن إنا كنا معكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۵

۵ - لزوم توجه مؤمنان به حاکمیت اراده پیروزمند الهی ، در هر فتح و گشایش

إنا فتحنا .. ليغفر لك الله ... و ينصرك الله

خداوند با نسبت دادن مکرر پیشامدهای مثبت <صلح حدیبیه> و یا <فتح مکه> به خود، در حقیقت به مؤمنان تذکر می دهد که در اوج این پیروزی ها، از نقش اراده الهی غافل نباشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۳

۳ - با رسیدن نصرت الهی و امداد های غیبی ، پیروزی بر دشمن قطعی است .

نصر من الله و فتح قريب

منشأ پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۶

۶- تعلق اراده الهی ، بر غلبه و پیروزی دین اسلام بر

هو الذی أرسل .. لیظهره علی الدین کلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۱۰

۱۰ - تعلق اراده الهی بر غلبه دادن دین اسلام بر دیگر ادیان ، به رغم ناخرسندی مشرکان

أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه و لو کره المشرکون

ضمیر <یظهره> می تواند به رسول و یا <دین> برگردد. در هر دو صورت، معنا یکی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ - مجاهدت مستمر مؤمنان با مال و جان خویش ، مجرای تحقق اراده خداوند بر پیروزی جهانی اسلام

و الله متمّ نوره .. و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه ... و تجهدون فی سبیل ا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، پس از بیان اراده خویش مبنی بر غلبه اسلام بر سایر ادیان، مؤمنان را به جهاد با مال و جان خویش تشویق فرموده است.

منشأ پیروزی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۳

۳- تحولات تاریخ (شکست و پیروزی امت ها) تحت اراده الهی است .

بعثنا علیکم عباداً .. ثمّ رددنا لکم الکثره

منشأ پیروزی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - خداوند ، پیامبران خود را با تضمین پیروزی آنان و شکست جبهه دشمن فرستاد .

كتب الله لأغلبن أنا ورسلي

۶ - نیرومندی و شکست ناپذیری خداوند ، تضمین کننده پیروزی

كتب الله لأغلبن أنا ورسلي إن الله قوي عزيز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۰

۱۰ - پیروزی رسولان الهی بر کافران ، به اراده و مشیت خداوند است .

و لكن الله يسلط رسله على من يشاء

منشأ پیروزی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۹ - ۵

۵- مالکیت مطلقه الهی بر جهان هستی ، پشتوانه و تضمین کننده تحقق پیروزی حق بر باطل است .

بل نقذف بالحق... و له من فی السموت والأرض

جمله <و له من فی السماوات..> عطف بر جمله <لو أردنا... بل نقذف بالحق...> است و تبیین و تفسیر کننده حق بودن آفرینش جهان و نیز پیروزی حق بر باطل می باشد؛ زیرا وقتی جهان در ملک خدا بود، پیروز کردن حق بر باطل، امری ممکن و آسان بر او خواهد بود.

منشأ پیروزی بر مکذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۶

۱۶- دلیل و حجت نیرومند و توان پیروزمند در صحنه رویارویی با منکران حق و حقیقت ، در گرو امداد الهی است .

و اجعل لی من لدنک سلطناً نصیراً

منشأ پیروزی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۲

۲- پیروزی بنی اسرائیل بر دشمنان جنگجوی خویش با اراده خداوند پس از نخستین شکست

ثمّ ردّنا لكم الكزّه عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ -

۲ - غلبه و پیروزی موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان بر فرعونیان، نتیجه نصرت الهی بود.

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

منشأ پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۹ - ۵

۵- مالکیت مطلقه الهی بر جهان هستی، پشتوانه و تضمین کننده تحقق پیروزی حق بر باطل است.

بل نقذف بالحقّ .. و له من فی السموت والأرض

جمله <و له من فی السماوات..> عطف بر جمله <لو أردنا... بل نقذف بالحقّ...> است و تبیین و تفسیر کننده حق بودن آفرینش جهان و نیز پیروزی حق بر باطل می باشد؛ زیرا وقتی جهان در ملک خدا بود، پیروز کردن حق بر باطل، امری ممکن و آسان بر او خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۴

۴ - در صورت یاری خداوند، پیروزی سپاه دین و جریان حق بر کفر و باطل، قطعی است.

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۷

۱۷ - علم و آگاهی گسترده خداوند، پشتوانه پیروزی دین حق و شکست جبهه کفر و باطل

و یمح الله البطل .. إنه علیم بذات الصدور

جمله <إنه علیم بذات الصدور> می تواند علت برای جمله <و یمح الله البطل> باشد.

منشأ پیروزی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۷

۱۷ - علم و آگاهی گسترده خداوند ، پشتوانه پیروزی دین حق

و شکست جبهه کفر و باطل

و یمح الله البطل .. . إنه علیم بذات الصدور

جمله <إنه علیم بذات الصدور> می تواند علت برای جمله <و یمح الله الباطل > باشد.

منشأ پیروزی رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۲

۲ - شکست و پیروزی روم ، براساس مشیت خداوند بود .

غلبت الروم .. لله الأمر من قبل و من بعد

مضافاً الیه محذوف <قبل> و <بعد> ، <شکست و پیروزی رومیان > است. بنابراین، مراد از <لله الأمر من قبل و... > نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵ - ۱

۱ - پیروزی رومیان بر ایرانیان ، به امداد و نصرت الهی بود .

و هم من بعد غلبهم سیغلبون .. بنصر الله

بنابراین که <بنصر الله > متعلق به <سیغلبون > باشد، نکته یاد شده را بیان می کند.

منشأ پیروزی غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۱، ۱۳

۱۱ - تسلط و غلبه پیامبر (ص) بر یهود بنی نضیر ، معلول اراده و عنایت خداوند بود ؛ نه صرفاً تلاش مسلمانان .

فما أوجفتم علیه .. و لكن الله یسلط رسله علی من یشاء

۱۳ - فتح دژهای مستحکم و استوار یهود بنی نضیر بدون جنگ و درگیری ، نمودی عینی از قدرت نامحدود الهی است .

هو الذی أخرج الذین کفروا .. و ظنّوا أنّهم مانعتهم حصونهم ... و اللّٰه علی کلّ ش

منشأ پیروزی غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (ص)

إذ يباعدونك تحت الشجرة .. فأنزل السكينة عليهم و أثبهم فتحاً قريباً

عبارت <فتحاً قريباً> ممکن است اشاره به <فتحاً مبیناً> (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد؛ چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

منشأ پیروزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۳

۳ - فتح مکه ، پیروزی بزرگ و بدون شکست پیامبر (ص) در پرتو امداد های الهی *

و ينصرک الله نصرًا عزیزاً

آرمان فتح مکه و مقهور ساختن مشرکان لجوج آن، از بالاترین آرزوها و اهداف مسلمانان به شمار می رفت. با توجه به این نکته احتمال می رود که نوید الهی به نصرت بدون شکست، نوید به تحقق همین آرمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۱

۱۱ - تسلط و غلبه پیامبر (ص) بر یهود بنی نضیر ، معلول اراده و عنایت خداوند بود ؛ نه صرفاً تلاش مسلمانان .

فما أوجفتم عليه .. و لكن الله يسلم رسله على من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۱

۱۱ - تعلق اراده الهی ، بر عزت و پیروزی پیامبر (ص) و مؤمنان

و لله العزّه و لرسوله و

منشأ پیروزی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۱

۱ نصرت و امداد های غیبی الهی ، عامل اصلی پیروزی مسلمانان صدر اسلام در بسیاری از عرصه های کارزار

لقد نصرکم الله فی موطن کثیره

منشأ پیروزی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۳

۳ - تعلق اراده الهی بر تسلط بخشیدن به موسی و هارون (ع) ، در عرصه های مبارزه و ناکام گردانیدن فرعون و دارودسته وی

و نجعل لکما سلطناً فلا یصلون إلیکما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۲

۲ - غلبه و پیروزی موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان بر فرعونیان ، نتیجه نصرت الهی بود .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

منشأ پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۷

۷- همراهی امداد های الهی با مؤمنان مجاهد ، مایه پیروزی و برتری آنان

و أنتم الأعلون و الله معكم

تذکر به همراهی خداوند با مؤمنان، در پی تشویق آنان به ادامه جنگ و یادآوری برتری و پیروزی آنان، مطلب بالا را می‌رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۱۵

۱۵ - فتح و پیروزی مؤمنان در پرتو امداد الهی، جلوه‌ای از حاکمیت خدا بر عوامل و امکانات جهان هستی

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا .. و لله جنود السموت و الأرض

<الله جنود..> ممکن است

در مقام تعلیل برای <إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ...> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۵۸

۵ - ورود مسلمانان به سرزمین مکه و آسیب ندیدن از ناحیه دشمن ، ظفری الهی برای ایشان

و هو الذی کفّ .. من بعد أن أظفرکم علیهم

۸ - لزوم توجه مؤمنان به الهی بودن تمامی پیروزی ها و پیشرفت های آنان

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم

خداوند در این آیه و آیات پیشین پیروزی ها و موفقیت های مؤمنان را به خود نسبت داده است. بنابراین مؤمنان باید پیروزی ها را از خدا بدانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۱

۱۱ - تعلق اراده الهی ، بر عزت و پیروزی پیامبر (ص) و مؤمنان

و لله العزّه و لرسوله و للمؤمنین

منشأ پیروزی مؤمنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - غلبه یافتن پیروان حضرت عیسی (ع) بر کافران بنی اسرائیل ، در نتیجه تأییدات و امداد های الهی

فأیدنا الذین ءامنوا .. فأصبحوا ظهیرین

منشأ پیروزی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۳

۳ - تعلق اراده الهی بر تسلط بخشیدن به موسی و هارون (ع) ، در عرصه های مبارزه و ناکام گردانیدن فرعون و دارودسته وی

و نجعل لکما سلطناً فلا یصلون إلیکما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۲

۲ - غلبه

و پیروزی موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان بر فرعونیان ، نتیجه نصرت الهی بود .

و نصرنهم فكانوا هم الغلبین

موارد پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۸

۸- هلاکت و نابودی جوامع ستمگر گذشته ، نمونه ای از پیروزی حق بر باطل

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه. .. بل نقذف بالحق علی البطل فیدمغه فإذا هو زاهق

موانع پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۴

۳۴ دشمنی و کینه توزی در جامعه ، مانع پیروزی و موفقیت

القینا بینهم العدو و البغضاء إلى یوم القیمه کلما اوقدوا ناراً للحرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۵

۵ کافران با پیمان شکنی و خیانت های خود ، قادر به کسب پیروزی پایدار نخواهند بود .

و إما تخافن من قوم خیانه . . . و لایحسبن الذین

موانع پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ منافقان ، مانع پیروزی مؤمنان

قالوا ألم نستحوذ عليكم و نمنعكم من المؤمنين

<نمنعكم من المؤمنين>، یعنی جان و مال شما را از دست مؤمنین حفظ کردیم و نگذاشتیم مؤمنین بر شما پیروز شوند.

موجبات پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۲

۱۲ صبر و مقاومت بنی اسرائیل زمان موسی در برابر ستمگری های فرعون ، موجب تحقق وعده الهی بر پیروزی آنان و نابودی دشمنانشان

و

تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا

حرف <باء> در <بما صبروا> سببیه است و <ما>، مصدریه. یعنی: <تمت ... بسبب صبرهم>.

مؤمنان و پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۱

۱ مؤمنان راستین، پیروزی با شهادت را که در جنگ نصیبشان شود خیر و نیک می شمارند.

قل هل تربصون بنا إلا إحدى الحسنيين

مؤمنان و پیروزی رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۶

۶ - پیروزی رومیان بر ایرانیان، عامل سرور و شادمانی مؤمنان عصر بعثت شد.

و یومئذ یفرح المؤمنون

نشانه های پیروزی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ پیروزی نوح (ع) و یارانش بر مخالفان، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقوایندگان مقاوم و صبور، بر کفرپیشگان است.

تلك من أنباء الغیب .. فاصبر إن العقبه للمتقین

نگرانی از پیروزی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۵ - ۵

۵- بیم فرعون از ناگزیر شدن قبطیان به ترک سرزمین خویش با پیروزی موسی (ع)

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

وعدہ به پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۵،۲۲

۱۵ تردید برخی از مسلمانان نبرد احد در حقیقت اسلام و وعده رسول خدا (ص) به پیروزی مسلمانان بر دشمنانشان

و طائفه ... یقولون هل

لنا من الامر من شيء

برخی از مسلمانان گمان می کردند چون به اسلام گرویده اند و اسلام دین حق و الهی است، باید همه امور بر طبق خواسته آنان پیش رود؛ ولی آنگاه که شکست خوردند، به تردید افتادند و گفتند گویا اختیار امور به دست ما نیست و در نتیجه اسلام دین حق نیست و وعده های رسول خدا (ص) بی مورد است.

۲۲ انکار حقایق رسول خدا (ص) و نادرست پنداشتن وعده های الهی به پیروزی، چیزی است که خودگزینان شرکت کننده در نبرد احد از رسول خدا پنهان می داشتند.

و طائفه .. یخفون فی انفسهم ما لایبدون لک

وعده پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۹

۹ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر مشکلات رسالت و دادن وعده پیروزی به آن حضرت

و اصبر حتی یحکم الله و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۲

۲ - وعده خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فاصبر إن وعد الله حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۴،۶

۴ - امداد های الهی و پیروزی بر دشمن، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

یغفر لکم .. و آخری تحبونها نصر من الله و فتح قریب

۶ - خداوند، مجاهدان صدراسلام را به امداد های

غیبی خود و غلبه سریع بر دشمن وعده داده است .

و أُخْرَى تَحْبُونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحَ قَرِيبٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۲،۳

۲- عذاب و هلاکت ستم پیشگان و پیروزی رسولان ، وعده خداوند به آنان

و أَنْذَرَ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا .. وَ قَدْ مَكْرُوا مَكْرَهُمْ ... فَلَاتَحِ

برداشت فوق از ارتباط این آیه با آیات قبل، که درباره عذاب ستمگران بود، استفاده می شود. گفتنی است <فاء> تفریع در <فلاتحسبن> مؤید این ارتباط است.

۳- وعده های خداوند به پیامبران مبنی بر پیروز گرداندن آنان بر دشمنان ، تخلف ناپذیر است .

الذین ظلموا .. و قد مکروا مکرمهم ... فلاتحسبن الله مخلف وعده رسله

وعده پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم يروا أننا نأتى الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم يروا ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

وعده پیروزی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱

۱- نجات پیامبران و مؤمنان از دست دشمنان و پیروزی بر آنان ، وعده خداوند به ایشان است .

و ما أرسلنا قبلك رجلاً .. ثم صدقهم الوعد فأنجينهم و من نشاء

وعده پیروزی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱۰

۱۰- پیروزی بر مشرکان ، وعده خداوند به پیامبراسلام (ص)

ثم صدقنهم الوعد

آیه شریفه در مقام دلداری به پیامبراسلام است و خداوند با بیان جریان عمومی (وعده پیروزی همه پیامبران)، در واقع به آن حضرت نیز وعده پیروزی می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به امداد خویش مطمئن ساخت و به آن حضرت وعده پیروزی بر دشمنان داد .

إذا جاء نصر الله و الفتح

<نصر> به معنای پیروز ساختن و <فَتْح> به معنای گشودن است. (برگرفته از <مقایس اللغه>) حرف <إذا> دلالت بر وقوع حتمی شرط در آینده دارد.

وعده پیروزی به مسلمانان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۴،۵

۴ - خداوند و پیامبرش ، به مسلمانان وعده داده بودند که در صورت مواجهه آنان با دشمنان شان ، پیروز خواهند شد .

ما وعدنا الله و رسوله إلا غرورًا

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ يقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله إلا غرورًا

وعده پیروزی به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۶

۱۶ - وعده خداوند به موسی (ع) در مورد برتری و غلبه او در میدان مبارزه با ساحران ،

به بهترین شکل تحقق یافت .

إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى .. فَأُلْقِ السَّحْرَ سَجْدًا قَالُوا ءَامَنَّا

وعدۀ پیروزی توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر اکرم (ص) را در قبال سخنان ناروای مشرکان دلداری داده و با وعدۀ غلبه قطعی توحید بر شرک ، آن حضرت را از ناکامی و نافرجامی توطئه های آنان ، مطمئن ساخت

و لا يحزنك قولهم إن العزة لله جميعاً

وعدۀ پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعدۀ الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها ذرونا تتبعكم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

وعدۀ پیروزی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۴

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعدۀ اکید خداوند

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت ليستخلفنهم فى الأرض

وعدہ پیروزی مجاہدان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷

۲ - پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است .

وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ

وَعَدَهُمُ الْغَالِبُونَ مُحَمَّدٌ (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

فَتَوَلَّوْا عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

توصیه خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر اسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

و تَوَلَّوْا عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

وَعَدَهُمُ الْغَالِبُونَ مُسْلِمَانًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

فَتَوَلَّوْا عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

توصیه خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر اسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

و تولّ عنهم حتّی حین

وعده پیروزی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۲

۲ - موسی (ع) ، برخوردار از

اعتمادی قوی به وعده های خداوند در پیروزی بر مخالفان

قال بل ألقوا

در آیات پیشین، خداوند به موسی(ع) اطمینان داد که بر رخدادهای، اشراف کامل دارد و جای نگرانی نیست (لاتخافا إني معكما أسمع و أرى). واگذار کردن صحنه کارزار به دشمنان و به تماشا نشستن موسی(ع) حاکی از اعتماد کامل او به آن وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۷

۷- شکست نهایی فرعون و غلبه موسی ، هارون (ع) و پیروانشان بر وی ، وعده الهی به موسی در وادی طور

أنتما و من أتبعكما الغلبون

وعده پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوریکم ءایتی . . . و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

وعده پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱

۱- نجات پیامبران و مؤمنان از دست دشمنان و پیروزی بر آنان ، وعده خداوند به ایشان است .

و ما أرسلنا قبلك رجلاً .. ثم صدقناهم الوعد فأنجینهم و من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوریکم ءایتی . . . و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست

کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۴

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده اکید خداوند

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۱

۱ - وعده الهی ، به فروپاشی جماعت مشرکان و ناپایداری آنان در برابر جبهه ایمان

سیهزم الجمع و یولون الدبر

وعده پیروزی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۷

۷ - شکست نهایی فرعون و غلبه موسی ، هارون (ع) و پیروانشان بر وی ، وعده الهی به موسی در وادی طور

أنتما و من أتبعكما الغلبون

وقت پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۲، ۱۳

۱۲ - پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقرب أم بعید ماتوعدون

<إن> در <إن أدری> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

یأس از پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۶

برخی از مؤمنان مأیوس از پیروزی در جنگ بدر و مطمئن به شکستی مرگ آفرین در آن کارزار

یجدلونک .. کأنا یساقون إلی الموت و هم یظرون

پیری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیری

آثار پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۵

۵- پیری و سالمندی ، از موانع زاد و ولد در انسانها

علی أن مسنی الکبر

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) در توضیح اظهار شگفتی خود از بشارت فرزنددار شدنش با جمله حالیه <علی أن مسنی الکبر> پیری را مطرح می کند، می تواند به خاطر نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ - ۴

۴- پیری و سالمندی ، از عوامل یأس انسان از فرزنددار شدن

مسنی الکبر فیم تبشرون .. فلا تکن من القنطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱۵

۱۵- > روی : أن أردل العمر أن یكون عقله عقل ابن سبع سنین ;

روایت شده است که <أردل العمر> آن است که [در اثر پیری] عقل انسان مانند عقل بچه هفت ساله باشد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - آغاز جوانی ، شروع تکامل و رشد قوای جسمی و عقلی ، و آغاز پیری ، اول سستی و سیر نزولی آن قوا است .

و من نعمره ننکسه فی الخلق

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، دوران پیری را از نظر قوای جسمی و عقلی، مانند دوران طفولیت دانسته است.

بنابراین لازمه این سخن، مطلبی است

که در برداشت بالا آمده است.

آثار پیری زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۴،۵

۴- استخوان زکریای پیغمبر در اثر پیری ، سست شده بود .

إِنِّي وَهِنَ الْعِظْمِ مَنِي

۵- موی سر زکریا ، در اثر پیری سپید گشته بود .

واشتعل الرأس شيبًا

آثار پیری والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۳، ۱۰

۱۰- کهولت و به سن پیری رسیدن والدین ، عامل سنگین تر شدن وظایف فرزند نسبت به آنها

إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهِمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُمَّفٌ وَلَا تُنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا

۱۳- پدران و مادران در سن پیری و سالخوردگی ، در معرض بی احترامی از سوی فرزندان هستند .

إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ .. فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُمَّفٌ وَلَا تُنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

خطاب مطلق احسان به والدین، شامل هر والدینی در هر سن و سالی می شود. ذکر <إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ> ممکن است جهت یادآوری نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۲

۲- ضعف و سالخوردگی پدر و مادر ، زمینه ابتلای فرزند به غرور و سرکشی است .

إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ . . . وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ

تذکر خداوند برای رعایت حال پدر و مادر در حال پیری، احتمال دارد به خاطر وجود زمینه لغزش و تکبر فرزندان در این فصل از زندگی پدر و مادر باشد.

امیدواری به فرزندداری در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵

۴- ابراهیم (ع) امیدوار به فرزنددار شدن در کهنسالی ، در پرتو لطف و رحمت الهی

فبم تبشرون .. فلاتکن من القنطین . قال و من یقنط من رحمه ربّه إلا الضالّون

بارداری در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۲ - ۲،۳

۲ ساره با توصیف خود و شویش به پیری ، دارا شدن فرزند را امری بس شگفت تلقی کرد .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخاً إن هذا لشیء عجیب

<یاویلتی> (ایوای بر من) عبارتی است که معمولاً به هنگام تعجب ایراد می شود. همزه در <ءألد...> نیز برای تعجب است و جمله <إن هذا...> نیز تصریح به شگفتی است. این همه حکایت از تعجب بیش از حد همسر ابراهیم دارد.

۳ توانمند شدن سالخوردگان بر فرزنددار شدن ، بیرون از روند عادی و جای بسی شگفتی است .

إن هذا لشیء عجیب

پیری ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۲ - ۱،۲

۱ ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب ، پیر و کهنسال بودند .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخاً

۲ ساره با توصیف خود و شویش به پیری ، دارا شدن فرزند را امری بس شگفت تلقی کرد .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخاً إن هذا لشیء عجیب

<یاویلتی> (ایوای بر من) عبارتی است که معمولاً به هنگام تعجب ایراد می شود. همزه در <ءألد...> نیز برای تعجب است

جمله <إن هذا...> نیز تصریح به شگفتی است. این همه حکایت از تعجب بیش از حد همسر ابراهیم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۴ - ۶

۶ بشارت یافتن ابراهیم (ع) به فرزنددار شدن در سن کهولت، او را به پذیرش شفاعتش درباره قوم لوط (برطرف شدن عذاب از آنان) امیدوار ساخت.

فلما .. جاءته البشری یجدلنا فی قوم لوط

برداشت فوق، مقتضای ترتب <یجادلنا ..> بر <جاءته البشری> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ - ۱

۱- تأکید فرشتگان بر تحقق و عینیت یافتن بشارت پسر دار شدن ابراهیم (ع) در دوران پیری

قالوا بشرنک بالحقّ

مقصود از <بالحق> در آیه فوق یا خبر مطابق با واقع است و یا به معنای این است که بشارت ما حقیقت دار است (مجمع البیان). در هر صورت گویای این نکته است که: آنچه بشارت داده شد، تحقق یافتنی است و به وقوع خواهد پیوست.

پیری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۱۸

۱۸- <عن أبی عبد اللّٰه (ع) : . . . ان أصحاب الکهف کانوا شیوخاً فسّمّاهم اللّٰه عزّوجلّ فتیہ بایمانهم ;

از امام صادق (ع) روایت شده که: اصحاب کهف، سال مند بودند و خدا، آنان را به خاطر ایمان شان، جوان (جوانمرد) نامید.

پیری انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٩- نحل - ١٦ - ٧٠ - ١٣

١٣- > عن أبي جعفر (ع

(: إذا بلغ العبد مائه سنه فذلك أرذل العمر)

از امام باقر(ع) روایت شده است: هر گاه بنده خدا به صد سال می رسد، [عمر او] <أرذل العمر> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲۴

۲۴ - تنها برخی از انسان ها به مرحله پایانی پیری (أرذل العمر) می رسند .

و منکم من یردّ إلى أرذل العمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حسیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنّا خلقناکم من تراب .. لکیلا یعلم من بعد علم شیئا ... ذلك بأنّ الله هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۱۰، ۷، ۴، ۲

۲ - مراحل مختلف حیات انسان ، از کودکی تا پیری ، به دست خداوند است .

الله الذی خلقکم من ضعف ثمّ جعل من بعد ضعف قوّه ثمّ جعل من بعد قوّه ضعفاً و شیهه

۴ - سیر مراحل زندگی آدمی ، از کودکی تا پیری ، تخلف ناپذیر و غیر قابل تغییر است .

خلقکم من ضعف ثمّ جعل من بعد ضعف قوّه ثمّ جعل من بعد قوّه ضعفاً و شیهه

۷ - از ضعف به کمال جسمانی رسیدن انسان ها و سپس فوت و

ناتوان شدن آنان ، از آیه های خداوند است .

اللّٰه الذی خلقکم من ضعف .. و شیه

۱۰ - دوران پیری انسان ها ، دوران ناتوانی و ضعفی ادامه دار است .

ثمّ جعل من بعد قوّه ضعفاً و شیه

<شیه> به معنای پیری است و آورده شدن آن پس از <ضعفاً> به عنوان عطف بیان، با این که <ضعفاً> مقصود را می رساند، به خاطر یادآوری این نکته است که در این دوران، ضعف، قابل جبران نیست و تا مرگ ادامه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۸

۸ - پایان اوج مرحله جوانی (بلوغ اشد) نقطه آغاز منحنی نزول و سرانجام مرحله پیری ، نقطه پایان این منحنی در زندگی انسان است .

ثمّ لتبلغوا أشدّکم ثمّ لتکونوا شیوخاً .. لتبلغوا أجلاً مسمّی

پیری زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۱

۱- زکریا به هنگام پیری مفرط و سستی استخوان ها و سفیدی مو های سرش از خداوند خواهان فرزند شد .

قال ربّ إنّی وهن العظم منّی واشتعل الرأس شیئاً

<عظم> به معنای استخوان است. <وهن العظم منّی> یعنی، استخوان هایم سست شد کلمه <شیئاً> تمییز و به معنای سفیدی مو است و <اشتعل>، یعنی آتش گرفتن (لسان العرب). بنابراین جمله <اشتعل> از مادّه <شعل> سفیدی دم و پیشانی اسب) مشتق باشد؛ در این صورت جمله <اشتعل...>، یعنی <موی سر سپید شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۱۸

(ع) در روزگار پیری و فرتوتی وی و نازایی همسر، برای او نویدی شگفت آور بود.

أنتی یكون لی غلم و كانت امرأتی عاقراً و قد بلغت من الکبر عتياً

<أنتی>، یعنی چگونه و از چه راهی؟ (مصباح). <عتياً> جمع <عات> از ماده <عتوّ> (از حد گذشتن) است و مفاد جمله <قد بلغت...> این است که من از نظر پیری به افرادی رسیده ام که در کهن سالی از حدّ گذشته اند. برخی اهل لغت <عتياً> را مصدر و به معنای خشک و انعطاف ناپذیر شدن مفاصل و استخوان ها دانسته اند (الکشاف). مفاد جمله در این صورت این است که من از اثر پیری به خشکیده شدن اعضای بدنم رسیده ام.

۸- زکریا (ع) در زمان دریافت بشارت تولد یحیی (ع)، در نهایت پیری و از کف دادن قوای جنسی و شهوانی قرار داشت.

و قد بلغت من الکبر عتياً

پیری ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۲ - ۱،۲

۱ ابراهیم (ع) و همسرش ساره، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب، پیر و کهنسال بودند.

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخاً

۲ ساره با توصیف خود و شویش به پیری، دارا شدن فرزند را امری بس شگفت تلقی کرد.

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخاً إن هذا لشیء عجیب

<یاویلتی> (ایوای بر من) عبارتی است که معمولاً به هنگام تعجب ایراد می شود. همزه در <ءألد...> نیز برای تعجب است و جمله <إن هذا...> نیز

تصریح به شگفتی است. این همه حکایت از تعجب بیش از حد همسر ابراهیم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۹ - ۴

۴ - همسر ابراهیم ، فردی کهنسال و نازا به هنگام بشارت فرزنددار شدنش

فأقبلت امرأته .. و قالت عجوز عقیم

پیری شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۹،۲۰

۱۹ - شعیب (ع) ، پیرمردی سالخورده و ناتوان از رسیدگی به کار دام

قالتا .. و أبونا شیخ کبیر

۲۰ - تقارن هجرت موسی (ع) به مدین با دوران پیری شعیب (ع)

قالتا .. و أبونا شیخ کبیر

پیری والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۵

۱۵- فرزندان موظفند به خواسته های پدر و مادر کهنسالشان پاسخ مثبت داده و هرگز از تأمین آن خواسته ها دریغ نکنند .

ولاتنهرهما

<نهر> در لغت به معنای منع و زجر است (لسان العرب).

پیری همسر زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۵ - ۶

۶- همسر زکریا، علاوه بر عقیم بودن دیرین خود در شرایط پیری و یائسگی بود. *

و کانت امرأتی عاقراً

فعل <کانت>، ممکن است این معنا را افاده کند که همسر زکریا برای آوردن فرزند دو مشکل داشته است: ۱ سن زیاد: ۲ عقیم بودن دیرین او از جوانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۸ - ۷

۷- زکریا (ع)

، هنگام بشارت تولد یحیی (ع) ، همسری سال خورده داشت که از آغاز زندگی نازا بود .

و کانت امرأتی عاقراً

فعل <کانت> در آیه، با بیان دیرینه بودن نازایی، اشاره به گذشت زمان بارداری نیز دارد.

پیری همسر لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

<عجوز> به معنای پیر زن و <عجوزاً> مستثنی از <أهله> است. <غبور> (مصدر <غابرين>) نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، <غابرين> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۲

۲ - همسر لوط به هنگام نزول عذاب ، در سن پیری و فرسودگی قرار داشت .

إِلَّا عَجُوزًا

<عجوز> به کسی گفته می شود که در سن پیری و فرسودگی باشد و نشاط برای کار و تلاش نداشته و از آن عاجز باشد.

پیری یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۴

۴ یعقوب (ع) در زمان وزارت یوسف و داستان اتهام سرقت بنیامین ، سالخورده و بسیار کهنسال بود .

إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا

<شیخ> به معنای پیرمرد و <کبیر> به معنای بزرگ است و مراد از آن ظاهراً بزرگی در سن و سال می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۶

۶ افول بینایی یعقوب)

ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً .. وابتضت عيناه من الحزن

تعجب از بارداری در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۹ - ۳

۳ - هیجان ، تعجب و ناباوری شدید همسر ابراهیم ، از باروری پس از پیری و عمری نازایی

فأقبلت امرأته فى صرّه فصكّت وجهها وقالت عجوز عقيم

تعجب از فرزندداری در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۶ - ۳

۳- شگفتی ابراهیم (ع) از فرزنددار شدن ، به خاطر ناامیدی از رحمت خداوند نبود ؛ بلکه به سبب بعید دانستن بچه دار شدن در کهنسالی بود .

فبم تبشرون .. فلاتكن من القنطين. قال و من يقنط من رحمه ربّه إلا الضالّون

ابراهیم(ع) در پاسخ توصیه فرشتگان به او که <از فرزنددار شدن مأیوس نباش > فرمود: تنها گروه گمراهان از رحمت خدا مأیوسند. از این پاسخ به دست می آید که شگفتی ابراهیم(ع) از فرزنددار شدنش، به خاطر یأس از رحمت خدا نبود؛ بلکه صرفاً آن را یک امر شگفت آور می دانست.

تکاثر در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۹

۹ - انسان ، موجودی فزون طلب و حریص بر اموال و فرزندانش در دوران پیری

أئما الحيوه الدنيا .. و تكاثر فى الأموال و الأولاد

جہل در پیری

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰

۷- دوران کهنسالی همراه با نادانی ، از پست ترین مراحل زندگی انسان

و منکم من یردّ إلى أرذل العمر لکی لا یعلم بعد علم شیئاً

دوران پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۸،۲۲

۱۸- پایان اوج مرحله جوانی (بلوغ الأشد) ، نقطه آغازین منحنی نزول است . و سرانجام مرحله پیری (أرذل العمر) ، نقطه پایانی این منحنی در زندگی انسان می باشد .

فإنّا خلقنکم من تراب.. ثمّ لتبلغوا أشدّکم... لکیلا یعلم من بعد علم شیئاً

۲۲- مرحله پایانی پیری ، مرحله ناپسند دوران زندگی برای انسان است .

إلی أرذل العمر

زایمان در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۸

۸- زکریا (ع) در زمان دریافت بشارت تولد یحیی (ع) ، در نهایت پیری و از کف دادن قوای جنسی و شهوانی قرار داشت .

و قد بلغت من الکبر عتياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۰ - ۱

۱ اظهار تعجب زکریا از اینکه در سن پیری همسر نازایش برای او پسری آرد .

قال ربّ انّی یکون لی غلام و قد بلغنی الکبر و امراتی عاقر

سستی در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۳

۳ - انسان ، در جلوگیری از تحلیل و سستی قوای خویش به هنگام پیری ، ناتوان است .

و من نعمره ننکسه فی الخلق

ضعف در پیری

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۵

۵- ضعف قوای جسمی و فکری انسان در کهنسالی ، نمودار مقهور بودن او در برابر تدبیر الهی است .

و منکم من یردّ إلى أرذل العمر

تذکر خداوند به ناتوانی انسان پس از دوران توانایی، می تواند اشاره به مقهوریت انسان در برابر تدبیر الهی داشته باشد زیرا واژه <یردّ> که به صورت مجهول آمده، اختیار را از انسان نفی می کند و تعبیر <الله خلقکم> در صدر آیه می تواند اشاره به این داشته باشد که آن بازگشت در اختیار کسی است که حیات و مرگ به دست اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲۱

۲۱- قوای جسمی و عقلی در مرحله نهایی پیری ، به درجه ای کاهش می یابد که انسان از فراگیری محروم می ماند و تمامی دانسته های پیشین خود را از دست می دهد .

منکم من یردّ إلى أرذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حسیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنّا خلقناکم من تراب .. لکیلا یعلم من بعد علم شیئاً ... ذلک بأنّ الله هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۰ - دوران پیری انسان ها ، دوران ناتوانی و ضعفی ادامه دار است .

ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً

<شبیبه> به معنای پیری است و آورده شدن آن پس از <ضعفًا> به عنوان عطف بیان، با این که <ضعفًا> مقصود را می رساند، به خاطر یادآوری این نکته است که در این دوران، ضعف، قابل جبران نیست و تا مرگ ادامه دارد.

۱۲ - رساندن انسان ها از دوران ناتوانی جنینی و نوزادی به توان مندی دوران جوانی و سپس فرتوت ساختن آنان ، نشانه توان مندی خداوند بر باز آفرینی انسان ها در قیامت است . *

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ .. يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

عبارت <يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ> به قرینه آیه پنجاه که در آن، بر توان مندی خداوند بر معاد انسان ها، برهان اقامه شده بود و نیز آیه پنجاه و پنج که درباره برپایی قیامت است می تواند درباره معاد و باز آفرینی انسان ها، در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بازگشت انسان به حالت طفولیت پس از عمر طولانی و دوران پیری از نظر قوای جسمی و عقلی

و مِنْ نَعْمَةٍ نُنَكِّسُهُ فِي الْخَلْقِ

<تعمیر> (مصدر <نعمّر> و از ماده <عمر>) به معنای طولانی کردن عمر و <تنکیس> (مصدر <ننکسه>) به معنای واژگون ساختن است. مقصود از جمله <و مِنْ نَعْمَةٍ نُنَكِّسُهُ فِي الْخَلْقِ> واژگون شدن و بازگشت انسان از نظر قوای جسمی و عقلی در دوران پیری، به دوران ضعف و سستی طفولیت خویش است.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۸،۹

۸- پایان اوج مرحله جوانی (بلوغ اشد) نقطه آغاز منحنی نزول و سرانجام مرحله پیری ، نقطه پایان این منحنی در زندگی انسان است .

ثُمَّ لَتَبْلَغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شِوْخًا . . . لَتَبْلَغُوا أَجَلًا مَسْمًى

۹- منحنی صعود ، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول ، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است .

ثُمَّ لَتَبْلَغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شِوْخًا

عوامل پیری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۳

۳- سختی و اندوه باری روز محشر ، به گونه ای است که اطفال را مو سفید و پیر می سازد .

يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا

فراموشی در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۸

۸- برخی از انسان ها آن چنان به پیری می رسند که تمامی اندوخته های علمی خود را از دست می دهند .

و منكم من یردّ إلى أرذل العمر لكي لا يعلم بعد علم شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲۱

۲۱- قوای جسمی و عقلی در مرحله نهایی پیری ، به درجه ای کاهش می یابد که انسان از فراگیری محروم می ماند و تمامی دانسته های پیشین خود را از دست می دهد .

منکم من یردّ إلى أرذل العمر لكيلا يعلم من بعد علم شيئاً

فرزندداری در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۱۰، ۱۳، ۱۹، ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) به سبب فرزنددار شدنش در سالخوردگی، خدا را حمد و ستایش کرد.

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق

۹- نقش مؤثر دعا در فرزنددار شدن انسان، حتی در سالخوردگی و هنگام یأس از تأثیر عوامل طبیعی

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق إن ربی لسمیع الدعاء

۱۰- امکان فرزنددار شدن انسان در سالخوردگی و هنگام یأس از تأثیر عوامل طبیعی، با اراده و مشیت الهی

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق إن ربی لسمیع الدعاء

۱۳- حضرت ابراهیم (ع) تا سالخوردگی فاقد فرزند و از فرزنددار شدنش از راه عوامل طبیعی و عادی مأیوس بود.

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق إن ربی لسمیع الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۳، ۲، ۱

۱- ابراهیم (ع) از دریافت خبر فرزنددار شدنش در دوران پیری به شدت شگفت زده شد.

قال أبشّرتمونی علی أن مسّنی الکبر فبم تبشّرون

۲- ابراهیم (ع) آن گاه خبر فرزنددار شدنش را از فرشتگان دریافت کرد که کاملاً پیر و از فرزنددار شدن مأیوس بود.

قال أبشّرتمونی علی أن مسّنی الکبر فبم تبشّرون

۳- امکان فرزنددار شدن انسان کهن سال و مأیوس از فرزنددار شدن، با لطف و قدرت خداوند

إننا نبشّرك بغلم علیم . قال أبشّرتمونی علی أن مسّنی الکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۱۰

، در اعطای فرزند به پدری فرتوت و مادری عقیم

و کانت امرأتی عاقراً .. یزکریا إنا نبشرك بغلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۲

۲- پیدایش فرزند از پدری فرتوت و مادری عقیم ، کاری آسان برای پروردگار

قال رَبِّکَ هُوَ عَلَیْ هَیْنٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۱۶

۱۶- خداوند ، پاک و منزّه از ناتوانی در برابر اعطای فرزند به پدری کهن سال و مادری عقیم

أَنْ سَبَّحُوا

گرایشها در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۴

۴- انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی (کودکی ، نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و پیری) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب .. و تکاثر فی الأموال و الأولاد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصلت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

مرگ قبل از پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲۰

۲۰- برخی از انسان ها ، پیش از رسیدن به مرحله پایانی پیری (أرذل العمر) زندگی را به درود گفته و از دنیا می روند .

و منکم من یتوفی و منکم من یردّ إلی أرذل العمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - برخی از انسان ها ، پیش از رسیدن به مرحله پیری ، زندگی را به درود گفته ، از دنیا خواهند رفت .

ثُمَّ لَتَكُونُوا شَبَابًا وَمِنْكُمْ مَنْ يَتَوَقَّىٰ مِنْ قَبْلِ

مِنْشَأُ فِرْزَنْدَارِي دَر پِیرِی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۰ - ۹

۹ - امکان فرزنددار شدن زن کهنسال و نازا ، در پرتو لطف و عنایت الهی

و بَشْرُوهُ بَغْلَمِ عَلِيمٍ .. قَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ . قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ

نشانه های پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۴

۴ - ناامیدی از زناشویی و بی میلی نسبت به امور جنسی ، نشان سالخوردگی زنان و مجوز فرونهادن حجاب و پوشش برای آنان است .

و الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا .. غَيْرِ مُتَّبِرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ

جمله <الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا> صفت و قید توضیحی برای <و الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ> و بیان کننده مقصود از آن است.

ویژگیهای پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۱،۳

۱ - بازگشت انسان به حالت طفولیت پس از عمر طولانی و دوران پیری از نظر قوای جسمی و عقلی

و مِنْ نَعْمَةِ نَنْكَسُهُ فِي الْخَلْقِ

<تعمیر> (مصدر <نعمّر> و از ماده <عمر>) به معنای طولانی کردن عمر و <تنکیس> (مصدر <ننگسه>) به معنای واژگون ساختن است. مقصود از جمله <و من نعمره ننگسه فی الخلق> واژگون شدن و بازگشت انسان از نظر قوای جسمی و عقلی در دوران پیری، به دوران ضعف و سستی طفولیت

خویش است.

۳- انسان ، در جلوگیری از تحلیل و سستی قوای خویش به هنگام پیری ، ناتوان است .

و من نعمره ننکسه فی الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۹

۹- انسان ، موجودی فزون طلب و حریص بر اموال و فرزندانش در دوران پیری

أثما الحیوه الدنيا .. و تکاثر فی الأموال و الأولد

پیشی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشی

شفا پیشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ بینایی بخشیدن به کور مادرزاد و شفای پیشی ، معجزه عیسی (ع)

و أبریء الاکمه و الابرص

شفای پیشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۲۴، ۲۷، ۳۱

۲۴ حضرت مسیح توانا بر بیناسازی کور های مادرزاد و شفابخشی مبتلایان به پیشی

و تبری الاکمه و الابرص باذنی

۲۷ عیسی (ع) ، ارائه کننده معجزات خویش (حیات بخشی به اجسام بی جان ، درمان کوری و پیشی و زنده کردن مردگان

(، در بسیاری از مواقع

اذ تخلق . . . و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج

برداشت فوق از فعل مضارع <تخلق> و <تبری> و <تخرج> که حاکی از استمرار انجام کار می باشد، استفاده شده است.

۳۱ توانایی عیسی (ع) بر ارائه معجزاتی همانند روح بخشی به مجسمه ها ، درمان کوری و پیسی و احیای مردگان ، از نعمت های ویژه خداوند به آن حضرت

اذکر نعمتی . . . و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ شیوع بیماری کوری مادرزاد و پیسی ، در زمان حضرت عیسی (ع) *

و أبریء الاکمه و الابرص

شفای کوری و پیسی از میان تمام بیماریهایی که در آن زمان قابل علاج نبود، حکایت از شیوع این دو بیماری در آن زمان دارد.

پیشرفت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشرفت

عوامل پیشرفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۱ - ۶

۶ - تقویت مدیریت های شایسته و جبران نقاط ضعف آنان ، شرطی ضروری برای پیشرفت کار است .

واجعل لی وزیرًا .. أشدّ به أزری

عوامل پیشرفت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۸

۸ سنت الهی در پیشبرد هدف های مکتب حق (اسلام) ، در پرتو ایثار و تلاش خود مؤمنان است .

ذلک بأنهم لایصیبهم ظما .. و لاینفقون نفقه ... و لایقطعون وادیاً إلا کتب لهم

از تشویق و ترغیب مؤمنان به انفاق و جهاد، چنین استفاده می شود که نتیجه عمل آنها، پیشبرد هدفهای مکتب است و اگر نیازی به تلاش مؤمنان نبود، ترغیب و تشویق آنان به این مهم تا بدین پایه ضرورتی نداشت.

عوامل پیشرفت رسالت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۸

۸- امداد های الهی در فتح مکه ، جلوه ربوبیت خداوند بر پیامبر (ص) و مایه پیشرفت اهداف رسالت آن حضرت بود .

إذا جاء نصر الله و

الفتح .. فسَّحَّ بحمد ربِّك

پیشگامان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشگامان

آسایش اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۹ - ۱

۱ - ره یافتگان به مقام قرب الهی در جهان آخرت (پیشتازان) ، در اوج راحتی و آسایش

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ . فروح

<روح> در معانی راحت (آسایش) و رحمت به کار می رود (القاموس المحيط). برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است. گفتنی است که نکره آمدن <روح>، نشان دهنده کمال آسایش مقربان در سرای آخرت است.

استغفار برای پیشگامان در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۳

۳ - مؤمنان ، خواهان غفران الهی برای خویش و نیز برای پیشتازان راه دین

و الذين جاءو من بعدهم يقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا

اقلیت پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۳ - ۳

۳ - پیشتاز شدن در راه خداوند ، امری سخت و دشوار است و در طول تاریخ تنها دسته ای اندک از عهده آن بر آمده اند .

و السابقون .. ثلَّة من الأولين

پیشتازان امت های پیشین، گرچه در مقایسه با پیشتازان بعد دارای تعداد زیادتری هستند؛ لکن تعداد آنان نسبت به مردم دیگر اندک است و این می رساند که رسیدن به مرتبه پیشتازی، بسی دشوار و سخت می باشد.

اقلیت پیشگامان مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۴ - ۲

۲ - کم بودن انسان های پیشتاز راه خدا (سابقون)

، در میان جوامع پس از عصر بعثت

و قليل من الأخرين

امکانات مادی پیشگامان در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی الله عنهم ... لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

امکانات معنوی پیشگامان در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی الله عنهم ... لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

پاداش اخروی پیشگامان در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی الله عنهم ... لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

پاداش پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۲

۲ - برخورداری پیشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهی در جهان آخرت و دستیابی آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السابقون السابقون . أولئك المقربون . فی جنّ النعیم ... جزاء بما كانوا یعم

پاداش پیشگامان عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۳

۳ - پیشگامان در انجام کار های خیر و وارثان قرآن کریم ، بهره مند از بهشت پاینده

جَنَّتِ عَدْنِ يَدْخُلُونَهَا

پذیرایی از پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۷ - ۱

۱ - گردش پروانهوار جوانکان بهشتی پیرامون پیشتازان راه خدا (سابقون) ، جهت خدمت گذاری به آنان در مجالس انس آنها

مَتَّكِنٍ عَلَيْهَا مُتَقَبِّلِينَ . يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۰ - ۲

۲ - جوانان خدمت گذار ، آماده پذیرایی از پیشتازان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

و فَكَّهٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ

واژه <فککه> عطف بر <أكواب> (در دو آیه پیش) است؛ یعنی، <و يطوف عليهم ولدان مخلدون بفاكهة مما يتخيرون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۱ - ۲

۲ - جوانان خدمت گذار ، پذیرایی کننده پیشتازان (سابقون) در بهشت با گوشت انواع پرندگان دلخواه

و لَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

<لحم طير> عطف بر <أكواب> است؛ یعنی، <و يطوف عليهم ولدان مخلدون بلحم طير>.

پیشگامان امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۳ - ۱،۴

۱ - وجود انسان های پیشتاز ، در میان امت ها و جوامع پیشین

ثَلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ

۴ - > عن جعفر بن محمد (ع) في قوله عزَّوجلَّ < ثَلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ > قال: ... ابن آدم الذي قتله أخوه

، و مؤمن آل فرعون و حیب النجار . . . ۱

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجل <ثُمَّ مِنَ الْأُولَى . . .> روایت شده که آنان، فرزند مقتول آدم(ع) (هابیل) و مؤمن آل فرعون (حزقیل) و حیب نجار... هستند.

پیشگامان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - <عن أبي جعفر (ع) في قوله <فالسابقَات سبِقًا> یعنی ارواح المؤمنین تسبق ارواحهم إلى الجنّة . . . و ارواح الكافرین إلى النار ۱

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقَات سبِقًا> روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر یکدیگر] سبقت می گیرند. . . و [نیز] ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند].

پیشگامان توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۳ - ۴

۴ - نوح (ع) ، پیشتاز و مقتدای حرکت توحیدی در میان پیامبران الهی

و إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَهِيمَ

پیرو بودن ابراهیم(ع) با آن که خود از انبیای بزرگ بود و نیز وجود پیامبرانی چون هود و صالح(ع) پیش از آن حضرت، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد. گفتنی است معنای لغوی <شیعه> (گروه پیرو رئیس خود) مؤید برداشت بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۹

۹ - نسل ابراهیم (ع) ، پرچمدار توحید در طول تاریخ

و جعلها كلمه باقيه في عقبه

پیشگامان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ -

۱۳- مشرکان ، پیشگام در وارد شدن به آتش جهنم

لاجرم أن لهم النار و أنهم مفرطون

<مفرط> (از مصدر فرط) به معنای مقدم شدن، جلو افتادن، شتاب و سبقت گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله <فالسابقا سباً> يعني أرواح المؤمنين تسبق أرواحهم إلى الجنة... و أرواح الكافرين إلى النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقا سباً> روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر یکدیگر] سبقت می گیرند. .. و [نیز] ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند].<

پیشگامان در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۸ - ۲

۲ - انسان های پیشتاز (سابقون) جزء مقربان در گاه خدا در جهان آخرت

فأما إن كان من المقربين

<مقربان> همان دسته اند که در آیات آغازین این سوره، از آنان به عنوان <السابقون> یاد شده است.

پیشگامان در اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام مواضع عقیدتی خود و پیش گامی اش در پذیرش اسلام

قل . . و أمرت لأن أكون أول المسلمين

پیشگامان در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۴ - ۳

۳- خداوند ، بی تردید به احوال انسان های پیشرو در میدان ایمان و عمل و مردم ناموفق در آن ،

آگاه است .

و لقد علمنا المستقدمين منكم و لقد علمنا المستأخرين

در اینکه تقدّم و تأخّر در آیه فوق، به چه چیز سنجیده شده؟ میان مفسران چند نظریه وجود دارد: یکی از آنها سبقت و تأخیر در رابطه با ایمان و عمل صالح است؛ زیرا دنیا میدان مسابقه برای انسانهاست <و لكل وجهه هو مولیها فاستبقوا الخیرات > (سوره بقره آیه ۱۴۸). برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است.

پیشگامان در ایمان و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، حتی پیشتازان ایمان (مهاجران و انصار) ، فاقد مصونیت از خطا و نیازمند غفران الهی

و الذین جاءو من بعدهم یقولون ربّنا اغفر لنا و لإخواننا الذین سبقونا بالإیمان

از تأیید خداوند نسبت به استغفار برای پیشتازان راه ایمان، به جا بودن این دعا و نیاز آنان استفاده می شود.

پیشگامان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۲ - ۱

۱ - بهشت ، سرای اخروی سابقون (پیشتازان)

و السابقون .. فی جنّ النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - محل سکونت پیشتازان راه خدا در بهشت ، آراسته به تخت های جواهرنشان

علی سرر موضونه

یکی از معانی <موضونه>، بافته شده به همراه جواهر است.

۲- زندگی پیشتازان راه خدا (سابقون) در بهشت ، در اوج شکوه و جلال

علی سرر موضونه

وجود تخت های جواهر نشان در قصرهای پیشتازان، نشان از زندگی بسیار با شکوه آنان در سرای بهشت دارد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - پیشتازان راه خدا (سابقون) ، دارای مجلس انس با یکدیگر در بهشت

علی سرر موضونه . متکین علیها متقبلین

از قید <متقابلین> (روبه روی هم)، انس و الفت بهشتیان با همدیگر استفاده می شود.

۲ - تکیه زدن پیشتازان راه خدا (سابقون) ، بر تخت های جواهر نشان در مجلس های انس خویش

علی سرر موضونه . متکین علیها متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۸ - ۱

۱ - باده نوشی پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در مجالس انس شان در بهشت

متکین علیها متقبلین . . . بأکواب و أباریق و كأس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - وجود میوه های متنوع و گوناگون در بهشت پیشتازان (سابقون)

و فککه ممّا یتخیرون

۲ - جوانان خدمت گذار ، آماده پذیرایی از پیشتازان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

و فککه ممّا یتخیرون

واژه <فاککه> عطف بر <أکواب> (در دو آیه پیش) است؛ یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلدون بفاککه ممّا یتخیرون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۱ - ۱،۲

۱- وجود گوشت انواع پرندگان در بهشت پیشازان (سابقون)

و لحم طير ممّا يشتهون

<طير> (پرنده) جنس است و شامل انواع پرندگان می شود. <ممايشتهون> (آنچه دلشان می خواهد) تأکید بر همین معنا است.

۲- جوانان خدمت گذار ، پذیرایی

کننده پیشتازان (سابقون) در بهشت با گوشت انواع پرندگان دلخواه

و لحم طير ممّا يشتهون

<لحم طير> عطف بر <أكواب> است؛ یعنی، <و يطوف عليهم ولدان مخلدون بلحم طير>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۱

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون)، هرگز کسی از دیگری سخن لغو و بیهوده و یا نسبت ناروا نخواهد شنید.

لا يسمعون فيها لغواً ولا تأثيماً

<لغو> به سخنی گفته می شود که هیچ فایده ای بر آن مترتب نباشد و <تأثیم> به معنای نسبت دادن گناه به کسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۶ - ۱،۲

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون)، جز سخنان سالم و پیراسته از لغو و نسبت های ناروا مبادله نمی شود.

لا يسمعون فيها لغواً .. إلا قیلاً سلماً سلماً

<قیل> معادل <قول> و موصوف <سلاماً> است؛ یعنی، <لا يسمعون فيها إلا قولاً هو سالم من اللغو و التأثیم>.

۲ - مکالمات در بهشت پیشتازان، همراه با درود و تحیت پی در پی است؛ نه آمیخته با لغو و نسبت های ناروا.

لا يسمعون فيها لغواً .. إلا قیلاً سلماً سلماً

کلمه <سلاماً> می تواند بدل برای <قیلاً> باشد. گفتنی است که تکرار <سلاماً>، برای بیان تعاقب و پی در پی بودن است؛ یعنی، <سلاماً اثر سلام> (درود پی در پی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۹ - ۵

۵ - ره یافتگان به مقام قرب در آخرت (پشتازان)، برخوردار از بهشتی سرشار از نعمت

من المقرّبين ... و جنت نعیم

واژه <نعیم>، به معنای نعمت فراوان آمده است (مفردات راغب).

پیشگامان در تقرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۷ - ۶

۶- دعوت کنندگان به تعالیم الهی ، هر کدام برای تقرب بیشتر خود به خداوند ، در مسابقه و تلاش هستند .

أولئك الذين يدعون يبتغون إلى ربهم الوسيلة أيهم أقرب

برداشت فوق، بنابراین نکته است که مراد از <أولئك> دعوت کنندگان به خدا باشند که مشرکان آنان را می پرستیدند تا به خدا تقرب جویند و خداوند به مشرکان می گوید: <چگونه آنان را می پرستید در حالی که آنان، خود برای تقرب به خدا واسطه هایی قرار می دهند تا تقرب بیشتر هر یک معلوم شود.>

پیشگامان در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۱ - ۴

۴ - موحدانِ بیمناک از پروردگار و روز قیامت ، پیشتاز در انجام کار های نیک

و هم لها سبفون

<لها> متعلق به <سابقون> است که مفعول آن محذوف می باشد. پس تقدیر آن چنین می شود: <و هم سابقون غیرهم لها>. <سبق> به معنای پیشی گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۰ - ۲

۲ - کسانی که در دنیا در انجام امور خیر از دیگران سبقت می گیرند ، در آخرت نیز پیش از دیگران مشمول رحمت ، پاداش و غفران الهی خواهند بود .

برخی از مفسران بر آنند که مراد از سبقت در <السابقون> اول، سبقت در انجام امور خیر در

دنیا و مراد از سبقت در <السابقون> دوم، پیشی گرفتن از دیگران در آخرت در دریافت رحمت و پاداش الهی است.

پیشگامان در عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۲۰

۲۰ عن ابی عبداللہ (ع) [فی قوله تعالی :] < و السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ ... > :
فبدء بالمهاجرین الاولین علی درجه سبقهم ثم ثنی بالأنصار ثم ثلث بالتابعین لهم بإحسان فوضع کل قوم علی قدر درجاتهم و
منازلهم عنده ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای تعالی: <پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند . . . > روایت شده که فرمود: پس خدای عز و جل مهاجران نخستین را بر اساس سابقه ایمانی آنان، در آغاز ذکر فرمود ؛ سپس انصار را در رتبه دوم و تابعین به احسان را در رتبه سوم یاد نمود. بدین ترتیب هر گروه را بر مبنای درجه و منزلتی که نزد او داشتند [در کلام خود] جای داد.

پیشگامان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷ - ۱

۱ - مردم در آخرت سه دسته اند : اصحاب المیمنه (نیک بختان) اصحاب المشئمه (نگون بختان) و سابقون (پیشتازان)

و کنتم أزواجاً ثلثه

بیان <أزواجاً ثلاثه> محذوف و تقدیر آن چنین است: <و کنتم أزواجاً ثلاثه>: اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه و السابقون . در آیات بعد به تفصیل وضعیت

این سه دسته تبیین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۰ - ۲

۲ - کسانی که در دنیا در انجام امور خیر از دیگران سبقت می گیرند ، در آخرت نیز پیش از دیگران مشمول رحمت ، پاداش و غفران الهی خواهند بود .

و السبقون السبقون

برخی از مفسران بر آنند که مراد از سبقت در <السابقون> اول، سبقت در انجام امور خیر در دنیا و مراد از سبقت در <السابقون> دوم، پیشی گرفتن از دیگران در آخرت در دریافت رحمت و پاداش الهی است.

پیشگامان عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۹

۹ - پیشتازان در انجام خیرات ، مهم ترین صفت مسلمانان پیرو قرآن و انسان های قرآنی

و منهم سابق بالخیرت

برداشت یاد شده به این خاطر است که پیشتازان در تمسک به قرآن و حافظان ارث الهی، در این آیه به عنوان پیشتازان در خیرات معرفی شده اند.

پیشگامان مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۴ - ۱

۱ - وجود مردمان پیشتاز در میان امت اسلام

قلیل من الآخرین

تقرب اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۱ - ۱

۱ - سابقون (پيشتازان) ، برخوردار از مقام قرب الهی در آخرت

و السابقون السابقون . أولئك المقربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۲

۲ - برخورداری پيشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهی

در جهان آخرت و دستیابی آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السبقون السابقون . أولئك المقربون . فی جَنَّت النعیم ... جزاء بما كانوا یعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۸ - ۲،۴

۲ - انسان های پیشتاز (سابقون) جزء مقربان در گاه خدا در جهان آخرت

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ

<مقربان> همان دسته اند که در آیات آغازین این سوره، از آنان به عنوان <السابقون> یاد شده است.

۴ - ره یافتگان به مقام قرب الهی (پیشتازان) ، در جهان آخرت برخوردار از شأنی ویژه نزد خداوند

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ

تقدیم مقربین بر دیگران، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

خدمتکاران اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۷ - ۳

۳ - خدمت گذاران پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در بهشت جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

یطوف علیهم ولدن مخلدون

برخی احتمال داده اند که <مخلدون> مشتق از <خُلد> به معنای گوشواره باشد. بنابراین عبارت <ولدان مخلدون>؛ یعنی، جوانانی که بر گوش آنها، گوشواره آویخته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۸ - ۱

۱ - باده نوشی پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در مجالس انس شان در بهشت

متكین علیہا متقبلین . . . بأكواب و أباریق و كأس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۰ - ۲

۲ - جوانان خدمت گذار ، آماده

پذیرایی از پیشانان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

و فکله ممّا یتخیرون

واژه <فاکله> عطف بر <أکواب> (در دو آیه پیش) است؛ یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلدون بفاکله ممّا یتخیرون>.

سوگند به پیشگامان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۴

۴ - سوگند خداوند ، به فرشتگان پستان

فالسبقت سباً

عطر زندگی اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۹ - ۳

۳ - فضای زندگی مقربان (پستانان) در آخرت ، معطر به وسیله انواع گیاهان خوشبو

فأما إن كان من المقربین . . . و ریحان

<ریحان> اسم جنس و دربرگیرنده انواع گیاهان خوشبو و معطر است.

عظمت اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۵ - ۲

۲ - زندگی پستانان راه خدا (سابقون) در بهشت ، در اوج شکوه و جلال

علی سرر موضونه

وجود تخت های جواهرنشان در قصرهای پستانان، نشان از زندگی بسیار با شکوه آنان در سرای بهشت دارد.

عمل صالح پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۲

۲ - برخوردارى پيشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهى در جهان آخرت و دستيابى آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهى به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السابقون السابقون . أولئك المقربون . فى جنت النعيم ... جزاء بما كانوا يعم

فضايل اخروى پيشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۸ - ۴

۴ - ره یافتگان به مقام قرب الهی (پیشتازان) ، در جهان آخرت برخوردار از شأنی ویژه نزد خداوند

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ

تقدیم مقربین بر دیگران، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۹ - ۲

۲ - مقربان (پیشتازان) ، بهره مند از رحمت بی کران و فراگیر الهی در جهان آخرت

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ . فَرُوح

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <روح> به معنای رحمت باشد.

فضایل پیشگامان در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی الله عنهم ... لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۳

۳- جنیان پیشتاز و گرویده به قرآن ، برخوردار از موقعیتی ویژه در میان قوم خود *

قالوا یقومنا إنا سمعنا

از لحن آیه شریفه و موضع بالای جنیان در خطاب به قوم (یا قومنا)، می توان به دست آورد که آنان علاوه بر داشتن پیامی بزرگ، جایگاهی والا در میان قوم شان داشته اند و چه بسا انتخاب آنان از سوی خداوند (صرفنا)، اشاره به این جهت باشد.

فضایل پیشگامان در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۷

پیشتازان در انجام کار های خیر ، از بهترین مردم و والاترین آنان در پیشگاه خداوند

و منهم سابق بالخیرت

از تقسیم بندی سه گانه مردم در تمسک به قرآن و دین داری (ضعیف، قوی و ..) و آمدن گروه پیشتاز در انجام خیرات به عنوان آخرین و قوی ترین گروه، برداشت یاد شده به دست می آید.

کثرت پیشگامان امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۳ - ۲

۲ - فراوانی پیشتازان (سابقون) ، در امت ها و جوامع پیش از اسلام

ثَلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ

<ثَلَّةٌ> در اصل به دسته ای از پشم گفته می شود (مفردات راغب) و <ثَلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ> با توجه به آیه بعد (قلیل من الأخرین) به معنای دسته ای بزرگ از پیشینیان است.

لذایذ اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۲

۲ - پیشتازان (سابقون) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ .. لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهَا

شنیدن سخنان لغو و یا نسبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. ازاین رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پیشتازان پس از بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی بیانگر مطلب بالا است.

مراد از پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۰ - ۳،۴

٣ - > عن أبي جعفر (ع) : . . . و أما ما ذكر من السابقين : فهم أنبياء

از امام باقر(ع) روایت شده: .. اما آنچه [در قرآن] از سابقین یاد شده، آنان پیامبران هستند، چه مرسلین و چه غیرمرسلین <.

۴ - > فی المجمع و قد قیل فی السابقین أنّهم السابقون إلى الصلوات الخمس عن علی (ع) . . . ؛

در مجمع البیان آمده است: درباره سابقین گفته شده آنان سبقت گیرندگان برای ادای نمازهای پنجگانه اند و این مطلب از امام علی(ع) روایت شده است <.

مراد از پیشگامان مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۴ - ۳

۳ - > عن جعفر بن محمد (ع) فی قوله عزّوجلّ > . . . و قلیل من الآخرین < قال : . . . علی بن ابی طالب صلوات الله علیه ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجلّ > . . . و قلیل من الآخرین < روایت شده که مراد امام علی بن ابی طالب صلوات الله علیه است <.

مسئولیت پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲ - ۱۱

۱۱ - پیش گامان ، موظف اند که پیش از دیگران ، به رسالت الهی خویش ، پابند بوده و به آن عمل کنند .

و أتبع ما یوحی إليك من ربك إنّ الله كان بما تعملون خبيرًا

از آن جا که ذیل آیه، قرینه است براین که همه موظف اند که از تعالیم وحی تبعیت کنند، ذکر پیامبر(ص)، به عنوان دریافت کننده وحی، می تواند اشاره به نکته یاد شده داشته باشد.

مقامات اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه

۱ - مقام و منزلت والای سابقون (پیشتازان) در آخرت ، غیرقابل توصیف است .

و السابقون السابقون

<السابقون> دوم، می تواند تأکید برای <السابقون> اول باشد و نیز می تواند خبر برای آن باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است زیرا با توجه به این که آیه شریفه در مقام شناساندن مقام و جایگاه سابقون است، معرفی آنان با همان عنوان <السابقون> بیانگر این است که مقام و منزلت سابقون، چنان عظیم است که در قالب هیچ لفظی نمی گنجد و تنها چیزی که درباره آنها می توان گفت، این است که بگوییم سابقون همان <سابقون> اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۱ - ۱

۱ - سابقون (پیشتازان) ، برخوردار از مقام قرب الهی در آخرت

و السابقون السابقون . أولئك المقربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۲

۲ - برخورداری پیشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهی در جهان آخرت و دستیابی آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السابقون السابقون . أولئك المقربون . فی جنت النعیم ... جزاء بما كانوا یعم

نعمتهای اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۲

۲ - برخورداری پیشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهی در جهان آخرت و دستیابی آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السابقون

السبقون . أولئك المقربون . في جنت النعيم ... جزاء بما كانوا يعم

نیازهای معنوی پیشگامان در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، حتی پیشتازان ایمان (مهاجران و انصار) ، فاقد مصونیت از خطا و نیازمند غفران الهی

و الذین جاءو من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالايمان

از تأیید خداوند نسبت به استغفار برای پیشتازان راه ایمان، به جا بودن این دعا و نیاز آنان استفاده می شود.

ویژگیهای زندگی اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۵ - ۲

۲ - زندگی پیشتازان راه خدا (سابقون) در بهشت ، در اوج شکوه و جلال

علی سرر موضوعه

وجود تخت های جواهر نشان در قصرهای پیشتازان، نشان از زندگی بسیار با شکوه آنان در سرای بهشت دارد.

همسران بهشتی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۲ - ۲

۲ - پیشتازان در بهشت ، دارای همسرانی با چشم های سیاه و زیبا

و حور عین

<حور> جمع <حوراء> است و <حوراء> به چشمی گفته می شود که سیاهی آن بسیار سیاه و سفیدی آن بسیار سفید باشد. <عین> جمع <عیناء> است و <عیناء> در وصف چشم زیبا آورده می شود.

پیشگامی

آثار پیشگامی در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۹، ۱۸

۱۸- پیشی گرفتن در کارهای نیک، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع)

، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد آیتنا موسی و هرون .. إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت ... و کانوا لنا خش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ ضمیرهای جمع در جمله <إنهم کانوا یسرعون...> به پیامبران بازگردد، چه این که آیات پیشین در مورد آنان بود. ۲ جمله <إنهم کانوا یسرعون...> و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

۱۹- نقش مؤثر پیشی گرفتن در کار های نیک و دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، در استجابت دعا

فاستجبنا له .. إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت ... و کانوا لنا خشعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۱ - ۲

۲ - سبقت و پیشتازی در امور خیر ، مایه تقرب به درگاه خداوند در جهان آخرت

و السبقون السبقون . أولئک المقربون

ارزش پیشگامی در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۸

۸ - پیشتازی در ایمان ، دارای ارج و منزلت در بینش وحی

یقولون ربنا اغفر لنا و لإخواننا الذین سبقونا بالایمن

تمجید خداوند از مؤمنان، به سبب استغفار آنان برای پیشگامان ایمان، ارجمندی پیشتازان اسلام را افاده می کند.

ارزش پیشگامی در تقرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۷ - ۷

۷- تلاش برای راه یابی به بالاترین مرتبه کمال و سبقت بر دیگران در تقرب به خدا ، تلاش و تکاپویی ارجمند و ستودنی

أولئك الذين يدعون يبتغون إلى ربهم الوسيلة أيهم أقرب

ارزش

پیشگامی در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۲۰

۲۰- شتاب و پیشگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، از ارزش های والا و صفات برجسته مردان الهی

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَشَعِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این است که آیه شریفه، در توصیف پیامبران الهی است و از میان ده ها صفات و ویژگی های ایشان، تنها به این سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

اهمیت پیشگامی رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۳

۳ لزوم پیشتازی رهبر جامعه اسلامی در پایبندی به ارزش ها و عمل بر طبق آن

لكن الرسول و الذين ءامنوا معه

پیشگامی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون .. یحیی ... إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

۹- ابراهیم (ع) و همگامانش ، پیشتازان برائت از مشرکان و کافران

قد كانت لكم أسوه حسنه فى إبرهيم و الذين معه .. إذ قالوا

برداشت بالا، با توجه به این نکته است که خداوند، از میان همه پیامبران و امت های پیشین، ابراهیم(ع) و همگامانش را الگوی برائت از مشرکان معرفی کرده است.

پیشگامی ادریس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون .. یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنهم كانوا یسارعون..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون .. یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع

در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون .. یحیی ... إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرِ

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۳

۳ ضرورت پیشگامی حاملان وحی و رسالت در عمل به محتوای پیام خویش

اتبع ما أوحى اليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۰ - ۳

۳ - > عن أبي جعفر (ع) : .. و أما ما ذكر من السابقين : فهم أنبياء مرسلون وغير مرسلين ۷

از امام باقر(ع) روایت شده: .. اما آنچه [در قرآن] از سابقین یاد شده، آنان پیامبران هستند، چه مرسلین و چه غیر مرسلین.<

پیشگامی ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

١٤- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط

، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون ... یحیی ... إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنهم کانوا یسارعون...> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۹۰ ۴۸) از آنان یاد شده است.

پیشگامی پیروان ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۹

۹- ابراهیم (ع) و همگامانش ، پیشتازان برائت از مشرکان و کافران

قد کانت لکم أسوه حسنه فی إبرهیم و الذین معه .. إذ قالوا

برداشت بالا، با توجه به این نکته است که خداوند، از میان همه پیامبران و امت های پیشین، ابراهیم(ع) و همگامانش را الگوی برائت از مشرکان معرفی کرده است.

پیشگامی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون ... یحیی ... إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنهم کانوا یسارعون...> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۹۰ ۴۸)

از آنان یاد شده است.

پیشگامی در ارزش ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۳

۳ - پیشگامی در ارزش ها ، خود ارزشی والا است .

فالسبقت سبقاً

پیشگامی در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۲ - ۶

۶ - پیش گامی در ایمان و آرمان های الهی ، از ملاک های ارزشمندی و برتری معنوی

و أمرت لأن أكون أول المسلمين

پیشگامی در عمل به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ - اذن خداوند ، شرط رسیدن به مقام پیشتازی در دین داری ، زندگی قرآنی و انجام کار های خیر

و منهم سابق بالخیرت یاذن الله

پیشگامی در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۱ - ۲،۵

۲ - شتاب ورزی در انجام کار های نیک نشانه مؤمنان راستین

أولئك يسرعون في الخير

۵ - شتاب در انجام کار های نیک و پیشتازی در میدان ارزش ها ، خصلت هایی ارجمند و مورد توصیه و ستایش خداوند

أولئك يسرعون في الخير و هم لها سبفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ - توفیق پیشتازی در انجام کار های خیر ، فضل بزرگ الهی است .

و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرت یاذن الله ذلك هو الفضل الكبير

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <ذلك> اشاره به <سبق> در <سابق بالخیرات> باشد.

پیشگامی ذوالکفل (ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون .. یحیی ... إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنهم كانوا یسارعون..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۳

۳ پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی ، باید در موضع گیری علیه جریان های باطل (نفاق) پیشگام باشد .

لا تقم فیه أبداً

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص) در این آیه ظاهراً به خاطر موقعیتی است که آن حضرت داشتند (موقعیت رهبری).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۲ - ۵

۵- لزوم پیش گام بودن رهبران جامعه ایمانی در عمل به آرمان ها و اهداف اعلام شده خود به مردم

أمرت لأن أكون أول المسلمين

پیشگامی رهبری دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ ضرورت پیشگامی رهبران الهی در پایبندی به اصول و مبانی خویش

قل إني أمرت أن أكون أول من أسلم ولا تكونن من المشركين

پیشگامی زکریا (ع)

جلد - نام

۱۲- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کارهای خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند.

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ..> به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

۱۴- پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادریس، ذالکفل، یونس، زکریا و یحیی (علیهم السلام)، پیشگامان در کارهای خیر

و لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ... يَحْيَى... إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴- پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادریس، ذالکفل، یونس، زکریا و یحیی (علیهم السلام)، پیشگامان در کارهای خیر

و لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ... يَحْيَى... إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ

برداشت بالا مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ..> به پیامبرانی بازگردد که

در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۱،۳

۱ فرعون در روز قیامت ، پیشاپیش پیروانش به سوی دوزخ روانه خواهد شد .

يقدم قومه يوم القيمة فأوردهم النار

قدم (مصدر يقدم) به معنای سبقت گرفتن و در پیشاپیش حرکت کردن است.

۳ حرکت فرعونیان به سوی دوزخ به رهبری و پیشاهنگی فرعون ، نمود برنامه های ناصواب او در دنیا است .

و ما أمر فرعون برشيد. يقدم قومه يوم القيمة فأوردهم النار

جمله <يقدم قومه ..> بیانگر فرجام پیروی از فرعون است و به منزله تفسیری برای <و ما أمر فرعون برشيد> می باشد.

پیشگامی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله < فالسابقات سبقاً > يعني أرواح المؤمنين تسبق أرواحهم إلى الجنة . . . و أرواح الكافرين إلى النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر] یکدیگر [سبقت می گیرند] .. و [نیز] ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند].

پیشگامی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ،

ذالكفل ، يونس ، زكريا و يحيى (عليهم السلام) ،

پیشگامان در کار های خیر

و لقد آتینا موسی و هرون .. یحیی ... إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنهم کانوا یسرعون>.. به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۶، ۱۵

۱۵ پیامبر(ص)، موظف به پیشگامی در تسلیم به درگاه خداوند

قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

۱۶ پیامبر(ص)، مأمور به اظهار موضع اعتقادی خویش و پیشگامی در اسلام

قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۶

۶ حضور پیامبر (ص) در صحنه های نبرد پیشاپیش مؤمنان و در کنار آنان

جهدوا مع رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۲

۲ پیشتازی پیامبر (ص) در جهاد با مال و جان

لکن الرسول .. جهدوا بأموالهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی، باید در موضع گیری علیه جریان های باطل (نفاق) پیشگام باشد.

لا تقم فيه أبداً

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص) در این آیه ظاهراً به خاطر موقعیتی است که آن حضرت داشتند (موقعیت رهبری).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۶

۶- پیامبر

(ص) ، الگو و دارای نقش پیشتاز در درک معارف عالم آفرینش

ألم تر أن الله خلق السموت والأرض بالحقّ

خطاب <ألم تر> اگرچه خطابی عام برای همه انسانهاست، اما مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) می تواند رهنمودی باشد به این نکته که آن حضرت در درک واقعیات عالم پیشتاز است و دیگران باید آن حضرت را سرمشق خود قرار دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، پیشتاز در درک معارف دینی و دارای نقش الگویی در آن

ألم تر كيف ضرب الله مثلاً كلمه طيبه كشجره طيبه

استفهام <ألم تر> تقریری است. یعنی تو می بینی ... از اینکه خداوند، به جای عموم مردم پیامبر(ص) را مورد خطاب قرار داده است می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که وقتی پیامبر(ص) در مثالهای خداوند دقت می کند، مردم باید آن حضرت را سرمشق خود قرار دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۸

۸ - پیامبر (ص) ، پیش گام فهم معارف عمیق عالم است .

ألم تر أن الله يولج الليل في النهار

خطاب <ألم تر> اگر چه به پیامبر(ص) است، اما به قرینه <بما تعملون> حکم اختصاص به او ندارد. مخاطب قرار دادن آن حضرت، می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، پیش گام فهم معارف عمیق عالم است .

ألم تر أن الفلك تجري

<ألم تر> اگرچه به پیامبر(ص) است، اما به قرینه <لیریکم> حکم اختصاص به آن حضرت ندارد. مخاطب قرار دادن او، می تواند به خاطر یادآوری نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام مواضع عقیدتی خود و پیش گامی اش در پذیرش اسلام

قل . . و أمرت لأن أكون أول المسلمين

۲ - پیامبر (ص) ، به پیش گام شدن در پذیرش اسلام ، به عنوان نخستین مسلمان ، مأمور و موظف شد .

و أمرت لأن أكون أول المسلمين

پیشگامی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۹

۹ - پیشتازان در انجام خیرات ، مهم ترین صفت مسلمانان پیرو قرآن و انسان های قرآنی

و منهم سابق بالخیرت

برداشت یاد شده به این خاطر است که پیشتازان در تمسک به قرآن و حافظان ارث الهی، در این آیه به عنوان پیشتازان در خیرات معرفی شده اند.

پیشگامی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۱ - ۴

۴ - موحدان بیمناک از پروردگار و روز قیامت ، پیشتاز در انجام کار های نیک

و هم لها سبفون

<لها> متعلق به <سابقون> است که مفعول آن محذوف می باشد. پس تقدیر آن چنین می شود: <و هم سابقون غیرهم

لها. <سبق> به معنای پیشی گرفتن است.

پیشگامی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ - پیامبران الهی ، موسی ، هارون

، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذالكفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون ... یحیی ... إِنْهُمْ كانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إِنْهُمْ كانوا یسرعون...> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۹۰ ۴۸) از آنان یاد شده است.

پیشگامی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - > عن أبی جعفر (ع) فی قوله < فالسابقات سبقاً > یعنی أرواح المؤمنین تسبق أرواحهم إلى الجنة ... و أرواح الکافرین إلى النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر یکدیگر] سبقت می گیرند. .. و [نیز] ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند].<

پیشگامی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذالكفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون ... یحیی ... إِنْهُمْ كانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إِنْهُمْ كانوا

یسارعون.. < به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۳ - ۴

۴ - نوح (ع) ، پیشتاز و مقتدای حرکت توحیدی در میان پیامبران الهی

و إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ

پیرو بودن ابراهیم(ع) با آن که خود از انبیای بزرگ بود و نیز وجود پیامبرانی چون هود و صالح(ع) پیش از آن حضرت، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد. گفتنی است معنای لغوی <شیعه> (گروه پیرو رئیس خود) مؤید برداشت بالا است.

پیشگامی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد آتینا موسی و هرون .. یحیی ... إِنَّهُمْ كَانُوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا یسارعون..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی همسر زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۲

۱۲- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کار های خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إِنَّهُمْ كَانُوا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا یسارعون..> به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

پیشگامی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴، ۱۲

۱۲- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کارهای خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إِنَّهُمْ كَانُوا یسرعون فی الخیرت

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا یسارعون..> به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کارهای خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون .. یحیی ... إِنَّهُمْ كَانُوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا یسارعون..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کارهای خیر

و لقد

ءاتینا موسی و هرون . . . یحیی ... إَنَّهُمْ کَانُوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إَنَّهُمْ کَانُوا یسارعون..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کارهای خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . . . یحیی ... إَنَّهُمْ کَانُوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا- مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إَنَّهُمْ کَانُوا یسارعون..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

سختی پیشگامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۳ - ۳

۳ - پیشتاز شدن در راه خداوند ، امری سخت و دشوار است و در طول تاریخ تنها دسته ای اندک از عهده آن بر آمده اند .

و السبقون . . . ثلّه من الأوّلین

پیشتازان امت های پیشین، گرچه در مقایسه با پیشتازان بعد دارای تعداد زیادتری هستند، لکن تعداد آنان نسبت به مردم دیگر اندک است و این می رساند که رسیدن به مرتبه پیشتازی، بسی دشوار و سخت می باشد.

فضیلت پیشگامی در سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات -

۲- ارزش مبادرت به سلام، هنگام ورود بر دیگران

إذ دخلوا عليه فقالوا سلمًا

مطلب بالا، با توجه به این نکته است که خداوند، ابتدا وصف <مکرم> را برای میهمانان ابراهیم (ع) آورده و سپس نخستین عمل آن میهمانان شریف (سلام به هنگام ورود) را یاد کرده است.

نگرانی از پیشگامی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۳

۳- موسی و هارون (ع) از پیشدستی فرعون و اقدام او به کیفر فوری آنان، پیش از هرگونه فرصت اظهار معجزه و بیان حقیقت، نگران بودند.

قالا ربنا إننا نخاف أن يفرط علينا

<فَرَطَ>؛ یعنی، پیشی گرفت بدون آن که افراط یا تفریط کرده باشد (مفردات راغب). مراد موسی و هارون (ع)، احتمال دست زدن فرعون به کاری است که فرصت ابلاغ پیام الهی را از آنان بگیرد.

پیشگویی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشگویی

پیشگویی ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۹ - ۹

۹- < و قد روی : إنّه عنی بقوله < سقیم > أى سأسقم ... >

روایت شده که مراد ابراهیم از سخنش <سقیم> این بود که به زودی مریض می شوم. <..>

پیشگویی ارتداد مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۵ - ۲

۲- اخبار خداوند از رفع محدود عذاب دنیوی مشرکان مکه و بازگشت دوباره آنان به کفر و شرک

إِنَّا كَاشَفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ

برداشت یادشده بر این اساس است که عذابی که در آیات پیشین از آن یاد شده، عذاب

دنیوی باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: ما عذاب دنیوی را برای زمانی اندک خواهیم داشت یعنی، در دنیا که اصولاً مجالی اندک است عذاب را از شما برمی داریم؛ اما انتقام به قیامت موکول خواهد شد.

پیشگویی پیدایش منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ - هشدار خداوند ، به ظهور جمعیتی منافق در آینده نزدیک ، در میان جامعه اسلامی

و ليقول الذين في قلوبهم مرض

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از بیماردلان، منافقان اند؛ چنان که در آیه ۱۰ از سوره <بقره> بدان تصریح شده است. از آن جایی که این سوره مکی است و در مکه گروه منافقان به وجود نیامده بودند، از این رو آیه شریفه هشدار به پیدایش چنین جمعیتی، در آینده ای نزدیک است.

پیشگویی پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۱۴

۱۴ - تاریخ آینده بشر ، شاهد شکست تمامی ادیان و پیروزی و حاکمیت دین اسلام خواهد بود .

هو الذی أرسل رسوله .. ليظهره على الدين كله

پیشگویی پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۱

۱ - پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در

اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و

در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. از این رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۲

۲ - اخبار خداوند ، از دستیابی مسلمانان به پیروزی های بزرگ و فراتر از توان به کار گرفته شده از سوی آنان در فتح خیبر و آخری لم تقدروا علیها

با توجه به این که آیات شریفه، در محدوده صلح حدیبیه و جنگ خیبر نازل شده است؛ تعبیر <لم تقدروا> می رساند که مؤمنان غنایمی در پیش دارند که اکنون توان دستیابی به آن را ندارند؛ یعنی، به دست آوردن آن غنایم، نیازمند توانی بیش از این است.

پیشگویی پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ - تحقق پیشگویی اعجاز آمیز خداوند ، از پیروزی های آینده مؤمنان ، زمینه ساز هدایت ایشان به صراط مستقیم

وعدکم .. و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صراطاً مستقیماً

<آیه> به معنای معجزه است؛ زیرا در پیشگویی قطعی از آینده، اعجاز نهفته است. مقدمه قرار گرفتن این معجزه برای هدایت مؤمنان را، می توان از تقدم <آیه> بر <یهدیکم> استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۵

۵ - خبر های خداوند از آینده پیروزمند مؤمنان ، متکی به علم گسترده و همه جانبه او

وعدکم الله .. و آخری لم تقدروا علیها قد أحاط الله بها

از ارتباط <قد أحاط..> با مطالب قبل،

برداشت بالا استفاده می شود.

پیشگویی تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴ - ۳،۵

۳- پیشگویی تورات درباره دوبار فساد انگیزی مهم بنی اسرائیل

و قضینا إلی بنی إسرائیل فی الکتب لتفسدن فی الأرض مرتین

۵- پیشگویی تورات درباره سرکشی بزرگ و برتری جویی حتمی بنی اسرائیل در زمین

و قضینا إلی بنی إسرائیل فی الکتب .. و لتعلن علواً کبیراً

پیشگویی جنگ با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۴

۴ - خبر دادن خداوند از درگیری های آینده کافران (یهود) با مؤمنان ، از درون دژ ها و از پس دیوار های بلند

لا یقتلونکم جمیعاً إلا فی قری محصنه أو من وراء جدر

با توجه به معنای مضارع (یقاتلون)، مطلب بالا قابل برداشت است.

پیشگویی جنگ سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۲

۲ - اخبار الهی از نبرد قریب الوقوع مسلمانان با دشمنی نیرومند ، پس از جنگ خیبر

قل للمخلفین من الأعراب ستدعون إلی قوم أولى بأس شدید

پیشگویی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ خداوند به یوسف (ع) خبر داد که ملاقات او با برادرانش، پس از داستان چاه کنعان، در آینده ای دور تحقق خواهد یافت.

لَتَنْبِئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

جمله حالیه <و هم لایشعرون> متعلق به <لَتَنْبِئَنَّ> است؛ یعنی، به آنان خبر می دهی در حالی که متوجه نیستند [و تو را نمی شناسند]. از

اینکه هیچ یک از برادران یوسف به هنگام ملاقات با وی، او را نخواهند شناخت، معلوم می شود ملاقات مذکور با فاصله زمانی بسیار اتفاق خواهد افتاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ - اعلام خداوند مبنی بر شکست خوردن مشرکان مخالف قرآن و گرفتار شدن آنان به پی آمد های سوء کفرشان در آینده نزدیک

فکفروا به فسوف یعلمون

پیشگویی خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۲ - ۱

۱- خضر (ع) اعتراض موسی را دلیل صحت پیش بینی خویش از ناشکیبایی موسی (ع) دانست و پیش گویی خود را به وی یاد آور شد .

قال ألم أقل إنك لن تستطيع معي صبراً

پیشگویی ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۸

۸- ذوالقرنین ، از بقا و جاودانگی سدش تا قیامت خبر داد . *

فإذا جاء وعد ربِّي جعله دكّاء

اگر مراد از <وعد ربِّي> قیامت باشد، در این صورت، از آیه چنین برمی آید که تا قبل از قیامت، این سد برپا است. <دكّاء> به معنای <مستوی و مسطح>، صفت برای موصوف محذوف است (جعله أَرْضاً دكّاء). مفاد آیه، این است که هرگاه قیامت فرا رسد، خداوند آن سد را زمینی مسطح خواهد ساخت.

پیشگویی شکست بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۲ - ۶

۶ - خیردادن خداوند ، از شکست حتمی یهود و برخوردار نشدن آنان از هیچ امداد

ثمّ لاینصرون

پیشگویی شکست رهبران

شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۱

۱ - پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. از این رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

پیشگویی شکست رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۱

۱ - پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. از این رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

پیشگویی شکست فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - موسی (ع) با توجه به افتراهای فرعونیان بر خداوند، به آنان هشدار داد و شکست و ناکامی را برای آنان پیش بینی کرد.

ویلکم لانفتروا علی الله... و قد خاب من

افتری

پیشگویی شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّى حین . و أبصرهم فسوف يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّى حین . و أبصر فسوف يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۲

۲ - پیشگویی قرآن و بشارت خداوند به شکست خفت بار کافران تکذیب گر

سنسمه علی الخراطوم

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که آیه شریفه درصدد پیشگویی و بشارت به شکست ذلت بار کافران در جنگ های آتی است.

پیشگویی شکست مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّى حين . و أبصرهم فسوف يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّى حين . و أبصر فسوف يبصرون

پیشگویی شکست مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم -

۲ - پیشگویی قرآن و بشارت خداوند به شکست خفت بار کافران تکذیب گر

سنسمه علی الخرطوم

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که آیه شریفه در صدد پیشگویی و بشارت به شکست ذلت بار کافران در جنگ های آتی است.

پیشگویی عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّی حین . و أبصرهم فسوف یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّی حین . و أبصر فسوف یبصرون

پیشگویی عذاب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّی حین . و أبصرهم فسوف یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّی حین . و أبصر فسوف یبصرون

پیشگویی علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۲

۲ - پیشگویی علمای یهود و نصارا، در

باره آمدن قرآن و ظهور پیامبر اسلام (ص)

أولم يكن لهم آية أن يعلمه علموا بني إسرائيل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که صرف آگاهی و اطلاع علمای بنی اسرائیل تا زمانی که اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار نداده اند، نمی تواند آیه و نشانه باشد.

پیشگویی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۲

۲ - پیشگویی علمای یهود و نصارا، در باره آمدن قرآن و ظهور پیامبر اسلام (ص)

أولم يكن لهم آية أن يعلمه علموا بني إسرائيل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که صرف آگاهی و اطلاع علمای بنی اسرائیل تا زمانی که اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار نداده اند، نمی تواند آیه و نشانه باشد.

پیشگویی غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۴

۴ - خبر دادن خداوند، از وجود رویارویی مجدد مسلمانان و یهود (پس از غزوه بنی نضیر)

أخرج الذين كفروا... لأول الحشر

قید <لأول...> این پیام را در بر دارد که برای این تجمع و برخورد، موارد دیگری نیز هست.

پیشگویی فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۷ - ۴

۴ - اخبار ضمنی خداوند، از فتح مکه به دست مسلمانان *

عسى الله... موده

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این مودت، عملاً با فتح مکه تحقق یافت.

پیشگویی قرآن

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۲

۲ - ناتوانی انسان ها از آوردن همانند برای قرآن ، از پیشگویی های قرآن است .

و لن تفعلاوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۳

۳ - یهود به قرآن ایمان نمی آورند و اسلام را نخواهند پذیرفت . *

و إذا قيل لهم ءامنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

حذف فاعل و آوردن فعل به صورت مجهول (قيل) حاوی این نکته است که: پاسخ منفی یهود به دعوت قرآن، مخصوص یهود عصر بعثت نیست؛ بلکه آیندگان اینان نیز همین رویه را خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۶

۶ - دنیاپرستی یهود از پیشگویی های قرآن

لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص) ، ایمان نخواهند آورد .

بل اکثرهم لا يؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لا يؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لا يؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - سرکوبی کفرپیشگان مسلط بر مساجد عصر بعثت و گرفتار شدنشان به خواری و ذلت ، از اخبار غیبی قرآن و از نوید های خدا به مسلمانان

لهم فی الدنیا خزی

چنانچه گذشت، آیه شریفه اشاره به قضایای صدر اسلام و بازدارای مسلمانان

از ورود به مسجد الحرام و مانند آن دارد . با توجه به این حقیقت، جمله <لهم فی الدنيا خزی> نویدی است به مسلمانان که کفرپیشگان مانع از ورود به مساجد، به خواری و ذلت گرفتار خواهند شد، که به مناسبت مورد، مقصود از خواری و ذلت، کوتاه شدن دست آنان از مساجد اسلامی و سیطره مسلمانان بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۶

۶ - پیشگویی قرآن از موضعگیری مخالفان اسلام درباره تغییر قبله

سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قبلتهم التی كانوا علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۸

۸ - هیچ یک از یهود و نصارا، قبله یکدیگر را نخواهند پذیرفت .

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۷

۷ خبر غیبی قرآن از شکست قریب الوقوع یهود عصر پیامبر (ص)

قل للذین کفروا ستغلبون

بنابراینکه منظور از <للذین کفروا>، یهودیان باشند؛ چنانچه در شأن نزول آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ وعده خداوند به عیسی (ع) در مورد غلبه پیروان راستین آن حضرت بر کافران (یهودیان) تا قیامت

و جاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۳ - ۱

۱ پیشگویی خداوند به اینکه نصارای نجران ،

دعوت به مباحله را نمی پذیرند . *

فقل تعالوا ندع .. فان تولوا فان الله عليم بالمفسدين

ظاهراً جمله <فان تولوا .. >، اشاره به این است که مسیحیان، دعوت به مباحله را نمی پذیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۱ - ۵

۵ پیشگویی قرآن در عجز اهل کتاب، از ضرر رسانیدن به مسلمانان و شکست و فرار آنان در پیکار با مسلمانان

لن يضروكم إلا اذى و إن يقتلوكم يولوكم الادبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۱

۱ در صورت نزول کتابی ملموس از سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه بأيديهم لقال الذين كفروا إن هذا إلا سحر مبني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۳

۳ پیشگویی قرآن در مورد عملی شدن وعده های عذاب بر مشرکان مکه و قبیله پیامبر*

و كذب به قومك و هو الحق

از معانی حق، <ثابت> و <واجب> است و در مورد آیه به دلیل اینکه خبر از وقوع حادثه ای در آینده است، یعنی چیزی که تثبیت شده و واقع خواهد شد. لذا اگر مرجع ضمیر <به>، <عذاب> در آیه قبل باشد، جمله <و هو الحق> تأکید بر وقوع حتمی آن در آینده خواهد بود. همان گونه که تاریخ نیز این نکته را به وضوح تأیید کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۴

پیشگویی قرآن از تمسک مشرکان در آینده به جبر برای توجیه عقاید و عملکرد خویش

سيقول الذین أشركوا لو شاء الله ما أشركنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۶،۷

۶ گرایش کافران مکه به قرآن در آینده دوران بعثت ، دلیل گرفتار نشدن آنان به عذاب استیصال ، نه حقانیت ایشان در انکار قرآن

و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و هم يستغفرون> حال مقدر باشد. یعنی خداوند اکنون (زمان انکار قرآن) کافران مکه را عذاب نمی کند، در حالی که در آینده توبه خواهند کرد. گفتنی است که استغفار و توبه کافر به ایمان آوردن اوست.

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۸

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت کلمه ربك لأملأ جهنم من الجنة والناس

<تمت> یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران برآنند که مقصود از <کلمه ربك> که با جمله <لأملأ...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در داستان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لأملأ جهنم منك و ممن تبعك منهم أجمعين> حق این است و من جز حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهیم کرد.

سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵ < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لايزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه .. حتى يأتي وعد الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱،۲

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء

۲- مجرمان هدایت ناپذیر ، در صورت گشوده شدن دری از آسمان و راه یافتن آنان به آنجا جهت مشاهده حقایق ، باز ایمان نخواهند آورد .

كذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظّلوا فيه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

<سكر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۵

۵- خداوند ،

پیشاپیش به پیامبر (ص) اعلام کرد که منکران معاد، پس از دریافت جواب شبهه استبعاد معاد، از پدیدآورنده آن سؤال خواهند کرد.

فسیقولون من یعیدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۳

۱۳- هیچ گاه میان کافران و مسلمانان، با حفظ مواضع اصولی تسالم کامل و دوستی حقیقی برقرار نخواهد شد.

و إن کادوا لیفتنونک عن الذی أوحینا إلیک .. و إذا لاتّخذوک خلیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۳

۳- از پیدایش درگیری های داخل میان یاجوج و ماجوج، پس از ویرانی سد ذوالقرنین خبر داده است. *

فإذا جاء وعد ربّی جعله دكاء .. و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

بدان احتمال که ضمیر در <بعضهم> به یاجوج و ماجوج بازگردد، یعنی، پس از ویرانی سد، آن ها، به کشمکش ها و تهاجمات گسترده به هم دست خواهند زد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۹

۹- قرآن پیشاپیش از سرخوردگی سریع مشرکان و ناکامی آنان در رسیدن به آرزوی عزّت و ثروت، و ضدیت آنان با معبود های موهوم خویش، خبر داده است.

سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضدًا

قرینه ای وجود ندارد که موجب انصراف آیه به وضعیت قیامت مشرکان باشد؛ بنابراین بعید نیست مراد آیه، اخبار از آینده نزدیک مشرکان مکه و روگردانی آنان از شرک و بت پرستی باشد. در این برداشت، ضمیر فاعلی <سیکفرون> و <یکنونون> به مشرکان بازگشت داده شده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۵

۵- پیشگویی قرآن ، مبنی بر ایمان نیاوردن برخی از مشرکان صدراسلام ، حتی پس از نزول معجزات درخواستی آنان

ماء امننت قبلهم .. أفهم يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۴ - ۵

۵- پیشگویی قرآن از پیروزی اسلام و مرگ سران شرک و کفر ، قبل از وفات پیامبر (ص)

أفاین مت فهم الخلدون

همزه در <أفاین> استفهام انکاری و متضمن معنای نفی است. بنابراین پیام اصلی آیه چنین می شود: نه چنین است که او (پیامبر(ص)) <بمیرد و شما زنده باشید و به مدت طولانی بمانید؛ بلکه حقیقت عکس این است، او می ماند و شما ای سران کفر پیش از او خواهید مرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۴

۴- پیش گویی قرآن به هجوم سریع و فتوحات فراگیر یأجوج و مأجوج در سراسر زمین در آینده

حتی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

اضافه شدن لفظ عموم <کلّ> بر اسم نکره <حدب> بیانگر این است که ماجرای یأجوج و مأجوج مربوط به سرزمین خاصی نیست؛ بلکه شامل تمامی سرزمین ها و جهانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - پیشگویی قرآن به شکست جبهه کفر و شرک و پیروزی فراگیر و گسترده جبهه توحید و اسلام در عصر بعثت

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت ليستخلفنهم فى الأرض و

لیمکننّ لهم

پیشگویی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۲

۲ کتب آسمانی پیشین، بیانگر اوصاف پیامبر اکرم(ص) و پیشگویی رسالت آن حضرت

قل أى شیء أكبر شهده .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۷

۷ نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص)، به عنوان خبری غیبی، در کتب آسمانی گذشته مطرح بوده است.

و هذا کتب أنزل نه مبارک مصدق الذی بین یدیه

از معانی محتمل برای <مصدق> تصدیق خبرهای کتب گذشته مبنی بر آمدن پیامبر(ص) و قرآن است، یعنی بدان جهت که این اخبار در آن کتب معهود بوده، نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) صدق آن خبرها را معلوم ساخته است.

پیشگویی کشتی های غول پیکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۸

۸ - پیش بینی قرآن، از ساخت و حرکت کشتی های کوه پیکر در اقیانوس ها *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

بنابراین که در عصر نزول، کشتی های کوه پیکر هنوز ساخته نشده بود، آیه شریفه می تواند نظر به آینده کشتی سازی بشر داشته باشد.

پیشگویی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ فرشتگان با پیش بینی فسادگری انسان ، او را شایسته خلافت نمی دیدند .

قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها و يسفك الدماء

پیشگویی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰

۶ حضرت موسی (ع) ، از پیش به پیروزی و دستیابی به هدف های خود و شکست فرعون ، آگاهی داشت .

و لا یفلح السحرون

<فلاح> به معنای ظفر و دست یافتن به هدف است (مفردات راغب).

۷ حضرت موسی (ع) ، همراه با نفی ساحریت از خود ، فرعون و اطرافیانش را تهدید به شکست کرد و پیروزی قطعی خود را به آنان اعلام نمود .

و لا یفلح السحرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - موسی (ع) با توجه به افترا های فرعونیان بر خداوند ، به آنان هشدار داد و شکست و ناکامی را برای آنان پیش بینی کرد .

ویلکم لا تفتروا علی الله ... و قد خاب من افتری

پیشگویی نجات محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۴ - ۵

۵ - قرآن پیشاپیش ، رهایی پیامبر (ص) را از روی گردانی و خشم خداوند تا پایان عمر آن حضرت ، خبر داده است .

و للأخره خیر لک من الأولى

مراد از <آخرت> و <اولی> چه دنیا و آخرت باشد و چه آغاز و فرجام زندگانی دنیوی پیامبر(ص) چنانچه برخی از مفسران احتمال داده اند آیه شریفه سلامت کامل پیامبر(ص) را، از هرگونه انحراف که به خشم خداوند بینجامد، پیشگویی کرده است.

پیشگویی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۹

۹ نوح (ع) در پاسخ استهزاگران ، آنان

را از آینده ای درخور استهزا و در پی دارنده تمسخر خبر داد .

إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۹ - ۱

۱ نوح (ع) ، به کفرپیشگان قومش اعلام کرد که به عذاب دنیوی و اخروی ، گرفتار خواهند شد .

فسوف تعلمون من يأتيه عذاب يخزيه و يحلّ عليه عذاب مقيم

با توجه به تکرار کلمه <عذاب> و توصیف عذاب دوم به همیشگی بودن، می توان گفت: مراد از <عذاب یخزیه>، عذاب دنیوی و مقصود از <عذاب مقيم>، آتش دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ > عن الصادق (ع) : لما حضرت نوحاً (ع) الوفاه دعا الشيعه فقال لهم : إعلموا أنه ستكون من بعدى غيبه تظهر فيه الطواغيت و أن الله عزوجل يفرّج عنكم بالقائم من ولدى اسمه هود ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده: هنگامی که وفات نوح فرارسید، پیروانش را فرا خواند و فرمود: بدانید همانا به زودی بعد از من غیبتی خواهد بود که در آن طاغوتها پدید می آیند و خدای عزوجل بهوسیله فردی قیام کننده از نسل من، که نام او هود است، برای شما گشایش پدید می آورد.. <.

پیشگویی وسایل حمل و نقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۶

۶- پیشگویی قرآن درباره اختراع وسایل پیشرفته و جدید برای حمل و نقل ، مسافرت و سایر وسایل آسایشی و رفاهی انسان

الأنعم خلقها لكم فيها دفءٌ و منفعة .. و لكم فيها جمال ... لتركبوها و زينه و

متعلق <يخلق> نامعلوم و فواید آن محذوف است، ولی با توجه به فوایدی که برای اشیای خلق شده ذکر کرده، می توان حدس زد که فواید مخلوقهای جدید نیز در راستای بهره‌وری انسان است.

پیشگویی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۶

۶ یعقوب (ع) پیش بینی می کرد که همه فرزندانش علیه یوسف (ع) متحد می شوند و هیچ کدام از او حمایت نخواهند کرد.

فیکیدوا لک کیداً

ضمیر در <یکیدوا> به <إخوه> باز می گردد و این گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۳

۳ یعقوب (ع) هم زمان با حرکت فرزندان از مصر، یافته خویش (شنیدن بوی یوسف) را برای اطرافیانش ابراز کرد.

و لما فصلت العیر قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد.

قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف .. قالوا تالله إنك لفي ضللك القديم

پیشگویی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۹

۹ اطلاع یوسف (ع) از آینده و آگاهی او به غیب

قضى الأمر الذى فيه

مفاد <قضی الأمر...> تأویل و تفسیر رؤیای هم بندگان یوسف نیست؛ بلکه بیان حقیقتی است که آن حضرت در حاشیه تأویل رؤیا بیان داشت و این نشان دهنده آن است که آن حضرت علاوه بر تعبیر رؤیا، به اموری از آینده نیز آگاه بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی، مصر و اطراف آن (کنعانو...) را فرا گرفت.

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

تحقق پیشگویی خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۳

۳- پیش بینی خضر (ع) در مورد ناشکیبایی موسی (ع) در برابر کارهای او، مطابق واقع بود.

لقد جئت شیئاً نکراً. قال ألم أقل لك إتك لن تستطيع معی صبراً

تحقق پیشگویی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۵

۵ پیشگویی یوسف (ع) مبنی بر بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهنش، تحقق یافت.

اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه أبی یأت بصیراً... ألقیه

علی وجهه فارتد بصیرًا

ضمیر <ه> در <ألقاه> به قمیص باز می گردد و مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب (ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی <ألقى> دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به <بشیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب (ع) دانسته اند.

درخواست پیشگویی از محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۷

۷- مشرکان ، خوستار اخبار و پیشگویی پیامبر (ص) از آینده و سرنوشت افراد

و ما أدری ما یفعل بی و لا بکم

از پاسخ آیه شریفه، انتظار مذکور دانسته می شود.

شرایط پیشگویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۸

۸- لزوم متکی ساختن هر پیشگویی و پیشبینی ، به مشیت خداوند

لتدخلنّ ... إن شاء الله

از این که حتی خداوند در وعده و پیشگویی خود، امر را معلق بر مشیت خویش ساخته است؛ مطلب بالا در حق بندگان به طریق اولی استفاده می شود.

منشأ پیشگویی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۰ - ۶

۶ اخبار خداوند از روحیه هدایت ناپذیر منافقان ، متکی بر علم گسترده اوست .

لا يزال بينهم الذي بنوا ريبة في قلوبهم .. و الله عليم حكيم

نهی از پیشگویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۳ - ۱،۳

۱- خداوند ، پیامبر را از قطعی دانستن انجام کاری در آینده ، بر حذر داشت .

و لاتقولنّ لشاء إني فاعل ذلك غداً

۳- وعده

و تضمین انجام حتمی کاری در آینده ، به اتکای توان و امکانات خویش ، مورد نهی اکید خداوند است .

و لا تقولنّ لشيءٍ إني فاعل ذلك غداً

<إلا أن يشاء الله> در آیه بعد گویای این است که نهی <لا تقولنّ> در مورد اتکای به توان خویش است.

پیشنهاد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشنهاد

برادران یوسف و پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکشتن یوسف (ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لا تقتلوا يوسف و ألقوه في غيب الجب . . قالوا ياأبانا ما لك

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه في غيب الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

پوچی پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۳

۳ - تصریح به آمادگی نداشتن مشرکان برای پذیرش توحید در هیچ زمان و تأکید بر واهی بودن پیشنهاد سازش از سوی آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص) ،

قل . . و لا أنتم عبدون ما أعبد

آیات آغاز سوره که تسامح طرفین را در زمان آینده منتفی دانست با مفهوم خود، تکلیف زمان حال را نیز روشن کرده است. در این حال، وضعیت زمان حال به صراحت در این آیه، بیان شد تا موضع گیری ها شفاف

باشد.

پیشنهاد ارائه کتاب هدایتگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۹

۹ - پیشنهاد آوردن کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات ، به کافران حق ستیز از سوی پیامبر (ص) و به فرمان خداوند

قل فأتوا بكتب . . هو أهدى منهما

پیشنهاد ازدواج به موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال إني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

۲ - اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

اسم اشاره <هاتین> نشان دهنده آن است که هر دو دختر شعیب، در آن لحظه حضور داشتند. گفتنی است که حضور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی (ع) دارد.

پیشنهاد اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۱

۱ - پیشنهاد مشاوران فرعون به خود و انهدان موقتی موسی و هارون (ع) و شتاب نکردن در مجازات آنان (زندانی کردن)

قال لئن اتخذت إلهًا غيري لأجعلنك من المسجونين . . فماذا تأمرون . قالوا أرجه و

<ارجاء> (مصدر <ارج>) به معنای وانهادن و مهلت دادن است. گفتنی است که <ارج> در اصل <ارجی> بوده که لام
الفعل آن حذف شده است. ضمیر <ه> ساکن در آخر آن، مفعولی

و راجع به موسی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۱

۱ - گردآوری تمامی ساحران کارآموده و ماهر برای مقابله با معجزات موسی ، طرح مشاوران فرعون بود .

و ابعث فی المدائن حشرین . یأتوک بکلّ سحر علیم

پیشنهاد اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۶ - ۲

۲- رفتن به غار ، پیشنهاد برخی از اصحاب کهف به دیگر افراد گروه بود .

و إذ اعتزلتموهم و ما یعبدون إلاّ الله فأوؤا إلى الكهف

پیشنهاد بت پرستی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۵

۵ - > سأل [الأحول] أبا عبد الله (ع) عن ذلك فقال : كان سبب نزولها و تكرارها أنّ قریشاً قالت لرسول الله تعبد آلهتنا سنه

و نعبد إلهك سنه و تعبد آلهتنا سنه و نعبد إلهك سنه فأجابهم الله بمثل ما قالوا ;

[ابوجعفر احول] از امام صادق(ع) درباره سبب تکرار آیات [در سوره کافرون] پرسید: امام فرمود: سبب نزول آن آیه ها و

تکرار آن، این بود که قریش به رسول خدا(ص) گفتند: یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را

عبادت می کنیم. [دوباره] تو یک سال خدایان ما را عبادت کن و ما یک سال خدای تو را عبادت می کنیم. خداوند نیز به

آنان مانند سخنشان جواب داد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۱،۶

برخی از کافرانِ عصر بعثت ، مدعی آمادگی برای عبادت خداوند ، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (ص) برای عبادت معبود های آنان

و لا اَنتُم عبدون ما اُعبَد

خبر دادن پیامبر(ص) از سر سختی کافران پس از نفی کوتاه آمدن خود بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر(ص) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

۶ - کافران ، خود را در اقدام به خداپرستی در صورت سازش پیامبر (ص) با آنان پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (ص) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند .

لا اُعبَد ما تعبدون . و لا اَنتُم عبدون ما اُعبَد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست و ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر(ص)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم و مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

پیشنهاد برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۶

۶ بازداشت یکی از برادران بنیامین در مقابل آزاد کردن او ، پیشنهاد برادران به یوسف

فخذ اُحدنا مکانه

پیشنهاد به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸

۹ - پیشنهاد آوردن کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات ، به کافران حق ستیز از سوی پیامبر (ص) و به فرمان خداوند

قل فأتوا بكتب .. هو أهدى منهما

پیشنهاد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۱

۱ - ساحران فرعون ، در میدان مبارزه و رویارویی با موسی (ع) ، تعیین آغازکننده را به آن حضرت محول کردند .

قالوا يموسى إِمَّا أَنْ تُلْقَى .. أَلْقَى

پیشنهاد خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۸

۸ - اعلام آمادگی خواهر موسی ، برای راهنمایی کسان فرعون به خانواده ای مناسب جهت سرپرستی وی

قالت هل أدلکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

پیشنهاد دختر شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱

۱ - پیشنهاد یکی از دختران شعیب به پدر برای استخدام موسی (ع)

قالت إحدیهما یأبت استجره

پیشنهاد سوزاندن ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - توصیه دسته جمعی مشرکان به یکدیگر ، مبنی بر ساختن بنایی برای سوزاندن ابراهیم (ع)

قالوا ابنوا له بنیناً فألقوه فی الجحیم

پیشنهاد شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكَحَكَ إِحْدَى ابْنَتِي هَتِين

۲- اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكَحَكَ إِحْدَى ابْنَتِي هَتِين

اسم اشاره <هاتین> نشان دهنده آن است که هر دو دختر شعیب، در آن لحظه حضور داشتند. گفتنی است که حضور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی (ع) دارد.

پیشنهاد فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۴

۴ - صلاح‌دید مشاوران فرعون، مبارزه با موسی به شیوه ای همسان شیوه خود وی بود و نه زندان و قتل.

قالوا أُرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

برداشت یاد شده از آن جا است که منطق فرعون <لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ> بود؛ ولی مشاوران وی با دیدن معجزات موسی این راه را نپسندیدند؛ بلکه در پیش گرفتن راهی منطقی تر و ظاهراً همسان راه موسی را ترجیح دادند.

پیشنهاد قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۵

۵ - > سأل [الأحول] أبا عبد الله (ع) عن ذلك فقال: كان سبب نزولها و تكرارها أن قریشاً قالت لرسول الله تعبد آل هتينا سנה و تعبد إلهك سנה و تعبد آل هتينا سנה و نعبد إلهك سנה فأجابهم الله بمثل ما قالوا؛

[ابوجعفر احوال] از امام صادق (ع) درباره سبب تکرار آیات [در سوره کافرون] پرسید؛ امام فرمود: سبب نزول آن آیه ها و تکرار آن، این بود که قریش به رسول خدا (ص) گفتند: یک سال

تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را عبادت می کنیم. [دوباره] تو یک سال خدایان ما را عبادت کن و ما یک سال خدای تو را عبادت می کنیم. خداوند نیز به آنان مانند سخنان جواب داد.

پیشنهاد کاشفان اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۲۷، ۲۵

۲۵- بازدید کنندگان از اصحاب کهف، جملگی بر آن شدند که برای اجساد آنان، حفاظی بنا کنند.

فقالوا ابنوا علیهم .. لتتخذن علیهم مسجداً

۲۷- برخی از بازدید کنندگان اصحاب کهف، دیگران را به اکتفا بر ایجاد یک ساختمان عادی در جایگاه آنان، ترغیب کردند.

فقالوا ابنوا علیهم بنیناً ربهم أعلم بهم

جمله <قال الذین غلبوا..> در ذیل آیه، قرینه این است که تنها، بخشی از بازدید کنندگان پیشنهاد بنای ساختمان عادی را مطرح کردند. نکره بودن <بنیاناً> بیان کننده بی تفاوتی آنان در برابر نوع و هویت ساختمان است.

پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۹

۹- رد پیشنهاد کافران (نزول دفعی قرآن) از سوی خداوند، به خاطر عدم صداقت آنان در خواسته خویش

أولم یکفروا بما أوتی موسی من قبل

مقصود از آیه این است که اقتراح کافران، بهانه ای بیش نیست؛ زیرا اگر راست می گویند پس چرا به تورات با این که به صورت دفعی نازل شده بود پیش از این کفر ورزیدند.

پیشنهاد کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - برخی از کافرانِ عصر بعثت ، مدعی آمادگی برای عبادت خداوند ، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (ص) برای عبادت معبود های آنان

و لا اَنتم عبدون ما اَعبد

خبر دادن پیامبر(ص) از سر سختی کافران پس از نفی کوتاه آمدن خود بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر(ص) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

۶ - کافران ، خود را در اقدام به خداپرستی در صورت سازش پیامبر (ص) با آنان پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (ص) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند .

لا اَعبد ما تعبدون . و لا اَنتم عبدون ما اَعبد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست؛ ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر(ص)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم؛ مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۱

۱ - برخی از کافران عصر بعثت ، آمادگی خود را برای عبادت خداوند به صورتی مشروط ، به پیامبر (ص) عرضه کردند .

و لا اَنتم عبدون ما اَعبد

پیشنهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۵۸، ۱۰۳

۱ یکی از برادران یوسف (لاوی) در جلسه توطئه، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت.

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند.

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیارة

<جَبَّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که <جَبَّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

۵ چاه پیشنهاد شده از طرف لاوی جهت افکندن یوسف (ع)، چاهی مشخص و مورد نظر بوده است.

ألقوه فی غیبت الجب

ظاهر آن است که <ال> در <الجب> عهد ذهنی و اشاره به چاهی معهود می باشد.

۸ > عن أبي جعفر (ع) : . . . فقال لاوی لایجوز قتله و نغیبه عن أبینا ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . پس لاوی گفت: کشتنش روا نیست و [لیکن] او را از پدرمان دور می سازیم.<

پیشنهاد لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود

۲۵ > عن أبي عبدالله (ع) في قول لوط > هؤلاء بناتي هنّ أطهر لكم < قال : عرض عليهم التزويج ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط که فرموده: >اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند< روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۱۰،۳

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرّض به مهمانان ، پیشنهاد کرد .

قال هؤلاء بناتي إن كنتم فعلين

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را به جای همجنس بازی به ازدواج با زنان فرا خواند .

قال هؤلاء بناتي إن كنتم فعلين

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <بناتی> زنان قوم باشند؛ چون پیامبران به منزله پدر برای امت خویشند. بعلاوه بسیار بودن تعداد کسانی که به منزل حضرت لوط(ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، می تواند مؤید این نظریه باشد.

۱۰- > عن أحدهما : ... ثم عرض عليهم بناته نكاحاً ... ؛

از امام باقر یا امام صادق(ع) روایت شده است: لوط(ع) دختران خود را برای ازدواج به قوم خود پیشنهاد کرد..<

پیشنهاد محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱۰،۹

۹ - پیشنهاد آوردن کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات ، به کافران حق ستیز از سوی پیامبر (ص) و به فرمان خداوند

قل فأتوا بكتب .. هو أهدى منهما

- تعهد پیامبر (ص) به پیروی از کتابی برتر از قرآن و تورات ، در صورت ارائه آن از سوی کافران

قل فأتوا بكتب . . . أتبعه

عبارت <أتبعه> جواب برای شرط محذوف است؛ یعنی، <إن تأتوا بكتاب أهدى منها أتبعه؛ اگر کتابی هدایتگر بیاورید، من از آن پیروی خواهم کرد.>.

پیشنهاد مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۳

۲۳- خداوند پیامبر (ص) را از پذیرش پیشنهاد رفاه مندان در خصوص گسستن از طبقه محروم و عطف توجه به طبقه اشراف ، برحذر داشت .

و لاتطع من أغفلنا قلبه

پیشنهاد موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۰ - ۳

۳ - اظهار آمادگی موسی ، برای ارائه دلیلی روشن و محسوس (معجزه) بر صدق رسالت خویش

قال أولوجتتك بشيء مبین

مراد از <بشئء مبین> به قرینه آیات بعد، معجزه عصا و ید بیضا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۱

۱ - پیشنهاد موسی (ع) به ساحران ، برای پیشقدم شدن در نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسى ألقوا ما أنتم ملقون

پیشنهاد مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - اطمینان دادن مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از آسیب دیدن موسی (ع) در صورت دروغ گو بودن ایشان در ادعاهای خود

و إن يك كذبًا فعليه كذبه

رد پیشنهاد برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱

۱ یعقوب (ع) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و با روانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد .

قال هل ءامنکم علیه إلا کما أمتکم علی أخیه من قبل

رد پیشنهاد شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ - شعیب (ع) ، نگران رد شدن پیشنهاد وی از سوی موسی (ع)

و ما أريد أن أشقّ عليك

این که حضرت شعیب(ع) بلافاصله اعلام می کند من قصد ندارم بر تو سخت بگیرم، در بردارنده نوعی درخواست از سوی شعیب(ع) است که موسی(ع) پیشنهاد او را رد نکند.

رد پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۹ - ۳

۳ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر سازش نکردن با کافران تکذیب گر و نپذیرفتن هرگونه پیشنهاد سازش

فلاتطع المکذبین . و دّوا لوتدهن فیدهنون

رد پیشنهاد لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۹ - ۱،۳

۱ تبه کاران قوم لوط ، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هؤلاء بناتى هنّ أظهر لكم . . . قالوا لقد علمت ما لنا فى بناتك من حق

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فى بناتك من حق و إنك

لتعلم ما نريد

رد پیشنهاد متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۹

۹ - فرمان خدا به پیامبر (ص)، در رد پیشنهاد غایبان از حدیبیه، برای شرکت در جنگ خبیر

ذرونا تَبِعْكُمْ .. قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ

<لَنْ تَتَّبِعُونَا> می تواند اخبار در مقام انشا باشد.

روش ارائه پیشنهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۲

۱۲ توجیه پیشنهادها و توصیهها با بیان فرجام و نتیجه آنها، امری شایسته و نیکوست.

لَا تَأْيِسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنَ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ

جمله <إِنَّهُ لَا يَأْتِيَنَّكُمْ...> تعلیل برای <لَا تَأْيِسُوا...> است. یعقوب(ع) توصیه خویش (مأیوس نشدن از رحمت الهی) را با بیان فرجام آن (سقوط به ورطه کفر) تعلیل و توجیه کرد و این درسی است برای همگان که توصیه و یا فرمان خویش را با دلیل و بیان فرجام آن قرین سازند.

فلسفه پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۴،۶

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود.

لَا تَقْتُلُوا يَوْسُفَ... وَالْقَوْهَ فِي غَيْبِ الْجَبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ

پیشنهاد لاوی مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید

(أوطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه

کاروانی او را بیابد (يلتقطه بعض السياره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف (ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید .

يلتقطه بعض السياره

التقاط (مصدر يلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

قبول پیشنهاد اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۱

۱ - پیشنهاد مشاوران مبنی بر فراخوانی ساحران از همه شهر ها ، مورد پذیرش فرعون

قالوا .. و ابعث في المدائن ... فجمع السحرة

قبول پیشنهاد خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۸

۸ - دایه پیشنهادی خواهر موسی ، از سوی درباریان فرعون پذیرفته و از وی استقبال شد .

هل أدلکم علی من یکفله فرجعناک إلی أمک

<فاء> در <فرجعناک> فصیحه است؛ یعنی، از جملاتی محذوف خبر می دهد که از پذیرش پیشنهاد خواهر موسی حکایت دارد.

قبول پیشنهاد دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - احترام گذاشتن و ترتیب اثر دادن به نظرات و پیشنهاد های دختران ، رفتاری پسندیده برای پدر

قالت إحدیهما یأبت استئجره .. القویّ الأمين

قبول پیشنهاد دختر شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۹

۹ - استقبال شعیب (ع) از پیشنهاد دختر خویش برای استخدام موسی (ع)

إِنَّ

خير من استئجرت القوی الامین

سکوت شعيب(ع) در برابر پیشنهاد دختر خویش، نشانگر پذیرفته شدن آن از سوی وی می باشد. آیه بعد نیز گویای همین مطلب است.

قبول پیشنهاد شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۱

۱ - پذیرفته شدن پیشنهاد شعيب (هشت تا ده سال کار در قبال ازدواج) از سوی موسی (ع)

قال إني أريد... أئما الأجلين قضيت فلاعدون علي

قبول پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکستن يوسف (ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت.

لاقتلوا يوسف و ألقوه في غيب الجب... قالوا ياأبانا ما لك

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن يوسف(ع) به مراتع، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه في غيب الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

قبول پیشنهاد موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۱ - ۱

۱ - موافقت فرعون با پیشنهاد موسی (ع) مبنی بر ارائه دلیل محسوس و روشن بر صدق رسالت خویش

قال أولو جئتک بشيء مبین . قال فأت به

يوسف(ع) و پیشنهاد برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱

۱ یوسف (ع) پیشنهاد فرزندان یعقوب ()

بازداشت یکی از آنان به جای بنیامین) را نپذیرفت .

فخذ أحدنا مكانه . .. قال معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا

<معاذ> مصدر میمی و مفعول مطلق برای فعل محذوف است (نعوذ بالله معاذاً). عبارت <أن نأخذ> به تقدیر <من> و متعلق به <معاذ الله> می باشد. بنابراین جمله <معاذ الله أن نأخذ...> یعنی، به خدا پناه می بریم پناه آوردنی از اینکه بگیریم (بازداشت کنیم) مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافتیم.

پیشنهاد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشنهاد

برادران یوسف و پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکشتن یوسف (ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لا تفتلوا يوسف و ألقوه في غيبث الجب . .. قالوا ياأبانا ما لك

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه في غيبث الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

پوچی پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۳

۳ - تصریح به آمادگی نداشتن مشرکان برای پذیرش توحید در هیچ زمان و تأکید بر واهی بودن پیشنهاد سازش از سوی آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص))

قل . . . و لا أنتم عبدون ما أعبد

آیات آغاز سوره که تسامح طرفین را در زمان آینده منتفی

دانست با مفهوم خود، تکلیف زمان حال را نیز روشن کرده است. در این حال، وضعیت زمان حال به صراحت در این آیه، بیان شد تا موضع گیری ها شفاف باشد.

پیشنهاد ارائه کتاب هدایتگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۹

۹ - پیشنهاد آوردن کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات، به کافران حق ستیز از سوی پیامبر (ص) و به فرمان خداوند

قل فأتوا بكتب... هو أهدى منهما

پیشنهاد ازدواج به موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال إنني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

۲ - اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إنني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

اسم اشاره <هاتین> نشان دهنده آن است که هر دو دختر شعیب، در آن لحظه حضور داشتند. گفتنی است که حضور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی (ع) دارد.

پیشنهاد اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۱

۱ - پیشنهاد مشاوران فرعون به خود و انهدان موقتی موسی و هارون (ع) و شتاب نکردن در مجازات آنان (زندانی کردن)

قال لئن اتخذت إلهًا غيري لأجعلنك من المسجونين... فماذا تأمرون. قالوا أرجه و

(مصدر <ارج>) به معنای وانهادن و مهلت دادن است. گفتنی است که <ارج> در اصل <ارجی> بوده که لام الفعل آن حذف شده است. ضمیر <ه> ساکن در آخر آن، مفعولی و راجع به موسی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۱

۱ - گردآوری تمامی ساحران کارآموده و ماهر برای مقابله با معجزات موسی ، طرح مشاوران فرعون بود .

و ابعث فی المدائن حشرین . یأتوک بکلّ سحر علیم

پیشنهاد اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۶ - ۲

۲- رفتن به غار ، پیشنهاد برخی از اصحاب کهف به دیگر افراد گروه بود .

و إذ اعتزلتموهم و ما یعبدون إلاّ الله فأوؤا إلى الكهف

پیشنهاد بت پرستی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۵

۵ - > [الأحول] أباعبدالله (ع) عن ذلك فقال : كان سبب نزولها و تکرارها أنّ قریشاً قالت لرسول الله تعبد آلهتنا سنه و نعبد إلهک سنه و تعبد آلهتنا سنه و نعبد إلهک سنه فأجابهم الله بمثل ما قالوا ;

[ابوجعفر احول] از امام صادق(ع) درباره سبب تکرار آیات [در سوره کافرون] پرسید: امام فرمود: سبب نزول آن آیه ها و تکرار آن، این بود که قریش به رسول خدا(ص) گفتند: یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را عبادت می کنیم. [دوباره] تو یک سال خدایان ما را عبادت کن و ما یک سال خدای

تو را عبادت می کنیم. خداوند نیز به آنان مانند سخنشان جواب داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۱،۶

۱ - برخی از کافران عصر بعثت، مدعی آمادگی برای عبادت خداوند، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (ص) برای عبادت معبودهای آنان

و لا اُتَمُّ عبدون ما اُعبَد

خبر دادن پیامبر(ص) از سر سختی کافران پس از نفی کوتاه آمدن خود بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر(ص) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

۶ - کافران، خود را در اقدام به خداپرستی در صورت سازش پیامبر (ص) با آنان پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (ص) به آنان را، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند.

لا اُعبَد ما تعبدون . و لا اُتَمُّ عبدون ما اُعبَد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست و ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر(ص)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم و مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

پیشنهاد برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۶

۶ بازداشت یکی

از برادران بنیامین در مقابل آزاد کردن او ، پیشنهاد برادران به یوسف

فخذ أهدنا مكانه

پیشنهاد به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۹

۹ - پیشنهاد آوردن کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات ، به کافران حق ستیز از سوی پیامبر (ص) و به فرمان خداوند

قل فأتوا بكتب .. هو أهدى منهما

پیشنهاد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۱

۱ - ساحران فرعون ، در میدان مبارزه و رویارویی با موسی (ع) ، تعیین آغازکننده را به آن حضرت محول کردند .

قالوا يموسى إِمَّا أَنْ تُلْقَى .. أَلْقَى

پیشنهاد خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۸

۸ - اعلام آمادگی خواهر موسی ، برای راهنمایی کسان فرعون به خانواده ای مناسب جهت سرپرستی وی

قالت هل أدلكم على أهل بيت يكفلونه لكم و هم له نصحون

پیشنهاد دختر شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱

۱ - پیشنهاد یکی از دختران شعیب به پدر برای استخدام موسی (ع)

قالت إحدیهما یأبت استئجره

پیشنهاد سوزاندن ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۷ - ۱

۱ - توصیه دسته جمعی مشرکان به یکدیگر ، مبنی بر ساختن بنایی برای سوزاندن ابراهیم (ع)

قالوا ابنوا له بنیناً فآلقوه فی الجحیم

پیشنهاد شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱ - تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال إني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

۲ - اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هتين

اسم اشاره <هاتین> نشان دهنده آن است که هر دو دختر شعیب، در آن لحظه حضور داشتند. گفتنی است که حضور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی (ع) دارد.

پیشنهاد فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - صلاح‌دید مشاوران فرعون، مبارزه با موسی به شیوه ای همسان شیوه خود وی بود و نه زندان و قتل.

قالوا أرجه و أخاه و ابعث في المدائن حشرين

برداشت یاد شده از آن جا است که منطق فرعون <لأجعلنك من المسجونين> بود؛ ولی مشاوران وی با دیدن معجزات موسی این راه را نپسندیدند؛ بلکه در پیش گرفتن راهی منطقی تر و ظاهراً همسان راه موسی را ترجیح دادند.

پیشنهاد قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - > سأل [الأحول] أباعبدالله (ع) عن ذلك فقال: كان سبب نزولها و تكرارها أن قریشاً قالت لرسول الله تعبد آلهمنا سنيه و تعبد إلهك سنيه و تعبد آلهمنا سنيه و تعبد إلهك سنيه فأجابهم الله بمثل ما قالوا؛

از امام صادق(ع) درباره سبب تکرار آیات [در سوره کافرون] پرسید؛ امام فرمود: سبب نزول آن آیه ها و تکرار آن، این بود که قریش به رسول خدا(ص) گفتند: یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را عبادت می کنیم. [دوباره] تو یک سال خدایان ما را عبادت کن و ما یک سال خدای تو را عبادت می کنیم. خداوند نیز به آنان مانند سخنان جواب داد.

پیشنهاد کاشفان اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۲۵، ۲۷

۲۵- بازدید کنندگان از اصحاب کهف، جملگی بر آن شدند که برای اجساد آنان، حفاظی بنا کنند.

فقالوا ابنوا عليهم .. لنتخذن مسجداً

۲۷- برخی از بازدید کنندگان اصحاب کهف، دیگران را به اکتفا بر ایجاد یک ساختمان عادی در جایگاه آنان، ترغیب کردند.

فقالوا ابنوا عليهم بنياناً ربهم أعلم بهم

جمله <قال الذين غلبوا..> در ذیل آیه، قرینه این است که تنها، بخشی از بازدید کنندگان پیشنهاد بنای ساختمان عادی را مطرح کردند. نکره بودن <بنياناً> بیان کننده بی تفاوتی آنان در برابر نوع و هویت ساختمان است.

پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۹

۹- رد پیشنهاد کافران (نزول دفعی قرآن) از سوی خداوند، به خاطر عدم صداقت آنان در خواسته خویش

أولم يكفروا بما أوتى موسى من قبل

مقصود از آیه این است که اقتراح کافران، بهانه ای بیش نیست؛ زیرا اگر راست می گویند پس چرا به تورات

با این که به صورت دفعی نازل شده بود پیش از این کفر ورزیدند.

پیشنهاد کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۱،۶

۱ - برخی از کافرانِ عصر بعثت ، مدعی آمادگی برای عبادت خداوند ، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (ص) برای عبادت معبود های آنان

و لا اَنتم عبدون ما اَعبد

خبر دادن پیامبر(ص) از سر سختی کافران پس از نفی کوتاه آمدن خود بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر(ص) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

۶ - کافران ، خود را در اقدام به خداپرستی در صورت سازش پیامبر (ص) با آنان پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (ص) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند .

لا اَعبد ما تعبدون . و لا اَنتم عبدون ما اَعبد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست و ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر(ص)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم و مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۱

- برخی از کافران عصر بعثت ، آمادگی خود را برای عبادت خداوند به صورتی مشروط ، به پیامبر (ص) عرضه کردند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۱،۳،۵،۸

۱ یکی از برادران یوسف (لاوی) در جلسه توطئه ، سایر برادران را از کشتن او بر حذر داشت .

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

<جَبّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که <جَبّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

۵ چاه پیشنهاد شده از طرف لاوی جهت افکندن یوسف (ع) ، چاهی مشخص و مورد نظر بوده است .

ألقوه فی غیبت الجب

ظاهر آن است که <ال> در <الجب> عهد ذهنی و اشاره به چاهی معهود می باشد.

۸ > عن أبي جعفر (ع) : . . . فقال لاوی لایجوز قتله و نغیبه عن أبینا ;

از امام باقر(ع) روایت شده

است: ... پس لاوی گفت: کشتش روا نیست و [لیکن] او را از پدرمان دور می سازیم <.

پیشنهاد لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۲۵

۲۵ > عن أبي عبدالله (ع) في قول لوط < هؤلاء بناتي هن أطهر لكم > قال: عرض عليهم التزويج؛

از امام صادق (ع) درباره سخن لوط که فرموده: <اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند> روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۱۰، ۱۳

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرّض به مهمانان، پیشنهاد کرد.

قال هؤلاء بناتي إن كنتم فعلين

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را به جای همجنس بازی به ازدواج با زنان فرا خواند.

قال هؤلاء بناتي إن كنتم فعلين

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <بناتی> زنان قوم باشند؛ چون پیامبران به منزله پدر برای امت خویشند. بعلاوه بسیار بودن تعداد کسانی که به منزل حضرت لوط (ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، می تواند مؤید این نظریه باشد.

۱۰- > عن أحدهما: ... ثم عرض عليهم بناته نكاحاً ...؛

از امام باقر یا امام صادق (ع) روایت شده است: لوط (ع) دختران خود را برای ازدواج به قوم خود پیشنهاد کرد... <.

پیشنهاد محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۹، ۱۰

- پیشنهاد آوردن کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات ، به کافران حق ستیز از سوی پیامبر (ص) و به فرمان خداوند

قل فأتوا بكتب .. هو أهدى منهما

۱۰ - تعهد پیامبر (ص) به پیروی از کتابی برتر از قرآن و تورات ، در صورت ارائه آن از سوی کافران

قل فأتوا بكتب .. أتبعه

عبارت <أتبعه> جواب برای شرط محذوف است؛ یعنی، <إن أتوا بكتاب أهدى منها أتبعه> اگر کتابی هدایتگر بیاورید، من از آن پیروی خواهم کرد.

پیشنهاد مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۳

۲۳- خداوند پیامبر (ص) را از پذیرش پیشنهاد رفاه مندان در خصوص گسستن از طبقه محروم و عطف توجه به طبقه اشراف ، برحذر داشت .

و لاتطع من أغفلنا قلبه

پیشنهاد موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۰ - ۳

۳ - اظهار آمادگی موسی ، برای ارائه دلیلی روشن و محسوس (معجزه) بر صدق رسالت خویش

قال أولو جئتكم بشيء مبین

مراد از <بشئ مبین> به قرینه آیات بعد، معجزه عصا و ید بیضا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۱

۱ - پیشنهاد موسی (ع) به ساحران ، برای پیشقدم شدن در نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسى ألقوا ما أنتم ملقون

پیشنهاد مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - اطمینان دادن مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از آسیب

دیدن موسی (ع) در صورت دروغ گو بودن ایشان در ادعاهای خود

و إن یک کذباً فعلیه کذبہ

رد پیشنهاد برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱

۱ یعقوب (ع) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و با روانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد .

قال هل ءامنکم علیہ إلا کما أمتکم علی أخیه من قبل

رد پیشنهاد شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ - شعیب (ع) ، نگران رد شدن پیشنهاد وی از سوی موسی (ع)

و ما أرید أن أشقّ علیک

این که حضرت شعیب(ع) بلافاصله اعلام می کند من قصد ندارم بر تو سخت بگیرم، در بردارنده نوعی درخواست از سوی شعیب(ع) است که موسی(ع) پیشنهاد او را رد نکند.

رد پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۹ - ۳

۳ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر سازش نکردن با کافران تکذیب گر و نپذیرفتن هر گونه پیشنهاد سازش

فلاتطع المکذبین . ودّوا لوتدهن فیدهنون

رد پیشنهاد لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۹ - ۱،۳

۱ تبه کاران قوم لوط ، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هؤلاء بناتى هنّ أطهر لكم .. قالوا لقد علمت ما لنا فى بناتك من حق

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ،

دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

رد پیشنهاد متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۹

۹ - فرمان خدا به پیامبر (ص) ، در رد پیشنهاد غایبان از حدیبیه ، برای شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تَبِعْكُمْ .. قل لن تَبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ

<لن تَبِعُونَا> می تواند اخبار در مقام انشا باشد.

روش ارائه پیشنهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۲

۱۲ توجیه پیشنهاد ها و توصیه ها با بیان فرجام و نتیجه آنها ، امری شایسته و نیکوست .

لَا تَأْتِيَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْتِيَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ

جمله <إِنَّهُ لَا يَأْتِيَسُ ..> تعلیل برای <لَا تَأْتِيَسُوا...> است. یعقوب(ع) توصیه خویش (مأیوس نشدن از رحمت الهی) را با بیان فرجام آن (سقوط به ورطه کفر) تعلیل و توجیه کرد و این درسی است برای همگان که توصیه و یا فرمان خویش را با دلیل و بیان فرجام آن قرین سازند.

فلسفه پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۴،۶

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لَا تَقْتُلُوا يَوْسُفَ .. وَ الْقَوْهَ فِي غِيَّتِ الْجَبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ

مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (يلتقطه بعض السیارة) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف (ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید .

يلتقطه بعض السیارة

التقاط (مصدر يلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

قبول پیشنهاد اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۱

۱ - پیشنهاد مشاوران مبنی بر فراخوانی ساحران از همه شهر ها ، مورد پذیرش فرعون

قالوا .. و ابعث فی المدائن ... فجمع السحرة

قبول پیشنهاد خواهر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۸

۸ - دایه پیشنهادی خواهر موسی ، از سوی درباریان فرعون پذیرفته و از وی استقبال شد .

هل أدلکم علی من یکفله فرجعناک إلی أمک

<فاء> در <فرجعناک> فصیحه است؛ یعنی، از جملاتی محذوف خبر می دهد که از پذیرش پیشنهاد خواهر موسی حکایت دارد.

قبول پیشنهاد دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - احترام گذاشتن و ترتیب اثر دادن به نظرات و پیشنهاد های دختران ، رفتاری پسندیده برای پدر

قالت إحدیهما یأبت استئجره .. القویّ الأمين

قبول پیشنهاد دختر شعیب(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۹

۹ - استقبال شعیب (ع) از پیشنهاد دختر خویش برای استخدام موسی (ع)

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينِ

سکوت شعیب(ع) در برابر پیشنهاد دختر خویش، نشانگر پذیرفته شدن آن از سوی وی می باشد. آیه بعد نیز گویای همین مطلب است.

قبول پیشنهاد شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۱

۱ - پذیرفته شدن پیشنهاد شعیب (هشت تا ده سال کار در قبال ازدواج) از سوی موسی (ع)

قال إني أريد... أئما الأجلين قضيت فلاعدون علي

قبول پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکستن یوسف (ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لاقتلوا يوسف و ألقوه في غيب الجب .. قالوا ياأبانا ما لك

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه في غيب الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

قبول پیشنهاد موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۱ - ۱

۱ - موافقت فرعون با پیشنهاد موسی (ع) مبنی بر ارائه دلیل محسوس و روشن بر صدق رسالت خویش

قال أولو جئتک بشیء مبین . قال

فأت به

یوسف(ع) و پیشنهاد برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱

۱ یوسف (ع) پیشنهاد فرزندان یعقوب (بازداشت یکی از آنان به جای بنیامین) را نپذیرفت .

فخذ أهدنا مكانه .. قال معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا

<معاذ> مصدر میمی و مفعول مطلق برای فعل محذوف است (نعوذ بالله معاذاً). عبارت <أن نأخذ> به تقدیر <من> و متعلق به <معاذ الله> می باشد. بنابراین جمله <معاذ الله أن نأخذ...> یعنی، به خدا پناه می بریم پناه آوردنی از اینکه بگیریم (بازداشت کنیم) مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافتیم.

پیشینه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشینه

آثار جهل به پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۵

۵ - مشخص نبودن پیشینه زندگی شخص ، مانع از پذیرش ادعای او در رابطه با نبوت و وحی

أم لم يعرفوا رسولهم فهم له منكرون

آثار حسن پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۷

۷ حسن سابقه افراد از نشانه های بی گناهی آنان است .

لقد علمتم .. و ما كنا سارقین

آثار سوء پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۶

۶ سوء سابقه افراد ، کافی در لزوم احتیاط و باور نکردن به قول و قرار ایشان

هل ءامنکم علیه إلا کما أمتکم علی أخیه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ -

۸ سوء پیشینه افراد ، مجوز بازداشت و بازجویی آنان به مجرد سوء ظن به ایشان

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۲ - ۲

۲ - گذشته نادرست افراد ، مانع از گرایش آنان به صلاح و پذیرش ایمان نیست .

واتبعك الأردلون . قال و ما علمی بما كانوا يعملون

مراد از <ما كانوا يعملون> به قرینه <الأردلون> و نیز آیه بعد کردار ناصواب است؛ نه صرفاً مشاغل پایین اجتماعی؛ زیرا اگر مراد صرف مشاغل بود، گناهی متوجه آنان نبود که محاسبه آن برعهده خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۶

۶- تکذیب آیات الهی ، زشت کاری و سوء پیشینه ، زمینه های نزول عذاب الهی و هلاکت

الذین کذبوا بآیتنا إنهم كانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

ادعای پیشینه برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲- کافران ، مدعی دروغ بودن قرآن و پیشینه داشتن آن

فسیقولون هذا إفک قدیم

اهمیت پیشینه مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۵

۵ ضرورت توجه به پیشینه افراد در اعتماد به آنان و اعطای مسؤولیت به ایشان

هل ءامنکم علیه إلا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

پیشینه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۴

۴ خداوند ، پیامبران را از میان انسانهایی که خوش نام و

به نیکی معروفند ، انتخاب می کند .

قد كنت فينا مرجوًّا قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱۶

۱۶ خداوند ، پیامبران را از میان انسانهایی که به نیکی معروفند ، انتخاب می کند .

إنك لأنت الحليم الرشيد

پیشینه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۱ - ۳

۳ - جهنم ، از دیرباز آفریده و مهیّا شده است .

إن جهنم كانت مرصداً

فعل ماضی <کانت>، ممکن است بر حتمی بودن حوادث آینده دلالت کند. هم چنین می تواند بر زمان گذشته و مهیّا بودن جهنم در آن دلالت داشته باشد. برداشت یاد شده بر مبنای دوم است.

پیشینه حق ناپذیری مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - حق ناپذیری و ایمان نیاوردن مردم مصر در عصر موسی (ع) ، دارای پیشینه در تاریخ گذشته آنان و به ارث رسیده از اجدادشان

لقد جاءكم يوسف من قبل .. فمألتم في شكّ ممّا جاءكم به حتّى إذا هلك قلمن لن بيع

پیشینه کفر به رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توجه به سابقه دار بودن امتناع کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و کتاب های آسمانی ، تسلا بخش پیامبر (ص)

لم یکن . . . منفکین ... و ما تفرق الذين اوتوا الكتب إلا من بعد ما جاءتهم ال

پیشینه کفر به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۷

۷ - توجّه به سابقه دار بودن امتناع کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و کتاب های آسمانی ، تسلّابخش پیامبر (ص)

لم یکن ... منفکین ... و ما تفرّق الذین أوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم ال

پیشینه همراهی محتضر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۴ - ۳

۳ - حضور نزدیکان در کنار شخص به هنگام احتضار وی ، دارای سابقه در تاریخ

إذا بلغت الحلقوم . و أنتم حينئذ تنظرون

حسن پیشینه برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۳،۶

۳ فرزندان یعقوب نزد کارگزاران یوسف به حسن سابقه و منزّه بودن از فساد و سرقت شناخته شده بودند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

۶ فرزندان یعقوب با بیان حسن پیشینه خویش و منزّه بودنشان از سابقه سرقت ، متهم شدنشان را به سرقت جام شاهی امری

نابجا شمردند .

لقد علمتم .. ما كنا سرقین

حسن پیشینه متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۶ - ۴

۴ - پیشینه درخشان تقوایندگان و پایندی آنان بر نیکی و احسان ، مایه دستیابی آنان به بهشت و هدایای پروردگار

ءاخذین ما ءاتیهم .. إئهم كانوا قبل ذلک محسنین

حسن پیشینه متهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۶

۶ سابقه نیک متهمان و سوگند آنان بر بی گناهی ، مانع جواز

بازرسی و تحقیق درباره اتهام آنان نمی شود .

قالوا تالله لقد علمتم .. فما جزؤه إن كنتم كذبین

از آن جا که کارگزاران یوسف به حسن سابقه فرزندان یعقوب اعتنایی نکردند و به سوگند آنان بر بی گناهی خویش وقعی نهند ، می توان برداشت فوق را استفاده کرد .

حُسن پیشینه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۴

۴- مریم (س) ، دارای گذشته ای درخشان و خالی از هرگونه انحراف از مسیر قدس و پاکی بود .

قالت أنى يكون لى غلم .. و لم أك بعثاً

<بعثى> به زنی گفته می شود که با نامحرمان، تماس نامشروع داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۴

۴- مریم (س) ، نزد قوم خود ، دارای پیشینه ای سالم و پاک و عاری از هرگونه بدنامی بود .

قالوا یمریم لقد جئت شیئاً فریاً

<فریاً> دال بر آن است که مردم به تصور واهی، مریم(س) را خطاکار دانسته، از این عمل شگفت زده شده و آن را قطع روند گذشته مریم دانستند؛ بنابراین سابقه او نزد مردم سابقه ای نیکو بوده است.

حُسن پیشینه والدین مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۵

۵- پدر و مادر مریم (س) میان مردم زمان خود ، به پاکی و صلاح مشهور بودند .

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بعثاً

ذکر پیشینه کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه

۷- توجه به سابقه دار بودن امتناع کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و کتاب های آسمانی ، تسلا بخش پیامبر (ص)

لم یکن .. منفکین ... و ما تفرق الذین اوتوا الکتب الا من بعد ما جاءتهم ال

سوء پیشینه قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱۰

۱۰- پیشینه جامعه لوط در فسق و انحراف ، زمینه ساز روی آوردن آنان به کردار پلید و ناشایست و نپذیرفتن دعوت حضرت لوط (ع)

تعمل الخبث اِنَّهم كانوا قوم سوء فسقین

جمله < اِنَّهم كانوا .. > به منزله تعلیل برای جمله < تعمل الخبث > می باشد. بنابراین فسق (عصیان و انحراف از مسیر حق) موجب رویکرد قوم لوط به خبث و ناپاکی ها گردید. گفتنی است فعل < كانوا > که مفید استقرار وصف است بیانگر تداوم فساد در میان قوم لوط در گذشته است.

سوء پیشینه قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۴،۵

۴- سابقه زشت کاری قوم نوح ، زمینه ساز تکذیب آیات الهی از سوی آنان بود .

الذین کذبوا بآیتنا اِنَّهم كانوا قوم سوء

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله < اِنَّهم كانوا .. > در مقام تعلیل برای جمله پیشین باشد. گفتنی است فعل < كانوا > که مفید استقرار وصف است بیانگر دوام وصف سوء در میان قوم نوح است و از آن جایی که فعل ماضی است، از آن به سوء سابقه تعبیر شده است.

۵- خداوند ، تمامی افراد قوم نوح را به خاطر تکذیب

آیات الهی ، زشت کاری و سوء پیشینه غرق کرد .

الذین کذبوا بآیتنا إناهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله <إناهم کانوا..> ضمن این که تعلیل برای جمله پیشین است، مقدمه ای برای جمله <فأغرقناهم...> نیز باشد.

عفو از سوء پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ - پیامبر (ص) ، موظف به پذیرش بیعت متعهدان به شرایط ایمان ، با وجود پیشینه ناشایست آنان

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ .. فَبَايَعَهُمْ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمَ اللَّهُ

از سیاق آیه و شرایط تاریخ نزول آن، استفاده می شود که برخی از زنان بیعت کننده، خطاهایی در گذشته داشته اند که چه بسا پذیرش بیعت آنان دشوار می نموده است؛ ولی خداوند به پیامبر(ص) فرمان داده تا بیعت ایشان را بپذیرد و برای آنان طلب آمرزش کند.

فراموشی پیشینه برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۷

۷ یوسف (ع) از برادرش بنیامین خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

ممنوعیت تجسس از پیشینه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۲ - ۴

۴ - هدایتگران و مبلغان الهی ، نباید در باره زندگی خصوصی گذشته گروندگان به دین تحقیق کنند .

قال و ما علمی بما کانوا یعملون

نقش پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ -

۴ - گذشته زندگی هر فرد ، از ملاک های قابل اتکا در داوری نسبت به آینده وی *

و ما ينطق عن الهوى

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مقدم یاد شدن <ما ضلّ> (با صیغه ماضی) قبل از <و ما ينطق> (با ساختار مضارع) که بیانگر استمرار است و نظر به آینده دارد به مطلب بالا اشاره داشته باشد یعنی، کسی که از آغاز تا کنون پاک و شایسته بوده در آینده نیز پاک خواهد زیست.

پیشینیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشینیان

آثار گناه پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۵

۵ عذاب نازل شده بر متمردان بنی اسرائیل ، سزای گناهان پیشین آنان و گناه رعایت نکردن آداب مقرر شده برای ورود به بیت المقدس

فبدل الذين ظلموا منهم ... فأرسلنا عليهم رجلاً من السماء بما كانوا يظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ظلم و گناه در <بما كانوا يظلمون> غیر از گناهی باشد که جمله <فبدل ... > بیانگر آن است. بنابراین تفریح <فأرسلنا ... > بر <فبدل ... > می رساند که عذاب به خاطر تبدیل فرمان الهی بوده و <باء> سببه در <بما كانوا... > می رساند که عذاب به سبب ظلم و گناه سابق بنی اسرائیل بوده است. یعنی گناه تبدیل، به ضمیمه گناهان سابق باعث ارسال عذاب بر آنان شد.

ارزش رسوم پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ استناد به سنن پیشینیان در تعیین ارزشها، مخالف اخلاص در عبودیت خداوند است.

عليها ءاباءنا. .. و ادعوه مخلصين له الدين

اطاعت از رسوم پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۴

۴ لزوم پیروی از سنن و قوانین صحیح پیشینیان

و يهدىکم سنن اللّٰدين من قبلکم

افسانه های پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۴

۴ کافران مکه معارف قرآن را نوشتارها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند .

إن هذا إلا أسطير الأولين

<اساطير> به معنای نوشتارهای بی اساس است و <الأولین> به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که <اساطير الأولین> می تواند به این معنا باشد که این اسطوره ها در باره انسانهای اولیه است و می تواند به این معنا باشد که اینها اسطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

بدعت در پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱۳

۱۳ احکام ویژه بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی بدعتهایی دیرینه و میراثی به جا مانده از مردمانی نادان و گمراه .

ما جعل الله من بحيره . .. قالوا حسبنا ما وجدنا عليه ءاباءنا

تاریخ پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ بیان سرنوشت شوم بدکاران و تحلیل تاریخ گذشتگان ، از روش های قرآن برای هدایت بشر و بازداري آنان از رفتار های ناپسند

قل هل انبئکم بشرّ من ذلک مثوبه عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ -

۱ توبیخ کافران به آیات الهی به جهت تدبر نکردن در تاریخ و درس نگرفتن از سرنوشت هلاکتبار امتهای گذشته

ألم یروا کم أهلكنا من قبلهم من قرن

تبیین رسوم پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۱۱، ۳، ۲

۲ اراده خداوند بر تبیین سنت های اقوام گذشته برای مردم

یرید الله لیبین لکم . . سنن الذین من قبلکم

بنابر اینکه <سنن الذین>، مفعول <لیبین> نیز باشد. یعنی هر دو فعل <لیبین> و <یهدیکم> از باب تنازع در <سنن> عمل کرده باشند.

۳ بیان احکام از سوی خداوند ، در جهت تبیین سنت های صحیح پیشینیان *

یرید الله لیبین لکم و یهدیکم سنن الذین من قبلکم

در برداشت فوق جمله <یهدیکم>، غایت بیان احکام گرفته شده است و با توجه به کلمه <یهدیکم>، مراد از سنتهای پیشینیان، آداب و احکام صحیح آنان می باشد که خداوند با بیان احکام خویش آنها را به مخاطبان می شناساند.

۱۱ تبیین احکام و ارائه سنن پیشینیان از سوی خداوند ، برخاسته از علم و حکمت او

یرید الله . . و الله علیم حکیم

تذکر سرنوشت پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۵

۵ توجه دادن مردم به نعمت های الهی و سرنوشت پیشینیان ، از روش های تبلیغی صالح (ع) برای گرایش دادن آنان به پرستش خدای یگانه

و اذكروا إذ جعلكم خلفاء .. فاذكروا ءالاء الله

تقلید از پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۲

تقلید از سنتهای زشت پیشینیان، امری نکوهیده در بینش الهی

و إذا فعلوا فحشه قالوا وجدنا علیها ءاباءنا

جانشینی از پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۹، ۱۴

۹ اگر خداوند بخواهد نسلی از آدمیان را قبل از موعد طبیعی خود نابود می سازد و نسلهای دیگری را جایگزین آن می کند.

إن یشأ یدهبکم و یتخلف من بعدکم ما یشاء

چون آمد و شد نسلها امری عادی و طبیعی است، جمله <إن یشأ ..> باید بیان امری خلاف عادت و سیر طبیعی باشد. از موارد محتمل آن است که نسلی قبل از درنگ عادی خود از صحنه تاریخ حذف و نابود گردد.

۱۴ پدید آوردن نسلها و جوامع موجود به جای اقوام پیشین، نشان قدرت الهی بر نابود ساختن جوامع ستم پیشه

إن یشأ یدهبکم .. کما أنشأکم من ذریه قوم ءاخرین

رسوم پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱۰، ۱۱

۱۰ احترام و اهمیت دادن به سنت های پیشینیان از عوامل گرایش جوامع به خرافات

ما جعل الله من بحیره .. قالوا حسبنا ما وجدنا علیه ءاباءنا

۱۱ وفاداری جوامع به آراء و اندیشه های باطل پیشینیان، جلوگیری بروز اندیشه های نو و بر حق در میان آنان

و إذا قیل لهم تعالوا .. قالوا حسبنا ما وجدنا علیه ءاباءنا

عبرت از پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ ضرورت پندآموزی و عبرت گیری ، از سرنوشت گذشتگان

يسئلك اهل الكتب ..

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّعِقَةَ بظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۲ - ۸

۸ لزوم عبرت گیری از سرگذشت پیشینیان

قد سألها قوم .. ثم اصبحوا بها كفرين

عبرت از سرنوشت پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۶

۶ مطالعه سرنوشت پیشینیان ، تأثیری بسزا در پندگیری انسان دارد .

إذ جعلكم خلفاء من بعد عاد

عذاب پیشینیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۱

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و توان درک معارف دینی از آنان سلب شد .

أو لم يهد للذين يرثون .. أن لو نشاء أصبئهم بذنوبهم و نطبع على قلوبهم

عقیده پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ پیروان ادیان الهی در خطر پیروی از عقاید پوچ و تمایلات هواپرستانه گذشتگان خویش

و لا تتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل

علم به پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۴ - ۱،۲

۱- خداوند ، بی تردید به احوال نسل های پیشین و نسل های آینده ، آگاه است .

و لقد علمنا المستقدمین منکم و لقد علمنا المستأخرین

مقصود از علم خداوند به پیشینیان و آیندگان، می تواند علم به وجود خود آنان باشد و می تواند علم به احوال آنها باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۲- به یقین ، خداوند به

نسل های پیشین و به وجود نسل های آینده بشر ، آگاه است .

و لقد علمنا المستقدمين منكم و لقد علمنا المستخرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۵ - ۸

۸- به دست خداوند بودن مرگ و حیات انسان ها ، دلیل علم او بر احوال انسان ها در گذشته و آینده

و إنا لنحن نحى و نमित .. و لقد علمنا المستخرين . و إن ربك هو يحشرهم

برداشت فوق، بر این احتمال که ذکر <إنا لنحن نحى و نमित> قبل از <و لقد علمنا..> و ذکر <إن ربك هو يحشرهم> پس از آن، می تواند به منظور اقامه دلیل برای آن باشد. طبق این احتمال، معنای آیه چنین می شود: ما به احوال پیشینیان و آیندگان آگاهی داریم؛ چرا که خود ما میراننده و زنده کننده همه هستیم.

عوامل ابتلای پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۲ - ۳

۳ گرفتاری امتهای گذشته به سختیها و کاستیها بر اثر مخالفت با انبیای الهی

و لقد أرسلنا إلى أمم من قبلك فأخذناهم بالبأساء والضراء

با توجه به آیات قبل، که درباره تکذیب آیات الهی و انبیا بود، می توان گفت جمله <فأخذناهم> نتیجه تکذیب آنان است؛ یعنی: <فکذبوا فأخذناهم>.

فرجام پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۳

۳ لزوم تحقیق در سرگذشت امت های پیشین و پندآموزی از تاریخ آنان

سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ .. فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۳

۳ آگاهی کافران عصر پیامبر(ص) از سرنوشت امتهای پیشین

ألم یروا کم أهلكنا من قبلهم من قرن مکنهم فی الأرض

از اینکه می فرماید <ألم یروا>، معلوم می شود تاریخ گذشتگان در دسترس کافران بوده و از آن اطلاع داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۴

۴ پندناپذیری مردم از عاقبت شوم گذشتگان، امری نابخردانه و شگفت آور

أو لم یهد للذین یرثون .. أن لو نشاء أصبنهم

همزه استفهام در <أو لم یهد> برای تعجب است. یعنی عقل اقتضای پندپذیری دارد و از انسان مدعی عقل شگفت آور است که پند نگیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۳

۳ گرفتار شدن به سرنوشت شوم پیشینیان، تهدید الهی نسبت به کافران ستیزه گر علیه اسلام

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جواب شرط <إن یعودوا ... > حذف شده و جمله <فقد مضت ... > جانشین آن می باشد و تقدیر کلام چنین است: <و

إن یعودوا فانتقمنا منهم کما انتقمنا من الأولین ... >

قصه پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۱

۱ خداوند بیان کننده داستانهایی از سرگذشت اقوام پیشین برای پیامبر (ص)

تلک القرى نقص علیک من أنبائها

کتب آسمانی پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۶

۶ اعطای کتاب آسمانی به امت های پیش از

و لقد وصينا الذين اتوا الكتب من قبلكم

لعن بر پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها .. قالت أخرجهم لأولئهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب <ادخلوا> به قرینه آیه ۳۵ همه بنی آدم باشد، مراد از <أمم قد خلت ..> انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده و می آیند، مقصود از <أمم> امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از <امت اولی> نسل قبل و مراد از <امت آخری> نسل بعدی می باشد.

پیمانه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیمانه

پیمانه در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳ - ۴

۴ - پیمانه و ترازو ، دو ابزار معتبر برای سنجش کالا و مرسوم در عصر بعثت

و إذا كالوهم أو وزنوهم

پیمانه در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ وجود وزن و کیل رسمی و قانونی در مصر زمان یوسف *

قالوا نفقد صواع الملك

اضافه <صواع> به <ملك> (پیمانہ پادشاه) می رساند که آن پیمانہ را پادشاه تعیین کرده بود ;

چه برای همه اشیا یی که با پیمانۀ کردن داد و ستد می شد و چه برای خصوص پیمانۀ کردن سهمیه غلات افراد در زمان قحطی.

پیمانۀ در معاملۀ

جلد - نام سورۀ - سورۀ - آیۀ - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۶،۷

۶ پر کردن پیمانۀ ها و مطابق بودن کالا با وزنۀ های ترازو، امری واجب در مبادله کالاها

و أوفوا الكيل و الميزان

<کیل> به معنای پیمانۀ کردن و نیز به چیزی که با آن کیل می کنند (پیمانۀ) گفته می شود و در اینجا مراد معنای دوم است. ایفاء (مصدر اوفوا) به معنای اکمال و اتمام است. اتمام و اکمال پیمانۀ به این است که پیمانۀ مورد استفادۀ تا حد معمول آن پر شود و ایفاء و اکمال ترازو به این است که کالای توزین شده مطابق با وزنۀ های ترازو بوده و کمتر از آن نباشد.

۷ در مبادله کالا باید از پیمانۀ و ترازو و وزنۀ های صحیح استفادۀ کرد.

و أوفوا الكيل و الميزان بالقسط

<میزان> به ترازو و نیز وزنۀ های آن گفته می شود. <بالقسط> هم می تواند برای <أوفوا> باشد، که در این صورت قیدی توضیحی و برای تأکید است، و هم می تواند قید برای کیل و میزان باشد. یعنی پیمانۀ، ترازو و وزنۀ ها باید متعادل بوده، پیمانۀ کوچکتر از حد متعارف نباشد و ترازو خراب نبوده و وزنۀ ها کاستی نداشته باشد.

پیمانۀ دوران قحطی مصر باستان

جلد - نام سورۀ - سورۀ - آیۀ - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۳

۳ جام شاهی، وسیلۀ پیمانۀ کردن غلات برای تعیین سهمیه افراد در

دوران قحطی هفت ساله مصر

جعل السقايه فی رحل أخيه .. . نفقد صواع الملك

تعبیر کردن از جام گمشده به <سقایه> (جام) و <صواع> (پیمانہ) گویای این است که پیمانہ مورد استفاده برای تعیین سهمیه افراد، همان ظرفی بود که پیش از سپردن آن به یوسف (ع) برای نوشیدن آب و مانند آن مورد استفاده پادشاه قرار می گرفته بود.

تاریخ پیمانہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۴

۴ وجود وزن و کیل رسمی و قانونی در مصر زمان یوسف *

قالوا نفقد صواع الملك

اضافه <صواع> به <ملك> (پیمانہ پادشاه) می رساند که آن پیمانہ را پادشاه تعیین کرده بود / چه برای همه اشیایی که با پیمانہ کردن داد و ستد می شد و چه برای خصوص پیمانہ کردن سهمیه غلات افراد در زمان قحطی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۲ - ۲

۲ - سابقه دیرینه تجارت و سنجش کالا با پیمانہ

اكتالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۳ - ۴

۴ - پیمانہ و ترازو ، دو ابزار معتبر برای سنجش کالا و مرسوم در عصر بعثت

و إذا كالوهم أو وزنوهم

شعیب (ع) و پیمانہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲۷

۲۷ > عن علی ابن الحسین (ع) قال : إن أوّل من عمل المکیال والمیزان شعیب النبی (ع) عمله بیده . . . ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است که فرمود: اول کسی که ابزار کیل

و وزن ساخت، شعیب پیغمبر بود و با دست خود آن را ساخت.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌ات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹